

افغانستان

Afghanistan





کشور
آشنایات
و

فصل اول

۱ کلیات

۱.۱ نگاهی اجمالی به افغانستان

افغانستان کشوری در آسیای جنوبی و پایتخت آن از سال ۱۷۴۷ تا ۱۷۷۵ قندهار و از سال ۱۷۷۵ تاکنون کابل می باشد . نام رسمی افغانستان جمهوری اسلامی افغانستان است . دین رسمی افغانستان دین مقدس اسلام و زبان رسمی آنها پشتو و دری (فارسی) می باشد ، زبانهای رایج پشتو ، فارسی، ازبکی، ترکمنی ، نورستانی ، بلوچی ، پشه ای و ... است . مساحت افغانستان ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع است. که از نظر مساحت در جهان مقام چهارم و در قاره آسیا جایگاه یازدهم را دارا می باشد. حداکثر طول آن از منتهالیه شمال شرقی تا انتهای جنوب غربی ۹۱۲ کیلومتر است . طول مرزهای مشترک با کشورهای همسایه به ترتیب با پاکستان ۲۴۳۰ ، ایران ۹۳۶ ، تاجیکستان ۱۰۲۶ ، ترکمنستان ۷۴۴ ، ازبکستان ۱۳۷ ، چین ۷۶ کیلومتر می باشد . افغانستان یک کشور محاط در خشکی است، ولی در گذشته به خاطر راه ابریشم، کاروان های بازرگانی فراوانی از این کشور گذر می کردند. این



کشور دارای تاریخ و فرهنگ کهن و پر بار بوده و دانشمندان و شاعران گرانقدری را به جهان عرضه کرده است. دارای آب و هوایی خشک و تقریباً کم آب با تابستانی گرم و زمستانی سرد می باشد. طبق آمار سال ۲۰۰۵ دارای ۳۵ ولایت است. پرجمعیت ترین شهرهای افغانستان به ترتیب عبارتند از: کابل، قندهار، مزار شریف، جلال آباد و... واحد پول افغانستان افغانی (AFA) و هر صد هزار افغانی معادل یک لک می باشد.

کشور افغانستان عمدتاً کوهستانی و دارای دشتهایی هموار در بخشهای شمالی و جنوب غربی است. بلندترین نقطه این کشور از سطح دریا (نوشاخ) ۷۴۸۵ متر و پست ترین نقطه (آمودریا) ۲۵۸ متر می باشد. منابع طبیعی این کشور شامل گاز طبیعی، نفت، آهن، ذغال، مس، کرومیت، طلق، باریت، گوگرد، سرب، روی، نمک، سنگ های قیمتی و زینتی می باشد. طول و عرض جغرافیایی آن عبارت است از: (34°31' N 69°08' E).

۱,۲ دانستنیهای عمومی افغانستان:

نام عرفی: افغانستان

نام رسمی: جمهوری اسلامی افغانستان

نام بین المللی: AFGHANISTAN

دین رسمی: دین مقدس اسلام

زبان رسمی: زبان پشتو و دری (فارسی)

زبانهای رایج: پشتو، فارسی، ازبیک، ترکمنی، نورستانی، بلوچی، پشه ای و ...



موقعیت سیاسی: جنوب آسیا ، شرق ایران ، شمال و غرب پاکستان

موقعیت جغرافیایی: در جنوب غربی آسیا بین ۲۹ درجه و ۲۲ دقیقه و ۵۳ ثانیه و ۳۸ درجه و ۲۹ دقیقه و ۲۷ ثانیه عرض

جغرافیایی شمالی و بین ۶۰ درجه و ۲۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه و ۴۷ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول جغرافیایی شمالی واقع شده

است.

مساحت: مساحت افغانستان ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع است. که از نظر مساحت در جهان مقام چهارم و در قاره آسیا جایگاه یازدهم را

دارا می باشد. حداکثر طول آن از شرقی ترین نقطه تا غربی ترین نقطه جنوبی آن ۹۱۲ کیلومتر است

طول مرزهای مشترک با کشورهای همسایه: پاکستان ۲۴۳۰ ، ایران ۹۳۶ ، تاجیکستان ۱۰۲۶ ، ترکمنستان ۷۴۴ ، ازبکستان ۱۳۷

، چین ۷۶ کیلومتر .

آب و هوا: خشک و تقریباً کم آب ، دارای تابستان گرم و زمستان سرد .

قومیت ها و نژادها: پشتو، تاجیک، هزاره، ازبک.

جغرافیای انسانی: طبق آمار سال ۲۰۰۵ دارای ۳۵ ولایت است. پرجمعیت ترین شهرهای افغانستان به ترتیب کابل ، قندهار ، مزار

شریف، جلال آباد و ... هستند. روابط خویشاوندی و خانوادگی در میان مردم افغانستان بسیار نزدیک و صمیمانه است که نشانه

عواطف و احساسات عمیق خانوادگی است. هنوز در این کشور مشکلات اساسی میان مردم با قضاوت ریش سفیدان و بزرگان حل و

فصل می شود.

پایتخت: ۱- از سال ۱۷۴۷ تا ۱۷۷۵ قندهار ۲- از سال ۱۷۷۵ تا اکنون کابل

روز ملی: ۱۹ آگوست ۱۹۱۹.

تاریخ عضویت در سازمان ملل ۱۹۴۶ .



نوع حکومت: فعلاً بصورت ریاست جمهوری، به ریاست آقای حامد کرزای منتخب انتخابات عمومی و آزاد سال ۱۳۸۳ اداره می شود.

ملیت: افغان

مجلس نمایندگان افغانستان (ولسی جرگه): ۲۴۹ نفر

مجلس سنا افغانستان (مشرانو جرگه): ۱۰۲ نفر

واحد پول: افغانی (AFA) و هر صد هزار افغانی معادل یک لک می باشد.

دسترسی به خدمات پزشکی: یک پزشک برای ۵۰۰۰۰ نفر افغانی.

سال مالی: اول حمل هر سال خورشیدی (۲۱ مارچ)

وضعیت جغرافیایی ارضی: عمدتاً کوهستانی و دارای دشتهایی هموار در شمال و جنوب غربی .

ارتفاع از سطح دریا: مرتفع ترین نقطه : (نوشاخ ۷۴۸۵ متر) پست ترین نقطه (آمودریا ۲۵۸ متر)

منابع طبیعی: گاز طبیعی ، نفت ، آهن ، ذغال ، مس ، کرومیت ، طلق ، باریت ، گوگرد، سرب ،روی ، نمک ، سنگ های قیمتی و

زینتی.

زمین های قابل کشت: ۷۸۵۴۱،۷۵ کیلومتر مربع

زمین آبی: ۲۳۸۶۰ کیلومتر مربع

محیط زیست: فقدان آب آشامیدنی تصفیه شده کافی ، قطع درختان جنگلی ، فرسایش خاک و استفاده از سلاحهای سنگین و

استعمال مواد انفجاری فراوان در جنگ های چند ساله ، استفاده بی رویه از وسایل نقلیه و ماشین آلات در شهرها، به شدت محیط

زیست را آلوده ساخته است .

جمعیت: ۲۹۹۲۸۹۸۷ نفر



ساختار سنی: (۰-۱۴ سال ۴۴,۷٪) (مرد ۶۸۴۲۸۵۷) (زن ۶۵۲۴۴۸۵)

(۱۵-۶۴ سال ۵۲,۹٪) (مرد ۸۱۲۴۰۷۷) (زن ۷۷۱۳۶۰۳)

(۶۵ سال به بالا ۲,۴٪) (مرد ۳۵۳۱۹۳) (زن ۳۷۰۷۷۲)

رشد جمعیت: ۴,۷۷٪

میزان زاد و ولد: ۴۷,۰۲ در هر هزار نفر

میزان مرگ و میر: ۲۰,۷۵ در هر هزار نفر

میزان مهاجرت: ۲۱,۴۳ در هر هزار نفر

نسبت جنسیت:

هنگام تولد: ۱,۰۵ مرد / زن

زیر ۱۵ سال: ۱,۰۵ مرد / زن

۱۵-۶۴ سال: ۱,۰۵ مرد / زن

۶۵ سال به بالا: ۰,۹۵ مرد / زن

جمع کل: ۱,۰۵ مرد / زن

میزان مرگ و میر در هنگام تولد:

جمع کل: ۱۶۳,۰۷ مرگ در هر هزار تولد زنده

مرد: ۱۶۷,۷۹ مرگ در هر هزار تولد زنده

زن: ۱۵۸,۱۲ مرگ در هر هزار تولد زنده



امید به زندگی: کل جمعیت : ۴۲,۹ سال ، مردها : ۴۲,۷۱ سال زن ها : ۴۳,۱ سال

امراض عمده مسری: از طریق خوراک و آب : میکروبی و اسهال خونی ،هپاتیت A ، تیفوئید .

امراض مبتلابه: مالاریا

میزان سواد کلی: ۳۶٪ ، از مجموع ۵۱٪ مرد و ۲۱٪ زن (۱۹۹۹)

مهاجران بازگشته: از چهار میلیون مهاجرتاخران(۱۳۸۴) ۲,۳ میلیون بازگشته اند .

تقسیمات اداری: سی و چهار ولایت

استقلال: ۱۹ اگست ۱۹۱۹

تصویب قانون اساسی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۳ تا ۴ جنوری ۲۰۰۴ . امضا ۱۶ جنوری ۲۰۰۴

سن قانونی: ۱۸ سال

نرخ رشد اقتصادی: ۸٪

درآمد سرانه: ۲۰۰ دلار

ترکیب اقتصادی: کشاورزی ۳۸٪، صنعت ۲۴٪، خدمات ۳۸٪

نیروی کار: ۱۵ میلیون نفر

افراد بیکار: ۴۰٪

درصد شغل ها: کشاورزی ۸۰٪، صنعت ۱۰٪، خدمات ۱۰٪

جمعیت زیر خط فقر: ۵۳٪ (سال ۲۰۰۳)

نرخ تورم مواد مصرفی: ۱۶,۳٪ (۲۰۰۵)



بودجه: (۲۰۰۴-۲۰۰۵) ۸۳۰ میلیون دلار امریکایی .

درآمد: ۲۶۹ میلیون دلار

هزینه ها: ۵۶۱ میلیون دلار

محصولات: گندم ، میوه ها ، خشکبار ، پشم ، گوشت و پوست گوسفند ، پوست قره قل

صادرات: بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت اقتصاد صادرات افغانستان در سال جاری به حدود ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است.

محصولات کشاورزی و صنایع دستی

واردات: واردات افغانستان در سال جاری (۱۳۸۴) حدود ۲/۲ میلیارد دلار تخمین شده است. نفت، کالاهای سرمایه‌ای، محصولات

غذایی و کالاهای مصرفی، ماشین‌های الکتریکی و غیر الکتریکی.

عوايد خالص در سال ۱۳۸۴ از ناحیه تجارت: حدود ۶۳۷ میلیون افغانی بوده است.

درآمد ناشی از مواد مخدر در سال ۱۳۸۴: ۲/۲ میلیارد دلار

صنعت: به مقدار کم، پارچه - صابون - میلمان - کفش - کود شیمیایی - سیمان - قالی دست باف - گاز طبیعی - ذغال سنگ

- مس

تولیدات برق: ۹۰۵ میلیون کیلو وات ساعت (۲۰۰۳)

مصرف برق: ۱۰۴۲ میلیارد کیلووات ساعت (۲۰۰۳)

واردات برق: ۲۰۰ میلیون کیلو وات ساعت

تولیدات گاز طبیعی: ۲۲۰ میلیون متر مکعب (۲۰۰۱)

مصرف نفت: ۵۰۰۰ بشکه در روز



ذخیره ثبت شده گاز: ۴۹,۹۸ میلیارد متر مکعب (۱ جنوری ۲۰۰۲)

شرکای صادراتی: پاکستان ۲۴٪، هند وستان ۲۱,۳٪، امریکا ۱۲,۴٪، آلمان ۵,۵٪ (۲۰۰۴)

شرکای وارداتی: پاکستان ۲۵,۵٪، امریکا ۸,۷٪، هندوستان ۸,۵٪، آلمان ۶,۵٪، ترکمنستان ۵,۳٪، کنیا ۴,۷٪، کره جنوبی

۴,۲٪، روسیه ۴,۲٪، ایران ۳,۱٪

بدهی خارجی: حدود ۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ و پانصد میلیون دلار بدهی به بانک های توسعه ای چند جانبه دارد. (۲۰۰۴) و بقیه به

کشورهای مختلف کمک کننده بعد از اجلاس « بن ».

دریافت کمک: در کنفرانس برلین (مارچ ۲۰۰۴) دریافت کننده ها متعهد شدند که برای افغانستان ۸,۷ میلیارد دلار برای سال

۲۰۰۴ تا سال ۲۰۰۹ - در کنفرانس لندن د تاریخ ۳۱ جنوری تا یک فیروری سال جاری (۲۰۰۶) برابر با ۱۱ تا ۱۲ جدی ۱۳۸۴

کشورها و موسسات کمک کننده متعهد شدند که برای افغانستان ۱۰,۵ میلیارد دلار برای پنج سال آینده پرداخت نمایند.

شاخص اقتصاد: ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ معادل ۲۱۰۰۰ میلیون دلار بوده است تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۱

معادل ۳,۰ میلیارد دلار بوده است.

نیروی کار: ۱۰ میلیون نفر سال (۲۰۰۰).

اشتغال: اشتغال در بخش کشاورزی ۷۰٪، صنعت ۱۵٪، خدمات ۱۵٪ می باشد.

نرخ تورم: ۳۵٪ درصد.

عضویت در سازمانهای بین المللی: جمهوری اسلامی افغانستان علاوه بر سازمان ملل متحد (UN) در بانک توسعه آسیا (ADB) ،

طرح کلمبو (CP) ، سازمان همکاریهای اقتصادی (ECO) ، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه

(ESCAP) ، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) ، گروه (G-77) ، آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) ، بانک



بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، جامعه بین‌المللی توسعه (IDA)، بانک توسعه اسلامی (IDB)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی ارتباطات دورماهورای (INTELSAT)، سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور (ITU)، جنبش عدم تعهد (NAM)، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، سازمان منع سلاحهای شیمیایی (OPCW)، کمیسیون تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)، سازمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) عضویت دارد.

۱,۳ زبان رسمی

زبان رسمی مردم این کشور فارسی دری و پشتو است. ۵۰ درصد از مردم به لهجه فارسی افغانستان (دری) صحبت می‌کنند. ۳۸ درصد از افغانها به لهجه «پشتو»، ۱۱ درصد به لهجه ترکی ازبکستان و ترکمنستان و مابقی به لهجه‌های اردو و بلوچی صحبت می‌کنند.

۱,۴ انواع زبان‌های موجود در افغانستان



افغانستان کشوری است با تنوع زبانی که هرچند شمار گویشوران برخی زبان‌های این کشور به مرور زمان کمتر و کمتر شده است؛ اما هنوز هم مردم آن به دهها زبان سخن می‌گویند. تنوع زبانی در افغانستان، دلایل متعددی دارد و از جمله، می‌توان به موقعیت خاص ژئوپولیتیک این کشور اشاره کرد.

همجواری با آسیای مرکزی، چین، هند و ایران کنونی موقعیت جغرافیایی خاص به افغانستان بخشیده که حتی در عهد باستان، در مسیر راه ابریشم قرار داشته و در نهایت با مهاجرت‌ها و تهاجمات اقوام گوناگون مواجه بوده است. این امر سبب شده است که افغانستان در طول تاریخ کهن خود دارای تنوع فرهنگی و زبانی گردد.

ساختمان و شکل اراضی، سلسله کوهها و پیچ و خم‌ها دره‌ها همانطوریکه محیطهای جداگانه‌ای را برای مردم پدید آورده است در اختلاف و تعداد زبانها و لهجه‌ها بی‌اثر نبوده، افغانستان از لحاظ تعداد زبان در ردیف کشورهای درجه یک جهان به حساب می‌آید. زبان‌شناسان اظهار می‌دارند که زبانهای رایج در افغانستان بسیار قدیمی بود و ریشه کهن دارند. در مورد شمار زبانهای رایج افغانستان در میان محققان و زبان‌شناسان، اختلاف نظرهای وجود دارد. برخی‌ها زبان‌های زنده این کشور را بیست زبان می‌دانند ولی برخی بیش از چهل زبان هم گفته‌اند.

دکتر مجاور احمد زیار، زبان‌شناس افغان می‌گوید: "به طور کل زبان‌های رایج افغانستان ۴۷ زبان است که در چهار گروه منقسم شده است."

هرچند که برخی محققان شمار گروه‌های زبانی افغانستان را بیش از این دانسته‌اند ولی در کل زبانهای رایج این کشور را در این چهار گروه می‌توان یافت. دکتر مجاور احمد زیار همچنان می‌افزاید:

"از جمله یک گروه آریایی است که شامل زبانهای دری، پشتو، بلوچی و دوازه - سیزده زبان پامیری می‌شود. گروه دوم گروه زبان



ترک و مغولی است که شامل زبانهای ازبکی، ترکمنی، قرغیزی، قزاقی، ایغوری و غیره می‌شود. گروه سوم گروه هند و آریایی است که شامل زبانهای گجراتی، سند، پنجابی و براهوی است و گروه چهارم گروه زبان سامی است که عبارت از عربی و عبری می‌باشد و در حال حاضر عبری در افغانستان موجود نیست چون گویشوران از افغانستان رفته‌اند.



۱.۵ انواع زبان‌های افغانستان

- پشتو
- دری
- بلوچی
- نورستانی
- زبان‌های پامیری
- پشه‌ای



• ترکمنی

• ازبکی

• قرغیزی

• قزاقی

• ایغوری

• گجری

بسیاری از کارشناسان به مسائل زبانی در افغانستان با توجه به نابسامانی های زبانی در این کشور معتقدند که در کنار رشد زبان های محلی افغانستان دولت این کشور باید برنامه هایی را در عرصه فرهنگ سازی و غنای زبان های موجود در این کشور آغاز کند.

در حال حاضر زبان های افغانستان به دلیل عدم رابطه با دیگر زبان های دنیا، که عمدتاً از راه ترجمه متون صورت می گیرد، به کمداشتهای فراوانی در عرصه واژگان و اصطلاحات علمی، فلسفی، اقتصادی و فرهنگی رو به رو است. بدون شک وحدت فرهنگی افغانستان که زبانهای زیادی دارد از راه هم نوائی و همراهی دو زبان رسمی یعنی پشتو و دری استحکام یافته است.

زبانهای دری و پشتو از جمله زبانهای آریایی هستند که از لحاظ ریشه جزء یک خانواده می باشند و طی قرنهای لغات و ترکیبات مشترک در این دو زبان راه یافته است. لغات عربی در این دو زبان به کثرت دیده می شود. تقریباً تمام قسمتهای افغانستان به



یکی از این دو زبان آشنایی دارند. مردمان مناطق لغمان ، لوگر، پروان ، غزنی، فراه علاوه بر زبان مادری ، با هر دو زبان پشتو و دری آشنایی کامل دارند.

۱.۵.۱ زبان پشتو

پشتو از جمله زبانهای قدیمی در افغانستان است که از نظر ریشه و صرف و نحو و زبان با زبان اوستایی نزدیکی دارد. در جریان تاریخ کلماتی از سانسکریت و هندی نیز داخل آن شده است. زبان پشتو در مناطق پشتون نشین (جنوب شرق، جنوب و جنوب غربی) کشور رایج است. لهجه های متفاوتی در زبان پشتو وجود دارد که به عبارت دیگر عبارتند از: الف: لهجه شرقی که بیشتر با تلفظ گ و خ همراه است. ب: لهجه غربی (قندهاری) که بیشتر با تلفظ چ و ش مکالمه صورت می گیرد پشتو که زبان فقط ۳۰ درصد از سکنه افغانستان است و در سال ۱۹۲۶ به عنوان زبان رسمی کشور در نظر گرفته شد.



۱,۵,۲ زبان دری

اکثر کتب قدیمی و ارزشمند با زبان کهن دری نوشته شده است. این زبان قرن‌ها متوالی، زبان فرهنگی بخش وسیعی از جهان، (آسیای میانه تا آسیای صغیر، تمام شبه قاره هند، ایران و افغانستان) بوده است. زبان دری دومین زبان دین مبین اسلام است. زبان دری با لهجه های مختلف غربی، شمال شرقی (بدخشان، کاپیسا، پروان) و لهجه مناطق مرکزی (هزاره گی) مورد استفاده قرار می گیرد. تقریباً ۹۰ درصد مردم افغانستان می توانند با این زبان تکلم نمایند.

۱,۵,۳ زبان بلوچی

این زبان از جمله قدیمی ترین زبانهای آریایی بوده و بلوچهای جنوب و جنوب غرب کشور (ولایت نیمروز) با آن تکلم می کنند. (بلوچهای پاکستان، ایران و نیمروز)

۱,۵,۴ زبان پشه ای

زبان پشه ای به گروه زبانهای هندی تعلق دارد و در بخشهای مرکزی، شرقی و جنوب شرقی افغانستان به این زبان صحبت می



شود.

دکتر مجاور احمد زیار، زبانشناس افغان از بیست گویش جداگانه در زبان پشه ای سخن می گوید. او می گوید: "زبان پشه ای زبانی است که جزء زبان های هندی به شمار می آید و به شاخه به نام "دردیک" تعلق دارد. "دردیک" زبانی است که تقریباً به بیست لهجه از آن در افغانستان تکلم شود و متکلمان این زبان تا منطقه کشمیر پراکنده است. اینها در گذشته ها همراه با هندی ها به آن سمت رفتند ولی دوباره برگشتند و در کوهپایه ها ماندگار شدند.

زبان پشه ای در برخی مناطق و ولسوالی های افغانستان بیشترین گویندگان را دارد، ولی شمار دقیق گویشوران آن تا هنوز مشخص نشده است ولی در مورد مناطقی که گویشوران پشه ای در آنها زندگی می کنند می توان از ولایت های کاپیسا، لغمان و ننگرهار نام برد که در بعضی ولسوالی های آن مردم تنها به زبان پشه ای تکلم می کنند.

زبان پشه ای براساس رسم الخطی که در چند دهه اخیر برای آن وضع کرده اند، دارای چهل و هفت صدا است که برخی صداهای آن با دیگر زبان های شاخه هند و آریایی تفاوت های دارد.

در زبان پشه ای حروفی است که در دیگر زبان ها نیست به طور مثال ما حرفی داریم که به شکل شین است ولی شین نیست و متفاوت است که در زبان های عربی و فارسی و پشتو وجود ندارد. به همین دلیل زبان شناسان برای این صوت نشانه ای خاصی را وضع کرده اند. یا الفی که در زبان پشه ای است به چندین لحن گفته می شود که به تایید زبان شناسان آلمانی نیز رسیده است در حال حاضر زبان پشه ای از زبان های فارسی و پشتو که در همسایگی آن قرار دارند تاثیر زیادی پذیرفته است.



رسم و رواج و فرهنگ مردم پشه ای نیز با سایر اقوام و ملیت ها تفاوت هایی دارد. به گونه مثال مردم پشه ای برای حل مشکلات خود نشستنی دارند که به آن "مارات" می گویند. "مارات" نشست بزرگان پشه ای است که شباهت های با جرگه در میان سایر اقوام افغانستان دارد. ازدواج نیز در میان مردم پشه ای با ویژگی های همراه است.

هرچند در بخشهای از ولایت نورستان هم به زبان پشه ای صحبت می کنند و برخی ها معتقد به قرابت هایی میان این زبان با زبان نورستانی هستند، ولی عزیزالله شلمچ، از محققان زبان نورستانی، این دو زبان را متفاوت می داند. او می گوید: "زبان پشه ای و نورستانی همزمان ایجاد شده اند، در کنار هم بوده اند ولی به دلایل متعدد این ها از هم دور مانده اند و به تدریج از یک ملیت به دو ملیت تبدیل شده اند و زبان آنها نیز کاملاً از هم متفاوت است."

از نگاه ساختار زبانی و ادبیات، این دو زبان کاملاً از هم متفاوت اند. دارای ساختار زبانی متفاوت و دستور زبان متفاوتند و دارای ذخایر فرهنگی متفاوتی نیز هستند. به همین دلیل این دو زبان کاملاً از هم مستقل هستند.

۱,۵,۵ زبانهای پامیری

پامیر، ناحیه کوهستانی بسیار مرتفع آسیای مرکزی است. زبانهای که در این منطقه به آنها سخن گفته می شود به نام زبانهای پامیری شهرت یافته اند.

قسمت اعظم این سرزمین متعلق به تاجکستان و قرقیزستان و قسمت هایی هم جز قلمرو افغانستان و پاکستان است. در شرق به



دشتها و ریگزارهای ترکستان چین منتهی شود و در شمال به فرغانه و از غرب با دره ها و جویبارهایی که در نهایت آمودریا از آنها تشکیل می شود، می رسد و در جنوب آن رشته کوه قره قرورم واقع است.

هفت زبان مستقل پامیری: شغنانی، واخان، سرغلامی، زیباکی، سنگلیچی، اشکاشمی

در مورد زبانهای موجود در کوهستان های پامیر میان زبانشناسان و محققان اتفاق نظر وجود ندارد، برخی ها زبانهای این ناحیه را هفت زبان مستقل می دانند.

زبان های پامیری از شاخه شرقی زبان های آریایی هستند. این زبان ها به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی کمتر مورد بررسی های زبانشناسان قرار گرفته اند.

دقیقا این زبان ها جز زبان های آریایی هستند ولی بدلیل کوچک شدن این زبانها پیوند آنها با زبان های بزرگ نظیر اوستایی، سانسکریت یا خوارزمی با تردید همراه شده است. برای پیدا کردن این پیوند باید تحقیقات دقیق و گسترده ای انجام شود.

۱,۵,۶ شغنانی:

شغنانی از زبانهای مطرح پامیری است که در مناطق شمال شرق افغانستان، جنوب غرب تاجیکستان و بخش های کوچکی از غرب چین به آن سخن می گویند. این زبان در زمان یفتلی ها و کوشانی ها از زبان های رایج بوده که تا هنوز روی آن تحقیق درستی صورت نگرفته است. البته شواهدی هم در این رابطه وجود دارد که مهمترین آن شهنامه است که در جایی می گوید:

کوشانی و شغنی و هری سرپاه

دگر گونیه جوشه دگر گون کلاه..."



براساس برخی شواهد تاریخی معلوم می شود که این زبان در سده های ششم و هفتم میلادی دارای آثار خطی بوده است. در زبان شغنایی آثاری به نظم و نثر وجود دارد و این موضوع سبب شده که این زبان همچنان زنده بماند. به این زبان رباعی زیاد گفته شده، ظرب المثل هم زیاد وجود دارد، شعاری به این زبان سروده شده زیاد گفته شده و حالا نیز سروده می شود.

۱،۵،۷ واخان:

وخی یا واخانی، از دیگر زبان هایی است که در ناحیه پامیر به آن سخن گفته می شود. این زبان علاوه بر این که در افغانستان گویسورانی دارد در کشورهای تاجیکستان، بخشهایی از چین و پاکستان و حتی ترکیه نیز به آن سخن می گویند. در افغانستان یک ولسوالی به همین نام مسمی است و مردم آن همه به زبان وخی صحبت می کنند. بیشتر از بیست هزار نفر در ولسوالی واخان زندگی می کنند که همه آنان به زبان واخانی تکلم می کنند. در تاجکستان و در چین نیز عده ای به این زبان سخن می گویند. همچنان در گوجال پاکستان و حتی حدود سی خانواده در ترکیه هم هستند که زبان شان واخانی است. البته که در ایران زبان ادبیات صرفا ادبیات شفافیه است. برخی زبانهای پامیری در حال حاضر از جمله زبانهای در حال انقراض و نابودی به شمار می روند. زبانهایی هم هستند که دیگر گویش _____ وری _____ دارد.



زبان سرغلامی در حال حاضر گویشوری ندارد و در کنار آن زبان زیبای که عده ای آنرا جز زبان پامیری می دانند هم در حال حاضر متکلمی ندارد. زبان سنگلیچی زبانی است که حدود پنجاه خانواده یا کمتر به آن سخن می گویند. زبان اشکاشمی در دو طرف آمو پراکنده است. در سمت تاجکستان گویشوران آن بیشتر اند ولی در افغانستان فقط در یک قریه باقی مانده اند.

۱،۵،۸ زبان نورستانی

نورستانی یکی از زبان های هند و آریایی است که در افغانستان و پاکستان به آن تکلم می شود. تعداد گویشوران این زبان حدود سی هزار نفر برآورد شده است. زبان نورستانی، تاریخ پنج هزار ساله دارد. زبان نورستانی از زمان باختر، از دوران پکتها آغاز می شود. نورستانی ها اولاد (فرزند) الینایاها اند که از همسایگان ده قبیله پکتها می باشد. که از همان زمان موجود بوده و با این زبان افهام و تفهیم شده است. در چند سال پیش، بیشتر گویشوران این زبان در ولایات کنر و لغمان افغانستان زندگی می کردند ولی پس از تاسیس ولایتی به نام نورستان، این مناطق جز قلمرو این ولایت قرار گرفت. سرگذشت نورستان:

این ولایت تا سال هزار و هشت صد ونود پنج میلادی به کافرستان معروف بود ولی پس از آن با یورش عبدالرحمان خان به این



منطقه، مردم آن به اسلام رو آوردند، نام کافرستان به نورستان تغییر یافت و زبان گویشوران آن هم نورستانی خوانده شد.

نورستان در ارتفاعات صعب العبور هندوکش در شمال شرق افغانستان و بخشهایی از پاکستان قرار گرفته و این زبان چندان برای زبانشناسان اروپایی شناخته شده نیست. این عوامل و مهمتر از همه تعداد محدود گویندگان زبان نورستانی باعث شده تا این زبان

در زمره زبان های در معرض خطر انقراض قرار گیرد.

برخی محققان مردم نورستان را به یونانی ها و اروپایی ها نسبت می دهند که می گویند در اثر مهاجرت ها به این منطقه کوچ

کرده اند.

زبان نورستانی ها بیشتر با ساخت و فرهنگ یونانی ها قابل تعریف است. بخشی از سپاه یونانی و کسانی که اساس حکومت های

یونان باختری را گذاشتند از جمله در مناطق امروزی نورستان جابجا شدند، به همین لحاظ زبان نورستانی را بدون فهم فرهنگ

یونانی نمی توان شناخت.

اما مارگین استرن در زمان امیر امان الله خان به نورستان رفت و روی زبان نورستانی کار کرد و متوجه شد که زبان نورستانی بیشتر

نزدیک به دیگر زبان های افغانستان است تا زبان یونانی و در مقاله ای که نوشت و در اروپا منتشر شد این غلطی خاور شناسان را

اصلاح کرد و گفت که نورستانی ها شاخه ای از تبار آریایی ها است و در همان زمانی که شاخه هندی ها از آریایی ها جدا شدند

نورستانی ها نیز همزمان از این شاخه جدا شدند. ولی آنان به هندوستان نرفتند و در همین کوهپایه ها جابجا شدند و به مرور زمان

این زبان به لهجه های مختلف صحبت می شده است.

از عادت مردم نورستان یکی هم این است که این مردم عمدتاً از چوکی و میز به جای فرش و قالین که در اکثر مناطق افغانستان

رواج دارد، استفاده می کنند. و این موضوع سبب شده که برخی ها گمان کنند که نورستانی ها منشا اروپایی دارند.

گفته می شود نورستان در گذشته ها سرزمینی نسبتاً پهناور بوده ولی در اثر جنگها به دره های کوچک تقسیم شده است.

دارد که مخـتـص بـه زبـان نورسـتـانی اسـت.

به نسل های آینده منتقل کند.

زبان _____ رَدی در کاب _____ ل

زبان ترکی در افشار آذربایجان و افشار کابل



کشور

معدنی

اكتشافات

۱,۵,۹ نقشه پراکندگی انواع زبانهای مختلف در افغانستان



سازمان

نقشه پراکندگی زبانهای افغانستان



۱،۶ پایتخت

وقتی که سلطنت به احمدشاه درانی رسید، وی توجه به کابل نمود و خواست آن را مرکز دولت خود قرار بدهد. چنان برای همین مطلب در سال ۱۱۴۴ امر احداث یک دیوار بزرگ را در شهر داد. این دیوار در ظرف ۴ ماه آباد گردید. تیمورشاه پس از تنظیم قندهار در سال ۱۱۹۵ ه. ق. رسماً کابل را پایتخت ساخت و از آن تاریخ تا امروز کابل مرکز و پایتخت افغانستان است.

کابل یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیاست. در کتاب مقدس ویدا به نام کبه Kabha و در پارچه‌های اوستا از آن به نام کوب‌ها Kobaha یاد می‌شود. نویسندگان کلاسیک یونانی آن را کوفن Kophen یا کوفس Kophfs و کووا ثبت کرده و هم‌چنان مردم فارس و ارستو این شهر را خوسپس Khoaspes خوانده‌اند.

از سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۷ میلادی) به بعد حکومت مستقل افغانستان را همواره دو خانواده از طایفه ابدالی در دست داشته‌اند. از سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۷ میلادی) تا ۱۲۵۱ هجری قمری (۱۸۳۵ میلادی) تاج و تخت این کشور در دست سدوزاییها بود؛ و از آن پس به خانواده محمدزایی که از همان طایفه بودند تعلق گرفت.

احمدخان سدوزایی دست به یک پارچه ساختن مملکت زد، کابل را تصرف نمود. همه سرزمینهای واقع در غرب رود سند را، از کشمیر تا دریای عمان، با پذیرفتن انواع مشکلات از دست مغولان هند باز پس گرفت. پسر دوم و جانشین احمدشاه، یعنی تیمورشاه، پایتخت خود را از قندهار به کابل انتقال داد و مدت بیست سال از ۱۱۸۷ هجری قمری (۱۷۷۳ میلادی) تا ۱۲۰۸ هجری قمری (۱۷۹۳ میلادی) بر قلمرو وسیع اما نا مطمئن حکم می‌راند.



در ادبیات پهلوی، نام این شهر «کابل» قید شده است، که نزدیک به تلفظ امروزی آن است. نام این شهر را «کابل» و «کاوول» و «کاول» نیز گفته اند. همچنان بعضی مورخین یونان آن را «کابورا» و «کارورا» نیز گفته اند. دیوارهای کابل که امروز نیز بقایای آن به سر کوه های شیردروازه و آسمایی دیده می شود از طرف شاهان کابل بنا شده بود تا در برابر هجوم های بزرگ بتوانند مقاومت کنند.

۱،۲ پرچم



پرچم کنونی افغانستان که برگرفته از دوران تسلط اسلامگرایان میانه رو در این کشور است .

پرچم افغانستان که در زبان محلی به آن "بیرق" می گویند درست به اندازه تاریخ و تمدن این کشور، پیچیده، غریب و قابل ستایش است.

۱،۷،۱ توصیف علامت پرچم



جالب است بدانید که این پرچم از رنگ سیاه کامل تا سفید کامل را به دلیل دیدن حکومت ها، با سلیقه های سیاسی و مذهبی مختلف را به خود دیده است. اولین پرچم رسمی این کشور از سال ۱۸۸۰ تا پایان این قرن رنگی کاملاً سیاه داشت، که آن را برگرفته از قیام ابومسلم خراسانی میدانند. اما در طول زمان و به دلیل روی کار آمدن حکومت‌های مذهبی در این کشور، این پرچم کم‌کم رنگ مذهبی به خود گرفت و عناصری چون محراب مسجد در آن نقش بست تا اینکه در دوران تسلط کمونیست‌ها در دهه ۱۹۸۰ میلادی، پرچم این کشور رنگی کاملاً قرمز به تقلید از پرچم شوروی سابق به خود گرفت، اما به جای علامت کمونیست‌ها، علامت جبهه خلق افغانستان بر پرچم این کشور نقش بست.

دوران حکومت کمونیست‌ها در این سرزمین طولانی نبود و اسلام‌گراها مجدداً قدرت را در دست گرفتند و رنگ و فرم این پرچم را به دوران قبل از تسلط روس‌ها برگرداندند. اما دیری نپایید که اسلام‌گراهای میانه رو به رهبری برهان الدین ربانی با افراط‌گرایان وارد جنگ شدند و در نهایت این طالبان بودند که توانستند به رهبری ملا محمد عمر در سال ۱۹۹۶ قدرت را در این سرزمین در دست گیرند و رنگ پرچم را به نفع خود به رنگ سفید مطلق به معنی "بهشت برین" دریاورند. در نهایت ایشان با تغییراتی در این پرچم جمله "لا اله الا الله محمد رسول الله" را به رنگ سفید این بیرق افزودند و تا پایان آن را حفظ کردند.

بالاخره به کمک نیروهای خارجی، در سال ۲۰۰۲ ورق به نفع نیروهای میانه رو چرخید و یکبار دیگر رنگ این پرچم به طول کلی عوض شد. حامد کرزای در افغانستان به قدرت رسید و مجدداً رنگ این بیرق را با اضافه کردن عناصر جدید به دوران قبل از حکومت کمونیست‌ها برگرداند و به شکل امروزی در آورد.



در نهایت باید گفت که رنگهای این پرچم را این گونه تفسیر کرده اند : سیاه به معنای دوره ای که افغانستان تحت استعمار بوده است، سرخ نماد خون شهیدانی است که برای بدست آوردن استقلال افغانستان از جان خود گذشته اند و سبز نماد آبادی و پیشرفتی است که در آینده نصیب افغانستان خواهد گردید .

در نوار قرمز وسط این پرچم نیز نماد محراب مسجد و نماد دولتی افغانستان در حاشیه این مسجد دیده می شود. اما جالب است که بدانید که کرزای جمله "لا اله الا الله محمد رسول الله" را که طالبان برای اولین بار به این پرچم اضافه کرده بودند را بر روی بیرق حکومت اسلامی افغانستان حفظ کرد .

۱,۸ وسعت

مساحت افغانستان ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع است. که از نظر مساحت در جهان مقام چهارم و در قاره آسیا جایگاه یازدهم را دارا می باشد. حداکثر طول آن از شرقی ترین نقطه تا غربی ترین نقطه جنوبی آن ۹۱۲ کیلومتر است . طول مرزهای مشترک با کشورهای همسایه: پاکستان ۲۴۳۰ ، ایران ۹۳۶ ، تاجیکستان ۱۰۲۶ ، ترکمنستان ۷۴۴ ، ازبکستان ۱۳۷ ، چین ۷۶ کیلومتر . افغانستان یک کشور محاط در خشکی است .



۱,۹ جمعیت

جمهوری اسلامی افغانستان، در سال ۱۹۹۷ م ۲۰/۸۳۸/۰۰۰ نفر جمعیت داشته است، و از این نظر چهل و هفتمین کشور جهان محسوب می گردد.

طبق آخرین برآورد بانک جهانی (جولای ۲۰۰۰ میلادی) جمهوری اسلامی افغانستان نزدیک به ۲۵ میلیون و ۸۳۸ هزار نفر جمعیت داشته است. البته آمار دیگری از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد حاکیست که در ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی حداقل ۲/۵ میلیون افغانی در جمهوری اسلامی ایران و نزدیک به ۲ میلیون افغانی در پاکستان به صورت پناهندگان رسمی و غیررسمی سکونت داشته اند. پیش بینی می گردد با بازگشت مهاجران افغان از آسیا (به خصوص پاکستان، ایران و امارات) و اروپا (به ویژه آلمان، فرانسه) و آمریکا و استرالیا، جمعیت کشور در سال ۲۰۰۴ به حدود ۲۸ میلیون نفر بالغ بوده باشد. رشد جمعیت ۲/۳٪ بوده و تراکم جمعیت حدود ۹/۳۱ نفر در هر کیلومتر مربع است.

جامعه افغانستان را باید جامعه ای روستایی در نظر گرفت زیرا که روستاهای این کشور ۷۷ درصد جمعیت را در خود جای داده اند و جمعیت شهرنشینان از ۲۳ درصد تجاوز نمی کند. تراکم جمعیت این کشور در حدود ۴۰ نفر در هر کیلومتر مربع است که از این حیث افغانستان در میان ۲۵۵ کشور رتبه ۱۵۳ ام را دارد و در نیمه پایین جدول نسبت تراکم جمعیت قرار میگیرد.



۱,۱۰ واحد پول

افغانی (AFA) و هر صد هزار افغانی معادل یک لک می باشد .

۱,۱۱ منطقه زمانی

(UTC+4.30)

۱,۱۲ سرود ملی

قانون اساسی جدید افغانستان که در سال ۲۰۰۴ توسط لویه جرگه بتصویب رسید، حکم می نماید که سرود ملی باید به زبان پشتو که یکی از دو زبانهای رسمی کشور و زبان قوم پشتونها تشکیل می دهند باشد، همینطور در قانون اساسی آمده است که ضمن اسمای ملیتهای بزرگ باید کلمات الله اکبر نیز در سرود ملی جدید گنجانیده شود .

سرود ملی جدید افغانستان که تصنیف آن توسط عبدالباری جهانی سروده شده و آهنگ آن را ببرک و سا که فعلاً رهبر آرکستر سمفونی کشور آلمان است ساخته و در ماه مه سال ۲۰۰۶ میلادی در شهر برلین ثبت شد که خوانندگان آن عبدالوهاب مددی، صادق فطرت (ناهناس) پیکر افسانه، حسین ارمان، مشعل ارمان، شهنا و دو، سه هنرمند جوان دیگر می باشند. اصل متن این سرود به زبان پشتو سروده شده است که در آن اسامی برخی از اقوام ساکن افغانستان چون بلوچها، ازبکها، پشتونها، هزاره ها، ترکمنها، تاجیکها، عربها، گوجرها، پامیریها، نورستانیها، براهوییهها، قزلباشها، ایماقها، و پشه ایها ذکر گردیده است .

متن سرود



دا وطن افغانستان دی دا عزت د هر افغان دی

کور د سولې کور د توري هر بچی یې قهرمان دی

دا وطن د ټولو کور دی د بلوڅو د ازبکو

د پښتون او هزاره وو د ترکمنو د تاجکو

ورسره عرب، گوجر دی پامیریان، نورستانیان

براهوی دی، قزلباش دی هم ایماق، هم پشه یان

دا هیواد به تل زلې دی لکه لمر پر شنه آسمان

په سینه کې د آسیا به لکه زړه وی جاویدان

نوم د حق مودی رهبر وایو الله اکبر وایو الله اکبر

ترجمه فارسی

این کشور افغانستان است این عزت هر افغان است



میهن صلح، جایگاه شمشیر
هر فرزندش قهرمان است

این کشور میهن همه است
از بلوچ، از ازبکها

از پشتون، هزاره‌ها
از ترکمن و تاجیکها

هم عرب و گوجرها
پامیری، نورستانیها

براهویی است و قزلباش
هم ایماق و پشه‌ئیان

این کشور همیشه تابان خواهد بود
مثل آفتاب در آسمان کبود

در سینه آسیا
مثل قلب جاویدان

نام حق است ما را رهبر
می‌گوییم الله اکبر، می‌گوییم الله اکبر

۱،۱۳ دامنه اینترنتی

در سال ۲۰۰۳ "af" به عنوان دامنه (domain) افغانستان ثبت شد و سایتهای افغانی از آن تاریخ می‌توانند از این کد استفاده کنند.



۱،۱۴ وضعیت آموزش

در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی جنگهای داخلی این کشور (دهه‌های ۹۰ میلادی)، شالوده آموزش و پرورش افغانستان از هم پاشید. در دوره قدرت طالبان حتی دختران خانه‌نشین شده و اجازه تحصیل از آنها گرفته شد. در این دوره، به جای درسهای علمی مانند شیمی و فیزیک در مدارس، بیشتر بر آموزشهای مذهبی تاکید می‌شد. اکنون برآورد می‌شود کمتر از نیمی از مدارس افغانستان دسترسی به آب آشامیدنی داشته باشند. پس از حمله امریک به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی و فروپاشی طالبان، با روی کار آمدن دولت انتقالی وضعیت تحصیل اندک‌اندک رو به بهبودی می‌رود ولی با این وجود هنوز بیش از ۶۰٪ مردم افغانستان از سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند.

ترکیبات قومی

در سال ۱۹۸۶ «آوریوال» فهرستی از گروه‌های قومی در افغانستان را به شرح زیر یادداشت نموده است :

ترکمن	تاجیک	ازبک	هزاره	پشتو
قزلباش	عرب	طاهری	گوارباتی	شادی باز
تیرابی	گوجار	براهوایی	تایمنی	جوگی
شیخ محمدی	مونجانی	مغول	موری	سیگ
یهودی	شیغنانی	اشکاشمی	قرقیز	زوری
تیموری	قارلیق	سنگلیچی	قپچاق	جت



میش مست	فیروز کوهی	فارسی	روشانی	پیکراغ
پاراچی	غوربت	جمشیدی	واخی	قزاق
ارموری	وانگ والا	ملیکی	ایماق	نورستانی
هندو	کوتانا	تاتار	جلالی	بلوچ

۱,۱۵ ترکیب مذهبی

اکنون حدود ۹۹٪ مسلمان اند و تنها ۱٪ پیرو ادیان دیگر از قبیل هندو، سیک، مسیحی و یهودیت هستند.

۱,۱۶ معماری

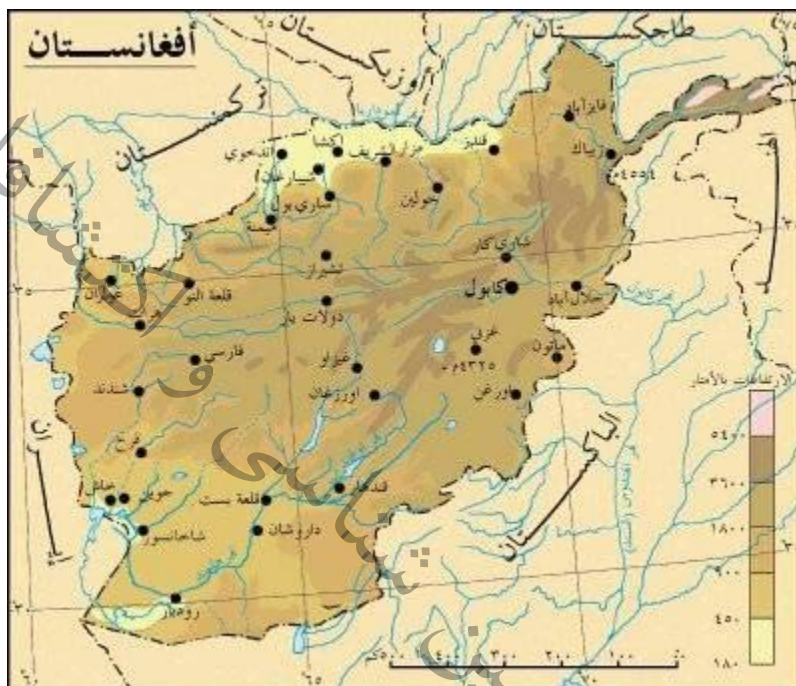
در اواسط دهه هفتاد در افغانستان پانزده هزار باب مسجد وجود داشت... مساجد افغانستان معماری ساده دارند. در داخل مساجد

هیچ گونه تصاویر و شمایل و یا علایم دیگری که حضور قلب و تمرکز حواس نمازگزاران را از بین ببرد، وجود ندارد.

موقعیت، مختصات و مرزهای افغانستان



افغانستان بین ۲۹ و ۳۸ درجه عرض جغرافیائی و بین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۲۸ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۳۰ دقیقه و ۷۵ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ و در نیمکره شمالی - شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع شده است.



افغانستان سرزمینی کوهستانی و محاط بر خشکی است، و جز اردن تنها کشور خاورمیانه بشمار می‌آید که به دریا راه ندارد. مساحت آن ۶۵۲,۲۲۵ کیلومتر مربع و چهلمین کشور جهان از نظر مساحت به شمار می‌آید. طول مرزهای افغانستان حدود ۵۸۰۰ کیلومتر است، که شامل ۲۳۸۴ کیلومتر در شمال با جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان؛ ۲۲۴۰ کیلومتر از شرق و جنوب با جمهوری اسلامی پاکستان، ۷۳ تا ۹۳ کیلومتر مربع از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با استان مسلمان نشین سین‌کیانگ (سنجان) جمهوری خلق چین و ۸۵۵ تا ۹۳۰ کیلومتر در غرب با ایران (که ۶۱۹ کیلومتر آن با استان خراسان است).



بیشترین فاصله شرق تا غرب افغانستان، از دره یولی (شرقی ترین نقطه) تا دهانه ذوالفقار (غربی ترین نقطه) ۱۲۴۰ کیلومتر، و شمال تا جنوب آن ، از نقطه خمیاب در ولایت جوزجان (شمالی ترین نقطه) تا کوههای چاکایی (جنوبی ترین نقطه) ۸۵۵ کیلومتر است و حداقل فاصله آن با آبهای آزاد جهان از طریق مرزهای جنوبی و پاکستان ۵۰۰ کیلومتر است.

در برخی کشورها ، با وجود فشردگی قسمت اصلی سرزمینشان، قسمت کوچکی از خاکشان از بخش اصلی سرزمینی خود دور افتاده و توسط خاک کشورهای همسایه ، محصور شده است. به این کشورها دنباله دار می گویند که فاصله زیاد آنها از مرکز، اداره ی امور آن را با مشکلاتی رو برو می سازد. افغانستان افغانستان در ردیف کشورهای دنباله دار قرار می گیرد، که دره واخان در شمال شرقی کشور به صورت یک زائده از قسمت اصلی خاک آن جدا افتاده است. افغانستان از نظر شکل طبیعی شبیه یک مشت بسته است. همچنین افغانستان را می توان به شکل یک بادبزنی نیز تصور نمود که دسته آن دالان واخان در ولایت بدخشان می باشد.

خسونت آب و هوای افغانستان یکی از مهمترین ویژگیهای طبیعی این کشور بشمار می رود؛ به این معنا که این سرزمین در زمستان هوایی بسیار سرد و در تابستان هوایی گرم دارد. کوههای هندوکش به طول ۶۰۰ کیلومتر در نوار شمالی و شرقی این سرزمین گسترده شده اند. پست ترین نقطه افغانستان در جلگه رود «جیحون» ۲۸۵ متر و بلندترین بخش این سرزمین در قله نوشک ۷۴۸۵ متر از سطح دریا مرتفع تر است.

بخشهای گسترده ای از خاک افغانستان را عمدتاً در شمال و شرق کشور، کوهها و سنگلاخها پوشانده است کوههای هندوکش به طول ۶۰۰ و عرض ۱۰۰ کیلومتر از سمت شمال شرقی به غرب و جنوب غربی کشیده شده و تقریباً از میانه کشور می گذرد. این کوهها بیش از نیمی از سرزمین افغانستان را فراگرفته و برای شهرهای کابل، قندهار و هرات ارزش راهبردی مهمی ایجاد کرده است.

کوههای قدر به سوی غرب امتداد می یابند، از ارتفاع آن کاسته می شود و در نزدیکی مرزهای ایران تبدیل به کوهها و تپه های کم



ارتفاع می‌گردند. در بلندی‌های هندوکش همواره برف وجود دارد. حتی در تابستان‌ها نیز قله‌ها و یخچال‌ها پر برف است. در میان کوهستان‌های هندوکش، دره‌های ژرف و خوش آب و هوا و حاصلخیزی وجود دارد که محیط مساعدی برای پرورش دام و تولید میوه‌است. افغانستان سرزمین افراط و تفریط است، کوهها سر به فلک کشیده و دره‌ها ژرف، باران‌های بهاری و تابستان‌های خشک، زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های گرم، بلندی‌های پوشیده از برف در طول سال و سرزمین‌های پست و خشک و سوزان. این افراط و تفریط در زندگی اجتماعی نیز وجود دارد. سرزمین افغانستان در طول تاریخ گلوگاه تهاجم به هند بوده است؛ جنگجویان بسیاری چون شاهنشاهان هخامنشی، اسکندر مقدونی، محمود غزنوی، تیمور گورکانی، نادر شاه افشار، از پیچ و خم کوهها و دره‌های این کشور خود را به هندوستان رسانده‌اند. علاوه بر این تا پیش از کشف راههای آبی در سده‌های اخیر و سپس گسترش راههای هوایی، خط مسیر بازرگانی شرق به غرب، از دشت شمالی آن می‌گذشت، گذرگاه کاروانهای جاده ابریشم از این سرزمین بوده که عموماً از راه قندهار به هند و از راه بلخ به چین می‌رفت. پس از کشف راههای آبی و سپس توسعه راههای هوایی، افغانستان مانند سایر سرزمین‌های آسیای میانه، تبدیل به منطقه‌ای بن‌بست شد و گذر هیچ بیگانه‌ای به آنجا نیفتاد. همچنین کوهستان‌های افغانستان سپر راهبردی استواری میان آسیای شمالی و آسیای جنوبی است.

کشور جمهوری افغانستان از طرف شمال متصل است به جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی از طرف غرب به کشور ایران از طرف شرق و جنوب به پشتوستان و بلوچستان از طرف شمال شرق به ولایت سکیانک چین محدود می‌گردد.



۱،۱۷ مرزهای افغانستان

۱،۱۷،۱ مرز پامیر

خط سر حدی ایکه از دره پولی الی حوضچه ویکتوریا (زور کول) امتداد یافته و در سال ۱۸۹۵ تثبیت گردید به نام خط سر حدی پامیر یاد می گردد.

۱،۱۷،۲ مرز امیر شیر علیخان

خط سر حدی شمال افغانستان که از حوضچه ویکتوریا (زور کول) دریای آموتا خم آب می رسد به نام خط سر حدی امیر شیر علی خان مسمی است. این خط سر حدی ۱۸۰۰ کیلو متر طول داشته ، در سال ۱۸۷۳ توسط نمایندگان روسیه، انگلستان و افغانستان به صورت یک کمیسیون مشترک تثبیت گردید.

۱،۱۷،۳ مرز ریجوی

خط سر حدی شمال غربی که از خم آب الی دره ذوالفقار به شکل یک خم قوس امتداد یافته به نام خط ریجوی یاد شده و در سال ۱۸۸۴ تثبیت گردید.

۱،۱۷،۴ مرز فخری

خط سر حدی افغانستان که از دره ذوالفقار تا کوه سیاه امتداد می یابد در سال ۱۹۳۵ تثبیت شده و به نام خط فخری مسمی است



مرز مکمهن

در سال ۱۹۰۲ خط سر حدی جنوب غربی افغانستان که از کوه سیاه تا کوه ملک سیاه امتداد می یابد تثبیت شده و به نام خط مکمهن یا مکمهان یاد می گردد ۹۰ میل طول.

۱,۱۷,۵ مرز دیورند

خط سر حدی شرقی و جنوبی افغانستان که از کوه ملک سیاه تا جنوب شرق کوتل واخجیر امتداد می یابد در سال ۱۸۹۳ به طور یک جا نبه تثبیت گردید.

۱,۱۷,۶ مرز شمال شرقی

این خط سر حدی که از دره یولی الی کوتل کلیک (جنوب شرق کوتل واخجیر) امتداد دارد به نام مرز شمال شرقی یاد شده که در سال ۱۹۶۴ به صورت فنی با نصب پیلرها علامه گذاری و تثبیت گردید.

سرحدات فعلی افغانستان که روی نقشه های امروزی ترسیم شده است کمتر از یک قرن از تثبیت آن ها نمی گذرد. در تثبیت سرحدات نقش مستقیم همسایه ها ازطرف غرب ایران از طرف شمال روسیه تزاری و از طرف جنوب و شرق هند با حکمیت ممالک مقتدر مانند انگلستان و روسیه تزاری دخیل بود. این دخالت ها که روی اغراض صورت می گرفت در تثبیت سرحدات پرابلم های سیاسی را بین دو دولت همسایه به وجود آورد.



با در نظر داشت موضوعات سیاسی در نیمه دوم قرن نوزده ، افغانستان به تدریج به شکل وچوکات سیاسی که فعلا در نقشه سیاسی آسیای مرکزی مشاهده می شود مبدل گشت.

کل : ۵۵۲۹ کیلومتر

مرزهای مشترک :

ایران (غرب) : ۹۳۶ کیلومتر

ترکمنستان (شمال) : ۷۴۴ کیلومتر

ازبکستان (شمال) : ۱۳۷ کیلومتر

تاجیکستان (شمال) : ۱۲۰۶ کیلومتر

چین (شرق) : ۷۶ کیلومتر

کشمیر (شمال شرق) : ؟؟؟ کیلومتر

پاکستان (جنوب) : ۲۰۴۳ کیلومتر



۱،۱۸ تقسیمات کشوری

تقسیمات اداری از سال (۱۷۷۳) به بعد درست از زمانی که تیمور شاه کابل را پایتخت خود قرار داد. آن «شهر» همیشه مرکز پادشاهی افغانستان بوده است. شاهزادگان ولایت را کم و بیش خودمختاری داده بودند. مهم‌ترین ولایات تحت کنترل شاهزادگان و امیران، کابل، قندهار، هرات، ترکستان افغانستان، قطغن و بدخشان بودند. امیر عبدالرحمن خان ۱۹۰۱-۱۸۸۰ که از سوی بریتانیا به عنوان امیر کابل و حواشی آن به رسمیت شناخته شد دامنه قلمرو سلطنتی‌اش را به ولایات هرات، ترکستان افغانستان، هزاره‌جات، نورستان و بدخشان گسترش داده بود. در زمان نادرشاه «۳۳-۱۹۲۱» افغانستان به پنج ایالت اصلی و یا عمده و چهار ایالت فرعی تقسیم گردید. بعد از حکومت مشروطه و تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۶۴ افغانستان به ۲۶ ولایت تقسیم شده که هر کدام به دلیل اهمیت و چگونگی انکشاف آن به گروه‌های یک، دو و سه تقسیم گردیده بودند. کابل، غزنی، گردیز، جلال‌آباد، مزار شریف، هرات و قندهار جزء مراکز درجه یک ولایات در تقسیمات کشوری قرار گرفتند. هر کدام از این ولایات به وسیله فرمانداری «والی»، اداره می‌شد که در برابر وزارت داخله در کابل مسئولیت داشتند. مضافاً این که نماینده‌هایی در هر ولایت وجود داشت که روند اجرایی کار را مستقیماً به کابل گزارش می‌دادند. هر ولایتی دارای چندین «ولسوالی» بود که به وسیله مسئولی به نام «ولسوال» اداره می‌شدند و ولسوالی‌ها در برابر «والی» مسئولیت داشته و می‌بایست گزارش کار را به آنها می‌دادند، البته هر ولسوال امکان داشت چندین علاقه‌داری را نیز اداره کند. علاقه‌داری‌ها در روستاهای مهم مستقر و در قبال ولسوالی‌ها مسئولیت مستقیم داشتند. علاقه‌داری‌ها به تناسب جمعیت آنان به چهار گروه تقسیم می‌شدند. در سال ۱۹۷۰ افغانستان به ۲۶ ولایت شش ولسوالی بزرگ «لوی ولسوالی» ۱۷۵ ولسوالی و ۱۱۸ علاقه‌داری تقسیم شده بودند؛ در حال حاضر افغانستان دارای ۳۴ ولایت می‌باشد.



واحدهای کوچک روستایی به وسیله رئیس روستا که معروف به «قریه‌دار» ملک، و ارباب بود اداره می‌شد. آنها نقش رابط را بین روستا و رئیس بخش «علاقه‌دار» داشتند. اما شهرها به نواحی مختلف تقسیم می‌شدند.

۱,۱۹ ۳۴ ولایت افغانستان

ولایت ارزگان Uruzgan به مرکز «ترین کوت» مساحت ۲۹۵,۲۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۹۵/۲۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۴۶۵۰۰۰ نفر)

ولایت بادغیس Badghis به مرکزیت «قلعه نو» (مساحت ۸۵۸/۲۱ و ۲۱ کیلومتر مربع جمعیت ۲۲۴۰۰۰ نفر)

ولایت بامیان Bamian به مرکزیت «بامیان» (مساحت ۴۱۴/۱۷ کیلومتر مربع جمعیت ۲۸۱۰۰۰ نفر)

ولایت بدخشان Badakhashan به مرکزیت «فیض آباد» (مساحت ۴۰۳/۴۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۲۱۰۰۰ نفر)

ولایت بغلان Baghlan به مرکزیت «بغلان» (مساحت ۱۰۹/۱۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۱۷۰۰۰ نفر)

ولایت بلخ Balkh به مرکزیت «مزار شریف» (مساحت ۵۹۳/۱۲ کیلومتر مربع جمعیت ۶۱۰۰۰۰ نفر)

ولایت پروان Paruan به مرکزیت «چاریکار» (مساحت ۳۹۹/۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۲۸۰۰۰ نفر)

ولایت پکتیا Paktia به مرکزیت «گردیز» (مساحت ۵۸۱/۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۰۶۰۰۰ نفر)



ولایت پکتیکا PaktiKa به مرکزیت «شرنه» (مساحت ۳۳۶/۱۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۵۶۰۰۰ نفر)

ولایت پنجشیر

ولایت تخار Takhar به مرکزیت «تالقان» (مساحت ۳۷۶/۱۲ کیلومتر مربع جمعیت ۵۴۴۰۰۰ نفر)

ولایت جوزجان Jowzjan به مرکزیت «شبرغان» (مساحت ۵۵۳/۲۵ کیلومتر مربع، جمعیت ۶۱۶۰۰۰ نفر)

ولایت خوست

ولایت دایکندی

ولایت زابل Zabol به مرکزیت «قلات» (کلات) (مساحت ۲۹۳/۱۷ کیلومتر مربع جمعیت ۱۸۸۸۰۰۰ نفر)

ولایت سرپل

ولایت سمنگان Samangan به مرکزیت «آبیک» (سمنگان) (مساحت ۵۶۵/۱۵ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۷۴۰۰۰ نفر)

ولایت غزنی Ghazni به مرکزیت «غزنی» (مساحت ۳۷۸/۲۳ کیلومتر مربع، جمعیت ۶۷۶۰۰۰ نفر)

ولایت غور Ghowr به مرکزیت «چخچران» (مساحت ۶۶۶/۳۸ کیلومتر مربع، جمعیت ۳۵۴۰۰۰ نفر)

ولایت فاریاب Faryab به مرکزیت «میمنه» (مساحت ۲۷۹/۲۲ کیلومتر مربع جمعیت ۶۱۰۰۰۰ نفر)

ولایت فراه Farah به مرکزیت «فراه» (مساحت ۷۸۸/۴۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۴۵۰۰۰ نفر)



ولایت قندهار Qandahar به مرکزیت «قندهار» (مساحت ۶۷۵/۴۷ کیلومتر مربع جمعیت ۵۹۸۰۰۰ نفر)

ولایت کابل kabul به مرکزیت «کابل» (مساحت ۴۵۵۸ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۱۸۰۰۰/۱ نفر)

ولایت کاپیسا kapisa به مرکزیت «محمودراقی» (مساحت ۸۷۱/۱ کیلومتر مربع جمعیت ۲۶۲۰۰۰ نفر)

ولایت قندوز Qanduz به مرکزیت «قندوز» (کندز) (مساحت ۸۲۷/۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۸۳۰۰۰ نفر)

ولایت کنر Konarha به مرکزیت «اسد آباد» (مساحت ۴۷۹/۱۰ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۶۲۰۰۰ نفر)

ولایت لغمان Loghman به مرکزیت مهترلام (مساحت ۷۲۱۰ کیلومتر مربع جمعیت ۳۲۵۰۰۰ نفر)

ولایت لوگر Lowgar به مرکزیت «برهکی» (مساحت ۴۶۵۲ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۲۶۰۰۰ نفر)

ولایت ننگرهار Nangarhar به مرکزیت «جلال آباد» (مساحت ۷۶۱۶ کیلومتر مربع جمعیت ۷۸۲۰۰۰۰ نفر)

ولایت نورستان

ولایت نیمروز Nimruz به مرکزیت «زرنج» (مساحت ۳۵۶/۴۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۱۰۸۰۰۰ نفر)

ولایت وردک Vardak به مرکزیت «میدان شهر» (مساحت ۹۰۲۳ کیلومتر مربع، جمعیت ۳۰۱۰۰۰ نفر)

ولایت هرات Harat به مرکزیت «هرات» (مساحت ۳۱۵/۶۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۸۰۸۰۰۰ نفر)

ولایت هلمند Helmand به مرکزیت «لشکرگاه» (مساحت ۸۲۹/۶۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۴۲۰۰۰ نفر)



نقشه ولایات افغانستان



نقشه ولایات افغانستان



۲ فصل دوم: جغرافیا

۲,۱ جغرافیای طبیعی

افغانستان سرزمینی کوهستانی و محاط بر خشکی است، و جز «اردن هاشمی» تنها کشور خاورمیانه محسوب می شود که به «دریا» راه ندارد. این سرزمین در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع است. مساحت آن را در منابع مختلف بین ۶۲۰ تا ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع ذکر کرده اند، اما ۶۵۲، ۶۵۲ کیلومتر مربع مساحت داشته و چهلمین کشور جهان به شمار می آید. طول مرزهای افغانستان حدود ۵۵۲۹ کیلومتری باشد، که شامل ۲۰۸۷ کیلومتر در شمال با جمهوری های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان؛ ۲۴۳۰ کیلومتر از شرق و جنوب با جمهوری اسلامی پاکستان، ۷۶ کیلومتر مربع از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با ایالت مسلمان نشین سین کیانگ جمهوری چین و ۹۳۶ کیلومتر در غرب با جمهوری اسلامی ایران (که ۶۱۹ کیلومتر آن با ولایت خراسان می باشد) بیشترین فاصله شرق تا غرب افغانستان ۱۲۴۰ کیلومتر، و شمال تا جنوب آن ۸۵۵ کیلومتر است و حداقل فاصله آن با آبهای آزاد جهان ۵۰۰ کیلومتر است. قسمت های وسیعی از خاک افغانستان را عمدتاً در شمال و شرق کشور، کوهها و سنگلاخ ها پوشانده است. کوههای هندوکش به طول ۶۰۰ و عرض ۱۰۰ کیلومتر از سمت شمال شرقی به طرف غرب و جنوب غربی کشیده شده و تقریباً از میانه کشور می گذرد. این کوهها بیش از نیمی از سرزمین افغانستان را فرا گرفته، و برای شهرهای «کابل»، «قندهار» و «هرات» ارزش استراتژیکی مهمی ایجاد کرده است. کوههای قدر به طرف غرب امتداد می یابند، از ارتفاع آن کاسته می شود و در نزدیکی مرزهای ایران تبدیل به کوهها و تپه های کم ارتفاع می گردند. در ادرتفاعات هندوکش همواره برف وجود دارد. حتی در تابستان ها نیز قله ها و یخچال ها پر برف است. در میان ارتفاعات هندوکش، دره های عمیق و خوش آب وهوا و حاصلخیزی وجود دارد که محیط مساعدی برای پرورش دام و تولید میوه است. افغانستان سرزمین افراط و تفریط است کوهها سربه



فلک کشیده و دره ها عمیق، باران های بهاری و تابستان های خشک، زمستان های بسیار سرد و تابستان های گرم، ارتفاعات پوشیده از برف در طول سال و سرزمین های پست و خشک و سوزان. این افرات و تفریط در زندگی اجتماعی نیز وجود دارد. ظهیرالدین بابر در سال ۹۳۱ هـ.ق. گفته است:

"شما از کابل طی یک روز می توانید به منطقه ای بروید که هرگز برف نمی بارد، اما ظرف دوساعت می توانید به منطقه ای بروید که برف هرگز ذوب نمی شود."

پست ترین نقطه افغانستان در جلگه رود جیحون، ۲۸۵ متر و بلندترین بخش این سرزمین در قله نوشک ۷۴۸۵ متر از سطح دریا مرتفع تر است. رودهای جیحون، هیرمند و هریرود مهمترین منابع آبی افغانستان بشمار می روند. کابل رود نیز که در سالهای اخیر به خشکی رسیده روزگاری از منابع آبی این سرزمین حساب می شد.

حدود ۲۰٪ از خاک افغانستان قابل کشت و زرع است و مراتع طبیعی ۴۰٪ از این سرزمین را پوشش می دهند. ۲٪ از خاک افغانستان نیز جنگل های بلوطی هستند و ۳۸٪ مابقی این سرزمین قابل کشاورزی نیست.

خشکسالی سالهای ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ میلادی در افغانستان در تاریخ ۴۰ ساله این کشور بی سابقه بود و علاوه بر وارد ساختن لطمات جبران ناپذیری به زمینهای زراعی این سرزمین، بخش وسیعی از مراتع طبیعی و چراگاه های افغانستان را از بین برد و تلفات سنگینی به بخش دامپروری و دامداری این کشور وارد آورد.



۲,۲ دریاچه ها

دریاچه ها ای افغانستان از نظر ترکیب به دو دسته تقسیم می شوند:

- دریاچه های شور: مرداب غزنی، دریاچه نمکزار هرات، دریاچه داغ نمده در فراه، دریاچه اندخوی در فاریاب. علت شوری رودخانه عبور از سرزمینهای نمکی است و در اثر یکجا ماندن شور می شود.
- دریاچه های شیرین: که در آنها آبی که وارد دریاچه می شود، از قسمت دیگر آن خارج می شود، آب دریاچه دائما تجدید می شود و به صورت آب شیرین و یا با شوری کم باقی می ماند مثل بندامیر در بامیانف شیوا، چقمقتین، زرکول (ویکتوریا) در بدخشان.

دریاچه ها از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارند. در دریاچه های وسیع و بزرگ ، توسط کشتیها حمل و نقل صورت می گیرد. از دریاچه های شور نیز نمک بدست می آورند. از دریاچه های کوچک به منظور رشد و پرورش ماهی، مرغابی، و ... استفاده می کنند. علاوه بر اینها دریاچه ها هوا را مرطوب و تعدیل می کنند و سواحل برخی از آنها ، مانند دریاچه بندامیر، تفریحگاه های خوبی محسوب می شوند.

برخی از دریاچه های افغانستان به شرح زیر می باشد:

۲,۲,۱ دریاچه هامونهای هلمند:

دریاچه های هامون عبارتند از هامون صابری ،هامون پوزک، هامون شاپور که در موقع پر آبی به هم وصل می شوند و نظر به



بارندگی فصول سواحل آن تغییر میکند. فراه رود و هاروت رود به دریاچه هامون صابری می ریزد. این دریاچه ۵۸۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و مرز افغانستان و ایران را تشکیل می دهد . هامون پوزک که ۲۴ کیلومتر طول و ۱۹ کیلومتر عرض دارد در داخل افغانستان جاری است و خاش رود به آن می پیوندد.

هامون صابری و هامون پوزک آبهای دائمی دارند چون عمق آنها نسبتا زیاد است و از آبهای غنی زیر زمینی تغذیه می شوند .هامون شاهپور (هامون هیرمند) در خاک ایران قرار دارد.

۲,۲,۲ دریاچه گودزره:

در جنوب دریاچه هامون شاپور و در جنوب ولایت - نیمروز قرار قرار دارد . این دریاچه بر اثر سرازیر شدن آبهای اضافی هامون سیستان بوجود آمده طول آن ۱۰۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۰-۲۰ کیلومتر است . آب آن شور است و از سطح دریا ۴۵۶ متر ارتفاع دارد . در موقع کم آبی به باتلاق تبدیل می شود.



۲,۲,۳ دریاچه شیوا:

در سرحد شرقی ولایت بدخشان قرار دارد . ارتفاع این دریاچه از سطح دریا ۳۰۵۰ متر است و از جمله دریاچه های یخچالی است . آب آن صاف و زلال است و در زمستان یخ می زند (۸ ماه یخبندان) طول آن ۱۱ کیلومتر و عرض آن ۸ کیلومتر است.

۲,۲,۴ دریاچه زرکول (ویکتوریا):

در فلات پامیر بین افغانستان و تاجیکستان واقع شده و سرچشمه آب آمودریا است. ساحل شمالی آن در تاجیکستان ۶ کیلومتر و ساحل آن ۱۰ کیلومتر است. عرض آن نیز ۴ کیلومتر است و در بیشتر ایام سال یخ می زند.

۲,۲,۵ دریاچه چقمقتین:

در فلات پامیر واقع شده و رود واخان از آن سرچشمه می گیرد. طول آن از شرق به غرب ۱۷ کیلومتر و عرض آن ۲,۵ کیلومتر است. اراضی مجاور آن سرسبز و دارای چراگاه فراوان است و مردمان قرقیز اطراف آن زندگی می کنند.



۲,۲,۶ دریاچه مرداب غزنی:

در ۱۲۸ کیلومتری جنوب ولایت غزنی قرار دارد. مساحت آن ۷۴۰۰ کیلومتر مربع است و رود شور غزنی به این دریاچه می ریزد.

۲,۲,۷ دریاچه نمکزار هرات:

در غرب ولایت هرات واقع شده و مرز بین افغانستان و ایران را تشکیل می دهد. آب آن شور است و بزرگترین منابع نمکی افغانستان محسوب می شود که از آن نمک به دست می آورند.

۲,۲,۸ دریاچه های پنجگانه بند امیر:

در ۷۵ کیلومتری غرب شهر بامیان و ۱۷ کیلومتری شمال شرقی ولسوالی یکاولنگ (به معنای یک تکه سبز) قرار گرفته اند. که از ۵ دریاچه (بنده) تشکیل شده که به هم ربط دارند. رود بلخاب از این دریاچه سرچشمه میگیرد و مسیر آن از مرکز افغانستان به سمت شمال کشور است. آب بلخاب در مزار شریف (



بلخ) به ۱۸ نفر تقسیم می شود. این دریاچه در ارتفاع ۳۰۰۰ متری واقع شده که یکی از بلندترین دریاچه های جهان است که عمق این دریاچه ها را بوتیش فورستتر آلمانی ۶۴ متر تخمین زده است. این دریاچه ها از لحاظ زیبایی فراوان در سال ۱۳۵۶ شمسی نهصد هزار نفر جهانگرد داخلی و خارجی را مجذوب خود کرده است. آب این دریاچه ها صاف و زلال است و نام آنها عبارتند از: بند ذوالفقار، بند غلامان، بند پنیتر (هیبت)، بند قنبر، بند پودینه از دیگر دریاچه های افغانستان، دریاچه داغ نمدي در غرب ولایت فراه، دریاچه اندخوی در فاریاب است.

۲,۳ رودخانه ها

دریای آمو (جیحون): از کوههای پامیر سرچشمه گرفته و حدود ۱۱۲۶ کیلومتر از آن در قسمت مرزهای شمالی کشور با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان می باشد و قسمت هایی از آن قابل کشتیرانی است در سواحل آن رودخانه شیرخان بندر و بندر حیرتان قرار گرفته، که کالاهای صادراتی یا وارداتی افغانستان به ممالک آسیای میانه از این طریق مبادله می شود. جیحون دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروهای هیدرولیک قابل استفاده است



۲,۳,۱ رودخانه هریرود

از کوه بابا در مرکز افغانستان سرچشمه گرفته، از هرات می‌گذرد و در شمال غربی کشور اندکی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل داده سرانجام در ریگزارهای ترکمنستان فرو می‌رود. ۱۲۳۰ کیلومتر طول داشته و دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروی برق مناسب است.

۲,۳,۲ رودخانه کابل

از کوه‌های شرقی سرچشمه گرفته از وسط دو شهر مهم «کابل» و «جلال آباد» عبور کرده وارد خاک پاکستان می‌شود و به رود «سند» می‌ریزد.

۲,۳,۳ رودخانه هلمند (هیرمند)

از کوه‌های یغمان در غرب کابل سرچشمه گرفته و ۱۴۰۰ کیلومتر طول دارد و در جنوب غربی افغانستان قسمت کمی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد و مهمترین منبع تامین آب دریاچه‌های سیستان و بلوچستان و اراضی زراعی شمالی آن است.



۲,۳,۴ / اسامی رودخانهها

رودخانه لوگر در لوگر

رودخانه پنجشیر در پنجشیر

رودخانه الیشینگ در والینگار نورستان

رود کنر در کنر

رودخانه مرغاب در شمال غرب افغانستان

رودخانه ارغندلب در غزنی

رودخانه خاش در غرب کشور

فراه رود در فراه

رود ادرسکن در سندی

رودخانه غزنی در غزنی



۲,۴ رودها

۲,۴,۱ آمودریا (جیحون)

از کوه‌های پامیر سرچشمه گرفته و حدود ۱۱۲۶ کیلومتر از آن در قسمت مرزهای شمالی کشور با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان است و قسمت‌هایی از آن قابل کشتیرانی است در سواحل آن رودخانه شیرخان بندر و بندر خیرتان قرار گرفته، که کالاهای صادراتی یا وارداتی افغانستان به کشورهای آسیای میانه از این طریق مبادله می‌شود. آمودریا دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروی برقآبی قابل استفاده است

۲,۴,۲ نقشه رود آمودریا





۲،۴،۳ هیرمند (هلمند)

از کوههای یغمان در غرب کابل سرچشمه گرفته و ۱۴۰۰ کیلومتر طول دارد و در جنوب غربی افغانستان بخش کمی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین منبع تأمین آب دریاچه‌های سیستان و بلوچستان و کشتزارهای شمالی آن است. هیرمند یکی از رودهای مهم، بزرگ و پرآب افغانستان است که با شعبه‌های خود، نواحی وسیعی از جنوب غربی کشور را آبیاری می‌نماید. این رود از ارتفاعات مناطق بهسود، پنجاب و دایکندی (میان دو کوتل اونی و حاجیگ) سرچشمه می‌گیرد. این رود در ابتدای مسیر خود سیلابی بوده و خساراتی به مردم وارد می‌آورد و به تدریج از سرعت آن کم شده و و جریان آن آهسته می‌گردد. رود هیرمند با ۱۴۰۰ کیلومتر طول، بزرگترین رودخانه داخلی افغانستان می‌باشد که نقش مهمی در آبادانی و سرسبزی قسمت وسیعی از افغانستان دارد. شهرهای تاریخی بست، نادعلی و زرنج شهرت خود را مدیون این رود و شعبه‌های آن هستند. هیرمند با تبخیر خود بر هوای پیرامونش اثر زیادی می‌گذارد و از خشکی شدید هوا بویژه در تابستان می‌کاهد. رود ارغنداب، از جمله ی بزرگترین رودخانه‌هایی است که به این رود می‌پیوندد. روی رودخانه هیرمند و شعبه‌های آن بندهایی احداث گردیده است. بند کجکی، یکی از مشهورترین و بزرگترین بندهای افغانستان که هزاران هکتار زمین را آبیاری مینماید، از جمله آنهاست. در ماههای حوت و حمل آب رودخانه هیرمند به حداکثر، و در ماههای سرطان تا عقرب به حداقل خود می‌رسد. این رود سرانجام به دریاچه هامون میریزد.



۲,۴,۴ هریود

از کوه بابا در مرکز افغانستان سرچشمه گرفته، از هرات می‌گذرد و در شمال غربی کشور اندکی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل داده سرانجام در ریگزارهای ترکمنستان فرو می‌رود. ۱۲۳۰ کیلومتر طول داشته و دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروی برق مناسب است. این رودخانه از ارتفاعات لعل و سرجنگل در ولایت غور سرچشمه می‌گیرد و از بهم پیوستن دو رود، در نزدیکی قریه ی «شینیه دولت یار» به وجود می‌آید. هریود پس از گذشتن از وسط شهر چخچران وارد ولایت هرات می‌شود. هرات آبادانی خود را مدیون این رود است. رود «تگاوايشان» از جمله ی بزرگترین رودهایی است که به هریود می‌پیوندد. هریود ۱۱۲۴ کیلومتر طول داشته و ۵۶۰ کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است. ۶۰ کیلومتر از طول این رودخانه، مرز مشترک بین افغانستان و جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میدهد. این رود سرانجام در رشنزارهای جمهوری ترکمنستان (قره قوم) فرو میرود.

۲,۴,۵ کابل رود

از کوههای شرقی سرچشمه گرفته از وسط دو شهر مهم «کابل» و «جلال آباد» عبور کرده وارد خاک پاکستان می‌شود و به رود «سند» می‌ریزد. آب کابل رود، ابتدا از بهم پیوستن اب دره سنگلاخ و دره ی سرچشمه بوجود می‌آید که از ارتفاعات کوتل اونی کوه پغمان سرچشمه می‌گیرند. این رود، پس از گذشتن از شهر کابل، قسمت های وسیعی از شرق افغانستان را آبیاری می‌کند و دارای شعبات زیادی است که می‌توان از رودخانه های لوگر، سرخورد و کنر نام برد. به خاطر استفاده ی بهتر از اب این



رودخانه ها برای زراعت و تولید برق ، بندهایی روی اینرودها احداث شده است که میتوانیم از بندهای سروبی ، نغلو ، درونته ، بند کانال ننگرهار ، ماهیپر ، خروار و بتخاک نام ببریم . رودخانه کابل و شعبه های بزرگ و کوچک آن ، تنها رود افغانستان است که پس از پیوستن به رود سند پاکستان به اقیانوس هند (آبهای آزاد) می ریزد . طول این رود ۷۰۰ کیلومتر می باشد که ۴۶۰ کیلومتر آن در افغانستان جریان دارد . اکثر رودهای افغانستان از مناطق مرکزی (هزاره جات) سرچشمه میگیرد ؛ لذا هزاره جات یکی از بزرگترین و مهمترین منابع آبی کشوری می باشد .

۲,۴,۶ اسامی رودها

دریای پامیر ۶- کوکچه ۷- فرخار ۸- دریای کندوز ۹- دریای خلم ۱۰- بلخ ۱۱- دریای بندامیر ۱۲- دریای پنج شیر ۱۳- دریای کند ۱۴- دریای غربی ۱۵- رود لوره ۱۶- ترناک رود ۱۷- دریای ارغنداب ۱۸- خاش رود ۱۹- فراه رود ۲۰- نیزگان ۲۱- تکاب استادن ۲۲- شیرین تکاب ۲۳- دریای مرغاب ۲۴- دریای اولنگ ۲۵- رود گز.



۲,۵ آبشارها

آبشار تنگ غارو ، آبشار پنج شیر ، آبشار انتهای چوغه مابین خان آباد و قطغن، آبشار خواجه غاریچه خان ، آبشار دره غوث نجراب ،
آبشار کوهدامن و آبشارهای هزاره جات ، نورستان ، یفتل و بدخشان.

۲,۶ مهمترین جاده های افغانستان

جاده کابل- قندهار ، با طول ۸۴۳ کیلومتر جاده قندهار - هرات - تورغندی ، ۶۷۹ کیلومتر جاده هرات - اسلام قلعه ، ۱۲۴ کیلومتر
جاده قندهار - سپین بولدک ، ۱۰۱ کیلومتر جاده کابل - تورخم ، ۲۳۲ کیلومتر جاده کابل - شیرخان بندر ، ۴۰۵ کیلومتر جاده
پل خمري - مزار شريف - شبرغان ، ۳۶۰ کیلومتر جاده کابل - گردیز ، ۱۲۲ کیلومتر جاده گردیز - خوست ، ۱۱۷ کیلومتر

۲,۷ حوضچه های افغانستان:

هامون هلمند در جنوب غرب افغانستان

هامون پوزک در جنوب غرب افغانستان

هامون صابری در جنوب غرب افغانستان



بند امیر در بامیان

حوضچه زرکول در شمال شرق افغانستان

حوضچه چقمقتین در شمال شرق افغانستان

حوضچه شیوا در شمال شرق افغانستان

۲،۸ کوه ها و کوهستان ها

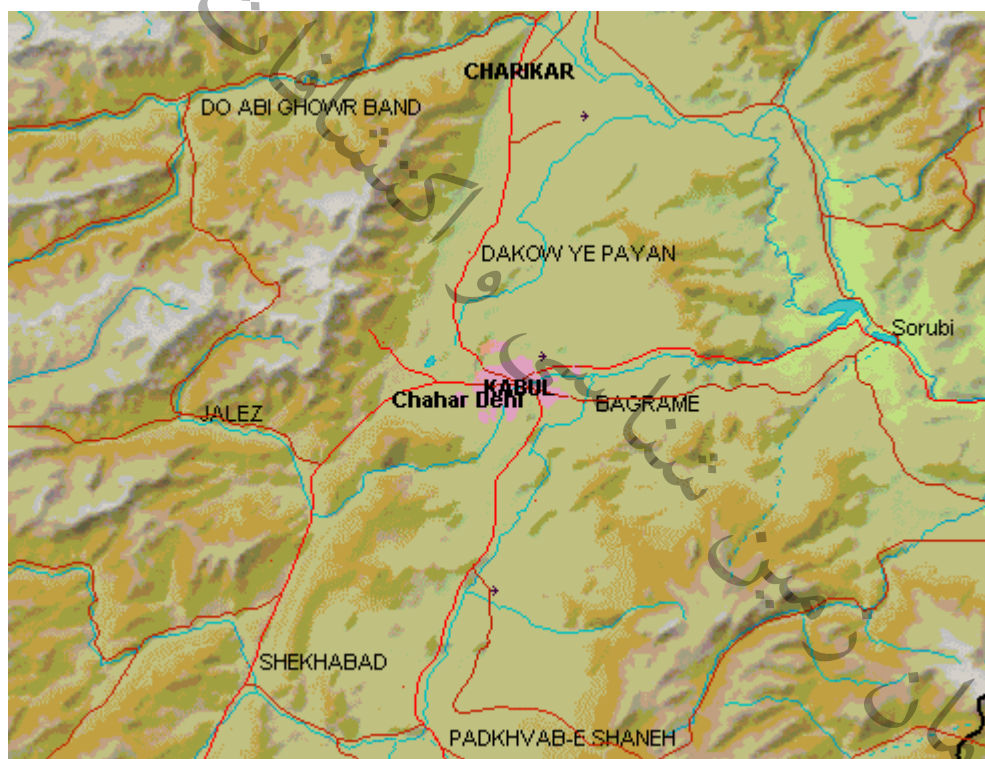
افغانستان یک کشور کوهستانی است . بعضی از کوههای افغانستان پوشیده از جنگل است. در بسیاری از کوه های افغانستان ، برفهای دائمی وجود دارد. و از جهت آبهای حاصل از برف و باران و ذخایر بزرگ معدنی این رشته کوهها ثروت طبیعی افغانستان محسوب می شوند.

موقعیت و طرز قرار گرفتن رشته کوهها در آب و هوای هر محل ، تاثیر زیادی دارد. مثلا در ولایت ننگرهار رشته کوههای سفید کوه (سپین غر) که از شرق به غرب امتداد دارد. مانع ورود بادهای موسمی در آن منطقه می گردد. و همچنین از نظر حمل و نقل و راههای ارتباطی ، کوهستانها بر خلاف دشتهای ، شبکه ی راه های فرعی و یا شاخه هایی از خطوط آهن را نمی توانند در همه ی جهات خود بپذیرند.



کشور
معدنی

۲,۸,۱ نقشه توپوگرافی افغانستان



نقشه توپوگرافی افغانستان

۲,۸,۲ نقشه رشته کوه های افغانستان



نقشه رشته کوه های افغانستان

۲،۹ رشته کوه ها



۲،۹،۱ هندوکش

هندوکش نام رشته کوهی در افغانستان است که در قدیم یوپای الینیا نام داشته و نیز یونانیها به آن پاراپامیزوس می گفته اند. این رشته کوه هم امتداد سلسله جبال هیمالیا از نواحی پامیر داخل افغانستان می باشد که از جنوب بدخشان گذشته در دره بامیان که شروع رشته کوه دیگری بنام کوه بابااست ختم می گردد. ارتفاع قله این کوه در افغانستان ۶۶۵۰ متر و که بنام تیراج معروف است و از سطح آب دریا ۸۳۰۰ متر ارتفاع دارد. نواحی مرتفع این کوه تقریباً همیشه پوشیده از برف است و دره های بیشمار در دامنه این کوه به وجود آمده که معروف ترین آنها از این قرار است: دره واخان، شغنان، متجان، جرم، درایم، کشم، ارسج، فرخار، دره اشکمش، خوست، فرنگ، سمندان اندراب، حنجاب، دو آب و سراب در شمال و از طرف جنوب دره پنج، دره نور، دره کرم، دره پشال، باندول، اشپی، اسکین، پنجدره نجراب، دره هزاره، بازارک، پاران ده، شتل، سالنگ، اشاوه، شکاری، کپچاق، چهارده بامیان، سنان، یغان، کهم، سرد.

طول هندوکش در حدود ۶۰۰ کیلو متر است که به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می شود، هندوکش غربی نسبت به هندوکش شرقی کوچک تر و دره معروف پنجشیر در دامنه جنوب شرقی آن قرار گرفته است. هندوکش شرقی از غرب دره زیباک (ولایت بدخشان) شروع شده و تا کوتل خاواک (ولایت پروان) به طول ۱۵۰ کیلومتر امتداد یافته است. هندوکش شرقی دارای قله های مرتفع و در طول سال عمدتاً پوشیده از برف می باشد. بلندترین نقطه افغانستان " قله ی نوشاخ " با ۷۴۸۵ متر ارتفاع در رشته کوه هندوکش شرقی واقع شده است.

ارتفاع هندوکش غربی از هندوکش شرقی کمتر است. به همین دلیل شاهراه بزرگ سالنگ، که شمال و جنوب کشور را به هم وصل می نماید از این رشته کوه می گذرد.



۲,۹,۲ راه های معروف هندوکش

- ۱- کوتل خاواک به ارتفاع ۳۶۰۰ متر
- ۲- کوتل بازاک به ارتفاع ۵۰۰۰ متر
- ۳- کوتل نکسان به ارتفاع ۵۰۵۰ متر
- ۴- کوتل کانچین به ارتفاع ۴۹۰۰ متر
- ۵- کوتا مراشتراک به ارتفاع ۵۷۶۰ متر
- ۶- کوتل سالنگ به ارتفاع ۴۳۰۰ متر
- ۷- کوتا اق رباط به ارتفاع ۳۶۰۰ متر
- ۸- کوتل کوشان به ارتفاع ۴۳۰۰ متر
- ۹- کوتل چهار در به ارتفاع ۴۲۳۶ متر
- ۱۰- کوتل پیلو به ارتفاع ۳۶۰۰ متر
- ۱۱- کوتل دندان شکن به ارتفاع ۲۷۰۰ متر
- ۱۲- کوتل دالن سنگ شتل به ارتفاع ۳۵۶۰ متر

۲,۹,۳ رشته کوه بابا:



رشته کوه بابا در مرکز افغانستان واقع شده و از شرق به غرب امتداد دارد. این رشته کوه از شرق " کوتل حاجیگگ " شروع شده، تا جنوب شرق کوه حصار ادامه می یابد. طول این رشته کوه در حدود ۲۰۰ کیلومتر است. بلندترین قله ی آن شاه فولادی ، ۵۱۴۰ متر ارتفاع دارد . قله های این کوه نیز اکثر اوقات از برف پوشیده است و شرایط خوبی برای ذخیره ی آب به وجود آورده است. برخی از مهمترین رودهای دائمی افغانستان از همین رشته کوهها سرچشمه می گیرند. در دامنه های شمالی و جنوبی این رشته کوهها، بهترین چراگاهها و مراتع افغانستان به چشم می خورد. از کوتلهای معروف این کوه می توان از کوتل حاجیگگ، کوتل عراق، کوتل صد برگ، کوتل شاتو ، کوتل ملا یعقوب و ... نام برد که هر یک اهمیت خاص خود را دارند. دره های معروف رشته کوههای بابا عبارتند از : دره فولادی، دره بامیان ، دره کالو، دره ککرک و ...

۲,۹,۴ سفید کوه (سپین غر)

این رشته کوه، در شرق افغانستان واقع شده و ۱۵۰ کیلومتر طول دارد. سفید کوه از ۴۸ کیلومتری غرب پیشاور آغاز شده و به طرف غرب ادامه می یابد. بلندترین قله این کوه، سیکارام ، ۴۷۵۵ متر ارتفاع دارد. دامنه های شمالی و جنوبی این رشته کوه پوشیده از جنگلهای انبوه و وسیع است. همچنین دره ی معروف خیبر که از لحاظ تاریخی و ارتباطی دارای اهمیت زیادی می باشد و در لشکرکشی های بزرگ، در طول تاریخ به شبه قاره ی هند همواره مورد توجه مهاجمین بوده است، در این رشته کوه قرار دارد. طول این گذرگاه متجاوز از ۶۰ کیلومتر و ۲۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.



دره های معروف این رشته کوه عبارتند از : دره خیبر، دره آچین، دره خوگیانی ، دره جاجی ، دره زرمست و

۲,۹,۵ رشته کوه سلیمان

یا کوه های سلیمان، نام دو رشته کوه است در جنوب شرقی افغانستان و غرب پاکستان و مرز بین فلات ایران و شبه قاره هند، یکی شرقی و دیگری غربی و هر دو از شمال به جنوب کشیده شده. دامنه کوه های سلیمان مسکن پشتون ها است.

۲,۹,۶ کوه های مشهور افغانستان

مهم ترین ارتفاعات کشور از این قرار است:

هندوکش (۶۲۹۸ متر)

پامیر کوچک، (۶۲۸۱ متر درو خان)

بدخشان (۵۳۵۵ متر)

بابا (۵۴۱۳ متر، بامیان)

ترغان، (سیاه کوه) (۳۹۸۲ متر)



سفید کوه (۴۷۵۵ متر، سیکارام)

شاه مقصود (۲۷۷۳ متر)

مزار (۳۷۸۷ متر)

هزار جات (۴۱۰۱ متر، تمران)

بالا کوه (۳۸۷۲ متر)

دوشاخ (۲۱۱۰ متر)

پاه بند (۲۵۶۰ متر)

کوه سلیمان (۳۳۷۲، تخت سلیمان)

کوه تیربند ترکستان (۲۸۹۵، جنگک)

و همچنین کوههای چاغی، سفید خرس، نورستان، بندبیا، چلبدالان، گل کوه، سلیمان، تیربند ترکستان، پغمان، قره باتور،

چاکایی، نورستان، کوه واخان، سلسله کوه خواجه محمد و ...

مهمترین ارتفاعات کشور از این قرار است:

بلندترین نقطه: قله نوشاک (Nowshâk) به ارتفاع ۷۰۴۸۵ متر از سطح دریا.



پایین ترین نقطه: رود آمودریا (Amu Darya) به ارتفاع ۲۵۸ متر از سطح دریا.

۲,۱۰ مناطق هموار افغانستان

اراضی کم ارتفاع افغانستان (بین ۲۵۸ تا ۱۰۰۰ متر ارتفاع) به سه منطقه تقسیم می شوند.

۲,۱۰,۱ حوزه آمودریا

این حوزه از اراضی کم ارتفاع ناحیه خمیاب شروع شده و در امتداد دریای آمو تا ینگی قلعه در ولایت تخار امتداد می یابد.

۲,۱۰,۲ حوزه هلمند

شامل دشت گودرز، دشت جهنم، دشت مارگو، دشت امیران، تمامی اراضی چخان سور (نیمروز) و قسمتی از فراه و هرات را شامل می شود.

۲,۱۰,۳ حوزه ننگرهار



این حوزه اراضی خیلی کم ارتفاع را شامل می شود و آن هم در امتداد رود کابل و جنوب شرق جلال آباد تا لعل پور در مرز افغانستان توسعه یافته است.

۲,۱۰,۴ دشت ها

که عموماً در شمال و شرق هستند. از جمله: ۱- دشت برنگ ۲- دشت رود ۳- گرمسیر ۴- ریگستان ۵- سیاه سنگ ۶- دشت مرغو (مارگو) ۷- دشت خلش ۸- دشت همدم آب ۹- هجده نهر ۱۰- دشت نمدی. دشت کابل و دشت پکتیا

۲,۱۱ آب وهوا



۲،۱۱،۱ اقلیم آب و هوایی افغانستان

طبیعت افغانستان به خاطر بلندی‌های سر به فلک کشیده و رودخانه‌هایی که از آن سرچشمه می‌گیرد، زیباست و تنوع آب و هوا در آن مشهود است. زمستانهایش بسیار سرد (تا ۲۰ درجه زیر صفر) و تابستانهایش بسیار گرم (تا ۴۰ درجه بالای صفر) است. آب و هوا از یک استان به استان دیگر و از یک شهر به شهر دیگر تفاوت دارد. بارندگی نیز در نقاط گوناگون، متفاوت است و بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر در نوسان است. این مقدار در مناطق شرقی بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ و در مناطق غربی و جنوب غربی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی متر است در مناطق مرکزی به علت وجود بلندی‌ها و بارندگی بیشتر، هوا از نواحی دیگر سردتر است، ولی در مناطق جنوبی و غربی به علت کمی بارندگی هوا گرمتر بوده دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های معتدل تر است. در مناطق کوهستانی به علت برف و یخبندان ارتباط روستائیان و قبایل نیمی از سال قطع میشود و آب و هوا تأثیر بسیار در پراکندگی و جدایی جمعیت دارد. منابع آب زیرزمینی افغانستان نسبتاً غنی است در شهر کابل آب در ژرفای ۳-۴ متری زمین قرار دارد؛ ولیکن به دلایل فنی، کمتر از آب زیرزمینی استفاده شده و عموماً مردم در اکثر نقاط افغانستان با مشکل کمبود آب (آشامیدنی - کشاورزی) روبرو هستند و تنها ۲۲٪ به آبهای سالم مصرفی دسترسی دارند (۳۹٪ شهرها، ۱۸٪ روستاها).

افغانستان در قلب قاره آسیا واقع شده و دور از دریا قرار دارد و به همین دلیل مرطوب نیست. رطوبت نسبی در آن کم و در طول سال ابر و مه کمتر تشکیل می شود و به مقدار بارندگی از ۲۵۰ میلیمتر به طور متوسط در سال بالاتر نمی رود. (۸۴۰ میلیمتر در جهانبان و ۶۰۰ میلیمتر در آسور دریا).

در هنگام تابستان درجه حرارت حداقل و حداکثر است (بین بالاترین و پایین ترین درجه اختلاف زیاد است).

توده های هوایی که در فصول مختلف وارد افغانستان می شوند عبارتند از:



۲،۱۱،۲ توده هوای سرد قطبی:

در فصل زمستان از سیبری شروع به حرکت کرده و باعث تشکیل جبهات سرد می گردد. این جبهه سرد از شمال افغانستان وارد کشور شده و موجب ریزش برف شدید در کشور می گردد. این توده سرد هوایی تا قسمتهای کوهستانی مرکزی پیش می آید.

۲،۱۱،۳ توده هوای اقیانوس

این توده هوای کم فشار در مجاورت جزیره ایسلند تشکیل می شود. در فصل زمستان و اوایل بهار از دریای بالتیک، دریای سیاه، دریای خزر عبور می کند و از سمت شمال غربی وارد افغانستان می شود و قسمتهای زیادی را تحت تاثیر خود قرار می دهد و باعث می شود در زمستان و اوایل بهار برف ببارد.

۲،۱۱،۴ توده هوای اقیانوس هند



این توده هوا در فصل تابستان از اقیانوس هند منشاء می گیرد و از سمت جنوب و جنوب غربی وارد کشور می شود. این توده هوایی در اثر عبور از کوههای سرد و مرتفع مشرق افغانستان تبدیل به یک توده پرفشار می شود و باعث ریزش باران در این فصل می گردد.

۲,۱۱,۵ توده هوای گرم و مرطوب

در فصل تابستان تقریباً از خلیج فارس منشا گرفته و از جنوب غربی وارد کشور شده و گاهگاهی در فصل تابستان در قسمت جنوب بارندگی هایی را ایجاد میکند.

عوامل مختلفی از جمله زاویه تابش خورشید، درجه حرارت و دما و ارتفاع بر اقلیم آب و هوایی تاثیر دارند. در اوایل بهار و پائیز هنگامی که شعاع خورشید به طور عمود روی خط استوا می تابد در جنوبی ترین نقطه افغانستان شعاع آفتاب ۶۱ درجه است اما در شمالی ترین نقطه کشور ۵۲ درجه است. که هرچه زاویه تابش خورشید (۲۹ تا ۳۸ عرض شمالی) کمتر باشد هوا سردتر و هرچه بیشتر باشد هوا گرمتر است.

در دامنه های جنوبی (هندوکش ، سیاه کوه، سفید کوه، بابا) که زمان آفتاب گیری بیشتر دارند (آفتابگیرند) دمای هوا بالاست ولی در دامنه های شمالی که زمان کمتری در معرض تابش خورشید قرار می گیرند (پشت به آفتابند) انرژی گرمایی کمتری دریافت می کنند و در نتیجه سردتر هستند.



گرمترین ماههای سال در افغانستان سرطان، اسد، سنبله و سردترین ماهها جدی، دلو و حوت هستند. علت به وجود آمدن بادهای ۱۲۰ روزه حرکت توده های پر فشار (سرد) به سمت توده های کم فشار (گرم) است.

افغانستان در منطقه معتدله ی شمالی واقع شده و آب و هوای آن بنا بر دوری و نزدیکی به دریا، عرض جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا، جهت و بلندی کوه ها و بادهایی که به سوی آن می وزد، در مناطق مختلف کشور متغیر است. برخی از شهرهای افغانستان مانند قندهار، جلال آباد و خوست که در مناطق پست و کم ارتفاع واقع شده اند، در تابستان دارای هوای گرم و در زمستان دارای سرمای خشک و بدون برف هستند. در صورتی که شهرهای بامیان، غزنی، پنجاب، کابل، لعل، چخچران و ... که در ارتفاع زیاد واقع شده اند، در تابستان دارای هوای معتدل بوده و زمستان این شهرها سرد و پر برف است.

۲,۱۱,۶ شش منطقه آب و هوایی افغانستان

۲,۱۱,۶,۱ گرم و خشک بیابانی (صحرائی و کویری)

این نوع آب و هوا در نواحی جنوب غربی قندهار، جنوب ولایت هیلمند و فراه و تمامی ولایت نیمروز حاکم است. در این ناحیه

مقدار بارندگی فوق العاده کم است.

متوسط بارندگی سالانه بین ۷۰ تا ۸۰ میلیمتر بوده و در ایام زمستان برف نمی بارد. گرمای زیاد و بارندگی کم در این ناحیه (

جنوب غربی کشور)، دشت و ریگستانهایی مانند دشت مارگو، دشت خاشرود، دشت بکودا، دشت سیستان و دشت جهنم را بوجود

آورده است.



این ریگستانها حاصل آب آورد کوهستانها است. در این ناحیه انواع بوته های خاردار به صورت پراکنده می رویند که در مقابل خشکی هوا و کمی رطوبت مقاومت زیادی دارند. شتر حیوان بومی این منطقه است. مردمان این ناحیه اکثرا بلوچ هستند و شغل آنها دامداری است.

۲,۱۱,۶,۲ آب و هوای کوهستانی

ناهمواری ها، در تغییرات آب و هوایی سطح زمین، مانند جهت باد، میزان بارش و دما اثر عمده ای دارند که منجر به تشکیل آب و هوای معتدل کوهستانی یا سرد کوهستانی می شود. بر اثر صعود به ارتفاعات به ازاء هر هزار متر شش درجه کاهش دما داریم. به علت ارتفاع در کوههای هندوکش، بابا، سفیدکوه، و ... با هوای بسیار سردی مواجه می شویم. بارش در این ناحیه اکثرا بصورت برف است که منبع اصلی تامین آب در نواحی پست تر است. آب و هوای کوهستانی بخش وسیعی از مناطق مرکزی و شمال شرقی افغانستان از جمله سالنگ شمالی و جنوبی (کوههای بلند) را فرا گرفته است.

۲,۱۱,۶,۳ آب و هوای مدیترانه ای

مناطق شرقی کشور را تحت نفوذ خود دارد و در افغانستان دارای ویژگی های زیر است: تابستان آن خشک و بسیار گرم است، بارندگی آن بیشتر در ایام زمستان صورت می گیرد، متوسط درجه حرارت در تابستان از ۲۲ درجه بالاتر می رود، مقدار بارندگی در طول سال و به ویژه در فصل زمستان از ۲۵۰ میلیمتر بیشتر بوده و به ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیمتر نیز می رسد (جلال آباد). بارندگی در نقاط مرتفع مانند سفید کوه به شکل برف و در نقاط همواره به صورت نزول باران صورت میگیرد. لغمان، ننگرهار، پغمان، کنر



دارای آب و هوای مدیترانه ای هستند. محصولات کشاورزی این ناحیه برنج، نیشکر، نارنج، پرتقال (مالتة)، لیمو شیرین (سنتره) ، چلغوزه ، گلابی (امرت) است.

۲,۱۱,۶,۴ آب و هوای استپی

(استپ به سرزمینهای گفته می شود که با فاصله از هم رشد کرده باشند، متوسط و فقیر) این نوع و آب هوا قسمت وسیعی از افغانستان از جمله در شمال ، بغلان، قندوز، میمنه، و در جنوب قندهار ، پروان ، غزنی ، کابل و هرات را در بر گرفته است. اختلاف دمای شبانه روز در این ناحیه از ۲۰ درجه تجاوز می کند و گاه این تغییرات به ۳۰ تا ۳۵ درجه می رسد. میانگین میزان بارندگی در این ناحیه ۳۰۰ میلیمتر است که اکثر در زمستان صورت می گیرد . به علت باران زیاد علفزارها و گیاهان فراوانی در این مناطق به خوبی رشد می کنند.

۲,۱۱,۶,۵ آب و هوای موسمی

ولایت پکتیا و پکتیکا و نواحی اطراف آن دارای این نوع آب و هوا می باشند. میزان بارندگی سالانه در این ناحیه ۴۶۰ تا ۶۸۰ میلیمتر می باشد. در این ناحیه حتی در تابستان نیز باران می بارد. هوای مرطوب این ناحیه مساعدترین منطقه برای رشد گیاهان از جمله درخت ارچه، بلوط، نشتر، چلغوزه، قهوه و چای را فراهم ساخته است. جنگلهای انبوه و وسیع افغانستان در همین ناحیه واقع شده اند.



۲,۱۱,۶,۶ آب و هوای تندرا آلیپی

(مناطق مرتفعی که ساحه جنگلها و درختان پایان پذیرفته و نباتات به شکل علف و بوته در آن روئیده باشد آن مناطق را ناحیه

آب و هوای آلیپی توندرا می نامند.)

این ناحیه در افغانستان از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر در ارتفاعات کوهها واقع شده و بیشتر مناطق غرنی و پامیان و نقاط مرتفع کوه بابا،

سفید کوه، سیاه کوه شامل این نوع آب و هوا هستند. در این مناطق بسیار برف می بارد. زمستان بسیار سرد و تابستانهای معتدل دارد.

طبیعت افغانستان به خاطر بلندی های سر به فلک کشیده و رودخانه هایی که از آن سرچشمه می گیرد، زیباست و تنوع آب و هوا در

آن مشهود است. زمستانهای بسیار سرد (تا ۲۰ درجه زیر صفر) و تابستانهای بسیار گرم (تا ۴۰ درجه بالای صفر) است. آب و

هوا از یک استان به استان دیگر و از یک شهر به شهر دیگر تفاوت دارد. بارندگی نیز در نقاط گوناگون، متفاوت است و بین ۱۰۰ تا

۴۰۰ میلی متر در نوسان است. این مقدار در مناطق شرقی بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ و در مناطق غربی و جنوب غربی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰

میلی متر است در مناطق مرکزی به علت وجود بلندی ها و بارندگی بیشتر، هوا از نواحی دیگر سردتر است ولی در مناطق جنوبی و

غربی به علت کمی بارندگی هوا گرمتر بوده دارای تابستان های گرم و خشک و زمستان های معتدل تر است.

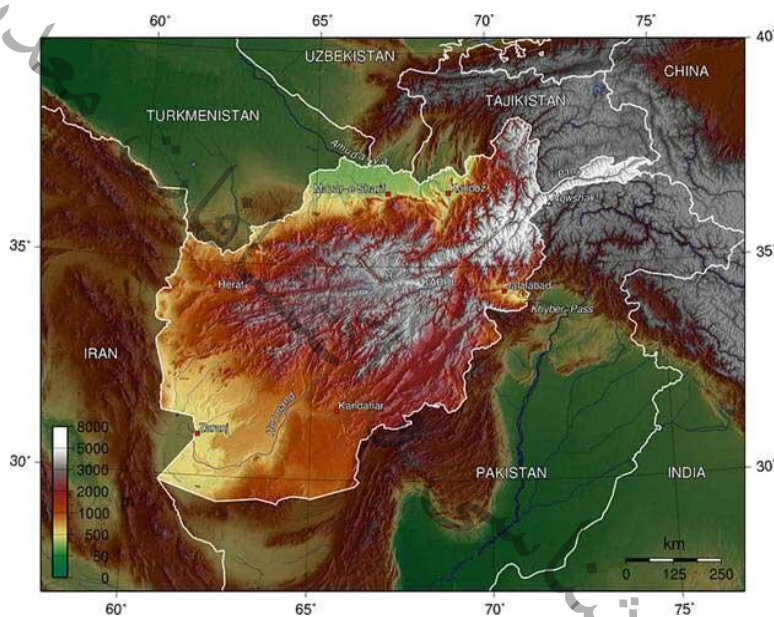
در مناطق کوهستانی به علت برف و یخبندان ارتباط روستائیان و قبایل نیمی از سال با یکدیگر می گسند و آب و هوا تأثیر بسیار در

پراکندگی و جدایی جمعیت دارد. منابع آب زیرزمینی افغانستان نسبتاً غنی است در شهر کابل آب در ژرفای ۴-۳ متری زمین قرار



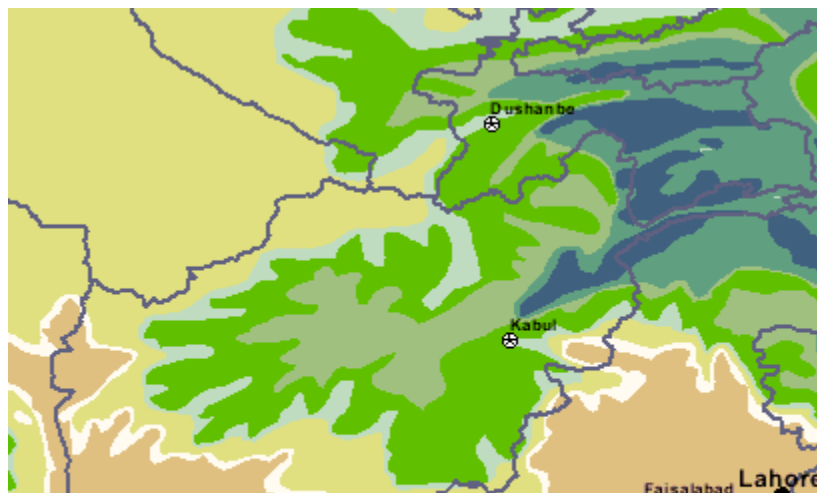
دارد؛ ولیکن به دلایل فنی، کمتر از آب زیرزمینی استفاده شده و عموماً مردم در اکثر نقاط افغانستان با مشکل کمبود آب (آشامیدنی - کشاورزی) روبرو هستند.

۲،۱۱،۷ نقشه آب وهوای افغانستان



نقشه آب وهوای افغانستان

۲،۱۱،۸ نقشه میزان بارش برف افغانستان





نقشه میزان بارش برف افغانستان

۲،۱۲ جغرافیای انسانی

جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۹۹۷ در حدود ۲۸ میلیون نفر جمعیت داشته است، و از این نظر چهل و هفتمین کشور جهان محسوب می گردد. با بازگشت مهاجران افغانی از آسیا (به خصوص پاکستان، ایران و امارات) و اروپا (به ویژه آلمان، فرانسه) و آمریکا و استرالیا، جمعیت کشور در سال ۲۰۰۴ به حدود ۲۸ میلیون نفر بالغ گردید. رشد جمعیت ۳/۲٪ بوده و تراکم جمعیت

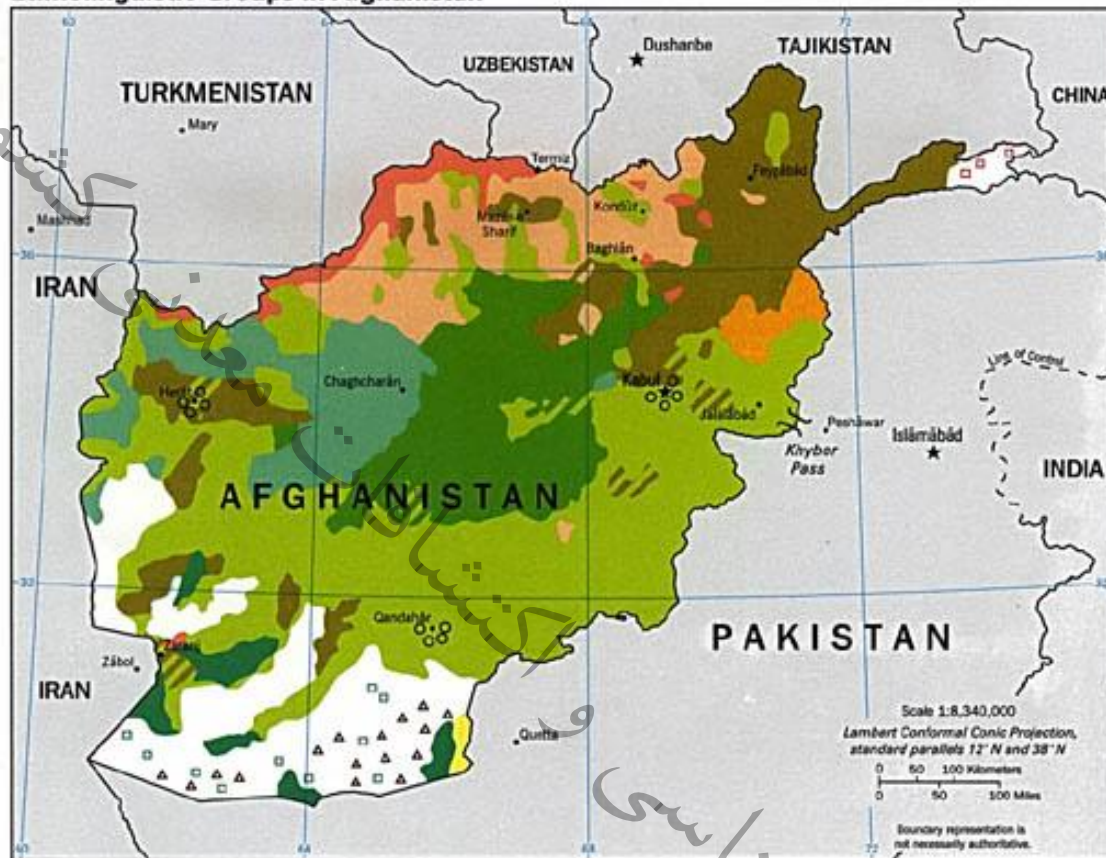


حدود ۹/۳۱ نفر در هر کیلومتر مربع است. جامعه افغانستان را باید جامعه ای روستایی در نظر گرفت زیرا که روستاهای این کشور ۷۷ درصد جمعیت را در خود جای داده اند و جمعیت شهرنشینان از ۲۳ درصد تجاوز نمی کند. تراکم جمعیت این کشور در حدود ۴۰ نفر در هر کیلومتر مربع است که از این حیث افغانستان در میان ۲۵۵ کشور رتبه ۱۵۳ ام را دارد و در نیمه پایین جدول نسبت تراکم جمعیت قرار میگیرد.

۲،۱۲،۱ نقشه پراکندگی ملیت ها و قومیت ها در افغانستان



Ethnolinguistic Groups in Afghanistan



Iranian

- Baluch
- Aimaq
- Hazara
- Pashtun
Durrani, Ghilzai
- Qizilbash
- Tajik

Turkic

- Kirghiz
- Turkmen
- Uzbek

Other

- Brahui
- Nuristani
- Sparsely populated or
uninhabited

نقشه پراکندگی ملیت‌ها و قومیت‌ها در افغانستان

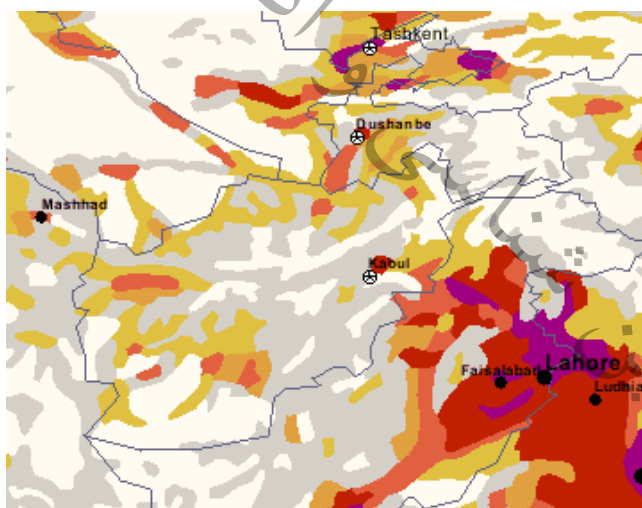
۲،۱۲،۲ سن و جنسیت



عوامل متعددی چون جنگ و نا آرامی، فقر و سطح پایین سواد و بهداشت عمومی بر شاخصهای آماری مرتبط با طول عمر جامعه افغانستان تاثیر گذاشته به طوریکه تنها ۲/۸ درصد از جمعیت این کشور عمر بالای ۶۵ سال دارند و میزان امید به زندگی در این کشور ۴۲/۵ سال است. ساختار سنی جامعه افغانستان با توجه به عواملی که بر شمرده شد بسیار جوان است و نیمی از جمعیت آن زیر ۱۷/۵ سال است.

از لحاظ تناسب جنسیتی افغانستان حالتی متعادل دارد به نحوی که در ازای هر مرد ۱/۰۵ زن وجود داشته و جمعیت زنان و مردان افغانستان با هم برابر می کند.

۲،۱۲،۳ نقشه پراکندگی جمعیت افغانستان



نقشه پراکندگی جمعیت افغانستان

۲،۱۲،۴ گونه های نژادی



ساختار جمعیت افغانستان متشکل از گونه های نژادی متنوع است که اغلب به صورت متمرکز در نواحی مشخصی از کشور زندگی می کنند. در صورتی که از گونه های نژادی کم جمعیت تر صرف نظر کنیم به ۷ گونه اصلی زیر بر خواهیم خورد:

افغانستان تیره های جمعیتی متفاوتی دارد و همین امر مشکلات فراوانی را برای حکومت آن به همراه داشته است. حداقل ۳۸ درصد از افغانها «پشتون»، ۲۵ درصد «تاجیک»، ۶ درصد «ازبک»، ۱۹ درصد «هزاره» و مابقی «ترکمن»، «بلوچ» و سایر تیره های نژادی هستند.

اسلام دین مطلق مردم افغانستان است و تعصبات دینی باعث شده که پیروان سایر ادیان از این کشور مهاجرت کنند. ۹۹٪ مردم افغانستان مسلمان هستند، که شامل ۶۵٪-۷۰ سنی و ۲۵٪-۳۰ شیعه (شیعه اثنی عشری و اسماعیلی) می باشند. حدود ۲۰۰۰ هندو و سیک و ۱۵۰ خانواده یهودی نیز در این کشور زندگی می کنند. زبان رسمی مردم این کشور فارسی دری و پشتو است. ۵۰ درصد از مردم به لهجه فارسی افغانستان (دری) صحبت می کنند. ۳۸ درصد از افغانها به لهجه «پشتو»، ۱۱ درصد به لهجه ترکی ازبکستان و ترکمنستان و مابقی به لهجه های اردو و بلوچی صحبت می کنند.

متأسفانه سطح باسوادی در میان مردم افغانستان پایین است. این امر بویژه در میان زنان افغانی که از زمان روی کار آمدن حکومت طالبان ممنوع التحصیل شده اند، نمود دارد. در حال حاضر ۴۷/۲ درصد از مردان و کمتر از ۱۵ درصد زنان بالای ۱۵ سال افغانستان باسوادند. همچنین افغانستان از لحاظ امکانات بهداشتی دچار مشکلات می باشد.

۲,۱۲,۵ شاخص های جمعیتی



۴۲/۳۷ درصد از مردم افغانستان کمتر از ۱۴ سال سن دارند که این میزان جمعیت شامل ۵ میلیون و ۵۹۸ هزار پسر و ۵ میلیون و ۳۷۱ هزار دختر می‌شود. از سوی دیگر افراد بین ۱۵ تا ۶۴ ساله ۵۴/۸۶ درصد از ساکنین افغانستان را شامل می‌شوند که متشکل از ۷ میلیون و ۳۶۲ هزار مرد و ۶ میلیون و ۸۳۹ هزار زن هستند. افراد ۶۵ ساله با بالا در افغانستان ۲/۷۷ درصد از جمعیت این کشور هستند که شامل ۳۷۸ هزار مرد و ۳۳۷ هزار زن می‌شوند.

افغانستان در منطقه حساس و استراتژیک «آسیای مرکزی» قرار گرفته است. از یک سو به (شبه قاره هند)، و از سوی دیگر به کشورهای معروف به «آسیای میانه» و نیز «جمهوری خلق چین»؛ و از سمت دیگر به «آسیای غربی» مرتبط است. سلسله جبال «هندوکش» که قسمت وسیعی از خاک کشور را پوشانده، همواره سد محکمی در مقابل مهاجمان از شمال به سمت جنوب و مهاجمان از جنوب به سمت شمال و یا از غرب به شرق و نیز بالعکس.

در دو قرن گذشته کشور افغانستان بعنوان حائل میان امپراتوری‌های «شرق» و «غرب» بوده است. که هدف وجود دیوار مستحکمی بین مرزهای استعماری شرق و غرب می‌باشد. حتی در منطقه شمال غربی این کشور «تنگه واخان» (خیبر) را ضمیمه خاک افغانستان نگاه داشتند تا بین «هند» که تحت استعمار «انگلیس» بود با «آسیای مرکزی» که در تصرف «روسیه» قرار داشت اختلاف وجود داشته باشد.

در حال حاضر، به دلیل قرار گرفتن در مرز با «آسیای میانه» و اهمیت انتقال منابع زیرزمینی این کشورها به دنیا از طریق خاک افغانستان و همچنین همجواری با ایران، مردم افغانستان حدود ۴۵/۸۸ سال امید به سالمندی دارند، یعنی امید به زندگی در بین مردان افغانی به ۴۶/۶۲ سال و در میان زنان این کشور به ۴۵/۱۱ سال می‌رسد.



۲,۱۲,۶ پرجمعیت ترین شهرهای افغانستان

کابل (پایتخت) ۲/۰۳۴/۰۰۰ نفر، قندهار ۲۲۵/۵۰۰ نفر؛ هرات ۱۷۷/۳۰۰ نفر، مزار شریف ۱۳۰/۶۰۰ نفر، جلال آباد ۵۸/۸۰۰ نفر قندوز ۵۷/۱۰۰ نفر، بغلان ۴۱/۲۰۰ نفر. بقیه شهرها جمعیت اندکی داشته و با چهره سازی روستایی مانند و حتی ظاهر یک شهر را نیز ندارند. ۱۶/۵٪ در شهر و ۷۳/۷٪ در حدود ۲۰/۰۰۰ روستا ساکن هستند و ۸/۶٪ بقیه نیز زندگی عشایری (چادر نشین) دارند؛ و به دلیل اینکه حدود ۱۷ میلیون افغان در خارج از شهرها زندگی می کنند، اساس جامعه در این کشور «ده» می باشد. متوسط طول عمر ۴۱/۵ سال، و امید به زندگی ۴۱ سال و نرخ مرگ و میر کودکان بین ۱۸۲ تا ۲۰۰ در هر ۱۰۰۰ نفر کودک است.

۲,۱۲,۷ ویژگیهای جمعیتی جمهوری اسلامی افغانستان

مساحت	۶۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت	۲۵۸۳۸۰۰۰ نفر
تراکم نسبی جمعیت در هر کیلومتر مربع	۳۹/۶۲ نفر
نسبت جمعیت شهری	۲۱/۵ درصد



نسبت جمعیت روستایی	۷۸/۵ درصد
نرخ رشد جمعیت	۳/۵۴ درصد
میانگین نرخ رشد جمعیت ۱۹۹۰-۱۹۹۸	۳/۸۱ درصد
نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال	۴۲/۳۷ درصد
نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال	۵۴/۸۴ درصد
نسبت جمعیت بالای ۶۴ سال	۲/۷۷ درصد
نرخ زاد و ولد به ازای هر هزار نفر	۴۱/۸۲ نفر
نرخ مرگ و میر به ازای هر هزار نفر	۱۸/۰۱ نفر
نرخ مهاجرت به ازای هر هزار نفر	۱۱/۵۴ نفر
نرخ مرگ و میر نوزادان در هر هزار نفر	۱۴۹/۲۸ نفر
نرخ باروری زنان بالای ۱۴ سال	۵/۸۷ درصد
امید به زندگی در کل جمعیت	۴۵/۸۸ سال



نسبت جنسی مردان در بدو تولد	۱/۰۵
نسبت جنسی مردان زیر ۱۵ سال	۱/۰۴
نسبت جنسی مردان ۱۵ تا ۶۴ سال	۱/۰۸
نسبت جنسی مردان بالای ۶۴ سال	۱/۱۲
نسبت جنسی مردان در کل جمعیت	۱/۰۶
نرخ باسوادی مردان بالای ۱۵ سال	۴۷/۲ درصد
نرخ باسوادی زنان بالای ۱۵ سال	۱۵ درصد
نرخ باسوادی کل جمعیت	۳۱/۵ درصد
میانگین نرخ رشد باسوادی مردان در دهه ۹۰	۲۱/۴ درصد
میانگین نرخ رشد باسوادی زنان در دهه ۹۰	۲۰/۸ درصد
تیره های جمعیتی	پشتون , تاجیک , ازبک و هزاره
دین عمده جمعیت	اسلام ۹۹/۷ درصد



زبان رسمی	پشتو و فارسی (دری)

به علت نظام قومی و قبیله ای، شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی نبوده جاده‌های مناسب برای رفت و آمد (به حدی که اکثر جاده‌های روستایی و یک سوم راه‌های بین شهری در زمستان مسدود می‌گردد)، نبود وسایل حمل و نقل کافی و مشکل بودن زندگی در شهرها، به علت فقدان کار و درآمد، و عدم پذیرش افراد قبایل دیگر در میان قبیله جدید، مهاجرت و رفت و آمد در کشور محدود است و بیش از ۸۰٪ جمعیت معمولاً در همان جایی به سر می‌برند که متولد گردیده و حداکثر از محدوده جغرافیایی قبیله، چند کیلومتر این طرف و آن طرف می‌روند. بر اثر وقوع جنگ داخلی در کشور پس از سال ۱۹۸۰ م حدود ۵ یا ۶ میلیون نفر از اهالی کشور، به دو کشور پاکستان و ایران حتی اروپا و آمریکا و استرالیا مهاجرت کرده اند.

۲,۱۲,۸ پر جمعیت ترین شهرها

کابل (پایتخت) ۲/۳۴۰/۰۰۰ نفر، قندهار ۵۰۰/۰۰۰ نفر، هرات (۱۷۷/۰۰۰ نفر)، مزار شریف ۱۳۰/۰۰۰ نفر، جلال آباد ۵۸/۰۰۰ نفر قندوز ۵۷/۰۰۰ نفر، بغلان ۴۱/۰۰۰ نفر. بقیه شهرها جمعیت اندکی داشته و با چهره سازی روستایی مانند و حتی ظاهر یک شهر را نیز ندارند. ۵/۱۶٪ در شهر و ۷۳/۷٪ در حدود ۲۰۰۰۰ روستا ساکن هستند و ۶/۸٪ بقیه نیز زندگی عشایری (چادر نشین) دارند؛ و به دلیل اینکه حدود ۱۷ میلیون افغانی در خارج از شهرها زندگی می کنند، اساس جامعه در این کشور «ده» می باشد. متوسط طول عمر ۴۳ سال، و امید به زندگی ۴۱ سال و نرخ مرگ و میر کودکان بین ۱۸۲ تا ۲۰۰ در هر ۱۰۰۰ نفر کودک است.



به علت نظام قومی و قبیله ای ، شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی نبوده جاده های مناسب برای رفت و آمد (به حدی که اکثر جاده های روستایی و یک سوم راههای بین شهری در زمستان مسدود می گردد)، نبود وسایل حمل و نقل و مشکل بودن زندگی در شهرها، به علت فقدان کار و درآمد، و عدم پذیرش افراد قابل دیگر در میان قبیله جدید، مهاجرت و رفت و آمد در کشور محدود است و بیش از ۸۰٪ جمعیت معمولاً در همان جایی به سر می برند که متولد گردیده و حداکثر از محدوده جغرافیایی قبیله، چند کیلومتر این طرف و آن طرف می روند. بر اثر وقوع جنگ داخلی در کشور پس از سال ۱۹۸۰ م حدود ۶ میلیون نفر از اهالی کشور، به دو کشور پاکستان و ایران حتی اروپا و آمریکا و استرالیا مهاجرت کرده اند.

۲,۱۲,۹ جمعیت افغانستان در سالهای گذشته

بنا بر سرشماری رسمی سازمان ملل متحد (صفحه ۱۳۲ سال ۱۹۶۸) افغانستان را به صورت تخمین در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی مطابق ۱۹۳۷ میلادی ۱۰۹۷۲۰۰۰ گزارش شده است اما مسئول آمار وزارت طرح و برنامه در نشریه پیشرفت و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ۱۳۴۸ منتشره سبیلک ۱۳۴۹ کابل صفحه ۱۵ جمعیت افغانستان را در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۰ میلادی دوازده میلیون نفر تخمین زده شده . و هم چنان در سالنامه سال ۱۳۱۱ جمعیت افغانستان را در آن زمان دوازده میلیون تخمین زده اند .

جدول ذیل جمعیت سال های مختلف افغانستان را که از نشرات سال های مختلف سازمان ملل متحد اخذ و مرتب گردیده است با میزان تراکم در کیلو متر مربع نشان می دهد:



(۱) اگر چه در افغانستان ولایت کابل از لحاظ تراکم جمعیت درجه اول را دارا می باشد اما عامل عمده تراکم جمعیت در ولایت

کابل خصوصا در شهر کابل بیشتر به سبب موقعیت اداری ، تجارتي و صنعتی آن می باشد.

کشور

شماره سال ه. ش	تعداد جمعیت	تمرکز جمعیت در کیلومتر مربع
۱۳۱۵	۱۰۹۷۲۰۰۰	۱۶۹۲
۱۳۲۹	۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۸۱۵
۱۳۳۶	۱۳۰۰۰۰۰۰	۲۱۲۹
۱۳۴۸	۱۳۸۰۰۰۰۰	۲۱۲۹
۱۳۳۹	۱۴۴۸۴۰۰۰	۲۲۳۵
۱۳۴۰	۱۴۶۸۴۰۰۰	۲۲۶۶
۱۳۴۲	۱۵۲۲۷۰۰۰	۲۳۵۳
۱۳۴۵	۱۵۵۰۰۰۰	۲۳۹۳
۱۳۴۷	۱۶۳۳۰۰۰۰	۲۵۲۰



۱۳۵۰	۱۷۴۸۰۰۰۰	۲۶۹۷
۱۳۵۱	۱۷۸۸۰۰۰۰	۲۷۲۹
۱۳۵۲	۱۸۲۹۰۰۰۰	۲۸۲۲
۱۳۵۳	۱۸۸۰۰۰۰۰	۲۹۰۱
۱۳۵۴	۱۹۲۸۰۰۰۰	۲۹۷۵

نظر با اینکه تا قبل از برقراری نظام جمهوری آمار ارقام مربوط به سرشماریهای مربوط به جمعیت کشور افغانستان که توسط منابع دولتی یا سایر مؤسسات بین المللی تخمین زده می شود نمی توانسته مستند باشد لذا این آمار جمعیتی نمی توانسته پایه و اساس منابعی جهت برنامه ریزی قرار گیرد. بدون تردید تنظیم برنامه های اقتصادی و اجتماعی کشور با این تخمین جمعیت نتایج حاصل از برنامه ها را دچار مشکلات و اشتباهات فاحشی می نمود.

۲،۱۲،۱۰ جمعیت و ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی

طبق آخرین برآورد بانک جهانی (جولای ۲۰۰۰ میلادی) افغانستان نزدیک به ۲۵ میلیون ۸۳۸ هزار نفر جمعیت داشته است. البته آمار دیگری از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد حاکیست که در ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی حداقل ۲/۵



میلیون افغانی در جمهوری اسلامی ایران و نزدیک به ۲ میلیون افغانی در پاکستان به صورت پناهندگان رسمی و غیررسمی سکونت داشته اند.

۴۲/۳۷٪ از مردم افغانستان کمتر از ۱۴ سال سن دارند که این میزان جمعیت شامل ۵۵۹۸۰۰۰ پسر و ۵۳۷۱۰۰۰ دختر می شود. از سوی دیگر افراد بین ۱۵ تا ۶۴ ساله ۵۴/۸۶٪ از ساکنین افغانستان را شامل می شوند که متشکل از ۷۳۶۲۰۰۰ مرد و ۶۸۳۹۰۰۰ زن هستند. افراد ۶۵ ساله به بالا در افغانستان ۲/۷۷٪ از جمعیت این کشور هستند که شامل ۳۷۸ هزارمرد و ۳۳۷ هزار زن می شوند.

نرخ رشد جمعیت افغانستان هم اکنون حدود ۳/۵۴٪ است. در حالیکه میانگین نرخ مذکور در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸ میلادی حدود ۳/۸۱٪ بود. از سوی دیگر این سرزمین به ازای هر یکهزار نفر جمعیت خود ۴۱/۸۲ نفر نرخ زاد و ولد، ۱۸/۰۱ نفر نرخ مرگ و میر و ۱۱/۵۴ نفر نرخ مهاجرت دارد. همچنین در هر کیلومتر مربع از خاک این کشور به طور میانگین ۳۹/۶۲ نفر زندگی می کنند. مردم افغانستان حدود ۴۵/۸۸ سال امید به سالمندی دارند، یعنی امید به زندگی در بین مردان افغانی به ۴۶/۶۲ سال و در میان زنان این کشور به ۴۵/۱۱ سال می رسد.

افغانستان تیره های جمعیتی متفاوتی دارد و همین امر مشکلات فراوانی را برای حکومت آن به همراه داشته است. حداقل ۳۸٪ از افغانها پشتون، ۲۵٪ تاجیک، ۶٪ ازبک، ۱۹٪ هزاره و مابقی ترکمن و بلوچ و سایر تیره های نژادی هستند. دین اسلام مذهب مطلق مردم افغانستان است و تعصبات مذهبی باعث شده که پیروان سایر ادیان از این کشور مهاجرت کنند در حال حاضر بالغ بر ۸۵٪ از افغانها سنی مذهب و ۱۴/۷٪ آنها شیعه مذهبند.



زبان رسمی مردم این کشور فارسی است ولی تنها ۵۰٪ از مردم به لهجه فارسی افغانستان (دری) صحبت می کنند. ۳۸٪ از افغانها به لهجه (پشتو) ۱۱٪ به لهجه ترکی ازبکستان و ترکمنستان و مابقی به لهجه های اردو و بلوچی صحبت می کنند.

در حال حاضر ۴۷/۲٪ از مردان و کمتر از ۱۵٪ زنان بالای ۱۵ سال افغانستان باسوادند همچنین افغانستان از لحاظ امکانات بهداشتی بسیار عقب افتاده است و سالها جنگ و خونریزی قبیله ای در این کشور، انواع بیماریهای واگیر را در میان مردم آن شیوع داده است. خطر دیگری که همواره مردم و بویژه کودکان افغانی را تهدید می کند، فراوانی مین ها و مهمات عمل نکرده در مناطق مختلف این کشور است. حوادث ناشی از انفجار مهمات عمل نکرده جنگی در افغانستان بیش از هر کشور دیگری است و روزانه جان تعداد زیادی از کودکان مظلوم افغانی را می گیرد. در سالهای اخیر وبا، حصبه، آنفولانزا، تیفوس و ... جان تعداد زیادی از ساکنین مناطق روستایی افغانستان را گرفته است. هرچند که نیروهای صلیب سرخ جهانی در تابستان سال ۲۰۰۰ میلادی از طرفهای متخاصم افغانی درخواست کردند که حداقل به مدت ۳ روز آتش بس برقرار سازند تا کودکان افغانی را در مقابل برخی از بیماریها واکسینه کنند ولی بسیاری از کودکان این کشور که به علت شدت آتش جنگ خانگی به همراه خانواده خود به مناطق نسبتاً امن و صعب العبور کوچ کرده بودند، موفق به واکسیناسیون نشدند.

۲،۱۲،۱۱ ویژگیهای جمعیتی جمهوری اسلامی افغانستان در آستانه سال ۲۰۰۰ میلادی

مساحت	۶۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع



جمعیت	۲۵۸۳۸۰۰۰ نفر
تراکم نسبی جمعیت در هر کیلومتر مربع	۳۹/۶۲ نفر
نسبت جمعیت شهری	۲۱/۵٪
نسبت جمعیت روستایی	۷۸/۵٪
نرخ رشد جمعیت	۳/۵۴٪
میانگین نرخ رشد جمعیت ۱۹۹۰-۱۹۹۸	۳/۸۱٪
نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال	۴۲/۳۷٪
نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال	۵۴/۸۶٪
نسبت جمعیت بالای ۶۴ سال	۲/۷۷٪
نرخ زاد ولد به ازای هر هزار نفر	۴۱/۸۲ نفر
نرخ مرگ و میر به ازای هر هزار نفر	۱۸/۰۱ نفر
نرخ مهاجرت به ازای هر هزار نفر	۱۱/۵۴ نفر



نرخ مرگ و میر نوزادان به ازای هر هزارنفر	۱۴۹/۲۸ نفر
نرخ باروری زنان بالای ۱۴ سال	۵/۸۷ سال
امید به زندگی در کل جمعیت	۴۵/۸۸ سال
نسبت جنسی مردان در بدو تولد	۱/۰۵
نسبت جنسی مردان زیر ۱۵ سال	۱/۰۴
نسبت جنسی مردان ۱۵ تا ۶۴ سال	۱/۰۸
نسبت جنسی مردان بالای ۶۴ سال	۱/۱۲
نسبت جنسی مردان در کل جمعیت	۱/۰۶
نسبت باسوادی مردان بالای ۱۵ سال	٪۴۷/۲
نرخ باسوادی زنان بالای ۱۵ سال	٪۱۵

۲،۱۲،۱۲ ویژگیهای جمعیتی جمهوری اسلامی افغانستان در آستانه سال ۲۰۰۰ میلادی



نرخ باسوادی کل جمعیت	۳۱/۵٪
میانگین نرخ رشد باسوادی مردان در دهه ۹۰	۲۱/۴٪
میانگین نرخ رشد باسوادی زنان در دهه ۹۰	۲۰/۸٪
تیره جمعیتی	پشتون، تاجیک، ازبک
مذهب عمده جمعیت	اسلام ۹۹/۷٪
زبان رسمی	فارسی (دری)
بیماریهای واگیر	وبا، حصبه، آنفولانزا

۲،۱۲،۱۳ اقوام ساکن در افغانستان

افغانستان کشوری است که دارای گروه‌های قومی متعدد که برخی از اقوام آن، هنوز ناشناخته است. البته مردم شناسان تلاش‌های فراوان نمودند و نتایج خوبی را در این زمینه نشان می‌دهد. از جمله مردم شناسان «اروین، اورال» و همکارانش، تعدادی ۵۵ قوم را در افغانستان شناسایی کرده‌اند.



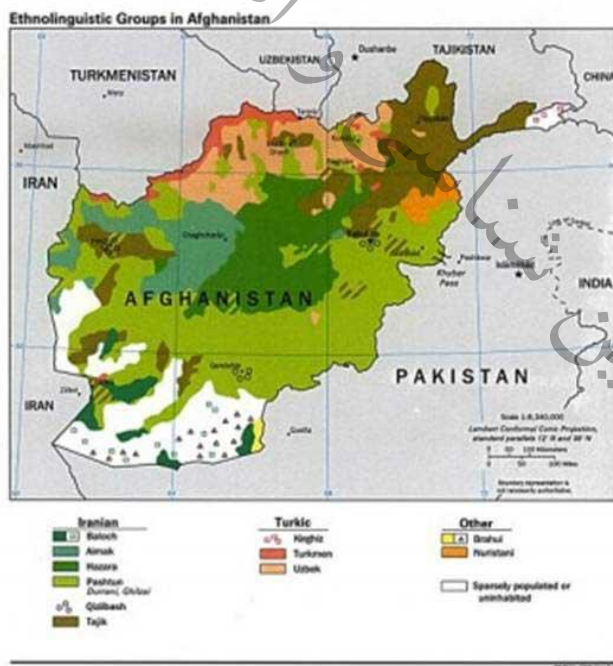
گروهی از محققان افغانستان را موزه ای از نژاد و ملل گوناگون می دانند که سکنه فعلی آن بازماندگان دو نژاد عمده هستند:

نژاد سفید: شامل پشتون ها، تاجیکها، هزاره ها، نورستانیها و ...

نژاد زرد: شامل ازبکها، ترکمنها، قرقیزها، مغولها و ...

نقشه اقوام افغانستان

۲،۱۲،۱۴



نقشه اقوام افغانستان



۲،۱۲،۱۴،۱ پشتونها (افغانها - پاتانها)

این تبار عمدتاً در شرق و جنوب و بعضی از آنها در شمال و غرب کشور زندگی می‌کنند، جمعیت آنان در حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت افغانستان برآورد شده است، زبان این قوم، پشتو و از شاخه‌های زبان هند و اروپایی است. این طایفه اکثراً پیرو مذهب حنفی از مذاهب اهل سنت هستند، اما در بین آنها پشتونهای شیعه نیز زندگی می‌کنند.

پشتونها به لحاظ ساختار درون قومی به دو طایفه (قبیله) بزرگ «غلزایی یا غلجه زایی» و «درانی یا ابدالی» منشعب می‌شوند، که از دیر زمانی رقابت بر سر قدرت سیاسی، میان این دو طایفه وجود داشتند، همین امر جنگ‌های قومی متعددی را موجب گشته است، از تأسیس حکومت افغانی در سال ۱۲۶۱ ش. به دست احمدخان ابدالی حکومت افغانستان تحت سلطه درانی‌ها بود که آنها نیز به دو تیره‌ی «سدوزایی» و «بارک زایی» تقسیم گردید.

طایفه «غلزایی» هرچند در ساختار قدرت سیاسی مشارکت داشته، اما هیچگاه حکومت انحصاری را چون رقیب خود در دست نداشته است. اما پس از کودتای مارکسیستی، سال ۱۳۵۷ ش. بود که با سقوط سلسله‌ی «بارک زایی» حاکمیت سیاسی در اختیار طایفه‌ی دیگر از پشتونها (غلزایی) قرار گرفت. بدین ترتیب ساختار قدرت سیاسی تنها خود را در برابر مطالبات قبیله‌ی رقیب از اقوام پشتون پاسخگو می‌دانست و نوعی انحصار سیاسی را شاهد بوده است که بر اساس آن اقوام غیر پشتون از مشارکت سیاسی در

این ساختار محروم بوده‌اند.

قوم درانی (ابدالی)

ب : پنج پاو : که خود شامل نورزایی، علی زایی و اسحاق زایی است.

قوم غلجہ زایی (غیلزایی)

الف : _____ ت : _____ ویرانی : _____ ک و احم : _____ دزی _____

ب : بورانی : کوتک، وبابی



نقشه پشتونستان ۲،۱۲،۱۴،۲



نقشه پشتونستان



هزاره‌ها که تقریباً ۲۵ درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، طبق نظریه‌هایی این تبار از بومیان اصلی این سرزمین می‌باشند. در گذشته اکثریت آنان در مرکز افغانستان موسوم به منطقه هزاره‌جات می‌زیستند، اما امروزه در اکثر مناطق این کشور زندگی می‌کنند.

هزاره‌ها از قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین هستند و دومین قوم بعد از پشتونها. بعضی از محققان هزاره‌ها را از بازماندگان قوم مغول می‌دانند ولی شاید بتوان گفت که هزاره‌ها ترکیبی از نژادهای ایرانی و مغولی باشند.

صرف نظر از ریشه‌های تاریخی آن و مباحث مربوط به تبارشناسی، هزاره‌ها عمدتاً پیرو مذهب امامیه اثناعشری هستند و عده کمی از آنها که سنی مذهب هستند در قسمت‌های بدخشان، پنجشیر، بادغیس، و نوربند زندگی می‌کنند.

هزاره‌ها به زبان فارسی (دری) تکلم می‌کنند، مهاجران این قوم که به دلیل ظلم و بیدادگری امیر عبدالرحمن خان، در سالهای

۱۲۵۷ تا ۱۲۸۰ ش. جلای وطن کرده‌اند، در خراسان فعلی ایران و بلوچستان پاکستان متوطن گشتند و از نظر سیاسی، هزاره‌های

شیعی، کاملاً در انزوای سیاسی قرار داشتند تا اجلاس «بن» که در سال ۱۳۸۰ ش. برگزار گردید، کمترین سهمی در ساختار قدرت

سیاسی این کشور را نداشتند. البته در دوره کمونیست‌ها نیز تا حدودی به مقامات بالای حکومتی راه یافته‌اند، از جمله صدارت

سلطانعلی کشتمند... در دهه ۱۳۷۰ ش. در پی اجرای سیاست‌های تبعیض قومی و مذهبی عبدالرحمن خان، آنان زیر فشار شدید

دستگاه حکومتی قرار داشتند، که به عنوان سیاست استراتژیک صاحبان بعدی قدرت در این کشور قرار گرفت.



هزاره‌ها در برابر تهاجمات خارجی همواره از افغانستان دفاع نمودند و تا کنون هیچ نیروی استعماری نتوانسته است قلب افغانستان را تسخیر کند، مبارزات این مردم علیه استعمار انگلیس در گذشته و مبارزات امروزی‌شان علیه نیروهای متجاوز روسی گواه بر این حقیقت است و حتی از دورترین زمان‌ها تا جایی که تاریخ به یاد دارد، هزاره‌ها سده‌استواری در برابر تهاجمات خارجی بوده‌اند، چنانچه در برابر حملات: کوروش، اسکندر، چنگیز، تیمور و شیبانی، از خود مقاومت عجیبی نشان داده‌اند.

۲,۱۲,۱۴,۴ تاجیکها

این تبار به لحاظ موقعیت اجتماعی و سیاسی، سومین گروه قومی در افغانستان محسوب می‌شود که جمعیت این قوم ۲۰/۶٪ جامعه افغانستان را تشکیل می‌دهند. آنان به زبان فارسی تکلم می‌کنند و این قوم از اقوام آریایی است که دیر زمانی است که در مناطق مختلف کشور به ویژه شمال و شمال شرقی افغانستان، ساکن هستند و به لهجه تاجیکی که از لهجه‌های زبان فارسی است تکلم می‌کنند و با سکونت در شهرها و روستاها به کشاورزی، باغداری و دامداری اشتغال دارند، به رغم انحصار حکومت سیاسی، این تبار به طور محدود، در ساختار قدرت سیاسی سهمیم بوده‌اند. تاجیکها اکثر زندگی ایلی و قبیله ای را تا حدی رها کرده و روش پیشرفته و شهرنشینی را اختیار کردند که به چهار گروه تقسیم می‌شوند:



۲،۱۲،۱۴،۵ هراتی فارسی زبان

در هرات و اطراف آن زندگی می کنند و نصف شیعه و نصف دیگر سنی مذهب هستند . شغلشان اکثرا زراعت ، تجارت ، دامداری صنعت و اموراداری هست .

۲،۱۲،۱۴،۶ دری زبانهای منطقه ترکستان

محدوده شهرهای شمالی افغانستانند مزار شریف ، قندوز ، بغلان ، و... را شامل میشود . بیشتر با تاجیکها و ازبکها آمیخته شده اند و اکثریت سنی مذهب هستند.

۲،۱۲،۱۴،۷ تاجیک کوهستانی

در نقاط مرتفع دامنه های هندوکش و پامیر زندگی می کنند ، بسیار کم اختلاط نژادی پیدا کرده اند . اکثرا سنی مذهب هستند و تا مرز چین گسترش یافته اند .

تاجیکهای نیمه کوچی

در دوره شکاری زندگی زندگی می کنند بیشتر سنی مذهب و شیعه مردم هزاره می باشند.



۲،۱۲،۱۴،۸ ازبکها

این تبار از اقوام ترک تبارند، در نواحی شمال افغانستان ساکنند و عمدتاً در شهرهای: مزار شریف، شبرغان، میمنه، خان آباد، قندوز و... سکونت دارند، جمعیت آنان با دیگر اقوام ترک تبار ۲۰ درصد کل جمعیت کشور برآورد شده است. ازبکها از اعقاب ترکان زرد پوست آسیای مرکزی می باشند و به مشاغل چون: کشاورزی و دامداری اشتغال دارند و به زبان ازبکی، که زبان مادری این قوم است، ترکیبی از واژه های ترکی است. از نظر سیاسی، اینان نیز چون دیگر اقوام از حکومت محروم بوده و همواره تحت فشار قرار داشته اند، به همین علت در فقر و محرومیت می زیسته اند و از نظر مذهب اکثریت این قوم سنی مذهبند.

۲،۱۲،۱۴،۹ س ————— ایراق ————— وام

ترکمن ها، قزلباش ها، قرقیزها، بلوچ ها و... از دیگر اقوام ساکن در افغانستان هستند، در حالی که قزلباشها بیشتر در شهرهای غزنی، کابل، هرات، قندهار، متمرکزند، ترکمنها در طول کرانه های «آمودریا» و مرزها شمال غربی افغانستان سکونت دارند و اغلب به دامداری مشغولند، قرقیزها در ناحیه شمال شرقی کشور و در منطقه «واخان» زندگی می کنند. بلوچ ها نیز در جنوب غربی کشور در مجاورت بلوچستان ایران و پاکستان ساکن هستند.



مورخ شهیر عصر عبدالرحمن خان، کاتب هزاره در این مورد می نویسد: «که تعداد اقوام و طوایف ساکن در افغانستان با شعب و زیر

مجموعه های خود تقریباً به ۱۳۸ قوم و طایفه می رسند».

۲,۱۲,۱۴,۱۰ چادر نشینها

در افغانستان بین ۲ تا ۳ میلیون چادر نشین و نیمه چادر نشین و به تعبیری کوچ نشین وجود دارد . افغانها آنها را کوچی می نامند.

این عده در شمال و جنوب و شرق و غرب پراکنده اند.

عده زیادی از کوچ نشینان از این غلجه زایی (پشتون) هستند . آنها در فصل پائیز از ارتفاعات جنوبی افغانستان عبور کرده و با

گذر از مرز پاکستان در استان سرحد پاکستان اطراق می کنند و سپس در فصل بهار راهی بیلاقتها و مراتع افغانستان گردیده و به

فروش کالاهای خود و خرید کالاهای مورد نیاز می پردازند.



۲،۱۲،۱۵ گروه‌های قومی و نژادی افغانستان

در سال ۱۹۸۶ «آوریوال» فهرستی از گروه‌های قومی در افغانستان را به شرح زیر یادداشت نموده است:

پشتو

هزاره

ازبک

تاجیک

ترکمن

شادی باز

گوارباتی

طاهری

عرب

قزلباش

جوگی

تایمینی

براهوایی

گوچار



تیرابی

سیگ

موری

مغول

مونجانی

شیخ محمدی

زوری

قرقیز

اشکاشمی

شینانی

یهودی

جت

قپچاق

سنگلیچی

قارلیق

تیموری

پیکراغ

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور



روشانی

فارسی

فیروز کوهی

میش مست

قزاق

واخی

جمشیدی

غوربت

پاراچی

نورستانی

ایماق

ملیکی

وانگ والا

ارموری

بلوچ

جلالی

تاتار

کشور
و
اختشافات معدنی
و
شناسی
زمین
سازمان



کوتانا

هندو

۲،۱۲،۱۶ ساختار مذهبی در جامعه افغانستان:

افغانستان کشوری است که ۹۹ درصد مردم آن مسلمانند، اما از نظر مذهبی و نحله‌های دینی این جمعیت مسلمان کشور افغانستان، به دو شعبه سنی و شیعه تقسیم می‌شوند، اکثریت مردم افغانستان سنی مذهبند و یک سوم نیز شیعه مذهبند. اگر تلقی و تقسیم‌های متفاوتی را که از شریعت و مظاهر و دستورهای مذهبی وجود دارد در کنار زیر مجموعه‌ها قرار دهند، شاهد تنوع مذهبی و گوناگونی شدیدی در افکار و اندیشه‌های مذهبی جامعه افغانستان خواهیم بود. یافته‌ها و تفسیرهایی که هر کدام از نحله‌ی فکری خاص با خود دارند امور و زندگی سیاسی جامعه و تحولات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بنابراین در یک توصیف اجمالی از ساختار مذهبی جامعه افغانستان، مذاهب و فرق موجود بقرار زیر است:

۲،۱۲،۱۶،۱ مذهب حنفی

غالب مردم مسلمان افغانستان از پیروان مذهب حنفی هستند، گرچه در این زمینه، آمار دقیق رسمی وجود ندارد، اما آنچه بیشتر پژوهشگران، بطور تقریبی ارایه کردند، پیروان مذهب حنفی را بین ۶۵ تا ۷۰ درصد از کل جمعیت افغانستان اعلام داشته‌اند. که از



اقوام پشتون، تاجیک، ترکمن، عرب، بلوچ، ایماق، قرقیز، قزاق، نورستانی، هزاره و... ترکیب یافته است. پیروان مذاهب دیگر اهل سنت مثل شافعی، حنبلی و مالکی یا وجود ندارند و یا این که در خفاند و کسی به پیروی از این گونه مذاهب شهرت نیافته است. مذهب «حنفی» همواره تنها مذهب رسمی افغانستان بوده است که در برگیرنده‌ی اقوام مختلف ساکن افغانستان را شامل می‌شود.

در کشور افغانستان در گذشته امور قضایی مردم افغانستان (شیعه و سنی) تابع تصمیمات و صلاح‌دیدهای قاضی (حنفی) بوده است، قضات دارای اختیارات گسترده بوده‌اند و نوع مجازات و کیفر متناسب با جرایم را از قبل تعیین نمی‌کرد و در واقع مجازات تابع دیدگاه و رأی شخص قاضی بود. در دوره امان الله خان دست به اصلاحات قضایی زد و با همکاری برخی از فقه‌های نو اندیش، مثل، «مولوی عبدالواسع قندهاری» اقدام به تدوین کتاب «تمسک القضا امانیه» نمود. در این کتاب مبانی و صلاحیت‌های قضات را محدود کرد و از همه مهمتر این که به تعریف و تعیین مجازات و جرم نیز پرداخته شد. لذا از این پس هر قاضی نمی‌توانست، طبق برداشت‌های شخصی خویش حکم، صادر کند.

انجام این کار در افغانستان یک تغییر اساسی فقهی بود که به عمل آمد و صنف قضات را برای همیشه از دولت و تحولات جدید متنفر و بیزار ساخت، محاکم طبق احکام قانون اساسی از مداخلات دیگران آزاد و محاکمه متهمین نیز علنی گردید. که از این پس محاکم طبق قانون مدون در قانون اساسی کشور احکام را صادر می‌کردند.

بار دیگر در سال ۱۳۸۲ شمسی قانون اساسی آزادی‌های بیشتری در امور قضایی در مورد مذاهب و فرقه‌ها قایل شده است که مسوده قانون اساسی افغانستان توسط حقوقدانان این کشور تدوین گشت و به تصویب لویه جرگه «تصویب قانون اساسی» رسید، در



ماده دوم «قانون اساسی» در مورد «دین» و اجرای احکام مردم افغانستان آمده است: «دین مردم افغانستان، دین مقدس اسلام است و پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام و قانون آزاد می باشند».

۲،۱۲،۱۶،۲ مذهب شیعه

شیعیان افغانستان از نظر جمعیت، دومین مذهب مردم افغانستان به حساب می آیند. شیعه ها از اقوام مختلفی چون: هزاره، قزلباش، سادات، بلوچها، پشتونها، تاجیکها و... ترکیب یافته اند که عمدتاً جمعیت شیعیان افغانستان را (هزاره ها و سادات) تشکیل می دهند. البته در این زمینه آمار دقیق و متفق القولی از تعداد پیروان این مذهب وجود ندارد، دایره المعارف بریتانیکا، نگارش سال ۲۰۰۲م. جمعیت شیعیان را ۱۵ درصد اعلام می کند. رهبران جهادی که در سالهای پس از جهاد با سران شیعه بر سر حکومت اختلاف داشتند جمعیت شیعه را بسیار ناچیز اعلام کردند. حکمتیار ۱۰ درصد، عبدالرسول سیاف ۸ درصد، یونس خالص ۶ درصد جمعیت کل شیعه را اعلام کردند. ولی بیشتر پژوهشگران شیعه، آمار تقریبی ۳۰ درصد را از کل جمعیت افغانستان، پیروان این مذهب به شمار می آورند.



یکی از فرق مهم شیعه است که پس از مذهب اثنی عشری، بیشترین پیروان را در میان شیعیان جهان دارد، اسماعیلیان پس از شهادت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ ق. بر سر جانشینی ایشان از دیگر شیعیان جدا شدند. در افغانستان، پیروان مذهب اسماعیلیه که عده معدودی هستند در نواحی دوشی و کیله گی و بخشهای از دره صوف و بدخشان و در مناطق از بامیان، شیبیر، شنبل، عراق و دره میدان در نواحی سیاه سنگ و کالو در پروان، منطقه شیخ علی و سرخ پارسا زندگی می کنند و رهبر فعلی این فرقه در افغانستان را حاج سید منصور نادری معروف به سید کیان به عهده دارد که در درّه ی به نام درّه «کیان» زندگی می کند، از این رو اسماعیلی ها به نام «کیانی» نیز مشهورند.

موقعیت جغرافیایی شیعیان متفرقه در افغانستان

به گفته ی برخی از مورخین، شیعیان در وراء هزاره جات و مناطق، محلات و قصباتی که در آن زندگی می کنند، اکثریت ولایت های غیر هزاره جات را شامل می شود که عبارتند از هرات، تخار، کنر و لغمان و کاپیسا و ننگرهار و زابل است، که به اختصار آورده

می شود: _____



۱- هرات: شیعیان در مناطق مانند: کرخ، پشتون رزغون، غوریان، فرمانداری و شهر هرات زندگی می‌کنند طبق آمار سال ۱۳۴۸

ش، ۶۵ درصد مردم شهر هرات را شیعه گفته‌اند.

۲- هلمند: گرچه سابقاً اقوام زیادی از شیعیان در مناطق مهم این ولایت زندگی می‌کردند که بوسیله حاکمان ظالم نابود شده‌اند و

حتی نام‌های برخی از محلات شیعه‌نشین تاکنون مرسوم است مانند «نادعلی» یکی از فرمانداری‌های مهم این ولایت است. «موسی

قلعه» یکی از فرمانداری‌های ولایت است که به نام یکی از سرداران شیعه که در جنگ با انگلیس مشهور شدند، نامگذاری شده

است، در حال حاضر شیعیان مناطق باگران «نوزاد» عینک و شهر لشکرگاه و مناطق چناران، درویشان و آب بازان گرشک زندگی

دارند.

۳- ولایات نیمروز و فراه: شیعیان، در مناطق مختلف این دو ولایت زندگی می‌کنند، هزاره‌های نیکو دری‌های که در این دو ولایت

زندگی می‌کنند هر کدام از خود پایگاه‌های مستقل در وقت اشغال شوروی سابق داشتند. علاوه بر هزاره‌ها، بلوچها نیز حضور دارند

که شیعه‌اند.

۴- قندهار: از میان تحولات، گوشه‌ای از حقایق تلخ زندگی هزاره‌ها و فاجعه‌ی سرکوبی آنها دیده می‌شود و به استثناء برخی از

منابع در قندهار، طوایف متعدد هزاره‌های زندگی می‌کردند، اما اکنون در شهر قندهار در ناحیه‌ی فقیر نشین آن (توپخانه) خانواده‌های

کثیری از هزاره‌ها زندگی می‌کنند و در جهاد علیه رژیم کمونیستی شرکت داشتند. علاوه بر اینها، در قندهار تعدادی از پشتو

زبان‌های خلیلی، علی خیل، بلوچ اکثریت جمعیت شیعی مذهب را مردم قزلباش تشکیل می‌دهند، مناطق جاردانه، زله خان، میان

جسویی، چهار دیوان، شاه مقصود و فرمانداری خاکریز زندگی می‌کنند.

۵- کابل: شیعیان در کابل از اقوام مختلف از قبیل هزاره‌ها، قزلباشان، چنداولی، کردی، خوافی و سادات زندگی می‌کنند، تعداد

شیعیان در این شهر بزرگ بیش از دو میلیونی را تا نصف اهالی تخمین زده‌اند. شیعیان شهر کابل بیشتر در کابل غربی زندگی



- دارند، ولی در مرکز و شرق و شمال اکثراً در چند اول، مراد خانی، وزیر آباد، قلعه فتح الله، خیر خانه و... سکونت دارند. علاوه بر این، از زندگی شیعیان در گوشه و کنار ولایت کابل نیز گزارش شده است.
- ۶- لوگر: طوایفی از مردم شیعه به نام‌های قلمود، محمد خواجه و دایی مراد از اقوام هزاره و نیز جمعی از سادات شیعی در مناطق، پد خواه، خوشی، محمد آغه و... در این نواحی زندگی می‌کنند. و همچنین در سرخ آباد و گلنار زندگی می‌کنند.
- ۷- پکتیا: در شهر گردیز جمعی از سادات شیعه زندگی می‌کنند که برای خود، مسجد و حسینیه‌های دارند. در زمان اشغال افغانستان از طرف شوروی سابق، شیعیان لوگر و پکتیا از خود پایگاه مستقل داشتند و آثار بجا مانده تاریخی از قبیل «قبرستان هزاره» بـ _____ اقای مانده _____ ده اسـ _____ ت.
- ۸- بدخشان: در این ولایت اقوام چون تاجیک‌های اسماعیلیه، تعدادی زیادی از اقوام هزاره شیعه اثناعشری زندگی می‌کنند، که جهت رعایت برخی مصالح خودشان را تاجیک می‌نامیدند، هزاره‌های در نواحی فیض آباد و شغنان زندگی می‌کنند
- ۹- قندوز: در این ولایت تباری از هزاره‌ها مشغول کار و کسب است، بعضی از آنها سابقه تاریخی دارند و عده‌ای از مناطق هزاره جات شرقی و شمالی در آنجا مهاجرت نمودند، که تعداد قابل توجهی از آنها در شهر قندوز و حومه آن بخشداری علی آباد، امام صاحب و فرمانداری خان آباد بسر می‌برند، آقای یزدانی، در دهه‌ی ۱۳۶۰ ش. مجموع هزاره‌ها در استان قندوز را یازده هزار خانوار اعم از شیعه و سنی ذکر نموده است. که علیه متجاوزین روس جبهه‌ی مقاومت داشتند و در جهاد سهم فعال داشتند.
- ۱۰- تخار: هزاره‌های شیعه در این ولایت در مناطق چال، اشکمش، رستاق و خواجه غار زندگی می‌کنند. جمع شیعیان در این ولایت حدود چندین هزار خانواده گزارش نموده اند.
- ۱۱- کنر، لغمان و کاپیسا: در این ولایات شیعیان نورستانی زندگی می‌کنند و شیعه علی الهی دارند و تعداد قوم هزاره که شیعه مذهبند در این نواحی حضور دارند، از جمله دره هزاره در حصه دوم زندگی دارند.



۱۲- ننگرهار: این ولایت یعنی در شهر جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار دوره ظاهرشاه عده ای از مردم جلال آباد از شهر کابل

سـخـرنـان و مـداح در ایـمام محـرم دعوـت مـی کردند.

۱۳- زابل: همین طور در ولایت زابل به شیعیان قلاتی معروف است و تاکنون شیعیان بسیاری از قوم هزاره موجود است و نیز شوی

و کمسون و دای چوپان سرزمین های غصب شده شیعیان در دوره امیر عبدالرحمان بوده است.

بدین ترتیب محل سکونت شیعیان، در بیشتری ولایات افغانستان به اثبات رسیده است، بنابراین شیعه در هزاره جات که حدود ده

ولایت را شامل می شود و به صورت جمعیت متراکم و مجتمع در این ولایات شیعیان حضور دارند، بطور نمونه ولایت های چون

بامیان، دایکندی و میدان و... بیشترین جمعیت شیعی را در خود جای داده است و در این مناطق اهل سنت درصدی کمی را در بر

می گیرد، ولی در سایر ولایت های افغانستان شیعیان به صورت جمعیت پراکنده در گوشه ها و حاشیه های تمام ولایات افغانستان

حضور دارند.

شیعیان افغانستان از لحاظ تبار شناسی به اقوام مختلف چون هزاره، قزلباش، بلوچ، ترکمن، سادات و تاجیک و پشتو زبان را تشکیل

می دهند که حداقل در ۳۴ ولایت افغانستان حضور دارند و با برادران اهل سنت در تعاملند.



۲،۱۳ جغرافیای سیاسی افغانستان

افغانستان در منطقه حساس و استراتژیک «خاورمیانه» قرار گرفته است. از یک سو به «شبه قاره هند» و از سوی دیگر به کشورهای معروف به «آسیای مرکزی» و نیز با توجه به هم مرزی با «جمهوری خلق چین» با «کشورهای شرق آسیای» مرتبط است.

سلسله جبال «هندوکش» که قسمت وسیعی از خاک کشور را پوشانده، همواره سد محکمی در مقابل مهاجمان از شمال به سمت جنوب و مهاجمان از جنوب به سمت شمال و یا از غرب به شرق و نیز بالعکس.

افغانستان، در دو قرن گذشته، حائلی میان امپراتوری های «شرق» و «غرب» بوده است. جدایی این منطقه از ایران و پیدایش کشوری به نام «افغانستان» به همین منظور بود. هدف آن بود که دیوار مستحکمی بین مرزهای استعماری شرق و غرب وجود داشته باشد؛ حتی در منطقه مال غربی آن «تنگه واخان» (خیبر) را ضمیمه خاک افغانستان نگاه داشتند تا بین «هند» که تحت استعمار «انگلیس» بود، با آسیای مرکزی که در تصرف روسیه قرار گرفت فاصله و جدایی بیندازد.

در حال حاضر از یک طرف به دلیل قرار گرفتن در مرز با «آسیای میانه» و اهمیت انتقال منابع زیر زمینی این کشورها به دنیا از طریق خاک افغانستان و همچنین همجواری با ایران و حالت تخاصم ایالات متحده امریکا با ایران و اینکه بیش از یک دوم مواد مخدر جهان در این کشور تولید می شود و از طرف دیگر پیروزی دیپلماسی سیاسی و نظامی امریکا و جورج بوش در آغاز قرن



بیست و یکم ، اراده جهانی برای بازسازی کشورافغانستان مورد توجه محافل بین المللی و دولت های همسایه قرار گرفته است ؛ اما آرام آرام از این حساسیت ها کاسته شده و تنها نقشی محدود و کم رنگی در منطقه به آن واگذار می گردد.

۲،۱۳،۱ قوه مجریه

ساختار سیاسی افغانستان ریاست جمهوری است .

بالاترین مقام سیاسی در افغانستان رئیس جمهور است که با رای مستقیم مردم به همراه معاون اول و دوم خود برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می شود . رئیس جمهور نظر به ماده ۶۱ قانون اساسی وقانون انتخابات، با کسب اکثریت بیش از پنجاه درصد آرای رأی دهنده گان انتخاب میگردد. هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدها نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرا را به دست آورند، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدایی که بیشترین آرا را در دور اول به دست آورده اند، شرکت می نمایند. در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود.

قسمیکه در ماده ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح گردیده، رئیس جمهور دارای صلاحیتهای و وظایف ذیل می باشد:

- مراقبت از اجرای قانون اساسی؛

- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛



• قیادت اعلاى قواى مسلح افغانستان؛

• افتتاح اجلاس شورای ملی ولویه جرگه؛

• تعیین وزرا، لوی سارنوال

• رئیس بانک مرکزی

• رئیس امنیت ملی

• رئیس واعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه

• توشیح قوانین و فرامین تقنینی

• انتخاب ۱/۳ افراد مجلس سنا

• اعلام جنگ و یا صلح

• تشکیل لویی جرگه و انتخاب نفرات انتصابی آن

• انتخاب افراد کمیسیون مستقل انتخابات و...



وظایف معاونت های رئیس جمهور

وظایف این دو معاون بذل مساعدت به رئیس جمهور در اجرای وظایف شان میباشد. معاون اول همچنان وظایف رئیس جمهور را در صورت استعفاً، فوت و یا مؤاخذة وی پیش میبرد. در چنین حالات، در ظرف سه ماه انتخابات جدید برگزار خواهد شد و هر دو معاونین ریاست جمهوری میتوانند خود را کاندید ریاست جمهوری نمایند.

رئیس جمهور موقت نمی تواند :

0 در قانون اساسی تعدیل وارد نماید

0 هیچ وزیری را برکنار ننماید

0 به آرای عمومی (رفراندوم) متوسل گردد

۲،۱۳،۲ قوه مقننه

قوه مقننه افغانستان یا شورای ملی دارای ۳۵۱ نماینده است و بصورت دومجلس شورای نمایندگان (ولسی جرگه) و مجلس سنا (مشرانو جرگه) اداره می گردد.



اعضای پارلمان با رای مستقیم مردم و برای یک دوره ۴ ساله انتخاب می گردند . تعداد نفرات پارلمان ۲۴۹ نفر می باشد . این

پارلمان به نام شورای نمایندگان (ولسی جرگه) معروف است . مجلس سنا (مشرانو جرگه) ۱۰۲ نفر عضو دارد که ۱/۳ آنرا رییس

جمهور منسوب می کند و ۲/۳ آنرا از طریق شوراهای ایالتی به مجلس سنا راه می یابند .

در حال حاضر به دلیل مشخص نبودن مرز بندی دقیق میان بخش ها و عدم انجام انتخابات در بخش ها افراد مربوط به شوراهای

ولسوالی از میان افراد شوراهای ولایتی انتخاب شده اند .

شورای ملی

شورای ملی دارای اختیارات ذیل است :

۱. تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی ،
۲. تصویب برنامه‌های انکشافی اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و تکنولوژیکی ،
۳. تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه،
۴. ایجاد واحدهای اداری ، تعدیل و یا الغای آن ،
۵. تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن ،
۶. سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی (۱۳)

و قانون اساسی صلاحیت های انحصاری پارلمان (ولسی جرگه) را جدا از مجلس سنا مشخص نموده است:



ولسی جرگه (پارلمان) دارای صلاحیتهای اختصاصی ذیل می باشد

۱. اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی،

۲. اتخاذ تصمیم راجع به برنامههای انکشافی و بودجه دولتی ،

تایید یا رد مقرریها (انتصابها) مطابق به احکام این قانون اساسی (۱۴)

۲،۱۳،۳ قوه قضائیه

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضائیه مرکب است از یک سترمحکمه ، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد. ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضایی در راس قوه قضائیه افغانستان قرار دارد .

اعضای (دیوان عالی)

سترمحکمه مرکب است از ۹ عضو که از طرف رئیس جمهور با تایید ولسی جرگه تعیین می گردند. بررسی مطابقت قوانین ،

فرامین تقنینی ، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم

، مطابق به احکام قانون از صلاحیت سترمحکمه می باشد.



۲،۱۳،۴ نظام قانونی

نظام حکومتی افغانستان جمهوری اسلامی (متفاوت با پاکستان و ایران) است. براساس ساختار جدید در این کشور، قوانین این کشور بر اساس تعالیم دین اسلام است. بر اساس قانون اساسی این کشور حکومت متبوع از قانون اساسی متعهد است یک کشور مترقی و کامیاب، یک نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی، محفوظ نگه داشتن حقوق و کرامت انسانی مردم افغانستان، تفهیم و نهادینه کردن یک کشور دموکراتیزه، حفظ اتحاد ملی، برابری و تساوی حقوق اقوام و قبایل گوناگون ساکن در کشور، به معرض وجود گذارد. براساس قانون اساسی این کشور متعهد به رعایت قوانین سازمان ملل و قوانین بین المللی در دفاع از حقوق بشر است. براساس قانون اساسی افغانستان، یک جوان با ۱۸ سال سن تمام می تواند رای بدهد.

رئیس جمهور افغانستان: حامد کرزی

وزیر خارجه افغانستان: دادفر سپنتا

مجلس نمایندگان افغانستان (ولسی جرگه): ۲۴۹ نفر

مجلس سنا افغانستان (مشرانو جرگه): ۱۰۲ نفر



۲،۱۳،۵ تشکیلات اداری و تقسیمات کشوری

۲،۱۳،۵،۱ تشکیلات اداری افغانستان

سرزمینی که امروز افغانستان نامیده می‌شود، تاخت و تازهای اقوام گوناگون و جهان‌گشایان و مهاجمان بی‌شماری را به یاد دارد. بخشهای گوناگونی از افغانستان طی سالهای طولانی با شاهنشاهی‌های همسایه، تاریخ مشترک داشته و یا بخشی از آنها بوده‌اند. از اقوام آریایی و شاهان هخامنشی، همچنین اسکندر، مسمانان، و مغولان تا نیروهای تحت نفوذ شوروی بر این سرزمین حکم رانده‌اند و تاریخی پر حادثه را به پیش رقم زده‌اند.

احمد شاه درانی از شاهان پشتون افغانستان، در سال ۱۷۴۴ میلادی، نام این کشور را به طور رسمی افغانستان نامید. افغان (در لغت به معنای ناله و فغان) نامی بوده است که به اقوام پشتون گفته می‌شده و اکنون، به هر تبعه کشور افغانستان، افغان گفته می‌شود.

قسمتی از سرزمین کنونی افغانستان، (شامل هرات) تا ۱۵۰ سال پیش بخشی از خاک ایران بود که که انگلیس با تصرف بخش‌هایی از جنوب ایران ناصرالدین شاه قاجار را مجبور به قبول پیمان پاریس کرد و این سرزمین‌ها از ایران جدا شد. پس از جنگ‌های داخلی، حکومت طالبان، حمله آمریکا، و دوران گذار دولت انتقالی، مردم افغانستان در یک رای‌گیری عمومی برای نخستین بار تحت نظارت سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی حامد کرزی را به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب خود برگزیدند و نظام کشوری به جمهوری اسلامی تبدیل گردید.

تقسیمات اداری افغانستان در حال حاضر به شرح زیر است:



۲,۱۳,۵,۱,۱ تقسیمات کشوری

۲,۱۳,۵,۱,۲ ولایات

افغانستان دارای ۳۴ ولایت (استان) است.

ولایت ارزگان Uruzgan به مرکز «ترین کوت» مساحت ۲۹۵,۲۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۹۵/۲۹ کیلومتر مربع، جمعیت

(۴۶۵۰۰۰ نفر)

ولایت بادغیس Badghis به مرکزیت «قلعه نو» (مساحت ۸۵۸/۲۱ و ۲۱ کیلومتر مربع جمعیت ۲۲۴۰۰۰ نفر)

ولایت بامیان Bamian به مرکزیت «بامیان» (مساحت ۴۱۴/۱۷ کیلومتر مربع جمعیت ۲۸۱۰۰۰ نفر)

ولایت بدخشان Badakhashan به مرکزیت «فیض آباد» (مساحت ۴۰۳/۴۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۲۱۰۰۰ نفر)

ولایت بغلان Baghlan به مرکزیت «بغلان» (مساحت ۱۰۹/۱۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۱۷۰۰۰ نفر)

ولایت بلخ Balkh به مرکزیت «مزار شریف» (مساحت ۵۹۳/۱۲ کیلومتر مربع جمعیت ۶۱۰۰۰۰ نفر)

ولایت پروان Paruan به مرکزیت «چاریکار» (مساحت ۳۹۹/۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۲۸۰۰۰ نفر)

ولایت پکتیا Paktia به مرکزیت «گردیز» (مساحت ۵۸۱/۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۰۶۰۰۰ نفر)

ولایت پکتیکا Paktika به مرکزیت «شرنه» (مساحت ۳۳۶/۱۹ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۵۶۰۰۰ نفر)

ولایت پنجشیر PANJSHIR با مرکزیت بازارک

ولایت تخار Takhar به مرکزیت «تالقان» (مساحت ۳۷۶/۱۲ کیلومتر مربع جمعیت ۵۴۴۰۰۰ نفر)

ولایت جوزجان Jowzjan به مرکزیت «شبرغان» (مساحت ۵۵۳/۲۵ کیلومتر مربع، جمعیت ۶۱۶۰۰۰ نفر)



ولایت خوست KHOST با مرکزیت شهر خوست

ولایت دایکندی Daikondi با مرکزیت شهر خدیر

ولایت زابل Zabol به مرکزیت «قلات» (کلات) (مساحت ۲۹۳/۱۷ کیلومتر مربع جمعیت ۱۸۸۸۰۰۰ نفر)

ولایت سرپل SARPOL با مرکزیت شهر سرپل

ولایت سمنگان Samangan به مرکزیت «آبیک» (سمنگان) (مساحت ۵۶۵/۱۵ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۷۴۰۰۰ نفر)

ولایت غزنی Ghazni به مرکزیت «غزنی» (مساحت ۳۷۸/۲۳ کیلومتر مربع، جمعیت ۶۷۶۰۰۰ نفر)

ولایت غور Ghowr به مرکزیت «چخچران» (مساحت ۶۶۶/۳۸ کیلومتر مربع، جمعیت ۳۵۴۰۰۰ نفر)

ولایت فاریاب Faryab به مرکزیت «میمنه» (مساحت ۲۷۹/۲۲ کیلومتر مربع جمعیت ۶۱۰۰۰۰ نفر)

ولایت فراه Farah به مرکزیت «فراه» (مساحت ۷۸۸/۴۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۴۵۰۰۰ نفر)

ولایت قندهار Qandahar به مرکزیت «قندهار» (مساحت ۶۷۵/۴۷ کیلومتر مربع جمعیت ۵۹۸۰۰۰ نفر)

ولایت کابل kabul به مرکزیت «کابل» (مساحت ۴۵۵۸ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۱۸۰۰۰/۱ نفر)

ولایت کاپیسا kapisa به مرکزیت «محمودراقی» (مساحت ۸۷۱/۱ کیلومتر مربع جمعیت ۲۶۲۰۰۰ نفر)

ولایت قندوز Qanduz به مرکزیت «قندوز» (کندز) (مساحت ۸۲۷/۷ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۸۳۰۰۰ نفر)

ولایت کونارها Konarha به مرکزیت «اسد آباد» (مساحت ۴۷۹/۱۰ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۶۲۰۰۰ نفر)

ولایت لغمان Loghman به مرکزیت مهترلام (مساحت ۷۲۱۰ کیلومتر مربع جمعیت ۳۲۵۰۰۰ نفر)

ولایت لوگر Lowgar به مرکزیت «برهکی» (مساحت ۴۶۵۲ کیلومتر مربع، جمعیت ۲۲۶۰۰۰ نفر)

ولایت ننگرهار Nangarhar به مرکزیت «جلال آباد» (مساحت ۷۶۱۶ کیلومتر مربع جمعیت ۷۸۲۰۰۰۰ نفر)



ولایت نورستان NORESTAN با مرکزیت شهر کامدیش

ولایت نیمروز Nimruz به مرکزیت «زرنج» (مساحت ۳۵۶/۴۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۱۰۸۰۰۰ نفر)

ولایت وردک Vardak به مرکزیت «میدان شهر» (مساحت ۹۰۲۳ کیلومتر مربع، جمعیت ۳۰۱۰۰۰ نفر)

ولایت هرات Harat به مرکزیت «هرات» (مساحت ۳۱۵/۶۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۸۰۸۰۰۰ نفر)

ولایت هلمند Helmand به مرکزیت «لشکرگاه» (مساحت ۸۲۹/۶۱ کیلومتر مربع، جمعیت ۵۴۲۰۰۰ نفر)

۲،۱۳،۵،۱،۳ معرفی واحدهای اداری

ولایت از جهت یک واحد اداری بزرگ بنابر اصطلاح جغرافیا یک حوزه رسمی را تشکیل داده و از همین حوزه رسمی واحدهای کوچکتر جهت انسجام امور اداری و غیره تنظیم می شد. نظام اداری و ولایت ها به درجه های یک و دو و سه تقسیم می شد. مانند کابل، ننگرهار، قندوز، بلخ، هرات و قندوز ولایات درجه یک هستند ولایات غزنی، پروان، جوزجان، فراه، فاریاب، بغلان، تخار، بدخشان و هیلمند ولایات درجه دو و سایر ولایات درجه سوم بودند و همچنین ولسوالی ها به درجه های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ تقسیم می شدند. که تقسیم بندی و درجه بندی آنها تا اندازه زیادی براساس تعداد جمعیت (نفوس) و مساحت جغرافیایی ولسوالیها صورت می گرفت. اداره قبایل و کوچی ها به علاقه داریها یا لوئی ولسوالیها مربوط می شود.



واحدهای اداری به چهار نوع تقسیم شده است:

۲,۱۳,۵,۱,۳,۱ مرکز ولایت

مرکز ولایت شهر عمده ولایت (شاروالی) با یک تعداد قریه های جوار آن برآورده می کند معینا ساحه بعضی از مراکز ولایات مانند کابل، کندهار، هرات، مزار شریف، جلال آباد و میمنه در واقع محدود به حدود شاروالی شهر می باشد و ضمنا مراکز ولایت مقام اداری ولایت است که فعالیت های تمام واحد های کوچک اداری، لوی ولسوالی، ولسوالی و علاقه داری از آن جا نظارت می شود .

۲,۱۳,۵,۱,۳,۲ لوی ولسوالی (شهرستانهای بزرگ)

لوی ولسوالی ها نیز مانند مراکز ولایات دارای یک مرکز اداری و بعضی قراء ماحول آن می باشد که مستقیما زیر اداره این مرکز قرار دارند . لوی ولسوالی ها مانند مراکز ولایات از نقطه نظر سلسله مراتب اداری واحد های کوچک اداری خویش را نظارت می کنند. تعداد لوی ولسوالی ها به ۵ بالغ می گردند که عبارتند از: لوی ولسوالی کاپیسا (محمود راقی) مربوط ولایت پروان - لوی ولسوالی کتواز (زرغون شهر) مربوط ولایت غزنی - لوی ولسوالی شینوار (غنی خیل) مربوط ولایت ننگرهار لوی ولسوالی ارگون ولوی



ولسوالی خوست مربوط ولایت پکتیا. _____

۲,۱۳,۵,۱,۳,۳ ولسوالی ها (شهرستان)

ولسوالی ها اساس تقسیمات واحد های اداری افغانستان محسوب می شوند. هر ولسوالی دارای یک مرکز اداری و قریه های اطراف آن می باشد. ولسوال (شهردار) که در راس یک ولسوالی قرار دارد نزد والی (استاندار) و یا لوی ولسوال مربوط مسئولیت دارد. نظر به تشکیلات فعلی در حدود ۱۷۵ ولسوالی در سر تا سر مملکت وجود دارند.

۲,۱۳,۵,۱,۳,۴ علاقه داری (مجموعه چند روستا)

علاقه داری ها نیز شامل یک مرکز اداری و قراء مربوط می باشد. علاقه دار در برابر ولسوال، لوی ولسوال و یا والی مربوط خویش مسئولیت دارد. فعلاً ۱۱۸ علاقه داری در سر تا سر کشور وجود دارند. در هر ولایت رئیس اداره محلی، والی ها می باشد که طبق مقررات مقرر می گردد. در هر ولایت باقی نماینده های قوه اجرا ئیه از وزارت های مختلف تحت اثر والی که نماینده بزرگ قوه اجرا ئیه می باشد اجرای وظیفه می کنند. والی ها نزد وزارت داخله در اجرای امور ایشان مسئولیت دارند. اراضی علاقه داری ها، ولسوالی ها و لوی ولسوالی ها به قریه و دهات منقسم بوده و در هر ده یک نفر ملکر انتخاب می گردد.



تقسیمات اداری کشور در زمانهای مختلف متغیر بوده است و براساس نحوه حکومت داری تعیین میشده است. لذا در این جا به

صورت اختصار تقسیمات اداری افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن تا امروز شرح می گردد.

- تقسیمات اداری افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان به شش ولایت ذیل چنین بوده است.

۱- ولایت ترکستان افغانی

۲- ولایت بدخشان توام با واخان

۳- ولایت هرات

۴- ولایت قندهار

۵- ولایت فراه

۶- ولایت کابل

کابل به حیث پایتخت و سایر ولایات توسط نایب الحکومه که از طرف خود امیر انتخاب می گردید اداره می شدند. ولایات به نوبه

خود بـه نوبه نواحی خـرد و بـزرگ تقسـیم می گردنـد.

- در زمان اعلیحضرت امان الله خان تعدیلات در تقسیمات ملکیه افغانستان به عمل آمد.

چنان چه در نظام نامه تقسیمات ملکیه افغانستان سال ۱۳۰۲ چنین شرح گردیده است.

افغانستان در سال ۱۲۹۹ به پنج ولایت و چهار حکومت اعلی به ترتیب ذیل تقسیم شده بود:

۱- ولایت کابل

۲- ولایت قندهار



۳- ولایت هرات

۴- ولایت ترکستان

۵- ولایت قطغن و بدخشان

۱- حکومت اعلی سمت مشرقی

۲- حکومت اعلی سمت جنوبی

۳- حکومت اعلی فراه

۴- حکومت اعلی میمنه

ولایات تحت اداره نایب الحکومه ها و حکومت اعلی توسط حاکم اعلی و نایب الحکومه کابل که به نام والی گفته می شد اداره می شدند.

ولایات و حکومت های اعلی به نوبه خود به تقسیمات اداری کوچک مانند حکومت های کلان و حکومتی ها و علاقه داری منقسم می گردیدند و از لحاظ اداره حکومت کلان، حکومتی ها را و حکومتی ها علاقه داری ها را تحت اداره داشتند.

علاقه داری هایی که از جمله واحدهای کوچک اداری محسوب می شدند از قریه های متعدد متشکل بودند.

امور اداری علاقه توسط علاقه دار و امور اداری قریه ها توسط یک یا دو نفر قریه دار اجرا می گردید. حکومتی ها به سه درجه

انقسام یافته بودند: اول، دوم و سوم و علاقه داری ها به درجه اول و دوم تقسیم می شدند.

- در زمان اعلیحضرت محمد نادر خان در تقسیمات ملکیه ولایات افغانستان نیز تغییرات به شرح ذیل به عمل آمد:

۱- ولایت کابل

۲- ولایت قندهار



۳- ولایت هرات

۴- ولایت مزار شریف

۵- ولایت قطغن و بدخشان

۱- حکومت اعلی سمت مشرقی

۲- حکومت اعلی سمت جنوبی

۳- حکومت اعلی فراه و چخانسور

۴- حکومت اعلی میمنه و حکومت مستقل ارگون

آمر ولایت کابل به نام والی و سایر ولایات به عنوان نایب الحکومه و حکومت های اعلی به نام حاکم اعلی خطاب می شدند و در

عین زمان مانند سابق این تقسیمات اداری به تقسیمات اداری کوچک تر یعنی دوازده حکومت کلان و ۱۲۰ حکومت ثالثه و ۱۶۳

علاقه داری تقسیم می گردید.

- در زمان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در تقسیمات ملکیه ولایات افغانستان نیز تغییرات به شرح ذیل به عمل آمد:

به تعقیب یک سلسله اصلاحات که در امور مختلفه افغانستان از جانب سازمان دولتی روی دست گرفته شد در سال ۱۳۴۳

تشکیلات اداری جدید تدوین و تشکیلات سابقه ملغی قرار داده شد. در ابتدا یعنی در سال ۱۳۴۳ افغانستان به ۲۹ ولایت و یک

سال بعد از آن به ۲۸ ولایت تقسیم گردید. اما از زمان نظام خجسته جمهوری یعنی سال ۱۳۵۲ به این طرف افغانستان به ۲۷

ولایت تقسیم گردیده است که به این اساس در افغانستان ۳۲۵ واحد اداری وجود دارد که شامل ۲۷ ولایت و ۵ لوی ولسوالی ۱۷۵

ولسوالی و ۱۱۸ علاقه داری می باشد.

- تقسیمات اداری کشور در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی شامل ۳۲ ولایت، ۹۴ نقطه شهری، ۲۹۴ ولسوالی و ۳۵۵۰۰ قریه بوده



است. که علاقه داریها از تشکیلات اداری حذف و به ولسوالی تبدیل شده است.

۲،۱۳،۶ ساختار دولت در قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان، یک دولت "اسلامی"، "دموکراتیک" و "جمهوری" را پیش بینی نموده است. "اسلامی" است، زیرا که دین مردم و دولت اسلام است (ماده ۲) و قوانین دولتی باید مطابق با اسلام باشد (ماده ۳) "دموکراتیک" است، زیرا قدرت توسط نمایندگان منتخب اداره می شود (ماده ۴، ۶ و پاراگراف ۷ پیشگفتار). "جمهوری" است، زیرا حاکمیت که مربوط به اتباع و شهروندان است، ملت را تشکیل میدهد که (خواسته های شان) مستقیماً توسط نمایندگان منتخب شان ابراز می گردد (ماده ۴ فقره ۱). قانون اساسی، اضافه بر این سه اصل اساسی دولت، ساختار سیستم ریاستی را آمیخته با اختیارات بسیار قوی پارلمانی ایجاد کرده است. از مشخصه های مهم سیستم های ریاستی این است که: قوای دولتی (اجرائیه، مقننه و قضائیه) مشخصاً تفکیک شده اند. رئیس دولت رئیس حکومت می باشد رئیس دولت مستقیماً از مردم طرف انتخاب می شود.

صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور

رئیس جمهور به صفت رئیس دولت صلاحیت های خاصی در عرصه های اجرائی، تقنینی و قضایی دارد (ماده ۶۰). این صلاحیت



ها ، علاوه بر قدرت کامل اجرایی وی به حیث رئیس حکومت نیز می باشد. صلاحیت های رئیس جمهور به صفت رئیس دولت

بیشتر تشریفاتی و اجرایی است . اکثر صلاحیت های موثر رئیس دولت به اساس قانون اساسی افغانستان با شورای ملی " ولسی

جرگه "مشترک می باشد.

صلاحیت های مستقل رئیس جمهور :

افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه (ماده ۶۴ فقره ۹) افتخاری.

قبول اعتماد نامه های نمایندگان دولت های خارجی در افغانستان (ماده ۶۴ فقره ۱۵) افتخاری .

قبول استعفای معاونین رئیس جمهور (ماده ۶۴ فقره ۱۰) افتخاری .

اعطای اعتبار نامه جهت عقد معاهدات بین المللی (ماده ۶۴ فقره ۱۷) افتخاری .

اعطای مدال (ماده ۶۴ فقره ۱۹) افتخاری .

قیادت اعلاى قوای مسلح افغانستان (ماده ۶۴ فقره ۳) اجرائی.

ریاست حکومت (مواد ۷۱ و ۷۷) اجرائی.

تعیین ،تقاعد و قبول استعفای قضات ،ادارات و مقامات عالی رتبه (ماده ۶۴ فقره ۱۳) اجرائی.

اتخاذ تصامیم لازم برای دفاع از استقلال کشور (ماده ۶۴ فقره ۵) اجرائی.

تعیین سران نمایندگی های دولت نزد دولت های خارجی و سازمان های بین المللی (ماده ۶۴ فقره ۱۴) اجرائی. برگزاری ریفراندوم

یا همه پرسی (ماده ۶۵) اجرائی.

تاسیس کمیسیون هایی جهت بهبود اداره کشور (ماده ۴۶ فقره ۲۰) اجرائی.

برگزاری لویه جرگه (ماده ۶۴ فقره ۷) تقنینی .



توضیح قوانین و فرمان های تقنینی (ماده ۶۴ فقره ۱۶) تقنینی.

انتصاب یک سوم اعضای مشرانو چرگه (ماده ۸۴) تقنینی .

تجدید نظر یا رد طرح قانون که شورای ملی آن را تصویب نموده است (ماده ۹۴) تقنینی.

برگزاری جلسات فوق العاده شورای ملی (مواد ۱۰۴ و ۱۰۷) تقنینی.

تخفیف و عفو مجازات (ماده ۶۴ فقره ۱۸) قضایی.

امضای مجازات اعدام (ماده ۱۲۹) قضایی.

صلاحیت های مشترک با شورای ملی

۱. تعیین خطوط اساسی سیاست کشور (ماده ۶۴ فقره ۲) اجرایی.

۲. اعلام جنگ و صلح (ماده ۶۴ فقره ۴) اجرایی.

۳. اعزام قطعات قوای مسلح به خارج از کشور (ماده ۶۴ فقره ۵) اجرایی .

۴. اعلان حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن (ماده ۶۴ فقره ۸) اجرایی.

۵. تعلیق اجرای مواد خاصی از قانون اساسی (ماده ۱۴۵) اجرایی .

۶. انتقال برخی از صلاحیت های شورای ملی به حکومت (ماده ۱۴۴) اجرایی.



به دلیل ماهیت حساس این صلاحیت ها نسبت به دموکراسی، حاکمیت و سطوح ساختار دولت، تمام این صلاحیت ها به تأیید شورای ملی نیاز دارد، به استثنای صلاحیت های ذکر شده در (ماده ۱۴۴) که مشورت با روسای هر دو مجلس شورای ملی و رئیس ستره محکمه را نیاز دارد. درحالیکه صلاحیت های ذکر شده در (ماده ۱۴۵) مستلزم تأیید روسای مجالس شورای ملی و رئیس ستره محکمه می باشد. ۷. پیشنهاد اصلاح قانون اساسی با تأیید شورای ملی (ماده ۱۴۷).

صلاحیت های مشترک با ولسی جرگه

۱. انتصاب اعضای دولت و روسای ارگان های مستقل با تأیید ولسی جرگه (ماده ۶۴ فقره ۱۱) اجرایی.
 ۲. تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه با تأیید ولسی جرگه (ماده ۶۴ فقره ۱۲) قضایی.
 ۳. تصویب معاونین رئیس جمهور (در حالت فوت و استعفا) با تأیید ولسی جرگه (ماده ۶۸) اجرایی.
- قابل یادآوری است که مطابق (ماده ۶۴ فقره ۱۱)، فقط انتصاب مقام های مذکور در آن فقره، بین رئیس جمهور و ولسی جرگه مشترک است، نه عزل و استعفای شان و همچنان، طبق (ماده ۶۴ فقره ۱۲)، صلاحیت انتصاب مشترک است که شامل عزل آنها نمیشود. زیرا آنها به خاطر حفظ استقلال شان توسط رئیس جمهور قابل عزل نیستند و تا پایان مدت تعیین شده در قانون اساسی، در مقام خود باقی می مانند (ماده ۱۱۷) مراقبت از اجرای قانون اساسی (ماده ۶۴ فقره ۱) عمومی. تعبیر کلی آن فقره به رئیس جمهور اجازه می دهد که از هر یک از صلاحیت قبلی خود برای انجام این وظیفه استفاده نماید و حدود این صلاحیت کلی است و تمام قدرت ها، مراجع و ارگان ها را شامل می گردد. رئیس جمهور می تواند این صلاحیت خود را از طریق تشکیل کمیسیون



مستقل نظارت اعمال نماید (ماده ۱۵۷). انتصاب اعضای کمیسیون نیازمند تأیید ولسی جرگه می باشد. بنابراین، صلاحیت انتصاب اعضا، یک صلاحیت یا وظیفه کلی است که مستقلاً توسط رئیس جمهور و مشترکاً با ولسی جرگه اعمال میشود.

۲،۱۳،۷ قوه/اجرائیه

قوه اجرائیه یا حکومت از وزرا یا کابینه تحت ریاست رئیس جمهور تشکیل می گردد هر وزارتخانه یک واجد اداری است که توسط وزیر مربوط اداره میگردد (ماده ۷۷). اعضای شورای ملی می توانند به عنوان وزیر انتصاب گردند، منتها فقط بعد از سلب عضویت از شورای ملی که در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد (ماده ۷۳). وزرا در برابر رئیس جمهور به عنوان رئیس شان پاسخگو هستند (مواد ۷۱ و ۷۷) و از نظر سیاسی در برابر ولسی جرگه مسئول اند، (مواد ۹۱، ۹۲، ۷۷).

وظایف و صلاحیت های حکومت

۱. اجرای احکام قانون اساسی، قوانین و تصامیم نهایی محاکم.
۲. حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و پاسداری از منافع کشور (ماده ۷۵، فقره ۲).
۳. تأمین نظم و امنیت عانه و از بین بردن هر نوع فساد اداری (ماده ۷۵، فقره ۴).
۴. ترتیب بودجه، تنظیم امور مالی دولت و حفاظت از دارایی عمومی (ماده ۷۵، فقره ۴).
۵. طرح و اجرای برنامه های انکشافی (ماده ۷۵، فقره ۵)، بعد از تأیید شورای ملی (ماده ۹۰، فقره ۶).



۶. ارائه گزارش به شورای ملی درباره امور انجام شده و برنامه های عمده سال مالی جدید (ماده ۷۵، فقرة ۶)

۷. ریاست اداری حکومت (مواد ۱۳۷، ۱۲۶، ۷۷).

۸. وضع و اجرای مقررات اداری (ماده ۷۶).

۹. تهیه فرمان های تقنینی برای تأیید رئیس جمهور (ماده ۷۹).

۲، ۱۳، ۸ سفارتخانه های افغانستان

AUSTRALIA

Embassy of Afghanistan in Canberra

PO Box 155

Deakin West ACT ۲۶۰۰

Tel: (+61-2) 6282 7311

Fax: (+61-2) 6282 7322

Email :admin@afghanembassy.net

Website: www.afghanembassy.net

Ambassador: H.E .Mahmoud SAIKAL

Non-resident envoy to: New Zealand and Brunei Dar-El-Salam

AUSTRIA

Embassy of Afghanistan in Vienna

Lackierergasse 8 Top 9

۱۰۹۰ Vienna

Tel.: (+43-1) 524 7806

Fax: (+43-1) 524 7807

E-mail: afg.emb.vie@chello.at



Ambassador: H.E. Zia NEZAM

non-resident envoy to Hungary & Bosnia-Herzegovina

BANGLADESH

Embassy of Afghanistan in Dhaka

House No .CWN (C) - 2A

Road No. 24, Gulshan, Dhaka

Tel.: (+8802) 989 5994

Fax: ۴۷۶۷ ۹۸۸ (۲-۸۸۰+)

Email: afghanembassydhaka@yahoo.com

Ambassador: H.E .Akmal GHANI

BELGIUM

Embassy of Afghanistan in Brussels & General Delegation to the European Union

, ۶۱ avenue de Wolvendael

B-1180 Bruxelles

Tel: (+32-2) 761 3166

Fax: (+32-2) 761 3167

Email :ambassade.afghanistan@skynet.be

Ambassador: H.E. Homayoun TANDAR

Non-resident envoy to: Slovakia, Estonia, Lithuania, Latvia

BULGARIA

Embassy of Afghanistan in Sofia

" ۶۱ Boryana "Street

Bl. 216-A App. 15, Ovcha Kupel

۱۶۱۸ Sofia

Tel.: (+359-2 ۹۵۵۴۰۳۰ , ۹۵۵۶۱۹۶ (

Fax: (+359-2) 955 9976

Email: ariana@sofianet.net

Ambassador: H.E. Mohammad Fazel SAIFI

CANADA

Embassy of Afghanistan in Ottawa

۲۴۶ Queen Street, Suite 400



Ottawa Ontario K1P 5E4
Tel: (+1 613) 563-4223/65
Fax: (+1 613) 563-4962
Email :contact@afghanemb-canada.net
Website: www.afghanemb-canada.net
Ambassador: H.E. Omar SAMAD

CHINA
Embassy of Afghanistan in Beijing
^Tung Chih Men Wia
Chao Yang District, Beijing
Tel.: (+86-10) 653 21532
Fax: (+86-10) 653 226603
Email :afgemb_beijing@yahoo.com
Ambassador: H.E. Dr Qyamuddin RAHL BARLAS

CZECH REPUBLIC
Embassy of Afghanistan in Prague
Nakazance ٧/٦٣٤
١٧١٠٠ Praha 7 - Troja
Tel: (+420) 2 3354 4228
Fax: (+420) 2 ٢٠٠٩ ٣٣٤٥
Ambassador: H.E. Azizullah KARZAI

EGYPT
Embassy of Afghanistan in Cairo
٥٩ El-Orouba Street, Heliopolis
Cairo
Tel ٧٢٣٦ ٤١٧ (٢-٢٠+) :.
Fax: (+20-2) 417 7238
E-mail :afghan_emb_cairo@hotmail.com
Ambassador: H.E. Dr. M. Rahim SHERZOY
Non-resident envoy to: Algeria

FRANCE
Embassy of Afghanistan in Paris



۳۲ Avenue Raphael

۷۵۰۱۶ Paris

Tel: (+33-1) 45 ۲۹ ۰۵ ۲۵

Fax: (+33-1) 45 24 60 68

Email: ambafghane@wanadoo.fr

Website: www.ambafghane-paris.com

Ambassador: H.E. PROF. Zalmai HAQUANI

Non-resident envoy to: Switzerland, Spain, Portugal, Marrocco

GERMANY

Embassy of Afghanistan in Berlin

Wilhelmstrasse ۶۵ D

۱۰۱۱۷ Berlin

tel.: (+49-30) 224 87229 - Fax: (+49-30) 229 1510

Email: afghanische-botschaft@t-online.de

Ambassador: H.E. Hamidullah NASIR ZIA

INDIA

Embassy of Afghanistan in New Delhi

Plat No. 5, Block 50F, Shantipath, Chanakyapuri

New Delhi 110021

Tel ۳۳۱ ۴۱۰ (۱۱۲-۹۱+) :

Fax: (+ 91-112) 687 5439

Email: afghanspirit@yahoo.com

Ambassador: H.E. Masood KHALILI

INDONESIA

Embassy of Afghanistan in Jakarta

۱۵ Jalan DR Kuskmas Atmaja

Jakarta

Tel ۳۱۶۹ ۳۱۴ (۲۱-۶۲+) ..

Fax: (+62-21) 335 390

Email :afghanembassy_jkk@yahoo.com

Ambassador: H.E. Eng. Abdul RAHIM

IRAN

Embassy of Afghanistan in Tehran



Dr. Beheshti Avenue ۴, th Street
Tehran
Tel (+98-21) 873 7050
Fax (+98-21) 873 5600
Consulate Section: 9821-8737531
Email: afghaembassytehran@hotmail.com
Ambassador: T.B.A

IRAQ
Embassy of Afghanistan in Baghdad
Shareh Al-Maghreb Aldifaeih
Waziria 27/1/12
Baghdad
Tel ۹۵۰۸ ۵۵۶ (+۹۶۴) :.
Fax: (+964-1) 556 0331
Charge d'Affaires: T. B. A .

ITALY
Embassy of Afghanistan in Rome
Via Nomentana 120
۰۰۱۶۱ Rome
Tel.: (+39) 06 8621 6111 / 861 1009
Fax: (+39) 06 8632 ۲۹۳۹
Email: afghanembassy.rome@flashnet.it
Ambassador: H.E. Mostapha ZAHIR
Non-resident envoy to: Greece

JAPAN
Embassy of Afghanistan in Tokyo
Matsumoto International House (MIH) (۸-۳۷Nishihara ۳ Chome, Shibuya Ku
Tokyo 151-0066
Tel: (+81-3) 5465 1219
Fax ۳۵۲۶ ۵۸۱۸/۱۲۲۹ ۵۴۶۵ (+۸۱) :
Email: info@afghanembassyjp.com
Website :www.afghanembassyjp.com
Ambassador: H.E. Haron AMIN



KAZAKHSTAN

Embassy of Afghanistan in Almaty

Mir 12, Almaty

Tel: (+7-327 ۲۷۹۲ ۲۵۵ (

Fax: (+7-327) 255 2792

Ambassador: H.E. Said Zahir Shah AKBARI

KOREA

Embassy of Afghanistan in Seoul

, ۲-۲۷ Hannam-Dong , Yongsan-Gu

Seoul, Korea 140-210

Tel: (+82-2) 793-3535

Fax: (+82-2 ۲۶۶۲-۷۹۵ (

Email: info@afghanistanembassy.or.kr

Website :www.afghanistanembassy.or.kr

Ambassador: H.E. Nabil MALEK-ASGHAR

KUWAIT

Embassy of Afghanistan in Kuwait

Surra, Block 6 ,Surra Street

Across Surra Co-op Society House No. 16

P.O. Box 33186 ,

Rawdah 73452

Tel.: (+965) 532 9461 or 532 8156

Fax: (+965) 532 6274

E-mail: afg_emb_kuw@hotmail.com

Ambassador designate: H.E. Yousuf SAMAD

KYRGYZSTAN

Embassy of Afghanistan in Bishkek

Tel ۶۹۰۱۷۶ (۳۱۲-۹۹۶+) .:

Fax: (+996-312) 690330

E-Mail :afghanemb_bishkek@yahoo.com

Ambassador: H. E. Mr Shahjahan AHMADI

MALAYSIA



Embassy of Afghanistan in Kuala Lumpur
Suite ٦,٠٦ North Block, The Amp Walk
٢١٨Jln Ampang
٥,٤٥٠ Kuala Lumpur
Tel.: (+60-3) 216 28897
Fax: (+60-3) 216 28924
E-mail :afghanem@tm.net.my
Website: www.afghanembassy.com
Charge d'Affaires: Mr .Aman JAIHOON

NORWAY

Embassy of Afghanistan in Oslo
١٧Kronprinsens Gt, 0251 Oslo
Tel.: (+47) 23 23 92 25
Fax: (+47) 22 83 84 ١١
E-mail: info@afghanemb.com
Website: www.afghanemb.com
Ambassador :H.E. Mr. Yahya MAROOFI
Non-resident envoy to: Denmark, Sweden

PAKISTAN

Embassy of Afghanistan in Islamabad
House No. 8 ,Street 90, G-6/3
Islamabad
Tel.: (+92-51) 282 4505/6
Fax: (+92-51 ٤٥٠٤ ٢٨٢ ()
Consular Section: (+92-51) 2278213
Email: nstarzi1@yahoo.com
Ambassador: H.E. Mr. Nangyalai TARZI

POLAND

Embassy of Afghanistan in Warsaw
Ul. Goplanska ١
٩٥٤-٠٢Warsaw, Poland
Tel.: +48-22-885-5410/1
Fax: +48-22-885-6500
Website: www.afghanembassy.com.pl



E-Mail: warsaw@afghanembassy.com.pl
Ambassador: H.E. Abdul Hai HAIDER

QATAR

Embassy of Afghanistan in Doha
Tel: (+974-4) 930821-2 - Fax: (+974-4) 930819
Email :afgembqatar@hotmail.com
Ambassador: H.E. Nasir Ahmad NOOR

Non-resident envoy to: Bahrain

RUSSIAN FEDERATION

Embassy of Afghanistan in Moscow
Sverchkov Per 3/2
Moscow
Tel: (+ 7-095) 923 9419
Fax: (+7-095) 924 0478 or 921 9563
Email :afghanem@online.ru
Ambassador: T.B.A
Non-resident envoy to: Moldova ,Armenia, Azerbaijan, Georgia, Belarus

SAUDI ARABIA

Embassy of Afghanistan in Riyadh
P.O.Box 93337
Riyadh 11673
Tel.: (+966-1) 4803 ۴۵۹
Fax: (+966-1) 4803 451
Email: afgembriyad@hotmail.com
Ambassador: H.E. M. Kabir FARAHI
Non-resident envoy to: Yemen

SUDAN

Embassy of Afghanistan in Khartoum
Madinatol Riyadh
Shareol Moshtal Square 10, House No. 81
Khartoum
Tel.: (+249-11) 22 ۵۲ ۱۸ or 22 18 27



Fax: (+249-11) 22 20 59

Email: afembsudan@hotmail.com

Charge d'Affaires: Mr. Khalilurrahman HANANI

Non-resident envoy to :Ghana, Burkina Faso, Tanzania

SWITZERLAND

Permanent Mission of Afghanistan to the UN

Consulate of Afghanistan

۶۳Rue de Lausanne, 5e etage

۱۲۰۲Geneva =

Tel.: (+41-22) 7311 449

Fax:(+41-22) 7314 510

Email: mission.Afghanistan@ties.itu.int

Ambassador : H.E. Assad OMAR

SYRIA

Embassy of Afghanistan in Damascus

Mozzo, West Villas Juber Ben

Hayan Bus Station

Damascus

Tel.: (+963-11) 611 2910

Fax: (+963-11) 613 3595

Ambassador: H.E. Mohammadullah HAIDARI

Non-resident envoy to:Jordan, Phalestin, Lebanon

TAJIKISTAN

Embassy of Afghanistan in Dushanbe

Ul. Pushkina, House 34

Dushanbe

Tel.: (+992-372) 21 6735

Fax: (+992-372) 510 096

Email :afghanemintj@yahoo.com

Ambassador: H.E. Dawood PANJSHIRI

TURKEY

Embassy of Afghanistan in Ankara

Cinnah Caddesi ,No. 88 Cankaya



Ankara

Tel.: (+90-312) 442 2523

Fax: (+90-312) 442 ۶۲۵۶

Ambassador: H.E. Abdul Ghafoor POYA

TURKMENISTAN

Embassy of Afghanistan in Asheqabad

۱۴Gerogli Street

Ashqabad ۷۴۴۰۰۰

Tel.: (+993-12) 395 821

Fax: (+993-12) 395 820

Ambassador :H.E. Abdul Karim KHADAM

UKRAINE

Embassy of Afghanistan in Kiev

Chervonozoryany Ave.42

۰۱۰۳۷Kiev

Tel.: (+380-44) 245 8104

Fax: (+380-44) 245 8104

Email: sm_kh2003@yahoo.com

Charge d'Affaires: T.B.A

UNITED ARAB EMIRATES

Embassy of Afghanistan in Abu Dhabi

P.O. Box 5687

Abu Dhabi

Tel.: (+971-2) 665 5560

Fax: (+971-2) 665 5576

Ambassador: H.E. Farid ZEKRIA

Non-resident envoy to: Oman

UNITED KINGDOM

Embassy of Afghanistan in London

۳۱Prince's Gate

London SW7 1QU

Tel.: (+44-207) 589 8891/2

Fax: (+44-207) 581 3452



Email: pa.afghanembassy@btinternet.com
Ambassador: H.E. Ahmad Wali MASSOUD

UNITED STATES OF AMERICA

Embassy of Afghanistan in Washington

۲۳۴۱ Wyoming Avenue, N.W .

Washington, D.C. 20008

Tel: (+1-202) 483 6414

Fax: (+1-202) 483 9523

Email: info@embassyofafghanistan.org

Web-Site :www.embassyofafghanistan.org

Ambassador designate: H.E. Said Tayeb JAWAD

Non-resident envoy to: Argentina, Brazil, Venezuela, Chile, Panama ,Colombia, Mexico, Ecuador, Nicaragua, Bolivia, Uruguay

UNITED NATION

Permanent Mission of Afghanistan to United Nation

۳۶۰ Lexington Avenue, 11th Floor

New York, NY 10017

Tel.: (+1-212) 972 1212 or 972 ۱۲۱۳ or 972 1221

Fax: (+1-212) 972 1216

Email: afgwatan@aol.com

Ambassador: H.E. Dr. Ravan FARHADI

UNESCO

Permanent Delegation of Afghanistan to United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation

, ۱ Rue Miollis

۷۵۰۱۵ Paris

Tel: (+33-1) 45 68 27 71

Fax: (+33-1) 45 68 27 72

Email: dl.afghanistan@unesco.org

Ambassador and Permanent Delegate to UNESCO: H.E. M. Zahir AZIZ

UZBEKISTAN

Embassy of Afghanistan in Tashkent

Ul. Gogol, House 73



Tashkent ۷۰۰۰۴۷

Tel: (+998-71) 23 48458

Fax: (+998-71) 23 48465

Email :afgemuz@mail.tps.uz

Ambassador: H.E. Abdul SAMAD

۲,۱۳,۹ وزارتخانه‌های افغانستان

در حال حاضر، دولت جمهوری اسلامی افغانستان متشکل از ۲۵ وزارت و یک وزارت ارشد می‌باشد.

✪ وزارت ارشد

✪ وزارت امور خارجه

✪ وزارت دفاع ملی

✪ وزارت امور داخله

✪ وزارت مالیه

✪ وزارت عدلیه

✪ وزارت اقتصاد

✪ وزارت تحصیلات عالی

✪ وزارت مخابرات

✪ وزارت تجارت



✧ وزارت معارف

✧ وزارت آب و انرژی

✧ وزارت معدن و صنایع

✧ وزارت زراعت و دامداری

✧ وزارت ترانسپورت

✧ وزارت اطلاعات و فرهنگ

وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان یکی از وزارت خانه های مهم و کلیدی است که وظیفه توسعه فرهنگی در افغانستان را بر عهده دارد.

تدوین استراتژی فرهنگی، گسترش فرهنگ، ادب و هنر در جامعه، ارائه اطلاعات و خدمات فرهنگی، حمایت از نویسندگان، محققان و هنرمندان، چاپ و نشر کتاب، ترویج فرهنگ کتاب خوانی و گسترش کتابخانه ها، حراست از آزادی بیان و مطبوعات، تولید آثار هنری در عرصه موسیقی، تاتر، فیلم و هنر های تجسمی و حفاظت از تاریخ، فرهنگ و زبان جامعه از اهم وظایف وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان است.

✧ وزارت انکشاف شهری

✧ وزارت احیاء و انکشاف دهات

✧ وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین

✧ وزارت سرحدات و قبایل



✧ وزارت امور زنان

✧ وزارت فواید عامه

✧ وزارت امور مهاجرین

✧ وزارت صحت عامه

✧ وزارت حج و اوقاف

✧ وزارت مبارزه با مواد مخدر

۲،۱۳،۱۰ بانکهای افغانستان

بانکهای افغانستان در سال ۱۹۷۵ ملی اعلام شد تا بدین واسطه یک سیستم بانکی فعال سازمان داده شود. بانکهای

افغانستان عبارتند از: افغانستان بانک، بانک ملی، بانک تجارت پشتون، بانک مسکن، بانک توسعه

صنعتی، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، صندوق اعتبارات صنعتی. ساعت کار بانک ها ۸ صبح الی ۱۶

بعد از ظهر می باشد. بانک جهانی شعبه ای در کابل افتتاح کرده است که بر کار بانک ها نظارت دارد و این



مؤسسات را تحت پوشش خود در آورده است. از بانک های ذکر شده هم اکنون بانکهای افغانستان بانک، بانک تجارت

پشتون، بانک ملی، بانک کشاورزی (زراعی) و بانک توسعه صادرات (گمرک) به داد و ستد و تبادل پول در داخل

افغانستان مشغول می باشند و برای حسابهای ارزی و تبادلات خارجی فعلاً عملیات بانکی انجام نمی گیرد

شرکا تجاری: ایران، امارات متحده، هندوستان، آلمان، فرانسه، امریکا، ترکمنستان و ازبکستان

بدهی خارجی 5/5 میلیارد دلار (۲۰۰۰)

کمک اقتصادی 700 میلیون دلار (۲۰۰۰)

نزدیک به ۵ میلیارد دلار در جهت بازسازی افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۰۵)

کد بین المللی 0039

کد شهرهای مهم: کابل ۰۲۰، هرات ۰۴۰، مزارشریف ۰۵۰، قندهار ۰۳۰



۲،۱۳،۱۱ وبگاه های خبرگزاری های افغانستان

خبرگزاری دولتی باختر

خبرگزاری پژواک

خبرگزاری اسلامی افغان

خبرگزاری صدای افغان

خبرگزاری کابل پرس

خبرگزاری آریانانت

خبرگزاری هندوکش

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور



۲،۱۳،۱۲ وب گاه های روزنامه های افغانستان

روزنامه چراغ

روزنامه راه نجات

روزنامه انگلیسی زبان اوت لوک افغانستان

هفته نامه پیام مجاهد

هفته نامه اقتدار ملی

وب گاه های شبکه های تلویزیونی و رادیویی افغانستان

رادیو و تلویزیون ملی افغانستان

تلویزیون طلوع

تلویزیون لمر

تلویزیون آریانا

تلویزیون افغان

رادیو صبح به خیر افغانستان



۲،۱۳،۱۳ فهرست و معرفی دانشگاه‌های افغانستان

کابل

- دانشگاه کابل
- دانشگاه باختر
- دانشگاه دعوت
- موسسه پزشکی کابل
- دانشگاه امریکایی افغانستان
- موسسه تحصیلات عالی کاردان
- اکادمی ملی نظامی افغانستان
- دانشگاه پلی تکنیک کابل
- موسسه تحصیلات عالی رنا
- موسسه تعلیم و تربیت



خوست

- دانشگاه حرا
- دانشگاه خوست

ننګرهار

- دانشگاه آریانا
- دانشگاه خراسان
- دانشگاه ننگرهار

دیگر استانها

- دانشگاه البیرونی
- دانشگاه بلخ
- دانشگاه هرات

کشور
اختشافات معدنی و
شناسی زمین
پایان



در کنار تمام دانشگاه های موجود در افغانستان نام دانشگاه پولى تكنيك كابل يا K.P.U (Kabul Polytechnic University) نامى آشنا و شناخته شده است و به جرات مى توان گفت كه دومين دانشگاه بزرگ دولتي در افغانستان است. اين دانشگاه كه در زمينه آموزش رشته های فنى و مهندسى فعاليت ميكند در ۲۱ ميزان سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۳ م) توسط دولت وقت روسيه در ساحه ۳۶۰ جريب زمين (۶۰ هكتار) با نام انستيتوت پولى تكنيك كابل تاسيس گرديد و در تاريخ ۳ سرطان سال ۱۳۸۳ از انيستيتوت پولى تكنيك كابل به دانشگاه پوليتكنيك كابل تغيير نام داد.

در راس دانشگاه پولى تكنيك كابل رئيس دانشگاه (در حال حاضر آقاى عزت الله عامد) قرار دارد. رئيس پوهنتون داراى سه معاون بوده كه عبارت از معاون علمى (در حال حاضر دكتور كريمزاده)، معاون امور محصلين (در حال حاضر پروفيسور رحمانى) و معاون ادارى (در حال حاضر پروفيسور اكبر جان آرزومند) هستند.

دانشگاه پولى تكنيك كابل در حال حاضر داراى پنج دانشكده و ۱۹ ديپارتمنت مختلف مى باشد كه در ذيل به تك تك آنها اشاره شده است.

دانشكده ساختمانى (Faculty of Construction): همانطور كه از نام اين دانشكده بر مى آيد تمام گرايش های آن مربوط به انجينيرى ساختمان مى شود. اين دانشكده داراى پنج ديپارتمنت تخصصى مختلف مى باشد كه عبارت اند از: ديپارتمنت تعميرات صنعتى و مـدنى (Construction of Industrial and Civil Building)، ديپارتمنت ساختمانهای



ترانسپورتی (Construction of Roads)، دیپارتمنت هایدرولیک (Construction of Hydro Technical

(Construction)، دیپارتمنت مهندسی (Architecture) و دیپارتمنت آبرسانی (Water Supply).

دانشکده الکترومکانیک (faculty of Electro Mechanic): این دانشکده دارای دو دیپارتمنت تخصصی مربوط به رشته های

ذیل می باشد: دیپارتمنت تامین برق مراکز صنعتی، شهرها و روستا (Power Electric Supply for Industrial

Institutions, Cities & Villages) و دیپارتمنت مهندسی اتوماتیک یا همان اتومبیل و تراکتور (Automobile and

(Tractors).

دانشکده زمین شناسی و معدن (Faculty of Geology & Mining): این دانشکده نیز در زمینه مهندسی معدن دانشجو

میپذیرد و دارای چهار دیپارتمنت تخصصی ذیل می باشد: دیپارتمنت مهندسی و نقشه برداری (Engineering Geodesy)،

دیپارتمنت زمین شناسی و معدن (Geology & Mining)، دیپارتمنت استخراج معادن (Geology and Exploitation of

Mines) و دیپارتمنت زمین شناسی و اکتشاف نفت و گاز (Geology and Exploration of Petroleum and Gas).

دانشکده تکنالوجی شیمی (Faculty of Chemical Technology): این دانشکده که امسال به دانشگاه پولیتکنیک کابل اضافه

شده در سال های گذشته تحت همین نام در زیر مجموعه دیپارتمنت های دانشکده زمین شناسی و معدن فعالیت میکرد. این

دانشکده نیز دارای سه گرایش در زمینه های: تکنالوجی مواد کیمیاوی عضوی، تکنالوجی مواد کیمیاوی غیر عضوی و همچنین

صنایع مواد غذایی می باشد.

دانشکده علوم کامپیوتر (Computer Science): دانشکده علوم کامپیوتر که جوانترین دانشکده ی دانشگاه پولی تکنیک کابل

است دو سال است که فعالیت خود را آغاز کرده و تاکنون فارغ التحصیلی نداشته است. این دانشکده در سه گرایش مختلف دانشجو



میپذیرد: رشته سیستمهای اطلاعات کامپیوتر یا CIS (Computer Information Systems)، رشته فن آوری اطلاعات یا IT (Information Technology) و گرایش مهندسی سخت افزار (Hardware Engineering). طبق برنامه چند ساله دانشکده کامپیوتر ساینس گرایش مهندسی نرم افزار (Software Engineering) نیز به رشته های این دانشکده اضافه گردد. درباره دانشکده آی تی دانشگاه پولی تکنیک کابل در آینده مطالب کاملی را ارائه خواهیم کرد.

همانند تمام دانشگاه های دنیا در KPU نیز در کنار دیپارتمنت های تخصصی یاد شده چند دیپارتمنت فرعی و عمومی نیز فعالیت می کنند که نیاز تمام دانشجویان این دانشگاه است و برای آنها بسیاری از این دروس عمومی و یکسان میباشد. این دیپارتمنت ها عبارت اند از دیپارتمنت های: ریاضیات عالی، فیزیک، شیمی، مهندسه ترسیمی و رسم و تکنیک، مکانیک نظری و تطبیقی، ثقافت اسلامی و تربیت بدنی.

دانشگاه پولی تکنیک کابل دارای دو سالن کنفرانس (یکی واقع در ساختمان دانشکده علوم کامپیوتر و دیگری در ساختمان تدریسی)، دو سالن بزرگ همایش (با گنجایش ۲۰۰ دانشجو در یک ساعت درسی)، یک سالن ورزشی، چهار سالن کامپیوتر (مجزا از کامپیوتر لب های دیپارتمنت های تخصصی)، یک اینترنت کلب و ... امکانات می باشد.

متأسفانه وجود دو دهه جنگ های خانمان سوز در کشور عزیزمان باعث بروز مشکلاتی در سیستم آموزش عالی و پائین آمدن سطح کیفیت آموزش شده است اما خوشبختانه در این سالها سعی تمام مسئولین وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه ها بالا بردن سطح آموزش و رسیدن به قافله جهانی بوده است، که در این راستا گام های موثری نیز برداشته شده است. به عنوان نمونه می توان به فرستادن پنج استاد دانشکده علوم کامپیوتر به کشورهای آلمان، انگلیس و هند برای ادامه تحصیل در سال گذشته و برنامه



فرستادن دو استاد دیگر به کشور ترکیه در سال جاری، مجهز کردن و به روز رسانی لابراتوار دیپارتمنت تامین برق به وسایل مدرن و ... فعالیت ها اشاره کرد .

۲،۱۳،۱۴ مجموعه سایتهای افغانستان

سایتهای دولتی و سیاسی	سایت های اطلاعات عمومی	نوشته های در خلوت	وزارتخانه های افغانستان:
www.afghanistangov.org		پیام آفتاب	وزارت زراعت و دامداری
Hezb-e-Wahdat (Hazara Press)	آژانس خبری پژواک	کوکچه پرس	وزارت تجارت
Revolutionary Association of the Women of Afghanistan (RAWA)	افغانستان قلب آسیا	افغانستان	وزارت مخابرات
Afghanistan Peace Association	غرجستان	سایت بادغیس	وزارت دفاع
Women's Alliance for Peace and Human Rights in Afghanistan (WAPHA)	عصر اندیشه	سایت گشایش	وزارت مالی
	فلسفه و سیاست	سلام	وزارت امور خارجه
	فضای دموکراسی	غزل	وزارت تحصیلات عالی
	انجمن جوانان و روشنفکران افغانستان	غروب	وزارت شهداء و معلولین
	انجمن فرهنگی جوانان دایکندی		وزارت احیاء و انکشاف دهات



وزارت آب و انرژی	تمران	نویسد فردا	ریاست جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت امور خارجه افغانستان	نگاه نو	حقوق و قوانین افغانستان	شورای ملی
وزارت عدلیه افغانستان	دوروب	صبح بخیر افغانستان	ستره محکمه
وزارت تجارت افغانستان	بشارت	نگاه نو، ناظر حسین زکی	
وزارت مالیه افغانستان	میرامور	دانشجویان دایکندی	
وزارت معارف افغانستان	نامه های که به دست	دنیای تفکرات	
وزارت امور خارجه افغانستان	نرسید	کاتب هزاره	
وزارت معارف افغانستان	نشته های بی نشان	سایت مطبوعات افغانستان	
	یک فنجان چای داغ	سایت آرمان	
	محمدعلی ابراهیمی	علمی پیام	
	ترانه های در مه	مطالعات افغانستان	
	افغانستان نو	سپندزار صالحی	
	سایه روشن	آسمایی	
		خانه فیلم پویا	
		خبرگزاری باخترا	
		سایت آرمان	



سایه خورشید	ســـخن
مرده بی برکت	ســـیدابوطالب مظفـــری
داوود سرخوش	صفحه زبان مادری دری
گلشن خاوران	محمدشـــریف ســـعیدی
گفتمان روشنایی	نابرابری اجتماعی در جمهوری
حمزه واعظی	افلاطـــون
ارزگان شمالی	کانون توسعه و تعاون افغانستان
صادقی نیلی	کانون فرهنگی نی
طلسم معجزت	عصر گفتمان



دفترو نمایندگی های ملل متحد	سازمان های غیر دولتی داخلی و خارجی و دیگر نهادهای خصوصی:	مؤسسات و نهادهای چندجانبه و خارجی (بدون دفاتر ملل متحد)
سیستم های مدیریت اطلاعاتی افغانستان	اطلاق تجارت افغان- امریکا	بانک انکشاف آسیای (ADB)
برنامه غذا و زراعت (FAO)	اطلاق تجارت افغانستان	دفتر انکشاف بین المللی (CIDA)
(ILO) سازمان بین المللی کار	کتابخانه دیجیتال افغانستان	کتابخانه
Organization	پروژه باسازی افغانستان، مرکز همکاری بین المللی، پوهنتون نیویورک	دفتر همکاری انکشافی هالند — سازمان همکاری اقتصادی
(ILO) سازمان بین المللی کار — دیتا بیس NATLEX	(AREU) واحد تحقیقاتی و ارزیابی افغانستان	(ECO) افغانستان
درمورد قانون ملی کار افغانستان	گروه تحقیقاتی افغانستان	(EC) کمیسیون اروپایی
(IOM) سازمان بین المللی مهاجرت	(AKDN) شبکه انکشافی آغا خان	(EU) اتحادیه اروپایی
سازمان بین المللی مهاجرین	(ACBAR) دفتر هماهنگی کمک ها برای افغانها	وزارت امور خارجه کشور فرانسه
برنامه بازگشت افغانهای دریافت قانون، قانون اسلامی/قانون شرعیت	سازمان بین المللی حقوق بشر	دفتر همکاری های تکنیکی
	American Bar Association	جرمنی (Deutsche — Gesellschaft fur Technische Zusammenarbeit) (GTZ)
	انستیتوت اطلاعات حقوقی استرالیا	
	مرکز مطالعات افغانستان، پوهنتون نبراسکا	
	مرکز بین المللی برای	(ICSID) مرکز بین المللی برای



مختص	دریافت قوانین افغانستان	رفع منازعات سرمایه گذاری
(UNAMA) برنامه همکاری	آرشیف افغان - جرمن ، انستیتوت تحقیق انکشافی ، پالیسی	انستیتوت بین المللی یکی سازی یا
ملل متحد برای افغانستان	پوهنتون بوخم Ruhr Universitat Bochum,	ادغام قوانین عالی (UNIDROI)
(UNICEF) صندوق	Mediothek fur Afghanistan	(IMF) صندوق بین المللی پول
کودکان ملل متحد برای	شبکه حقوق بشر	وزارت امور خارجه کشور ایتالیا
افغانستان	سازمان نظارت بر حقوق بشر	(JICA) دفتر همکاری بین المللی
(UNIFEM) صندوق	انستیتوت مطالعات افغانستان	کشور جاپان
انکشافی ملل متحد برای زنان	گروه بین المللی بحران	(DFID) دفتر انکشاف بین المللی
(UNDP) برنامه انکشافی	(IDLO) سازمان توسعه بین المللی قانون	کشور انگلستان
ملل متحد	انستیتوت بین المللی مطالعات عالی مطالعات جزایی (ISISC)	دفتر امور خارجه انگلستان و
(UNESCO) سازمان	Legifrance	کشورهای مشترک المنافع
آموزشی ، علمی و فرهنگی	انستیتوت جهت مقایسه قانون ملی وقانون بین المللی Max	دفتر انکشاف بین المللی ایالات
ملل متحد	Planck	متحدہ امریکا افغانستان (USAID)
برنامه محیط زیست ملل	شبکه امداد افغانستان	دیپارتمنت تجارت دولت ایالات
متحدہ	پوهنتون برن برای تحقیقات رسمی	متحدہ امریکا - قوای کاری سرمایه
(IRIN) شبکه یکپارچه	پوهنتون لندن ، مطالعات شرق و افریقا - قانون اسلامی	گذاری و بازسازی افغانستان
	افغانستان	



کتابخانه حقوقی کانگرس ایالات متحده امریکه بانک جهانی مقیم افغانستان	پوهنتون مشیگن کتابخانه حقوقی ، رهنمود قانون افغانستان JURIST پوهنتون پترزبورگ ، فاکتله حقوق کتابخانه حقوقی پوهنتون واشبورن	اطلاعات منطقه ای ملل متحد — آسیا (UNHCR) کمیشنی عالی ملل متحد برای پناهنده گان (UNOCHA) دفتر هماهنگی کمک های انساندوستانه ملل متحد (UNODC) دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم (UNSC) شورای امنیت ملل متحد (WFP) برنامه جهانی غذا صفحات اینترنتی وزارت عدلیه دیگر کشورها: مصر فرانسه



کشور	اكتشافات و شناسی	هندوستان جاپان پاکستان امارت متحده عربی ایالات متحده امریکا
سفارت های افغانستان: سفارت افغانستان در کشور استرالیا	سازمان های مربوط به رسانه ها دفتر نظارت بر مطبوعات افغان	کمیسیون ها، تنظیم کنندگان و نهادهای دولت افغانستان:



وزیرانستد جدید	شبکه تلویزیونی الجزیره	مرکز افغانستان در پوهنتون
سفارت افغانستان در کشور کانادا	دفتر یا آژانس معلوماتی باختر	کابل
سفارت افغانستان در کشور فرانسه	بی سی سی سی آسیای جنوبی	کمیسیون مستقل حقوق بشر
سفارت افغانستان در کشور جاپان	شبکه تلویزیونی سی ان ان آسیا	افغانستان
سفارت افغانستان در کشور مالیزیا	گذرگاه توسعه - بازسازی افغانستان	(AISA) دفتر حمایت
سفارت افغانستان در کشور ناروی	ایروشیا نت/افغانستان	از سرمایه گذاری افغانستان
سفارت افغانستان در کشور پولند	هندوکش	کتابخانه الکترونیکی افغانستان
سفارت افغانستان در کشور کوریا	انستیتوت گزارش دهی جنگ و صلح	ریاست احصائیه مرکزی
وزیر جنوبی	انتر نیوز	د افغانستان بانک
سفارت افغانستان در کشور ایالات متحده امریکا	Moby Capital Updates Newsline آسیای جنوب غربی و خاور میانه رادیوی اروپای آزاد/رادیوی آزادی - گزارش افغانستان راهنمای سایت های افغان آینه افغانستان	واحد تدارک یا تهیه دولت دفتر مشترک تنظیم انتخابات
سازمانها و ارگانها	سایتهای رسانه ای افغانستان	سایتهای افغانی به زبانهای
The Children Of War		



Organization		دیگر
Afghan Students' Association at the University of Toronto, Canada	afghanrica	AFGHANISTAN
Assistance Afghanistan	afghan2afghan	TOULOUSE
	Radio Afghanistan	Association de la Culture Afghane
	Afghan Communicator	Afghanistan
	Lemar Aftaab	Homepage der Schweiz
	Mardom Nama-e Bakhter	Chak-e-Wardak
	Emroz	Hospital Projekt
	Faanoos	Collectif pour la liberté en Afghanistan
	DAWAT	Afghanistan zum Sehen, Lesen und Nachdenken
	Ariana Afghan Online Magazine	Afghan/German Online
	Haqiqat	



کتابخانه		Haft Kalam Ana Briongos page on Afghanistan
سایتهای جامع و عمومی Afghan Chat Network Afghan Community in Australia AfghanFlash.com Afghan Hound Database and Breed Information Exchange Afghan ITF TKD Society Afghan Mail Afghan Songs Afghan Taekwondo Federation Afghan Women and	سایتهای جامع و عمومی Afghanistan Free Afghanistan (Yahoo Club) Guide to Law Online for Afghanistan--Library of Congress Hazara.net Hazara Cultural & Historical Archives Kabul Online.com Nuristan: Hidden Land of the Hindu Kush Nutshellnotes.com: Afghanistan The Parthian Empire Postcards From Hell (photographs by A. R. Ciriello)	سایتهای شخصی Fraidun Akhi's Homepage Aphtab.com (Homepage of Haroon Anwarzai) Mirwais Aktary's Homepage Zaki Polad's Homepage Makeen's Site Wahed Dariab's Homepage Yama Issabba's



Education	The Roashans (Weekly Political commentaries)	homepage
Afghani Paaná	The Soldier Slang of Afghan War Veterans of	Nawid's Homepage
(Information for Health in	1979-1989	Bilal's Homepage
Pashto)	Soviet - AfghanWar 1979 -1989	Safi's personal
Ahmad Zahir.com (music,	www.afghanistans.com	Homepage
videos, lyrics, etc..)	Azadi-Web	
Afghan Connection		
(Gemstones of		
Afghanistan)		
afghansite.com		
CIA World Factbook		
2000:		



مراکز بهداشت و درمان	حقوق بشر در افغانستان	سازمانهای پناهندگی
Polio in Afghanistan Afghan Medical Students' Club WHO (World Health Organization): Afghanistan Page WHO Oral Health Country/Area Profile Programme: Afghanistan	Human Rights Watch Reports on Afghanistan HRW World Report: Afghanistan Afghanistan: The Massacre in Mazar-i-Sharif (Human Rights Watch) Derechos: Human Rights in Afghanistan Physicians for Human Rights U.S. State Dept.: Country Reports on Human Rights Practices	U.S. Committee for Refugees: Afghanistan report UNHCR Country profile: Afghanistan مشاغل و شرکتها Afghan Shopping Network Ariana Rugs Afghan Online Bookstore Ahmad Fawad - Realtor Afghan Wireless Communication Company



Watan Music

Kokcha Web Services

کشور	اکتشافات معدنی	

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور



۲،۱۴ جغرافیای تاریخی

۲،۱۴،۱ سلسله حکومت‌های آریایی

سرزمینی که امروز افغانستان نامیده می شود، هزاران سال پیش از میلاد مسیح (علیه السلام) سرزمینی آباد و دارای شهرهای پرجمعیت بوده است . صنایع دستی و سکه های مورد معامله مردم ، علمی چون طب، نجوم و ریاضیات و حرفه هایی مثل فلزکاری و بنایی در این مرز و بوم رواج داشته است. در حفریاتی که باستان شناسان انجام داده اند ، اقسام وسایل قدیمی بدست آمده است که حکایت از تمدن تاریخی این سرزمین دارد.

در سال ۱۹۶۵ میلادی حفاریهایی به سرپرستی دکتر لویی دوپری آمریکایی در جنوب شهر مزار شریف، در ناحیه آق کبرک صورت گرفت که در نتیجه آن آثاری مانند: آینه برنجی، انگشتر، دستبند، اسلحه ، قبضه اسب و نگین لاجورد به دست آمده و متعلق به دوره جدید حجر (از ۲ تا ۹ هزار سال پیش از میلاد) می باشند، که حکایت از زندگی شهری و تمدن باستانی این سرزمین دارد.

تحقیقات دیگری که در سال ۱۹۵۱ میلادی در شمال شهر قندهار در ناحیه مندیگک صورت گرفت، نشان می دهد که مردم افغانستان از سه هزار سال قبل از میلاد، خانه هایی از خشت می ساختند ، به زراعت و دامداری می پرداختند و از اسلحه، زیور آلات مسی و ظروف سفالین دارای اشکال هندسی استفاده می کرده اند . این در حالی است که بسیاری از کشورها در آن زمان از این قبیل امکانات بهره ای نداشته و روابط اجتماعی آنها به صورت نامتمرکز بوده است.

حدود دوهزار سال پیش از میلاد مسیح، سرزمین هندوکش (افغانستان) مورد هجوم اقوام آریایی که از دره های پامیر سرازیر شده بودند قرار گرفت و به تدریج اقوام در آمد.

بطلمیوس و دیگر جغرافی دانان باستان از سرزمینی که در جنوب هندوکش بین کویر نمک فارس (ایران امروز) در غرب و رود سند



در شرق واقع بوده، به نام «آریانا» یاد کرده‌اند. قدیمی‌ترین اثر مکتوبی که در آن از سرزمین هندوکش ذکر به عمل آمده، اوستا کتاب مقدس زرتشت است.

دوره تاریخی افغانستان نیز از حدود این سالها آغاز می‌گردد. ظهور زردتشت تقریباً ششصد سال پیش از میلاد در "باختر زمین"، در شهر بلخ که بعدها این شهر به مادر شهرها شهرت یافت، آغازگر تاریخ افغانستان است. با توجه به نقل پارسیات سرزمین هند، زردتشت در سرزمین "باختر" در شمال افغانستان در بین قبایلی ظهور کرد که خود را "آرین" می‌نامیدند. این قوم در آن وقت در روند تکامل اجتماعی و اقتصادی خود به مرحله‌ای رسیده بودند که تشکیل اداره مرکزی را به شکل پادشاهی ایجاب می‌کرد.

اولین سلسله آریایی بنام "پیشدادیان" معروف است که در بلخ (باکتریای قدیم) به قدرت رسیدند و بر قسمتهایی از افغانستان و غرب ایران کشور حکم راندند. بعد از آنها سلسله دیگری بنام "کیانیان" به قدرت رسید که موسس آن کيقباد بود. سلسله‌ای که بعد از کیانیان ظهور کرد به نام "اسپه‌ها" معروفند، که از دودمان شخصی بنام "اسپه" بوده و در سوارکاری مهارت داشتند.



۲،۱۴،۲ هخامنشیان

در این سالها (از ۳۳۳ تا ۵۴۵ قبل از میلاد) زراعت، آبیاری، صنایع دستی و پیشه‌وری افغانستان رو به رشد و تکامل بود. شمال افغانستان که راههای آسیای مرکزی، ایران و هندوستان از آن می‌گذشت. از نظر اقتصادی در منطقه و به خصوص آسیای میانه نقش اساسی داشت. در دشتهای آسیای مرکزی بین دو رودخانه سیحون و جیحون (آمودریا) مردمان چادرنشین و ماهر در سوارکاری زندگی می‌کردند که چشم به باختر آباد دوخته بودند و گاه و بیگاه به این سو می‌تاخت. خطری که همواره این سرزمین آباد را تهدید می‌کرد. بالاخره هجومهای متوالی سوارکاران چادرنشین آسیای مرکزی، دولت باختر افغانستان را متزلزل ساخت و از نظر سیاسی کشور را به ضعف نهاد، تا جایی که مرکزیت از بین رفت و کشور به شاهزاده نشین های متعدد تقسیم گردید.

دولت هخامنشی در افغانستان، در هنر و معماری تبارز کرد و در نظم و اداره کشور امتیاز مخصوص به خود را کسب نمود. در این دوره بود که رسم الخط آرامی، خط مردم افغانستان گردید. و دوره ثبت شده تاریخ افغانستان آغاز شد. به قول مرحوم احمد علی کهزاد تاریخ نویس معروف کشور: " تاریخ مدون افغانستان با همین دودمان هخامنشی شروع شد، زیرا بار اول نامهای نقاط مختلف و اسمهای ساکنان آن و حتی اسمهای بعضی از رجال این سرزمین در سنگ نبشته های میخی این دوره نگارش یافته است. بنابراین سال ۵۵۰ قبل از میلاد آغاز دوره تاریخی افغانستان است و تا بهنگامی که سنگ نبشته ای مبنی بر وقایع تاریخی افغانستان پیدا نشده، این سال شروع دوره تاریخی افغانستان مورد قبول است"

حمله اسکندر (۳۲۹ - قرن اول میلادی)



هنگامیکه لشکریان اسکندر وارد ایران شدند و بعد از جنگ ساحل دجله چون دوری از موطنشان و جنگهای پی در پی سربازان یونانی را خسته ساخته بود، فرماندهان ارشد اسکندر به سربازان خود گفتند که بعد از این دیگر جنگی در پیش نخواهد داشت و اسکندر دیگر نیازی به همه قشون خود ندارد. به طوری که بسیاری از سربازان یونانی را مرخص خواهد کرد. ولی بعد از ورود به ایران شهر و مشاهده خزینه های آن پایتخت، اسکندر متوجه شد که روی بعضی از بدره ها و صندوقهای زر نوشته شده که این زر از سند (هندوستان) آمده است. لذا اسکندر برای تسخیر هندوستان ، عازم سرزمین هندوکش که تاریخ‌نویسان یونانی آن را پاراپومیسوس (Parapomissus) گفته‌اند، شد.

اسکندر پس از تسخیر گرگان به خراسان و هرات رفت و بعد از زرنج به بلخ وارد شد. او در این هنگام ۱۹ هزار سپاهی تازه نفس از یونان گرفته بود و با صد هزار سرباز از جانب بلخ ، با عبور از سلسله کوههای هندوکش از طرف شرق افغانستان به جانب هندوستان لشکر کشید.

قبل از اینکه اسکندر از هندوکش عبور کند، از بلخ به طرف هرات لشکر کشیده و مدت دو سال در این شهر و اطراف آن اقامت گزید. هاردولد لمپ نویسنده آمریکایی می گوید: هنگامی که اسکندر به طرف جنوب می رفت به منطقه ای رسید که شهری بنام هرات در آنجا وجود داشت و یکی از شهرهای موسوم به اسکندریه را در این منطقه بنا کرد و سربازان ناتوان و سوداگران را در آنجا ساکن کرد و دیواری اطراف این شهر بنا کرد که به صورت موقت وسیله دفاع شهر باشد، و چون شنیده بود که در اطراف دریاچه هلمند مناطق طبیعی بزرگ وجود دارد ، که اگر اسبها و چهار پایان قشون را مدتی در این مراتع رها کند، فربه خواهند شد، خود و لشکریانش به آنجا رفت. اسکندر وقتی که به مراتع اطراف دریاچه هلمند از وجود مرتع های بزرگ و آذوقه فراوان اطمینان یافت، تا



مدت دو سال کار او این بود که از این منطقه به نقاط کوهستانی شمال می رفت تا قبایل ساکن در آن منطقه را مطیع سازد و همین که خود را از حیث آذوقه و علوفه در مضیقه می دید، به این منطقه بر می گشت.

لشکریان اسکندر پس از اشغال غزنه و کابل، در شمال کابل (غوربند) شهرک دیگری را نیز به نام اسکندریه قفقاز بنا نهادند. اسکندر با سپاهیان خود وارد مناطق حاصل خیز آسیای میانه شد و می گویند با دختر یکی از خان های محلی تخارستان نیز ازدواج کرد که اسمش رخسانه (Roxana) بود. با اینکه جنگها او را سخت خسته ساخته بود و در شرق افغانستان خود او و بطلمیوس زخم برداشتند، سپاهیانش توانستند از رود سند عبور کنند و شاه پنجاب (پوروس) را مغلوب نمایند. اسکندر در هند تا رودخانه بیاس پیش رفت، اما از آنجا که اردوی او دیگر توان تحمل سفرهای جنگی را نداشت، از راه بلوچستان به بابل عزیمت نمود و در همین شهر در سن ۳۲ سالگی بر اثر تب مالاریا چشم از جهان پوشید (در سال ۳۲۲ قبل از میلاد)

۲،۱۴،۳ افغانستان در عصر سلسله موری

یکی از سلسله هایی که حدود ۱۳۷ سال بر هند و بخشهایی از افغانستان فعلی حکومت کرد سلسله موریها بود. همزمان با حمله اسکندر به شمال غربی هند، یکی از شاهان خاندان "ناندا" که در آن زمان بر هند حکم می راند، جوانی از خویشاوندانش را که چندراگوپتا نام داشت و ظاهراً مرد بسیار باهوش، فعال و جاه طلب بود، از کشور تبعید و اخراج نمود. چندراگوپتا به شمال هند و به سوی شهر تاکسیلا که در شمال بود رفت. گوپتا فرد دیگری بنام چناکیا را که یک برهمن بود و در ذکاوت از خودش کم نمی آورد، همراه خود برد. این دو تبعیدی مردم هند را علیه نیروهای اسکندر می شوراندند و نیروهای اسکندر را متجاوز می دانستند. در هنگامی که گوپتا در شمال غربی هند در خدمت یونانیان بود. اسکندر در گذشت و چون خبر مرگ اسکندر به تاکسیلا رسید، چندراگوپتاموریا اهالی اطراف را شوراند و با کمک آنها به اردوگاه نظامی که اسکندر از خود به جای



گذاشته بود حمله برد و به زودی تاکسیلا و حکومت آنجا را به تصرف در آورد و بعد از آن پادشاهی ناندا را در هم شکست . (۳۲۱ قبل از میلاد)

در دوران سلطنت چندراگوپتا ، سلوکوس سردار اسکندر که تقریباً تصرفات بخش شرقی اسکندر به او رسیده بود با عبور از رود سند به هند هجوم برد. سلوکوس در نبرد با چندراگوپتا شکست خورد و عقب نشینی کرد و قسمت عمده ای از "گنداهارا" یعنی نواحی اطراف رودخانه کابل و کابل کنونی را از دست داد . بعد از این نبرد امپراتوری موریای به زودی توانست سراسر هند و قسمتی از افغانستان را تصرف کند. در این موقع این امپراتوری بزرگ از کابل و هرات تا بنگال وسعت پیدا کرد. چندراگوپتا با تشکیل یک امپراتوری بزرگ و دارای نظم مدت ۲۴ سال بر هند حکومت کرد و در سال ۲۹۶ قبل از میلاد در گذشت. برخی از تاریخ نگاران معتقدند که چون سلوکوس به فیلهای جنگی نیاز داشت، چند ناحیه مجاور هند را در عوض گرفتن تعدادی فیل به گوپتا واگذار نمود. بعد از عقب نشینی سلوکوس، افغانستان کنونی عملاً به دو قسمت تقسیم گردید: بخشی زیر سلطه یونانیان باقی ماند که بیشتر شمال و غرب افغانستان باشد و بخش شرقی و جنوبی زیر سلطه هندیان در آمد.

۲،۱۴،۴ کوشانیان

بعد از انقراض سلسله های هخامنشی، یونانی و موریای مدتی در افغانستان به صورت ملوک الطوائفی اداره می شد تا اینکه قبیله کوشانی، شاخه ای از اقوام سیتی یوچی وارد افغانستان شده و به تدریج قدرت یافتند و امرای محلی را شکست داده، حکومت بزرگی تشکیل دادند. کوشانیها که به یوچی ها نیز معروف می باشند، ابتدا در شمال افغانستان کنونی، یعنی آسیای مرکزی فعلی زندگی می کردند و همواره در حال جنگ و نزاع با اقوام و طوایف دیگری بودند که در آن منطقه زندگی می کردند.



به نوشته برخی تاریخ نویسان در حدود سال ۱۶۵ قبل از میلاد کوشانیها که شاخه ای از قبایل سیتی بودند و در مجاورت چین در کاشغر سکونت داشتند، بعد از مدتی زندگی بین دو رود آمو و سیحون در قرن اول (در حدود ۷۰ قبل از میلاد) از این منطقه عبور نموده و باختر را به تصرف خود در آوردند. در این تصرف تقریباً بخش اعظم شمال افغانستان، مانند تخارستان، باختر زمین، بلخ و ... زیر سلطه آنان در آمد. بعد از مدت کمی کوشانیها از کوههای هندوکش نیز عبور کردند و دولت یونانی باختری را تا سرحد هند به عقب راندند. (۱۳۷ قبل از میلاد)

زمانیکه این قبایل در شمال افغانستان اسقرار پیدا کردند، حدود پنج قبیله در این منطقه ساکن بودند، این وضعیت مدتها دوام یافت و هر قبیله توسط رئیس خود اداره می شد. بالاخره رئیس قبیله کوشانی توانست چهار قبیله دیگر را زیر فرمان خود در آورد و خودش را به عنوان شاه کوشانی معرفی کند. از همین وقت کلمه کوشان در تاریخ ثبت گردید. نخستین پادشاه مشهور این طایفه " کجولاکدفرس " در حدود سال ۴۰ قبل از میلاد موفق شد که از هندوکش عبور کند و با فتح کابل و کاپیسا و غزنی به اقتدار خویش بیفزاید.

شاه کوشانی در مدت نه چندان طولانی موفق شد، در شرق تا رود سند و در غرب تا خراسان کنونی پیش رود و تمام بقایای شاهان یونانی را از حیطه قدرت کنار بزند. همچنین موفق شد یکی از بزرگترین امپراطوری ها را در افغانستان پایه گذاری کند. او بعد از تلاش فراوان در جهت گسترش قلمرو خود در سن ۸۰ سالگی بعد از ۳۸ سال سلطنت در سال ۷۸ میلادی از جهان رفت. این شاه در عصر خود ملقب به دیندار و شاهنشاه پسر آسمان گردید. بعد از او پسرش " ویمه کدفرس دوم " به قدرت رسید و تا حدود ۱۱۰ میلادی حکومت کرد و در سن ۸۰ سالگی فوت کرد. در زمان این شاه نیز پیشرویها و فتوحاتی صورت گرفت و حدود مرزی



حکومت شرق به رود گنگ رسید. در ادامه پیشرویه‌ها و تصرفات کوشانی‌ها، هندوستان شمالی به تصرف آنان در آمد و برای پیوند و استحکام روابط اقتصادی و سیاسی نمایندگانی به روم اعزام گردیدند.

۲,۱۴,۵ دولت یفتلی

یفتلی‌ها مانند کوشانی‌ها از اقوام سیتی بودند، که از قسمت شمال شرق افغانستان در حوزه رود جیحون به طرف افغانستان هجوم آورده و تا اواخر قرن سوم میلادی، تمام سرزمین‌های شمال این رود را به تصرف خود درآوردند. تا قرن پنجم میلادی یفتلی‌ها نتوانستند از ناحیه شمالی رود جیحون به صورت کامل عبور کنند و لذا جنگ‌های پراکنده بین آنها و اقوام کوشانی که حکومت را در دست داشتند، روی داد. در اوایل قرن پنجم بود، که از یک طرف قدرت یفتلی‌ها افزایش پیدا کرد و از طرف دیگر کوشانی‌ها رو به ضعف نهادند و یفتلی‌ها تا سال ۴۲۵ میلادی موفق شدند، تمام باختر را به تصرف خود درآورند و در تخارستان حکومت تشکیل دهند. در این هنگام کوشانی‌ها از شمال کشور عقب نشستند و این عقب نشینی تا دشتهای اطراف رودخانه کابل رسید. در نتیجه یفتلی‌ها از کوه‌های بلند هندوکش عبور کردند و وادیهای اطراف کابل و قندهار و زابل را تصرف کردند. به زودی قلمرو این حکومت در سرتاسر خاک افغانستان، از مرو تا کشمیر گسترش یافت.

۲,۱۴,۶ سلسله شیران بامیان

شیران بامیان از بقایای کوشانی‌ها و یفتلی‌ها بودند. بعد از قرن پنجم میلادی که امپراطوری یفتلی سقوط کرد، در نقاط صعب العبور کوهپایه‌های افغانستان مرکزی مانند بامیان، غرjestان، دیراوود، جاغوری، مالستان، شارستان، گردیز و ... پراکنده شدند و به تشکیل امارتهای محلی پرداختند. بامیان یکی از مراکز آنها بود که سلسله‌ای معروف بنام شیران بامیان در آن ظهور کرد.



است. این دو شاه بنامهای " شیرمه " (شیر بزرگ و کبیر) ، که هم عصر با بهرام گور پادشاه ساسانی (۴۲۰ - ۴۳۹ میلادی) بوده است و " شیر باریک " ، به معنای شاه خرد و کوچک یاد می شده اند. شیرمه (شیر بزرگ) در حدود سالهای ۴۲۰ - ۴۳۹ میلادی و شیر باریک در حدود ۹۵۸ میلادی زندگی می کردند که بین این دو ، مدت پنج قرن فاصله است. سلسله شیران بامیان که به حدود ۱۷ شاه می رسد، تا عصر نفوذ اسلام بر بامیان حکمروایی داشتند.

۲,۱۴,۷ ساسانیان

بعد از انحطاط و سقوط دولت یفتلی شمال کشور زیر سلطه ترکان، و غرب کشور در قلمرو دولت ساسانی قرار گرفت . در قرن سوم میلادی ارشیر اول سلسله مقتدر و نیرومند ساسانی را بنیاد نهاد که تا چهار قرن دوام آورد. (تسلط ساسانیان بار اول بر افغانستان امروزی در حدود سالهای ۳۶۵-۲۳۰ میلادی بود) تمام ایران و قسمتی از خراسان قدیم که افغانستان را نیز در بر می گرفت و برخی از کشورهایی که اکنون همسایه شمالی ایران به شمار می روند، تحت سیطره دولت ساسانی قرار داشتند . اما همچنان جنوب کشور تحت سلطه بازماندگان یفتلی اداره می شد. شاهان ساسانی امپراتوری خویش را تا رود سند و آسیای مرکزی وسعت دادند. در قرن ششم میلادی خسرو انوشیروان ساسانی یفتلی ها را از باکتریا راند و این منطقه بار دیگر به امپراطوری ساسانی پیوست. (تسلط ساسانیان بار دوم ۶۴۴-۵۶۵ میلادی)

در این وقت غرب افغانستان شامل مناطق هرات و نیمروز و توابع آن تحت نفوذ ساسانیان قرار داشت که آیین زردتشتی داشتند و به زبان پهلوی تکلم می کردند. ولی در مناطق کوهستانی مرکزی و زابلستان و وادی اطراف دریای کابل به نام گندهارا و قسمتهایی از جنوب افغانستان از سلسله جبال هندوکش تا کرانه های سند و مناطق شمال افغانستان که از بقایای کوشانیها و یفتلی ها بودند



و از تخارستان تا بادغیس حکم می راندند، دارای آیین بودایی و برهمنی و زردتشتی بودند. در این زمان که امپراطوری یفتلی افغانستان سقوط کرد، دست سلطه امپراطوری ساسانی فارس، ترکان نوخواسته ی ماورالنهر، و متعاقبا امپراطوری چین در شمال شرق، شمال، و شمال غرب افغانستان دراز گردید و در بقیه کشور ملوک الطوائفی ظهور و امراء متعدد محلی روی کار آمدند و این تجزیه و تقسیم سیاسی افغانستان با تعداد زبان و ادیان مختلف چون دسته جات زبانهای باختری، سانسکریت و پراکریت و لغات اجنبی ترکی، چینی و ... با دین زردتشتی و بودائی، برهمنی، هندویی و ... یک جا شده، ملت افغانستان را در مرور یک قرن به طرف وادی تفرقه و تشتت سوق می نمود. و از طرف دیگر عدم مرکزیت اداره سیاسی سبب فقدان قوه ی مدافعه ی اقتصادی گردیده تغییرات اخلاقی و مدنی شروع شده سران ملت ومملکت نیز از طرد دشمنان قوی ونجات دادن مملکت مایوس بوده افغانستان بحران سیاسی را تا قرن هفتم میلادی عبور می کرد درچنین وقتی بود که دین اسلام ظهور و توسط قشون عرب در افغانستان نفوذ کرده و در شئون اجتماعی کشور انقلاب بزرگی ایجاد کرد.

حمله مسلمانان (افغانستان در زمان خلفا راشدین) (۶۴۳ – ۶۶۱ میلادی)

در قرن هفتم میلادی هنگامی که تمدن قدیم عالم، آنکه از منبع یونان سرچشمه گرفته بود، رو به انحطاط داشت وامپراطوری روم دستخوش تجزیه و فساد گردیده بود، ایتالیا جلال سابق را از دست داده و هسپانیه (اسپانیا) نظم و آبدای خود را باخته و خلاصه قسمت بزرگی از اروپا گرفتار تسلط طوائف بربر بود، در آسیا نیز امپراطوری فارس راه اضمحلال پیموده و کشور پهناور چین وهند در زین جبروت امپراطوری آسمانی و ملوک الطوائفی کوفته می شد، همچنین در آفریقا کشور مصر مبتلای ظلم و جهل بود و در بیشتر نقاط روی زمین فقر و قساوت، ظلم و جهل حکومت می کرد (از قاره اعظم آمریکا هم که چیزی و اثری در دست نبود تا واسطه صلح شود)



در چنین وقتی در گوشه ای از شبه جزیره ی گرم و خشک عربستان حضرت محمد (صل الله علیه و اله و سلم) پیامبر بزرگوار اسلام مبعوث و قرآن کریم نازل و دین اسلام ظهور کرد. و به زودی چندین ملیون جمعیت عربی که به مقتضی تاثیرات اقلیمی استعداد ترقی در امور جنگ و ادب داشتند دور هم جمع آمده و برای پیشبرد اصول اسلام که بر بناء توحید، آزادی، مساوات و عدالت قرار داشت کمر بسته ایثار و فداکاری را در این راه وظیفه دینی خویش پنداشتند و در مقابله با اردوهای دو امپراطوری بزرگ جهان یعنی روم شرقی و فارس فاتح و پیروز گردیدند. و در ده دوازده سال بیرق اسلام بر فراز دمشق و مداین افراخته شد، و در ظرف یک قرن طوفان فتوحات اسلام از پشت دیوارهای قسطنطنیه تا کناره اطلس و از آبشارهای نیل تا دریای فزوین پیشرفت. و دویصد هزار سرباز بی نظیر و یک هزار و دیو صد کشتی عرب از سواحل بحیره خزر و سیاه تا بحر عرب و عمان و از کناره هسپانیا تا فرغانه جولان و آبهای مدیترانه را شکافتند.

۲،۱۴،۸ افغانستان در زمان خلافت بنی امیه و بنی عباس

در سال ۴۷ هجری قمری (۶۶۷ میلادی) که خلافت پیامبر بزرگوار اسلام (صل الله علیه و اله و سلم) به امپراطوری اموی انتقال یافته بود اعراب از طریق هرات از آمودریا گذشتند و توانستند مرکزیت عرب در نیشابور و یک قدم بیشتر در مرو استوار نمایند.

در سال ۵۱ هجری پنجاه هزار عرب با آل و عیال خویشتن وارد خراسان شمالی گردیده و برای همیشه مقیم گردیدند و به اینصورت ریشه ی خویش را در افغانستان فرو بردند معهدا نفوذ نظامی و سیاسی ایشان به طور مستقیم هنوز محدود به نیشابور و مرو بوده، و سایر بلاد افغانی در زیر اداره حکام محلی قرار داشتند. در سال ۶۱ هجری سران محلی کشور که به حملات نابه هنگام ضد عرب می پرداختند در یکی از شهرهای خوارزم به هجوم شدید و مهیب افسر اعزامی مسلم ابن زیاد حاکم عربی خراسان دچار شدند و متعاقبا انقلابات ملی در هر گوشه و کنار مشتعل گردیده و در سال ۶۵ هجری افغانها توانستند استقلال مناطق تحت نفوذ



عرب را در تحت قیادت عبدالله حازم حاکم عربی خویش اعلام نماید. در سال ۷۲ هجری این اعلان استقلال توسط بکیر ابن وشاح حاکم دیگر عربی خراسان تجدید شد ، اما هیچکدام دوامی نکرد و به جایی نرسید. در سال ۷۷ هجری امیه حاکم عربی خراسان به شهر بلخ حمله نمود ولی مدافعه مردم او را منهزم و به مراجعت و قناعت به مرو مجبور نمود.

۲،۱۴،۹ دولت طاهریه افغانستان

با انتقال مجدد پایتخت امپراطوری اسلام از خراسان به بغداد توسط مامون عباسی، افغانیان دل از دست ندادند و هنوز مردی از ایشان چون طاهر ذوالیمینین در بغداد زنده و امید آنها را به سوی خود می کشید. طاهر بن حسین بن مصعب بن فرخ، از اهالی پوشنگ هرات ، مردی مال اندیش، مجرب و عاقل بود ، او سرگذشت مردان فداکار افغانی در میدان جنگ به مقابل سلطه عرب و همچنین از داستانهای خانواده برمکی و سهل خراسانی مطلع بود، پس راه میانه ئی را انتخاب نمود. و در دربار بغداد سعی زیادی کرد تا از طرف مامون به سمت امیر خراسان مقرر و در سال ۲۰۵ هجری وارد افغانستان گردید . همینکه سالی از امارت او گذشته و افغانستان مفتوحه را از تخارستان تا سیستان تامین و منظم ساخت، در سال ۲۰۶ هجری استقلال افغانستان اسلامی را اعلان و نام خلیفه عباسی را از خطبه بیفکند، به این ترتیب بعد از دو قرن جهد و کوشش بالاخره افغانستان موفق شد تا استقلال خویش را در مناطق مفتوحه شمال و غرب کشور در مقابل عرب اعلان و تحکیم نماید.

طاهر ذوالیمینینی موسس حکومت طاهریه افغانستان در سیاست داخلی و خارجی کشور ، راه اعتدال می پیمود چون از ناکام شدن سیاست شدید و امپریالیزمی ابومسلم خراسانی در مقابل خلافت و سیاست امپراطوری اسلامی عباسی آگاه بود نمی خواست مجددا این رویه را امتحان نماید. همچنین او سیاست تفریطی خاندان برمک را که هست و بود خویش را در راه ترقی اعتلاء عرب گذاشتند نمی پسندید، لهذا او خواست تا جایی که میسر است استقلال سیاسی افغانستان را تامین کند و هم رشته روابط را با خلافت عربی



از هم نگسلد. ولی عمر طاهر با اعلان استقلال در ۲۰۶ پایان یافت و در این مدت کوتاه ولایات تخارستان، بلخ، میمنه، مرو، هرات، نیشابور، کرمان و سیستان را تامین و به این صورت برای پسر خویش صفحات شمالی و غربی کشور را به حیث مملکت مستقلی به میراث گذاشت.

۲،۱۴،۱۰ دولت صفاری

در همان قرن اول هجری و عصر خلافت راشد اسلام، بین عربها بر سر جانشینی حضرت پیغمبر آخر الزمان (صل الله علیه و اله و سلم) اختلافات دامنه داری پیدا شد. و عامل اصلی این اختلافات این بود که عده ای گفتند پیامبر در مورد جانشین خود هیچ کس را مشخص نکرده و با وجود سفارش وصیت کردن هر مسلمان قبل از فوت، خود شخص پیامبر وصیت نداشته است. این اختلافات مخصوصا در دوره امپراطوری بنی امیه قوت گرفت و در بین تمام مسلمانان گیتی پراکنده گردید. به علاوه خشم عرب در این دوره شدت گرفت، و عکس العمل آن در بین ملل غیر آشکارا گردید. در دوره امپراطوری بنی عباس تمام این مخالفتها جامه عمل پوشیده و فرقه های متعددی در بین ملل اسلامی ظهور کرد، مثلا طرفداران بنی امیه، که دارای بیرق سفید بودند، طرفداران اهل بیت پیغمبر که از بنی هاشم بودند و امامان تشیع از این طایفه هستند بیرق سبز استعمال می کردند، طرفداران بنی عباس و ضد اموی و علوی که در بیرق و لباس سیاه رنگ داشته و این رنگ را از افغانستان و ابومسلم استفاده کرده بودند، فرقه خوارج که بر ضد همه ی آنها بوده، یکنوع جمهوری خواه و افراطی در سیاست و دین به شمار می رفتند و بیرق سرخ استعمال می نمودند. خوارج انتخاب خلیفه اسلام را به شکل آزاد از ملل عجمی (عناصر غیر عربی) و عربی قبول و در صورت ارتکاب نامشروع خلیفه، عزل و قتل او را پیشنهاد می کردند و همچنین دهها فرقه دیگر.



به هر حال فرقه خوارج از نقطه نظر سیاست افغانستان را مرجع خود دانستند زیرا افغانستان از نظر سیاست، بر ضد امپراطوری های اموی و عباسی بوده و مدتها قبل (در عهد خلافت امیرالمومنین علی علیه السلام) چندین هزار خوارج عربی را در ولایت سیستان و فراه خود قبول کرده بود. همان بود که ولایات افغانستان ، برای همیشه مرکز هیجانات و فعالیتهای سیاسی بر ضد امپراطوری عباسی و اموی عرب شمرده می شد.

شاهان صفاری:

یعقوب ابن لیث صفاری سال ۲۵۳-۲۶۵ هجری

عمرو ابن لیث سال ۲۶۵-۲۸۷ هجری

طاهر بن محمد بن عمرو سال ۲۸۷-۲۹۱ هجری

۲,۱۴,۱۱ سلاطین سامانی افغانستان

خاندان سامانی اصلا از بلخ بوده و منسوب به سامان است که مردی ساریان بود. پسر سامان وقتیکه مامون عباسی در مرو بود با چهار پسر خود جزء مامورین او قرار گرفت. وهنگامتاسیس حکومت طاهریه در افغانستان بر ترقی مراتب پسران وی افزود. ابراهیم پسر الیاس یکی از افراد آن خاندان بود که در حکومت طاهریه رتبه سپه سالاری کل قوا را حاصل کرد، بعدا اعتبار آن خاندان طوری افزود که المعتمد خلیفه عباسی ، در سال ۲۶۱ هجری منشور حکومت ماوراء النهر را به امیر نصر نواسه اسد سامانی فرستاده، امیر اسماعیل برادر آن شخص است که به حیث وکیل نصر در بخارا مرکز اختیار نمود.



بعد از این تا سال ۳۸۹ هجری در مدت ۱۲۸ سال، این دولت بزرگ و مدنیت پرور دوام و بر تمام افغانستان شمالی، غربی و ماوراء النهر و قسمتی از کشورهای فارس (جرجان، طبرستان، ری) حکمروا بود. شهنشاه سامانی افغانستان تهذیب و تمدن اسلامی، زبان و ادبیات فارسی را در تمام قلمرو خویش پیش برده، خدمات عمده ئی به مملکت نمود.

معهدا سامانیان هنوز به توحید اداری و دینی کل کشور افغانستان موفق نگردیده بودند و مرکز ولایات شرقی مملکت، با ادیان قدیمه و حکومتات مختلفه محلی به سر می بردند، و در ولایات جنوب غرب و شمال حکومتهای نیمه مستقل محلی به صفت تحت الحمايه گي امپراطوري سامانی وجود داشتند.

به هر حال امیر نصر، در سمرقند مرکز داشته، و در جنگی که در سال ۲۷۵ هجری با برادر خود نمود به دست امیر اسماعیل اسیر، ولی مجددا رها و به امارت خویش دوام داد. اسماعیل بعد از مرگ برادرش در سال ۲۷۹ هجری پادشاه ماوراء النهر گردید، در سال ۲۸۰ هجری از سیحون عبور و دشمن ترکی را مغلوب و در سال ۲۸۷ هجری عمرو لیث پادشاه صفاری را منهدم و دولتهای افغانی و ماوراءالنهر را وحدت بخشید، بعد از آن به کشور فارس سوقیات، و ولایات طبرستان و ری را اشغال و در سال ۲۹۵ هجری فوت نمود. ابوالفضل بلعمی وزیر فاضل همین پادشاه بود.

شاهان سامانی:

امیر اسماعیل سال ۲۷۹ - ۲۹۵ هجری

امیر احمد سال ۲۹۵ - ۳۰۱ هجری

امیر نصر سال ۳۰۱ - ۳۳۱ هجری

امیر نوح سال ۳۳۱ - ۳۴۳ هجری



عبدالملک سال ۳۴۳ - ۳۵۰ هجری

امیر منصور سال ۳۵۰ - ۳۶۶ هجری

نوح دوم سال ۳۶۶ - ۳۸۷ هجری

منصور دوم سال ۳۸۸ - ۳۸۹ هجری

عبدالملک دوم ۳۸۹ - ۳۸۹ هجری

۲،۱۴،۱۲ دوره غزنوی افغانستان

الپتگین یکی از مامورین دوره ی سامانی بود که به درجه ی سپه سالاری و حکومت افغانستان شمالی رسید. ولی وقتی که در نظریات انتخاب پادشاه سامانی بین او و امیر منصور اول سامانی اختلاف واقع شد، نیشابور مرکز حکومت خراسان شمالی را ترک و وارد شهر غزنی شد، الپتگین به زودی توانست اساس یک حکومت قوی محلی را در غزنه بگذارد.

سبکتگین داماد او ، این دایره را به سمت کابل توسعه داد و حکومت محلی کابل را از بین برداشت، پیشرفت سبکتگین در اینجا متوقف نشد و رو به شرق، تا سواحل سند حدود طبیعی افغانستان قدیم رسید، و در جنگهایی که در حوزه ی سند با مدافعین پنجاب نمود پیروز شد. سبکتگین در تشکیل چنین حکومتی از ضعف خاندان سلطنتی سامانی استفاده و هم در حمایت لشگری، که از آن خاندان به مقابله با دشمنان داخلی وی نمود، رضایت پادشاهان سامانی را حاصل کرد.



سلطان محمود سومین و مقتدر ترین حکمران این دودمان ، پسر سبکتگین است که در تاریخ نظامی و ادبی دنیای شرق مقام بزرگی دارد، محمود هم از نظر دین و هم از نظر اداره افغانستان را وحت بخشیده ، و آنگاه سیاست و علم و ادب کشور را ترقی داد، وی شاهان محلی افغانستان را که از قرن‌ها به این طرف، خواه در دوره قبل از اسلام و خواه در دوره اسلام ، در هر کنج و کنار قرار داشته، و در زمانهای وجود یک دولت بزرگ در افغانستان، به ادای باج و خراجی قناعت، و در آوان عدم وجود چنین دولتی ، مستقلانه زندگی می کردند از قبیل: خاندان حکمران گوزگانان (میمنه و شبرغان) ، آل صفار سیستان (امیر خلف) ، آل سهراب بلوچستان، آل شنسب غور، شارهای، غورجستان (میمنه) ، امراء گردیز، حکام بومی پشاور، خوارزمشاهیان قدیم، امراء لودی سند و ملتان را از بین برداشت . به این ترتیب محمود اولین پادشاه دوره اسلامی افغانستان است که بعد از دولت یفتلی افغانستان (قرن ۶ میلادی) بر تمام کشور خراسان از جیحون و خوارزم تا عمان و از سند تا کویر لوت را سلطنت کرد. سلطان محمود دامنه امپراتوری خود را از غرب تا بخشهای وسیعی از ایران و در شرق تا رود گنگ توسعه داد. محمود تحت نام جهاد هفده مرتبه به هندوستان حمله نمود و در هر مرتبه این دیار غارت و تاراج نموده به غزنی بر میگشت. محمود یک نابغه نظامی بود ولی از امور دیوانی و دولرداری بویی نمی برد، با یاری وزرای دانشمند و فاضل خود امور دیوان داری و جمع آوری مالیات را پیش می برد. یکی از این وزرای فاضل و مدبر امیر حسنک پسر میکال معروف به حسنک وزیر بود.

شاهان غزنوی:

امیر الپتگین سال جلوس ۳۵۶ هجری

امیر سبکتگین سال جلوس ۳۶۷ هجری

سلطان محمود سال جلوس ۳۸۷ هجری

سلطان مسعود سال جلوس ۴۲۱ هجری



امیر محمد سال جلوس ۴۳۱ هجری

سلطان مودود سال جلوس ۴۳۴ هجری

مسعود ثانی سال جلوس ۴۴۱ هجری

علی سال جلوس ۴۴۲ هجری

عبدلارشید سال جلوس ۴۴۳ هجری

فرخ راد سال جلوس ۴۴۴ هجری

ابراهیم سال جلوس ۴۵۰ هجری

مسعود ثالث سال جلوس ۴۹۲ هجری

شیرزاد سال جلوس ۵۰۸ هجری

ارسلان شاه سال جلوس ۵۰۹ هجری

بهرام شاه سال جلوس ۵۱۲ هجری

خسرو شاه سال جلوس ۵۴۴ هجری

خسرو ملک سال جلوس ۵۵۱ - ۵۹۸ هجری



سلجوقی ها دسته ئی از ترکان غر بوده و در شمال سیحون زندگی داشتند، دقاق نام، یکی از اینها با قبیله خود، در دوره ی سلطنت سامانیان به ماوراءالنهر وارد و دین اسلام را قبول نمود. سلجوق، پسر دقاق چهار فرزند داشت، اسرائیل، میکائیل، موسی و یونس. سلطان محمود غزنوی، اسرائیل را در محبس قید، و سهو نمود که عده ئی از ایشان را در شمال افغانستان مقیم ساخت.

سلطان مسعود غزنوی در جنگ با طغرل، و چغر، پسران میکائیل، مغلوب ولایات شمالی افغانستان مانند بلخ، مرو و نیشابور را از دست داد. به این ترتیب طغرل در سال ۴۲۹ هجری در نیشابور سلطنت خود را اعلان و متعاقبا در کشور فارس، اصفهان را فتح و پایتخت خویش قرار داد. طغرل مرد بزرگی بود، بغداد، موصل، و دیار بکر و نصیبین را فتح، و با عیسویان گرجستان و قفقاز جهاد و دختر خلیفه بغداد را تزویج و در سال ۴۵۵ هجری در ری، وفات نمود. از آن وقت سلجوقیان صاحب کشور فارس و ولایات شمال افغانستان گردیدند.

الپ ارسلان پسر طغرل که مثل پدر مرد کاری و فاتح و شکست دهنده رومانوس، دیوجانس، امپراطور روم شرقی بود (۴۵۵ – ۴۶۵ هجری)، حملات خود را بر افغانستان شمالی تکرار کرده، جلال الدین ملک شاه، پسر آلب ارسلان _ ۴۶۵ - ۴۸۵ هجری) مرد بزرگی از افغانستان چون، خواجه نظام الملک طوسی، وزیر پدرش را به وزارت خویش گماشت. و ترقیات قلمرو خویش را به دست این وزیر بی نظیر سبب شد، ملکشاه پادشاهی آل سلجوق را در آسیای صغیر برقرار، و دامنه امپراطوری خویش را، از سرحدات کاشغر، و آسیای مرکزی تا بحر روم کشید و علم و ادب را پرورش داد.



نظام الملک کتاب سیاست نامه را تالیف، و مدارس و عماراتی در اصفهان، هرات، بصره و بغداد احداث نمود و عمر خیام شاعر و حکیم معروف، تاریخ جلالی را تدوین نمود. برکیارق، پسر ملکشاه، برادر خود سنجر را در سال ۴۹۰ هجری نائب الحکومگی افغانستان مفتوحه خراسان را داد، سنجر در سال ۴۹۸ هجری استقلال افغانستان مفتوحه را اعلان، در ۵۲۴ هجری ماوراءالنهر را به آن الحاق نمود. سنجر یکی از بزرگترین سلاطین سلجوقی و مرد شجاع و فاتحی بود. در افغانستان مرکزی دولت غزنوی از هم پاشیده و دولت غوری تازه به سر رسیده بود.

بهرام شاه غزنوی که در اوائل با سنجر روابط دوستانه داشت، در حدود سال ۵۳۰ با وی از در مخالفت داخل و لهذا سنجر، به غزنین لشکر کشید. بهرامشاه مغلوب و تادیه خراج را پذیرفت. همچنین در جنگی که بین سنجر و علاء الدین حسین پادشاه غوری افغانستان رخ داد، علاء الدین مغلوب و اسیر ولی متعاقبا رها و با قبول اطاعت سنجر به پادشاهی خویش دوام داد. در آخر ممالک شمالی افغانستان آن روز، یعنی خوارزم، آتسنر خوارزم شاه آتش اختلاف را با سنجر روشن نمود، اما او هم در جنگی که با سنجر نمود مغلوب گردید. (۵۳۵ هجری)

۲،۱۴،۱۴ دولت غوری افغانستان

ولایت غور در دوره قبل از اسلام دارای حکومت محلی بوده و خود نواده حکمران (سوری) خوانده می شدند. اخلاف این خانواده بود که در قرن اول هجری با خلافت اسلامی عرب داخل روابط دوستانه شده و دین مبین اسلام را پذیرفتند. از آن بعد این حکومت محلی اسلامی تا قرن چهارم هجری دوام نمود.



مشاهیر افراد این خاندان حکمران در دوره قبل از اسلام، بسطام و شماخ سوری اند که فردوسی طوسی از آنها نام برده است. و در دوره اسلام شنسب، یا بهرام شاه سوری معاصر و معاهد امیرامومنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه، امیر فولاد غوری، امیر بنجی غوری امیر سوری بن محمد، معروفترین حکمرانان این خانواده را در قرن اول و دوم و سوم تشکیل میدهند، که از ایشان در تاریخ نام برده می شود. امیر محمد بن سوری غوری حکمدار دیگری از این سلسله است، که در قرن چهار هجری به دست سلطان محمود غزنوی از بین برده شد. از این پس افراد این خاندان به حیث حاکم و عامل امپراطوری غزنوی در ولایت غور باقی ماندند. از قبیل شیش یا شیث بن محمد، عباس بن شیث، ابوعلی بن محمد، امر محمد بن عباس و ملک قطب الدین حسین بن امیر محمد ملک عزالدین حسین بن قطب الدین و همین شخص اخیر الذکر است که به عنوان سلطان علاءالدین حسین، معروف به جهانسوز بر ضد شهنشاه غزنوی عصیان کرد آن دولت بزرگ را منقرض و برای بار اول دولت غوری افغانستان را اعلام نمود.

به هر حال دولت غوری به زودی با دولت خوارزمشاهی که صفحات شمالی کشور را به دست داشتند برخورد و بعد از جنگهای سختی ولایات شمالی کشور را اشغال و مجدداً الحاق کردند. دولت غوری همین که حدود طبیعی کشور را از جیحون تا سند در شمال و شرق تامین نمود، در ماوراء سند فتوحات را آغاز کرد و بقایای شاهان غزنوی را در پنجاب برانداخت و آنگاه به تاسی از اسلاف غزنوی به فتح اراضی و نشر دین اسلام در حوزه گنگ مشغول شد. غوریان شهر با شکوه غزنی را که زمانی لقب عروس شهرها را داشت به تصرف خود درآوردند. علاءالدین غوری معروف به جهانسوز این شهر زیبا را به آتش کشیده اجساد سلاطین غزنوی مگر محمود و پسرش مسعود را از قبرها بیرون کشید و سوزاند. غوریان که همواره خواب رسیدن به سرزمین زرخیز هندوستان را می دیدند، بعد از ویران ساختن غزنی در اسرع وقت رهسپار هندوستان شدند. یکی از غلامان ترک غوریان بنام قطب الدین تخت و تاج دهلی را تصاحب کرد و پس از وی غلامان ترک به مدت یک قرن این تخت و تاج را در اختیار داشتند.



سلطان مشهور غیاث الدین و پادشاه معروف، شهاب الدین غوری بودند که قسمت بزرگ هندوستان را فتح و دهلی را در عوض لاهور پایتخت حکومت افغانی هند قرار دادند. دولت غوریه در پیشرفتهای نظامی، ادبی و اجتماعی طرح غزنوی ها را تعقیب و تکمیل نموده، کشور هند را برای چند صد سال دیگر، مستعد حکمرانی دولتهایی اسلامی افغانی ساختند، که از سال ۶۰۲ هجری تا سالهای اخیر قرن دهم هجری در هند وسطی، بنگال، مالوه، گجرات، اوریسه، دکن و هند جنوبی چندین سلسله پادشاهان افغان، از قبیل موالی غور (قطبیه، شمسیه، غیاثیه) خلجیه، تغلقشاهی، خضرخانیه، لودهییه سوریه، بنگریه، کرانیه، بهمینیه، فاروقیه و ... چهار قرن تمام حکومت راندند. در طول این مدت تهذیب و تمدن، علم و ادب، فن و صنعت افغانستان اسلامی را در سرتاسر کشور پهنای هند انتشار دادند. به هر حال، دولت غوری افغانستان در انجام کار ضعیف گردید، زیرا در هندوستان سپه سالارهای افغانی مشغول فتوحات بوده، دیگر یادی از وطن افغانستان نمی نمودند.

اسامی سلاطین غوری افغانستان:

سلطان علاءالدین حسین جهانسوز ۵۴۳ - ۵۵۱ هجری

ملک سیف الدین محمد بن علاء الدین ۵۵۱ - ۵۵۸ هجری

سلطان غیاث الدین محمد بن سیف الدین ۵۵۸ - ۵۹۸ هجری

سلطان شهاب الدین ابوالمظفر سام بن سیف الدین ۵۹۸ - ۶۰۲ هجری

امیر محمود بن سلطان غیاث الدین ۶۰۲ - ۶۰۹ هجری

بهاءالدین سام بن محمود ۶۰۷ هجری

اتسز بن علاء الدین سام بن محمود ۶۰۷ - ۶۱۱ هجری



۲،۱۴،۱۵ دولت خوارزمشاهیان

سرسلسله خاندان خوارزمشاهیان، شخصی از اهالی غرجستان (میمنه) افغانستان به نام انوشتگین غرجه، و جز مامورین دربار سلطان ملکشاه سلجوقی بود که بعداً به شحنگی ولایت خوارزم مقرر گردید. در سال ۴۹۱ هجری، سلطان سنجر پادشاه سلجوقی خراسان (افغانستان) محمد پسر انوشتگین را به حکومت خوارزم مقرر نمود. و این شخص سی سال در آنجا حکومت کرد. بعد از مرگ قطب الدین محمد، پسر او اتسز خوارزمشاه، از طرف سلطان سنجر به حکومت خوارزم رسید ولی اتسز خیال بزرگی به سر داشت و در سال ۵۳۵ هجری اعلان استقلال نمود در جنگهایی که بین او و سنجر اتفاق افتاد اتسز مغلوب و بالاخره ترکان غز را بر ضد سلطان سنجر تحریک و به این ترتیب دولت سلجوقی افغانستان را از بین برد.

بعد از این پادشاهان خوارزم مستقلاً فرمانروائی کرده، مثل سلطان محمود غزنوی در صدد تشکیل یک دولت بزرگی برآمدند. علاءالدین تکش یکی از مشهورترین پادشاهان این خاندان است، که بعد از مرگ پدرش ایل ارسلان، بر ضد برادر خود سلطان شاه ترمذ نموده، و بعد از جلوس بر تخت خوارزم، سلطان طغرل سوم سلجوقی را در ری مغلوب و مقتول و قسمت مهمی از ممالک سلجوقیان را به دولت خوارزم الحاق نمود.

سلطان علاءالدین محمد، پسر همین شخص است که دولت قراخانیان ترکستان شرقی و دولت غوری افغانستان و دولتهای کوچک اتابکان فارس، و آذربایجان را یکی بعد از دیگری مغلوب و شهنشاهی عظیم خوارزم را تشکیل نمود. علاء الدین می خواست امپراطوری بنی عباس را در بغداد سقوط داده، و خود یگانه امپراطوری بزرگ اسلام گردد. بنا به همین هدف در سال ۶۱۵ هجری امر حرکت سفر به ری را به اردوی قوی خوارزم داده و بلافاصله به راه فارس به علت مقاومت عراق عرب حرکت کرد.



خوارزمشاه در همدان به سبب برف باری شدید هنوز معطل بود که خبر حرکت مغول را به جانب کشور خویش شنید، لهذا از فتح بغداد چشم پوشیده عودت نمود و بالاخره سیلاب مغول سرتاسر ماوراءالنهر افغانستان، و فارس را استیلاء و شهنشاهی خوارزم را از بیخ و بن بر آورد.

اسماء خوارزم شاهان:

قطب الدین محمد بن انوشنگین غرجه ۴۶۱ - ۵۲۱ هجری

اتسز بن قطب الدین محمد ۵۲۱ - ۵۵۱ هجری

ایل ارسلان بن اتسز ۵۵۱ - ۵۵۸ هجری

سلطان شاه بن ایل ارسلان ۵۵۸ - ۵۸۹ هجری

علاءالدین تکش بن ایل ارسلان ۵۸۹ - ۵۹۶ هجری

سلطان علاءالدین محمد بن تکش ۵۹۶ - ۶۱۷ هجری

سلطان جلال الدین بن علاءالدین محمد ۶۱۷ - ۶۲۲ هجری

هجوم مغول، چنگیز، چغتای (۱۲۱۱ - ۱۳۵۸ میلادی)

قرن هفتم هجری نه تنها در تاریخ افغانستان وممالک اسلامی بلکه در تاریخ بشریت، داستان سیاهی است که فراموشی آن محال است. چنانکه قرنهای پیش مدنیت قدیم روم را دست تپاول بربرهای ژرمن و هونهاى آسیایى نژاد از پا انداخت. بربرهای مغول در زیر



پرچم چنگیز خان همان عمل را در مورد تمدن درخشان اسلام در ممالک شرق نیز انجام داد. طوایف وحشی و خشن طبعا چشم حرص و آز به ملل مجلل و متمدن دوخته اند .

در سال ۵۵۸ هجری (۱۱۶۲ میلادی) تموچن در دره علیای رود آمو به دنیا آمد. که بعدها لقب چنگیز را گرفت یعنی شهنشاه بزرگ، پدر این پسر عیسوغائی نام داشت و از قبیله قیات بورچی کن و سرکرده طایفه خویش در مغولستان بود. چنگیز همین که جای پدر را اشغال نمود، طوایف همجوار و وحشی خود را زیر یک بیرق جمع، و به سمت ملل متمدن سوق نمود. چنگیز در سال ۵۷۱ هجری حاکم قبیله خود شده ، بعد از زد و خورد با مخالفان خویش جزء مامورین طغرل خان ملقب به اوند خان حکمدار طوایف کریت ساقپز قرار گرفت.

طغرل از جبال کنئی تا دیوار چین بر عده بزرگ ترک فرمانروائی داشت معهدا در مخالفت و جنگی که با چنگیز نمود مغلوب و ملک خود را در سال ۶۰۰ هجری به دشمن واگذار کرد. طوایف قنقرات، واپرات نیز در سواحل راست رود ارگون به چنگیز تسلیم شدند. تیانگ، رئیس تاتارها و کچلوک، رئیس نایمن ها با طوایف خوبرات و مرگد و غیره، نیز در مقابل با چنگیز مغلوب گردیدند، و به این صورت چنگیز پادشاهی بزرگی شده، پایتخت او در قراقروم مرکز منگولیا قرار گرفت.

۲،۱۴،۱۶ آل کرت

در دوره سلطنت غوریه افغانستان ، یکی از بنی اعمام خاندان سلطنتی، به نام عمر مرغنی نایب الحکومه ی هرات بود. در عهد مغول یکی از احفاد برادر عمر مرغنی، بنام ملک رکن الدین کرت، حکومت قلعه خیسار هرات را داشت، این شخص در هجوم چنگیز منطقه خود را به واسطه ی قبول اطاعت مغول محفوظ نگهداشته، حکومت او در خیسار و غور برجای ماند. شمس الدین نواسه او



در عوض کمکی که در یکی از جنگها با منسکو قاآن نمود منشور حکومت غرجستان، اسفزار، فراه و سیستان را نیز حاصل کرد. لهذا با ملک سیف الدین حاکم محلی میمنه و ملک نصر الدین امیر محلی سیستان داخل جنگ شده ایشان را از بین برداشت. شمس الدین مرد فاضل، عاقل، مدنیت پرور و در واقع مؤسس سلسله کرت محسوب است.

شمس الدین موازنه سیاست خود را بین حکومت چغتای ماوراءالنهر و این خانان فارس نگه می داشت. ولی بعد از جنگی که در سال ۶۷۷ هجری بین این هر دو رخ داد و براق چغتای در برابر اباقاآن را قبول، و شخصاً به اصفهان سفر کند، و هم در سال ۶۷۸ در آنجا مسموم و در گذشت. رکن الدین محمد، معروف به شمس الدین کهن، پسر شمس الدین اول، در ترقی زراعت و عمارت خدمت بسیار کرد، فخر الدین پسر همین آدم بود، که مرد رشید، شجاع، ادیب، شاعر و ممدوح ربیعی ناظم کتاب (کرت نامه) محسوب و در مقابل مغول فارس جنگهای دلیرانه ای نمود.

۲،۱۴،۱۷ امیر تیمور گورکان و افغانستان

حکومت چغتاییه ماوراءالنهر و افغانستان بعد از یک قرن رو به ضعف و انحطاط گذاشت.

امیر تیمور پسر امیر تراغای، فرمانروای کش ترکستان بود. وی در ۲۵ شعبان ۷۳۶ ه.ق در همان شهر کش به دنیا آمد. طایفه اش از شاخه تاتار ترکستان بود ولی در آن زمان وابستگی به قوم مغول که چنگیزخان نام آورترین آن بود نوعی افتخار به حساب می آمد از این روی «امیر تیمور» تبارش را به «چنگیزخان» و قوم مغول می رساند. تیمور در زبان چغتایی به معنای «آهن» است و از او با القاب «امیر تیمور»، «تیمور لنگ»، «تیمور گورکان» و «صاحبقران» یاد شده است و اروپائیان به او «تامرلان» (Tamerlane) «

م ————— ی گویند ————— د.



به گفته ابن عربشاه تاریخنگار آن زمان تیمور در زمان کودکی زخم برداشت و لنگ شد. بنابر روایات دیگر وی در سال ۷۶۴ ه.ق بنا به استمداد امیر سیستان به کمک او شتافت و در جنگ با مخالفینش زخمی شد ولی پایش بعد از بهبودی این زخم هم برای همیشه لنگی را به یادگار گذاشت.

او در سن رشد با برادر زنش امیر حسین مدتی در افغانستان در خدمت امراء محلی بسر برد. تیمور در این مدت تربیت سیاسی افغانی را با خشونت ترکی جمع، و درصدد شد دولت فرسوده چغتائی را از میان برداشته و شخصا فرما بفرستد. پس در حالیکه وقتی به عنوان حاکم تغاتیمور چغتائی در کشکی، و وقتی به عنوان وزیر سرپور غاتش خدمت نموده بود. حکومت چغتائی را غصب، و شهرهای کش و سمرقند را اشغال و فقط نامی برای یکی از فرمانروایان چغتائی باقی گذاشت. ولی این حال نیز دیری دوام نیاورد و تیمور و امیر حسین رفیق و رقیب قوی خویش را در رزم مقتول و خود اعلان سلطنت نمود.

تیمور پس از تصرف ماوراالنهر و ولایت خوارزم در سال ۷۷۱ هجری به غرض اشغال افغانستان، حرکت و مدت هشت سال در اینجا صرف جنگ گردید. در نتیجه بلاد تازه جان گرفته ی افغانستان، در شمال و غرب ویران و امرای محلی کشور از بین رفتند.

از آن بعد تیمور مملکت فارس را از مازندران تا ری و سلطانیه و از آذربایجان و گیلان، تا گرجستان و داغستان بلا مانع اشغال، و در اصفهان کله مناری از سرهای هفتاد هزار نفر بی گناه ترتیب نمود. آنگاه تیمور به عراق عرب حمله، و باز متوجه روسیه شده مسکو را غارت و در سال ۸۰۱ هجری از راه افغانستان به کشور هند هجوم و تا دهلی پیشرفت و دولت افغانی آنجا متزلزل گردید. تیمور در سال ۸۰۴ به آسیای صغیر حمله و در جنگ نزدیک انقره، دولت ترک عثمانی را مغلوب و یلدرم سلطان دلاور ترک را اسیر نمود، تیمور در این جنگ بروسه پایتخت قدیم عثمانی را فتح و بعد از تاراج شهرهای بسیاری قشون خونخوار او تا کناره های مدیترانه



رسید. وقتی که تیمور به سمرقند پایتخت خود رسید ، در سال ۸۰۷ هجری در صدد تسخیر کشور پهناور چین برآمد ولی عمر وفا نکرد و در همان سال چشمهای کوچک و حریصش را از دنیا بست.

در هر حال دولت تیموریه افغانستان یک قرن دوام نموده و بالاخره به واسطه ظهور دولتهای صفویه فارس، و شیبانی ماوراءالنهر روز به روز دایره سیاسی شان محدود می گردید تا اینکه به کلی از بین رفته و جای خود را در افغانستان شمالی و غربی به حکومتهای مذکوره ، و در افغانستان شرقی به دولت نو احداث بابریه هند گذاشتند، و به این صورت بار دیگر افغانستان تجزیه و به سمت خرابی سوق داده شد.

پادشاهان تیموریه افغانستان:

شاهرخ میرزا سال ۸۵۰ - ۸۰۷ هجری

الغ بیگ سال ۸۵۰ - ۸۵۳ هجری

بابر مرزا سال ۸۵۴ - ۸۶۱ هجری

ابو سعید سال ۸۶۳ - ۸۷۲ هجری

سلطان حسین مرزا ۸۷۲ - ۹۱۱ هجری

بدیع الزمان سال ۹۱۱ - ۹۲۰ هجری



نفوذ شیبانی و استراخانی (۱۵۰۰ - ۱۵۹۸ میلادی)

در اوائل قرن دهم هجری محمد شیبانی نام، از اولاد هلاکو خان، که با گروه خود از سایبر یا در ماوراالنهر آمده بود، خاندان حکومت گورکانیه را برانداخته و حکومت ازبکیه تشکیل نمود. اینها دوازده نفر از سال ۹۰۶ هجری تا سال ۱۰۰۷ به حکومت خودشان در ماوراالنهر دوام داده و هم شاخه ی از اینها حکومت محلی خوارزم را در دست گرفتند. در هر حال حکومت شیبانی به عالوه ولایت خوارزم در ولایت تخارستان افغانی نیز دست انداخته و حتی بر ولایات بلخ و مرو مسلط شدند، یعنی اینها منحصر به این ولایات نبوده بلکه به ولایات هرات و نیشابور نیز کشیده می شد. مرکز عمه ی شیبانی ها سمرقند و بخارا بوده ، به ولایات متصرفه ی افغانی برای جلب مال توجه نداشتند و تخریبات اینها یکقرن دیگر در ولایات تحت سلطه ی ایشان در افغانستان دوام آورد.

در اوائل قرن یازدهم هجری دسته ی دیگر به نام خوانین استراخان که از طرف روسها منقرض و طرد شده به دربار شیبانی پناه آورده بودند جای امراء شیبانی را در ماوراالنهر اشغال و سیزده نفر از سال ۱۰۰۷ هجری تا سال ۱۱۶۷ به حکومت خود ادامه دادند . اینها نیز به طریق اسلاف خود از دست اندازی و تخریب و تاراج در ولایات شمالی افغانستان خودداری نکردند . نفوذ مستقیم ایشان به ولایت تخارستان افغانی کشیده شد و گاهی هم نیز در بلخ مستولی میشدند. و راجع به تصاحب ولایت آخری بین آنها و حکومت صفوی فارس و بابر به هند نزاع و کشمکش جاری بود، اما ولایت هرات را بالاخره صفوی ها از آنها گرفتند، به هر حال حکومت مستقیم و غیر مستقیم شیبانی و استراخانی در ولایات شمالی افغانستان سبب تخریب و تاراج ، تنزل و انحطاط علمی و اجتماعی گردیده ، ترقی دوره دولت تیموریه افغانستان را مثل خواب خوشی از خاطره ها محو نمود.



در اوایل قرن ده هجری دولت صفویه فارس تشکیل و از سال ۹۰۷ هجری تا ۱۱۳۵ طول کشید. این دولت مثل دولت ازبکیه ماورالنهر، بر افغانستان چشم حرص و آرزو داشته و بناء تجاوز را بر ولایات نیشابور، هرات، مرو، بلخ، سیستان و قندهار گذاشت. از زمان شاه اسماعیل صفوی که در سال ۹۰۷ هجری رسماً در تبریز تاجگذاری کرد تا سال ۹۸۹ هجری پایان سلطنت شاه طهماسب، دولت صفوی توفیق زیادی در شکست ازبکهای ساکن در افغانستان حاصل نکرد. ولی با به سلطنت رسیدن شاه عباس یکم در سال ۹۸۹ هجری، وی توانست با استفاده از تجربه اروپائیان در زمینه تولید سلاحهای آتشین و به کارگیری غلامان گرجی حکومت مقتدری تشکیل دهد.

وی در ابتدا با دادن امتیازاتی به عثمانیها که دشمن دولت صفوی در غرب بودند، با آنها صلح کرد. پس از آن به سمت خراسان قدیم (افغانستان) لشکر کشید و نیروهای ازبک را از آنجا بیرون راند.

جنگهایی که بین صفویها و ازبکها در ولایات شمالی افغانستان از بلخ تا هرات واقع شد همه به ضرر و خرابی این ولایات عمده ی کشور تمام گردید. به هر حال صفویها ولایات هرات، نیشابور، سیستان، مرو و قندهار را از دست ازبکها و امراء محلی افغانی و دولت بابریه هندوستان گرفته مدتی تحت اشغال خویش قرار دادند.

شاه صفی جانشین شاه عباس یکم، فرمانروایی تند خو و خونریز بود و بیشتر دوران فرمانروایی او سراسر بی رحمی و ستم بر مردم گذشت. در این عهد به دلیل فقدان فرماندهان شایسته نظامی، قندهار به تصرف دولت هند و بغداد به تصرف عثمانیها درآمد. شاه صفی سرانجام به دلیل زیاده روی در نوشیدن شراب و مصرف تریاک در گذشت.



در اوایل قرن ده هجری که مملکت افغانستان بین کشمکش حکومت‌های شیبانی و صفوی گرفتار بود بنام بهلول لودی در سال ۸۵۵ هجری قمری (۱۴۵۱ میلادی) تاج و تخت دهلی را نیز تصاحب کرد و سلسله لودی را که هفتاد و پنج سال دوام کرد تأسیس نمود. ظهیرالدین محمد بابر بزرگترین فرزند عمر شیخ شاهزاده تیموری بود که بر فرغانه حکم می‌راند. ولی پیش از آن که بر جای پدر خود نشست، ترکان ازبک تمامی ملک و موطن وی را تصرف کردند، وی در سال ۹۱۰ هجری قمری (۱۵۰۴ میلادی)، شکست خورده و پریشان، به همراه چند صد نفر از وفادارانش سفری را به امید فتوحات احتمالی آغاز کرد که آخر مؤسس امپراتوری مغولان هند شد. ظهیرالدین مانند جدش تیمور لنگ ترک بود و به ترک بودنش مباهات میکرد و همچنان مدعی بود که نوه چنگیزخان است. او شهر کابل را برای آب و هوای مطبوع و اهمیت بازرگانی و سوق جیشی آن به عنوان مرکز خویش برگزید. بعد از فتح هند دیگر هیچگاه به کابل برگشت، اما بنا به وصیت خود، جسدش را بعد از مرگ به این شهر آورده و در باغی که خودش بنام باغ بابر (این باغ تا هنوز به همین نام موجود است) دایر کرده بود منتقل و دفن نمودند. پس از مرگ بابر ستاره اقبال امپراتوری تازه تأسیس یافته مغول برای مدت بیست سال در حضيض بود. یکی از بسته گان لودیه‌ها شخصی بنام فرید شیر شاه سوری تخت و تاج هند را از همایون فرزند و جانشین بابر تصاحب نمود، و سلسله‌ای را بنام سوری‌ها را بنیان گذاشت. همایون مدت پانزده سال در تبعید بسر برد و عاقبت به کمک ایران قندهار و کابل را دو باره بدست آورد. در سال ۹۶۲ هجری قمری (۱۵۵۵ میلادی، دهلی را نیز دوباره به کف آورد. اکبر شاه پسر همایون بعد از پدرش به تخت نشست و امپراتوری مغولان هند را دوباره تثبیت ساخت. اکبرشاه بسال ۱۰۱۴ هجری قمری (۱۶۰۵ میلادی، چشم از جهان فرو بست، و پسرش جهانگیر بر جایش نشست. در این دوره است که باز رهبران محلی اینجا و آنجا سر بلند کرده از هر طرف صدای استقلال خواهی بگوش می‌رسد. در دوره حکومت شاه جهان، شاعر جنگجوی مشهور پشتون بنام خوشحال خان خٔک از کوه‌های سلیمان سر برآورد.



۲،۱۴،۲۰ دولت هوتکی افغانستان و سلطنت بر ایران

بعد از انقراض دولت تیموریه افغانستان، و تجزیه کشور به دست دولتهای ازبکی ماوراءالنهر و صفوی فارس، و بابریه هند، در اوائل قرن دهم هجری سران کشور آرام ننشسته و مشغول عملیات و طرد اجانب گردیدند، و این کار مشکلی بود که به زودی غلبه بر سه قوای بزرگ میسر نمی شد. فعالیتهای سیاسی و نظامی پیر روشن و اخلاقش با حرکات خان ختک و جنگهای یوسف زائی ها در مشرق افغانستان، همه سالها و ماههای زیادی را در بر گرفت و بالاخره در برابر دولت هند ناکام ثابت شد. این است که عملیات سرداران افغانی در قندهار و هرات بر علیه دولت فارس آغاز و ناکامی جبهه شرق را تلافی نمود.

در اوائل قرن یازدهم هجری ۲۵ هزار سرباز فارس با حاکم آنها گرگین ارمنی در شهر قندهار موجود بود که در کمین فرصت بودند، همیشه از در مخالفت با قوای ایران پیش می شدند گرگین برای خاموش کردن اقدامات مردم میرویس خان بن شاه عالم هوتکی پیشرو طوائف غلجائی را از شهر قندهار به دربار اصفهان تبعید نمود میرویس بعد از دقت در ترتیب اداره اصفهان و شخصیت اولیاء امور از آنجا به مکه مکرمه سفر و در بازگشت به اصفهان شاه حسین صفوی را به مراجعت خود به قندهار راضی ساخت و همینکه در سال ۱۱۲۰ وارد قندهار شد سائر سواران ملی را دور خود جمع و در یک شب گرگین را با همراهان او کشته و استقلال خویش را در قندهار اعلام نمود.

دولت فارس صفوی اردوی بیست هزار نفری را با فرماندهی شخصی بنام خسرو به قندهار سوق داد اما میرویس او را با اردویش در سال ۱۱۲۳ نابود و متعاقبا قوای امدادی فارس را که به سرداری رستم نامی به قندهار سوق داده شده بود از بین برد. از این بعد میرویس فرمانروای مستقل ولایت قندهار بوده و فقط بنام رئیس ملی منطقه ی خود را اداره می کرد، ولی میرویس بعد از ۸ سال حکومت که هنوز به وحدت اداری مملکت موفق نشده بود فوت، و برادرش میر عبدالله جانشین او گردید. میر عبدالله خواست با



دولت صفوی از راه مفاهمه و مصالحه داخل شود ولی همین که مردم از نقشه او دانستند، چون بی اندازه بر ضد دولت فارس بودند،

نپذیرفتند و میر محمود پسر میرویس را به پادشاهی قبول و میر عبدالله را به دست او از بین برداشتند

پادشاهان هوتکی افغانستان

میرویس خان سال ۱۱۲۱- ۱۱۳۰ هجری

میر عبدالله سال ۱۱۳۰- ۱۱۳۱ هجری

شاه محمود سال ۱۱۳۱- ۱۱۳۷ هجری

شاه اشرف سال ۱۱۳۷- ۱۱۴۲ هجری

شاه حسین سال ۱۱۴۲- ۱۱۵۱ هجری

۲،۱۴،۲۱ حکومت ابدالیه هرات



در قرن نهم هجری، در وقت دولت تیموریه افغانستان در بعضی مناطق کشور حکومت‌های کوچک محلی موجود بود که در اوان ضعف و فتور آن دولت، هر یک خود را به حکومت خود مختاری تبدیل می کردند از قبیل: امرای ارغونیه قندهار، امرای توخی و هوتکی قلات غلجائی، امراء ابدالیه ارغستان

امراء ارغونیه قندهار قز وقت نائب الحکومگی امیر ارغون، پسر ذوالنون اتالیق، شاهزاده بدیع الزمان بن سلطان حسین بایقرا در سال ۸۸۴ هجری اساس حکومت محلی قندهار را گذاشته و تا سال ۹۱۳ هجری دوام نمودند. امراء این سلسله از قبیل : امیر ارغون، میرزا مقیم، شجاع خان، مرزا حسین، میرزا عیسی، مرزا باقی، مرزا جانی و محمود نه تنها در ولایت قندهار بلکه بعضا در ولایت سند نیز حکومت کرده و اخیرا در ولایت قندهار به دست بابر شاه معروف، در سال ۹۱۳ هجری در ولایت سند به دست اکبر جلال الدین پادشاه هند در سال ۹۸۴ هجری منقرض گردیدند.

امراء توخی نیز در همان قرن نهم در منطقه ی قلات غلجائی حکومت محلی خود را محکم نموده تا قرن یازده هجری. امراء این سلسله مانند: بلخی خان، ابدال خان از عشیره توح ملکیار، حسین خان از عشیره هوتک و ... دائما در مقابل بسط نفوذ دولت بابریه هند از جانب غزنه و زابلستان و برابر دولت صفویه فارس، از جانب قندهار مقاومت و حفظ وجود می نمودند. بالاخره میرویس خان بن شاه عالم خان هوتک از منسوبین همین سلسله بود که قندهار را نجات داده و استیلای صفویه ها را خاتمه بخشید.

امراء ابدالیه هرات:

عبدالله خان بن حیات سلطان سال ۱۱۲۹ هجری

زمان خان بن دولت خان سال ۱۱۳۲ هجری

محمد خان بن عبدالله خان ۱۱۳۵ هجری



ذوالفقار خان بن زمان خان ۱۱۳۶ هجری

اله یار خان بن عبدالله خان ۱۱۳۸ هجری

ذوالفقار (مکرر) سال ۱۱۴۲ هجری

اله یار (مکرر) سال ۱۱۴۴ هجری

۲،۱۴،۲۲ نادر شاه افشار خراسانی

نادر قلی پسر امام قلی مردی از قبیله ی افشار و اهل خراسان افغانستان بوده در ابیورد تولد و به دامداری و پوستین دوزی گذران می کرد. ترک تازان از یک او را در جوانی به اسیری بردند. و او در عودت به وطن در ملازمت حاکم محلی ابیورد گردیده، پس از فوت حاکم از طرف ملک محمود سیستانی حکم دار خود مختار ولایت طوس به حکومت ابیورد مقرر شد، نادر در جنگی که به حیث افسر نظامی ملک محمود، دشمنان مهاجم ازبکی او را منهزم نمود، شهرت زیادی حاصل و بعد از کمی طرف عداوت ملک محمود قرار گرفت. لهذا نادر فرار و با یک عده از رفقای خود، به راهزنی مشغول ، و بعدها به قلعه قلات حمله و آنرا تسخیر نمود.

نادر پس از این مردی دارای نیروی کافی شده به شهر نیشابور حمله و آنرا اشغال کرد، و خود را به حیث یکنفر هوا خواه شاه طهماسب صفوی معرفی نمود. نادر به این پیشرفته اکتفا نمی کرد زیرا مردی بزرگ و پر مدعا بود. پس به فرض استیلاء بر ملک محمود و تمام ولایت طوس بر شهر مشهد هجوم و آنچه می خواست حاصل نمود طهماسب صفوی البته او را منصب سپه سالاری



داد و نادر بعد از طی جنگهای مکرر ، شاه اشرف افغان و رجعت او به افغانستان ، قوای ترک را در همدان شکست ، عراق و آذربایجان را مسترد، و طهماسب را خلع و بنام پسرش عباس زمام دولت فارس را رسماً به دست گرفت.

نادر در جنگهای مکرر ترکها را شکست داده و تمام اراضی از دست رفته ی فارس را مسترد و هم به واسطه ی مذاکره و معاهده سواحل خزر و باکو، و دربند را از دولت روسیه پس گرفت. نادر در سال ۱۱۴۸ هجری تاجگذاری کرد. نادرشاه قبلاً در سال ۱۱۴۴ هجری شهر و ولایت هرات را در طی یک رشته جنگها و شکستهای سختی ، از سلسله حکمدار محلی ابدالیه گرفته بود. در سال ۱۱۵۰ ، ولایت بلخ را نیز به واقعه سوقیات پسر دلاور خود رضا قلی از دست تسلط از جنگهای ماوراءالنهر کشیده، و خود بعد از یکسال رزم شهر قندهار را از تصرف شاه حسین هوتکی خارج و بدبختانه تخریب کرد. در سال ۱۱۵۱ هجری (۱۷۳۷ میلادی) از راه کابل به مملکت هندوستان وارد شده تا دهلی رسید. و محمد شاه هندی به وی تسلیم و خزائن بی شمار خود منجمله تخت طاووس، الماس کوه نور را به وی تحویل داد. نادرشاه افشار بعد از فتح هند به افغانستان مراجعت نموده به غرض تسخیر ماوراءالنهر جیحون را عبور کرد. امیر ازبک چاره ای جز تسلیم نداشت، نادرشاه دختر او را برای پسر خود گرفته به استقامت ولایت خوارزم حرکت نمود، حکمدار تورانی خوارزم کشته شده، و آن ولایت مجدداً به قلمرو نادرشاه الحاق شد. به این ترتیب نادرشاه افشار خراسانی در طی چند سال، دولت بزرگی مرکب از افغانستان، ماوراءالنهر، فارس و هندوستان تشکیل و پایتخت خود را در شهر مشهد قرار داد.

۲،۱۴،۲۳ دولت مستقل ابدالی افغانستان

بعد از مرگ نادرشاه سران و سپاه افغانی از ولایت طوس به ولایت قندهار کشیده و در قلعه ی نادر آباد به تشکیل جرگه و انتخاب پادشاه آغاز کردند. در نتیجه احمد خان ابدالی پسر زمان خان حکمدار سابق ولایت هرات، که در اردوی افغانی به معیت نادرشاه



منصبدار معتبری بود در شوال ۱۱۶۰ هجری به پادشاهی افغانستان انتخاب گردید. احمد شاه که بعد از طرف ملت به سبب خدمات گران بهایش (احمد شاه بابای افغان) خوانده شد در سال ۱۱۳۵ هجری در شهر هرات متولد شده و اکنون ۲۵ سال عمر داشت و تا سال ۱۱۸۶ هجری به پادشاهی خود دوام داد.

احمد شاه مرد سیاسی و نظامی لایقی بود، در مدت ۲۵ سال سلطنت خود خدمات مهمی برای افغانستان نمود. او بعد از تشکیل دولت و اردو، اولاً تمام ولایات طبیعی افغانستان را از قبیل: قطن، بدخشان، کرمان، بلوچستان، سند، کشمیر، چنرامل، کابل، غور، پیشاور، پنجاب را تابع یک مرکز اداری ساخته و بعدها برای حفظ ولایات شمال یکبار رود جیجون را و برای حفظ حوزه سند چند بار رود ستلج را عبور، و در تمام محاربات فاتح هم بود. احمدشاه (احمدخان سدوزایی) ملقب به احمدشاه بابا ۱۲ مرتبه بر هند لشکر کشید در سال ۱۱۷۰ هجری قمری (۱۷۵۶ میلادی) دهلی را تصرف کرد و خزانه‌ای خود را با ثروت سرشار که از آنجا غنیمت گرفته بود انباشت. جنگ پانی پیت، با قوای نیم میلیونی سرته‌ها در سال ۱۱۷۴ هجری از مشهورترین جنگهای خارجی احمد شاه است، که او را به صفت قهرمان جنگ در تاریخ افغانستان و هند ثبت نمود. و همچنین احمد شاه در داخل کشور تشکیلات ملکیه و تاسیس وزارتخانه و دوایر ملکی و نظامی افغانستان را به اساس روشنتری بنا گذاشته و برای اولین بار، یک جرگه از بزرگان ملی برای مشوره امور بطور دائم تشکیل نمود.

پادشاهان ابدالی افغانستان:

احمد شاه بابا سال ۱۱۶۰ - ۱۱۸۶ هجری

تیمور شاه سال ۱۱۸۶ - ۱۲۰۷ هجری

زمان شاه سال ۱۲۰۷ - ۱۲۱۶ هجری



شاه محمود سال ۱۲۱۶ - ۱۲۱۹ هجری

شاه شجاع سال ۱۲۱۹ - ۱۲۲۳ هجری

شاه محمود (مکرر) ۱۲۲۳ - ۱۲۳۳ هجری

دوره انقلاب سال ۱۲۳۳ - ۱۲۵۵ هجری

شاه شجاع (مکرر) سال ۱۲۵۵ - ۱۲۵۸ هجری

گنجینه
آشناسات معدنی
و

۲،۱۴،۲۴ دولت محمد زائی افغانستان و

بعد از کور شدن زمانشاه ابدالی خاندان سلطنتی ابدالی را فتور فرا گرفت و شاه محمود از تنظیم و اداره ی مملکت عاجز آمد سران بارکزائی که وزارت دولت و حکومت ایالت را در دست داشتند درصدد بدست آوردن سلطنت افغانستان گردیدند . مخصوصا در وقتی که شاهزاده کامران پسر شاه محمود، وزیر فتح خان بارکزائی را اول کور و باز به قتل رسانید . برادران متعدده وزیر توانستند شاه محمود را در سال ۱۲۳۳ به جانب ولایت هرات فراری ساخته و برادر او شاه شجاع را به جانب شکار پور سند عقب زدند شاهزاده ایوب ابدالی پسر تیمور شاه نیز که دعوای جانشینی پدر را می کرد، مجبور شد دست از حکمرانی بکشد، تنها شاه محمود به ولایت هرات به پادشاهی کوچکی قناعت نمود، که بعد از او پسرش کامران و وزیرش یار محمد خان الکوزائی سعید محمد خان پسر وزیر مذکور شاهزاده یوسف ابدالی به این حکومت کوچک چهل و چند سال دیگر دوام دادند، در طی این مدت بود که



جنگهای مشهور دولت فارسی با این حکومت کوچک به وقوع پیوسته و بالاخره فارسی ها مغلوب و ناکام گردیدند. در سال ۱۲۷۳ هجری سردار سلطان احمد خان بارکزائی به حکومت هرات مسلط و در سال ۱۲۷۹ پسرش شهنواز خان جای او را گرفت ولی به زودی در همان سال امیر دوست محمد خان پادشاه اولین بارکزائی افغانستان، ولایت هرات را جزء افغانستان قرار داده و بنام دولت سلسله ی محمد زایی را استوار ساخت، به هر حال بعد از اغتشاش داخلی افغانستان و فتور امور خانواده ی سلطنتی ابدالی، رشته امور مملکت در کف برادران متعدده وزیر فتح خان مقتول، افتاد.

۲،۱۴،۲۵ جنگ اول افغان و انگلیس

در سال ۱۲۵۴ هجری قمری (۱۸۳۸ میلادی) جنگ بین افغانستان و انگلیس در بخش جنوبی دره‌ای هلمند روی داد. دوست محمدخان که در کابل خود را در چنبر توطئه‌ها و دسائیس گرفتار دید، ناگزیر به تبعید در هند تن در داد. نیروهای انگلیسی در کابل مستقر شدند و شاه شجاع نیز بر حکومت کابل دست یافت، هم شاه شجاع و هم انگلیسها دریافته بودند که مردم او را نه به عنوان شاه بلکه حتی به عنوان رئیس یک قبیله هم نمی پذیرند. نیروهای انگلیسی از شاه شجاع حمایت کردند و بزودی خود را در حلقه‌ای محاصره‌ای افغانهای وطن پرست یافتند، جنگجویان افغان از هرسو بر انگلیسها حمله نمودند، و محاصره را روز تا روز تنگتر ساختند. در ژانویه ۱۲۵۷ هجری قمری (۱۸۵۷ میلادی) انگلیسها اعلان نمودند که حاضر اند کابل را تخلیه کنند. رهبران کابل (طرفدار انگلیس) اعلان نمودند که آنها بدون آسیب خود را به هند خواهند رساند، واین تضمین رهبران کابل خشم افغانها را بیشتر برانگیخت، زیرا که آنها این رهبران را به رسمیت نمی شناختند. ستون نیروهای انگلیسی مرکب از ۴۰۵۰۰ مرد جنگی، عده‌ای زن و کودک، ۱۲۰۵۰۰ خدمه و سایر همراهان لشکر در میان برف سنگین و سرمای شدید زمستان، کابل را ترک کردند، اما ناگهان مورد



هجوم قبايل خشکين کوه نشين قرار گرفتند.

حمله کننده گان کسانی بودند که برای بدست آوردن غنیمت بر ایشان حمله نموده تمام غفت و احساس بشردوستی را زیر پا گذاشته همه را قتل عام نمودند. در فاصله ای کمتر از یک سال بعد گروهی از نیروهای انگلیسی برای گرفتن انتقام رهسپار افغانستان شدند. اینان قلعه و بازار بزرگ شهر را به آتش کشیدند، و هرگونه مخالفت را سرکوب نمودند. تلاشهای مذبوحانه انگلیس برای ایجاد یک حکومت تحت الحمایه در کابل علی رغم هزینه ای بسیار سنگین مالی و انسانی، تقریباً هیچ ثمری نداشت جز دشمنی و عداوت پایه دار افغانها با ایشان. شاه شجاع که مورد حمایت انگلیس بود در این گیر و دارها کشته شد. دوست محمدخان امیر تبعیدی از هند به افغانستان باز گشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. دوست محمد پیش از فرا رسیدن مرگش به سال ۱۲۷۹ هجری قمری (۱۸۶۳ میلادی) توانست افغانستان را تقریباً در همان محدوده ای که امروز است، متحد و یکپارچه سازد.

۲،۱۴،۲۶ جنگ اول جهانی و بی طرفی افغانستان

امیر عبدالرحمان خان به سال ۱۳۱۹ هجری قمری (۱۹۰۱ میلادی) چشم از جهان پوشید، حبیب الله خان پسر بزرگش بر طبق وصیت پدر بر جای وی نشست. حبیب الله خان سیاست انزواگرایی پدر را دنبال کرد، وی همواره با هرگونه تلاش قدرتهای خارجی برای کسب امتیازاتی در افغانستان مخالف بود. حبیب الله خان طب غربی را در کشور رایج ساخت و خرید و فروش برده را نیز لغو نمود، و یک باب مدرسه ای عالی را بنابر الگوهای غربی بنام حبیبیه تأسیس نمود. در صحنه ای بین المللی، روسیه و انگلیس طی قرارداد ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) سن پترزبورگ خود یکبار دیگر بر موافقتشان با اینکه افغانستان همچنان بایستی به مثابه ای سپری در میانه ای این دو قدرت باقی بماند، تاکید کردند. در فاصله کمی بعد از انعقاد این قرارداد جنگ جهانی اول شعله ور شد. افغانستان از هردو سو بشدت تحت فشار قرار گرفت. آلمانها در پی آن بودند



که حمایت و یاری افغانستان را نسبت به خودشان در مقابل انگلیس‌ها جلب کنند، سلطان حمید عثمانی (که خود را خلیفه مسلمین میخواند) علیه کفار و مشرکان حکم جهاد داده بود، و آشوب طلبان هندی می‌کوشیدند هر طور شده پای افغانستان را به جنگ بکشند. علی‌رغم همه اینها امیرحبیب‌الله کاملاً به قول و قراری که برای حفظ بیطرفی با انگلیس گذاشته بود وفا کرد، و با این کار با مخالفت‌های شدیدی در بین مردم خود مواجه شد. وی در مقابل حفظ بی‌طرفی افغانستان تقاضا کرده بود که با پایان گرفتن جنگ به این کشور استقلال کامل داده شود. اما پیش از آنکه با هر نوع مخالفت صریحی از انگلیس برای تضمین این خواسته بگیرد، در سال ۱۲۹۸ ه.ش (۱۹۱۹ میلادی) به شکل مرموزی به قتل رسید.

۲،۱۴،۲۷ جنگ استقلال

پس از مرگ امیرحبیب‌الله خان پسر سومش، امان‌الله خان تخت و تاج پدر را تصاحب کرد. و به عنوان شاه افغانستان پذیرفته شد. در این روزها احساسات ضد انگلیسی در بین مردم به اوج شدت خویش رسیده بود، زیرا عموماً معتقد بودند که انگلیس می‌بایست در قبال بیطرفی افغانستان در جنگ اول جهانی، استقلال کامل این کشور را بدان باز می‌گرداند. شاه کمان‌الله از احساسات ضد انگلیسی مردم استفاده نموده، در سال ۱۲۹۸ ه.ش (۱۹۱۹ میلادی) سومین جنگ علیه انگلیس را آغاز کرد. سفربری نیروهای این کشور به طرف هند آغاز شد، نیروهای هوایی انگلیس برای مدت ده روز پشت هم شهر جلال‌آباد و نواحی خیبر را بمباران کردند، بعد از ده روز جنگ افغانستان تقاضای آتش بس و پیشنهاد صلح نمود. انگلیسها هم که از جنگ اول جهانی خسته و فرسوده شده بودند، با اندکی تعلل این تقاضا را پذیرفتند. از سوی دیگر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه نیز تأثیرات خود را داشت، و دیگر برای انگلیس تهدیدی محسوب نمی‌شد، سیاست بلشویکها عدم مداخله در امور دیگران بود. افغانستان در نخستین روزهای جنگ سوم



افغان و انگلیس اعلان استقلال نمود. انگلیس به سال ۱۳۰۰ ه.ش (۱۹۲۱ میلادی) طی قراردادی در راولپندی افغانستان را به رسمیت شناخت. شاه امان الله سیاست گوشه گیرانه پدر بزرگ و پدرش را کنار گذاشته دست به یک سلسله اصلاحات اساسی زد. این اصلاحات شاه مورد قبول قشر مذهبی واقع نشد، ملاها و روحانیون محافظه کار دست به تحریکات علیه شاه اصلاح طلب زدند.

پادشاهان محمد زائی افغانستان:

امیر دوست محمد خان سال جلوس ۱۲۵۹ هجری

امیر شیر علی خان سال جلوس ۱۲۷۹ هجری

امیر محمد افضل خان سال جلوس ۱۲۸۳ هجری

امیر محمد اعظم خان سال جلوس ۱۲۸۴ هجری

امیر شیر علی خان (مکرر) سال ۱۲۸۵ هجری

امیر محمد یعقوب خان سال جلوس ۱۲۹۶ هجری

امیر عبدالرحمن خان سال جلوس ۱۲۹۷ هجری

امیر حبیب الله خان سال جلوس ۱۳۱۹ هجری

امیر امان الله خان سال جلوس ۱۳۳۷ هجری

امیر محمد نادر شاه غازی سال جلوس ۱۳۴۸ هجری

امیر محمد ظاهر شاه سال جلوس ۱۳۵۲ هجری



۲،۱۴،۲۸ حکومت های معاصر افغانستان

حکومت محمد ظاهر شاه پس از یازده سال از تاریخ ۱۳۴۳ بوسیله کودتای که توسط پسر عمش داوود خان انجام شد سلطنت او ساقط شد.

۲،۱۴،۲۹ جمهوریت در افغانستان

روز ۲۶ سرطان (تیر) ۱۳۵۲ خورشیدی، روز سقوط حکومت شاهی در افغانستان و آغاز حکومت جمهوری به ریاست سردار محمد داوود خان است.

۲،۱۴،۳۰ استعفای ظاهر شاه

در زمان کودتا، ظاهر شاه در شهر ناپل ایتالیا بود. او پس از شنیدن خبر کودتا به رم رفت و چند روز بعد نوراحمد اعتمادی سفیر افغانستان در ایتالیا که همواره نقش میانجی را بین او و داوود خان بازی می کرد، به شاه پیشنهاد می کند که از سلطنت استعفا داده و کودتای داوود را بپذیرد و جمهوریت وی را به رسمیت بشناسد تا در عوض، داوود خان نیز خانواده اش را به رم بفرستد .
نخستین رئیس جمهور

روز ۲۷ سرطان، محمد داوود به وزارت دفاع رفت و اولین جلسه کمیته مرکزی جمهوری، با حضور او برگزار شد و در روز ۲۸ سرطان، این کمیته محمد داوود را به عنوان رئیس جمهور و صدراعظم و حسن شرق را به معاونت صدراعظم برگزید .



چند روز بعد، کمیته مرکزی دولت جمهوری، نام اعضای کابینه را اعلام کرد که در میان آنها چند نفر از اعضای حزب دموکراتیک خلق (جناح پرچم) که در پیروزی کودتا نقش اساسی ایفا کرده بودند، نیز حضور داشتند .

سردار محمد داوود پسر کاکای ظاهر شاه که همواره در قدرت با شاه شریک بود، هیچگاه در زندگی به مقام دوم راضی نمی شد، اینک خود به بالاترین مقام در افغانستان رسیده بود .

جمهوری داوود خان، پنج سال بعد در ماه ثور (اردیبهشت سال ۱۳۵۷ خورشیدی)، با کودتای دیگری توسط افسران چپگرای ارتش به پایان رسید. آن کودتا، که برخلاف کودتای داوود خان، سفید و بدون خونریزی نبود، با گشته شدن خود و اعضای خانواده اش، و شمار زیادی از طرفدارانش به پیروزی رسید.

۲،۱۴،۳۰،۱،۱،۱ کودتای هفت ثور

با آنکه که نخستین تحرکات نظامی به منظور سرنگون کردن جمهوری داوود خان، در صبحگاه هفتم ثور، برای وزارت دفاع دولت داوود خان تا حدی غافلگیرکننده بود، اما امکان چنین تحولی و بوی دود و باروت، از حداقل ده روز پیشتر از هفتم ثور، به مشام می رسید .

بیست و هشتم حمل ۱۳۵۷ میراکبر خیبر، یکی از رهبران حزب دموکراتیک خلق، در نزدیکی مطبوعه دولتی در مکروریان دوم شهر کابل، به ضرب گلوله به قتل رسید.

بیست و نهم حمل ۱۳۵۷ حفیظ الله امین که مسئول سازمان نظامی جناح خلق بود، یک روز پس از کشته شدن میراکبر خیبر، دست به کار شد و وضعیت را در داخل سازمان نظامی به حالت آماده باش درآورد .



حفیظ‌الله امین، به گفته محمدعزیز اکبری، که با او رابطه نزدیک داشت، در همین روز، وظایفی را به مسئولین نظامی سپرد و گفت که احتمال دارد رژیم داوود خان در پی حمله به حزب دموکراتیک خلق باشد .

سی حمل ۱۳۵۷ مراسم به خاک سپاری جنازه میراکبر خیبر که از سوی حزب دموکراتیک خلق برنامه‌ریزی شده بود، به یک نمایش بزرگ قدرت تبدیل شد.

برخی رهبران حزب، از جمله نورمحمد تره‌کی و ببرک کارمل، بر سر گور میراکبر خیبر سخنرانی کردند و با تاکید بر اینکه انتقام هر قطره از خون خیبر را خواهند گرفت، عملاً علیه داوود خان اعلام جنگ کردند .

پنجم ثور ۱۳۵۷ سخنرانی رهبران حزب دموکراتیک خلق در مراسم به خاک سپاری میراکبر خیبر و آنچه که قدرت‌نمایی بزرگ حزبی تلقی شد، داوود خان را خشمگین کرد . بدنبال این سخنرانی‌ها، برخوردهای تند داوود خان با سران حزب دموکراتیک خلق آغاز شد و شامگاه پنجم ثور، رادیوی دولتی افغانستان، خبر بازداشت شماری از رهبران حزب به شمول نورمحمد تره‌کی و ببرک کارمل را پخش کرد.

برخی دیگر از رهبران جناح خلق نیز در خانه‌هایشان توقیف شدند و عده‌ای دیگر در جاهای مختلفی خود را پنهان کردند. حفیظ‌الله امین، رهبر سازمان نظامی جناح خلق، از جمله کسانی بود که در منزلش تحت مراقبت قرار گرفت، اما این مراقبت، او را از طراحی و صدور دستور کودتا باز نماند .

ششم ثور ۱۳۵۷ عبدالرحمان، پسر حفیظ‌الله امین، بامداد ششم ثور، دستور آغاز کودتا را از پدرش به سیدمحمد گلاب زوی، عضو کمیته مرکزی رساند. آنگونه که از سیدمحمد گلاب زوی، در کتاب افغانستان در قرن بیستم نقل شده، او توانست پیام حفیظ‌الله امین را تا ساعت یک همان شب، به همه قطعات و واحدهای هوایی و زمینی برساند .



محمداسلم وطنجار و عبدالقادر، رهبری نیروهای هوایی و زمینی را برای آغاز کودتا بر عهده گرفتند و همه تدابیر برای در هم کوبیدن وزارت دفاع، فرودگاه کابل و کاخ ریاست جمهوری اتخاذ شد و نیروها در انتظار سپیده دم و آغاز کودتا ماندند .

هفتم ثور ۱۳۵۷ سرانجام روز سرنوشت ساز فرا رسید و صبح روز هفتم ثور، نخستین تحرکات نظامی علیه دولت داوود خان آغاز شد .صبحگاه، کاروان تانکهای قوای چهار زرهدار، از بیست کیلومتری شرق شهر کابل به سوی مرکز شهر حرکت کردند. بنا بر بعضی روایتها، فرمانده گارد ریاست جمهوری، نخستین کسی بود که به داوود خان از "تحرکات مظنون" خبر داد . قوای پانزده زرهدار، از سوی وزارت دفاع دستور گرفت که مانع از پیشروی تانکها به سوی مرکز شهر شوند، اما فرمانده این قوا در جواب گفت که نیروهایش از صبح زود در محاصره قوای چهار زرهدار قرار گرفته‌اند . سایر تلاشهای وزارت دفاع نیز برای سد کردن راه تانکهای قوای چهار زرهدار به جایی نرسید و آنگونه که رزاق مامون، روزنامه‌نگار افغان می‌گوید، درست سر ساعت دوازده ظهر، نخستین گلوله تانک، ساختمان وزارت دفاع را هدف قرار داد و این حمله، رابطه میان رئیس جمهور، وزارت دفاع و فرماندهان ارتش را قطع کرد . اما حملات هوایی که به رهبری عبدالقادر، از فرودگاه بگرام به هدف کاخ ریاست جمهوری صورت گرفت، ضربه‌های سنگینی بود که سرانجام، مقاومت داوود خان را که خود اسلحه بدست گرفته و علیه کودتاگران می‌جنگید، در هم شکست . به این ترتیب، کودتای هفتم ثور به شکل غافلگیرکننده‌ای به پیروزی رسید و شامگاه همین روز، حفیظ‌الله امین، سقوط خاندان سلطنتی و به قدرت رسیدن شورای نظامی را از طریق رادیوی دولتی افغانستان اعلام کرد .

حزب دموکراتیک خلق که توسط کودتا در سال ۱۳۵۷ بر روی کار آمد ، چهار تا به اصطلاح رئیس جمهور (تره کی ، امین ، کارمل ، نجیب) را تجربه کرد.



۱۳۵۷-۱۳۵۸. شمسی نور محمد تره کی

۱۳۵۸-۱۳۵۸. شمسی حفیظ الله امین

۱۳۵۸-۱۳۶۶. شمسی ببرک کارمل

۱۳۶۶-۱۳۷۱. شمسی داکتر نجیب

این حزب که با مقاومت همگانی مردم (جهاد) رو به رو گردید، در طی چهارده سال فقط در پایتخت و مراکز ولایات (استانها) حکومت راند. و در سال ۱۳۷۱ به وسیله مجاهدین بساط حکومتش برچیده شد.

۲,۱۴,۳۱ نمایه تاریخ افغانستان

لشکرکشی کورش به سرزمین افغانستان امروزی (۵۳۵-۵۲۹ قبل از میلاد)

لشکرکشی اسکندر مقدونی (۳۳۰-۳۲۷ قبل از میلاد)

دولت کوشانی (سده اول میلادی)



تسلط ساسانیان بار اول (۳۶۵-۲۳۰ میلادی)

تسلط هونهای سفید (۵۶۵-۴۵۵ میلادی)

تسلط ساسانیان بار دوم (۶۴۴-۵۶۵ میلادی)

ورود نیروهای عرب و ظهور اسلام (نیمه اول سده هفتم میلادی)

کابل شاهیان و رتبیان (۶۷۰-۶۵۰ میلادی)

صفاریان (۹۰۰ میلادی)

سامانیان (۹۹۹ میلادی)

غزنویان (۱۱۵۰ میلادی)

لشکرکشی چنگیز (۱۲۲۱ میلادی)

پادشاهی تیمور لنگ (۱۴۰۵ میلادی)

دولت صفوی ایران (۱۷۲۲ میلادی)

دولت مغولی هند (۱۸۰۳ میلادی)

تشکیل پادشاهی افغان

میرویس خان (۱۷۰۹ میلادی)

ابدالیان (۱۷۶۳ میلادی)



۲،۱۵ جغرافیای فرهنگی

۲،۱۵،۱ مقدمه

قومیت و مذهب، دو متغیر اساسی در شناخت و تحلیل جامعه ی افغانستان است. هیچ سیاستمدار و حاکمی بدون درک صحیح این دو عنصر و تعیین استراتژی خود براساس آنها، قادر به حکومت کردن (به معنای واقعی آن و براساس عدالت) بر این جامعه نیست و هیچ محققى نیز بدون شناخت دقیق و تحلیل عمیق این دو، قادر به درک کاملی از این جامعه نخواهد بود. پیچیدگی و درهم تنیدگی قومیت و مذهب به اندازه ای است که بدون شناخت عینی و ملموس آن، تحلیل صحیح امکان پذیر نیست. از این رو تاکنون کم تر محققى توانسته تصویری دقیق، از جامعه ی افغانى و ویژگی های خاص آن، ارائه دهد.

آنچه باعث درگیری های خونین دهه ها و بلکه قرن های گذشته ی این کشور بوده و مانع اساسی در راه همزیستی مسالمت آمیز بین مردم این کشور به شمار می رفته، همین دو عامل قومیت و مذهب است. در بسیاری از مسایل سیاسى اجتماعى، اقتصادى و فرهنگى، می توان ریشه های عوامل قومى و مذهبی را به خوبی مشاهده نمود.

این نکته بسیار مهم است که در مورد افغانستان هرگز نباید قومیت و مذهب را دو مقوله ی جدا از یکدیگر تلقی نمود. اگر چه در بیش تر کشورهای دنیا این دو مقوله جدای از یکدیگرند، اما در افغانستان این دو درهم تنیده و حتی در برخی موارد حالت «این همانی» را پیدا کرده است؛ برای نمونه، مذهب شیعه، غالب در قوم «هزاره» است و مذهب «حنفى»، غالب در «پشتون»؛ از این روست که در این کشور کلمه ی «هزاره» مترادف «شیعه» است و کلمه ی «پشتون» عموماً مترادف «حنفى». اگر چه در مورد اول عموماً مذهب، غلبه بر قومیت و در مورد دوم قومیت، بر مذهب غلبه داشته است. از این رو در هویت شناسی اقوام افغانى و در



تحلیل عملکرد آنها باید به این دوگانگی توجه خاص داشت. بنابراین توجه به این درهم تنیدگی در تحلیل جامعه شناختی افغانستان امری بسیار ضروری است. از سوی دیگر، توجه به پیچیدگی های درون قومی و درون مذهبی را نباید از نظر پنهان داشت. در این مقاله، ابتدا نگاهی گذرا به وضعیت اقوام در افغانستان می افکنیم. سپس اشاره ای مختصر به ادیان و مذاهب موجود در این کشور خواهیم نمود و در پایان مطالب ارائه شده جمع بندی از مطالب ارائه می شود.

۲,۱۵,۲ آرایه های قومی

از آن جا که سرزمین افغانستان تقریباً در مرکز قاره ی آسیا قرار گرفته و حداثی دو نژاد عمده ی بشری، یعنی نژاد زرد و آریا می باشد، طبیعی است که ساکنان این کشور از این دو نژاد تشکیل یافته باشند. زیرا در شرق و شمال افغانستان تماماً نژاد آریایی زندگی می کنند. از نظر تجانس قومی و نژادی، افغانستان سی و هفتمین کشور جهان به حساب می آید. آمار دقیقی که مجموعه ی کل اقوام افغانستان را ارائه دهد وجود ندارد، ولی آمارهایی در دست هستند که بعضی از گروه های تحقیقاتی انجام داده اند. برای نمونه، اقوامی را که اریوال فهرست کرده، به شرح زیر می باشند؛

«عرب، ایماق، بلوچ، براهویی، اشکاشمی، فارسیوان، فیروزکوهی، گاورباتی، غربت، گوجار، هزاره، هندو، جلالی، جمشیدی، جت، جوگی، قرقیز، کوتاتا، ملکی، ماوری، میش، مست، مغول، تاجیک، مونجانی، نورستانی، اورسوری، پرچی، پشه ای، پشتون، قرلیق، پیکراج، قزاق، قباچاق، قزلباش، روشانی، سنگلچی، سیک، تاتار، تایمنی، تیموری، تیره هی، ترکمن، ازبک، واخی، یهودی و زوری».



از میان این گروه ها، چهار گروه قومی پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک در اکثریت می باشند. هم اکنون، هیچ آمار دقیقی از میزان جمعیت هر یک از این چهار قوم اصلی وجود ندارد که نشان بدهد رده بندی اقوام، از نظر جمعیت، چگونه است. در این قسمت به معرفی چند قوم بزرگ می پردازیم:

۲,۱۵,۳ پشتون ها

این قوم حدود پنجاه درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند و بزرگ ترین گروه قومی این کشور به شمار می روند. (۱) پشتون ها بیش تر در شرق و جنوب و بعضا با قدرت گرفتن، در طول ۲۵۰ سال گذشته در شمال و غرب کشور نیز ساکن شده اند. از نظر ساختمان درون قومی، به سه طایفه ی درانی (ابدالیان)، غلزاییان و گرانیان یا گورانیان، تقسیم می شوند. غیر از این سه تیره، تیره های کوچک تری در تشکیل دادن قوم پشتون نقش دارند. بین درانی ها و غلزاییان همواره بر سر قدرت سیاسی رقابت وجود داشته است. درانی ها، که خود به دو تیره ی «سدهزایی» و «پارک زایی» تقسیم می گردند، در دوران معاصر انحصار قدرت سیاسی را در دست داشته اند. برعکس، طایفه ی غلزایی هر چند در ساختار قدرت سیاسی شریک بوده اند، اما هیچ گاه حاکمیت انحصاری را همچون رقیب خود در دست نداشته اند. (۴)

آنها در شش استان قندهار، زابل، پکتیا، ننگرهار و هیلمند در اکثریت اند و شمار فراوانی از آنان نیز در استان های فراه، نیمروز، غزنی، ارزگان، لوگر، لغمان و کابل زندگی می کنند. حکومت های گذشته آنها را در باقی مراکز استان ها (به جز بامیان، بدخشان، پروان و تخار) اسکان داده اند یا در محل زندگی شان استان بنا نهاده اند. پشتون ها، از نظر مذهبی، سنی حنفی می باشند، ولی در میان پشتون های شمال پاکستان تعداد کثیری شیعه ی دوازده امامی وجود دارد. این قوم همواره حاکمیت سیاسی را، در افغانستان، در دست داشته و بر سایر اقوام حکومت کرده است. هم اکنون نیز در دولت کنونی، پشتون ها بیش ترین سهم کابینه را



آن خود کرده اند و چهارده وزارت خانه ی مهم در اختیار گرفته اند، در حالی که به دیگر اقوام، وزارت خانه های نه چندان مهمی واگذار شده است. (۵)

۲,۱۵,۴ هزاره ها

آنها تقریباً ۲۵ درصد از جمعیت را تشکیل می دهند و دومین گروه قومی افغانستان به شمار می روند (۲). (اگر چه برخی تعداد تاجیک ها را بیش تر دانسته و هزاره ها را سومین گروه قومی افغانستان دانسته اند). آنها بیش تر در مرکز افغانستان، در دامن کوهپایه های افغانستان مرکزی و ارتفاعات هندوکش سکونت دارند. هزاره ها بیش تر پیرو مذهب امامیه ی اثناعشری هستند. در افغانستان، «هزاره» عموماً مترادف «شیعه» تلقی می شود و البته خود آنها نیز این تلقی را کاملاً پذیرفته اند؛ اگر چه همواره تلاش هایی در راه تفکیک این دو از یکدیگر و سعی در تبیین هویتی جدید بر اساس قومیت «هزارگی» صرف و نه هزاره به معنای شیعه وجود داشته و دارد. (۶) این قوم به دلایل متعدد، که مهم ترین آن شیعه بودن آنهاست، همواره مورد ظلم و ستم قرار داشته و تبلیغات منفی علیه آنها بسیار زیاد بوده است، تا حدی که آنها را قومی بیگانه، متجاوز و تحمیلی به افغانستان شمرده اند که باید به سرزمین اولیه شان (ایران) بازگردند. گاهی آنها را از نسل چنگیز خان مغول، روزگاری جزو ترک نژادان و زمانی آنها را ایرانی و دست پرورده ی ایران می خوانند و به انحای مختلف سعی در تضعیف این گروه دارند. (۷) آنها به زبان فارسی دری تکلم می کنند. بسیاری از آنها در زمان درگیری های داخلی به ایران و پاکستان مهاجرت کرده اند. از نظر سیاسی، همواره در انزوا قرار داشته و کم ترین سهم را در ساختار قدرت داشته اند. در دوران جدید و پس از شکل گیری حزب وحدت، هزاره ها تا حدودی توانستند خود را بازسازی نموده و نقشی در ساختار قدرت ایفا نمایند، اما این روند نیز از زمان پیروزی مجاهدان تا کنون سیر نزولی را طی نموده است.



۲,۱۵,۵. تاجیک ها

یکی دیگر از اقوام پر جمعیت افغانستان تاجیک ها می باشند که زندگی قبایلی را رها کرده و بیش تر شهرنشین شده اند. آنها حدود بیست درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. (۳) تاجیک، در افغانستان، بیش تر به ساکنان کوهستان و کوه دامن پنچشیر گفته می شود. گاهی اوقات نیز به تمامی فارسی زبانان، غیر از هزاره ها و شیعیان، اطلاق می شود. این مردم در قسمت های شمال شرقی، غرب و جنوب شرقی مانند بدخشان، کابل هرات، غزنی، غور و... زندگی می کنند و در استان های بدخشان، تخار، پروان، کاپیسا و پروان تقریباً در اکثریت اند. همچنین در استان های بغلان، قندوز، بلخ، غزنی، و کابل نیز حضور چشم گیری دارند. (۸) آنچه بر اهمیت این قوم افزوده این است که ایمانی ها و تیموریان، که در استان های غور و هرات اکثریت دارند، در افغانستان تاجیک به حساب می آیند، زیرا همه به زبان فارسی سخن می گویند و از طرفی همه مذهب سنی حنفی دارند.

تاجیک ها، در طول تاریخ، از لحاظ سهم در حکومت یا تحمل ضرر از سوی حکومت ها، وضعی متوسط داشته اند. در قرن اخیر، صدمات جانی نسبتاً کم تری را از ظلم حکومت ها تحمل کرده اند، ولی به لحاظ صدمات مالی دست کمی از سایر اقوام غیر پشتون نداشته اند. (۹) قبل از حکومت خاندان آل یحیی (نادرخان، ظاهرشاه و داودخان)، یک نفر از تاجیک ها به نام حبیب الله، پسر سقا، نه ماه در کابل حکومت کرد. دومین نفر از تاجیک ها، که در این ۲۵۰ سال به حکومت رسید، برهان الدین ربانی بود که در زمان حکومت مجاهدان به قدرت رسید. احمدشاه مسعود و محمد قاسم فهیم، از دیگر افراد مشهور این قوم هستند.

تاجیک ها، از نظر مذهبی، سنی حنفی می باشند و تعداد کم و نامعلومی از آنها، که در مناطق غزنی، کجران، بدخشان بامیان، غزاب و چوره زندگی می کنند، پیرو مذهب تشیع می باشند. تاجیک ها، از نظر نژادی، آریایی هستند.



۲,۱۵,۶. ازبک ها

ازبک ها مردمانی ترک تبارند که حدود ده درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. آنها در نواحی شمالی هندوکش (واقع در شمال کشور)، که به ترکستان افغانستان معروف است و بیش تر در ولایات مانند قندوز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل و فاریاب، سکونت دارند. ازبکان تاریخ بسیار غنی و پرفراز و نشیبی دارند؛ قرن ها در بخارا، بلخ و ترکستان حکومت کرده اند و در مجموع از فرهنگ تاریخ غنی و پربراری بهره مند می باشند.

ازبکان نیز همانند سایر اقوام تحت فشار و تجاوز قرار داشته و از گزند ظلم حکومت های مستبد در امان نبوده اند. مناطق ازبک نشین گرچه غنی و دارای زمین های پرحاصل می باشند، ولی به خاطر سیاست های غلط حکومت ها، بسیار فقیرند. (۱۰)

قبل از تأسیس کشوری به نام افغانستان، ازبک ها حکومت های محلی داشتند، اما بعد از تسلط پشتون ها، در افغانستان، این قوم نه تنها در حکومت سهم نداشتند، بلکه قربانی غیر پشتون زدایی و قتل عام گردیدند. (به ویژه در دوران عبدالرحمان خان، ۱۹۰۱م). با این حال از سال ۱۹۷۹م، با سرنگونی حکومت داود و روی کار آمدن کمونیست ها وضع به کلی دگرگون شد و ازبک ها از قدرت بیش تری برخوردار شدند. با سرنگونی حکومت کمونیستی، در سال ۱۳۷۱ش، نیروهای ازبک، که در سرنگونی حکومت کمونیستی نقش به سزایی داشتند، از قدرت دوچندان برخوردار شدند و ژنرال عبدالرشید دوستم، از این قوم، در شمال کشور صاحب قدرت گردید. ازبک ها، از نظر مذهبی، سنی حنفی و از نظر نژادی، زرد می باشند. (۱۱)

۲,۱۵,۷ ترکمن ها

آنها در طول کرانه ی جنوبی آمودریا و مرزهای شمال غربی افغانستان به سر می برند. ترکمن ها یا ترکمان از نژاد زرد هستند. (۱۲)



۲,۱۵,۸. بلوچ ها

بلوچ ها در جنوب غربی افغانستان، در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان و در سرزمینی نسبتا وسیع و گرم زندگی می کنند. تعدادی از آنها نیز در ترکمنستان به سر می برند. سرزمین بلوچ ها، بیابانی و عموما کم حاصل است. مجموع قبایل بلوچ از سه تا چهار میلیون تخمین زده می شوند، ولی جمعیت بلوچ های افغانستان به اندازه ی جمعیت بلوچ های پاکستان و ایران نیست و بیش تر در ولایت نیمروز و چهار فرمانداری و بخش داری دیگر از استان های هلمند، فراه و قندهار زندگی می کنند. (۱۳) حکومت های گذشته، تعداد آنها را در آمارها خیلی کم جلوه داده و در حدود هفتاد هزار نفر گفته اند. حکومت، به دلیل این که بلوچ ها و نورستانی ها در همسایگی و اختلاط با پشتون ها هستند، اکثریت آنان را به نام پشتون قلمداد می کند. زبان بلوچی از زبان آریایی سرچشمه می گیرد. بلوچ ها از نظر نژادی، از نژاد واحدی تشکیل نیافته اند. از نظر مذهبی، بیش ترشان، به ویژه بلوچ های ساکن در قندهار و کجران، شیعه هستند.

۲,۱۵,۹ / ایماقی ها

کلمه ی ایماق، ترکی مغولی و به معنای قبیله و قوم است. ایماق ها از چند قبیله مختلف تشکیل شده اند. در اصل نامشان چهار کلمه ی ایماق بوده که از قبیله جمشیدی، هزاره (هزاره بادغیس و هرات) فیروزکوهی و تایمنی تشکیل یافته اند. اقوام تیموری، زوری و



درزی شاخه ای از قبایل تایمینی محسوب می شوند. آنان از ولایت غور تا نواحی هرات و بادغیس پراکنده هستند. مذهب سنی حنفی دارند و به زبان فارسی سخن می گویند. احتمال دارد که اصالت تایمینی ها ترکی باشند. (۱۵)

۲,۱۵,۱۰ کوچی ها یا چادر نشینان

در افغانستان بین دو تا سه میلیون چادر نشین و نیمه چادر نشین، یا به تعبیر دیگر کوچ نشین، وجود دارد که افغان ها آنها را کوچی می نامند. این عده در شمال و جنوب کشور پراکنده اند؛ مرتب از ناحیه ای به ناحیه دیگر نقل مکان می کنند و اغلب جای ثابت و مشخصی ندارند. بیش تر چادر نشینان در چادرها زندگی می کنند و از راه دامداری و تجارت روزگار می گذرانند. عده ی زیادی از کوچ نشینان از ایل غلجه زایی (پشتون) هستند. آنها در فصل پاییز از ارتفاعات جنوبی افغانستان عبور نموده؛ با گذر از مرز پاکستان در استان سرحد اتراق کرده و به فروش کالای خود یا خرید کالای مورد احتیاج خود می پردازند. کوچی ها یا کوچ نشینان، از نظر مذهبی، سنی می باشند. (۱۶)

۲,۱۵,۱۱ نورستانی ها

این فرقه اصالت یونانی دارند و جدیدالاسلام گفته می شوند؛ چون که بعدها به دین اسلام مشرف شده اند. نورستانی ها متشکل از چهار قوم نسبتاً بزرگ کاموز، هلار، کاموج و پانزده فرقه ی کوچک تر دیگر، در پانزده فرمانداری و بخشداری مربوط به پنج استان لغمان، کاپیسا، ننگرهار، کنر و بدخشان، ساکن هستند. (۱۷) تعداد جمعیت آنان حدود نیم میلیون نفر برآورد گردیده، ولی در آمارهای دولتی جمعیت آنان خیلی کم ذکر شده است. زبان آنها سانسکریت و از نظر مذهبی، سنی می باشند، تعداد کمی شیعه نیز در بین آنها وجود دارد.



۲،۱۵،۱۲ دیگر اقوام

اقوام دیگری نظیر قزلباش ها، قرقیزها و... نیز در افغانستان وجود دارند. در حالی که قزلباش ها بیش تر در شهرهای کابل، هرات و... متمرکز هستند، قرقیزها در ناحیه ی شمال شرقی افغانستان، در تنگه ی «واخان»، زندگی می کنند. این اقوام تأثیر بسیار اندکی در عرصه ی سیاسی اجتماعی افغانستان داشته اند. (۱۸)

۲،۱۵،۱۳ ساختار مذهبی

مردم افغانستان، که از زمان ورود اسلام به سرزمین های شرقی و ایران، اسلام را پذیرفتند، اکنون حدود ۹۹٪ مسلمان اند و تنها یک درصد پیرو ادیان دیگر از قبیل هندو، سیک، مسیحی و یهودیت هستند. در کشوری که در آن اشاره و استناد به ملت، امری بسیار تازه است؛ دولت به چشم نهادی خارج از جامعه نگریسته می شود و در کشوری که افراد، تابع گروه های قبیله ای هستند، اسلام برای همه ی افغانی ها تنها مرجع و پشتیبان همگانی تلقی می گردد. (۱۹) اسلام، برای همه ی افغان ها، مرجع نهایی داوری و نماد مشترک وحدت بخش، محسوب می گردد. در مجموع می توان گفت که اسلام نه تنها اساس زندگی، بنیان فرهنگ و آداب اجتماعی مردم افغانستان را تشکیل می دهد، بلکه مجموعه ای از تعالیم و حیانی است و که افق فکری، نظام ارزش ها و مجموعه ی قوانین رفتاری آنان را نیز تبیین می نماید. در ابعاد سیاسی جامعه نیز تنها شریعت اسلام می تواند به عنوان عنصر مشروعیت بخش حاکمیت سیاسی، مقبولیت مردمی را برای رژیم حاکم به ارمغان آورد. اگر چه بیش تر مردم افغانستان مسلمان اند، اما از نظر مذهبی به فرقی متعدد تقسیم می شوند. در نگاه کلی، مسلمانان به دو مذهب شیعه و سنی تقسیم می گردند، اما در درون این دودمذهب نیز فرقه ها و نحله های گوناگونی وجود دارد.



ترکیب جمعیت مسلمانان در افغانستان بسیار شبیه به پاکستان است؛ اگر چه از لحاظ قومی نیز شباهت هایی وجود دارد، اما از نظر مذهبی این شباهت بسیار زیاد است، چرا که همانند پاکستان بیش از هفتاد درصد از مسلمانان این کشور را سنی های حنفی تشکیل می دهند. (البته گرایشات وهابی گری در بین آنها نسبت به پاکستان کم تر است) و حدود سی درصد شیعه در این کشور وجود دارد. در این جا اشاره ای مختصر به مهم ترین مذاهب موجود در افغانستان می نماییم:

۱. مذهب حنفی

بیش تر مسلمانان افغانستان پیرو این مذهب هستند. پیروان این مذهب حدود ۶۵ تا هفتاد درصد کل جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند (۲۰) که از اقوام مختلف پشتون، تاجیک، ازبک، ترکمن، نورستانی، بلوچ و... ترکیب یافته اند. با این حال، همان گونه که گفته شد، قوم پشتون، که از نظر رده بندی اقوام در افغانستان در رتبه ی اول قرار دارد و حدود نیمی از جمعیت این کشور را شامل می شود، تقریباً به طور کامل حنفی هستند (اگر چه اقلیتی شیعه نیز در بین آنها وجود دارد). از این رو مذهب حنفی و قوم پشتون عموماً مترادف یکدیگر تلقی می شوند. از نظر توزیع جغرافیایی، حنفی ها در بیش تر نقاط کشور ساکن هستند و محدودیتی از این نظر ندارند. به جز حنفیه، مذاهب دیگر اهل سنت نیز پیروان اندکی دارند، اما به علت این که در اقلیت بوده اند، هیچ گاه تأثیر چندانی در عرصه های اجتماعی نداشته و تنها در سطح برخی از علما و روحانیون اهل سنت محدود مانده اند. تعصب مذهبی اهل سنت در شهرهای بزرگ، به استثنای قندهار و جلال آباد، نسبت به شیعیان اندک و در روستاها و مناطق دور دست شدید است. برخی از حکومت های جابر مانند عبدالرحمان خان و طالبان از این تعصبات مذهبی سوءاستفاده کرده و در قلع و قمع شیعیان تلاش می نمودند. از این رو در زمان عبدالرحمان تعداد بسیار زیادی از شیعیان هزاره کشته شدند. (۲۱)

۲. مذهب تشیع جعفری



شیعیان، که بیش تر از قوم هزاره تشکیل یافته اند، طبق آمار تقریبی بین ۲۵ تا سی درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. (۲۲) پیروان مذهب تشیع پس از هزاره ها، در بین اقوامی مانند قزلباش، بلوچ، ترکمن، سادات، خلیلی ها و همچنین تاجیک ها، پشتون ها، ازبک ها و برخی اقوام دیگر نیز وجود دارند، اما اکثریت قریب به اتفاق شیعیان افغانستان را هزاره ها تشکیل می دهند. این مسأله باعث شده که مذهب شیعه در افغانستان کاملاً بافت هزاره گی پیدا کند، تا جایی که در برداشت عامه ی مردم، «هزاره» و «شیعه» یک مفهوم را می رساند. از نظر توزیع جغرافیایی، شیعیان به شکل فراگیر تقریباً در تمامی استان های افغانستان حضور دارند، اما تمرکز اصلی شیعیان به صورت عمده در سرزمین هزاره جات می باشد. این سرزمین در حوالی مرکزی افغانستان واقع است که استان بامیان قسمت مرکزی این سرزمین و نه استان اطراف آن، بقیه ی محدوده ی هزاره جات را تشکیل می دهند. اگرچه در گذشته هزاره جات محدوده ی وسیع تری را در بر می گرفته و دارای موقعیت بسیار مهم و حایز اهمیت بوده، اما سیاست های حکومت های گذشته در راه تمرکززدایی شیعیان و کاستن از اهمیت و نقش آنها، باعث شد این سرزمین روز به روز کوچک تر شده تا به شکل امروزی خود در آید. بدین ترتیب این منطقه به استان های متعدد، با مرکزیت شهرهای پشتون نشین، تقسیم شد. (۲۳) عامل عمده ی این سیاست را نه در قومیت بلکه در مذهب این قوم باید جستجو نمود.

علی رغم تمام محدودیت ها و اعمال فشارهایی که بر شیعیان افغانستان وجود داشته (۲۴) و علی رغم عدم وجود آزادی مذهبی برای آنها، این گروه توانسته اند از اعتقادات مذهبی خود به بهترین نحو حمایت نموده و آن را حفظ کنند، اما اینک پس از تحولات جدید و رسمی شدن مذهب شیعه در قانون اساسی، افق های جدیدی فراروی شیعیان افغانستان قرار گرفته که می توانند با برنامه ریزی درست، نهایت بهره برداری را از آن نمایند.



علاوه بر شیعیان جعفری، که بیش تر شیعیان افغانستان را تشکیل می دهند، حدود سه درصد از جمعیت افغانستان را شیعیان اسماعیلی تشکیل می دهند. پیروان این مذهب، که از هزاره ها و تاجیک ها هستند، برطبق شواهد و قرائن در بیش تر مناطق افغانستان حضور دارند. این عده بیش تر در نواحی دوشی، کیگری و بخش هایی از دره صوف و بدخشان زندگی می کنند. آنها علی رغم اظهار مذهب خود در برخی ولایت، در جاهای دیگر خود را شیعه ی اثناعشری معرفی نموده یا در زمره ی اهل سنت و صوفیان وانمود می کنند. رهبر فعلی این فرقه، حاج سید منصور نادری، معروف به سیدکیان است که در دره ای به نام دره ی «کیان» زندگی می کند. از همین رو به اسماعیلی ها، «کیانی ها» نیز می گویند.

در مورد تاریخ جدید اسماعیلیان افغانستان، اطلاعات زیادی در دست نیست. در مجموع، آنها در دوره های اخیر، از لحاظ علمی و فرهنگی، در انحطاط افتادند و در عقایدشان بسیار خرافاتی شدند. اسماعیلیان امروز افغانستان، در مورد حضرت علی(ع) و امامان اسماعیلی شان، بسیار غلو می کنند و معتقد به حلولیت و تناسخ در مورد ائمه(علیهم السلام) هستند و به حق از دیرباز علی اللهی نامیده شده اند. آنها به احکام شرعی نیز چندان تقید ندارند. وضعیت خفقان، استبداد و سرکوب های شدید اسماعیلیان، به دست حاکمان کشور در سده های اخیر، سبب شد که اسماعیلیان سر در لاک خود فرو برند و با پنهان کاری و حفظ اسرار، برای شهروندان افغانستان ناشناخته بمانند.

۴. وهابیت

هرچند به طور رسمی وهابیت در افغانستان پیروان مشخصی ندارد، اما در میان اهل سنت، نحله ای فکری متأثر از تعالیم وهابیت به چشم می خورد. وهابیت، به عنوان یک مذهب در جامعه ی افغانستان، ریشه ی تاریخی و اجتماعی و نیز طرفدارانی ندارد. وهابیت، در افغانستان، معلول تلاش ها و فعالیت های برخی عوامل خارجی است که با استفاده از فرصت دوران اشغال افغانستان، با



هدف سهم گیری در جهاد مقدس افغانستان علیه اشغالگران کمونیست، وارد افغانستان شدند و با تأسیس مراکز آموزشی خود در شهرها و روستاهای سنی نشین کشور به آموزش فرزندان مسلمان پرداختند. هرچند اساس وهابیت در ستیز جدی با تشیع است، اما نباید تعارضات شدید آنها را، با اسلام اهل تسنن، نادیده گرفت.

جمع بندی

۱. بافت پیچیده ی قومی و قبیله ای در افغانستان همواره یکی از عوامل اصلی ایجاد تنش، آشوب و بحران در افغانستان بوده است. وضعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی، کمبود وسایل حمل و نقل، ارتباطات و رسانه های جمعی فعال، پایین بودن سطح سواد در این کشور و برخی عوامل دیگر سبب شده که اقوام و قبایل افغانی، به دور از ارتباط با یکدیگر، بیش تر درون قوم و قبیله ی خویش، با باورهای محلی، قومی، مذهبی، سنت ها، عادت ها، شخصیت ها و روحیات خاص قومی قبیله ای و با خصلت شدید درون گرایانه، پرورش بیابند؛ در لاک رسوم و سنن محلی و عشیره ای خویش فرو روند و نسبت به فرهنگ و سنن قبیله ها و اقوام دیگر نه تنها ناآشنا و بیگانه بوده، بلکه بعضاً آنها را مذموم، ناپسند و خلاف پنداشته و در نهایت آن را مغایر و دشمن فرهنگ و سنن خود تلقی می نمایند. تأثیر این وضعیت، در روحیه ی مردم، چنان بوده که در برخی مناطق، به ویژه روستاها، اقوام و قبایل نه تنها آمادگی پذیرش سکونت قبیله و قوم دیگری را ندارند، بلکه در برخی موارد، مسافرت اعضای یکی از قبایل میان قبیله ی دیگر دشوار و هراس انگیز است. این وضعیت به ویژه زمانی که این اقوام و قبایل از نظر مذهبی نیز متفاوت باشند، تشدید می شود. بنابراین زمانی که قومیت و مذهب با یکدیگر ترکیب می شود، این تنش ها نیز دوچندان می گردد.

۲. با در نظر گرفتن مطلب فوق، اگر نگاهی به توزیع جغرافیایی اقوام، قبایل و مذاهب کنونی در افغانستان بیفکنیم، می بینیم اگر چه برخی از اقوام و مذاهب، در مناطق خاصی، متمرکزتر از سایر نقاط کشور هستند، ولی در بین اکثریت قریب به اتفاق آنها



پراکندگی نسبی در مناطق مختلف کشور مشاهده می شود؛ برای نمونه، در بسیاری از شهرها و مناطق ترکیب مختلفی از اقوام پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک و... و همچنین ترکیبی از شیعیان و اهل سنت به نسبت های متفاوت وجود دارد و مناطقی که صددرصد جمعیت آن از یک قوم یا مذهب خاص باشند، بسیار انگشت شمار است. بنابراین این پراکندگی یا به عبارتی درهم تنیدگی اقوام و مذاهب در افغانستان، به ویژه با در نظر گرفتن روحیاتی که در بالا ذکر شد، می تواند همواره به عنوان عامل بالقوه ای برای ایجاد تنش بین آنها تأثیرگذار باشد. در عین حال این مسأله می تواند در راه تحکیم وحدت و انسجام داخلی و همزیستی مسالمت آمیز آنها مؤثر جلوه کند.

۳. با عنایت ویژه به نکات فوق، بدیهی به نظر می رسد که انجام هرگونه حرکت فرهنگی استراتژیک، بلندمدت و تأثیرگذار و (حتی در بسیاری از موارد فعالیت های کوتاه مدت نیز) در افغانستان، بدون توجه به دو عامل قومیت و مذهب و حساسیت های آن در این کشور، ماندگار و ثمربخش نخواهد بود. از این رو آنچه که به عنوان پیش فرض هرگونه برنامه ریزی و تدوین سیاست و استراتژی از سوی نهادهای فرهنگی برنامه ریز مرتبط با مسایل افغانستان باید در نظر گرفته شود، همین مسأله ی مهم است. در عین حال که بر فضلا و اندیشمندان افغانی نیز این مسأله پوشیده نیست و اهمیت آن را همواره در نظر داشته و دارند. به هر حال، عدم توجه به این بافت پیچیده، در اقدامات فرهنگی، می تواند آثار سوئی برای این جامعه و در سطح کلان جامعه ی اسلامی پدید آورد.

۲،۱۵،۱۴ مشاهیر فرهنگی

از چهره های فرهنگی که در گستره جغرافیایی افغانستان زاده شده اند می توان به مولانا جلال الدین بلخی، ابوعلی سینابلخی، رابعه بلخی، عبدالرحمن جامی، ناصر خسرو، سنایی غزنوی، خواجه عبدالله انصاری، ابوعبید عبدالرحمن محمد جوزجانی، حمیدی بلخی،



حنظله بادغیسی، ظهیرالدین فاریابی واعظ کاشفی، کمال الدین بهزاد، عنصری بلخی، ابونصر فاریابی، ابواسحاق فاریابی، ابوشکور بلخی

، سید جمال الدین افغان، سید جمال الدین حسینی، خلیل الله خلیلی و عبدالرحمان مهمند یا رحمان بابا اشاره کرد.

واژه‌های مشاهیر علوم اسلامی شیخ محمد کاظم هروی معروف به (آخند) است که کتاب بنام او کفایت الاصول از منابع مهم کتب

اصولی است که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود.

۲،۱۵،۱۵ زبان و خط

ماده شانزدهم قانون اساسی افغانستان زبان‌های فارسی (در گویش رسمی و دولتی دری) و پشتو را زبان‌های رسمی افغانستان اعلام

می‌کند و چنین می‌گوید: از جمله زبان‌های پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی و پشه‌ای، نورستانی، پامیری و سایر زبان‌های رایج

در کشور، پشتو و دری زبان‌های رسمی دولت می‌باشند. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان‌های ازبکی، ترکمنی، پشه‌ای،

نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می‌نمایند، آن زبان علاوه بر پشتو و دری، زبان سوم رسمی می‌باشد و نحوه تطبیق آن توسط

قانون تنظیم می‌گردد. دولت برای تقویت و یافتن همه زبان‌های افغانستان برنامه‌های موثر طرح و تطبیق می‌نماید. نشر مطبوعات و

رسانه‌های گروهی به همه زبان‌های رایج در کشور آزاد می‌باشد.

۲،۱۵،۱۶ موسیقی و حرکات موزون



در افغانستان، پشتونها دارای نوعی رقص گروهی هستند که بدان اتن ملی می‌گویند. در موسیقی نیز افغانستان پیشینه خوبی دارد. در گذشته‌ها مردم افغانستان در نشست‌هایی که در موعد معینی برگزار می‌شده است، گردهم می‌آمدند و به بحث و بررسی درباره کتب و اشعار می‌پرداختند و در پایان این جلسات به آوازخوانی و موسیقی می‌پرداختند و از اشعار بسیار شیرین و پرمعنا استفاده می‌نمودند.

۲،۱۵،۱۷ رادیو و تلویزیون

افغانستان دارای یک سازمان رسانه‌ای ملی به نام «رادیو تلویزیون ملی افغانستان» (RTA) می‌باشد. این سازمان دارای یک کانال تلویزیونی و یک کانال رادیویی می‌باشد. اگرچه RTA رسانه‌ای متعلق به دولت است اما طبق قوانین جدید رسانه‌ای نه دولتی و نه خصوصی، بلکه رسانه‌ای مردمی است که صرفاً هزینه‌اش را دولت تامین می‌کند. اخیراً دوباره سعی بر این است که نشریات رادیو و تلویزیون ملی افغانستان، بر اساس اصول، روش و سیاست حکومت کارکرد داشته باشد. علاوه بر RTA رادیو و تلویزیون‌های خصوصی دیگری در افغانستان وجود دارد که شامل نزدیک به ۱۰۰ شبکه رادیویی و حدود ۱۰ شبکه تلویزیونی می‌شود.

۲،۱۵،۱۸ سینما

سینما در افغانستان به دلیل سه دهه جنگ پیشرفت چندانی نداشته است. در دوره طالبان سینما نیز ممنوع شد. در این دوره



طالبان حتی اقدام به تخریب آثار سینمایی نیز کردند، اما در این میان برخی از این آثار به ویژه آرشیو تلویزیون ملی افغانستان به وسیله افراد همدوست از نابودی نجات یافتند و امروز در دسترس می‌باشند.

پس از سرنگونی طالبان، سینما به پیشرفت‌هایی نایل آمد و آثار خوبی هم ارائه شد. از جمله این آثار می‌توان به فیلم «اسامه» ساخته «صدیق برمک» اشاره کرد. نخستین انیمیشن در تاریخ افغانستان پس از سرنگونی طالبان با نام «تهاجم» به کارگردانی «افشین دانش» برگرفته از طرح احمد فهیم کوه دامنی برای شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی در سال ۱۳۸۲ ساخته شد. این انیمیشن توانست توجه و دید بیشتر داوران جشنواره را به سوی خود جلب نماید.

۲،۱۵،۱۹ آموزش و پرورش

در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی جنگ‌های داخلی این کشور (دهه‌های ۹۰ میلادی)، شالوده آموزش و پرورش افغانستان از هم پاشید. در دوره قدرت طالبان حتی دختران خانه‌نشین شده و اجازه تحصیل از آنها گرفته شد. در این دوره، به جای درس‌های علمی مانند شیمی و فیزیک در مدارس، بیشتر بر آموزش‌های مذهبی تاکید می‌شد. اکنون برآورد می‌شود کمتر از نیمی از مدارس افغانستان دسترسی به آب آشامیدنی داشته باشند. پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی و فروپاشی طالبان، با روی کار آمدن دولت انتقالی وضعیت تحصیل اندک‌اندک رو به بهبودی می‌رود ولی با این وجود هنوز بیش از ۶۰٪ مردم افغانستان از سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند.



کشور
اكتشافات معدنی و
زمین شناسی
۲,۱۶ جغرافیای شهری و روستایی
۲,۱۶,۱ ولایت بدخشان



بدخشان یا بدخشان ولایتی است در شرق افغانستان و متصل بترکستان شرقی، مرکز آن امروزه فیض آباد است بدخشان یکی از قدیمی ترین مناطقی است که در شاهنامه فردوسی از آن یاد شده است. بدخشان همچنین در چامه های شاعران به کیفیت لعل خویش معروف بوده است.

بدخشان در شمال شرقی افغانستان واقع است. در مارس ۱۸۹۵ به موجب توافقاتی که میان بریتانیا و روسیه در لندن صورت گرفت، بدخشان میان افغانستان و خان نشین بخارا تقسیم شد و بر پایه این توافق بدخشان کوهستانی تابع بخارا باقی ماند و سرزمین های جنوبی مسیر آمودریا به افغانستان (ولایت بدخشان) پیوست. لذا این ولایت میان دو امپراتوری بزرگ (روسیه تزاری و بریتانیا) به دو بخش تقسیم گردید. یک بخش این ولایت تحت نام بدخشان روسیه و بعداً منطقه خودگردان کوهستانی بدخشان شوروی با مرکزیت شهر خاروغ به روسیه تعلق گرفت، و بخش دوم با مرکزیت شهر فیض آباد به امارت افغانستان پیوست. روسیه و انگلیس آمودریا (جیحون) را به عنوان مرز طبیعی پذیرفته و توسط ستونهای مرزی نشانه گذاری شد. در سال ۱۹۱۷ بعد از پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه بدخشان روسیه به شوروی در تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان تعلق گرفت. در حال حاضر بدخشان سرزمینی شامل پاره ای از شمال خاوری افغانستان و جنوب خاوری تاجیکستان می باشد. این ولایت با جمهورهای تاجیکستان، پاکستان و ولایت سینکیانگ جمهوری مردم چین دارای مرز مشترک است.

۲،۱۶،۱،۱ جغرافیای طبیعی:

مساحت بدخشان افغانستان ۴۷۴۰۳ کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن بالغ بر یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر است، اکثریت باشندگان این ولایت را تاجیکان تشکیل داده و به زبان فارسی حرف می زنند. در بدخشان با زبانهای پامیری آنها تکلم



می‌نمایند. مردم بدخشان دارای اصلیت آریائی بوده و از اصیلترین قبایل ساکن در افغانستان میباشند. اکثر مردم این ولایت باسواد بوده و به ارزشهای دینی خود سختگیر اند. در قرن پنجم هجری قمری ناصر خسرو شاعر مشهور، مذهب شیعه را به آنجا برد و در تبلیغ آن کوشید. تأثیر تعالیم او هنوز در بدخشان باقی است و قبر وی بر مسیر علیای رود ککچه (از ریزابه های آمودریا) دیده میشود.

بدخشان دارای کوههای بلند و رودخانه‌های خروشان است، کوه‌های مهم این ولایت خواجه محمد، هزار چشمه و سفیدخرس نام دارند. بلند ترین قله کوه‌های هندوکش در خاک افغانستان بنام نوشاخ در این ولایت قرار دارد. پامیر که به نام بام دنیا معروف است، در این ولایت موقعیت دارد.

رودخانه‌های مهم آن عبارت‌اند از رود کوکچه، واخان، انجمن، وردج، تگاب، تنگی شیوا، پامیر، جرم، چاهیل در سرغیلان، آغرده در غارسپان، غوری‌سنگ، درواز، راغ. ولایت بدخشان ۵۳ درصد منابع آبی افغانستان را داراست. دریاچه (در فارسی افغانستان جهیل) های آن شیوا، زرقل و چقمقین نام دارند.

فراورده‌های عمده این ولایت گندم، جو، جودر (گندم سیاه)، جواری (ذرت)، و ارزن است، از جمله میوه‌های این ولایت توت و چارمغز (گردو)، زردآلو، آلبالو و سیب آن مشهور است. سیب بهارک و چارمغز سرغیلان درین ولایت از شهرت خوبی برخوردار است.

بدخشان به داشتن معادن لعل، لاجورد و طلای خویش دارای شهرت است. لعل، بدخشان یا بدخشی در قرون وسطی در سرتاسر عالم اسلام شهرت داشت. غیر از لعل یاقوت و لاجورد و سنگ بلور و سنگ پازهران نیز از آن بدست می آورده اند. ابن حوقل



جغرافی نویس قرن چهارم آرد: از بدخشان بیجاده خوب و سنگهای قیمتی که در زیبایی و رونق به یاقوت می ماند بدست می آید.

این سنگها به رنگهای گلی و رمانی (اناری) و سرخ (احمر قانی) و شرابی است و آن اصل لاجورد است.

عمده ترین مخزنهای طبیعی آن، در یمگان لاجورد به حجم سه صدکیلومتر طول و ۴۷ کیلومتر عرض، و معدن لعل در سرغیلان

که از آن به علت عدم مشخص بودن محل آن استفاده صورت نمیگیرد، میباشد. در نتیجه بررسیهای که اخیراً در مورد نفت در

افغانستان صورت گرفته است، این ولایت را دارای ذخایر بزرگی نفتی تثبیت نموده اند.

در بدخشان معادن آهن و مس نیز وجود دارد. کانهای آن در شغنان بر ساحل راست آمودریا و در خارج بدخشان بمعنی اخص

است.

از اماکن تاریخی آن می توان از ویرانه های بهارک (که در حاشیه شهر تاریخی بهارستان و لان شی آباد شده است)، اشکاشم و

توپخانه زیباک و مقبره ناصر خسرو نام برد.

۲،۱۶،۱،۲ بزرگان بدخشان:

بدخشان از جمله ولایات افغانستان است که بیشترین قشر تحصیل کرده را در طول تاریخ داشته است. شخصیت های نامور دانش،

امثال، مرزا عبدالقادر بیدل، ابوالحسن البدخش، مولانا شاه جی بدخشی، مولانا عبدالله بدخشی، جمشید خان شعله، مولانا غیاثی،

صائب راغی، مصرع راغی، مولانا زیرک درایمی، و صدها دانشمند و فرهیخته علوم اسلامی دیگر در گذشته و حال از بدخشان

هستند .شخصیت های سیاسی بدخشان؛ شاه ولی خان دروازی مشاور و جانشین امان الله خان، طاهر بدخشی، استاد برهان الدین

ربانی رهبر جهاد و دیگر سیاستمداران بدخشان قابل ذکر اند. بدخشان امروز هم دارای بزرگترین شخصیت های علمی، سیاسی،



نویسندگان، مولفان و شاعران است که می توان از جمله از اشخاص ذیل نام برد: استاد نعمت الله شهرانی، استاد محمد موسی توانا، استاد بیان، داکتر قاری محمد ایاز، استاد محمد نظیف شهرانی، استاد محمد میرویس غیائی، قاضی عبدالحق عتید، استاد عبدالباری ابراهیمی، استاد داد محمد خاشی، و دیگران...

بدخشان در شعر و ادبیات در طول تاریخ و حتی امروز سر آمد روزگار است. مولانا نائل کشمی، عبدالودود نائل لاجوردین شهری، سودا، یزدان یار، واصل لطیفی، غفران بدخشی، داکتر صبغت الله خاکساری، و... از جمله شعرای معاصر هستند و صدها شاعر دیگر... یگانه طنز نویسی مشهور افغانستان «تجیب الله دهمزاد» از بدخشان است. در طول هشت دهه آخر همهء قوانین اساسی افغانستان در چند دوره، تحت اشراف یک بدخشی تدوین شده است؛ شاه محمد ولی خان دروازی، عبدالله یفتلی، نعمت الله شهرانی و... بزرگترین متن روحانی تصوفی «مکتوبات امام ربانی مجدد الف الثانی» توسط دو نفر علمای بدخشان به رشتهء تحریر در آمده است. بدخشان؛ در همهء متون ادبی جهان و بویژه فارسی کهن، نسبت شهرت لعلش جایگاه ویژه داشته است و ادیبان و شعرا آن را در پهلوی عقیق یمن مثال زده اند.

ولسوالی شهدا یکی از ولسوالیهای معروف ولایت بدخشان افغانستان می باشد. این ولسوالی در سال ۱۹۹۴ در زمان زمامداری پروفیسور برهان الدین ربانی، رئیس جمهور اسبق افغانستان از ولسوالی بهارک این ولایت جدا و منحیث یک واحد اداری مستقل عرض اندام نمود. اولین بخشدار شهدا آقای سیدکبیر احمد متوکل، معروف به ملا سیدکبیر متوکل که از جمله شعرای نامور محل نیز می باشد، بوده و به مدت چندین سال افای وظیفه نموده است.

این ولسوالی متشکل از دو منطقه بنام زردیب و سرغیلان تشکیل یافته که در میان دو کوه کشیده از سلسله کوههای هندوکش شرقی اخذ موقعیت نموده است. مردم محل همه به زبان دری-فارسی صحبت نموده از لحاظ تباری تاجک و مسلمان میباشند. بافت



قبیله ئی این محل بسیار محکم بوده و در حقیقت همه مربوط به یک خانواده وسیع میباشند. ولسوالی شهدا از سرسبزترین منطقه در ولایت بدخشان بوده که دارای درختان سرکشیده از چارمغز، توت، بادام، سیب و انواع میوه جات می باشد که بیشتر فراورده های صنعت باغداری آن از اقلام تجارتي و صادراتی خوبی افغانستان محسوب می گردد. مردم این ولسوالی بیشتر به شغل کشاورزی و دامداری سروکار داشته و تجارتهای کوچک (Small Business) درین منطقه در حال شکل گیری است. این محل در مدت وجود خود بحیث یک محل قابل سکونت، توانسته است افراد نخبه خوبی به جامعه تقدیم نماید که درین میان شعرا، روشنفکران و دانشمندان ورزیده داشته است. عبدالقدیر فطرت) رئیس کل بانک مرکزی افغانستان در دو دوره جریان انقلاب و دوران بعد از انقلاب) و علام الدین (سفیر کبیر افغانستان در ازبکستان و سایر کشورها) و همچنان دیگر افراد نخبه و روشنفکر داشته است.

از شعرا معروف آن می توان متوکل، غلام حیدرخان وغیره را نام برد. دریای که درین شهرستان جاری است، از معاونین عمده دریای کوکچه بشمار رفته و آب زلال آن در تمام این ولایت زبانزد همه است. مالی شرین و بدون استخوان آن کاملاً استثنائی بوده و محل تفریحگاه برای سیاحان می باشد.

شهرستان فیض آباد مرکز ولایت بدخشان افغانستان است.

فیض آباد سرزمینی بولایتی و تاریخی، مستور از ناهمواری ها، دورافتاده و صعب العبور است. این شهر در بخشی از دره کوکچه قرار دارد.

به دستور امیر ازبک در سال ۱۸۲۷ میلادی شهر کندوز با خاک یکسان شد بطوری که تا مدتی «جُرم» مرکز ولایت بدخشان بود.



در سال ۳۹/۱۸۳۸ میلادی بازسازی فیض آباد شروع شد و مرکز تجارت در سرتاسر بدخشان گردید. از جای های تاریخی می توان به مجسمه هایی که در ماه قبل به کابل آورده شده اشاره کرد.

به این علت فیض آباد میگویند که مدتی چند خرقة مبارک در این شهر بود که حالا در شهرقندهار است.



۲,۱۶,۲ ولایت بغلان

ولایت بغلان از ولایت های کشور افغانستان است به مرکزیت پل خمری، مساحت ۱۷۰۱۰۹ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۷۵۲۳۰۰ نفر.

اراضی شهر کنونی بغلان از سه بخش زراعتی تشکیل می شود. بغلان نو در ۴ کیلومتری جنوب قرار دارد. شهر جدید مرکز است و از سال ۱۹۳۷ به حیطة حکومتی شیرخان افزوده شد و مرکز حکومتی از خان آباد به این منطقه منتقل شده است. در سمت جنوب بغلان جدید و با فاصله ۸ کیلومتری بغلان صنعتی قرار دارد.

بازار شهر به دو بخش تقسیم شده است، در مرکز و ناحیه غربی غلات و میوه و در بخش شرقی بازار تجاری، خیاطی و چاپخانه

مشاهده می شود.



منطقه بغلان در قدیم از آن کوشان‌ها بود. بازمانده‌های یک آتشفشان زرتشتی به نام سُرخ‌کُتل در بغلان وجود دارد. ولایت بغلان در شمال افغانستان موقعیت دارد این ولایت یکی از ولایات زراعتی و صنعتی بوده و دارای معادن مانند ذغال سنگ و سمند می‌باشد همچنان در این ولایت کارخانه نساجی کارخانه سمند غوری کارخانه قند نیز موجود است.

۲,۱۶,۲,۱ تقسیمات اداری

این ولایت به ۱۵ ولسوالی (شهرستان) تقسیم شده است. پل خمری مرکز آن می‌باشد که تقریباً ۸۸۳,۰۷۹ تن جمعیت دارد. جمعیت کل ولایت بغلان به ۶۹۰,۷۴۱ تن بالغ می‌شود ۱۰۹,۰۹۵ خانواده در این ولایت وجود دارد و هر خانواده به طور میانگین شش عضو دارد.

۲,۱۶,۲,۲ نام ولسوالی‌ها :

بغلان جدید

دهانه غوری

دوشی

خنجان

اندراب



نهرين

بركه

تاله و برفك

پل حصار

ده صلاح

جلگه

خوست و فرنگ

فرنگ و غارو

گذرگاه نور

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور
۲,۱۶,۲,۳ مردم



۸۰٪ مردم بغلان در شهرستان‌های روستایی زندگی مینمایند درحالیکه ۲۰٪ آن در مناطق شهری به سر می‌برند. ۵۱٪ از نفوس بغلان را مردان و ۴۹٪ آن را زنان تشکیل میدهد.

۷۳ درصد از مردم این ولایت تاجیک و فارسی‌زبان هستند و ۲۲ درصد پشتون، درصدی نیز هزاره و ازبک در بغلان ساکنند. قوم حسن خیل (پشتون) در بغلان جدید و شمال پل خمري، احمدزی (پشتون) در قریه دهانه غوری، پلخمري، قوم گادی (پشتون) در بغلان جدید و بغلان خنجان، ایماق (تاجیک) در شهرستان دهانه غوری و ایل عرب (تاجیک) در بغلان جدید، نهرین و شهرستان دهانه غوری سکونت دارند. زبان پشتو زبان مردم ۵۲۸ روستا از این ولایت است.

۲,۱۶,۲,۴ مراکز تحصیلات عالی ولایت بغلان

دانشگاه بغلان در سال ۱۳۷۲ تاسیس شد که شامل دانشکده‌های ادبیات علوم اجتماعی و ساینس میگردید و با آمدن طالبان تمام هست و بودش به یغما رفت و مام‌جدی ۱۳۸۰ دوباره پی‌گیری شد و در سال ۱۳۸۲ دوباره افتتاح و مجدداً شروع بکار کرد فعلاً دارای دو دانشکده‌ها میباشد در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۱۰۳۰ دانش آموز که ذکور و ۳۵۰ اناث و دارای ۴۴ استاد که ۴۰ تن ذکور و ۴ تن اناث هستند.



۲،۱۶،۲،۵ دانشکده زراعت مؤسسه تحصیلات عالی بغلان

این تعمیر در ساحه پنجاه جریب زمین در سه طبقه به شکل پخته و اساسی به مصرف دو میلیون و دویست هزار دلار امریکایی از بودجه انکشافی وزارت تحصیلات عالی توسط شرکت ساختمانی حریف ساخته گردیده است که دارای سی و دو اتاق درسی، یک سالن کنفرانس، کتابخانه، آزمایشگاه، اتاق نمایشگاه مواد زراعتی، اتاق اداری همراه با یک محراب مسجد میباشد.

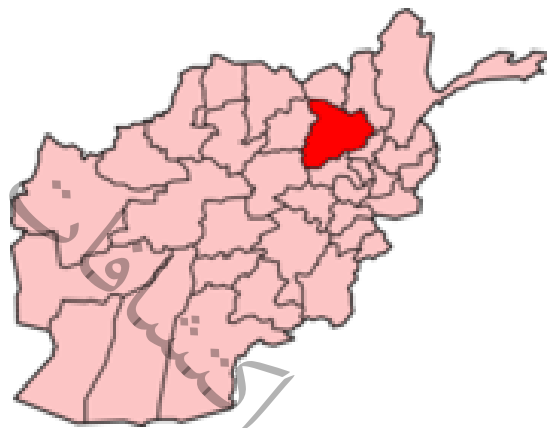
۲،۱۶،۲،۶ نمایندگان ولایت بغلان در ولسی جرگه

حبیب الله رامین وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون عدلی، قضائی، اصلاحات اداری مبارزه با فساد اداری ولسی جرگه.
سید آغا وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون امنیت داخلی، ملی، تحکیم سرحدات و اداره محلی ولسی جرگه.
سید منصور نادری وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون تفتیش مرکزی و نظارت از اجرای قانون ولسی جرگه.
محمد عاصم وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون معلولین، معیوبین، بازمانده گان شهدا بیوه ها ولسی جرگه.
مولوی عبدالحق وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی ولسی جرگه.
هلالالدین هلال وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون امنیت داخلی، ملی، تحکیم سرحدات و اداره محلی ولسی جرگه.
شکر به عیسی خیل وکیل منتخب ولایت بغلان، منشی کمیسیون اقتصاد ملی، سازمانهای غیر دولتی، انکشاف دهات... ولسی جرگه.
ناجیه ایماق وکیل منتخب ولایت بغلان، عضو کمیسیون دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی ولسی جرگه.

پلخمري يا پل ځمري مرکز ولایت بغلان کشور افغانستان است.



این شهر در تقاطع جاده جدید مزار شریف، کندوز و کابل قرار دارد. گرچه هم اکنون ظاهر صنعتی این شهر حفظ شده است، دارای کارخانه های نساجی، سیمان و زغال سنگ است. همچنین بخش زیادی از پل خمی به منازل سازمانی کارخانه ها تعلق دارد. بازار بزرگ عمومی (مندوی) پلخمی معروف است.



۲،۱۶،۳ ولایت بادغیس

بادغیس، ولایتی در شمال غربی افغانستان. این ولایت از شمال به جمهوری ترکمنستان و از جنوب و باختر به ولایت هرات و از خاور به ولایت های فاریاب و غور محدود است. مساحت بادغیس حدود ۲۳ هزار کیلومتر مربع، و مرکز آن شهر قلعه نو است. دارای ۶ ولوسوالی است که شهرستان های قادس، جوند، مرغاب و کشک کهنه در این ولایت قرار دارند. بادغیس نامی است کهن و در یشتها از آن با عنوان وائیتی گئس، نام دوازدهمین کوهی که در زمین پدیدار گشته، یاد شده است.



این واژه اوستایی در بندهش به صورت وادگس یا وادگس آمده است. بادغیس کوهی است در مرزهای بادغیسان و آنجا ناحیه ای است پر دار و درخت. یاقوت بادغیس را محل وزش بادهای بسیار معنا کرده است و اصل آن را بادخیز می داند.

۲،۱۶،۳،۱ جغرافیای طبیعی

بادغیس یا بادغیسات، ناحیه ای در شمال غربی افغانستان و شمال شرقی ولایت هرات میان هریرود و قسمت علیای رود مرغاب . امروز آن ناحیه در تقسیمات کشوری افغانستان «حکومت کلان بادغیسات» خوانده می شود. از شمال به جمهوری ترکمنستان ، از مشرق به فاریاب ، از جنوب شرقی به غور و از جنوب و مغرب به هرات محدود است. بادغیس منطقه ای است کوهستانی با گردنه های بسیار که ارتفاعات عمده آن در مشرق قرار دارد و در دامنه های آن آب فراوان یافت می شود. قسمت شرقی آن جنگلی است و مرغزارهای وسیع دارد، و در برخی از مناطق آن نیزارهایی دیده می شود. اراضی آن با رودهای مرغاب ، کوشک و قلعه نو آبیاری می شود.

بادغیس از دیرباز منطقه ای عشیره نشین بوده است ، و اهالی آن به دامداری اشتغال دارند. از فرآورده های دامی گُرک، پوست گوسفند قره گل و پشم دارد. محصولات مهم زراعی آن غلات ، پسته و زیره است ، که برخی از آنها صادر می شود. مرکز بادغیس ، شهر قلعه نو تقریباً در ارتفاع 915 متری در حدود ۱۲۹ کیلومتری شمال شرقی هرات قرار گرفته و اطراف آن را کوههای بلندی احاطه کرده است .

کوه خاکی ، کُتل بند خره بادرختان پسته به نام «پسته لیق» در مشرق آن و کوه زرمست و کوه کتل سبزک و کتل یخک پوشیده از درختان ارچه (به نام «ارچه لیق») در قسمت غربی آن قرار دارد . قله های این کوهها اغلب پوشیده از برف است و دریاچه های



کوچک دهستان ، چکو، لامان ، مقر، خارستان و باغک در کوهستانهای آن دیده می شود. در پیرامون قلعه نو دهکده های متعددی قرار گرفته است .

بادغیس ولایتی است که از راه ارتباطی کافی کم بهره است و آب کافی ندارد. به همین خاطر کمترین جمعیت (جمعیت نسبی) را در افغانستان دارد و درجه رشد و توسعه این ولایت در پائین ترین سطح است. در ۹ شهریور ۱۳۴۷، زمین لرزه سختی ، به شعاع بیش از ششصد کیلومتر، سراسر این منطقه را لرزاند.

قلعه نو در سمت راست دره ای به پهنای هشتصد متر قرار گرفته که قلعه بزرگی (در دهستان قلعه نو) محیط قلعه بین حدود ۳۶۵ تا ۴۵۷ متر، با دو دروازه در شمال و جنوب ، دارد و با خندقی محصور شده است . درون این قلعه ، ارگ ، و در بیرون آن ، بازار کوچکی دیده می شود که در سابق سی دکان داشته ، و در حوالی قلعه هشتصدخانه پراکنده دیده می شد. در این قلعه ، بر بالای تپه بزرگی به نام قلعه کوه نریمان ، زیارتگاهی است به نام امامزاده اصغر. همچنین زیارتگاههای خواجه عبدال در کوهستان لامان و خواجه ابوالقاسم در ده خارستان قرار دارد.

از مشاهیر بنام بادغیس ، حنظله بادغیسی * و احمدین عبدالله خجستانی * را می توان نام برد.

۲،۱۶،۳،۲ تاریخچه بادغیس

بادغیس در زمان ساسانیان در قلمرو آن دولت بوده است و پس از آنکه به روزگار خسرو اول انوشیروان سرتاسر ایران به چهار بخش تقسیم شد، بادغیس نیز جزو مناطق چهارده گانه خراسان درآمد و حکمران آن یکی از چهار مرزبان خراسان، و ملقب به برازان بود.



همچنین بادغیس یکی از نواحی اسقف‌نشین ایران در زمان ساسانیان به شمار می‌رفت. این ناحیه به سبب واقع شدن در مرزهای شمال شرقی امپراتوری ساسانیان، در معرض تهاجم ترکان و هپتالیان قرار داشت.

بادغیس جز قلمرو هپتالیان محسوب می‌گردید که در مقابل پیشروی سپاه اسلام به سرکردگی نیزک طرخان ایستادگی زیادی کردند.

بادغیس در سال ۳۰ق/۶۵۱م به روزگار عثمان، توسط سپاهی که عبدالله بن عامر بن گریز به فرماندهی اوس بن ثعلبه و یا به قولی خلید بن عبدالله حنفی به هرات فرستاده بود، به صلح بر روی سپاهیان اسلام گشوده شد. نواحی شرقی خراسان و از جمله بادغیس از زمان فتح، در ناآرامی به سر می‌برد و این ناآرامیها در سالهای آخر خلافت خلیفه چهارم که اعراب خود گرفتار جنگهای خانگی بودند، بیش از پیش چهره می‌نمود.

در سالهای نخست خلافت معاویه، مردم بادغیس و دیگر نواحی خراسان به سرکشی باقی بودند، ولی با اقدامات نظامی والیان خراسان، مردم بادغیس تسلیم شدند و موقتاً آرام گرفتند، اما در سال ۵۱ قمری بار دیگر برضد اعراب شوریدند و از مسلمانی به در شدند. شداد بن خالد اسدی بر ایشان تاخت و بسیاری از مردم بادغیس را کشت و عده‌ای دیگر را به بردگی برد و قیام بادغیسیان را سرکوب نمود.

در اواخر دوره امویان و اوایل خلافت بنی عباس، به‌آفرید در خراسان دعوی پیامبری نمود. تعلیمات او موجب نا خرسندی موبدان زردشتی و مسلمانان منطقه گردید و سرانجام در حالی که با پیروان خود در کوههای بادغیس پناه بسته بود، توسط عبدالله بن سعید از امرای سپاهیان ابومسلم دستگیر، و به نیشابور برده شد و در آنجا به قتل رسید.



نارضایی مردم بادغیس از عمال حکومت، این منطقه را در سده‌های نخستین هجری مبدل به پناهگاه مناسبی برای هواداران جنبشهای ضد دستگاه خلافت نموده بود و بادغیس از جمله پایگاههای خوارج در بیرون از سیستان بود که شمار قابل ملاحظه‌ای از آنان در آنجا به سر می‌بردند. در سال 257ق/871م یعقوب لیث صفاری برضد خوارج بادغیس، به این ناحیه لشکر کشید. عبدالرحمان خارجی، رهبر خوارج در برابر او تاب نیاورد و تسلیم وی گشت.

در سده‌های نخستین اسلامی بادغیس از نواحی آباد خراسان و دارای 300 روستا و 8 شهر به نامهای جبل فضا، کوفه، کوغناباد، بُست، جادوی، کابرون، کالوون و دهستان بوده است. بادغیس از نظر وسعت، از مهم‌ترین کوره‌های نه‌گانه خراسان به‌شمار می‌رفت. بزرگ‌ترین و آبادترین شهر بادغیس در قرن چهارم هجری، دهستان بوده، ولی مسکن و مقر والی بادغیس شهر کوغناباد بوده است. بادغیس در یورش مغولان به ایران در نهایت آبادی و عمران بوده، و برخی از شهرهای آن حدود 20 تا 30 هزار تن جمعیت داشته است. هنگامی که لشکریان چنگیز به خراسان رسیدند، در بادغیس کشتاری عظیم کردند. مراتع سرسبز بادغیس که برای زندگی چادرنشینی بسیار مناسب بود، توجه مغولان را برای استقرار در آنجا جلب کرد، چنانکه بافت جمعیتی این منطقه را دگرگون ساخت. در سده 10ق شمار قابل توجهی مغول در این منطقه زندگی می‌کردند. بادغیس در سده 9ق بار دیگر روی به آبادانی گذاشت، به گونه‌ای که همسایگی بادغیس برای هرات موهبتی به شمار می‌آمد؛ زیرا از این منطقه چوب برای خانه‌سازی و سوخت و سوز، و همچنین پسته و محصولات کشاورزی، اسب، گوسفند و چهارپایان دیگر به هرات صادر می‌شد. از زمان تیموریان مرکزیت بادغیس به شهر قلعه‌نو انتقال یافت و در روزگار صفویان بادغیس ناحیه‌ای از هرات به شمار می‌آمد.

در قرن یازدهم هجری ابدالیهای افغانی به حوالی هرات آمدند و در بادغیس ییلاق نشین شدند. بعدها این مهاجرت یکی از دلایل جدایی هرات و بادغیس، به یاری انگلیسیها، از ایران شد. در 1011 شاه عباس اول برای دفع فتنه ازبکان وارد ییلاق بادغیس شد.



وی با سیصد عرابه توپ از بادغیس به سوی ماروچاق حرکت کرد. در ۱۰۱۵ ازبکان به قصد تصرف بادغیس، به خراسان حمله کردند ولی بر اثر بارش برف سنگین ناگزیر عقب نشستند. اما در ۱۰۳۰ توانستند بادغیس را تصرف کنند و تنی چند از طایفه شاملو را که در آنجا بودند، اسیر کردند و به قتل رساندند.

در ۱۰۴۰، ازبکان باردیگر قصد بادغیس کردند اما از قزلباشها شکست خوردند و پس از اسارت سیصد تن عقب نشستند. شاه عباس دوم پس از گشودن قلعه بُست وارد شد و دارالسلطنه هرات و بادغیس در آنجا اقامت گزید. در ۱۱۲۸ با سقوط و کشتار قزلباشها در اندک زمانی توابع هرات تا سرحد سیستان و از سمت شمال از بادغیس تا حوالی آب مرغاب به تصرف افغانها درآمد.

در ۱۱۵۳ نادر از قندهار، از راه هرات و بادغیس، برای جنگ با ازبکان که بخارا و خوارزم را تسخیر کرده بودند، حرکت کرد. در ۱۲۳۲ در دوره فتحعلیشاه هنگامی که شجاع السلطنه به بالامرغاب هرات می رفت در قلعه نو توقف کرد. قلعه نو از دیرباز مسکن قدیم قوم هزاره بود که در آن دوره بیش از ۱۰۰،۰۰۰ خانه داشت. (این قلعه نو با قلعه نو مرکز بادغیس نسبتی ندارد) شجاع السلطنه هرات را محاصره و با هزاریها سخت جنگید. سرانجام پس از مصالحه، شجاع السلطنه از محاصره هرات دست برداشت و خوانین هزاره (بنیاد خان و نصیرخان و لطفعلی خان) پس از فتح محمودآباد به بادغیسات گریختند.

در ۱۲۵۳ که محمدشاه برای محاصره هرات رهسپار شد، آصف الدوله را مأمور خواباندن شورش بادغیسات کرد. در ۱۲۷۲ شاهزاده محمد یوسف ابدالی هفتصد خانوار باخرزی را که شیر محمد خان هزاره از باخرز به بادغیس برده و یارمحمدخان به هرات آورده بود به باخرز بازگرداند.

در ۱۲۷۳ شاهزاده شورش حکام هرات را که مشوق آنان بود دوست محمد خان امیرکابل بود درهم شکست و در ارگ آن ساکن و در مسجد جامع هرات به نام شاهنشاه ایران خطبه ای خوانده شد. پس از محاصره هرات و ورود انگلیسیها به خارک و بوشهر، که در ۲



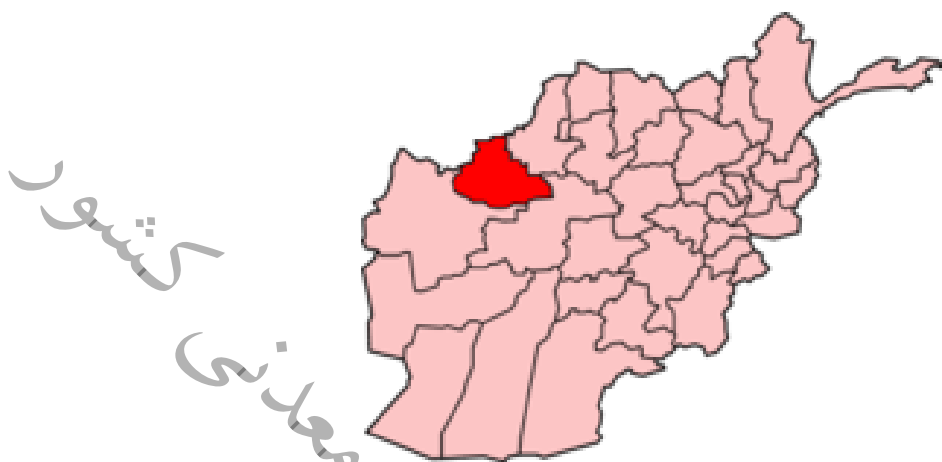
مه ۱۸۵۷ به امضای معاهده پاریس انجامید، طبق ماده پنج آن ایرانیان از هرات صرفنظر کردند، و از آن پس هرات و توابع آن از جمله بادغیس از ایران جدا شد.

تا زمان تقسیم بندی اداری، سیاسی افغانستان در سال ۱۹۶۲ بادغیس جزء قلمرو هرات بود. تا پیش از شروع جنگهای داخلی افغانستان، بادغیس اهمیت و ثروت خود را از دست نداده بود و از آنجا محصولات کشاورزی، پشم، پوست قره گل، پسته، کرک و زیره سبز، سیاه و سفید به دیگر جاها صادر می شد.

قلعه نو مرکز ولایت بادغیس در شمال غرب افغانستان است.

قلعه نو بزرگترین نقطه مسکونی ولایت بادغیس است و در پهنای یک تپه در شمال بند بادغیس (سپید کوه) واقع شده است. قلعه نو در کنار جاده های قادس و کشک که از راه تجارتی هرات - میمنه جدا می شوند، واقع است.

در سال ۱۸۶۳ این محل ویرانه ای بود که از برج و باروی قدیمی و چند چادر عشایری ایماق ها تشکیل میشد. در سال ۱۸۷۸ حصار نو بر قلعه کشیده شد و در سال ۱۹۰۲ شهر دارای استحکامات بیشتری با (۳۰ در بند دکان) و تعدادی خانه بود. خشکسالیهای ۷۱-۱۹۷۰ تأثیر شدیدی بر اقتصاد مردم گذاشت و تعدادی خانه هایشان را فروختند. به تدریج شهرنشینی از نقاط مختلف بادغیس به قلعه نو گسترش یافت و در سال ۱۹۷۳ شهر قلعه نو دارای ۴۴۸ دکان و یازده کاروانسرا بود و همینک طبق آمار غیر رسمی نزدیک به هشتصد دربند دکان در قلعه نو موجود است. آمار رسمی در سال ۱۹۷۳ نشان می دهد که قلعه نو در این سال دارای ۳۰۶ ساختمان مسکونی و سه هزار جمعیت بوده است.



۲،۱۶،۴ ولایت بلخ

ولایت بلخ، به مرکزیت مزار شریف از استان‌های کشور افغانستان است. مساحت آن ۱۲،۵۹۳ کیلومترمربع، و داری جمعیتی قریب به ۶۱۰،۰۰۰ نفر است.

فعلا شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ بوده و در ۲۵ کیلومتری غربی این ولایت ولسوالی (شهرستان) بلخ زادگاه بزرگ مرد عرفان و اندیشه اسلامی حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی قرار دارد. درین شهرستان دهی به نام پدر مولانای بزرگ قرار دارد که بهاءالدینیش خوانند و در ۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بلخ قرار دارد. نام این ده در سیاست پشتوسازی حکومت به "شیپوله" تغییر یافته است .



بلخ ولایت تاریخی ، متمدن و معروف افغانستان است . اثار و ابدات تاریخی آن به عظمت این ولایت افزوده است . بلخ در اثر تهاجم و حملات وحشیانه ۲۲ بار اشغال و تخریب گردیده و چندین مرتبه نفوس بلخ قتل عام گردیده و سوختانده شده .

۲,۱۶,۴,۱ ولسوالی های بلخ

مرکز ولایت (مزار شریف)

ولسوالی دهدادی

ولسوالی نهر شاهی

ولسوالی مارمل

ولسوالی خلم

ولسوالی کلدار

ولسوالی شور تپه

ولسوالی دولت اباد

ولسوالی بلخ



ولسوالی چاربولک

ولسوالی چمتال

ولسوالی شولگره

ولسوالی چارکنت

ولسوالی کشنده

ولسوالی زاری

چمتال، آقکپیرک، چهاربولک، نهرشاهی، خلم که حالا موسوم به تاشقرغان می باشد، چارکنت، حیرتان که بندر تجارتي بزرگی میان افغانستان و آسیای میانه می باشد.

مزار شریف مرکز ولایت بلخ در شمال افغانستان موقعیت داشته و از جمله پنج شهر عمده افغانستان (کابل، هرات، قندهار و جلال آباد) میباشد.

این شهر را برای آن مزار شریف می خوانند که به عقیده اهالی آن، علی، امام اول شیعیان، در این شهر مدفون است. مزار شریف تقریباً در ده کیلومتری شرق شهر باستانی بلخ است.



در عصر شاهرخ شاه تیموری، به همت همسرش گوهرشاد بیگم، در این شهر مزار بزرگی تعمیر گشت که هنوز هم پابرجا است. در این مزار کتابی است به نام تاریخچه روضه شریف که در آن آمده است که این محل، مزار علی است. همچنان بر روی یکی از دروازه‌های شهر (برروی دروازه ورودی جنوبی این مزار) شعری از عبدالرحمن جامی حک شده، که چنین است: «گویند که مرتضی علی در نجف است / در بلخ بیا ببین چه بیت الشرف است / جامی نه عدن گوی و نه بین الجبلین / خورشید یکی و نور او هر طرف است».

همچنان هر سال در نوروز در مزار شریف جشن بر پا می‌شود، که به نام میله گل سرخ مشهور است. و این جشن ۴۰ روز دوام می‌کند. مزار شهر زیبای است همه ساله مردم از تمام افغانستان در ایام سال نو به این شهر می‌ایند و سال نو را جشن می‌گیرند و با برافراشتن ژنده (پرچم) روضه شریف سال نو را آغاز می‌کنند. مزار شریف ۴۲۵ کیلومتر از کابل فاصله دارد.

۲،۱۶،۴،۲ پیشینه تاریخی بلخ:

بلخ تا زمان آغاز ویرانی خویش بدست اعراب متجاوز در زمان خلافت عثمان بن عفان، خاستگاه خرد و تمدن بوده است و مرکز شاهان و فرهیختگان. دقتی بلخی، به بلخ صفت {گزین} قایل می‌شود. گزین معنی برگزیده، پسندیده شده و انتخاب شده را می‌دهد. برگزیدگی بلخ بنا به روایت اوستا و ویدی از سوی اهورامزدا یعنی خداوند است.

بگونه ای که در اوستا بلخ را (بخدیم سریر ام) یعنی {بلخ زیبا} و در ادب پهلوی بلخ بامیک آمده است یعنی {بلخ درخشان}، فرخی سیستانی بلخ بامی می‌گوید و مسعودی در مروج الذهب بلخ را بلخ الحسنا می‌ستاید. و چنانکه الهامهء مفتاح مینویسد



اعراب در دوره پیش از اسلام بلخ را (معشوقه) نام نهاده بودند. سید ابوالقاسم سمرقندی در کتاب تاریخ بلخ این مادر شهر را چنین وصف می کند: بلخ در اول وضع برخ بوده است و برخ بهره و نصیب باشد، و بامی منسوب بود به بام و بام مکان مرتفع باشد. یعنی مملکت و پادشاهی بلخ از رفیع ترین انحاء ملک است.

مسعودی در مروج الذهب از بلخ چنین یاد می نماید: هفت خانه در مقابل بیت الحرام شناخته شده که خانه چهارم، نو بهار است که منوچهر در بلخ به نام (ماه) بنا کرد.

اعراب که بلخ به وسیله آنان ویران شده است گاهی نتوانستند حقایقی را در مورد بلخ بیان نکنند، و شاید خواسته یا نا خواسته بر رد باور های تازیان بعد از اسلام می پردازند. مثلاً در باره بانی بلخ واعظ بلخی از قول ابوذر غفاری نقل می کند که: دو شهر اند که جبرئیل بر پر مبارک خویش بر دارد، آن شهر ها را با اهالی وی، و این دو شهر را به بیت المقدس بر ساند. و آن دو شهر یکی به مشرق است و دیگری به مغرب است، آنکه به مغرب است طرابلس است، و آنکه به مشرق است، شهر بلخ است. واعظ بلخی که در قرن هشت هجری می زیسته در کتاب فضایل بلخ می نویسد: و گویند که شهر بلخ بنا کرده قابیل کشنده هابیل است و مرقد و مشهد هابیل در موضعی است که آن را میدان گشتاسب می خوانند که اگر شرف و بزرگی تربت پاک او نبود، صاعقه عذاب از دیر باز بر این شهر نازل می گشت، و لیکن خداوند این شهر را به برکت آن روضه بزرگ از بلا دفع می گرداند.

به اتفاق ارباب تواریخ، اول کسی که پادشاهی کرد و آئین شاهی به جهان آورد، کیمرث بود و مغان گویند او آدم است و گویند بنیاد شهر ساختن، او نهاد و شهر بنا کرد، هزار سال بزیست و در حیات خود پادشاهی به نبیره خود هوشنگ پسر سیامک داد که پادشاهی عادل بود و عجم گویند که پیغمبر بود. از سنگ، آهن بیرون آورد و سلاح ساخت و طریق زهد داشت. در حالت



سجود دیوان او را هلاک کردند. طهمورث پسر او آن دیوان را هلاک کرد و در مقام ایشان شهری ساخت، گویند آن شهر بلخ است.

در لغت نامه دهخدا آمده است که: بلخ شهری بزرگ است [به خراسان] و خرم و مستقر خسروان بوده است اندر قدیم و اندر وی بناهای خسروان است با نقشها و کارکردهای عجیب و ویران گشته. آن را نوبهار خوانند و جای بازرگانان است و جایی بسیار نعمت است و آبادان، و بارکده هندوستان است و او را رودیست بزرگ از حدود بامیان برود، و به نزدیک بلخ به دوازده قسم گردد و به شهر فرود آید، و همه اندر کشت و برز روستاهای او بکار شود، و از آنجا ترنج و نارنج و نیشکر و نیلوفر خیزد، و او را شهرستانی است با باره محکم و اندر ربض او بازارهای بسیار است. نام شهری است مشهور از خراسان و آن از شهرهای قدیم است و همچو استخر فارس و آنرا قبة الاسلام خوانند و لقب آن بامی است، گویند برامکه از آنجا بوده‌اند. شهری است مشهور که از بناهای سلاطین قدیم عجم بوده و سالها لهراسب و گشتاسب در آنجا زیستند و در آنجا آتشکده ساخته بوده‌اند. و آن را نوبهار خوانده‌اند. و همچنان که مرو را مرو شاه‌یجان گویند آنرا بلخ بامیان گفتند، بلخ را دوازده نهر بوده است و هر نهری رستاقی، و از جمله دوازده نهر یا رستاق، نهر غربیکی است که قریه شامستیان مولد ابوزید بلخی احمد بن سهل بدانجا است.

مردم بلخ تا زمان مؤلف ذخیره خوارزمشاهی (نیمه اول قرن ششم هجری) به فارسی تکلم می‌کرده‌اند. رجوع به ریش بلخی و پشه گزیدگی در ذخیره خوارزمشاهی شود. شهری است مشهور در خراسان، و در کتاب ملحمة منسوب به بطلمیوس چنین آمده است: طول بلخ یکصد و پانزده درجه و عرض آن سی و هفت درجه است و آن از اقلیم پنجم می‌باشد. طالع آن بیست و یک درجه از عقرب زیر سیزده درجه از سرطان، و در مقابل آن مثل آنست از جدی، و بیت ملک آن مثل آنست از حمل، و عاقبت آن مثل آن است از سرطان. و آن را در اقلیم پنجم دانند، و اولین سازنده آن را لهراسب شاه نوشته‌اند. و برخی سازنده آن را اسکندر دانند و



گویند در قدیم اسکندریه نامیده می‌شد. بلخ تا ترمذ دوازده فرسخ فاصله دارد و رود جیحون را نهر بلخ نیز نامیده‌اند. بلخ را احنف

بن قیس از جانب عبدالله بن عامر بن کریز، در عهد عثمان بن عفان فتح کرد.

در قدیم ایالت معروف و بزرگی بوده در خراسان، بر سر راه خراسان به ماوراءالنهر. اکنون شهری کوچک است که تقریباً دوازده هزار

تن جمعیت دارد و در شمال افغانستان واقع است، و قسمتی از آن ایالت جزو خاک افغانستان و قسمت دیگر جزو ترکستان شوروی

می‌باشد. (فرهنگ فارسی معین). و آن را باختر یا باختریش نیز می‌نامیدند. رجوع به باختر و باختریش شود. دهکده‌ایست در دل

افغانستان حالیه که در ایام باستانی و در قرون وسطی شهری مهم و مرکز ناحیه بلخ (مطابق باکتريا) و بر رود بلخ که اکنون خشک

است واقع بود.

در زمانهای پیش از اسلام بلخ از مراکز دین بودائی و محل معبد معروف نوبهار بود، و در دین زردشتی نیز اهمیت داشت. اولین

حمله مسلمانان به بلخ در سال ۳۲ هـ. ق. بسرکردگی احنف بن قیس بود. در سال ۴۳ هـ. ق. دگر بار بتصرف مسلمانان درآمد ولی در

زمان قتیبۀ بن مسلم (متوفی بسال ۹۶ هـ. ق.) بود که کاملاً مقهور آنان شد. در سال ۱۱۸ هـ. ق. اسدبن عبدالله قسری کرسی

خراسان را از مرو به بلخ منتقل کرد و این شهر رونق یافت. در سال ۲۵۶ هـ. ق. این شهر بتصرف یعقوب لیث صفاری درآمد. در سال

۲۸۷ هـ. ق. عمرولیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل بن احمد سامانی شد و بقتل رسید و بلخ تحت حکومت سامانی درآمد. در

سال ۴۵۱ هـ. ق. سلجوقیان تصرفش کردند و در سال ۵۵۰ هـ. ق. بدست ترکان غز ویران شد. در سال ۶۱۷ هـ. ق. با وجود اینکه بلخ

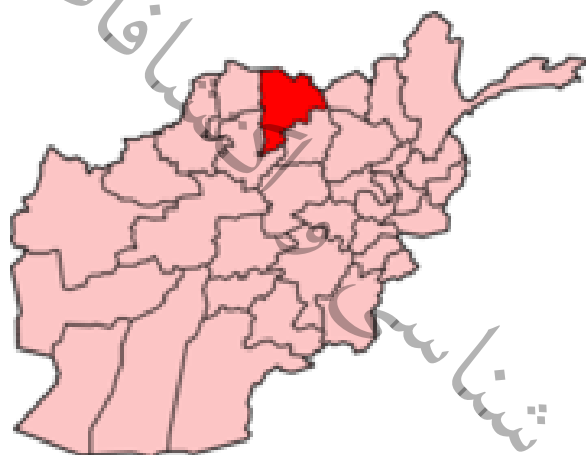
تسلیم چنگیز مغول شد، مغولان آن را ویران کردند و مردمش را قتل عام نمودند. در دوره تیموریان تا اندازه‌ای شکوه گذشته را

بازیافت ولی پس از بنای مزارشریف در بیست کیلومتری آن، بلخ روبه انحطاط گذاشت. در اواسط قرن هیجدهم میلادی بلخ بتصرف

افاغانه افتاد و از سال ۱۸۴۱ م. در تصرف آنها مانده است. خرابه‌های بلخ قدیم اکنون ناحیه وسیعی را اشغال کرده است.



از بلخ تا به ری سیصد و پنجاه فرسنگ حساب کردم. (سفرنامه ناصر خسرو ص ۳). از بلخ تا میافارقین، ... پانصد و پنجاه و دو فرسنگ بود. (سفرنامه ص ۸). از بلخ تا بیت المقدس هشتصد و هفتاد و شش فرسنگ است. (سفرنامه ص ۲۴). تا همه لشکرهای ایران به دشت شاه ستون از اعمال بلخ جمع آیند. (فارسنامه ابن بلخی ص ۴۵). و خرزاسف هزیمت شد و وشتاسف پیروز باز بلخ آمد. (فارسنامه ص ۵۱). (و پارس دارالملک اصلی بود و بلخ و مداین هم بر آن قاعده دارالملک اصلی بودی. (فارسنامه ص ۹۸).





۲,۱۶,۵ ولایت بامیان

۲,۱۶,۵,۱ موقعیت جغرافیایی ولایت بامیان

ولایت بامیان به مرکزیت شهر بامیان از ولایت‌های مرکزی کشور افغانستان است. مساحت آن ۱۷,۴۱۴ کیلومتر مربع می باشد. ولایت بامیان در ۱۹۰ کیلومتری شمال غرب کابل و در دامنه شمالی سلسله جبال (بابا) قرار دارد. این سرزمین جزء مرتفع ترین نواحی مرکز افغانستان محسوب می شود. ولایت بامیان دارای هفت ولسوالی (شهرستان) به نام های یکاولنگ، سیغان، کامرد، شیبیر، مرکزی، پنجاب و ورس می باشد.

تعداد نفوس این ایالت طبق احصائیه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۳۷۱۹۰۰ نفر اعلام گردید. در حالیکه جمعیت آن بر اساس برآوردهای دهه ۱۹۸۰ میلادی، ۲۸۱,۰۰۰ نفر بوده است.

از این تعداد نفوس حدود ۸۵٪ اهل تشیع و بقیه آن را اهل تسنن و دیگر اقلیت های مذهبی تشکیل می دهد. از نظر وضع اقلیمی، بامیان دارای زمستان بسیار سرد و برف گیر و در فصل بهار و تابستان بسیار خوش آب و هوا و سرسبز می باشد. ساکنان اصلی این ولایت را هزاره ها تشکیل میدهد که البته حدوداً ۳ الی ۵ درصد دیگر تاجیک نیز میباشد و کاملاً به زبان فارسی دری و با لهجه هزارگی صحبت میکنند و اهل تشیع میباشد.



بامیان یکی از شهرهای کهن و تاریخی ایران و افغانستان امروزی محسوب می‌گردد. وجود پیکره‌های تخریب شده بامیان) توسط طالبان در سال ۲۰۰۰ میلادی تخریب شد)، شهر غلغل، شهر ضحاک و بند امیر این شهرها به یکی از مراکز مهم توریستی افغانستان تبدیل نموده بود.

همچنین وجود صدها اثر باستانی و تاریخی بویژه (جای خالی) دو مجسمه غول پیکر (سلسال) با ۵۳ متر ارتفاع و (شهمامه) با ارتفاع ۳۵ متر و با قدمت ۲۸۰۰ ساله توجه هزاران توریست و جهان گرد را به خود جلب می‌نماید و از اقصی نقاط جهان سیاحان را به سوی این دیار رهنمون می‌شود.

ولایت بامیان یکی از نقاط تاریخی و کهن و همچنین دارای مناظر و طبیعت زیبا است. عنوان «تنها پارک ملی افغانستان» بیان گر اهمیت و استراتژی جغرافیایی منطقه بند امیر می‌باشد. که بند امیر در ۷۵ کیلومتری شمال غرب ولایت بامیان و در ۳۴ کیلومتری و لسوالی یکاوانگ قرار دارد. ساحه پارک ملی بند امیر ۷۵۰۰۰ هکتار زمین را شامل می‌شود. ارتفاع ناحیه مذکور از سطح دریا ۲۹۰۹ متر است. که در طول البلد ۲۲-۱۱-۶۷ شرقی و عرضی البلد ۱۹-۴۹-۳۴ شمالی و در میان سلسله جبال هندوکش و بابا قرار دارد.

۲,۱۶,۵,۲ گذشته تاریخی بامیان

در اوستا و همچنان در بندهشن در زبان پهلوی به شکل بامیگان آمده است. مجسمه‌های بودا که بلندترین مجسمه‌های جهان محسوب می‌گردید از یادگارهای دینی دوره کانیسکا از امپراتوران کوشانی به حساب می‌آید. هیوان تسنگ زایر چینی در سالهای



۶۰۰ قبل از میلاد از آن ناحیه گذشته است از بتهای بامیان چنین یاد می کند که اشعه زرین از آن می تابد و احجار قیمتی و زیور آلاتش چشم را خیره می سازد.

در دوره اسلامی بامیان یکی از شهرهای مهم و آباد خراسان و مرکز شیران بامیان محسوب می شود. اما در قرن هفتم هجری بر اثر حمله مغول همانند اکثر شهرهای خراسان به خاک یکسان می گردد. جوینی می گوید: و به بامیان رسیدند ارباب آن از باب مخاصمت و مقاومت در می آمدند ... ناگاه از شست قضا که نای کلی آن قوم بود تیر چرخ که مهلت نداد از شهر بیرون آمد به یک پسر جغتای رسید که محبوبترین احفاد چنگیز خان بود. با مرگ آن پسر چنگیز فرمان داد تا هر جانور که باشد از بنی آهم تانواع بهایم بکشند و کشتند و حتی بچه در شکم مادر نگذاشتند و بامیان را «موبلغ» (یعنی شهر بد) نام نهادند. قدمت و شکوه مجسمه های بودا در بامیان ایجاب میکند که این آثار در ردیف عجایب هفت گانه جهان قرار گیرد.

۲،۱۶،۵،۳ بامیان در دوران حکومت طالبان

در دوران حکومت شش ساله طالبان، این ایالت متحمل آسیب های غیر قابل جبران و مضرات غیر قابل توصیف گردید. مهاجرت مردم، آتش زدن خانه ها، تخریب اماکن فرهنگی، نابودی کتاب خانه ها و کتب دینی، کشتار دسته جمعی مردم بی گناه و بی دفاع این سرزمین از شاخصه های بیداد و ستم طالبان به حساب می آید.

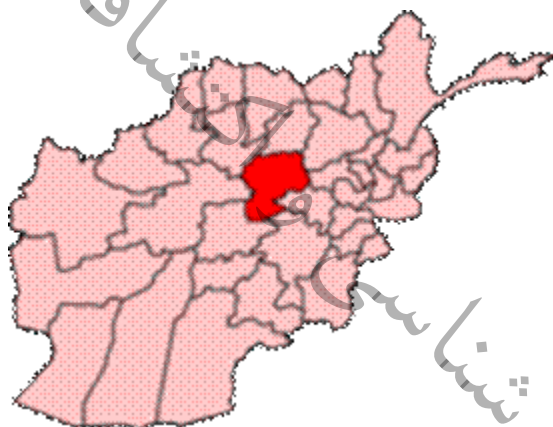


ولسوالی ورس در منتهی الیه جنوب غربی شهر بامیان قرار دارد و آب و هوای آن سرد و خشک است ورس دارای دهکده های متعدد

است از جمله: تخت ورس، قول مسعود، تنگ زردگ، سنب الاق، قوناق، جوقول، سرو، کوسه، بریکی، لیگان و قفقول.

مردم ورس هزاره و شیعی مذهب هستند و به زبان فارسی دری گویش هزارگی تکلم می کنند.

برک هزارگی که جامه ای زمستانی است و از کرک گوسفند تهیه میشود در بهترین نوع خود از صنایع دستی ورس است.





۲,۱۶,۶ ولایت دایکندی

دایکندی یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. دایکندی پیشتر یکی از شهرستان های ولایت آروزگان بود ولی در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۴ به عنوان یک ولایت جداگانه تشکیل شد. مرکز این ولایت شهر نیلی است. در حال حاضر شاروال دایکندی اولین زن شهردار افغانستان خانم عذرا جعفری می باشد.

دای به معنی قبیله یا سرزمین و بزرگ و با مردم به کار می رفته است. چنانکه در نامهای ترکی مغولی به صورت پسوند و یا پیشوند در نام اشخاص استفاده می شده است. در لهجه هزارگی دی معنای زیاد، بسته، یکجایی و خرمن را می رساند. ولایت جدید التأسیس دایکندی در مرکز افغانستان موقعیت دارد و با ولایات بامیان، غور، غزنی، ارزگان و هلمند متصل می باشد. این ولایت، در مدار عرض البلد ۳۳۵۵۰۰ و طول البلد ۲۵۵۵۰۰ واقع است و ۲۴۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. این منطقه دارای آب و هوای متنوع، گرم و سرد، ارتفاعات و پستی های اندک و جلگه های سر سبز و به طور مجموع کوهستانی است و یکی از محروم ترین و صعب العبور ترین نقطه ی کشور می باشد با وجود کوهستانی بودن مناطق مختلف این ولایت نمی توان حتی یک متر جاده موتر رو آسفالت پیداکرد، هیچ پل برای عبور و مرور این مردم تا کنون ساخته نشده است و اگر در بعضی از مناطق این ولایت سرک موتر رو و آن هم به صورت بسیار محدود وجود دارد، توسط خود مردم و اهالی منطقه با امکانات محدود و به صورت غیر استاندارد و بدون رعایت مسایل ایمنی ساخته شده و هر از چند گاهی نیاز به تعمیر دارد این نبود کمترین امکان ارتباط و راههای مواصلاتی بین مناطق مختلف این ولایت و همچنان با ولایات هم جوار و مرکز کشور خود علت مزید بر فقر و نابسامانی این مردم است و در زمستان به مدت ۶ ماه راهها به روی این مردم بسته است.



به صورت کل، باید گفت که مردم دایکندی از هر گونه امکانات رفاهی، تحصیلی و آموزشی، بهداشتی، امور درمانی که منجر به بی سوادی مطلق فقر شدید، شیوع بیماریها ی مختلف، افزایش مرگ و میر مادران بوده، در طی سالیان متمادی هیچ گونه توجهی از طرف دولت های مختلف در این جا صورت نگرفته است. وجود جنگها و نبود دولت مرکزی در سالهای اخیر و عدم توجه حکمرانان و سلطه داران منطقوی به هیچ چیزی به جز منافع شخصی شان فکر نمی کردند.

دایکندی، دارای مساحت ۲۲۰۱۹ کیلومتر مربع و ۲۸۴۶ قریه و تعداد ۷۲۳۹۸۰ نفر نفوس می باشد و دارای ۹ ولسوالی. از لحاظ سیستم اداری و حکومتی این ولایت دارای ۹ واحد اداری است؛ یعنی، دارای ۹ ولسوالی است که مرکزیت آن در منطقه ی بادام خیز "نیلی" قرار دارد.

ولسوالیههای آن هر یک: نیلی؛ شهرستان، میرآمر، اشترلی، سنگ تخت و بندر، کیتی، کجران، و گیزاب است که البته تا هنوز ادارات دولتی اکثر نقاط ولایت غیر فعال است و به طور نمونه ولسوالی گیزاب فاقد اداره حکومتی است و دایکندی به لحاظ حضور نیروهای طالبان و وابستگان آن هنوز بر آن ولسوالی تسلط ندارد.

تعداد نفوس: از لحاظ جمعیتی و قومی: در این ولایت اقوام هزاره، پشتو و بلوچ ساکن می باشند که بالاترین نفوس را هزاره ها تشکیل می دهند.

از لحاظ وضعیت فرهنگی: این ولایت نا انکشاف یافته ترین و محروم ترین منطقه در کشور است. اکثر ولسوالیها، قرات فاقد مکتب، مدرسه و فضای آموزشی است و در دولت محترم فعلی و موسساتی چون DHSA , APEP و غیره هنوز هم صدها دختر و پسر این ولایت از نعمت درس خواندن محروم است. مقاطع تحصیلی متوسطه و لیسه در بعضی جاهای این ولایت موجود است؛



در مرکز ولایت بالاترین مقطع درسی تا صنف ۸ فعال است. البته، بهترین منطقه از لحاظ وجود فضای آموزشی در کل ولایت ولسوالی شهرستان است.

از لحاظ امکانات فرهنگی: اطلاع رسانی و حضور نهادهای مدنی باید گفت که این ولایت دارای یک رادیوی محلی با موج FM است که از مرکز ولایت را تحت پوشش قرار می دهد.

راههای مواصلاتی: از لحاظ راههای مواصلاتی و سرگ اکثر قرات، قصبات و ولسوالیها فاقد راههای مواصلاتی است. در طول سال به مدت ۵ ماه راههای مواصلاتی مرکز ولایت به پایتخت و ولسوالیها به مرکز ولایت و بالعکس باز است و سپس به خاطر صعب العبور بودن، برف، نبود پل و پلیچک قطع می شود.

طبی و بهداشتی: در مورد وضعیت صحتی این ولایت نیز قابل ذکر است ینکه بسته در تمام ولایت شاید ۵ یا ۶ کلینیک بیشتر موجود نباشد و دسترسی به دوا و درمان و امکانات طبی و بهداشتی برای اکثر باشندگان ولایت میسر نیست و به تازگی ریاست صحت عامه دایکندی دفترش را دایر کرده است که به خاطر عدم تخصیص امکانات چندان فعال نیست.

امنیتی: دایکندی به استثنای ولسوالی گیزاب به طور مجموع امن و آرام است و مردم روز و شب شان را با خیال راحت سپری می کنند و مشغول غریب کاری و زندگی شان است.

ولسوالی نیلی: به مرکزیت ولایت دایکندی دارای ۱۶۵ قریه و ۹۵۳۴۰ نفوس و به مساحت ۷۸۰ کیلومتر مربع مساحت می باشد که دارای آب و هوای معتدل و تقریباً گرم سیر می باشد.



ولسوالی خدیر: به مرکزیت خدیر دارای ۲۹۴ قریه ۱۹۲۰ کیلومتر مربع مساحت و دارای ۸۳۴۰۰ نفر نفوس که دارای آب و هوای نیمه معتدل دارد.

ولسوالی اشتر لی: ولسوالی اشتر لی به مرکزیت شیخمیران دارای ۳۴۳ قریه ۱۸۹۰ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۸۸۳۴۰ نفر نفوس می باشد و دارای آب و هوای نیمه معتدل می باشد.

ولسوالی سنگ تخت-بندر: ولسوالی سنگ تخت-بندر، به مرکزیت دهن "سیلبیتو" می بندر که دارای ۲۹۰ قریه ۱۰۹۵ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۷۸۹۰۰ نفر نفوس می باشد، این ولسوالی دارای آب و هوای سرد می باشد.

ولسوالی شهرستان: به مرکزیت القان دارای ۲۹۰ قریه و دارای ۴۶۵۳ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۷۲۴۵۰ نفر نفوس دارای آب و هوای نیمه معتدل می باشد.

ولسوالی میرا مور: به مرکزیت تگاب که دارای ۳۲۶ قریه و دارای ۱۹۲۱ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۸۸۴۰۰ نفر نفوس می باشد که دارای آب و هوای نیمه معتدل می باشد.

ولسوالی کجران: به مرکزیت کجران دارای ۳۲۶ قریه و دارای ۱۶۱۰ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۷۳۸۰۰ نفر نفوس می باشد، این ولسوالی دارای آب و هوای گرم سیر می باشد.

ولسوالی کیتی: به مرکزیت دشت کیسو، ۱۹۶ قریه و دارای ۱۶۱۰ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۶۴۹۰۰ نفر نفوس می باشد این ولسوالی دارای آب و هوای گرم سیر می باشد.



ولسوالی گیزاب: به مرکزیت "چونی" دارای ۱۲۶ قریه و ۴۲۴۰ کیلومتر مربع مساحت و به تعداد ۷۸۴۵۰ نفر نفوس می باشد و دارای آب و هوای گرم می باشد.

ولایت دایکندی یکی از ولایتهای پر نفوس افغانستان می باشد و ترکیب جمعیت از نظر جنسیت ۴۸ فی صد نفوس را اناث و ۵۲ فی صد نفوس را مردان تشکیل می دهد و از جایگاه سواد در حداقل قرار دارد. تعداد مرگ و میر در بین زنان و اطفال زیر ۵ سال فوق العاده بالاست و میانگین عمر در حدود ۶۰ سال است که این خود بیانگر آمار فوتی در بین مردم این ولایت است ۸۰ فی صد اراضی این ولایت کوهستانی است تا هنوز سروی دقیق از منابع زیر زمینی این ولایت صورت نگرفته است و بیشترین ترکیب جمعیت از نظر سنی بین ۱۰ تا ۳۵ سال تشکیل می شود، که این جمعیت جوان دارای قدرت و توان کار بوده؛ اما، با کمال تأسف، تا کنون هیچ گونه زمینه کار برای این جمعیت جوان فراهم نیست و اکثر این جوانان آواره ی دیار بیگانه گان است.





۲۰۱۶،۷ ولایت فراه

ولایت فراه نام ولایتی است در غرب افغانستان در مرز ایران. ولایت فراه از جانب شمال با ولایات غور و هرات و از جنوب با ولایت نیمروز و از طرف غرب با خط سرحدی محاط است و در جنوب شرقی آن ولایت هلمند افتاده است.

مرکز ولایت فراه به نام شهر فراه در جنوب فراه رود در دامنه کوهی به نام تکه موقعیت دارد. فراه در اعصار گذشته در حوزه ساکستان (سیستان) گاهی مرکز و زمانی جزء حوزه سیستان بوده از حیث تمدن و نفوس از بلاد معروف و معمور شناخته میشد. شهر قدیم فراه تقریباً به فاصله سه کیلو متر در جناح چپ فراه رود بر فراز تپه در دامنه شمالی کوه تکه با طرز ویژه ای آباد شده که از ابهت و عظمت گذشته آن دیوارهای مخروبه و خندقهای عریض و عمیق اطراف آن گواهی میدهد، در فراه سردابه ها و حوضهای پخته ای وجود دارد که قدامت آن را با مدنیت کهن آن برابر میگویند.

در ده کیلومتری مرکز فراه بر فراز کوه بچه ای خرابه قلعه ای بنام کافر قلعه موجود است و در بین آن «بر فراز همان کوه چاه عجیبی در دل سنگی حفر شده است چنانکه اگر پارچه سنگی در آب انداخته شود بعد از بیست پنج ثانیه صدای افتادن آن به گوش میرسد، تعمیر این قلعه و چاه را به کک کهزاد نسبت میدهند، برخی از مورخان و محققان فراه (فرادا) را مرکز زرنگیان یا زرنج هم میدانند.

حوزه جنوب غربی افغانستان در روز گاران کهن در نگیان (زرنج) و بعداً سکستانا (سیستان) یاد شده و شهر فراه نظر به موقعیت مهم خود حیثیت مرکز این حوزه را داشته است. نام کهن این حوزه بنابر موجودیت دریاچه ها و غدیر ها که اکنون هامون گفته میشود (هامون سابوری، هامون هلمند، گود زره در نیمروز) زره بوده است چه زره خود ریشه دریه و دریا است، از همین جا است



که این حوزه زرنگیان (زرنج) نامیده شده است. و بعد در حدود سده دوم قبل از میلاد وقتی که ساکها از شمال هندوکش به این حوزه مهاجرت کردند این جا ساکستان (سیستان خوانده شد.

مرکز این ولایت، شهر فراه است. شهر فراه از دو محله اصلی به نام یزدی و پشتو تشکیل شده است. گوبا در حدود زمان صفوی شخصی از یزد ایران و شخصی پشتوتبار هر یک قلعه‌ای در محل کنونی فراه بنیاد کردند که هنوز محلات مربوطه به تخلص ایشان نامیده می‌شوند.

ابونصر فارابی از مردم این شهر بود. که در قدیم به این شهر قلعه دآوری گفته می‌شده است. مردم این ولایت به زبانهای های دری و پشتو تکلم می نمایند .

نام ولایت فراه با ظهور ملالی جويا نماینده این ولایت در لویه جرگه قانون اساسی در مطبوعات داخلی و خارجی مطرح شد و سر زبانها افتاد.

در لغتنامه دهخدا آمده: فراه شهری است نزدیک به سبزوار هرات و از آنجاست ابونصر فراهی. طایفه ای از ملوک در آنجا حکمرانی کرده اند که با پادشاهان سیستان قرابت داشته اند. معین الدین [اسفزاری] نوشته است که در یک فرسنگی فراه کوهی است که آن را بارندک خوانند و در آن کوه طاقی سنگی است که همیشه از آنجا آب می چکد و مردم بدانجا به زیارت و طلب حاجت میروند.

ولایت فراه دارای ۱۱ ولسوالی‌ها می باشد که به شرح زیر است:



ولسوالی اناردره

ولسوالی بالابلوک

ولسوالی بکواه

ولسوالی پُرچمن

ولسوالی پشت‌رود

ولسوالی خاک سفید

ولسوالی شیب‌کوه

ولسوالی فراه

ولسوالی قلعه کاه

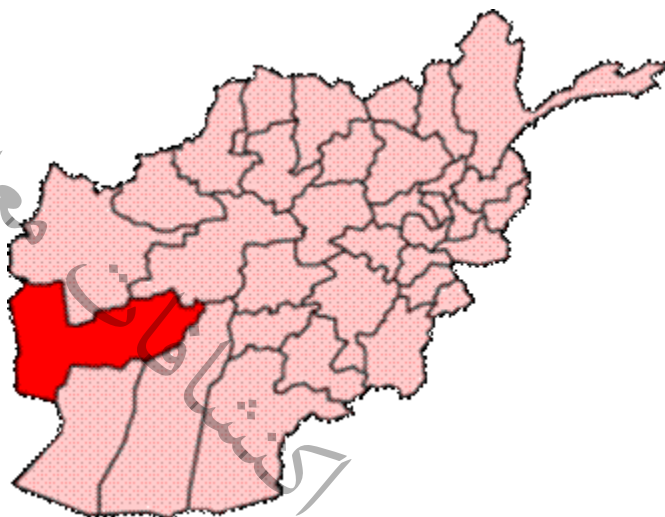
ولسوالی گلستان

ولسوالی لاش و جوبین

نقاط دیدنی ولایت فراه نیز به شرح زیر است:



شهر کهنه فراه ، شهر اسفندیار ، کافرقلعه، بارندک ، قلعه پنج جفت گاو ، قلعه چارماس ، قلعه هفت سوراخ برنگک، قلعه مساو ، مزار سید محمد ، مزار شاه مبارک ، مزار ابونصر فراهی ، مزار شهدای کنسک ، مزار سلطان امیر.



۲,۱۶,۸ ولایت فاریاب

ولایت فاریاب یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. در قسمت شمال غرب کشور واقع و مرکز آن شهر میمنه میباشد. میمنه در ارتفاع ۸۷۷ متری از سطح دریا قرار گرفته است.

قسمت عمده این سرزمین از تبه های خاکی و کوه ها و جنگل ها تشکیل شده است. موقعیت جغرافیایی و عوامل طبیعی این ولایت سبب شده تا به حیث کانون علم و فرهنگ شناخته شود دریا های آن عبارت از دریای میمنه ، قیصار و شرین تگاب است. باید گفت ذخایر گوگرد و نمک و موسسات تیل کشی ، موسسه پنبه و شرکت برق دیزلی را هم در این ولایت میتوان یافت. شهرستان های آن عبارت است از: اندخوی ، پلچراغ ، قیصار ، شرین تگاب ، دولت آباد ، درزاب و پشتونکوت میباشد.



از محل های این شهر می توان به چارسماور اشاره کرد. و از بزرگان آن می توان ظهیرالدین فاریابی شاعر و غلام محمد میمنگی نقاش را نام برد.

در سال ۱۳۸۵ پروژه برق فاریاب به کمک مالی جمهوری هند به راه افتاد و اکنون ۴۵ هزار تن از ساکنان شهر میمنه از آن بهره می گیرند. برق این پروژه از کشور ترکمنستان تامین می شود.

شهر میمنه یک باند خاکی برای فرود هواپیما نیز دارد. گروه بازسازی نروژی از سوی ایساف در میمنه مستقر است .

ولایت فاریاب دارای ۱۲ ولسوالی به شرح زیر می باشد.

- میمنه مرکز ولایت و شاروالی

- ولسوالی پشتون کوت

- علاقه داری المار

- ولسوالی قیصار

- علاقه داری کوهستان

- ولسوالی بلچراغ

- ولسوالی درز آب

- ولسوالی شیرین تگاب

- ولسوالی دولت آباد



- علاقه داری قرم قول

- علاقه داری خان چارباغ

- ولسوالی اندخوی

کشور

معدنی

مناطق



شناسی

سازمان زمین



۲,۱۶,۹ ولایت قندهار

قندهار یکی از ولایت های افغانستان است که در جنوب شرق این کشور موقعیت دارد و اکثر باشنده های این ولایت پشتون هستند.

مرکز این ولایت شهر قندهار است. جمعیت این ولایت نزدیک به ۸۹۰ هزار نفر است که ۳۰۰ هزار نفر از ایشان در شهر قندهار زندگی می کنند. بیشینه مردم ولایت قندهار پشتوزبان هستند.

ولایت قندهار یکی از بزرگترین ولایات افغانستان است مرکز آن هم شهر قندهار میباشد و از کابل ۵۹۵ کیلو متر و از هرات ۶۴۷ کیلو متر مسافه دارد قندهار دارای دیوار های قدیمی ، بلند و عریض بوده که در چهار سمت قندهار دروازه های بزرگ موجود است که بنام دروازه عیدگاه یاد میشود. در این شهر مقبره های اشخاص برجسته و نامدار افغان مانند مقبره احمد شاه ابدالی پادشاه نامدار افغانستان، میرویس هوتکی و همچنان آرامگاه های رجال معروف کشور است. دریا های ارغستان ، ارغنداب ، ترنگ ، دهله ، معروف ناوه در این ولایت جریان دارد..

قندهار دارای ۱۵ ولسوالی به شرح زیر است :

ولسوالی ارغستان

ولسوالی ارغنداب

ولسوالی پنجوایی

ولسوالی خاکریز



ولسوالی دامان

ولسوالی ریگ

ولسوالی زری

ولسوالی سپین بولدک

ولسوالی شاه ولی کوت

ولسوالی شورابک

ولسوالی غورک

ولسوالی معروف

ولسوالی میانشین

ولسوالی میوند

ولسوالی نیش

قندهار شهری است در جنوب افغانستان . سومین شهر پر جمعیت افغانستان است که طبق سرشماری رسمی سال ۲۰۰۶ میلادی

حدود ۴۵۰،۳۰۰ نفر جمعیت داشته است. این شهر مرکز ولایت قندهار است. قندهار بین رودهای ترنگ و ارغنداب واقع شده است.

قندهار به شکل یک مربع مستطیل است و چون طبق نقشه ساخته شده بسیار منظم است شهر به چند محله تقسیم شده و هر

محله متعلق به یک یا چند قوم و قبیله است و اکثر اهالی آن را افغانان (عمدتاً درانی) تشکیل می دهند. در اطراف قندهار باغ های

میوه تاکستان ها و زیارتگاه های بسیاری است و مردم بیشتر برای تفریح به آنها می روند تا برای عبادت و زیارت.



۲،۱۶،۹،۱ تاریخچه قندهار

برخی برآنند که شهر بولایت ی قندهار را لهراسپ شاه معروف ساخته است. در دوره‌های ماد و هخامنشیان، آراخوزیا (رُخج) سرزمینی در اطراف رودخانهٔ ارغنداب بوده و یکی از ساتراپی‌های هخامنشیان بشمار می‌رفت. در سنگ‌نبشته بیستون داریوش بزرگ، آراخوزیا در فهرست ساتراپی‌های هخامنشیان آمده‌است.

در سال ۳۲۹ پیش از میلاد، اسکندر مقدونی پا به سرزمین هندوکش که تاریخ‌نویسان یونانی آن را پارپامیز (Paropamisus) گفته‌اند نهاد. اسکندر هرات را تصرف و پس از سپری نمودن زمستان در سیستان، وارد ناحیه‌ای شد که به نامش اسکندریه (قندهار امروزی) نامیده شد.

در ۳۰۵ ق. م. موریایا بر پارپامیز (گنداره یا گندهارا)، آراخوزیا و گدروزی (گدروزیا - بلوچستان) تسلط یافتند. در این دوران دین بودایی توسط آشوکا به این سرزمین وارد شد.

پس از اسلام، قندهار جزئی از خراسان بزرگ محسوب می‌شد. دوبار شهر به طور کامل ویران گردید، اول بار به دست مغول و بار دیگر در پایان قرن هشتم هجری به دستور امیر تیمور گورکانی.

در اوایل سدهٔ شانزدهم میلادی مغولان هند قندهار را گرفتند. طی دوصد سالی که مغولان حکومت هند را در دست داشتند، شهرهای مرزی خراسان از سه سو مورد کمکش و محل منازعه بودند: مغولها از یک سو، صفویان از سمت غرب، و ترکان ازبک از سمت شمال. کابل، هرات و قندهار بارها میان این مدعیان متخاصم دست به دست شدند. در این دوران خوشحال خان ختک شاعر جنگجوی مشهور پشتون بر علیه سلطهٔ بابری‌ها قیام کرد. دولت صفوی که در جنوب و غرب خراسان با تبعیض مذهبی و بیداد حکومت می‌کرد در برابر مخالفت و قیام‌ها از پا در آمد.



در ابتدا میرویس خان هوتک از قبیله غلجایی پشتون به تسلط گرگین خان حاکم گرجی الاصل صفوی در ۱۷۰۹ میلادی در قندهار پایان داد و دولت مستقل هوتکی را تأسیس کرد. حکومت غلجایی قندهار در ۱۷۳۸ میلادی توسط نادر افشار پایان داده شد. نادر افشار سرانجام خود بخاطر تندخویی اش در ۱۷۴۷ میلادی در قوچان توسط افسران قزلباش لشکر خود به قتل رسید. پس از این حادثه، احمدشاه ابدالی که یکی از سران قبیله پشتونهای ابدالی، افسر گارد محافظ نادرشاه و معاون قشون افغان بود، با نیروی شش هزار نفری خود به سوی قندهار رهسپار شد و لویه جرگه را در مزار شیر سرخ قندهار برای انتخاب یک رهبر ملی از میان خود افغان ها تشکیل داد و سرانجام بعد از نه روز گفت و شنید، به عنوان پادشاه خراسان تعیین گردید. وی در ۱۷۵۳ یا ۱۷۵۴ شهر کنونی را ساخت و آن را احمد شاهی نام نهاد و «شرف البلاد» لقب داد. در دفاتر رسمی هنوز هم به همین لقب یا «دارالقرار» یاد می شود. تیمورشاه بعداً پایتخت خراسان را از شهر قندهار به کابل انتقال داد. از مناطق دیدنی قندهار می توان به چهل زینه، جاده عیدگاه و فرودگاه قندهار، تپه مندیگک، و آرامگاه بابا صاحب اشاره کرد.





۲،۱۶،۱۰ ولایت غزنی

ولایت غزنی یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر غزنی است و در شرق این کشور قرار دارد. غزنین ولایتی مشهور در زابلستان و پایتخت غزنویان بود که در جنوب غرب پایتخت بین شاهراه عمومی کابل قندهار در حدود ۱۴۵ کیلومتری کابل پایتخت قرار دارد.

شرح ولسوالی ها ولایت غزنی به شرح زیر است:

ولسوالی بهرام شهید

ولسوالی جغتو

ولسوالی ناوړ

ولسوالی آجرستان که مرکز آن سنگر می باشد و علاوه بر مردم پشتو، هزاره ها نیز در این منطقه مسکونند

ولسوالی جاغوری که مرکز آن سنگ ماشه و همه مردم آن هزاره هستند

ولسوالی مقرر با مرکزیت مقر و اقوام پشتون ، تاجیک و هزاره در کنار یکدیگر زندگی می کنند.

ولسوالی غزنی که شهر غزنی مرکز آن است .



• ولسوالی ناوه با مرکزیت ناوه که صد فی صد مردم آن پشتون می باشند.

• ولسوالی آببند که مرکز آن حاجی خیل است که همه مردم آن پشتون می باشند

• ولسوالی گیرو با مرکزیت پناه و قوم پشتون

• ولسوالی قره‌باغ که اقوام پشتون و هزاره در آن زندگی می کنند

• ولسوالی آندر که میری مرکز آن است و همه مردم آن پشتون می باشند

• ولسوالی دهیک

• ولسوالی زنه‌خان با مرکزیت دادو و قوم پشتون

• ولسوالی گیلان همه مردم آن پشتو بوده و جنده مرکز آن است.

۲,۱۶,۱۰,۱ شهر غزنین

شهر غزنین یا غزنی (صحیح کلمه همان غزنین به نون آخر است و غزنه یا غزنی تلفظ عامه می‌باشد) مرکز ولایت غزنی و از

شهرهای مرکزی افغانستان است.



ساکنان شهر غزنین را «غزنوی» و در گویش عامه «غزنیچی» می‌نامند. موقعیت جغرافیایی این شهر در ارتفاع ۲۲۱۹ متری از سطح دریا است و در سراسیابی ارتفاعات سفیدکوه که به سوی جنوب امتداد می‌یابد، قرار دارد و بین جاده قندهار-کابل واقع

شده است. _____

در اطراف غزنین آرامگاه‌های چند تن از شعرا و دانشمندان نظیر مقبره ابوریحان بیرونی واقع شده است. خرابه‌های غزنه قدیم، یعنی پایتخت سلسله غزنویان، در شمال شرقی این شهر به فاصله پنج هزار متری از آن قرار دارد.

غزنین همچنین به داشتن مناره‌های ستاره‌شکلی از قرن دوازدهم میلادی مشهور است. این مناره‌ها باقیمانده مسجد بهرامشاه هستند. اطراف این مناره‌ها با طرح‌های هندسی تزیین داده شده‌اند. قسمت گنبد آنها خراب شده است. ترکیب جمعیتی غزنین به این صورت است که شامل ۵۰٪ تاجیک، ۲۵٪ پشتون، ۲۰٪ هزاره و ۵٪ هندو می‌باشد.

غزنه در قدیم مرکز زابلستان و شهری بزرگ و ولایت وسیعی در خراسان بوده، و از جمله آبادترین و زیباترین شهرهای آسیا به حساب می‌آمده است. این شهر هزار باب مدرسه داشته است، و دانشمندان بسیاری مانند حکیم سنایی غزنوی از غزنین

برخاسته‌اند. _____

غزنی پایتخت غزنویان بود، و سلطان محمود غزنوی سالها در آبادی و وسعت آن کوشید.



در جنگ‌هایی که میان افغانها و انگلستان در سالهای ۱۸۳۸ - ۱۸۴۲ م. واقع شد، غزنین به تصرف انگلیس‌ها درآمد بود.

از مکانهای دیدنی شهر غزنین می‌توان به مکانهای زیر اشاره کرد.

- ارگ غزنین
- مناره‌های غزنین
- قصر سلطان مسعود غزنوی
- مقبره سبکتگین، بنیان‌گذار دودمان غزنوی
- مقبره سلطان محمود غزنوی
- مقبره سنایی غزنوی
- تپه سردار

۲، ۱۶، ۱۰، ۲ مکانهای دیدنی دوره غزنوی

- باغ پیروزی: باغی که محل نشاط و شراب و هم چنین انجام تشریفات رسمی زمان غزنویان، خصوصاً سلطان مسعود غزنوی بوده‌است. مقبره سلطان محمود نیز بر طبق وصیت خودش در آن باغ است.
- باغ صدهزار یا باغ صدهزاره
- باغ محمودی: باغی که در زمان سلاطین غزنوی محل نشاط و شراب آنان بوده‌است.



- باغ هزاردرخت: باغی ساخته سلطان محمود.

کشور

وادی



شناسی

۲,۱۶,۱۱ ولایت غور

ولایت غور تقریباً در مرکز جغرافیایی افغانستان و در میان استان های بامیان، اروزگان، جوزجان، فاریاب، بادغیس، هرات، فراه و هلمند قرار دارد. مرکز این ولایت شهر چغچران است.

مساحت آن به ۳۸/۸ هزار متر و جمعیت آن به ۳۰۰ هزار نفر بالغ می گردد. غور که در چار چوب اداری هرات قرار داشت، در سال

۱۳۴۲ به عنوان ولایت جداگانه تشکیل و شهر چغچران به عنوان مرکز آن تعیین گردید.



تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است:

چغچران مرکز غور

ولسوالی تولک

ولسوالی شهرک

علاقه داری ساغر

ولسوالی تیوره

ولسوالی پسابند

ولسوالی لعل و سرجنگل

ولسوالی دولتیار

ولسوالی چهارصده

ولسوالی دولینه

ولسوالی ساغر

از چغچران دو دریای بزرگ میگذرد که یکی بنام دریای هریرود و دیگری بنام دریای مرغاب یاد میشود. دریای هریرود از علاقه سرجنگل و دریای مرغاب از حصه هزاره جات سر چشمه میگیرد. دریا های دیگری که از این ولایت میگذرد دریای فراه رود ، ساخررود ، سربنگ رود و خم شور میبا شد. سلسله کوه ها ی سفید و سیاه و کوتل تلخ آب هم در این ولایت موقیعت دارد .



در سال ۱۳۵۷ تعداد مدارس در این ولایت به ۱۴۱ باب می‌رسید که در شش باب آن دختران آموزش می‌دیدند. تعداد آموزگاران و کارمندان آموزش و پرورش در غور به ۶۸۹ نفر می‌رسید (شمار تمام آموزگاران و مأمورین دولتی در ولایت غور از ۱۰۷۰ نفر در نمی‌گذشت) و مدارس، حدود ۲۰۰ نفر آموزگار کمبود داشتند. شمار شاگردان همه مدارس در غور به حدود ۱۶ هزار نفر می‌رسید و درصد باسوادان این منطقه به رقم پنج بالغ می‌گردید.

در غور معادن سرب، سیماب، نمک و همچنین آهن، زاک، زمج و طلا وجود دارد. عمده‌ترین مشغولیت مردم را کشاورزی و دامداری تشکیل می‌دهد. تعداد گوسفندان حدود سه میلیون رأس برآورد می‌شود و فرآورده گندم بیشتر از ۶۰ درصد نیازهای مردم را رف _____ مع نم _____ می‌نماید _____ د.

زبان مردم ولایت غور فارسی با گویش محلی است. در زمینه گویش فارسی غور تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است. می‌توان میان ویژگی‌های گفتاری تحصیل کرده‌گان که زبان کتاب و مدرسه در آن‌ها نفوذ نموده و مردم عادی و محروم از سواد، تا جایی فرق قائل شد، لیکن به طور کلی، لهجه غور فرق‌های فاحشی با زبان معیار کشور و گویش کابل دارد. نام غور، تلفظ دیگری از واژه فارسی «گر» به معنی کوهستان است.

یکی از قدیمی‌ترین آسار تاریخی کشور که درین اواخر تحت پوشش یونیسف قرار گرفته همان مینار جام است که قدومت آن به چندین صد سال می‌رسد.

چغچران از شهرهای افغانستان مرکز ولایت غور است. و با کابل و هرات همسایه است. این شهر در کناره جنوبی هریرود واقع شده و با شهر هرات ۳۸۰ کیلومتر فاصله دارد. در شمال خاوری شهر فرودگاهی نیز قرار دارد. ۹۶ درصد از مردم این شهر تاجیک

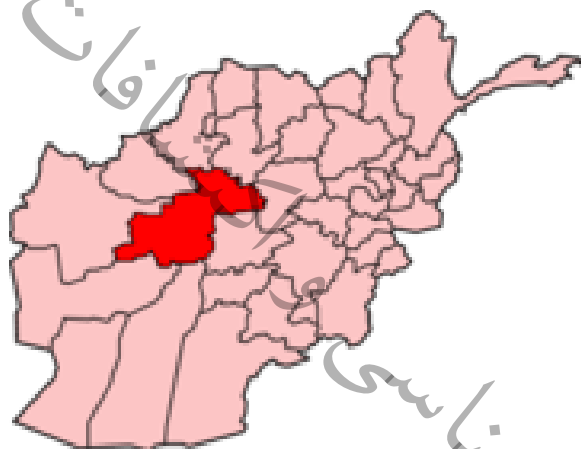


تند.

شهر چغچران در قدیم بازار اصلی فروش دام در افغانستان بود.

آغاز بناهای شهری در سال ۱۹۶۳ شروع شد. اوج معاملات تجاری زمانی بود که عشایر پشتون برای کوچ تابستانی، به این نواحی

روی می آوردند. اغلب در زمستان، رابطه این شهر به دیگر مناطق قطع می شود.





۲،۱۶،۱۲ ولایت هلمند

هلمند یکی از بزرگ‌ترین ولایت‌های افغانستان به شمار می‌رود که در جنوب افغانستان قرار دارد. ۷۰٪ مردم این ولایت به زبان پشتو و ۳۰٪ دیگر به زبان‌های فارسی و بلوچی صحبت می‌کنند. مرکز این ولایت شهر لشکرگاه، مساحت آن ۸۲۹/۶۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۵۴۲۰۰۰ نفر است.

نام هلمند را در ایران بیشتر هیرمند می‌خوانند که در واژه به معنای دارنده آتش است و رودی است که از افغانستان به سیستان ایران و در پایتان به دریاچه هامون می‌ریزد.

این ولایت در سال ۱۳۸۶ رکورددار تولید مواد مخدر در افغانستان بود و نیمی از مواد مخدر این کشور در هلمند کشت شد.

ولایت هلمند دارای ۱۲ ولسوالی به شرح زیر می‌باشد.

- لشکرگاه مرکز ولایت
- ولسوالی مهر سراج درگرسک
- ولسوالی کجکی
- ولسوالی موسی
- ولسوالی باغران
- ولسوالی نوزاد



- علاقه داری واشیر

- ولسوالی نادعلی

- ولسوالی ناوه بارکزی

- علاقه داری خانشین

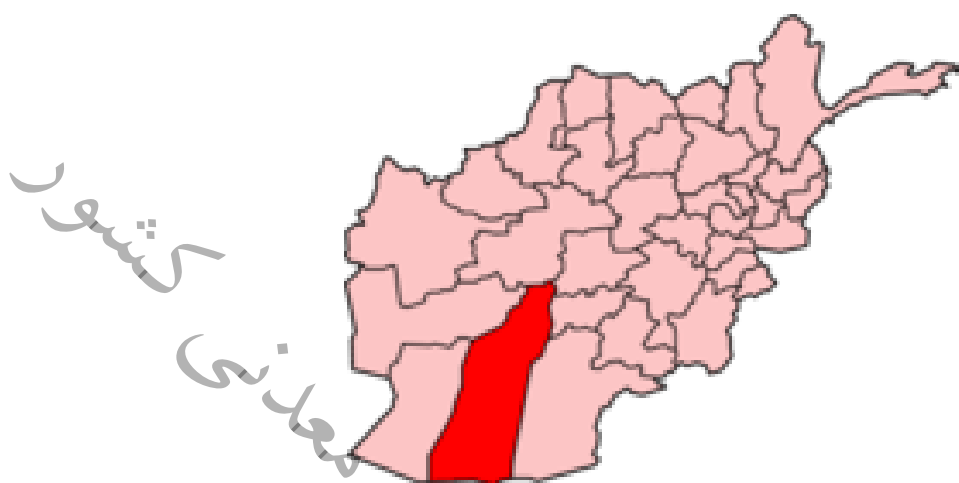
- ولسوالی دیشو

- ولسوالی گرمسیر

شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند کشور افغانستان است. بعد از سال ۱۹۵۳ میلادی بازاری در این شهر به عنوان مرکز طرح و پروژه های مزبور در نزدیکی خرابه های قدیمی این شهر بوجود آمد.

در سال ۱۹۶۲/۱۹۶۳ اولین ساختمان های جدید شهر توسط طراحان امریکایی در کنار ساختمان های ادارات دره هلمند-ارغند و بخش های شرفی بس-تر هلمند-درود ساخته شده است.

در سال ۱۹۷۳ بازار این شهر ۶۵۵ مغازه داشت که در آن خواربارفروشی، انواع و اقسام پارچه فروشی و تعمیرگاه های نوین و یدک فروشی دیده می شده است. بازار خلج از بازارهای معروف لشکرگاه است و آن جمعه بازاری است که در ۲۳ کیلومتری جنوب این شهر جای دارد.



۲,۱۶,۱۳ ولایت هرات

ولایت هرات (هیرات و هرات هردو تلفظ شده) به مرکزیت شهر هرات، از ولایات کشور افغانستان است. ولایت هرات همراه با بادغیس، فراه و غور جمعاً ولایات غربی افغانستان را تشکیل می دهند و با کشور ایران هم مرز هستند.

هرات یکی از قدیمی ترین ولایات افغانستان است که ریشه های آن به آریانای بولایت می رسد. نام های هرات بولایت در دوره های مختلف بگونه های ذیل آمده است:

به اوستایی :هرئیووا (Haraēuua) ، در فرگرد نخست وندیداد اوستا

به پارسی بولایت :هریوا (Haraiva) ، در سنگ نبشته های هخامنشی



به پارسی میانه ساسانی :هریو، در سنگ‌نبشته‌های ساسانی

در دوره اسکندر مقدونی :اسکندریه آرہایا (Alexandria Areia)

به یونانی :آرہایا (Areia)

به لاتینی :آریا (Aria)

هرات یکی از قدیم ترین ولایات افغانستان بوده که به هرات بولایت مشهور شده است. هرات بولایت نقش بزرگی را در تجارت میان شبه قاره هند، شرق میانه، آسیای مرکزی و اروپا بازی میکرده است که فعلاً هم این نقش را کما کان به عهده گرفته است. هرات یکی از گهواره های تمدن تاریخ بر افغانستان می باشد که سابقه چندین هزار ساله دارد. در هر قدیمی که بر خاک هرات بولایت بردارید بیک شاعر، نویسنده، نقاش، مساجد، مدارس، آرامگاه های اشخاص نامدار، گنبد های قشنگ، باغ های بسیار زیبا، نهر های دلفریب و تفریحگاه های عمومی و بنا های مدرن و تاریخی بر میخورید.

ولایت هرات در شمال غرب افغانستان است. با مساحت ۵۴۰۷۷۸ کیلومتر مربع هم مرز با دو کشور همسایه افغانستان یعنی ایران در غرب و ترکمنستان در شمال و از دو طرف دیگر به ولایات بادغیس، غور و فراه همجوار است. هرات با جمعیت بالاتر از دو میلیون نفر (درین اواخر) به دومین ولایت افغانستان مبدل شده است. باشندگان اصلی شهر هرات را تاجیکها و پارسیوانها تشکیل میدهند اما اقوام پشتون زیادتیر در اطراف شهر و ولسوالی های این شهر مسکن گزین هستند. بیشتر باشندگان هرات به زبان فارسی با لهجه هراتی سخن میگویند.



تقسیمات ولایت هرات به شرح زیر می باشد:

- مرکز ولایت شهر هرات
- ولسوالی انجیل
- ولسوالی گزره
- ولسوالی کشک کهنه
- ولسوالی پشتون زرغون
- ولسوالی کرخ
- ولسوالی کشک رباط سنگی
- ولسوالی گلران
- ولسوالی کهسان
- ولسوالی غوریان
- علاقه داری زنده جان
- ولسوالی ادرسکن
- ولسوالی شنیدند
- ولسوالی اوبه
- علاقه داری فارسی



• علاقه داری چشت شریف

۲،۱۶،۱۳،۱ تاریخچه هرات

هرات قبل از کشف اقیانوس هند در گذرگاه جاده ابریشم قرار داشت و نقش بزرگی را در تجارت میان شبه قاره هند، شرق میانه، آسیای مرکزی و اروپا بازی می کرد. هرات از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ بسط مناسب تلاقی مدنیت های شرق و غرب نیز به شمار می رفت. از این رو هرات یکی از گهواره های تمدنی تاریخ پر بار خراسان شناخته می شود.

تاریخ سیاسی هرات پر از فراز و نشیب است. چنانچه هرات همواره میدان لشکر کشی ها جنگ های اشغالگرانه، ویرانگرانه و گذرگاه جهان گشایان نیز بوده است. روی تصادفی نیست که تاریخ هرات مشحون از مبارزات آزادی خواهانه و استعمار شکن بوده است.

در دوره های ماد و هخامنشیان، هریوا سرزمینی در اطراف رودخانه هریود بوده و یکی از ساتراپی های هخامنشیان بشمار می رفت. در سنگ نبشته بیستون داریوش بزرگ، هریوا (Haraiva) در فهرست ساتراپی های هخامنشیان آمده است.

به قول مورخ یونانی هرودت، اسکندر مقدونی در ۳۳۰ قبل از میلاد، آرتاکوانا، مرکز ساتراپی هریوه را گشود. سپاهیان اسکندر شهر را ویران و باشندگان آن را بقتل رسانیدند. اسکندر سپس شهری به نام «اسکندریه آره ایا» (Alexandria Areia) در کنار هریود بنا کرد و جمعیت و آبادی آرتاکوانا را بدین شهر که شاید هرات امروزین باشد تحویل کرد.



هرات در زمان ساسانیان در سنگ‌نبشته‌ای در کعبه زردشت واقع در نقش رستم بنام هریو یاد شده است. در دوره ساسانی از مراکز مهم نظامی و منطقه مرزی در مقابل با هیاطله بوده است. پیش از حمله اعراب مسلمان به ایران دارای اقلیت مسیحی نستوری بود. در سال ۳۱ ه.ق. (حدود ۶۵۰ م.) یا کمی پس از آن به دست اعراب مسلمان فتح شد.

در دوره اعراب، یعنی در قرون وسطی، هرات همراه با نیشابور، مرو و بلخ یکی از چهار قسمت (چهار ربع) ایالت خراسان بود و هم مرکزی برای مسیحیت تحت نفوذ کلیسای نستوری و هم پایگاه مهم تصوف، یعنی نظریه زاهدانه اسلام به شمار می‌رفت. افرادی از پیروان نقشبندی و چشتیه، انجمنهای اخوت صوفیه به مقامات وزارت و صدارت عظمی رسیده اند.

هرات مثل اکثریت مناطق دیگر خراسان با هجوم مغول در ۱۲۲۲ م. از بنیاد ویران شد و بیش از نیمی از اهالی بومی آن قتل عام و یـا آواره شدند.

هرات بین سالهای ۶۴۳ تا ۷۸۴ ه.ق. پایتخت سلسله آل کرت بود. تیمور لنگ در سال ۷۸۴ هرات را گشود و آل کرت را نابود ساخت. در جریان این حمله هرات بار دیگر ویران و هزاران نفر کشته شدند. شاهرخ فرزند تیمور و همسرش گوهرشاد پایتخت تیموریان را در سال ۱۴۰۱ م از سمرقند به هرات منتقل کردند.

در ۱۵۰۶ شیانیان آسیای مرکزی بر شمال افغانستان و هرات مسلط شدند. اندکی بعد هرات در تحت کنترل صفویان ایران قرار



گرفت. در دوران صفوی هرات مهم‌ترین شهر و مرکز خراسان محسوب می‌شد و همواره مورد طمع ازبکان بود حتی چندبار این شهر به دست ازبکان افتاد. اما سلطه ازبکان بر این شهر به صورت کوتاه مدت بود و آنها از دوره های فترت در اوایل سلطنت شاه طهماسب اول و اوایل سلطنت سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول استفاده کردند و هر بار برای مدت کمی این شهر را در اشغال داشتند.

پس از سقوط صفویان هرات مدتی در اشغال طایفه ابدالی بود و به دست نادر شاه افشار افتاد. پس از مرگ نادر افغان‌ها بر هرات مسلط شدند. در دوران معروف به بازی بزرگ ماموران بریتانیایی در هرات فعال بودند و از جدایی آن از حکومت ایران پشتیبانی می‌کردند. در ۱۲۴۹ ه.ق. عباس میرزا از سوی فتح‌علی شاه قاجار مامور پس گرفتن هرات از افغان‌ها شد.

مرگ عباس میرزا در راه مشهد این کار را ناتمام گذاشت. محمد شاه قاجار نیز کوششی برای فتح هرات کرد که ناکام ماند. در زمان ناصرالدین شاه قاجار، دوست محمدخان، حاکم کابل و قندهار هرات را گرفت. نیروهای ناصرالدین شاه تحت فرمان حسام‌السلطنه هرات را محاصره کردند و در سال ۱۲۷۳ این شهر را گرفتند. با مداخلات بریتانیا در جنوب ایران و بحرانی شدن روابط ایران و بریتانیا طی عهدنامه‌ای که در ۱۲۷۳ هجری قمری (۱۸۵۷ میلادی) در پاریس بین نماینده ایران و سفیر بریتانیا امضا شد قرار شد که نیروهای بریتانیا از بنادر و جزایر جنوب ایران خارج شوند و در عوض ایران نیز سپاهیان خود را از هرات فراخواند و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد. پس از جنگ هرات بسال ۱۲۴۹ ه.ق. قسمت‌های از شرق هریود به بعد (شامل هرات) به افغانستان تان ضمیمه گردید.



در تاریخ معاصر افغانستان هرات از استبداد داخلی، تحجر، تعصب و تجاوزات خارجی بیش تر از دیگران رنج کشید. هرات سراسر

سده نوزدهم را در میان کشمکش های سرداران سدوزایی و محمدزایی و بازی بزرگ سپری نمود.

ولایت هرات دارای چند رسانه تصویری و صوتی محلی و چند روزنامه است که به شرح زیر می باشند:

- تلویزیون هرات
- تلویزیون هری
- تلویزیون ساقی
- تلویزیون امید
- تلویزیون ملت
- سیمای غوریان
- رادیو هرات
- رادیو صدای جوان
- رادیو کلید هرات
- رادیو سحر
- روزنامه اتفاق اسلام
- روزنامه اخبار روز



• روزنامه صدای هریواچ

از مناطق تفریحی ولایت هرات می توان به باغ ملت، تخت سفر، شیدایی، پارک هیریرو، پارک میر داود، دهنغار کروخ اشاره کرد. ارگ هرات، مسجد جامع، گازرگاه، مسجد گوهرشاد بیگم، خواجه غلطان، قلعه اختیارالدین هرات، مجتمع مصلاهی هرات از اماکن دیدنی شهر هرات می باشد.

هرات از نظر زیربنا، از نظر موقعیت، از نظر منابع بشری، از منابع عایداتی، از نظر سیاحت و توریسم برای افغانستان دارای اهمیت زیادی است.

در حال حاضر در ولایت هرات ۷۰ درصد مردم به خدمات تلفونی دسترسی دارند. و تمام ولسوالی های هرات از طریق تلفون های دیجیتال به مرکز ولایت وصل هستند. ولسوالی های گذره، انجیل، زندجان، غوریان، کشک، رباط سنگی و شیندند زیر پوشش خدمات مخابراتی هستند و شرکت های مخابراتی روشن، افغان بیسیم، اریبا، اتصالات، و شرکت های اینترنتی در ولایت هرات فعال می باشند.

۵۶٪ راه مواصلاتی هرات بصورت نسبی در وضعیت خوب قرار دارند و قابل استفاده برای ترافیک می باشند به گونه ای که ۳۵٪ جاده ها قابلیت استفاده توسط وسایط گوناگون را دارند.

نمک، سنگ مرمر، گیپسن (سنگ گچ)، ذغال سنگ، سمنت و سنگ های تعمیراتی از منابع طبیعی ولایت هرات می باشد.



در حال حاضر ۳۶۰ کارخانهٔ خورد و بزرگ به شمول ۳۵۰ کارخانهٔ تولیدی و دارای ۱۰۳ قلم مواد تولیدی با ۱۹۰۰۰ فرصت شغلی در هرات موجود است.

وٴسوالی گٴلران یکی از شهرستان های ولایت هرات کشور افغانستان است.

ولسوالی گلران در شمال غربی ولایت هرات واقع شده و از سوی غرب با ایران، از سمت شمال با ترکمنستان، از شرق با ولسوالی

کوشک و از سمت جنوب با ولسوالی های زنده جان و کهسکان هم مرز است.

ولسوالی گلران دارای جمعیت تخمینی پنجهزار نفر بوده و تقریباً در ۱۲۰ کیلومتری شمال هرات قرار دارد. مرکز این ولسوالی،

روستای گلستان گلران است.

منطقه گلران در برخی سال ها با خشکسالی های سختی روبرو است و توفان های شن جاده های آن را می پوشاند.

مردم این ولسوالی فارسیوان و پشتون هستند. پشتون های آن از اقوام اچکز، اسحاقزی و علیزی هستند.

روستاهای این ولسوالی به شرح زیر می باشند.

- قشاریه
- ملوکی
- گل میرزا
- چهار دل
- چاه سنگی
- سر تخت

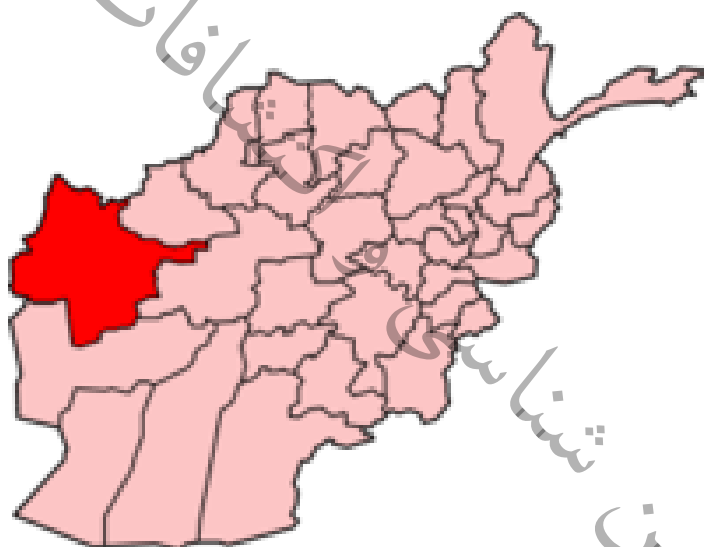


• خواجه خشک

• آب سفید

• سیم کوه

• ننگ آباد





۲،۱۶،۱۴ ولایت جوزجان

ولایت جوزجان نام ولایتی است در شمال افغانستان. مرکز این ولایت، شهر شبرغان است. ولایت جوزجان در قسمت شمال غرب کشور واقع است و مرکز آن شبرغان میباشد. مضافه آن از شهر مزارشریف ۱۳۵ کیلومتر و از مرکز زکابل ۷۵۶ کیلومتر است.

جوزجان از ولایت های مهم خراسان قدیم بشمار میرود. سلسله کوه تیربندترکستان و دریای سربل و کوتل قمو سبزک را میتوان در جوزجان یافت. ولسوالی های سنگ چارک، سربل، آقچه، قرقین، منگچک از جمله ولسوالی های آن است. ولایت جوزجان دارای ذخایر گاز طبیعی و موسسات صنعتی و تعداد زیادی شرکت ها میباشد.

ولایت جوزجان دارای واحدهای اداری زیر است:

- شبرغان مرکز ولایت
- ولسوالی (شهرستان سربل)
- ولسوالی کوهستانات
- علاقه داری بلخ آب
- ولسوالی سنگ چارک
- علاقه داری فیض آباد



- ولسوالی آقچه
- علاقه‌داری مردیان
- ولسوالی منگجک
- ولسوالی قره‌قین
- علاقه داری خماب

ابوعبید جوزجانی، شاگرد نامدار ابوعلی سینا از این منطقه بوده است.

ولسوالی شبرغان مرکز ولایت جوزجان کشور افغانستان است.

این شهر در شمال افغانستان در کرانه رود سفیدرود قرار دارد. آثار بولایتی مربوط به باخترستان در طلاتپه شبرغان نشان از دیرینگی تاریخی این محل دارد. نام این شهر را دگرگون شده شاپورگان دانسته‌اند و بنیادگذار آن را شاپور یکم ساسانی می‌دانند.

در جریان سیاست پشتوسازی حکومتی در افغانستان در شبرغان نام تخت سلطان به شین کوت تغییر یافته است.

شبرغان محل استقرار ژنرال رشید دوستم، جنگ‌سالار ازبک افغانستان بود.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی ذخیره عظیم گاز طبیعی در شبرغان کشف شد. صادرات این گاز در سال ۱۹۶۷ از طریق جمهوری

ازبکستان آغاز شد. میدان نفتی ژمراد سای نیز در نزدیکی شبرغان قرار دارد.



این شهر دارای یک ایستگاه تلویزیونی به نام آینه است که در ولایت جوزجان و ولایت های همجوار قابل دریافت است. این

ایستگاه تلویزیونی که از ژانویه ۲۰۰۴ آغاز به کار کرده و به زبان های ترکمنی و ازبکی برنامه پخش می کند از سوی ژنرال دوستم

حمایت شده و متخصصان ترکیه در راه اندازی آن کمک کردند.





۲،۱۶،۱۵ ولایت کابل

ولایت کابل که مرکز آن شهر کابل است پایتخت کشور افغانستان می باشد کابل دارای اماکن تاریخی ، مساجد ، زیارتگاه ها ، باغهای تاریخی و دروازه های مشهور، شاعران نامی و نویسندگان بلند پایه میباشد. تاریخ سیاسی پراز فراز و نشیب کابل همه سیاستمداران جهان را متعجب نموده است چنانچه کابل همیشه میدان جنگ ها و تصادفات بوده و تاریخ با افتخار آن فراموش ناشدنی است و دروازه های آن عبارت از دروازه سفید ، دروازه لاهوری ، دروازه گذرگاه ، دروازه سردارخان میباشد . کوتل های ارغنده و خیر خانه را هم دارا است کابل دارای ولسوالی ها و علاقه داری های زیادی بوده موسسات و شرکت های بیشمار را میتوان یافت

مردم آن غالباً دری زبان و مسلمان سنی هستند. تعدادی از اهل تشیع و هندو و سیک ها نیز در این ولایت بویژه در مرکز آن اقامت دارند. ولایت کابل با ولایات لوگر، وردک، پروان و ننگرهار هم مرز است.

ولایت کابل دارای ۴،۵۵۸ کیلومتر مربع اراضی است و دارای هشت ولسوالی و سه علاقه داری است که قرار ذیل است:

- ولسوالی ده سبز
- ولسوالی کوه دامن
- ولسوالی قره باغ
- ولسوالی شکر دره



- ولسوالی پغمان
- ولسوالی چارآسیاب
- ولسوالی بگرامی
- ولسوالی سروبی
- علاقه‌داری کلکان
- علاقه‌داری استالف
- علاقه‌داری خاک جبار

۲،۱۶،۱۵،۱ تاریخچه کابل

این شهر در دامنه کوه آسمایی و شیر دروازه، به هر دو طرف رود کابل آباد شده و از سطح بحر (دریا) قریب شش و نیم هزار فوت ارتفاع دارد. در زمان قدیم در گرداگرد شهر کابل دیوارهای استواری موجود بود که ارتباط شهر با نواحی آن با هفت دروازه صورت می‌گرفت، امروز هم آثار دیوارهای شهر بر کوه آسمایی و شیردروازه شاهد استحکام سابقه آن است.

کابل شهری تاریخی و بسیار کهن است که حوادث روزگار را بسیار دیده و چون بر چهارراه تجارتي شرق و شمال و جنوب و غرب واقع شده، اهمیت تجارتي آن خیلی زیاد است. کابل از حیث قدمت با قدیمی‌ترین شهرهای بلخ و بامیان هم‌سری داشته و در کتاب ریگ‌ودا، نام «کیسبها» برای کابل استعمال شده. تجارت و شهرت بازرگانی کابل در زمان‌های خیلی قدیم معروف است،



چنانچه در اثنای حملات اسکندر نیز موقعیت مهم تجارتي خود را داشته و راههای تجارتي از هر طرف به آن وصل است. در آثار مورخان عهد اسکندر و در جغرافیای بطلمیوس از آن به نام «قابوره» و «اورتوسپاته» یاد شده.

در ادبیات پهلوی، نام این شهر «کابل» قید شده است، که نزدیک به تلفظ امروزی آن است. نام این شهر را «کابل» و «کاوول» و «کاول» نیز گفته اند. همچنان بعضی مورخین یونان آن را «کابورا» و «کارورا» نیز گفته اند. دیوارهای کابل که امروز نیز بقایای آن به سر کوههای شیردرازه و آسمایی دیده می شود از طرف شاهان کابل بنا شده بود تا در برابر هجومهای بزرگ بتوانند مقاومت کنند.

در شاهنامه فردوسی مکرر از کابل و کابلستان نام برده شده است. در سال ۸۱ هجری وقتی مسلمانان به شهر حمله کردند شهر را از طرف ده مزننگ شگافتند، مسلمانان عرب فاتح شدند و شاه کابل به گردیز رفت، اما تشکیل دولت های صفاری و طاهری نفوذ عرب ها را از کشور کم کرده رفت و کابل نیز به دست حکمرانان محلی اداره می شد. مقارن ضعف صفاریان از کوهستان شرقی کابل یک قوم دیگر بنای سلطنت را در کابل گذاشت که سرکرده شان را کالاله می گفتند و تا به عصر غزنویان باقی بودند، تا این که در سال ۳۴۴ ه. ق. ضمیمه سلطنت غزنوی شد. کابل در عهد غزنویان، شهر غزنه بتدریج اهمیت یافت و کابل عقب ماند. در لشکرکشی های چنگیز کابل نیز دستخوش چور و چپاول گردید. هم چنین معماری و شهرسازی کابل بسیار زیبا و دقیق است و یکی از شهرهایی است که با وجود آن که قدیمی است، حساسیت زیادی در شهرسازی آن به کسب و کار رفتار داشته است.

بعد از آن کابل بدست تیمور و حکمداران او بود تا آن که دولت تیموری هرات قوت گرفت. بعد از سقوط تیموریان، بابر در این جا مستقر گردید و کابل دوباره رونق یافت و تا سال ۹۲۳ پایتخت بود و به تعمیر و آرایش آن پرداخت. بابر به کمک مردم این شهر،



هندوستان را فتح کرد و پایتخت خود را از کابل به آگره نقل داد و کابل مرکز ولایت شد. آرامگاه این پادشاه هم در همین شهر

است.

وقتی که سلطنت به احمدشاه درانی رسید، وی توجه به کابل نمود و خواست آن را مرکز دولت خود قرار بدهد. چنان برای همین

مطلب در سال ۱۱۴۴ امر احداث یک دیوار بزرگ را در شهر داد. این دیوار در ظرف ۴ ماه آباد گردید. تیمورشاه پس از تنظیم

قندهار در سال ۱۱۹۵ ه. ق. رسماً کابل را پایتخت ساخت و از آن تاریخ تا امروز کابل مرکز و پایتخت افغانستان است.

کابل یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیاست. در کتاب مقدس ویدا به نام کبه و در پارچه های اوستا از آن به نام کوبها Kobaha

یاد می شود. نویسندگان کلاسیک یونانی آن را کوفن Kophen یا کوفس Kophfs و کووا ثبت کرده و هم چنان مردم فارس و

ارسطو این شهر را خوش پس Khoaspes خوانده اند.

در قرن هفتم میلادی، یک پژوهشگر چینی به نام شونگ چونگ، در نبشته های خویش مشهور به هیوان سانگ این شهر را کاوفو

Kaofu نوشته و چنین برداشت می کند که در حقیقت این شهر زیبا مسما به دریای کاوفو می باشد که از قلب آن می گذرد، وی

می افزاید که آریاییان قدیم از لحاظ دینی اهمیتی ویژه به این شهر داده و آن را کوبها اردهستانه Kobaha Urddhastana یا

محل بلند پایه گفته اند. کابل از دیدگاهی کتاب مهاباراتا هندوان، بهشت و جایگاهی تفکر برای خداوندان خوبی بوده و آن را در

سانسکریت به نام اردهستانه یا عبادت گاهی مقدس حفظ کرده اند.

تاریخ نویسان دوره سکندر، کابل را به نام ارتوسپانه Artospana که همان اردهستانه Urddhastana سانسکریت است در

تاریخ یونانی قید نموده که پسانها (بعدها) در قرن دوم میلادی این شهر را به نام کابورا Kabura یا قلب پاراپامیزاد نوشته اند.

دردوران کوشانیان بزرگ هنوز هم کابل به نام کاوفو شناخته می شده، که آهسته آهسته به کابورا مسما گردید تا آن زمان که کابل

شاهان از آن به نام کابلستان یاد کردند. کابلستان برای چندین قرن پیش و پس از دوره ی مسیح، از بامیان و کندهار در غرب تا



کوتل بولان و تمام جنوب را در بر می گرفت، که این خطه وسیع به ده علاقه داری تقسیم بوده و شهرهای کابل، غزنی، بامیان، ننگرهار، سوات، پشاور، اپوکین، بنو و بولر در بر می گرفتند. است.

از تاریخ یونان چنین برداشت می شود که ارتوسپانه یا کابل مرکزی عمده و اصلی در منطقه بوده، که پسان در دوره ی تسلط یونان، هرات که سکندریه ی افغان بود جای آن را اشغال کرد که پسان ها (بعدها) شاهزادگان هندوساک آن را بار دیگر احیا کردند. تا آن که در عصر زنبیلک شاه و زنبورک شاه، لشکر عرب بعد از فتح برق آسای ترکیه و ایران به دروازه های این شهر کوبی، شاهان و کابلیان برای دفاع، دیوار بزرگی به نام شیردروازه در درازنای کوه آسمایی یا آسماهی بنا کردند که حکایت های آن تا امروز سینه به سینه حفظ گردیده. تاریخ مصر به وضاحت می نویسد که لشکر بزرگ اسلام بعد از فتح نیم جهان در شیردروازه های کابلستان به مرتبه بیست و سه بار شکست مطلق دید تا آن که به مرور زمان کابلیان خود به دین اسلام گرویدند.

کابل در درازنای تاریخ، در احساس چکامه سرایان، در چشم تمدن، در قلب آسیا، در خاطره های اشغال گران و در ایمان بسا مردم، شهر بارزش و دارنده ی ویژگی های مقدس بوده است. کابل در طول تاریخ بارها زیر تهاجم بیگانه قرار گرفت و به گشت های متمادی، ویران و آباد گردید، تا بالاخره در سال ۱۷۷۶ تسلط خاندان درانی در قلمرو افغانستان جاگیر شد و تیمورشاه پسر احمدشاه ابدالی، مرکز امپراتوری خود را از قندهار به کابل انتقال داد که پس از آن کابل تا امروز به صفت خانه مشترک و مرکز یگانه گی تمام افغان ها پابرجا می باشد.

منطقه کابل عبارت از مجموعه ای از وادی های سرسبز و شاداب و پر نفوس است که ارتفاع آن از سطح دریا از هزار تا دو هزار گز (۳۳۰۰ تا ۶۵۰۰ فوت) تفاوت می کند. شهر کابل در میان این وادی های حاصل خیز به عرض ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی و طول ۶۹ درجه و ۱۸ دقیقه شرقی در دامنه کوه های «آسمایی» و «شیردروازه» به ارتفاع شش هزار فوت قرار گرفته است. در میان کوه آسمایی (۶۷۹۰ فوت) و شیردروازه (۷۱۶۶ فوت) شهر کابل شکل مثلثی را گرفته که رأس آن به جانب غربی، جایی که دو کوه با



هم بسیار نزدیک می‌شوند، قرار دارد. بین دو کوه گذرگاهی است که وادی چهاردهی (نوی کابل) را به کابل قدیم می‌پیوندد و رودخانه کابل از آن عبور می‌کند.

در زمان قدیم اطراف شهر را حصار مستحکمی احاطه می‌کرد که به وسیله هفت دروازه با خارج ارتباط داشت. تماشای این دیوار اهمیت تاریخی شهر را به خوبی می‌نماید. از قله کوه منظره باشکوه و شاداب وادی، با سلسله کوه‌هایی که اطراف آن را احاطه کرده به نظر می‌آید. رود کابل از میان آن با پیچ و خم جلب توجه می‌کند. شهر کابل که در دو طرف این رودخانه بنا شده محیطی قریب ۸ میل دارد و چون دو طرف آن محدود می‌شود طبعاً شهر به وسعت خود در طرف شمال و جنوب شرقی رودخانه افزوده است. امروزه محله شیرپور گرانترین محله کابل است که مقامات دولتی و فرماندهان مسلح در آن برای خود خانه ساخته‌اند چندول، کارته سخی، افشار، دشت برچی، تیمنی و قلعه شهاده از مناطق شیعه‌نشین این شهر هستند.

بلوچ‌های کابل در قلعه وکیل بی‌بی مهر، وزیرآباد و پغمان زندگی می‌کنند و به صورت عموم فارسی‌زبان می‌باشند. آب و هوای کابل تابع وضع عمومی کشور افغانستان است و چون این کشور تقریباً در وسط قاره آسیا واقع شده است پس عرض و طول جغرافیائی و ارتفاع و امتداد کوه‌ها و دوری از دریا همه از عواملی بشمار می‌روند که در آب و هوای افغانستان تأثیر دارد. با وضع جغرافیائی که افغانستان دارد مناطق مختلف آن آب و هوای متنوع دارد و کابل هرچند از دریا بسیار دور و تابع آب و هوای بری است، معهذا توازن در فصول چهار گانه آن برقرار است و هر سه ماه تغییر فصل به صورت منظم پیدا می‌شود. فصل بهار از ماه حمل (مارچ، اپریل) آغاز می‌شود و تا پایان جوزا (می، جون) منظمأ ادامه دارد. در این فصل می‌توان آن را فصل نمو و انبساط خواند. هوا عطرآگین و فضا دل‌کش می‌شود و از حیث آب و هوا این سه ماه برازنده‌ترین و نشاط‌انگیزترین فصل‌های کابل می‌باشند. از ماه سرطان (جون، جولای) تا آخر سنبله (اگست، سپتمبر) و موقع تابستان گرم‌ترین ایام کابل به‌شمار می‌رود، اما گرما نه به اندازه‌ئی است که خسته‌کننده باشد و مردم را از کار و فعالیت مانع گردد. در ماه میزان (سپتمبر و اکتبر) خزان آغاز



می‌گردد و تا پایان ماه قوس (نومبر، دسمبر) ادامه دارد. خزان فصل برداشتن محصول و جمع‌آوری میوه‌است و کابل از این حیث در این فصل امتیاز فراوانی دارد و ارزانی در همین موقع می‌باشد. سه ماه اخیر سال، جدی (دسمبر، جنوری)، دلو (جنوری، فبروری) و حوت (فبروری، مارچ) فصل زمستان کابل است که سرمای بسیار و نزول برف تا پایان آن ادامه می‌یابد. بر اساس تخمین سازمان ملل متحد، ۹۰ درصد (درصد) شهر به ویرانه مبدل گشت و بیش از شصت و پنج هزار از اهالی شهر کشته و ده‌ها هزار تن دیگر زخمی شدند. این جنگ کوچه به کوچه در شهر کابل تا تسخیر شهر وسیله طالبان در سال ۱۹۹۶ بلاوقفه ادامه یافت. بعد از فروپاشی حکومت کمونیستی در افغانستان گروه‌های رقیب افغان برای تحکیم موقعیت خویش و تصرف پایتخت وارد نبرد شدند که خسارات زیادی بر جای گذاشت و به قسمت‌های عمده شهر بر اثر راکت‌باران گروه‌های مختلف آسیب جدی وارد گردید.

یکی از ولسوالی‌های ولایت کابل در افغانستان است. فاصله پغمان از مرکز شهر یعنی چاراهی پشتونستان ۲۵ کیلومتر است. در باختر کابل واقع شده و دارای دو دره تفریحی و مشهور به نامهای دره بغمان و دره پشه‌یی است. دره بغمان در میان خود دو دره کوچک دارد. نام یکی از آنها دره خوشک و دیگری دره چب است. دریا کابل از همین دره بغمان سر چشمه می‌گیرد که در کتاب‌ها بنام دره‌انی پغمان ذکر شده است. در مرکز پغمان به فاصله ۳ کیلومتر دورتر یک تپه قرار دارد که از آن تپه به نام تپه پغمان یاد می‌شود و یک جای تفریگاه است.



۲,۱۶,۱۶ ولایت کاپیسا

کاپیسا نام ولایت کوچکی است در افغانستان، که در شمال کابل قرار دارد. مساحت این ولایت ۱۸۷۱ کیلومتر مربع است و براساس آمار سال ۲۰۰۴ در حدود ۶۲۲۰۰۰ نفر جمعیت داشته است.

این ولایت دارای واحدهای اداری زیر است:

- محمود راقی (مرکز ولایت و شهرداری (شاروالی) کاپیسا)
- ولسوالی کوهستان ۱
- ولسوالی کوهستان ۲
- بخشدار (علاقه داری) کوهبند



- شهرستان نجراپ

- شهرستان تگاب

- بخش الهسای

در این ولایت بتازگی دانشگاهی به نام دانشگاه البیرونی آغاز بکار کرده‌است.





۲،۱۶،۱۷ ولایت خوست

ولایت خوست یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است که مرکز این ولایت شهر خوست می باشد

تقسیمات اداری ولایت خوست به شرح زیر می باشد.

- ولسوالی خوست
- ولسوالی جاجی میدان
- ولسوالی تنی
- ولسوالی سپره
- ولسوالی موسی خیل
- ولسوالی مندوزائی (مرکز: دادول)
- ولسوالی گربز
- ولسوالی ترازائی
- ولسوالی نادرشاه کوت
- ولسوالی صبری (مرکز: زمبار)
- ولسوالی باک
- ولسوالی قلندر (مرکز: خوست میله)



خوست از شهرهای افغانستان و مرکز ولایت خوست کشور افغانستان و در ناحیه کوهستانی مرز پاکستان واقع شده است.

بازار مرکزی دشت خوست بعد از ۱۹۵۴ در ۵ کیلومتری بخش شرقی مرکز کنونی شهر قرار داشت که در قدیم به آن «متون» می گفتند. پیدایش شهر خوست بعد از سال ۱۹۵۴ بر اهداف سیاست های مرزی استوار بود، شهرهای مقابل خوست در پاکستان، میرام

شاه و پاره چنار است.

مردم شهر خوست بیشتر کسبه، کارمند و نظامی هستند، هندوهای شهر خوست از سال ۱۹۵۴ به طور پراکنده در روستاهای پراکنده زندگی می کردند تا این که در منطقه ای محصور به نام هندوان کلای، در غرب این شهر زندگی می کنند. اکثر مردم خوست پشتو زبان و اهل تسنن می باشند.





۲،۱۶،۱۸ ولایت کنر

کُنَر یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این استان شهر اسدآباد است. بیشتر جمعیت این ولایت پشتون هستند و حس تعلق قبیله‌ای در این منطقه زیاد است. کنر ولایتی کم جمعیت، بسیار کوهستانی و جنگلی است.

تقسیمات اداری ولایت کنر به شرح زیر می باشد.

ولسوالی اسدآباد شاروالی و مرکز ولایت

ولسوالی مرور { مروره }

ولسوالی بر کنر

ولسوالی ناری

ولسوالی دانگام

ولسوالی کامدیش

ولسوالی برک متال

ولسوالی واما

ولسوالی وایگل

ولسوالی چپه‌دره



ولسوالی دره پیچ

ولسوالی نرنگ

ولسوالی چوکی

ولسوالی نورگل

ولسوالی خاص کمر

ولسوالی سرکانی

اسدآباد شهری کوچک در افغانستان و مرکز ولایت کمر است. نام قدیم آن چغان سرای است و بابر از آن به عنوان روستایی در مرز کافرستان نام برده است. کسانی که جمال الدین اسدآبادی را افغانی می دانند، او را زاده این روستا می دانند.





۲،۱۶،۱۹ ولایت کندوز

ولایت گندوز یکی از ولایت های شمال شرق افغانستان است. مرکز آن کندوز است که یکی از شهرهای مهم، تجارتي و بندري افغانستان است.

ولایت کندز با بیش از ۲۰۰ یا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارد که تقریباً ۷۰ درصد آنها از دامداری و زراعت عاید معاش می کنند. این ولایت در جنوب دریای آمو واقع بوده که در شرق آن ولایت تخار، در جنوب آن ولایت بغلان و در غرب آن ولایت سمنگان و مزار شریف موقعیت دارد. ولایت قندوز دارای جنگلها و کارخانه های زیادی میباشد.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است:

- مرکز ولایت شهر کندز
- ولسوالی حضرت امام صاحب (لوی ولسوالی افغانستان)
- ولسوالی قلعه ذال
- ولسوالی چاردره
- ولسوالی علی آباد
- ولسوالی خان آباد
- علاقه داری ارچی



ولایت کندوز یکی از شهرهای بسیار عالی و با آب و هوای مناسب برای هر گونه زراعت میباشد. ولایت کندوز که ولسوالی خان آباد یکی از ولسوالی های بسیار بزرگ آن میباشد، در زمان سابق گدام افغانستان بود که روزانه بیش از صد هزار موتر از این شهر بار گری می شد.

عایدات مهم آن استحصال پنبه بوده که در اقتصاد مملکت کمک خوبی کرده است . شرکت سبیل زر کندز و چینی سازی آن شهرت خوبی دارد را در کشور داشته است





۲،۱۶،۲۰ ولایت لوگر

لوگر یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر پل علم است.

تقسیمات اداری ولایت لوگر به شرح زیر است:

- پل علم مرکز ولایت
- ولسوالی چرخ
- ولسوالی برکی برک
- ولسوالی خوشی
- ولسوالی محمد آغه
- ولسوالی ازر
- ولسوالی خروار

نیمی از جمعیت مردم آن پشتون بوده و بیشتر آن تاجیک ها و اورمرها نیز در آن سکونت دارد از نگاه مساحت از جمله ولایات کوچک می باشد.

از مشاهیران خانواده چرخ قهرمانان رزم علیه انگلیس نایب امین الله خان لوگری معاون شورای انقلابی در انقلاب اول ضد

انگلیسی، علامه فیضانی، اشرف غنی احمدزی کاندیدا برای سرمنشی ملل متحد در سال ۲۰۰۷ و غیره میباشد.



زبانهای آن دری پشتو و اورمری می باشد قبایل متوطن آن احمدزی، ستانکزی، کوچی ها، مسعود و غیره می باشد و در فاصله تقریباً ۴۰ کیلومتری کابل قرار دارد.

پیشه مردم این ولایت زراعت و دامداری بوده . سیب آن در بازارهای کابل به عنوان نازک بدن مشهور بوده و دارای رودخانه خروشان بنامی دریایی لوگر بوده که باعث رونق زراعت میگردد.

در هنگام قبل از اسلام داری معابد مشهور بود که توسط صفاریان تخریب گردید در هنگام اشغال شوری از جمله بزرگترین کانون های مقاومت بر عیه شوری بود و رهبری آن توسط داکتر فضل الله مجددی، مولوی محمد نبی محمدی و حکمتیار بود کهساران چرخ زمانی بزرگترین کانون جهاد بر علیه دولت بابر هند که در کابل تسلط داشتند به شمار می رفت و و مرکز سلسله روشانیان سپهداران بزرگ اسقلال خراسان از سلسله بابر هند بود و در هنگام انقلابات انگلیسی به دهها هزار از مردم این ولایت اعم از تاجیک و پشتون اشتراک کرده بودند.



در این ولایت ذخایر قابل ملاحظه ای از مس وجود دارد که مشهورترین آنها ذخیره مس عینک لوگر میباشد که در ردیف یکی از بزرگترین ذخایر مس جهان شان شناخته شده است.

از منابع تولیداتی این ولایت می توان به سیب، انگور، زردآلو، شفتالو و در زراعت گندم، جواری، کچالو، لوبیا، بیاز و غیره نام برد.



۲,۱۶,۲۱ ولایت لغمان

ولایت لغمان یکی از ۳۴ ولایت کشور افغانستان است. مرکز این ولایت شهر مهترلام نام دارد.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است:



ولسوالی مهترلام که مرکز ولایت می باشد

ولسوالی قرغه‌بی

ولسوالی علینگار

ولسوالی نورستان

ولسوالی علی‌شنگ

ولسوالی مندول

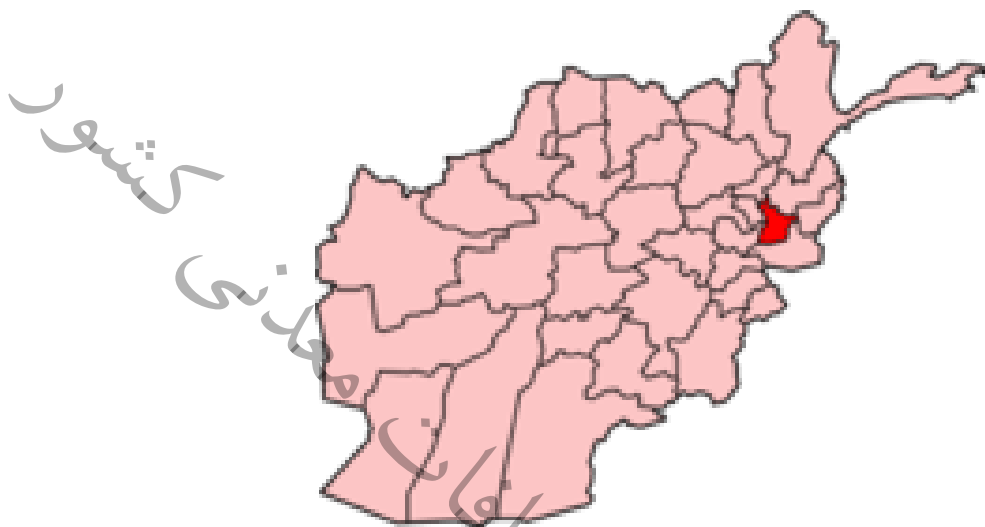
ولسوالی دولت شاه

این ولایت در قسمت شرقی کشور واقع بوده و مرکز آن شهر مهترلام میباشد رودخانه لغمان که از کوهساران نورستان نبعان ذریعه سرچشمه می گیرد، به صورت دو شاخه ولسوالی های علی شنگ وعلینگار را طی نموده و بالاخره در ناحیه مرکزی لغمان با هم یکجا شده در حدود چارباغ با رودخانه کابل یکجا میشود این ولایت به ولسوالی های علینگار ، علیشنگ ء نورستان و قرغه ایی تقسیم شده است.

از اماکن دیدنی این ولایت می توان به قلعه سراج و زیارت مهترلام بابا اشاره کرد.

مهترلام مرکز ولایت لغمان کشور افغانستان است. و در ارتفاع ۷۷۹ متری از سطح دریا واقع شده است. زبان گفتاری مردم این منطقه فارسی، پشه ای، پشه ای، تو، پشه ای و ... است.

این شهر تنها شهر در این ولایت است. مهترلام در دره ای قرار دارد که توسط دو رود علی شنگ و علینگار به وجود آمده است.



۲,۱۶,۲۲ ولایت ننگرهار

ننگرهار یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است و در شرق این کشور قرار گرفته است. مرکز این ولایت شهر جلال آباد است. مساحت آن

۷۶۱۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۷۸۲۰۰۰۰ نفر است.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است:

- شهر جلال آباد (مرکز ولایت)
- ولسوالی سرخرو



• ولسوالی حصارک

• ولسوالی شیرازاد

• ولسوالی خوگیانی

• ولسوالی چپرهار

• ولسوالی پچيرواگام

• ولسوالی ده بالا

• ولسوالی وردات

• ولسوالی اچین

• ولسوالی نازیان

• ولسوالی دربابا

• ولسوالی شینواز

• ولسوالی مومند دره

• ولسوالی لعل پور

• ولسوالی گوشته

• ولسوالی بتی کوت

• ولسوالی کامه

• ولسوالی کوز کمر



• ولسوالی دره نور

جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار افغانستان و مهمترین شهر بین کابل تا پشاور است. این شهر در ۱۵۰ کیلومتری شرق کابل در نزدیکی گردنه خيبر قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا ۵۷۰ متر است. جمعیت آن بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر است و در زمستان دارای آب و هوای معتدل و زمین های حاصلخیزی است. در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه چندین سد بزرگ آب در این ناحیه ساخته شد .

بیشینه باشندگان این شهر را پشتون ها تشکیل می دهند ولی هندوها و سیک ها نیز در آن زندگی می کنند. از آثار مهم این شهر، سراج العمارت، نشستگاه امیر حبیب الله و امان الله شاه، بود که در سال ۱۹۲۹ میلادی نابود شد اما باغ های آن هنوز برپا هستند و فضایی دلپذیر دارند. آرامگاه هر دو فرمانروای نامبرده در درون باغی در روبروی سراج العمارت قرار دارد.

یک راهب بودایی سده هفتمی به نام هوان زانگ (در فارسی ژوان زانگ هم نوشته اند) در سال ۶۳۰ میلادی به منطقه جلال آباد رسید و پنداشت که به هندوستان رسیده است. خود شهر جلال آباد شهر نسبتاً تازه ای است و در سده شانزده، در دوره سلطنت اکبر، نواده بابر شاهنشاه مغول ساخته شده است.

این شهر در زمان حمله انگلیس ها بدست آنان افتاد ولی انگلیس ها در هر دو حمله شکست خورده و واپس نشستند. پس از استقلال افغانستان بزرگ ترین لویه جرگه (انجمن بزرگ) افغانستان در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۰ میلادی) در جلال آباد برپا شد. در زمان حمله



روس‌ها بیشتر آثار بودایی جلال‌آباد ویران شد. امروزه این شهر مورد بمباران ایالات متحده آمریکا (به قصد یافتن اردوگاه‌های القاعده) قرار دارد.



۲,۱۶,۲۳ ولایت نیمروز

ولایت نیمروز نام ولایتی است در جنوب باختری افغانستان. مرکز آن شهر زرنج است. ولایت نیمروز از جانب شمال به ولایت فراه و جنوب غرب به خط مرزی و از طرف شرق به ولایت هلمند محدود است. جمعیت اصلی این ولایت را بلوچ‌ها تشکیل می‌دهند و این ولایت از کم‌جمعیت‌ترین ولایت‌های افغانستان است.

رود هیرمند و دنباله آن به نام خاش‌رود به علاوه شاخه‌های هیرمند به نام‌های رام‌رود و سنارود در این ولایت جریان دارند. بیابانی به نام دشت مارگو بیشتر سطح این ولایت را در بر گرفته و هامون گودزره نیز در این ولایت قرار دارد.



سه شهر زرنج، چخانسور و چهاربرجک شهرهای اصلی این ولایت هستند و از آبادی‌های مهم آن می‌توان کرودی، میرآباد، قلعه فتح، دشت مارگو، کده، کرکی، و شند را نام برد .

ولسوالی‌های (شهرستان‌های) ولایت (ولایت) نیمروز به شرح زیر است :

- ولسوالی زرنج
- ولسوالی کنگ
- ولسوالی چهاربرجک
- ولسوالی اصل چخانسور
- ولسوالی خاشرود

زرنج (عربی‌شده زرتگ) مرکز ولایت نیمروز افغانستان است که در جنوب غرب این کشور و نزدیک مرز ایران قرار دارد. مردم آن بیشتر پشتون و بلوچ‌اند.

گفته می‌شود که زرنگ را گرشاسب بنا کرده است. آنرا زره نیز می‌نامیدند. در قدیم «زرنکه» (درنژینه) بعدها «سکسته» سجستان، سیستان شده معرب آن زرنج است.



نام قدیم آن (سیستان) زرنگ بود پس از مهاجرت سکاها ... در زمان فرهاد دوم اشکانی (۱۳۶ - ۱۲۸ ق.م.) و اردوان دوم (۱۲۷

-۱۲۴ ق.م.) به طرف جنوب گروهی از آنان در زرنگ مستقر شدند. از این زمان زرنگ بنام آنان سکستان خوانده شد.

بعد از اسلام، حاکم بصره سرداری به نام عبدالرحمن بن سمره را مأمور حمله به سیستان کرد و او زرنگ را محاصره و تسخیر کرد.

زرنگ پایتخت صفاریان بود. در حال حاضر در محل زرنگ روستای کوچکی به نام «نادعلی» قرار دارد. در نزدیکی آن روستا، تل

بزرگی است و بر فراز آن تل، هنوز آثار خرابه‌های ارک زرنگ و قلعه و باروی آن دیده می‌شود.

در سال ۲۰۰۷ باستانشناسان ایرانی از دولت افغانستان اجازه یافتند تا در محل نادعلی کاوش کنند .

نام بسیار کهن این ناحیه در نگیانا ورزنگا، زرنگ بوده که ناحیه وسیعتری را شامل می شده است اما امروز زرنگ بسیار محدود شده

به مرکز اداری ولایت نیمروز اطلاق میگردد.

این ناحیه پس از ورود ساکها از شمال رود آمو به اینجا ساکستانا، سکزستان، سجستان و سیستان نامیده شده است. با توجه به

تاریخ کهن کشور افغانستان مشخص میشود که در نگیانا سیستان و نیمروز در ادوار گوناگون به ناحیه پهناور جنوب افغانستان

امروزی اطلاق میشده است، بنابر اشارات مؤرخان کلاسیک یونان که با روایات جغرافیایی اوستا مطابقت دارد، در نگیانا در داخل

منطقه آریانا ذکر شده است در این مورد قول بطليموس صریح و واضح است ، وی در داخل آریانا هفت ولایت را جدا کرده است و

بیلوله استناد وی از جمله هفت ولایت کی هم در نگیانا، در انجینانا (سیستان) را نام برده است. البته قبل از نام در نگیانا، سیستان



و نیمروز، این ناحیه به اسم رود، معروفش هلمند به شکل /هیتو منت/ یاد شده است، این مطلب را در فرگرد اول و ندیرات (فقره

۱۳) اینطور می‌خواهیم (یازدهمین کشوری که من اورا مزدا بیا فریدم هیتومنت با شکوه و فرا ست.) قبایل ساکها در سالهای (۱۳۰

- ۱۲۷ ق. م.) به ناحیه در نگیانا وارد شده آن را مرکز سیاسی خود قرار دادند که از این تاریخ به بعد این منطقه به نام آنان

ساکستان (سیستان) نامیده شد.





۲،۱۶،۲۴ ولایت نورستان

نورستان یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است و در شرق این کشور قرار گرفته است. مرکز این ولایت شهر کامدیش است. نورستان را
در قـ _____ دیم کافر سـ _____ تان _____ می نامیدن _____ د.

قسمت‌های شمالی نورستان از غرب به شرق شامل مناطق رمگل، پیچ، وایگل و باشگل می‌شود. نورستان از شمار زیادی دره،
دالان‌مانند و کم‌پهنا تشکیل شده که شیب همه این دره‌ها از شمال به جنوب است. دره پیچ یا نورستان مرکزی از نظر ارتباط با
دیگر نقاط نورستان اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا توسط دره‌های فرعی یا قسمت‌های باختری و خاوری نورستان ارتباط دارد.
مناطق پردرخت نورستان تا بلندای ۴۰۰۰ متری ادامه دارد و بالاتر از آن تنها درختزارهای بید و بته‌زارها دیده می‌شوند.
زبان _____ داری بیش‌تر مردم نورستان، نورستانی _____ است.

پنج قبیله در نورستان که به گویش کاتی سخن می‌گویند به نام سیاه‌پوش معروفند و به افراد قبایل پرسون‌گلی، ونگلی، وامایس و
آش‌کون اصلاً سـ _____ فیدپوش گفتـ _____ ه _____ شی _____ ود .
مردم نورستانی از نظر جمجمه‌شناسی اغلب درازسرنده و موهای پرپشت سیاه دارند. چشمان آبی نیز در منطقه زیاد دیده می‌شود.
نورستان در تقسیمات کشوری کنونی افغانستان به شش بخش تقسیم می‌شود:

- نورستان
- کامدیش



- وایگل
- مندول
- برگ متال
- واما

۲,۱۶,۲۵ ولایت ارزگان

ارزگان یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر ترین کوت می باشد. ارزگان ساحه وسیعی را در شمال شرق قندهار تشکیل می دهد. صاحب طبقات ناصری ارزگان را از شهرهای قدیم غور می داند. سنگ نبشه های متعددی در آن موجود است که بیانگر کیش مهر پرستی در سده پنجم در آن وادی بوده است و به نظر می آید که نامگذاری آن هم مبتنی بر همین آیین بوده است.

تقسیمات ولایتی این ولایت به شرح زیر می باشد:

ولسوالی ترین کوت

ولسوالی چوره

ولسوالی خاص ارزگان



ولسوالی شهید حساس

ولسوالی دهرآود

ولسوالی نیش

مرکز ولایت ارزگان ترین کوت است و در شمال شرق ولایت قندهار واقع می باشد. به طرف شرق آن دایه چوپان و به طرف جنوب آن قلات غلجایی و به طرف غرب آن موسی قلعه و به شمال آن علاقه گرزاب واقع شده است.

در غرب این ولایت رودخانه هلمند جاری است. در ارزگان از طرف مشرق یعنی دایه فولاد دو کوه که مسمی به کوه سمندان است در آن مغاره ای وجود دارد که دهنه آن ۵۰ متر عرض داشته و سقف آن از یخ پوشیده شده است که تا به حال کسی نتوانسته

طول ایــــــمــــــن مــــــغــــــنــــــا رــــــه رــــــا طــــــی کــــــنــــــد.

از جمله رودخانه های ارزگان، رود هلمند و رود تیرین و شهرستان می باشد. کوه نوشته و کوتل قناق سنگ هم در این ولایت قرار گرفته است. مراکز صحی مکاتب ابتدایی متوسطه لیسه دارلمعلمین مدارس دینی میخانیک و مسلکی هم در این ولایت موجود می باشد.

ولسوالی اجیرستان: در شرق ارزگان و ناحیه غربی بهسود واقع شده است که در کتب تاریخی به شکل حجیرستان و جیرستان هم آمده است. در قسمت شرقی آن تپه ای مشهور به شهر قرغان (به معنی قلعه و حصار) قرار دارد.



دایکندی: یکی از مناطق محروم ولایت آروزگان به نام دایکندی در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۴ به عنوان یک ولایت جداگانه تشکیل شد.

دای به معنی قبیله یا سرزمین و بزرگ و با مردم به کار می رفته است. چنانکه در نامهای ترکی مغولی به صورت پسوند و یا پیشوند در نام اشخاص استفاده می شده است. در لهجه هزارگی دی معنای زیاد، بسته، یکجایی و خرمن را می رساند.

از نظر تاریخی شهرستان جزء ناحیه وسیعی به نام غرجستان بوده که جزئی از سرزمین غور یا پاروپامیزاد بخش مرکزی خراسان یا افغانستان امروز که شمالاً به باختر (باکتريا) جنوباً به زابل و سیستان و غرباً به هرات (ایریا) و شرقاً به زابل و گندهارا محدود و متصل می شده است.





۲،۱۶،۲۶ ولایت پنجشیر

ولایت پنجشیر در شمال افغانستان واقع است. مرکز پنجشیر رخنه است احمد شاه مسعود فرمانده مجاهدین افغان از پنجشیر و مشهور به شیر پنجشیر بود. مناطق این ولایت تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی بخشی از ولایت (ولایت) پروان بودند و ولسوالی‌های پنجشیر، حصه اول پنجشیر و حصه دوم پنجشیر را در پروان تشکیل می‌دادند.

تقسیمات ولایتی این ولایت امروزه به این شکل است:

- ولسوالی پریان (مرکز: نودانک)
- ولسوالی حصه اول (مرکز: خنج)
- ولسوالی حصه دوم (مرکز: کرامان)
- ولسوالی حصه سوم (مرکز: رخنه)
- ولسوالی حصه چهارم (مرکز: عنابه)
- ولسوالی شتل (مرکز: ده کلان)

پنجشیر به فاصله ۱۲۰ کیلومتری به طرف شمال شرق کابل در بین دو شاخه جنوبی هندوکش، از شمال شرق به جنوب غرب موازی به امتداد هندوکش واقع است و دره‌های فرعی آن از شمال به جنوب و از جنوب به شمال امتداد داشته و به دره عمومی



پنجشیر وصل می شود.

ارتفاع آن ۲۲۱۷ متر از سطح دریا بوده و در نقاط مرتفع به ۶۰۰۰ متر از سطح دریا می رسد. طول آن از دالان سنگ تا پای کوتل

انجمن زیاده از ۱۲۵ کیلومتر است. عرض دره پنجشیر اندازه های مختلفی دارد که بدون وسایل و وسایط فنی تعیین شده

نمی تواند .

پنجشیر از طرف شمال متصل است به خوست فرنگ و ولایت تخار و اندراب در ولایت بغلان واز طرف جنوب به نجراب سنجن و

در نامه و ریزه کوهستان واز جانب مشرق و شمالشرق به نورستان و بدخشان واز طرف غرب به شتل محدود است. رودخانه

پنجشیر با ریختن به رودخانه کابل به پاکستان سرازیر می شود. زمستان پنجشیر سرد و پر برف بوده و تابستانی معتدل دارد.

مرکز پنجشیر رخه است و زبان مردم آن فارسی دری است. در آنجا تاجیکان و هزاره ها زندگی می کنند و عشایر (اقوام کوچی) در

بهار و تابستان در کوه های خاواک زندگی می کنند و در خزان و زمستان به مناطق گرم میروند. مردم این ولایت همه مسلمان

هستند.

ولسوالی ناحیه اول پنجشیر یکی از ولسوالی های پرجمعیت ولایت پنجشیر بوده و بیشتر مردم این ولسوالی اشخاص پولدار

می باشند و یک شماری از مردم این ولسوالی در معدن زمرد کار می کنند . حدود جغرافیایی آن از پل دو آب روستای مرزبه آغاز و

تا دشت ریود ادامه دارد . روستاهای بزرگ آن عبارتند از: مرز، زینه، پشغور، خارو، برجن، رخ، خنج، متاع، سفیدچهر، زریه،



غنج‌وودش _____ ت ر ی _____ و د .

معادن زمرد درسه منطقه خنج، سفیدچهر و دشت ریود قرار گرفته اند.

در مورد نام پنجشیر دو نظر وجود دارد. اهالی پنجشیر معتقدند که در گذشته پنجشیر به کجکن معروف بوده است ولی در تمام آثار معتبر تاریخی و آثار منظوم و منثور قدما پنجهیر ضبط شده است.

پنجهیر از دو کلمه «پنج» و «هیر» ترکیب یافته است که در زبان پهلوی و اوستا به معنی آب آمده است مانند هیرمند. ابن بطوطه سیاح عرب هیر را در زبان سانسکریت به معنی کوه ترجمه کرده و پنج هیر را مأخذ از پنج کوه می داند. "بجایی رسیدیم که پنجهیر نام داشت هیر به معنی کوه است و پنجهیر یعنی پنج کوه. در آنجا شهر قشنگ و آبادانی دیدم که روی نهر بزرگ کبودینی بنا شده است لشکر ملعون چنگیز آن را خراب کرده است و از آن پس روی آبادانی ندیده این رودخانه از کوهستان بدخش سرچشمه می گیرد. یاقوت معرُوف بدخش از همین کوهستان بدست می آید.

بنجهیر. شهری است در نواحی بلخ. (انساب سمعانی در کلمه بنجهیری). در حدودالعالم آمده است : بنجهیر و جاریابه دو شهر است و اندر وی معدن سیمست و رودی میان این هر دو شهر بگذرد و اندر حدود هندوستان افتد (چ تهران ص ۶۲ و ۲۰): شهری است بنواحی بلخ و در آن معدن سیم است و اهل آن اخلاطاند ... (معجم البلدان). ابن بطوطه گوید این کلمه مرکب است از پنج بمعنی خمسه و هیر بمعنی کوه لکن شاید این لفظ مخفف پنج هیربذ باشد. رجوع به شاهد از ترجمان البلاغۃ شود. مستوفی در



نزهةالقلوب (ص ۱۵۵) گوید: پنجهر از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالدات بب و عرض از خط استوا لوله . شهری وسط

است و هـوای خـوش دارد.(لغت نامـه دهخـدا)

امیر از آنجا [باغ خواجه علی میکائیل] برداشت بسعدت و خرمی با نشاط و شراب و شکار میرفت میزبان بر میزبان : به خلم و به و
بیدخشان . احمد علی نوشتگین آخرسالار که ولایت این جایها برسم او بود. (تاریخ بیهقی ص ۲۴۶) و پسرکستان پوشیده فرستاده
بوده است [احمد ینالتگین] بر راه پنجهر تا وی را غلامان ترک آرند (تاریخ بیهقی ص ۴۰۲). و مسعود محمد لیث را برسولی
فرستاد نزدیک ارسلان خان با نامه ها و مشافهات در معنی مدد و موافقت و مساعدت و وی از غزنین برفت براه پنجهر) . تاریخ
بیهقی ص ۶۴۳)

از جمله جغرافیه نویسان عرب تنها یعقوبی «بنجهار» ابن خرداد «بنجار» و ابن فقیه «فنجهر» آورده‌اند ولی مولفان و جغرافیه
نویسان خراسان در همه مواردی که از پنجشیر ذکری کرده‌اند نام آن را به شکل پنجهر ضبط نموده‌اند .





۲,۱۶,۲۷ ولایت پروان

ولایت پروان، از استان‌های افغانستان است. مرکز این ولایت شهر چاریکار و مساحت ولایت مساحت ۳۹۹,۰۹ کیلومتر مربع با جمعیت ۵۲۰,۸۰۰ نفر است.

ولسوالی‌های زیر در ولایت پروان قرار دارند .

- شهر چاریکار شاروالی و مرکز ولایت
- ولسوالی جبل سراج
- ولسوالی سالنگ
- ولسوالی شینواری
- ولسوالی غوربند
- ولسوالی شیخ علی
- ولسوالی سرخ پارسا
- ولسوالی بگرام
- ولسوالی کوه صافی

در این ولایت اقوام زیر زندگی می‌کنند:



• تاجیک

• هزاره

• پشتون

• ایماق

• ترک

ولایت پروان (جمعیت در ۱۳۶۱ ش/ ۱۹۸۲، ۹۸۷، ۵۲۷ تن) از ولایات مهم در مشرق افغانستان است. از شمال به ولایت بغلان، از مشرق به ولایت کاپیسا، از جنوب به ولایات کابل و وردک و از مغرب به ولایت بامیان * محدود می شود.

ولایت پروان، علاوه بر نزدیکی به پایتخت و صنعتی بودن، به دلیل قرار گرفتن در مسیر کاروانهای تجاری و آب و هوای مطلوب، در میان ولایات افغانستان اهمیت فوق العاده ای دارد. شهر چاریکار (پایتخت) در مشرق ولایت، در ارتفاع ۶۰۳، ۱ متری، در حدود ۶۴ کیلومتری شمال کابل و مشرق ملتقای رود غوربند و پنجشیر واقع است. راه اصلی کابل - بغلان (مرکز ولایت بغلان) و نیز شمال افغانستان از آن می گذرد.

صنایع نساجی (بخصوص پارچه کتان)، ساخت چاقو و ابزار فلزی چاریکار و پیرامون آن در افغانستان معروف است پروان در تشکیلات اداری قدیم افغانستان به صورت «حکومت اعلی» اداره می شد، اما از ۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۴ در تقسیمات داخلی جدید، ولایتی مستقل با اهمیتی کمتر (درجه دو) شد.



کاپیسا از ۱۳۵۸ ش ۱۹۷۹ به مدت دوسال قسمتی از پروان شد. در ۱۳۶۳ ش ۱۹۸۴ ولایت پروان دوازده واحد اداری مستقل

داشت. در این ولایت، چهار ولسوالی (از تشکیلات حکومتی) چهار علاقه داری و ۴۷۷ آبادی ذکر شده است

پیداوار (محصولات) پروان:

توت و انگور پروان شهرت فراوان دارد. بعلاوه، گندم، جواری، جو، ماش و لوبیا را میتوان از غله جاتی به شمار آورد که درین ولایت کاشته می شوند. مناطق اطراف چاریکار، مرکز ولایت، در تولید انواع سبزیجات پیشقدم بوده و تولیدات آن نه تنها برای مصرف محلی بلکه برای صدور به بازارهای کابل نیز فرستاده می شود.

صنعت چاقو سازی در مرکز ولایت- چاریکار، از گذشته ها رواج داشت. همچنان صنعت چرمگری در چاریکار وجود داشته است. کارخانه کشمش پاکی در دوران حکومت محمد داوود با سرمایه شخصی او آغاز به کار کرد که در دوران جنگهای سی ساله از کار افتاد.

بند و انهار: پروژه بزرگ آبیاری در پروان توسط چینی ها به بهره برداری رسید. این پروژه از رودخانه پنجشیر آغاز شده است. برای گذشتن از رودخانه غوربند فناوری جالبی به کاررفته است که لوله های بزرگ آب از شانه یک تپه سرازیر شده و با گذشتن از زیر رودخانه غوربند به شکل بُرق روی شانه دیگر تپه می آید و به کانالی که به سوی چاریکار میرود می ریزد. کانال یاد شده قبل از رسیدن به شهر چاریکار به دو شاخه تقسیم میشود که یکی به سوی شرق و دیگری همچنان به سوی جنوب جریان می یابد. در همین محل تقسیم یک بند برق ساخته شده که بخشی از برق شهر چاریکار را تولید میکند. همچنان در قسمت جنوب شهر



چاریکار برای رساندن آب به زمین های بالاتر از نهرا سلی، دستگاه بزرگ آب انداز (واترپمپ) ساخته شده که آب را از نهر پایین به بالا انداخته و در آنجا به جوی دیگری می افتد. این آب حتی تا مناطق قره باغ رسیده و زمین های خشک را آبیاری میکند.

ولایت پروان از چهار رودخانه آب میگیرد که عبارت اند از:

رودخانه پنجشیر

رودخانه سالنگ

رودخانه غوربند

رودخانه شتل

همچنان رودخانه دیگری به نام رودخانه «باریک آب» از سمت جنوب غرب وارد وادی پروان میگردد اما این رودخانه آب موسمی دارد و دایم فعال نمیباشد.

شهر چاریکار در حدود ۶۴ کیلومتری شمال کابل و در خاور پیوندگاه رودهای غوربند و پنجشیر واقع است. راه اصلی کابل - بغلان و نیز شمال افغانستان از چاریکار می گذرد .

جمعیت این شهر در سال ۱۹۸۸ در حدود ۲۹۴۰۰ نفر برآورد شد و امروزه ۵۳۶۷۶ نفر اعلام می شود . منطقه میان کابل و

چاریکار متراکم ترین منطقه افغانستان از نظر جمعیت است .



این شهر در محل ورودی دره پنجشیر واقع شده است. صنعت پارچه کتان و ساخت چاقو و ابزار فلزی چاریکار و پیرامون آن در

افغانستان معروف است کوزه‌گری و انگورهای این شهر نیز معروفند. در دهه ۱۹۶۰ بزرگ‌ترین کارخانه نساجی افغانستان در گلبهار در نزدیکی چاریکار ساخته شد که ساخت آن باعث رشد جمعیت چاریکار پس از سال ۱۹۶۲ میلادی شد.

از نقاط دیدنی شهر، تپه گل غندی است. گردشگاه تپه گل غندی که از گردشگاه‌های بهاری افغانستان است در سال ۱۳۲۴

خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی) در زمان میرعلم خان شهردار چاریکار بنیاد شد. در سال ۱۳۲۷ خورشیدی بهای جان، شاعر پشتوزبان از این تپه دیدن کرد و نام آن را تپه گل غندی (تپه گل) گذاشت.

در افسانه‌ها بنیاد شهر چاریکار را به جمشید پادشاه نسبت می‌دهند. بنیاد تاریخی آن را نیز توسط شاه کانیشکا از دودمان کوشانیان می‌دانند.

در سال ۱۸۴۱ و در جریان جنگ انگلیس با افغانستان، یک هنگ از سربازان انگلیسی مستقر در چاریکار قتل عام شدند. در ۲۱

ژوئیه ۱۸۸۰ عبدالرحمن خان در شهر چاریکار اعلان پادشاهی کرد. نیروهای حبیب‌الله کلکانی (بچه‌سقا) پادشاه افغانستان، چاریکار را در سال ۱۳۰۸ خورشیدی اشغال نمودند.

بعدها محمدگل خان مهمند، وزیر داخله افغانستان که سیاست پشتوسازی را دنبال می‌کرد، شهر چاریکار را به آتش کشید و ویران ساخت.



پس از مداخله نظامی روسیه در سال ۱۹۷۹، چاریکار صحنه جنگ‌های شدیدی شد. پس از اشغال منطقه از سوی طالبان، مردم

چاریکار در ۲۳ میزان ۱۳۷۵ علیه طالبان قیام کردند.

۲،۱۶،۲۷،۱ تاریخ پروان

پروان پایتخت تابستانی امپراتوری کوشانی به خصوص در عهد کنشکای کبیر است. شهرهای یگرام و کاپیسا در در دو سوی دریای

پنجشیر میرمه دم دن کوشانی میباشند.

پروان در دامان جنوبی هندوکش همیشه سنگر نهایی و پشتوانه مطمئن کابلستان بوده است. جنگ‌های شدیدی که باشندگان پروان

در برابر چنگیز خان کردند، به گزارش میرغلام محمد غبار نویسنده «افغانستان در مسیر تاریخ»، سبب شد که چنگیز برای

نخستین بار مزه تلخ شکست را بچشد. البته چنگیز خان برای اولین بار در تاریخ پروان با شکست مواجه شده است که آن هم در

منطقه ای به اسم پمل متک بوده است.

در دوران جنگ‌های سه گانه مردم افغانستان در قرن نوزده با انگلیس بازهم پروان دژ استوار و دیواری عبور ناپذیر در برابر متجاوزین

انگلیس بود.

پس ازان که امیر حبیب الله خان کلکانی (رح) در سال ۱۹۲۸ با مرکز قرار دادن پروان در شورش‌های ضد حکومتی توانست



حکومت امان الله شاه را سرنگون کند، پروان برای اولین بار به مثابه منطقه تاجبخش تاجگیر شناخته شد. ازینرو، وقتی نادر خان به قدرت رسید، برای درهم کوبی روحیه این مردم، کسان زیادی از مردم را بکشت و دارایی‌های شان را غارت کرد. همچنان برای تداوم سلطه خود براین مردم، به جا به جا سازی طرفداران خود درین نقاط مختلف پروان پرداخت.

همچنان مناطق اطراف شهر چاریکار را به سوی جنوب و شرق جوی دیگری آبیاری میکرده است که از رودخانه غوربند آب می‌گرفته است. این جوی‌ها به نام‌های، جوی چاریکار، جوی خواجه و جوی ماهیگیر یاد میشوند... این جوی‌ها نیز در حال حاضر از شاخه شرفی کانال آبیاری پروان آب می‌گیرند.

مناطق دیگر پروان بیشتر از آب‌هایی که از کوه‌ها سرازیر میشوند آب می‌گیرند و بند و انباری که درین مناطق وجود دارد به صورت عنعنوی ساخته شده و از قرون متمادی بدینسو به همین منوال بوده است. از جمله مناطق عمده و مهمی که مربوط به ولایت پروان و نزدیک به ولسوالی‌های کابل است همانا علاقه داری سنجدره بوده که دارای هفت قریه میباشد که به دوحصه مهم بالاده و پایین ده تقسیم شده است، تمام افراد ساکن سنجدره مردمان سنی مذهب و فارسی زبان اند. سنجدره هم سرحد باتوپ دره، غوربند و شهرک سابقه یاجاده عمومی کابل - پروان است اهالی سنجدره اکثرآ مردمان تجارت پیشه بوده و اکثریت مردمان آن در ولایات کابل، پروان، مزار، تخار، بغلان، هرات و سایر مناطق زندگی میکنند، این محل دارای تعدادی از زیارت گاه ها بوده و مشهورترین آن پنجپیران پنجشور زیارت رومی صاحب است، مشهورترین محل درس سنجدره همانا منطقه بنام چهارجوی است که زمانی پایگاه قومندان ملا (ملا محمد ساکن اصلی قریه ده غلامان بوده) که شاهد درگیری‌های میان گروه طالبان و جبهه متحد بود، مردمان این محل در زمان طالبان خسارات هنگفت ملی و جانی را متحمل شده و در زمان طالبان مورد تهاجم ربه‌های



کوچی نیز قرار گرفته ولی سرتسلیم برای افراد مسلح فرو دنیاورده اندقابل یادآور است که در زمان های گذشته تعدادی از مردم قوم منگل که جهت تاراج به آن مناطق آمده بودند در بعضی از مناطق آن سربه نیست گردیده اند.

سنجدره از جمله محلاتی بوده که در آن آثار باستانشناسی کشف گردیده است. عملیات حفاری در نواحی چشمه شفا در ماه ثور سالروان و حفاریات بالاحصار در برج حمل سالروان آغاز شده که اکنون در نتیجه ان آثار یک شهر دوره باختریبست آمده است. آثار کشف شده تماماً از دوره باختری است که ممکن است. ششم و پنجم قبل از میلاد را در بر بگیرد. که اتشکده و اتشدان کشف شده در منطقه، بینظیر است. حفاریات این ناحیه ادامه دارد و در آینده سنه گذاری های مطلق ان روشن خواهد گردید. ناگفته نماند که ساختمانهای عصر کوشانی، غوری، تیموری نیز در این ناحیه باستانشناسی موجود است. آثار و پارچه های ظروف سفالی بدست آمده مربوط دوره کوشانی ها و دوره های اسلامی (غزنوی، غوری، تیموری و بعدتر) تا امروز که ساختمانها یکی بالای دیگر قرار دارند، به نظر رسیده است. در اطراف بالاحصار محدوده هایی که مربوط به عصر بودیزم میشوند قبلاً حفاری گردیده است: مانند تپه مرنجان، تپه نارنج، خواجه صفا، تپه خزانه، باغ بابر و کوتل خیرخانه که آثار ان بعداز تحقیق و تسجیل توسط انستیتوی باستانشناسی به موزه ملی تسلیم شده است و همچنان آثاریکه قابل انتقال نیست مانند آثار تپه نارنج در خود ناحیه حفظ گردیده است.

گفته می شود که موجودیت و تسلسل این نواحی در اطراف شهر کابل و ادامه ان در قلعه حشمت خان، قلعه خندر، خورد کابل، میثار چکری، یخ دره، سنجدره، بت خاک و شیوکی را در بر میگیرد، نشان میدهد که در عصر بولایت، کابل یکی از نقاط مهم

تاریخی بشمار میرفت و نقطه ارتباط راه های تجارتی و شهرها بوده است.



وُلسوالی غوربند یکی از ولسوالی های ولایت پروان افغانستان است.

غور نام منطقه ای است در شمال غربی غوربند. غوربند به معنای «مانع کوهستانی در راه غور» است.

این ولسوالی تقریباً نصف ولایت پروان را از نظر مساحت و نفوس تشکیل می دهد. قبل از افتتاح تونل سالنگ این دره شمال را به جنوب وصل می نمود و تمام کاروان های تجارتی از این دره می گذشتند، اما بعد از افتتاح تونل سالنگ از شهرت این راه کاسته شد. این دره زیبا و سرسبزی است که توجه توریست ها و سیاحان را به خود جلب نموده است و قبل از کودتای ثور روزانه صدها سیاح خارجی و داخلی برای تماشای مناظر دلربای طبیعی به این دره سفر می کردند .مردم این دره را اقوام تاجیک ، هزاره ، پشتون و قرلق تشکیل میدهد. همچنان یک عده سادات نیز در این دره زندگی می نمایند که از احترام و عزت خاص نزد سایر مردم برخوردار می باشند. غوربند تاریخ دیرینه دارد جهان کشایان بزرگ چون اسکندر مقدونی ، چنگیز... در این دیار با شکست مواجه شدند.

در جریان اشغال افغانستان توسط روس ها مردم این دره تلفات زیادی را متقبل گردیدند .روس ها چندین بار در این دره هجوم آوردند اما به مقاومت شدید مردم این مرزوبوم مواجه شدند. بالاخره در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی روس ها که توان مقابله را از دست داده بودند ،مجبور به ترک این دیار شدند. محصولات کشاورزی مهم این دره را زرد آلو ، بادام، سیب ، انگور وغیره تشکیل می دهد. چون غوربند یک دره کوهستانی است و مردم آن شغل دهقانی دارند و از نظر اقتصادی بسیار فقیر می باشند.

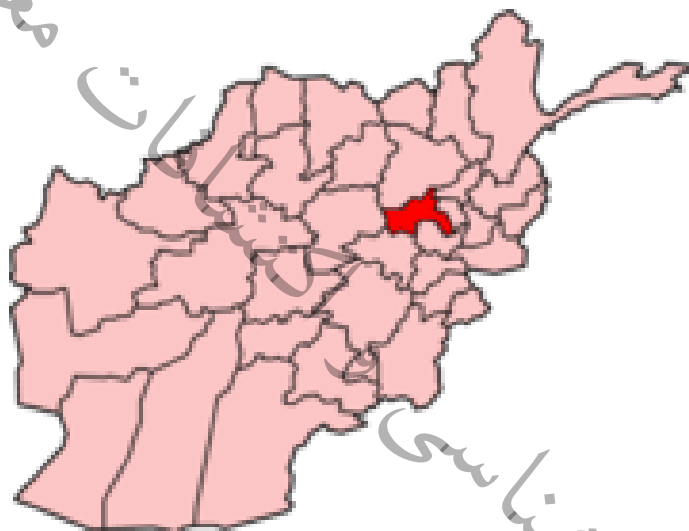


بگرام شهری است در ولایت پروان کشور افغانستان.

این شهر از سوی کوروش بزرگ هخامنشی ویران و توسط داریوش بزرگ بازسازی شد.

در نزدیکی این شهر یک پایگاه نظامی معروف قرار دارد. آمریکا در پی حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ به راهاندازی یک مرکز

بازداشت موقت در پایگاه نظامی بگرام اقدام کرد که تا سال ۱۳۸۷ حدود ۶۳۰ زندانی را در خود جای داده است.





۲،۱۶،۲۸ ولایت پکتیا

ولایت پکتیا یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر گردیز است. هرودوت مورخ یونانی از مردم باستانی «پکتیس» و «پکتویس» یاد کرده و سرزمین آنها را پکتیکا ذکر کرده است. بطلمیوس هم نام این مردم را پکتین (Pactyan) نوشته است.

تقسیمات ولایتی این ولایت به شرح زیر است:

- مرکز ولایت: شهر گردیز
- ولسوالی زرمت
- ولسوالی شیواک
- ولسوالی وزه جدران
- ولسوالی شمل
- ولسوالی سپیره
- ولسوالی تنی
- ولسوالی نادرشاه - کوت
- ولسوالی سوزائی
- ولسوالی گربز



- لوی ولسوالی خوست
- ولسوالی تیری زایی
- ولسوالی باک
- ولسوالی جاجی میدان
- ولسوالی صبری {یعقوبی}
- ولسوالی جانی خیل
- ولسوالی دند و پتان
- ولسوالی چمکنی
- ولسوالی لجه مانگل
- ولسوالی موسی خیل
- ولسوالی قلندر
- ولسوالی سید کرم
- ولسوالی جاجی

گردیز شهری است در جنوب افغانستان و مرکز ولایت پکتیا است.

این شهر در منتهی الیه دره رودخانه گردیز و در ارتفاع ۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد و زمانی یکی از مراکز عمده



پروژه پکتیا ————— با کمک آلمان ————— فدرال بود.

بازار قدیمی شهر در سال ۱۹۴۳ میلادی بنا شده است و بعد از آسفالت شدن جاده کابل - گردیز (۱۲۰ کیلومتر) حمل و نقل مصنوعات چوبی افزون یافت و باعث رونق آن شهر گردید.



سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی



۲،۱۶،۲۹ ولایت سمنگان

سَمَنگان یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر آبیک است.

شهر قدیمی سمنگان در جنوب شرقی خلم، در ولایت مزار شریف و در طول تاریخ بر سر یکی از راه های مهم بلخ بوده است. در شاهنامه فردوسی چنین آمده است که رستم زال با تهمینه دختر شاه سمنگان ازدواج کرد. به روایت شاهنامه این شهر در مرز ایران و توران قرار داشته است.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر می باشد:

ولسوالی آبیک مرکز ولایت

ولسوالی خلم

ولسوالی دره صوف بالا

ولسوالی دره صوف پایین

ولسوالی روی دو آب

ولسوالی حضرت سلطان

روستاهای این ولایت نیز به شرح زیر است :



کوچه عارق ، چکاک، تنگی یعقوب پایین، سرخه گاوکش ، تیموری بیانان، خانه سنگی، قره مورچه، سرخه بوبکی، حاجی بچه، اوی

متان، نیکک، تاجک دهی، چلغزار، تاچی خانه ، اجریم و قرغنه، خوال چارمغز، توری ها، جوی لطیف ، تارتوت و تیوه تاش

آییک مرکز ولایت سَمَنگان کشور افغانستان است. و در ارتفاع ۹۵۹ متری از سطح دریا واقع شده است.

این شهر در پهنه دره یا رودخانه خلم و سمنگان در بخش سفلی با راهی صعب العبور و پرگردنه قرار دارد. در سال ۱۹۳۴

میلادی بخشی از شهر قدیم، از بین رفت و در ۴ کیلومتری این شهر بنای شهر جدید شروع شد. شهر قدیمی اییک نزدیک دهانه

دره و داخل دژ سمنگانی واقع شده است. شمع شده است.

تجارت عمده این شهر گندم، بادام و پسته است.

از اماکن دیدنی این ولایت به تخت رستم و قصر جهان نما می توان اشاره کرد.





۲,۱۶,۳۰ ولایت سرپل

سرپل یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر سرپل است. مساحت این ولایت ۱۵,۹۹۹,۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن براساس برآورد سال ۲۰۰۶ میلادی ۴۸۲,۹۰۰ نفر است.

ولسوالیهای ولایت سرپل به شرح زیر است

- سرپل
- بلخاب
- سوزمه قلعه
- صیاد
- کوهستانات
- سنگچارک

سرپل مرکز ولایت سرپل کشور افغانستان است.



در گذشته از شهرهای جوزجان افغانستان بوده است و در نزدیک شهر شبرغان قرار دارد. مرقد مطهر امامزاده یحیی بن زید(ع) در شهر سرپل است و از دیر باز همواره این شهر را کانون توجه مردم مسلمان افغانستان قرار داده و باعث رونق این شهر گردیده است. اکثر اهالی این شهر از یک هستند.

سرپل از لحاظ شهرسازی دارای معماری سنتی است و در نقطه ای دور افتاده و صعب العبور قرار دارد. در سال ۱۸۸۵ میلادی دارای ۹۵۰ خانوار جمعیت بوده است.

ولسوالی بلخاب یکی از توابع ولایت سرپل افغانستان است. ولسوالی بلخاب از جنوب با بامیان و یکاولگ وصل است، از شرق با دره صوف، از غرب چیراس، و از شمال به ولایت بلخ وصل است. دارای ۱۰۳ قریه خرد و کلان و هفتاد و دو شورای محلی می باشد.

ولسوالی بلخاب دارای ۵۵ دبستان، ۳ دبیرستان، دو مدرسه متوسطه دخترانه و پسرانه می باشد. جمعیتش حدودا میان ۶۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ نفر می رسد.

درآمد مردم بلخاب از محصولات گندم، در گذشته و فعلا انگوزه (یکنوع گیاه کوهی - شیرش را می گیرند به قیمت بالا فروخته می فروشند) گردو، بادام، قروت، زیره و سیب زمینی.



۲,۱۶,۳۱ ولایت تخار

تخار یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. این ولایت در شمال افغانستان واقع شده و مرکز آن شهر تالقان است.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است:

- شهر تالقان مرکز ولایت و شاروالی
- ولسوالی بنگی
- ولسوالی اشکمش
- ولسوالی چال
- ولسوالی ورشچ
- ولسوالی فرخار
- ولسوالی کلفگان



- ولسوالی رستاق
- ولسوالی چاه آب
- ولسوالی ینگى قلعه
- ولسوالی درقذ
- ولسوالی خواجه غار
- ولسوالی خواجه بهاوالدين
- ولسوالی بهارک
- ولسوالی دشت قلعه

تالْقَنان یا تالْقَنان مرکب از ولایت تَخَار کشور افغانستان است.

این شهر بعد از سال ۱۹۵۸ میلادی به سرعت رشد کرد. جاده ارتباطی آن به خان آباد است. از سال ۱۸۴۰ به بعد تالقان، از شهر

کندوز و امام صاحب، پررونق ترین میدان های خرید و فروش را در قطن داشت. در سفرنامه مارکوپولو، از این شهر به عنوان

مرکز غلات افغانستان یاد شده است.



در سال ۱۹۵۸ شهر جدید تالاقان در زمین‌های شرق شهر قدیمی احداث شد. همچنین تالقان در سال ۱۹۶۳ به مرکز ادارات ایالت تخار تبدیل شد.

ولسوالی رُستاق، از شهرهای افغانستان است و دومین شهر عمده ولایت تخار می‌باشد.

این شهر در دره کم‌آبی در شمال کوهستان‌های کم‌ارتفاع (۱۳۰۰ متر) قرار دارد و تقریباً ۴ کیلومتر طول و یک کیلومتر عرض داشته و جمعیتی نزدیک به ۷۰۰۰ نفر دارد که ۲۰٪ آنان کشاورزند.

بازار این شهر در نیمه اول قرن نوزدهم از بازارهای معروف شمال افغانستان بوده و اکنون در مسیر جاده اصلی هند و بخارا قرار دارد.





ولایت وردک ۲,۱۶,۳۲

ولایت میدان وردک یکی از ولایات مرکزی افغانستان به حساب می آید. که نفوس آن ترکیبی از ملیتهای تاجیک، هزاره، سادات، پشتون می باشد.

ولسوالی های ولایت میدان وردک به شرح زیر می باشد:

مرکز ولایت: میدان شهر

ولسوالی جلریز

ولسوالی حصه اول بهسود

ولسوالی حصه دوم (مرکز بهسود)

ولسوالی دایمیرداد

ولسوالی چک

ولسوالی سید آباد

ولسوالی نرخ

ولسوالی جغتو



این منطقه جزو مناطق کوهستانی افغانستان بوده و دارای آب و هوای سرد و کوهستانی با زمستانهای کاملاً سرد و تابستانهای گوارا

هست. قسمت اعظم این ولایت تحت سیطره سلسله جبال کوههای بابا قرار داشته که سرچشمه بسیاری از رودخانه های پر آب

افغانستان نظیر رودخانه کابل، رودخانه هلمند از این مناطق خصوصاً ناحیه دوم بهره‌مند می باشد. که سرسبزی و شادابی دره

میدان مدیون قلل سر بفلک کشیده کوههای بابا و دره های وش آب و هوای هزاره جات است .

بیشتر مردمان این ولایت کشاورز و دامدار هستند. مردمان دره میدان به شغل باغداری مشغول بوده و باغهای سیب این منطقه بنام

سیب میدان شهرت جهانی دارد. بخش وردک به شغل‌های عالی دولتی و تجارت مشغول هستند.

اما مردمان تاجیک و هزاره آن در محرومیت حاصل از سیاستهای فاشیستی حکومت‌های تبارگرای مجمد زایی و آل یحیی همچنان

عقب نگهداشته شده اند. به عنوان مثال دره های عمیق و پر آب بهسود و هزاره جات این ولایت بستر مناسبی برای ساختن

بندهای آبی چه برای تولید برق و چه برای ذخیره آب مساعد ساخته است.

اما چون مردمان این مناطق از لحاظ مذهبی، قومی و لسانی مطابق ذوق و سلیقه شاهان و حاکمان افغانستان نبوده اند، از ساختن

بندهای برق و دیگر بندهای آبی عمدا خودداری کرده اند تا مبادا مردم این مناطق انکشاف پیدا کرده و حکومتشان با خطر مواجه

شود.



۲،۱۶،۳۳ ولایت زابل

زابل یکی از ۳۴ ولایت افغانستان است. مرکز این ولایت شهر قلات است.

تقسیمات اداری این ولایت به شرح زیر است :

- مرکز ولایت شهر قلات
- ولسوالی شاه جوی
- ولسوالی ارغنداب
- ولسوالی دای چوپان
- ولسوالی میران (میزان)
- ولسوالی ترنک و جلدک
- ولسوالی شنکی (شینکی)
- ولسوالی انغر
- ولسوالی شمولزی (شمل زائی)
- کاکر



قَلات شهری است در جنوب افغانستان امروزی . این شهر مرکز ولایت زابل است. نام‌های دیگر آن قلات غلزایی، کلات و کلات

غلزایی _____ می‌باشد.

قلات توسط جاده‌ای به قندهار در غرب و غزنی در شرق متصل می‌شود.

زبان گفتاری مردم این منطقه پشتو است و اکثر حنفی مذهبند. ارتفاع این ولایت از سطح دریا ۱۵۴۹ متر است.





۲،۱۷ جغرافیای اقتصادی

سرزمین کوهستانی افغانستان، دارای منابع اقتصادی فراوان و معادن طبیعی زیاد و گران قیمت است، مانند: نفت و گاز، زغال سنگ، طلا، نقره، مس، آهن، زمرد، یاقوت، لعل، لاجورد، بیروچ و... که بر اثر سهل انگاری و گام برنداشتن نظامهای سابق در جهت ترقی کشور، از آنها چندان بهره برداری درست نمی شود و اتکاء جامعه بیشتر بر اقتصاد کشاورزی، دامداری و صنایع دستی است. بنابراین، امروزه، افغانستان از جمله فقیرترین کشورهای دنیا است.

براساس ارزیابی و مطالعه سال ۱۳۴۲ ش. ۱۹۶۳ م. زمین های قابل زرع کشور، حدود ۱۴ میلیون هکتار است، که هفت میلیون و هشت صد هزار هکتارش تحت کشت بوده است. (پنج میلیون و سیصد و ده هزار هکتار آن آبی و دو میلیون و چهار صد و نود هزار هکتار آن دیمی) و بعضی از پژوهشگران و کارشناسان، نوشته اند: براساس کارشناسی امور زراعتی ۲۲٪ از کل خاک افغانستان قابلیت کشاورزی دارد که اکنون فقط ۱۰٪ زیر کشت است. البته این تحقیق و پژوهش و اعداد و ارقام، مربوط به سال ۱۳۵۶ می باشد.

افغانستان دارای منابع سرشار طبیعی می باشد که تاکنون دست ناخورده باقی است. این کشور در حالیکه معادن نفت و گاز را دارا می باشد اما اکنون تمام مایحتاج خود را به قیمت گزاف از خارج تامین می نماید.

ابراهیم عادل، وزیر معادن و صنایع، می گوید که ده درصد معادن افغانستان تاکنون شناسایی شده است. این شناسایی که صرفاً در معادن ولایات هرات و هلمند صورت گرفته، در پی تحقیقات سه ساله توسط موسسه آمریکایی (یو، اس، جی اس) انجام شده است



که قرار است از تمامی مناطق افغانستان تصویربرداری نماید. پروژه سروی معادن افغانستان ۳۴ میلیون دلار هزینه بر می‌دارد که بیشترین آن از کمک‌های جامعه جهانی و امریکا می‌باشد.

۲،۱۷،۱ اقتصاد افغانستان

اقتصاد، رفتار خاص انسان است که خواستن ارزش‌یابی و انتخاب در زمینه‌ی تولید توزیع و مصرف توأم باشد و بیشترین موفقیت را ب_____رای او حاصل _____ل کند.

تولید و مصرف انرژی در افغانستان بسیار محدود است منابع عمده انرژی عبارتند از نفت، گاز، برق و آب و چوب. از این میان رایج ترین ماده انرژی را همچنان انواع چوب است و برای مصارف مختلف از آن استفاده می‌شود. بخصوص در روستاها چوب مهمترین منبع انرژی است اهمیت افغانستان از نقطه نظر انرژی وابسته به موقعیت جغرافیایی آن است که بعنوان مسیر ترانزیت بالقوه برای صادرات نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی، به کشورهای عربی ارتباط برقرار می‌کند.

اقتصاد افغانستان بعد از فروپاشی حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ رو به بهبودی نهاده است. نرخ آمار زیر خط فقر این کشور بسیار وحشتناک است، به موجب این نرخ از هر صد افغانستانی ۵۵ نفر آنان زیر خط فقر هستند. از دیگر نرخ‌های نگران کننده این کشور فقیر نرخ ۴۳ درصدی بیکاری است. حدود ۸۱ درصد مردم این کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند. به موجب آمار سال ۲۰۰۴، ۱۵ میلیون نفر در این کشور کارگر هستند. نرخ



تورم در این کشور در سال ۲۰۰۵، ۱۶،۳ و در سال ۲۰۰۶ بنا بر پیش بینی ها ۱۷ درصد است. عمده ترین محصولات صادراتی این کشور به سه کشور آمریکا (۲۵،۴٪)، پاکستان (۲۲٪) و هند (۱۹،۵٪) است که حجم آن ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده می شود. و عمده ترین شریکان صادر کننده محصولات به این کشور پاکستان (۲۳،۷٪)، آمریکا (۱۱،۲٪)، هند (India ۷،۹٪)، آلمان (۶،۸٪)، ترکمنستان (۴،۹٪)، روسیه (۴،۵٪)، کنیا (۴،۳٪) و ترکیه (۴،۲٪) می باشند که حجم آن به بیش از ۴ میلیارد دلار می رسد. بیشترین بدهی این کشور به کشور روسیه و نیز بانک بین المللی پول است که به بالغ بر ۸ میلیارد دلار می رسد. پس از سقوط طالبان بیش از ۶۰ کشور جهان قول کمک به این کشور را دادند که به فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹، ۸،۹ میلیارد دلار به این کشور کمک بلاعوض کنند. واحد پول آن افغانی نام دارد که از سال ۲۰۰۰ به بعد ارزش ها به نسبت دلار رو به بهبودی دارد. سال مالی آن از اول فرودین (۲۱ مارس) تا ۲۹ اسفند (۲۰ مارس) است. عمده ترین محصول صادراتی این کشور مرفین یا تریاک است. از دیگر اقلام صادراتی این کشور می توان به جامه پشمی بومی این کشور و فرش های دستباف و پوست گاو و گوسفند و سمور و پلنگ و مار اشاره کرد.



۲،۱۷،۲ زیرساخت های موجود در اقتصاد افغانستان

۲،۱۷،۲،۱ در آمد:

تولید و مصرف انرژی در افغانستان بسیار محدود است منابع عمده انرژی عبارتند از نفت، گاز، برق و آب و چوب. از این میان رایج ترین ماده انرژی را همچنان انواع چوب است و برای مصارف مختلف از آن استفاده می شود. بخصوص در روستاها چوب مهمترین منبع انرژی است اهمیت افغانستان از نقطه نظر انرژی وابسته به موقعیت جغرافیایی آن است که بعنوان مسیر ترانزیت بالقوه برای صادرات نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی، به کشورهای غربی ارتباط برقرار می کند.

۲،۱۷،۲،۲ اقتصاد چیست ؟

سه تعریف برای اقتصاد می توان ارایه داد: تعریف اول؛ اقتصاد را شامل مجموع تدابیری میداند که میان نیازهای نامحدود انسانی و وسایل لازم محدود هماهنگی برقرار می سازد. به بیان دیگر اقتصاد تخصیص بهینه منابع محدود برای نیازهای نامحدود است.

تعریف دوم، اقتصاد را اصلی عقلی، و الگوی آن را انسان اقتصادی معرفی می کند. بر اساس این تعریف، اقتصاد عبارت است از: کوشش برای بدست آوردن حداکثر نتیجه ممکن با حداقل هزینه ممکن. دقیق تر این که اقتصاد کوشش برای کسب حداکثر نتیجه



با وسایل معین و یا رسیدن به نتیجه معین با حداقل وسایل ممکن است. تعریفی سوم اقتصاد چنین است: اقتصاد، رفتار خاص انسان است که خواستن ارزش‌یابی و انتخاب در زمینه‌ی تولید توزیع و مصرف توأم باشد و بیشترین موفقیت را برای او حاصل کند. به نظر می‌رسد که این تعریف، یک تعریفی نسبتاً جامع و مانع از اقتصاد ارایه دهد؛ چرا که در واقع، تولید، توزیع و مصرف محورهای اصلی موضوع علم اقتصاد هستند؛ بدین معنی که گستره رفتار خاص انسان و حق انتخاب شان در زمینه محدودی تولید، توزیع و مصرف می‌باشد. در این مقاله هر سه تعریف بگونه مورد نظر است که ناظر بر مفاهیم چون تولید، توزیع و مصرف باشد.

۲، ۱۷، ۲، ۳ منابع.

منابع جمع کلمه منبع است که به معنای سرچشمه و محل جوشش و پیدایش یک شیء را بیان می‌کند، در این جا مراد از منابع؛ مواد و وسایلی است که اقتصاد یک کشور از آن تشکیل شده و یا چه بسا می‌توانست منبع پیدایش اقتصاد یک کشور باشد.



۲,۱۷,۲,۴. زیرساخت ها

مبنا، پایه و اساس یک چیز را زیرساخت گویند، که شی بر روی آن بنا شده است و در حال حاضر با همان بنا در حال نمایش است، مقصود از کاربرد زیر ساخت در این جا بدین معنی است که تاحدودی اقتصاد کشور افغانستان بر پایه چنان منابعی شکل گرفته است.

۲,۱۷,۲,۵. افغانستان

افغانستان با بیش از ۶۵۰ هزار کیلومتر وسعت (محصور در خشکی) در جنوب آسیا قرار دارد و جزء کشورهای خاورمیانه محسوب می گردد.

کشورهای هم مرز با افغانستان:

پاکستان (۲۴۳۰ کیلومتر)

تاجیکستان (۱۲۰۶ کیلومتر)

ایران (۹۴۵ کیلومتر)



ترکمنستان (۷۴۴ کیلومتر)

ازبکستان (۱۳۷ کیلومتر)

چین (۷۶ کیلومتر)

جمعیت: بیش از ۲۶ میلیون نفر که ۴۶/۹۷ درصد را مردان و ۴۵/۴۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

قومیت ها و نژادها: پشتو، تاجیک، هزاره، ازبک.

پایتخت: شهر کابل با جمعیت بیش از دو میلیون نفر.

روز ملی: ۱۹ آگوست ۱۹۱۹.

تاریخ عضویت در سازمان ملل ۱۹۴۶.

نوع حکومت: فعلاً بصورت ریاست جمهوری، به ریاست آقای حامد کرزای منتخب انتخابات عمومی و آزاد سال ۱۳۸۳ اداره می‌شود.

ملیت: افغان

واحد پول: افغانی (AFA) و هر صد هزار افغانی معادل یک لک می‌باشد.

دسترسى به خدمات پزشکی: یک پزشک برای ۵۰۰۰۰ نفر افغانی.

سال مالی: اول حمل هر سال خورشیدی (۲۱ مارچ)



شرکاء تجاری : ایران، امارات متحده عربی، هندوستان، آلمان، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، پاکستان، ترکمنستان و ازبکستان.

شاخص اقتصاد:

ارزش تولید ناخالص داخلی در سال 2000 معادل 21000 میلیون دلار بوده است تولید ناخالص ملی در سال 2001 معادل، 3 میلیارد دلار بوده است .

نیروی کار: 10 میلیون نفر سال (2000).

اشتغال: اشتغال در بخش کشاورزی 70% صنعت 15%، خدمات 15% می باشد.

نرخ تورم: 35% درصد.

صادرات: محصولات کشاورزی و صنایع دستی

واردات: نفت، کالاهای سرمایه‌ای، محصولات غذایی و کالاهای مصرفی، ماشین‌های الکتریکی و غیر الکتریکی.

مقصود از کاربرد زیر ساخت در این جا بدین معنی است که تاحدودی اقتصاد کشور افغانستان بر پایه چنان منابعی شکل گرفته است.



۲،۱۷،۲،۶ بخش اول: منابع اصلی اقتصاد

مراد از منابع؛ مواد و وسایلی است که اقتصاد یک کشور از آن تشکیل شده و یا چه بسا می توانست منبع پیدایش اقتصاد یک کشور باشد.

۲،۱۷،۲،۶،۱،۱ اقتصاد انرژی در افغانستان

۲،۱۷،۲،۶،۱،۱،۱ نفت

ذخایر نفت افغانستان ابتدا حدود ۱۰۰ میلیون بشکه تخمین زده شد ولی تحقیقات بعدی مقدار آن را به مراتب بیش از این اعلام کرده است (حدود ۸۰۰ میلیون بشکه) کشورهای همسایه برای استخراج نفت افغانستان زمینه‌هایی هم فراهم کرده بودند ولی صدور نفت به مرحله اجرا درنیامد طرح یک پالایشگاه نفت نیز با ظرفیت بیش از پنجاه هزار بشکه در روز در شمال افغانستان در نظر گرفته شده بود که آن هم اجرا نشد.

۲،۱۷،۲،۶،۱،۱،۲ میدان نفتی

افغانستان مقدار بسیار کمی نفت خام در میدان نفتی آنگوت ANGOT تولید میکند که این میدان نفتی در استان سرپل (Sari-pol) واقع شده است این مقدار که در کارخانه‌ی درشبرغان تصفیه می‌شود بعنوان سوخت در کوره های حرارتی مرکزی شبرغان،



مزارشریف و کابل استفاده می‌گردد دیگر میادین نفتی افغانستان، زمرد سای می‌باشد که در نزدیکی شبرغان قرار دارد و طی اواسط سال ۲۰۰۱ مورد بازسازی و تعمیر قرار گرفته است. مرکز ذخیره و توزیع نفت خام افغانستان در منطقه جلال آباد بین بزرگراه کابل و پیشاور پاکستان قرار دارد.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۳ گاز

یکی از مهمترین مواد معدنی قابل استخراج در افغانستان گاز طبیعی است در حال حاضر مهمترین ذخیره انرژی کشور گاز می‌باشد بخش اعظم معادن گاز طبیعی شناخته شد و در مرزهای شمالی افغانستان در مزارشریف، اطراف شبرغان و سرپل قرارداد ذخایر گاز طبیعی افغانستان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده که بعضی از منابع میزان ذخایر آن را تا حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد کرده اند.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۴ میادین گاز

باتیمتاک، جورقدوق، خواجه گوگردت از عمده ترین میادین گاز افغانستان میباشند که همگی در محدوده ۲۰ مایلی شیبیرغان در استان جوزجان می‌باشند. احیای چاه‌های آسیب دیده در میادین خواجه گوگردت آغاز شده است که موجب افزایش تولید گاز طبیعی خواهد بود.



۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۵ تولید گاز

تولید گاز طبیعی افغانستان در اواسط دهه ۱۹۷۰ به ۲۷ میلیون فوت مکعب در روز رسیده است در همین زمان میدان گازی جورقدوق مورد بهره برداری قرار گرفت و انتظار می‌رفت که بازدهی گاز طبیعی این کشور تا اوایل دهه ۱۹۸۰ به میزان ۳۸ میلیون فوت مکعب در روز تقویت شود اما با توجه به مشکلات موجود به میزان تولید این کشور به ۲۹۰ میلیون فوت مکعب رسیده است.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۶ خطوط لوله

خطوط لوله در افغانستان بسیار محدود می‌باشد به نحوی یک خط لوله از شبرغان به مزارشریف جهت استفاده در نیروگاه‌های کوچک و کارخانه های کودسازی کشیده شده است و چندین کیلومتر خط لوله در نزدیکی مناطق گازی که گاز را با دیگر مشتقات به نزدیکی روستاهای شبرغان توزیع می‌نماید.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۷ برق

حدود ۶۵٪ برق آشور از طریق انرژی هیدرولیک بدست می‌آید و تنها قسمتی از آن در کارخانه های برق تولید می‌شود روسها طرح چندین سد را بر رودخانه کندوز در شمال افغانستان در نظر گرفته بودند که در صورت عملی شدن این طرح قسمت مهمی از نیازهای الکتریسیته افغانستان را تامین می‌کرد. انرژی تولیدی این سدها به شبکه جنوبی برق جمهوری های شوروی سابق



می‌پیوست. اما این طرح‌ها بدلائل اقتصادی سیاسی عملاً اجرا نشد طبق تخمین سازمان ملل در پایان سال ۱۹۸۲ ظرفیت برق تولید شده ۳۹۴ میلیون وات و در سال ۱۹۷۵ در حدود ۳۲۵ میلیون وات بود بنابراین رشد تولید بین سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۷ حدود ۱۴٪ بوده است. در سال ۱۹۸۷ ظرفیت برق تولید و مصرف شده ۴۸۰ میلیون کیلووات بوده که سرانه آن برای هر نفر ۱۴۰ کیلووات ساعت بود. بعد از شروع جنگ و درگیری‌های داخلی خشکسالیهای موجود شبکه برق افغانستان به شدت آسیب دید به نحوی که تولید برق توسط سدهای هیدرولیک افغانستان به سبب خشکسالی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ به شدت کاهش پیدا کرد و منجر به خاموشی در کابل و شهرهای دیگر شد. میزان برق مصرفی در سال ۱۹۹۹؛ ۴۸۰ میلیون کیلووات بوده که از این مقدار ۴۲۰ میلیون کیلووات در داخل تولید شده و حدود ۶۰ میلیون کیلووات واردات برق از ترکمنستان را داشته است، برق در افغانستان بصورت فسیلی ۳۴٪، هیدرولیک ۶۵٪ و ۱٪ منابع دیگر تولید می‌گردد.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۸ منابع تولید برق

- منابع تولید برق در افغانستان با توجه به محدودیت تولید عبارتند از:
۱. سد کجکی که در استان هلمند (نزدیک قندهار) واقع شده است که هم‌اکنون ۳۳ مگاوات برق تولید میکند و در آینده نزدیک با نصب توربین سوم به ۴۹,۵ مگاوات خواهد رسید.
 ۲. سد ماهی‌پر؛ که در حال حاضر ۶۶ مگاوات برق تولید می‌کند.
 ۳. سد داهالا؛ که در استان قندهار قرار دارد و در سال ۲۰۰۱، ۱۱,۵ مگاوات تولید برق داشته است.
 ۴. نیروگاه مزارشریف؛ که این نیروگاه در نزدیکی مزار شریف واقع است و از نوع گازی می‌باشد و با ظرفیت ۳۵ مگاوات در حال



تولید برق می باشد.

۵. سد برشناکوت؛ که فعلا در دست تعمیر است و قابلیت تولید، ۱۱،۵ مگاوات برق را دارد.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹ تاسیسات برق آبی افغانستان

یکی دیگر از توان های اقتصادی کشور تاسیسات برق آبی می باشد و خوشبختانه افغانستان تعداد زیادی کارخانه های تولید برق آبی دارد که با ساخت آنها می توان بخش مهمی از نیازهای مربوط به تامین انرژی برق را برطرف کرد. این تاسیسات مهم که در گذشته قابل بهره برداری بوده اند بخش مهمی از منابع و توان اقتصادی کشور هستند. اما مهمترین آنها به قرار ذیل است:

۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۱ کارخانه برق جبل السراج

در سال های ۱۲۹۰ و ۱۲۹۳ ه. ش به کمک متخصصین انگلیسی نقشه بردای شد و با نصب دو توربین به ظرفیت ۱۵۰۰ کیلووات در سال ۱۳۰۰ ه. ش به فعالیت آغاز نمود.



دستگاه‌های برق چک وردک ۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۲

در جریان سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۴ دو بند برق آبی یکی در وردگ و دیگری بالای رودخانه کندز تاسیس گردید. بند برق چک وردگ که ۲۹۰۰ متر بلندتر از سطح دریا ساخته گردید آب دریا از ارتفاع ۲۸ متر بالای توربین آن می‌ریخت. این دستگاه دارای سه توربین بوده و ظرفیت آن به ۳۰۰۰ کیلووات می‌رسید.

دستگاه تولید برق پلخمری ۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۳

نخستین دستگاه برق پلخمری که در سال ۱۳۲۰ فعالیت خود را آغاز نموده بود دارای ظرفیت ۴۸۰۰ کیلووات برق بود. بند نامبرده بالای رودخانه کندز در شمال هندوکش قرار داشته و ۶۰۰ متر بلندتر از سطح دریا تاسیس گردید. آب دریا از ارتفاع ۱۰۷ متر بالای توربین میریخت که اندازه آب در این قسمت به ۶۰ متر مکعب در ثانیه می‌رسید.



دستگاه برق سروبی ۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۴

بند برق سروبی ۲۵ کیلومتر دورتر از نقاطی که رودخانه پنجشیر و کابل با هم یکجا می‌شوند، به ارتفاع ۱۵۹۶ متر از سطح دریا تاسیس گردید. این دستگاه در گذشته با داشتن دو توربین که هر کدام آن ظرفیت تولید ۱۱۰۰ کیلووات برق را داشتند و تولیدات مجموعی آنها ۲۲۰۰ کیلووات می‌رسید. بند برق سروبی دو امتیاز مهم دارد:

اول اینکه مرکز کابل و مراکز صنعتی نزدیک آن واقع شده و دیگر اینکه مجرای رودخانه کابل در قسمت تنگه ابریشم واقع گردیده و دارای طول و شیب زیاد می‌باشد که با داشتن این وضع طبیعی می‌تواند در هر چند متر شیب سرکوب کند و بدین ترتیب امکان دارد از بند موجود برای به کار اندازی دستگاه‌های دوم و سوم و چهارم نیز استفاده شود. به این معنی که قسمت‌های پائینی طوری ساخته شده‌اند که بدون آنکه به رودخانه سرازیر شود می‌توان با ساخت کانال‌های دوم و سوم آب را به توربین‌های دوم و سوم سرازیر و دستگاه‌های نامبرده را فعال کرد.

بند برق نغلو ۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۵

بند برق نغلو در ۷۰ کیلومتری شرق کابل و یا در ۱۰ کیلومتری بند برق سروبی یک و نیم کیلومتر دورتر از نقطه تقاطع رودخانه کابل و پنجشیر واقع شده است کار تعمیر آن در سال ۱۳۳۹ شروع و در ماه جوزای سال ۱۳۴۶ تکمیل گردید.



دستگاه برق نغلو از دستگاه های بزرگ و مهم افغانستان به شمار می رفت در ابتدا با نصب سه توربین ظرفیت تولید آن ۷۶۰۰۰

کیلووات پیش بینی گردیده بود اما با نصب توربین چهارمی تولید آن به ۹۷۵۰۰ کیلووات افزایش پیدا کرد.

بند نغلو ۱۰۶ متر ارتفاع دارد که ذخیره آب آن به ۵۳۰ میلیون متر مکعب بالغ می گردد و تقریباً به مساحت ۱۶ کیلومتر مربع زمین

را در بر می گرفت.

دستگاه برق ماهیپر ۲,۱۷,۲,۶,۱,۱,۹,۶

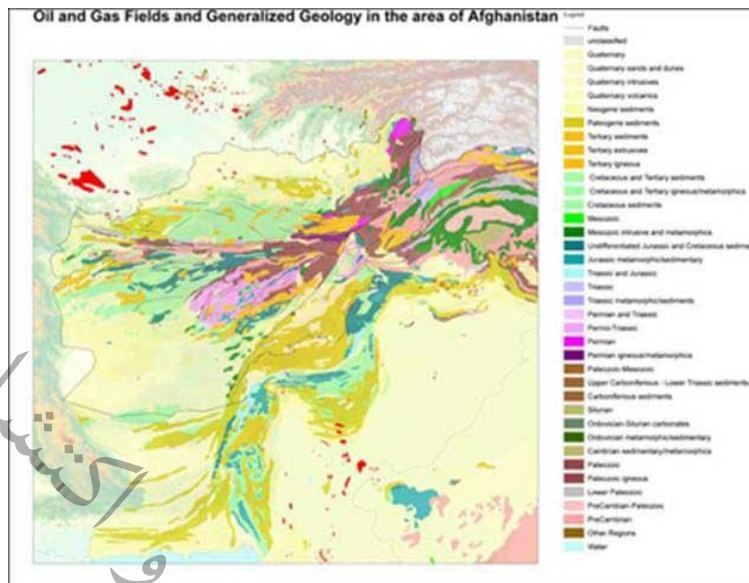
کارخانه برق ماهیپر در ۴۰ کیلومتری شرق کابل واقع شده است کار ساختمانی آن در سال ۱۳۴۳ آغاز گردید از طرح مقدماتی این

پروژه پیدا بود که دستگاه تولید برق ماهیپر بدون ساخت ذخیره آب این امکان را دارد که با ارتفاع ۳۰۰ متر به کار انداخته شود و

قدرت تولید ۶۰۰۰۰ کیلووات برق را داشته باشد.



۲,۱۷,۲,۶,۱,۲ نقشه تثبیت نفت و گاز افغانستان



نقشه تثبیت نفت و گاز افغانستان

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۱ معادن در افغانستان:

افغانستان از لحاظ منابع معدنی کشوری غنی بشمار می رود لیکن اکثر این منابع معدنی بکر و دست نخورده باقی مانده است ولی با توجه به ۲۳ سال جنگ بی ثباتی در این کشور وضعیت استخراج مواد معدنی به حالت تعلیق در آمده است. محققین براین باورند که صادرات مواد معدنی افغانستان می تواند یکی از منابع اصلی درآمد ارزی این کشور باشد، از مهمترین ذخایر معدنی شناخته شده



در افغانستان نمونه‌های زیر را می‌توان یافت:

ذغال سنگ، آهن، مس، اورانیوم، نمک، کرم نیکل، طلا، سولفور، باریت روی، قلع، فلوور، میکا، سنگ لاجورد، آلومینیوم، سرب،

یاقوت پنبه نسوز، جیوه، بوکسیت، تنگستن لیتیوم منگنز، سنگ مرمر، سنگ گچ، سنگ آهن

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۲ ذغال سنگ

ذخایر اثبات شده ذغال سنگ در افغانستان بیش از ۱۰۰ میلیون تن تخمین زده شده است و ذخیره نهایی آن ۵۰۰ میلیون تن پیش

بینی شده. از مهمترین معادن ذغال سنگ می‌توان به معادن، اشپشیه، آرکرو دودکش اشاره کرد. براساس آمار موجود میزان

استخراج ذغال سنگ در فاصله سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۴ بیش از ۸۰۰۰۰۰ تن و در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲۰۰۰۰۰ تن بوده

است که قسمت اعظم ذغال سنگ تولید شده برای سوخت مناطق صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۳ نمک

یکی دیگر از معادن استخراج شده افغانستان نمک است که میزان استخراج آن در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۹ حدود ۳۸۰۰۰ تن و در

سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۰ بیش از ۲۶۰۰۰ تن گزارش شده است.



۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۴ مس

ذخایر مس افغانستان غنی است ولی بصورت اقتصادی به کار نیفتاده است اما توده های معادن مس بین نقطه کجکی و مقر قرار دارد یکی از بزرگترین معادن مس، معدن آینک است که ذخیره آن بین ۴ تا ۵ میلیون تن تخمین زده اند براساس آخرین آمار میزان استخراج مس در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۵۰۰۰ تن بوده است.

آهن

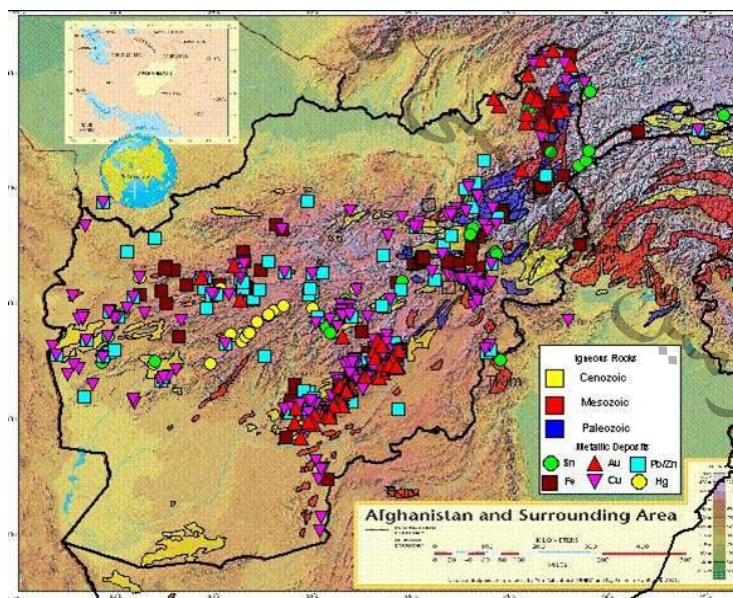
پس از گاز طبیعی، مهمترین ذخیره معدنی افغانستان آهن است. ذخایر آهن بسیار عظیم است ولی برآورد دقیقی وجود ندارد یکی از مهمترین معادن شناخته شده آهن، معدن حاجیگک است که کارشناسان کشور افغانستان ذخیره آن را بیش از ۲,۵ میلیارد تن تخمین زده اند، که ۶۲٪ درصد آن را خالص می دانند، ولی به اساس سروی سالهای ۱۹۶۷ فرانسوی ها و به تعقیب آن شوروی ها معدن آهن حاجی گک در اکثر نقاط دارای ۷۵٪ آهن است. و به اساس گزارش آن ها که ممکن همین حالا هم در آرشیف وزارت های پلان و خارجه افغانستان باشد. از دیگر معادن آهن افغانستان می توان به خاکریز قندهار با ۸ میلیون تن ذخیره آهن، پغمان با ۸۳ میلیون تن ذخیره کانسنگ آهن، جبل سراج با ۷,۸ میلیون تن کانسنگ آهن اشاره کرد.

دیگر معادن



سایر معادن افغانستان نیز کمابیش غنی است در نزدیکی ننگرهار یک ذخیره بزرگ سولفور قرار دارد. در بیابان های جنوب غربی افغانستان بین هرات و شیندند، و نیز در منطقه قندهار اورانیوم وجود دارد. در استان بدخشان دو معدن طلا وجود دارد که به علت فقدان امکانات فنی اقدامی برای استخراج آن بعمل نیامده است.

۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۵ نقشه مهم ترین معادن و ذخایر فلزی افغانستان



نقشه مهم ترین معادن و ذخایر فلزی افغانستان



۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۶ اقتصاد افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان

اقتصاد افغانستان از زمان سقوط رژیم طالبان (۲۰۰۱) تا حالا رشد عمده قابل ملاحظه ای داشته است. بدلیل اختصاص اعتبار ۸ میلیارد دلار کمکهای بین المللی، حفاظت از بخش کشاورزی و رشد بخش خدمات و اعاده نهادهای بازاری. رشد واقعی محصولات ناخالص داخلی ارزیابی شد تا در سال مالی گذشته اصولاً آرام تر در جریان باشد. چونکه شرایط نامساعد آب و هوا محصولات کشاورزی را قطع کرد. اما این قابل انتظار است که در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به مکان اولش بازگردد. با توجه به رشد بخش خدمات و بازسازی از سوی کمک کنندگان خارجی. و همچنین با وجود پیشرفت در سالهای گذشته افغانستان، این کشور بشدت فقیر باقیمانده است. «محاط شدن در خشکی و خیلی وابستگی به: کمکهای خارجی، زراعت، تجارت با کشورهای همسایه. این احتمال وجود دارد که مدت باقیمانده از این دهه هم این روند ادامه داشته باشد، کمکهای خارجی و توجه کردن به ارتقاء وضعیت استاندارد زندگی افغانها نسبت به وضعیت فعلی.

تعداد زیادی از کشورهای پرجمعیت به کمک کردن برای کمبود محل زندگی، آب تمیز، برق، خدمات بهداشتی و درمانی، و اشتغال تن در داده اند. اما دولت افغانستان و کمک کنندگان بین المللی برای دسترسی بهتر به این ضروریات اولیه همراه با اولویت به زیر ساخت پیشرفت، آموزش، پیشرفت مسکن، برنامه های اشتغال زایی و بازساخت اقتصادی. مشکلات را تا آخر سال بعد برطرف خواهند کرد.

رشد مقاومت سیاسی و پیوسته تعهدات بین المللی برای بازسازی افغانستان و ساختن یک چشم انداز خوش بینانه برای ادامه

پیشرفت اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۰۶.



مبارزه دراز مدت دیگر شامل: « بالا بردن ظرفیت مهارت نیروی انسانی، کاهش آسیب پذیری از حوادث سخت طبیعی، توسعه

دادن به خدمات برای سلامتی و بازسازی زیرساخت تخریب شده جنگی.

محصولات ناخالص داخلی (خریدن توان برابری 21.5 میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴

محصولات ناخالص داخلی (میزان رشد واقعی) سال ۲۰۰۵ : ۸٪

محصولات ناخالص داخلی (سرانه سال ۲۰۰۴) : ۸۰۰ دلار

محصولات ناخالص داخلی (سال ۲۰۰۴) توسط بخش : کشاورزی : ۸۰٪ صنعتی : ۱۰٪ خدمات ۱۰٪

میزان بیکاری سال ۲۰۰۵ : ۴۰٪

جمعیت زیر خط فقر سال ۲۰۰۳ ۵۳٪

درآمد یا مصرف خانوار بر حسب درصد سهام : پایینترین ۱۰٪ بالاترین ۱۰٪

نرخ تورم قیمت مصرف کننده سال ۲۰۰۵ : ۳٪ بودجه

درآمدهای بودجه ای ۲۶۹ میلیون دلار

مخارج ۵۶۱ میلیون دلار، شامل هزینه های سرمایه ای ۴۱۰۷ میلیون دلار

تفسیر : مبلغ ۲۷۳ میلیون دلار از سرمایه امانی نوسازی افغانستان و ۶۳ میلیون دلار از سپرده امانی حقوق و دستورالعمل

محصولات کشاورزی : گندم، میوه جات، خشکبار، پشم، گوشت گوسفند، پوست گوسفند، پوست بره.

صنعتی: محصولات پارچه (میزان کمی)، صابون، مبل، کفش، کود شیمیائی، سیمان، فرشهای دست باف، گاز طبیعی، ذغال سنگ،

مس.



محصولات الکتریسیته: 905 میلیون کیلووات (۲۰۰۳)

صادرات الکتریسیته : صفر کیلووات (۲۰۰۳)

واردات الکتریسیته : 200 میلیون کیلووات (۲۰۰۳)

محصولات نفتی : صفر (bbl / day 2003)

مصرف سوخت: (bbl / day 2003) 5.000

صادرات نفتی : نا مشخص bbl / day

واردات نفتی : نا مشخص bbl / day

ذخایر ثابت نفتی : صفر (۱ ژانویه ۲۰۰۲)

محصولات گاز طبیعی : 5 میلیون متر مکعب (2003)

مصرف گاز طبیعی : 50 میلیون متر مکعب (۲۰۰۳)

صادرات گاز طبیعی : صفر (۲۰۰۱)

واردات گاز طبیعی : صفر (۲۰۰۱)

ذخایر ثابت گاز طبیعی : 96.99 میلیارد متر مکعب ژانویه (۲۰۰۲)

صادرات : 471 میلیون دلار. تفسیر : (بدون محاسبه کالای قاچاق (2005)

کالاهای صادراتی : تریاک، خشکبار و میوه جات، فرشهای دستباف، پشم، پنبه، پوست خام و چرم، گوهرهای گرانیها و نیمه



قیمتی.

شرکای صادراتی : پاکستان ۲۴٪ - هند ۲۱.۳٪ - آمریکا ۱۲.۴٪ - آلمان ۵.۵٪

واردات: 87.3 میلیارد دلار (۲۰۰۵)

کالاهای وارداتی : کالاهای سرمایه ای، غذائی، منسوجات، فرآورده های نفتی.

شرکای وارداتی : پاکستان ۲۵.۵٪ - آمریکا ۸.۷٪ - هند ۸.۵٪ - آلمان ۶.۵٪ - ترکمنستان ۵.۳٪

کنیا ۴.۷٪ - کره جنوبی ۴.۲٪ - روسیه ۴.۲٪ (۲۰۰۴)

بدهی خارجی : ۸ میلیارد دلار بدهی دو طرفه ((متقارن الطرفین)) بیشتر برای روسیه،

افغانستان مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به بانک های پیشرفته چند جانبه بدهکار میباشد. (۲۰۰۴)

کمکهای اقتصادی دریافت شده : تعهدات بین المللی که با وجود بیش از ۶۰ کشور شکل گرفت، سازمانهای مالی بین المللی در

کنفرانس (کمک کنندگان) برلین (بازسازی افغانستان) در ماه مارچ ۲۰۰۴ مبلغ 9.8 میلیارد دلار را برای این کشور

اختصاص دادند. ۲۰۰۴

پول قانونی (علامت) : افغانی (AFA)

میزان مبادله پول : افغانی به دلار آمریکا : ۵۰ (۲۰۰۶) - ۵۴ (۲۰۰۵) - ۴۸ (۲۰۰۴) - ۴۹ (۲۰۰۳) - ۴۱ (۲۰۰۲) - ۶۶ (۲۰۰۱)

(۲۰۰۱) تفسیر : در سال ۲۰۰۲ پول افغانی تغییر ارزش داد و ارزش پول با حدود ۵۰ افغانی برای هر دلار آمریکا ثابت شد.

قبل از سال ۲۰۰۲ نرخ بازار دارای تفاوت زیادی نسبت به نرخ رسمی بود.



نگاهی بر چگونگی رشد اقتصادی افغانستان طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۵

۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۷

اقتصاد افغانستان بعد از سه دهه جنگ و چهار سال خشکسالی از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به اینسو شانس احیای مجدد، بازسازی و ثبات را پیدا نمود. و منطقاً تحلیل و بررسی رشد آن نیز از همین نقطه باید شروع شود و آن باید مراحلی را بپیماید تا به مرحله ثبات و رشد متداوم برسد.

بصورت عام نظریه طولانی مدت بودن، فرایند رشد، تحلیل های گوناگونی برای مشخص کردن مراحل آن صورت گرفته است، باوجود مشکلاتی که بر سر راه کشف قوانین این تحول وجود دارد، در وضعیت کنونی تحقیقات انجام شده می توان سه مرحله عمده را تمیز داد.

مرحله آمادگی :- که در طی آن به طرز کند و تدریجی پاره ای دگرگونی های ساختاری پدید می آید که به جامعه امکان میدهد با آمادگی بهتر تجربه رشد را تحمل کند.

مرحله خیز:- که نسبتاً سریع (۳۰-۴۰) سال، در طی آن به کمک سرمایه گذاری های پرشتاب، اقتصاد از مرحله توسعه می گذرد.

مرحله رشد پیگیر :- که در طی آن برغم نوسانات کمابیش شدید، اقتصاد تاب آورده بانرخ رشد البته ضعیف تر از مرحله قبلی و با حجم فعالیتهای دایماً فزاینده در مسیر رشد گام برمیدارد.



ارزیابی رشد اقتصادی از مقایسه افزایش کمی و کیفی ظرفیت و حجم محصولات حقیقی ملی سال مورد نظر با یک سال قبل آنست.

و در حالات دوام بحران و بی ثباتی طولانی ، آخرین سال قبل از آغاز بحران را اساس سنجش رشد اقتصادی انتخاب می کنند و در

افغانستان سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) اساس سنجش نرخ رشد اقتصادی و غیره ارزیابی ها پذیرفته شد است.

شاخصی که معمولاً برای اندازه گیری رشد بکار میرود عبارت از دو شاخص مرتبط باهم ، رشد تولید حقیقی ملی و رشد تولید سرانه

است. وابسته از این شاخص احصائیوی بازتاب دهنده رشد اقتصادی، سرعت و یا نرخ رشد تولید داخلی ملی GDP به شکل درصد٪

ارائه می گردد.

برای تحلیل روشن از افزایش تولید ناخالص ملی طی سالهای نامبرده ، ابتدا از قلمی از وضعیت اقتصادی قبل از سال ۱۳۸۱ ارایه می

شود.



سیر احیای مجدد وثبات در اقتصاد:

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۸

	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
درصدی رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی	- ۸	- ۱۲	- ۹,۴	۲۸,۶
درصدی شاخص قیمت مصرف کنندگان	۳۶,۸	۱۶,۹	- ۱۵,۱	۴,۶
نرخ تبادله افغانی در مقابل دلار امریکایی	۴۹,۷	۶۷,۳	۵۳,۹	۴۴,۸

در پایان سال ۱۳۸۰ در افغانستان صلح استحکام یافته و در حال گذار از اقتصاد جنگ به یک اقتصاد صلح و امنیت میباشد و سال ۱۳۸۱ نشان دهنده آغاز یک اقتصاد دارای بازار با امنیت و رشد حقیقی GDP، 28.6 درصد بوده که شاخص های اساسی آن عبارت از زراعت، ساختمان ها، یک قسمت از صنایع و تولید خدمات میباشد. که زراعت ۲۷,۷٪ صنایع ۲۱,۱٪ و خدمات ۳۹,۵٪ در این رشد سهم داشته و این افزایش ناشی از کمک های بین المللی بیشتر از همه در بخش خدمات و ساختمان ها بوده است. بخش زراعت بصورت تخمین ۵۲٪ DPG را بخش صنایع ۲۴٪ که از جمله ۱۷,۸٪ معادن، صنایع فابریکاتی، برق و آب و ۶,۲٪ ساختمان ها تشکیل میدهد. ارقام ثبت شده حاصل از رشد صنایع در سال ۱۳۸۱ یک رشد بزرگ ۲۱,۱٪ را نشان میدهد که بلند ترین رشد در این بخش ها را ساختمان سازی دارا بوده که رشد ۱۵۰٪ را نشان میدهد. و سهم خدمات ۲۴٪ در GDP بوده و رشد حاصل خدمات در سال ۱۳۸۱، ۳۹,۵٪ میباشد که از تجارت عمده و پرچون ترانسپورت و مخابرات اداره عامه، دفاع، منازل شخصی



و کمک های فنی ناشی گردیده است. ارزش مجموعی تولید ناخالص داخلی DP G بالغ به ۱۸۱,۲۶۹,۴ ملیون افغانی جدید بوده است.

در سال ۱۳۸۱ PGD حقیقی در حدود ۷۵ درصد سال ۱۳۵۷ را برآورده می کند. ضمناً نفوس از ۱۲,۷ ملیون در سال ۱۳۵۷ به ۲۱,۸ ملیون در سال ۱۳۸۱ افزایش نموده است. در نتیجه سطح زندگی بوسیله درآمد سرانه فی نفر اندازه گیری گردیده که تنها ۴۵ درصد سطح زندگی نسبت به سال ۱۳۵۷ را ارقام سال ۱۳۸۱ تشکیل می دهد.

بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی را طی ۲۰۰۲-۲۰۰۵ چنین به نشر رسانیده اند:

The real value of no-drug GDP increased by 29% in 2002, 16% in 2003, and 8% in 2004 (despite lower agricultural harvest in 2004).

Economic growth in 2005 is estimated at 14%.

رشد تولید ناخالص داخلی بالترتیب در سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۹٪، ۱۶٪، ۸٪ و ۱۴٪ و به همین ترتیب ۸٪ در ۲۰۰۶ بوده و در سال جاری نیز ۸٪ تخمین زده میشود. مقامات افغانستان انتظار دارند در صورت تحقق این رقم، درآمد سرانه این کشور به چهار صد دلار خواهد رسید.



ورقم ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۱ بالغ به ۱۸۱,۲۶۹,۴ میلیون افغانی (نرخ تسعیر به دلار ۴۴,۸) و در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ به بیش از چهارونیم میلیارد افغان و از آن بعد ۵,۹۷۱ میلیارد, ۷,۳ میلیارد و در سال ۲۰۰۶ بالغ به ۸ میلیارد از جانب مقامات و مراجع دولتی و بانک جهانی اعلام شده است.

طی این زمان مبلغ ۱۳-۱۵ میلیارد دلار از مجموع ۳۰ میلیارد کمک های تعهد شده جامعه جهانی به حساب افغانستان واریز شده که از آن جله ۳,۷ میلیارد یعنی حدود ۲۸٪ از طریق دولت و باقی آن از جانب انجیوها و موسسات بین المللی به مصرف رسیده است.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۹ تجزیه و تحلیل

سال (۱۳۸۱) نقطه آغاز مرحله اول رشد اقتصادی افغانستان یعنی مرحله آمادگی است یعنی از همین زمان باید کلیه امکانات و منابع در قالب برنامه های مشخص بازسازی در جهت ساختن تدریجی زیربناها و بسترها به منظور انجام تجربه رشد اقتصادی می باشد.



اکنون می پردازیم به بیان اقدامات دولت، دستاوردها و کمبودی ها:

- دولت موقت بلافاصله بعد از ایجاد آن در نتیجه توافقات بن در دسامبر ۲۰۰۱ بعد از ارزیابی های مقدماتی خسارات وارده به اقتصاد را حدود سی میلیارد تخمین زده و سازمان ملل متحد در کنفرانس بازسازی افغانستان در توکیو در ماه جنوری ۲۰۰۲ هزینه بازسازی افغانستان را طی ده سال بالغ به ده میلیارد پیش بینی کرد و کشور ها و موسسات شرکت کننده متحد شدند که مبلغ پنج میلیارد دلار را ظرف پنج سال طوریکه مبلغ ۱,۸ میلیارد را در سال اول ۲۰۰۲ و مبلغ حدود دو میلیارد را در سال ۲۰۰۳ در اختیار بازسازی افغانستان بگذارند. دولت بتاسی از آن برنامه ای را تحت نام توسعه ملی (برنامه بزرگ بازسازی افغانستان) در شش بخش (همبستگی ملی، کاریابی، سرک (جاده) سازی، آموزش و پرورش و بهداشت، آبیاری و نوسازی ساختمان های دولتی) طرح وبه منصفه اجرا قرارداد.

- برنامه همبستگی بمتابه نخستین برنامه اصولی بازسازی افغانستان به هدف کاهش فقر در روستا های کشور به اجرا گذاشته شد که در چهارچوب این برنامه به هر روستا مبلغ بیست هزار دلار وبه هر خانواده مبلغ ۲۰۰ دلار اختصاص داده شد قرار شد که در سال ۲۰۰۳ در ۴۰۰۰ روستا و در سه سال آینده در سراسر کشور اجرا خواهد شد و حالا در مجمع انکشافی افغانستان بتاريخ ۳۰ اپریل ۲۰۰۷ در صحبت رئیس جمهور گفته شد که ۲۶ هزار روستا تحت پوشش این برنامه قرار گرفته است.

- برنامه کاریابی- این برنامه کوتاه مدت بوده که از جانب دولت به همکاری ملل متحد اجرا میشد و در نتیجه آن هزاران تن در سراسر افغانستان برای مدت محدود در بازسازی راه های خاکی مناطق غیر شهری که روستا هارا به شهر ها وصل میکند مشغول شوند.



- سرک (جاده ها) - این برنامه بعنوان مهمترین بخش بازسازی افغانستان خوانده شده است که دولت برای ساختن شاهراه ها طراحی نموده و برطبق آن راه ها به چهار دسته تقسیم شده است.

دسته اول، شاهراه "رینگ رود" (جاده حلقوی) نامگذاری شده است، این شاهراه از کابل تا قندهار در جنوب واز آنجا تا هرات در غرب واز هیرات تا بادغیس و میمنه واز آنجا تا مزارشریف در شمال امتداد یافته و مزار را از طریق سالنگ ها به کابل وصل می نماید.

- در دسته دوم کلیه جاده های که افغانستان را با پنج کشور همسایه و هم مرز ایران، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان، بوسیله هست مرکز تجارتی نرزی با آنها در ارتباط است، وصل میکند.

- دسته سوم شاهراه مرکزی که کابل را از طریق مناطق مرکزی با ولایات غربی هرات وصل میکند و در درجه دوم قرار داده شده بود.

- دسته چهارم، تمام راه های دیگر که شهرهای کشور را باهم وصل کرده اند و در اولین قدم باز سازی خواهد شد و گفته شده بود که در مجموع در افغانستان بیست هزار کیلومتر جاده موجود است که نیاز به باز سازی دارد.

باید گفت که کارهای در این زمینه صورت گرفته است ولی متأسفانه درصدی دقیق از میزان پیشرفت طرح در دست نیست و این کار ارزیابی و قضاوت را دچار مشکل نموده است .

تا جایکه دیده میشود برغم مصارف هنگفت منابع پولی کارها از کیفیت لازم برخوردار نبوده .



- در رابطه به برنامه آموزش و پرورش و بهداشت باید گفت که در نتیجه این برنامه و تدابیر بعدی در حال حاضر تعداد شش میلیون

اطفال اعم از پسر و دختر به مدارس میروند و در تعداد مکاتب و موسسات تعلیمی و تحصیلی افزایش بعمل آمده است ولی بدلیل

نبود امنیت در بعضی از نقاط کشور پیشرفت در این عرصه را دچار کندی و مورد تهدید قرار داده است. در رابطه به بهداشت، سطح

دسترسی به خدمات بهداشتی بهبود یافته و میزان مرگ و میر اطفال کاهش پیدا نموده ولی مشکلات فراوان هنوز وجود دارد.

- بازسازی سیستم آبیاری کشور در سطح پاک کاری جوی ها و وانهار و کاریز ها در سطح ابتدایی صورت گرفته ولی کار جدی

پیرامون نقشه برداری و اندازه گیری دقیق ذخایر آبی، مهار کردن و تحت استفاده قرار دادن این سرمایه با ارزش ملی صورت نگرفته

است.

- در بخش نوسازی ساختمان های دولتی نیز کارهایی صورت گرفته است ولی کیفیت آن خیلی ضعیف و نظر به هزینه بکار رفته

دارای ارزش اندک است.

البته نتیجه گیری که بعد از دو سال نخست صورت گرفت مسولان دولت متوجه شدن که برآورد میزان خسارات دقیق نبوده،

و حجم صدمات و خسارات به مراتب بزرگتر از آن است که دولت تصور آنرا داشت و پول وعده شده در کنفرانس توکیو بسیار ناچیز

است.

محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی افغانستان در مصاحبه اختصاصی با ایرنا گفت " نیاز های مالی و اقتصادی افغانستان برای

بازسازی بسیار زیاد است و گمان میرفت که کمک اعلام شده ۴,۵ میلیارد دلار در اجلاس توکیو برای امر بازسازی کافی خواهد بود

اما با انجام مطالعات مستمر، اکنون مشخص شده است که میزان خرابی های ۲۳ سال جنگ در کشور وسیعتر از حد تصور بوده

و به بودجه وامكانات به مراتب بیشتر نیاز است."



به همین ترتیب دولت افغانستان نتوانست در دومین کنفرانس کمک به بازسازی افغانستان در برلین نیز رقام مشخص ارایه کند. وزیر بازسازی در پاسخ یک سوال در باره میزان اعتبار مورد نیاز برای بازسازی کامل افغانستان اظهار داشت: در نشست المان هیچ رقم مشخص مطرح نخواهد شد زیرا با توجه با حجم عظیم ویرانیها نمی توان گفت به چه میزان بودجه نیاز است و بسوی دیگر مطالعات ما نیز تکمیل نشده است. و بعداً در ماه جدی همین سال به خبرنگار ایرنا گفته بود که این کشور برای پیشبر برنامه بازسازی و توسعه اقتصادی در طول پنجسال آینده به حدود ۳۵ میلیارد دلار بودجه نیاز دارد. ولی متأسفانه تاکنون که مدت پنج سال سپری شده و میلیارد ها دلار از محل کمک های جامعه جهانی به مصرف رسیده دولت نتوانسته مطالعات خویش را در مورد میزان خسارات وارده تکمیل و طول زمان بازسازی را و پیشبینی وهزینه های مورد نیاز را مشخص سازد و برنامه دقیق وزمانبندی شده رشد اقتصادی را طرح وبه مرحله اجرا قرار دهد.

برغم این همه بی برنامهگی دولت ومشکلات موجود موسسات بین المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول وبانک اسیایی ضمن رضایت از بهبود روند اقتصادی گزارشات وارقام فریبنده ووتصنعی ودر بعضی مورد متناقض را مبنی بر رشد اقتصادی افغانستان انتشار داده اند.

بانک توسعه اقتصادی طی یک گزارش از بهبود روند اقتصادی افغانستان در فبروری ۲۰۰۴، رشد اقتصادی را در سال آینده مانند سال قبل آن ۱۰٪ پیشبینی کرد وصندوق بین المللی پول این رشد را ۳۰٪ اعلام نمود.و همچنان همین بانک تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۰۳ چهار میلیارد وچهارصد ملیون به اطلاع رسانده است.

بانک جهانی در یک گزارش در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که افغانستان به مقایسه به سایر کشور های جنگزده پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته و در مقیاس با وضعیت دوسال قبل، اکنون شاهد فعالیتهای اقتصادی،سیاسی واجتماعی هستیم ودر عین



حال بخش قابل توجه جمعیت در فقر بسر میبرند. این بانک در یک گزارشی که در سال ۲۰۰۵ در کابل منتشر کرد می گوید که اقتصاد افغانستان در دو سال گذشته، پنجاه درصد رشد داشته و دلایل عمده رشد را بهبود وضع کشاورزی نسبت به سالهایی که این کشور در جنگ بود، احیای فعالیتهای اقتصادی، سیاست گذاری دولت در عرصه اصلاحات پولی در سال ۲۰۰۲، کنترل بازار ارز و پشتیبانی از پول رایج کشور می داند. در گزارش بعدی این بانک در سال ۲۰۰۶ که چهار سال اخیر را بررسی کرده، ضمن ابراز نگرانی از رشد آهسته افغانستان آورده است که ظرفیت های اداری در سیستم مالی افغانستان ضعیف است و در برخی موارد، اصلاً وجود ندارد.

خلاصه ۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۱۰

آگاهان و کارشناسان امور که بررسی های صورت گرفته پیرامون وضعیت اقتصادی افغانستان از جانب موسسات بین المللی را از نزدیک تعقیب میکنند به راحتی متوجه تناقضات موجود در گزارشات و ارزیابی های آنها می شوند.

این نوع بررسی ها تنها دور از واقعیت، تصنعی، گمراه کننده و غرض آلود است، بلکه یک نوع تشویق منفی نیز می باشد. مثلاً گفته شده است که حجم تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۳ بالغ به چهار میلیارد و چهارصد میلیون دلار و عاید سرانه ۱۷۰ دلار بوده است. در حالیکه بنابر گزارشات همین منابع حدود ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی را تولید مواد مخدر میسازد. و سهم مواد مخدر در ترکیب عاید ناخالص داخلی کشور تا اکنون در همین حدود و حتی بیشتر از آن می باشد. وقتی سخن از نرخ رشد اقتصادی گفته



می شود ، تولیدات مواد مخدر در آن محاسبه نشده ، اما وقتی عاید سرانه مطرح گردیده ، تولیدات مواد مخدر به آن جمع شده است. زیرا عاید سرانه حاصل تقسیم تولید ناخالص ملی بر جمعیت کشور است.

تولید مواد مخدر مطابق قوانین کشور مجاز نیست واز محصولات آن مالیات اخذ نمیگردد وهرگونه افزایش در آن تأثیر مثبت در اقتصاد ندارد . علاوه بر آن سالانه ملیارد ها دلار به جای سرمایه گذاری در رشد اقتصاد در جهت امحای آن ظاهراً به مصرف میرسد . این در حالیست که مطابق بر تازه ترین گزارشها که در امریکا منتشر شد، سطح زیر خشخاش در سال ۲۰۰۶ ، با ۶۱٪ افزایش به ۱۷۲٫۶ هزار هکتار ومیزان تولیدتریاک به ۶٫۵ هزار تن تخمین زده شده است.

باید تذکر داد که ۷٫۹ میلیون هکتار زمین قابل کشت در افغانستان وجود دارد از جمله ۳٫۵ میلیون هکتار فعلاً کشت میشود .

مزیداً نبود برنامه دقیق رشد تولیدات زراعتی باعث ورشکستگی زراعت سنتی گردیده وزمینه را برای کشت کوکنار مساعد ساخته وادامه این وضع به عرصه زراعت که بخش اساسی اقتصاد است وسهم بزرگی در تولید ناخالص ملی دارد ، ضربه میزند. این امر به نوبه خویش اثرات فوق العاده ناگوار را در پیشرفت رشد اقتصادی بوجود میآورد.

نکته دیگر، افزایش رشد عرصه ساختمان ها وتجارت است . ایجاد ساختمان ها یک نیاز مبرم اقتصادی-اجتماعی کشور است که آن باید بر طبق نیاز مندی در بخش رهائشی ، اداری، فرهنگی وصنعتی ساخته شود. نه آنطوریکه در افغانستان ساختمان های چند منزله ساخته شده است. ساختمان های چند منزله نمیتوانند مشکلات جامعه را مانند راه ها، زراعت وانرژی حل نماید. این بخش میتواند بطوری موقت برای عده ای شغل ایجاد کند واستفاد از این ساختمان هابستگی به رشد مطلوب وسطح عاید مردم دارد.



افزایش رشد تجارت نیز مطلوب نیست ، زیرا رشد بیشتر در بخش واردات بمشاهده می شود . در حال حاضر رقم واردات به بیشتر از ۳ میلیارد ورقم صادرات به ۵۰۰ میلیون دلار میرسد که کسر بزرگ ۲,۵ میلیارد را نشان میدهد. وجود چنین شرایطی در دراز مدت به ضرر تولیدات داخلی و رشد تجارت داخلی بوده ، موجب خروج تدریجی منابع به خارج در بجای استفاده آن در رشد اقتصاد گردیده و در نهایت منجر به بی ثباتی ارزش پول میگردد.

بخش صنعت که نقش بزرگی را در افزایش تولیدات داخلی، اشتغال و دگرگونی ساختار اقتصادی کشور میتواند داشته باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است ؛ بویژه عرصه صنایع دستی که تا قبل جنگ حدود ۵۰٪ تولیدات عرصه صنایع را برآورده می کرد یا صنایع استخراج معادن و گاز طبیعی که میتواند منبع مطمئن تأمین بودجه کشور گردد. تنها عواید استفاده داخلی و صادرات گاز طبیعی میتواند یک رقم خوب عایدات بودجه دولت باشد. در حالیکه در افغانستان بر طبق مطالعات اولیه ۳۰۰ معدن مختلف شناسایی شده است . بنابر گزارش ایرنا از قول وزیر معدن ذخایر نفت و گاز شمال کشور دو میلیارد بشکه نفت و ۱,۳ تریلیون متر مکعب گاز تخمین زده شده است. و براساس اعلام مقامات افغانستان، این کشور در طول تاریخ خود تا اکنون فقط قادر به صدور ۵۰ الی ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز شده است.

البته عکس برداری های هوایی آمریکایی ها از معادن دیگر در جوار رودخانه امو نزدیک به شیرخان بندراز وجود ذخایر بیشتر نفت و گاز در افغانستان مژده میدهد که در صورت تکمیل مطالعات و بهره برداری از آن زمینه مساعد رشد و توسعه اقتصادی میسر خواهد شد ولی تا آن دم باید از معادن استفاده درست و موثر صورت گیرد. همچنان توجه بخش خصوصی نیز طوریکه نیاز است جلب نشد و از فرصتی که در این زمینه وجود داشت، در بخش صنایع استفاده نگردیده است.



بنابر اظهارات عمر زاخیل وال در سال ۱۳۸۵ به ارزش یک میلیارد دلار سرمایه گذاری شده که سهم سرمایه گذاری خارجی در آن ۲۵٪ میباشد و در سال ۱۳۸۶ توقع می‌رود که این رقم به ۱٫۵ میلیارد دلار برسد. و تا اکنون سه پارک صنعتی ساخته شده و کار بالای پارک صنعتی ننگرهار و قریه کمری ولسوالی بگرامی ولایت کابل جریان دارد. تا جاییکه دیده میشود سهم سرمایه گذاری خارجی خیلی ناچیز است. وجود مشکلات امنیتی، نبود زیر ساخت (انرژی و انفرستروکتور) عدم تطبیق قانون و فساد اداری سبب شده تا سرمایه های کلان تشویق نشوند.

توجه به افزایش عواید دولت از طریق تنظیم و اجرای سیاست عادلانه و وصول مالیاتی در سراسر کشور و توجه خاص به مالیات مستقیم از جمله اخذ مالیات از عواید شرکت ها. افراد خارجی که تا اکنون از توجه دور بوده است. و تلاشهای دولت در مجموع در زمینه جمع اوری عواید دولت ناکام می باشد.

در عرصه پولی، بانکی و مالی کار های صورت گرفته است که میتوان از اجرای اصلاحات پولی دولت در پایان سال ۲۰۰۲ طرح و اصلاح بعضی از قوانین در عرصه اقتصادی و ایجاد بانکهای خصوصی داخلی و خارجی که شمار آنها در حال حاضر به ۱۳ میرسد، نامبرد. این بانکها توانسته اند در فعال سازی پول های راکد شهروندان نقش مهم بازی کند بنابر اظهارات آذرخش حافظی رئیس اتاقهای تجارت بین المللی آذرخش حافظی حدود ۷۰۰ میلیون دلار پول راکد مردم را این بانکها به حرکت انداخته اند. و در حال حاضر اشخاص حقیقی انفرادی، بخش خصوصی و مامورین دولت از تسهیلات و خدمات این بانکها مستفید میشوند. که باید فعالیتهای آنها تحت نظارت باشد تا از مسیر قانونی و مشروع خارج نشوند در غیر آن زمینه های خروج پول، پول شوی و سودجوی نامشروع بوجود خواهد آمد.



اصلاحات پولی با کم کردن ۳ صفر یعنی کاهش رقم ۱۰۰۰ به ۱ صرف میتواند از تراکم و حجم فیزیکی پول کم کند ولی ثبات واقعی آن به تولیدات داخلی ارتباط دارد. ثبات نسبی ارزش افغانی به سبب دخالت فعال بانک مرکزی با تزریق ماهانه ده ها میلیون دلار به بازار ارز میباشد و این ثبات مصنوعی است نه طبیعی و به محض قطع مداخله دولت ثبات برهم می خورد...

نتیجه گیری :

البته تردیدی وجود ندارد که در افغانستان کار هایی در زمینه بازسازی و رشد اقتصادی صورت گرفته است ولی به تناسب حدود ۱۳ میلیارد دلار کمک جامعه جهانی و پنج سال وقت خیلی اندک است. ممکن است مردم تا حدودی از وضعیت کنونی اقتصاد راضی باشند ولی آنرا به مراتب کمتر از چیزی میدانند که پنج سال پیش انتظار داشتند.

رشد اقتصادی افغانستان رشد واقعی، مؤثر و مطلوب نبوده ، رشد ادعا شده یک رشد مؤقتی و غیر عادی بوده که از اثر کمک های خارجی بعمل آمده است . در گزارش رئیس بانک مرکزی به رئیس جمهوری کرزی در ارتباط با افزایش درآمد سرانه و کاهش تورم گفته شده که درآمد سرانه از ۲۰۰ دلار در سال ۱۳۸۲ به ۲۹۳ دلار در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است و در سال ۱۳۸۵ به ۳۱۵ و در سال ۱۳۸۶ به ۴۰۰ دلار و تا پایان دوره پنج سال ریاست جمهوری کرزی به ۵۰۰ دلار میرسد. در این افزایش کسانی شامل میشود که عاید چندین برابر این رقم را در سال دارند و هم کسانی که در آمدی چندین مرتبه کمتر از رقم متوسط را دارا می



باشند؛ این یک باور کاذب است که تصور شود که عاید تمام شهروندان به طور مساوی بالا رفته است. همچنان رشد واقعی و مطلوب به آن رشدی گفته میشود که متضمن دگرگونی ساختهای جامعه نه فقط در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی در سطح شعور شهروندان تبارز یابد. و آن در نتیجه رشد زیر بنا ها و رشد تولیدات داخلی و ارتقاء اقتصاد و ظرفیت ملی بعمل میآید. منبع اساسی رشد ادعا شده در افغانستان کمکهای خارجی است. هرگاه این کمکها قطع گردد. رشد نیز متوقف میشود

و از جانب دیگر هر رشد متضمن هزینه و منفای است. رشد به اهداف خود نمیرسد مگر اینکه این هزینه و منافع به منصفانه ترین وجهی میان افراد جامعه توزیع شود. در این پنج سال سخن از رشد اقتصادی در حالی گفته میشود که فاصله میان فقر و ثروت بیشتر شده و اکثر مردم هیچ بهبودی را در زندگی شان لمس نکرده اند. و مردم حالا باور شان را نسبت به آینده از دست داده اند. در حالیکه پنج سال قبل برعکس آن بود. این یک حالت برگشت (رگرس) را نشان میدهد

که تأثیرات منفی روانی را بر شهروندان بجا گذاشته است.

با ارزیابی های که در بالا صورت گرفت به این نتیجه میرسیم که افغانستان در طی پنج سال گذشته رشد اقتصادی داشته و آن از برکت کمکهای خارجی بوده نه در نتیجه رشد تولیدات داخلی. و این رشد یک رشد غیر مطلوب و غیر موثر میباشد و هیچ اطمینان را در جهت رشد پیگیر و ثبات اقتصادی بدست نمی دهد.



۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۱ سرمایه گذاری در معادن راهی بسوی شگوفایی اقتصادی

افغانستان از نظر داشتن معادن و ذخایر زیر زمینی از جایگاه برتری برخوردار است اما بنابر ادامه جنگ ها، نبود دولت های دلسوز و مردمی این ذخایر عظیم اقتصادی که منبع درآمد بزرگی برای اقتصاد کشور است دست نخورده باقی مانده است.

گفته میشود که تا به حال وجود یک هزار و ۴۴۰ معدن در افغانستان تثبیت شده و حدود ۴ هزار و ۵۰۰ منبع معدنی دیگر نیز در کشور به چشم می خورد که ارزش مجموعه این منابع حدود ۵۰۰ تریلیون دلار ارزیابی شده است.

در زمان جنگ های داخلی که در هر گوشه افغانستان یک حکومت و یک دولت فرمانروایی میکرد، بسیاری از معادن و آثار تاریخی کشور که نشانی از تمدن باستانی و غنی بودن این کشور بود به یغما برده شد و یا به صورت غیر قانونی مورد استخراج قرار می گرفت.

با به وجود آمدن دولت کرزی بررسی هایی روی معادن و ذخایر طبیعی کشور صورت گرفت و کارهایی برای استخراج و سرمایه گذاری درین بخش نیز انجام یافت که گام مهمی در ایجاد زمینه رشد و شگوفایی اقتصادی کشور به شمار میرود.

سال گذشته وزارت معادن افغانستان اعلام کرد که کار بررسی پنج معدن آهن حاجی گک، معدن گاز شبرغان، نفت سرپل و سیمان و ذغال سنگ ولایت هرات تکمیل شده و استخراج آن به زودی به مزایده گذاشته خواهد شد.

به گفته وزیر معادن، درآمد سالانه استخراج این معادن برای افغانستان حدود دو میلیارد دلار بوده و برای دهها هزار نفر زمینه اشتغال ایجاد خواهد شد. با اینحال هنوز هم بعضی از معادن کشور بواسطه زورگویان و سلاح بدستان محلی مورد استخراج قرار



گرفته به قیمت بسیار پایین به کشورهای همسایه مخصوصاً پاکستان قاجاق میگردد که دولت هنوز در این زمینه کاری از پیش نبرده است.

گفته میشود که سالانه حدود دویست و بیست تن لاجورد بدخشان ازسوی سلاح بدستان محلی استخراج و بدون آنکه به دولت نفعی برسد، به مالگه مندوی پشاور پاکستان قاجاق میشود و سپس بنام لاجورد پاکستانی به قیمت بسیار بالا در بازارهای جهانی به فروش میرسد.

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۱۲ نفت و گاز

افغانستان پنج حوزه نفت و گاز دارد که در برگیرنده حوزه های آمو دریا و افغان تاجیک در شمال، حوزه هرات در غرب، حوزه هلمند در جنوب و حوزه کتواز در شرق است که بقول وزیر معادن یشتراز ۲۰ شرکت بزرگ نفتی دنیا درخصوص سرمایه گذاری روی نفت و گاز افغانستان علاقه نشان داده اند.

بیشترین مقدار نفت و گاز، نظر به گفته ی یک شرکت تحقیقات زمین شناسی ایالات متحده امریکا، در حوزه شمال افغانستان وجود دارد. آنان میزان این ذخایر را ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز و بیش از یک و نیم میلیارد بشکه نفت میخوانند که چند برابر پیش بینی های سابق بوده است.



برآوردهای جدید ذخایر انرژی کشور حدود ۱۸ برابر مقداری است که قبلاً پیش بینی می شد. افغانستان همین اکنون انرژی خود را از خارج وارد می کند، در صورتی که دولت بتواند به عملیات استخراج و پالایش نفت و گاز این حوزه توجه جدی کند و یا توجه سرمایه گذاران خارجی و داخلی را به این پروژه بزرگ اقتصادی جلب کنند اهمیت زیادی در راستای خودکفا شدن اقتصادی کشور خواهد داشت.

به اساس گفته های کارشناسان اگر کار استخراج این ذخایر آغاز شود، افغانستان می تواند تولید نفتی به میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز داشته باشد که در این صورت میتواند بخش مهمی از نیازهای داخلی این کشور را تأمین کند.

۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۳ معدن آهن حاجیگک و

این معدن که از بزرگترین ذخایر آهن در افغانستان به حساب می آید، دو میلیارد تن آهن دارد. معدن حاجی علم قندهار نیز با دارا بودن حدود ۶ میلیون تن ذخیره آهن از معادن مشهور افغانستان است. بهره برداری از معدن آهن حاجی گک در سال روان به ۷ شرکت خصوصی خارجی واگذار شد و به گفته محمد ابراهیم عادل وزیر صنایع و معادن کشور، کار تولید رسمی معدن حاجی گک تا ۵ سال آینده شروع خواهد شد و قبل از آن، شرکتها روی مرکزیت و ساختمان کارخانه و محل تولید آهن کار خواهند کرد.

به نظر آقای عادل با راه اندازی این معدن در بخش آهن سالانه ۴۰۰ میلیون دلار درآمد خواهیم داشت که در صورت بالا رفتن قیمت فولاد در بازارهای جهان، سالانه درآمد از این بخش به یک میلیارد دلار خواهد رسید.



۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۴ معدن مس عینک

مس عینک لوگر که ۱۱ میلیون تن تخمین زده شده سال گذشته به یک شرکت چینی به مدت سی سال واگذار شد. و هفته گذشته کار آن رسماً افتتاح گردید. شرکت MCC که مسوولیت سرمایه گذاری این پروژه را به عهده گرفته است وعده داده است که ۸،۲ میلیارد دلار در بخش استخراج و انکشاف معدن مس عینک، ۴ تا ۵ میلیارد دلار در بخش خط راه آهن حیرتان- کابل- تورخم و ۵۰۰ میلیون دلار دیگر در بخش تولید برق به میزان ۴۰۰ مگاوات نیز سرمایه گذاری خواهد کرد.

ارزش ذخایر این مرکز ۸۸ میلیارد دلار است و به ایجاد ۵۰۰۰ شغل منجر میشود و طبق برآوردهای وزیر صنایع و معادن، استخراج این معدن تا ۷۰ سال ادامه خواهد داشت.

پروژه مس عینک سالانه ۴۰۰ میلیون دلار به درآمد کشور خواهد افزود که به باور آگاهان یکی از دستاوردهای بزرگ وزارت معادن کشور در طی سالهای اخیر است. به باور مقامات وزارت معادن، استخراج معادن و ذخایر زیرزمینی، در پنج تا شش سال آینده، افغانستان را از ناحیه مصارف داخلی از کمک های خارجی بی نیاز خواهد کرد.

افزون بر اینها، معادن دیگری مانند مرمر، لاجورد، زمرد و طلا نیز در افغانستان وجود دارند که از سوی دولت به برخی از شرکت ها واگذار شده است.



۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۴،۱ موقعیت استراتژیک جغرافیایی

یکی از امتیازات اقتصادی افغانستان موقعیت استراتژیک جغرافیایی آن و مسیر اتصال آسیای میانه به جنوب و از همه مهمتر مسیر خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان است که سالانه ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی را از حوزه گازی «دولت آباد» در جنوب شرقی ترکمنستان حمل خواهد کرد.

شرکت آمریکایی «یونوکال»، صاحب قبلی حوزه دولت آباد (ترکمنستان)، در اکتبر سال ۱۹۹۷ اعلام کرده بود که این حوزه حاوی بیش از ۷۰۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی است.

هزینه احداث این خط لوله از مرز بین ترکمنستان و افغانستان تا مولتان حدود ۹/۲ میلیارد دلار و از آنجا تا مرز هند حدود ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

اجرای این طرح درمقایسه با طرح خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند، با توجه به حمایت بانک توسعه آسیا از آن، راحت تر خواهد بود.

بنابه گفته این مقامها، طرح خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند همچنین باخطر تحریم شرکت های مالی و فنی آمریکایی و اروپایی مواجه نخواهد بود. لذا در موقعیت فعلی یکی از پروژه های مهم اقتصادی برای اقتصاد نوپای افغانستان است که درآمد سرشار اقتصادی و اشتغال داخلی و خدمت گازرسانی را در محدوده وسیعی از ولایات افغانستان را به دنبال خواهد داشت.



اولویت بندی پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی در افغانستان ۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۵

از زمان تشکیل دولت و اعطای کمک‌های بین‌المللی به افغانستان و آغاز پروژه‌های بازسازی در این کشور دو دیدگاه در اولویت بندی اتخاذ طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی وجود داشته است.

گروهی از کارشناسان اقتصادی مثل دکتر رمضان بشردوست، وزیر طرح و برنامه در کابینه قبلی آقای کرزی قایل به اولویت دادن به طرح‌های زراعتی و سد سازی و مهار آب‌های افغانستان هستند. وی در این باره می‌گوید: افغانستان می‌تواند یک کشور خوب زراعتی و صنعتی باشد بخاطر این که در افغانستان میلیاردها مترمکعب آب جاری و منابع آبی خوبی وجود دارد و از غنی ترین خاک دنیا برای زراعت برخوردار است و بیشتر مردم افغانستان هم پیشه و شغل شان کشاورزی و زمینداری می‌باشد. از طرف دیگر اگر صنعت سدسازی در کشور ترویج شود می‌توان هزاران هکتار زمین را سیراب کرد و باغات پرباری را به وجود بیاوریم و مردمی که از بیکاری رنج می‌برند و هیچ گونه سرمایه‌ای هم ندارند، می‌توانند در بخش کشاورزی مشغول به کار شوند و افغانستان می‌تواند از عایدات و درآمدهای خویش کشور را آباد نماید. اگر سدهای آبی احداث شوند، علاوه بر آبیاری مزارع کشاورزی می‌توان انرژی برق کشور را تأمین نمود که بدون احداث نیروگاه‌های برق امکان صنعتی شدن کشور ممکن نیست. امروز دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی میلیون‌ها دلار را صرف می‌کند و ژنراتورهای بزرگ دیزلی برای تولید برق را می‌خرد در حالی که نمی‌تواند سوخت مورد نیاز آن را تأمین و تهیه نماید.



اما در مقابل گروهی دیگر اولویت را به طرح های صنعتی داده و از سیاست تقدم تجارت بر صنعت در برنامه دولت انتقاد می کنند.

در این باره داکتر جلیل شمس وزیر اقتصاد افغانستان می گوید: تمامی سرمایه گذاری های خصوصی، به جای رشد صنعت، بر تجارت متمرکز شده است. ایشان اولویت را برای صنعت و رشد صنعتی قایل است.

در مقابل دیدگاه دیگری مبنی بر رشد متوازن توسعه اقتصادی در همه زمینه های اقتصادی وجود دارد که دیدگاهی مناسب تر می باشد.

آقای جامی زاده، معاون وزارت اقتصاد در این باره می گوید: زمانی که بخش های زیربنایی به اجرا درآید حلال مشکلات بسیاری از بخش های دیگر خواهند شد و درحقیقت ترقی و انکشاف مملکت با رشد و توسعه بخش های زیربنایی کشور ممکن خواهد بود. دولت باید تلاش کند تا عواید داخلی را رشد دهد و این کار وقتی انجام خواهد شد که بخش های زیر بنایی کشور ساخته شود و توسعه یابد. تا زمانی که معادن افغانستان استخراج و مورد بهره برداری قرار نگیرد، زراعت افغانستان و صنایع کشور رشد و انکشاف نیابد، هیچ گاه به خود کفایی نخواهیم رسید. درقدم دوم موضوع انرژی و تأمین آب در کشور از اولویتهای کاری دولت می باشد که باحل شدن مشکل کم آبی مشکل زراعت افغانستان نیز حل خواهد شد و می دانید که افغانستان به توسعه متوازن همه بخش ها نیاز دارد.

نتیجه

با ملاحظه این دیدگاه ها که به سه اولویت زراعت، صنعت و رشد متوازن اقتصادی تاکید دارد به نظر می رسد که ما می توانیم به جای پرداختن و صرف هزینه های ملی به توسعه و رشد متوازن در همه زمینه ها بپردازیم و با بررسی قابلیت ها و توانایی اقتصادی کشور اولویت را به ترکیبی از این پروژه ها به طور همزمان و همگام بپردازیم.



در کشوری مثل افغانستان که تمام زیرساخت‌های آن نیاز به ترمیم و بازسازی دارد، به توسعه متوازن همه بخش‌ها نیاز دارد. و این مقوله از فاکتورهای مهم توسعه اقتصادی است که در نظر گرفتن آن برای کشور لازم است.

افغانستان با داشتن قابلیت‌های قابل توجه در زمینه زراعت و منابع آبی کافی می‌تواند توسعه پایدار کشاورزی را در اصول زیر به اجرا درآورد: توسعه ظرفیت‌های بخش کشاورزی برای تامین نیازهای داخلی و صادرات، بهبود مدیریت جنگل‌ها، ایجاد نظام اعتبارات در بخش کشاورزی و روستایی، بهبود نظام بازاریابی، بهبود سیستم آبیاری، متنوع سازی محصولات کشاورزی، ریشه کنی بیماری‌های دامی، حفظ منابع طبیعی، سد سازی برای آبیاری زمین‌ها و تولید برق و احیا و بازسازی بخش کشاورزی که همه اینها منتهی به رشد تولیدات و افزایش اشتغال داخلی می‌گردد.

در بخش صنایع زمانی که کار استخراج یک معدن را شروع می‌کنیم یا هر کارخانه‌ای را که به بهره برداری می‌رسانیم، چه در بخش‌های خصوصی، مختلط و یا اشکال دیگر، علاوه بر درآمدزایی و بالابردن عایدات کشور چند هزار نفر را مشغول به کار می‌کنیم و سطح اشتغال داخلی را بالا می‌بریم. از همه مهمتر از منابع موجود و ثروت‌های زیرزمینی کشور استفاده بهینه صورت گرفته و از رکود سرمایه‌های کشور جلوگیری به عمل می‌آید.

در این شرایط که کمک‌های خارجی به کشور سرازیر شده است، دولت باید تلاش کند تا عواید داخلی را رشد دهد و این کار وقتی انجام خواهد شد که بخش‌های زیر بنایی کشور بازسازی شده و توسعه یابد. در این اولویت بندی سه شرط اساسی زیر برای موفقیت این پروژه‌ها لازم و ضروری می‌باشد.

شرط اول: وجود یک برنامه توسعه اقتصادی دقیق و منظم که اولویت‌ها در آن در نظر گرفته شده باشد.



شرط دوم: بودجه کافی برای اجرای طرح‌های انکشافی و زیربنایی که سهم عمده آن از طریق کمک‌های بین‌المللی طبق وعدهٔ جامعهٔ بین‌المللی در کوتاه مدت تامین شده است.

شرط سوم: سازماندهی و مدیریت دلسوز و کارآمد، که از طریق ملاک شایسته سالاری در تمام انتخابات ملی کشور اعم از انتخابات ریاست جمهوری و مجالس شورای ملی و سنا و شوراهای ولایتی، از طرف آحاد مردم در نظر گرفته شود، تا افراد شایسته و دلسوز و متخصص به ارکان سیاست‌گذاری و اجرایی کشور راه پیدا کنند.

۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۶ اولویت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان

مظفر علیخانی دبیرکل اتاق مشترک ایران و افغانستان، با بیان این مطلب گفت: در حال حاضر مهمترین اولویت سرمایه‌گذاری در کشور افغانستان در حوزه مصالح ساختمانی، صنعت غذا، آرایشی و بهداشتی، صنعت نساجی، ماشین‌آلات کشاورزی، صنعت سیمان و مبلمان است.

وی اظهار داشت: در آخرین دیداری که با "ذاخیل‌وال" وزیر مالی و مشاور ارشد رئیس‌جمهوری در امور اقتصادی و "ابراهیم عادل" وزیر معادن تجارت و صنایع کشور افغانستان صورت گرفت توافقاتی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دو کشور در حوزه های صنعت، معدن، کشاورزی و تجارت و خصوصا در زمینه های آهن، سرب، روی، لوازم خانگی، مبلمان و صنایع بسته بندی با توجه به سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به سرانجام رسید.

علیخانی حل مشکل ویزا و حذف عوارض عبور کامیون ها (دوزبلاغ) را یکی از مهمترین مسائل مورد بحث برای تسهیل در روابط



تجاری بخش خصوص طرفین عنوان کرد و گفت: در حال حاضر به ازاء هر کامیون ۱۵۰ دلار اخذ می شود که در صورت حذف این عوارض قطعاً قیمت تمام شده محصولات در بازار هدف رقابتی خواهد شد.

دبیرکل اتاق مشترک ایران و افغانستان اضافه کرد: با توافقات صورت گرفته قرار شد تمام مناقصاتی که در کشور افغانستان صورت می پذیرد به اطلاع سرمایه گذاران ایرانی نیز برسد تا امکان حضور در پروژه های عمرانی افغانستان فراهم شود.

دبیر کل اتاق مشترک ایران و افغانستان موضوعات دیگر مورد مذاکره با مقامات بلند پایه افغانی را بررسی راهکارهای جلوگیری سوء استفاده از برندهای معروف ایرانی و معرفی سرمایه گذاران و تجار بزرگ و خوشنام دو کشور عنوان کرد و گفت: مهمترین وظیفه اتاق مشترک ایران و افغانستان آسیب شناسی مسائل و مشکلات فراروی توسعه، ثبت رسمی و قابل پیگیری قراردادهای تجاری و سرمایه گذاری طرفین تجاری ایران و افغان، حکمیت در برخی اختلافات تجاری و بازرگانی است. بنابراین به تجار و سرمایه گذاران ایرانی توصیه می شود به منظور جلوگیری از پیامدهای منفی تجاری پشتیبانی اتاق بازرگانی به عنوان نماینده و پشتیبان رسمی و قانونی بخش خصوصی تمام قراردادهای تجاری و سرمایه گذاری با طرف افغانی را در این اتاق به ثبت برسانند.

وی همچنین از پیگیری های اتاق مشترک طرف ایرانی برای تأسیس اتاق مشترک ایران و افغانستان در شهر کابل خبر داد و گفت: امیدواریم این توافق در آینده نزدیک به فعلیت برسد.



زیر ساخت کاذب اقتصاد افغانستان ۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۷

منابعی چون انرژی، معادن، فراورده‌های کشاورزی و دامی و محصولات صنعتی که در اقتصاد کشور افغانستان کمابیش جای دارد، از آن جهت اصیل است که یک منبع قابل اعتماد نسبتاً دائمی و نسبتاً قابل دسترس می‌باشد، و از طرفی فقط ارزش و بار اقتصادی دارد. در این قسمت به آن دسته از منابع اشاره می‌شود که یا زود گذر هستند و یا اگرچه با آن معامله اقتصادی انجام می‌گیرد، ولی زیان‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌کند، در ذیل به آن‌ها اشاره خواهیم نمود:

کمک‌های نهادهای بین‌المللی و کشورها ۲،۱۷،۲،۶،۱،۲،۱۸

در بخش کمک‌های جهانی عنوان شد که نهادها و یا کشورهای آمادگی خود را در جهت اعطای کمک‌های نقدی به کشور افغانستان اعلام کردند. این مقوله اقتصادی تحت اقتصاد کاذب تعریف می‌شود. چون که اگر پولی پشتوانه ارزی، منابع طبیعی، صنعتی و از همه مهمتر طرح و برنامه اقتصادی به دنبال نداشته باشد، می‌توان آن را در جمع زیرساخت اقتصاد کاذب نام‌برد. از طرفی این کمک‌های عمده این را می‌طلبد که در قبال این‌ها پاسخ‌های اقتصادی و یا غیر اقتصادی به اعطا کنندگان داشته باشیم. الین امر



همچنین مسؤولین کشوری را به نوعی به ارضای اقتصادی فرا خوانده و از بخش پیشرفت و رشد پایپای با اقتصاد دنیا عقب ننگه می دارد.

مهم ترین سازمانهای بین المللی مشارکت کننده در بازسازی افغانستان:

توسعه کشاورزی ، خدمات اجتماعی و امور زیربنایی با اختصاص ۵۰۰ میلیون دلار (ADB) :بانک توسعه آسیایی

UNICEF پروژه حمایتهای بهداشتی در شهرهای افغانستان

UNDCP احیاء زمینهای زراعی و تغییر کشت در مزارع خشخاش

FAO بهبود تولیدات طیور خدمات تغذیه ای دامها، توسعه صنایع لبنی، احیاء جنگلها

UNOCHA شناسایی نیازهای افغانستان از طریق کمک های بشر دوستانه

کمکهای عمده

جامعه بین الملل : برای سال ۲۰۰۲ بیش از ۱/۸ میلیارد دلار



اتحادیه اروپا و جامعه اروپا: در سال ۲۰۰۲ حدود ۵۰۰ میلیون دلار و تعهد یک میلیارد یورو طی ۵ سال

کشور ایران 560: میلیون دلار به مدت ۵ سال: پروژه در حال انجام: احداث جاده دوغارون به هرات

کشور ژاپن 500: میلیون دلار در مدت ۲،۵ سال

کشور امریکا: در سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۹۰ میلیون دلار

کشور عربستان 220: میلیون دلار در مدت ۳ سال

کشور آلمان 320: میلیون یورو در مدت ۵ سال

۲,۱۷,۲,۶,۱,۲,۱۹

معضل تریاک

علیرغم حضور هزاران سرباز خارجی در افغانستان و کمک‌های مالی آمریکا برای مبارزه با مواد مخدر؛ تولید تریاک و هروئین در این کشور رونق گرفته است.

۲,۱۷,۲,۷ صنایع در افغانستان

توسعه صنعت در افغانستان بسیار محدود است، کشور از این جهت عقب ماندگی بزرگی دارد، صنایع موجود اغلب مدل‌های صنعتی

قدیمی بلوک شرق می‌باشند، صنایع موجود به هیچ وجه جوابگوی نیازهای داخلی افغانستان نیست.



فعالیت‌های صنعتی افغانستان با احداث یک کارخانه نساجی در ۱۹۲۴ آغاز گردید ولی در طول جنگ این صنایع توسعه نیافته، و علاوه تعدادی از واحدها فرسوده شده و از کار افتاده‌اند و بطور کلی صنایع موجود نه به اهداف توسعه در نظر گرفته شده دست یافتند و نه با ظرفیت اسمی خود کار کرده‌اند و هم اکنون تعداد صنایع بخش های مختلف محدود می‌باشد و معمولاً از یک یا چند واحد تجاوز نمی‌کنند.

۲,۱۷,۲,۸ عمده‌ترین صنایع افغانستان

صنایع افغانستان شامل: کارخانجات روغن نباتی، تهیه کشمش، آرد، کود شیمیایی، شکر، آجرپزی، مقواسازی، کره و فراورده های گوشتی، کفش دوزی، شیشه سازی، پلاستیک سازی، صابون پزی، منسوجات پشمی پنبه‌ای و ابریشمی، صنایع دستی شامل قالی بافی، گلیم بافی، نخ تاب، پوستین دوزی، چرم سازی، ظروف گلی، سنگ تراشی و سوزن کاری می‌باشند.

۲,۱۷,۲,۹ کشاورزی در افغانستان

حدود ۸۰ درصد از اراضی افغانستان کوهستان، بیابان و نیمه بیابان است. حدود ۱۵٪ درصد از خاک کشور برای کشاورزی مستعد است که قریب به نیمی از آن زیر کشت است. با این حال افغانستان کشوری کشاورزی است و چهارپنجم جمعیت از طریق کشاورزی و دامپروری زندگی می‌کنند. دو سوم زمین‌های موجود بطور فصلی کشت می‌شود در قسمت اعظم افغانستان خاک مرغوب وجود دارد ولی آب کافی موجود نیست.

دره هیرمند، قندهار، مزارشریف و قندوز موقعیت‌های بهتری برای توسعه کشاورزی تا قبل از تغییرات حکومت مارکسیستی



افغانستان، از لحاظ مواد غذایی نسبتاً تامین و خودکفا بود ولی پس از سال ۱۹۷۸ و بروز جنگ و درگیریهای شدید داخلی، بسیاری

از زمین‌ها از زیر کشت خارج شد و تولیدات کشاورزی رشد کافی پیدا نکرد. همچنین بدلیل افزایش جمعیت، کشور وابسته به

واردات مواد غذایی بخصوص گندم می‌باشد.

محصولات عمده کشاورزی و میزان تولیدات:

گندم، برنج، جو، ذرت، حبوبات، پنبه دانه، دانه آفتاب گردان، آنجد، چغندر قند، میوه، سبزیجات و نیشکر را می‌توان از محصولات

عمده کشاورزی در افغانستان نام برد. که در ذیل میزان تولید آن‌ها را یاد آور می‌شویم:

گندم: ۱۵۰۰ هزار تن تا ۱۷۰۰ هزار تن.

ذرت: ۲۰۰ هزار تن.

غلات: ۲۱۰۰ هزار تن

برنج: ۳۰۰ هزار تن

اراضی کشاورزی

زمین‌های زیر کشت: بیش از ۳۰ هزار کیلومتر مربع

مرتفع: حدود ۳۰ هزار کیلومتر

جنگل: حدود ۱۷ هزار کیلومتر

سایر زمینها: حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع



۲،۱۷،۲،۱۰ دامداری در افغانستان

در کنار کشاورزی، دامداری نیز به همان نسبت رونق دارد. با توجه به جمعیت کوچ نشینان و گرایش مردم، دامپروری یکی از مشاغل اصلی افغانستان را تشکیل میدهد و بخش عمده صادرات از طریق پرورش دام، طیور و تولید فراورده های دامی صورت می گیرد. تعداد دام پرورش یافته در سال ۲۰۰۰ بیش از ۲۸۰۰۰۰ هزار راس و طیور ۷ میلیون قطعه می باشد.

عمده ترین فراورده های دامی:

گوشت، گوشت سفید، شیر، پنیر، روغن، کره، تخم مرغ، عسل، پشم و پوست و... را می توان از عمده ترین دستاوردهای دامی ذکر نمود.

تولیدات:

براساس آخرین آمار ارائه شده تولید انواع محصولات دامی در سال ۲۰۰۰ عبارتند از:

انواع گوشت: هزار تن گوشت، انواع طیور ۱۴ هزار تن

شیر: ۳۰۰ هزار تن. تخم مرغ: هزار تن. عسل: ۳ هزار تن

پوست: پوست گوسفند قرقل و انواع مختلف پوست تولید می شود که که بخشی از آن نیز صادر می گردد، از جمله به پوست قرقل می توان اشاره کرد. ولی آمار از تولید در دسترس نیست.



همان‌طور که در بخش اول در قسمت‌های مختلف آن بیان شد، افغانستان فعلاً از هر نظر از جمله از نظر اقتصادی در دوره گذار از تشنج و درگیری‌های خونین با شوری سابق و جنگ‌های داخلی از جمله ویرانی‌های دوره پیدایش طالبان را با خود دارد. بنابراین می‌توان گفت که: منابع اصلی نامبرده شده در بخش اول؛ بطور کامل استخراج نشده، و چه بسا اکثر آن‌ها هنوز به‌صورت دست نخورده باقی مانده است. بعضی از صنایع هنوز تعطیل‌اند. لذا آن‌ها نمی‌توانند زیرساخت موجود اقتصاد لاغر کشور افغانستان را تشکیل بدهند. اما مسلماً منابع اصلی کم‌ابیش تأثیراتی بر اقتصاد کشور دارند. کمک‌های جهانی برای بازسازی افغانستان

از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مشارکت‌کننده در بازسازی افغانستان، نمونه‌های ذیل را می‌توان آور شد: بانک توسعه آسیایی ADB: توسعه کشاورزی، خدمات اجتماعی و امور زیربنایی با اختصاص ۵۰۰ میلیون دلار.

UNICEE: پروژه حمایت‌های بهداشتی در شهرهای افغانستان.

UNDCP: احیاء زمینهای زراعی و تغییر کاشت در مزارع خشک.

FAO: بهبود تولیدات طیور خدمات تغذیه ای دامها، توسعه صنایع لبنی، احیاء جنگلها.

UNOCHA: شناسایی نیازهای افغانستان از طریق کمک های بشر دوستانه.

کمک‌های عمده‌جامعه بین‌الملل: برای سال ۲۰۰۲ بیش از ۸/۱ میلیارد دلار.

اتحادیه اروپا و جامعه اروپا: در سال ۲۰۰۲ حدود ۵۰۰ میلیون دلار و تعهد یک میلیارد یورو طی ۵ سال.



کشور ایران: ۵۶۰ میلیون دلار به مدت ۵ سال که پروژه تکمیل شده جاده دوغارون به هرات ازین دست کمک‌ها می‌باشد.

کشور ژاپن: ۵۰۰ میلیون دلار در مدت ۲,۵ سال.

کشور امریکا: در سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۹۰ میلیون دلار.

کشور عربستان: ۲۲۰ میلیون دلار در مدت ۳ سال.

کشور آلمان: ۳۲۰ میلیون یورو در مدت ۵ سال.

۲,۱۷,۲,۱۱,۱ صادرات گاز

در اواخر دهه ۶۰ میلادی ذخیره عظیم گاز طبیعی در شیرخان کشف شد و صادرات آن با احداث خط لوله ای به طول ۱۸۰ کیلومتر از طریق جمهوری ازبکستان آغاز شد از آن زمان تا ۱۹۹۰ سالانه بین ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی استخراج و به جمهوری‌های شوروی سابق صادر شده است در اوایل سال ۱۹۹۰ توافقنامه‌هایی با کشور مجارستان داشت، این گفتگوها پیشرفت زیادی در برنداشت. از این دیدگاه در آمد حاصل از صادرات گاز می‌تواند زیرساخت اقتصاد کشور افغانستان باشد.

صادرات فرآورده‌های کشاورزی و دامی

از اقلام کشاورزی صادراتی انواع پسته را می‌توان نام برد که از شمال کشور به کشورهای خارج صادر می‌شود. و همین‌طور انواع پوست حیوانات از جمله پوست قره‌قل که نوعی گوسفند اصیل است، یکی از اقلام مهم صادراتی و تجاری در افغانستان به شمار می

رود که پس از سرنگونی رژیم طالبان، تجارت آن، روز به روز رونق بیشتری می‌یابد.



۲،۱۷،۲،۱۱،۲ کشاورزی و دامداری در افغانستان

اشکال کشاورزی در برگیرنده وسیع ترین بخش اقتصاد و شکل زندگی و معادل ۸۵ درصد از جمعیت کشور افغانستان را تشکیل می دهد. طبق آمار و ارقامی که ارائه شده، افغانستان دارای ۱۴ میلیون هکتار زمین زراعتی می باشد که براساس همین آمار، تنها کمتر از ۸ میلیون هکتار آن تحت کشت قرار میگیرد. زمینهای کشاورزی افغانستان بیشتر در نواحی شمال و غرب افغانستان قرار گرفته که تاکنون چندان توجهی هم به آن نواحی نشده است ولی بیشترین محصول غله کشور از آن نواحی تأمین میگردد. زراعت کشور افغانستان به دلیل عدم توجه، هنوز به شکل ابتدائی و متکی بر تجهیزاتی از قبیل گاواهن و حیوانات بارکش می باشد. دامداری نیز یکی از منابع اصلی اقتصاد خانواده را در مناطق روستائی تشکیل می دهد و مانند کشاورزی، به همان شکل ابتدائی است. دامداری به منظور تأمین گوشت، لبنیات، روغن و پوست است. مثلاً "پوست قره کل که از گوسفندهای دمدار افغانستان بدست می آید، یکی از اقلام مهم صادراتی این کشور را در بازارهای آمریکا و اروپا تشکیل می دهد. از پشم بز و گوسفند و شتر در داخل افغانستان، پارچه های پشمی، گلیم، قالی و شال تولید می کنند. پرورش حیواناتی مانند اسب، شتر و سایر حیوانات بارکش، برای سواری و باربری در سراسر افغانستان رواج دارد. مرغداری نیز به شکل ابتدائی خود رایج بوده و هر دهقان و غیر دهقان، چه در شهر و چه در روستا، از تعدادی مرغ خانگی برای تأمین گوشت و تخم مرغ نگهداری می نماید. این بخش از اقتصاد کشور افغانستان نیز به دلیل طولانی شدن جنگ آسیب فراوانی را متحمل گردیده است. به دلیل وضعیت بد اقتصادی و معیشتی کشاورزان و علیرغم ممنوعیت های اعمال شده توسط دولت مرکزی افغانستان، کشت خشکاش همچنان در مناطق دور از دسترس مأموران حکومتی ادامه دارد. کشت سایر محصولات کشاورزی از جمله گندم که از



اصلی ترین نیازهای افغانستان است، به هیچ عنوان کفاف هزینه های یکسال خانوار روستائی را نمی دهد و بسیاری از کشاورزان علیرغم میل باطنی خود برای دستیابی به درآمد مکفی مجدداً "به کشت خشخاش روی آورده اند. یکی از مهم ترین دلایل این امر شاید آن باشد که فرماندهان گروه های مسلح غیر قانونی در افغانستان به جز تجارت پر سود مواد مخدر راه دیگری را برای تامین هزینه های هنگفت خویش و افراد تحت فرمان شان، نمی شناسند. این مسئله باعث شده تا تحت نفوذ این فرماندهان ماجرای کشت و تولید و صدور مواد مخدر در مناطق دور افتاده افغانستان همچنان دنبال شود به ویژه آنکه راهکار دولت افغانستان برای ترویج کشت جایگزین به علت درآمد هنگفت و معتنا به کشاورزان افغانی از محل فروش گیاهان تخم‌دیری، مثم‌ر ثم‌ر نموده است.

اخیراً "تحقیقاتی توسط سازمان جهاد کشاورزی خراسان و مزرعه نمونه استان قدس رضوی درخصوص ایجاد مزارع آزمایشی کشت چغندر قند در هرات و اهداء نهال درختان میوه صورت گرفته است. همینطور دوره های مختلف آموزش تخصصی که با نظارت استانداری خراسان و کمک سازمان جهاد کشاورزی در مشهد تشکیل می گردد. ارسال پیاز زعفران ایران به منظور ایجاد زمینه های کشت جایگزین، به میزان محدودی صورت گرفته است ولی از آنجائیکه زعفران بعنوان یکی از محصولات کشاورزی استراتژیک برای کشورمان محسوب می شود، ادامه این روند جز وارد آوردن صدمات جبران ناپذیر به یکی از ارکان مهم صادرات کشورمان حاصل دیگری در بر نخواهد داشت.

بخش کشاورزی مهمترین بخش اقتصاد این کشور است که بیش از نیمی از درآمد ملی و ۷۵٪ صادرات آن را تامین می نماید البته خشک سالی های شدید کشاورزی این منطقه را به صورت دیم درآورده است. انگور از محصولاتی است که آب و هوای



افغانستان با آن سازگاری دارد. گندم و پنبه هم در افغانستان به عمل می آید. کشاورزان افغانی به دامداری هم اشتغال دارند و گوسفند قره گل که پوست آن شهرت جهانی دارد یکی از صادرات مهم آن است.

افغانستان از نقطه نظر معادن نیز غنی است اما این ذخائر در نقاطی واقع شده اند که بدلیل مشکل حمل و نقل استخراج و استفاده از آنها با دشواریهای عمده ای توأم است. در وضع فعلی ذخائر گاز اطراف مزار شریف که کل ذخیره های آن به ۳ میلیارد متر مکعب می رسد از مهمترین منابع معدنی آن می باشد. مقداری از آن در کارخانه کود شیمیائی و برق مزار شریف استفاده می شود.

در استان بامیان منابع سنگ آهن وجود دارد اما بخش مهمی از این ذخائر در ارتفاعات واقع شده که هزینه استخراج آن زیاد است. صنایع دستی و ریسندگی در افغانستان رواج دارد. محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریاهای آزاد بر مشکلات اقتصادی این کشور افزوده است.

۲،۱۷،۲،۱۱،۳ ویژگیهای اقتصادی

اقتصاد افغانستان به عنوان یکی از فقیرترین کشورهای جهان تنها برپایه دامپروری و کشاورزی بسیار ابتدایی استوار است. مناسبات اقتصادی این کشور در طول دو دهه جنگ ویرانگر رکود کامل داشته و هرگز توسعه نیافته است. عمده تولیدات این کشور به صورت خانگی و غیر سیستماتیک تامین می شود و کار و سرمایه حلقه مفقوده اقتصاد این کشور است. از سوی دیگر کمکهای جهانی تنها بخش ناچیزی از احتیاجات اولیه زندگی مردم افغانستان را تامین می کند و هرگز موجب رشد و توسعه آن نمیشود. فقر فرهنگی مردم و اعمال فشار برخی گروه های مافیایی در حکومت این کشور، افغانستان را به بزرگترین تولید کننده مواد مخدر جهان تبدیل



کرده است. طبق گزارش سازمان بین المللی پلیس جنایی (INTERPOL)، 75% تریاک مصرفی کل جهان و ۸۰٪ هروئین

مصرف قاره اروپا در کشور افغانستان تولید می شود. در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۴ میلیارد دلار تریاک از افغانستان به مقصد اروپا و

آمریکا صادر شد. از سوی دیگر میزان تولید تریاک در این کشور که در سال ۱۹۹۹ به ۴ هزار و ۵۸۱ تن رسید در سال ۲۰۰۰

میلادی به علت خشکسالی و آثار مخرب آن بر کشت خشخاش به ۳ هزار و ۲۷۵ تن کاهش یافت.

این در حالی است که مجموع تولید ناخالص افغانستان در سال ۲۰۰۰ میلادی کمتر از ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده که ۵۳٪ از آن

را تولیدات کشاورزی، ۲۸/۵٪ تولیدات صنعتی و ۱۸/۵٪ فعالیتهای خدماتی تشکیل می دهد.

درآمد سرانه ملی افغانستان در ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی کمتر از ۳۵۰ دلار بود که تقریباً ۸۵٪ از مردم این کشور زیر خط فقر

زندگی می کنند. نرخ تورم اقتصادی افغانستان نیز در انتهای سال ۱۹۹۹ به بیش از ۲۰۰٪ رسید. از سوی دیگر افغانستان ۸

میلیون نفر نیروی کار دارد که ۷۰٪ از آنها در بخش کشاورزی، ۱۰٪ در بخش صنعت و ۲۰٪ در بخش خدمات شاغلند. نرخ بیکاری

افغانستان حدود ۱۵٪ برآورد می شود.

این کشور ظرفیت تولید ۴۳۰ میلیون کیلووات ساعت انرژی الکتریکی دارد که ۴۱/۸۶٪ از آن توسط نیروگاههای حرارتی و ۵۸/۱۴٪

دیگر توسط نیروگاههای برق آبی تامین می شود.

میزان مصرف داخلی برق در افغانستان در ابتدای سال ۱۹۹۹ به ۵۱۰ میلیون کیلووات ساعت رسید و این کشور را وادار کرد تا

بیش از ۱۱۰ میلیون کیلووات ساعت از خارج خریداری کند. افغانستان ذخایر نسبتاً غنی از گاز طبیعی، نفت، زغال سنگ، مس،

کرومیت، تالک، باریت، گوگرد، قلع، روی، سنگ آهن، نمک و سنگهای قیمتی دارد ولی شعله ور شدن آتش جنگ در ۲۰ سال

گذشته مانع از بهره برداری صحیح از این ذخایر معدنی شده است.



تولید خشکاش بزرگترین بخش کشاورزی افغانستان را شامل می شود که از شیرۀ آن برای استحصال تریاک و ساخت دیگر مواد مخدر استفاده می شود. از دیگر تولیدات کشاورزی افغانستان می توان به گندم، میوه های باغی و بادام اشاره کرد. درگیریهای قومی، فرار کشاورزان و از همه مهمتر خشکسالی بی سابقه ۳ سال اخیر سطح زیرکشت غلات افغانستان را از ۴ میلیون هکتار در سال ۱۹۸۰ به کمتر از ۱۲۰ هزار هکتار در سال ۱۹۹۹ تنزل داد. همچنین تعداد دامهای این کشور در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون راس برآورد می شود که حداقل ۵۰٪ کمتر از تعداد احشام این کشور در ۱۷ سال پیش است.

افغانستان ۳ واحد صنعتی نسبتاً بزرگ در زمینه تولید سیمان، کودآوره و منسوجات دارد و بیشتر تولیدات صنعتی این کشور مربوط به واحدهای کوچک خانگی و در زمینه تولید صابون، میز و صندلی، کفش و صنایع دستی است.

این کشور طی سال ۱۹۹۹ حدود ۷۰ میلیون دلار میوه، صنایع دستی، پشم، پنبه و پوست صادر کرد. البته عمده ترین رقم صادراتی افغانستان در این سال مربوط به تریاک بود که رقم دقیقی از میزان صادرات آن در دست نیست. در این سال جمهوری های آسیای میانه، پاکستان، ایران، آلمان، هند، انگلستان، بلژیک، لوکزامبورگ و جمهوری چک عمده ترین شرکای صادراتی افغانستان بودند.

افغانستان همچنین در سال ۱۹۹۹ حدود ۲۰۰ میلیون دلار کالا وارد کرد که عمدتاً شامل کالاهای سرمایه ای، مواد غذایی، سوخت، آرد و پوشاک بود. کشورهای آسیای میانه، پاکستان، ایران، ژاپن، سنگاپور، هند، کره جنوبی و آلمان در سال مذکور بزرگترین فروشندگان کالا به افغانستان بودند.

افغانستان در حال حاضر بالغ بر ۶ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و با وضعیت اسفبار اقتصادی بعید به نظر می رسد که توان بازپرداخت آن را داشته باشد.



واحد رسمی پول افغانستان افغانی نام دارد که به یکصد پول تقسیم می شود. هر دلار آمریکا حدوداً "با ۵۰ افغانی برابری می کند (نرخ برابری اکتبر ۲۰۰۳ میلادی) افغانستان هیچگونه درآمد جهانگردی ندارد .

۲,۱۷,۲,۱۱,۴ شاخص اقتصاد

ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ معادل ۲۱۰۰۰ میلیون دلار بوده است. تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۱ معادل ۳,۰ میلیارد دلار بوده است .

نیروی کار: ۱۰ میلیون نفر سال (۲۰۰۰).

اشتغال: اشتغال در بخش کشاورزی ۷۰٪، صنعت ۱۵٪، خدمات ۱۵٪ می باشد.

نرخ تورم: ۳۵٪ درصد.

صادرات: محصولات کشاورزی و صنایع دستی



واردات: نفت، کالاهای سرمایه‌ی، محصولات غذایی و کالاهای مصرفی، ماشین‌های الکتریکی و غیر الکتریکی.

بخش اول: منابع اصلی

۲,۱۷,۲,۱۱,۵ صادرات فرش افغانستان

افغانستان از صادر کنندگان قدیمی فرش در جهان است. این توان بالای اقتصادی می‌تواند یکی از فرصت‌های ارزشمند در مسیر توسعه اقتصادی باشد. از وضعیت صادرات فرش افغانستان در سال‌های اخیر به دلایل شرایط سیاسی خاص اطلاعی در دست نیست. اما بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود در سال ۱۹۸۰ مقدار تولیدات ۴۴۰/۰۰۰ متر مربع به ارزش ۷۲ میلیون دلار بوده است.

بر اساس اطلاعات سال‌های گذشته مهم‌ترین منطقه برای جذب فرش‌های افغانی از نظر مقدار، آسیا و از نظر ارزش اروپا بوده است. کشورهای اروپایی عمده‌تأخوهران فرش‌های گرانبیمنت و کشورهای آسیایی و کشورهای آمریکایی خواستار فرش‌های نسبتاً ارزان قیمت افغانی بوده اند. از میان کشورهای آسیایی عربستان سعودی و کویت و از میان کشورهای اروپایی آلمان و سوئیس مهم‌ترین وارد کنندگان فرش‌های افغانی می‌باشند.

هر چند فرش‌های افغانی ریشه در سنت‌های قدیمی فرش‌بافی افغانستان دارد، اما به عنوان محصولی کاملاً جدید مطرح هستند. فرش‌های جدید با توجه به سلیقه مصرف کنندگان و روند کلی موجود در بازارهای جهانی فرش، طراحی و تولید می‌شود. افغانستان



قرنهاست تولید کننده فرش هایی است که به خاطر ظاهر بخصوصشان شهرت یافته اند. اما فرش های افغانی که بر اساس طرح های جدید بافته می شوند. با محصولات سنتی و قدیمی تفاوت های اساسی دارند.

در چند سال اخیر، فرش های ساخته دست های زحمتکش هم میهنان مان جایگاه ویژه ای در میان فرش های دستباف صادراتی پاکستان به دست آورده اند و نه تنها بازارهای آمریکا، بلکه بازار اروپا نیز علاقه روزافزونی نسبت به این گونه فرشها نشان می دهد و به نظر متخصصان، این روند در سال های آتی نیز ادامه خواهد یافت.

به گزارش خبرگزاری دولتی باخترا افغانستان هدایت امین ارسلان، مشاور ارشد رئیس جمهور و وزیر تجارت افغانستان، درباره صادرات فرش افغانستان گفت: فرش از اقلام مهم صادراتی این کشور بوده و دولت در جهت فراهم آوردن زمینه های لازم برای بافنده گان و صادرکنندگان فرش تلاش همه جانبه می کند.

امین ارسلان از باز شدن درهای واردات کشورهای کانادا و آمریکا به روی فرش افغان خبر داد که در نتیجه تلاش های وزارت تجارت، بازارهای این کشورها به روی فرش های افغان گشوده شده است.

این در حالی است که در سال ۱۳۸۱ میزان صادرات فرش افغانستان ۸۸ هزار متر مربع بود، ولی سال ۱۳۸۳ این رقم به ۵/۱ میلیون مترمربع و در سه ماه اول سال جاری ۵۰۰ هزار مترمربع بوده است.



۲،۱۷،۲،۱۱،۶ منبع پولی و نقدینگی

یکی از منابع مهم اقتصاد در هر کشور پول و ارز موجود در خزانه مالی آن کشور می‌باشد. پول و نقدینگی باعث رشد اقتصاد کشور می‌باشد. با خرید و واردات کالاهای مختلف از خارج باعث کاهش تورم در کشور شده و بعضی نواقص در بخشهای اقتصاد یک کشور جبران می‌شود. بنابراین افغانستان سیستم پولی ثابتی ندارد، اگر چه از زمان ریاست کرزی به این طرف ارزش پول افغانی به صورت کاذب بالا رفته، چون پشتوانه محکم و ثابتی ندارد، لذا بالارفتن ارزش آن موقتی تعریف می‌شود.

۲،۱۷،۲،۱۱،۷ آمار تولیدات افغانستان

اقتصاد افغانستان اصولاً اقتصاد زراعتی و دامداری است. لیکن عرصه اقتصاد مثل سایر عرصه و امور افغانستان چنان به هم خورده است که مشکل میتوان برای آن بنیاد و اساسی را در نظر گرفت، تابع شرایط موجود، تعداد زیادی از مردم این کشور، به مشاغل کاذب و زینبار روآورده اند. که از جمله می توان به کشت، تولید و ترافیک مواد مخدر اشاره کرد.

طبق آمار برخی از موسسات بین المللی در سال ۱۳۸۴ حدود ۰،۲٪ از زمین های قابل کشت در افغانستان، تحت پوشش کشت خشخاش درآمده است. بر اساس آمار موجود، در کل افغانستان حدود ۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت وجود دارد که در سال ۱۳۸۴ حدود نصف آن زیر کشت رفته است، زیرا که به دلیل ویران شدن سیستم آبیاری، از بین رفتن بسیاری از جوی ها و نهرها



و ... از اثر جنگ های متوالی ، امکان کشت همه آنها میسر نبوده است . در کنار زراعت ، دامداری نیز از دیر زمان پایه دوم اقتصاد افغانستان را تشکیل میداده است ؛ مردم با پرورش ، گاو ، گوسفند ، و بز ، ضمن تامین نیازهای اولیه خانواده اشان ، مازاد محصولات دامداری را در بازار عرضه می کردند . بر اساس آمار دولت وقت د رسال ۱۳۵۷ در تمام افغانستان ۱۴۴۱۴۰۰۰ گوسفند معمولی ، ۴۶۶۱۰۰۰ گوسفند قره قل ، ۱۱۰۰۰۰۰ گاو شیری و ۲۶۳۰۰۰۰ گاو غیر شیری وجود داشته است ، اما در اثر جنگ های طولانی ، مقداری زیادی از این حیوانات ، نابود شدند. (اگر چند آمار دقیقی از مقدار آن وجود ندارد) و تعدادی هم که از این حیوانات باقی مانده بودند ، د ر اثر هجوم طالبان (مخصوصا د ر هزاره جات که پرورشگاه عمده حیوانات بود.) از بین رفت . حدس زده می شود که د ر حال حاضر ، پنج یک مقدار سا ل ۱۳۵۷ ، حیوانات در کشور وجود داشته باشد که نیازمندی بخش بسیار کمی از خانواده ها را تامین می کند.

از سال ۱۳۲۱ ه.ش. کارخانجات صنعتی ، کمابیش در افغانستان پایه گزاری شد ، اما رشد قابل توجه ای نداشت با آن هم ، مطابق برخی از آمارها ، در سال ۱۳۶۰ ، جمعا ۲۴۱ کارخانه ، موسسه و شرکت تولیدی صنعتی و نیمه صنعتی ، در کشور وجود داشته است که در حال حاضر ۸۰٪ آنها از بین رفته و یا تعطیل می باشد و تنها تعداد اندکی کارخانه های کوچک مثل صابون سازی تولید پلاستیک ، تولید روغن ، تولید سیمت ، پتو ، نساجی ، چاپخانه و ... وجود دارد. در سالهای اخیر تعداد کمی از اقلام صادراتی افغانستان (قالین ، خشکبار ، پوست قره قل و.....) صادر می شود ، اما آمار دقیق از مقدار آنها وجود ندارد. اما در سال جاری (۱۳۸۴) وزارت اقتصاد افغانستان اعلام کرد که صادرات کشور به ۱٫۲ میلیارد دلار رسیده است . که از ناحیه اگاهان امور مورد تامل است . بجز گندم ، که حدود ۶۰٪ درصد از داخل کشور تامین می گردد دیگر اقلام مورد نیاز مردم ، همه از خارج وارد می شود که عمدتا از کشورهای چین ، ایران و پاکستان تامین می گردد. در حال حاضر درآمد سرانه هر نفر حدود ۲۰۰ دلار می باشد . و از ۱۵ میلیون نیروی کار ۴۰٪ در صد آنها بیکار می باشند و حدود ۵۳٪ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند . ترکیب



مشاغل در سال ۱۳۵۴ بدین صورت بوده است : کشاورزی ۳۸,۵٪، صنعت ۲۴,۵٪، خدمات ۳۸٪ ولی در حال حاضر حدود ۴۰٪ درصد کشور به مشاغل کاذب (از جمله تولید و ترافیک مواد مخدر ، حدود سی هزار خانوار در سال روان به کشت کوکنار مشغول بوده اند.) مشغول هستند . بودجه دولت افغانستان در سال جاری ۱۳۸۴ ، ۴۷۵۲,۵ میلیون دلار در نظر گرفته شده است که ۲۶۹ میلیون ان از عواید ملی پیش بینی شده است . دولت مدعی است که رشد اقتصاد در سال جاری ۱۴,۵٪ بوده است.

ولی آگاهان امور رشد اقتصادی را هشت درصد میدانند. افغانستان بعد از اجلاس بن تاکنون حدود ۱۲ میلیارد دلار دریافت کرده است که از این مقدار ۲۲٪ را دولت و ۷۷٪ را موسسات غیر دولتی (انجیوها) مصرف نمودند ولی هیچ کار موثر برای بازسازی و رونق اقتصادی افغانستان صورت نگرفته است . در کنفرانس لندن (منعقد ۱۱ تا ۱۲ جدی ۱۳۸۴) دولت ها و موسسات کمک کننده متعهد شدند که برای پنج سال آینده ۱۰,۵ میلیارد دلار به افغانستان کمک کنند که از تمام مبلغ ۵۰٪ را مستقیماً دولت افغانستان دریافت نماید و ۵۰٪ دیگر را انجوها و خارجی تنها دولت امریکا و جاپان پذیرفته است که ۵۰٪ کمک ها را به دولت افغانستان پرداخت نمایند. و متقابلاً دولت افغانستان در توافقنامه ای امضا شده در کنفرانس مذکور متعهد شد که در طی پنج سال آینده درآمد سرانه مردم را از ۲۲۰ دلار به ۵۰۰ دلار ارتقا بخشد و ۶۵٪ از مردم ساکن شهرها از برق برخوردار گردند، و نیز ۱۹ میلیون نفر از ساکنان روستاها از خدمات صحتی و اجتماعی برخوردار گردند . و نرخ مرگ و میر کودکان را در اثر ارائه خدمات کاهش دهد و ظرفیت مراکز تحصیلی را بالا ببرد . آگاهان متعقدند که دلیل عدم رشد اقتصادی افغانستان با وجود میلیاردها دلار کمک جهانی به چند فاکتور عمده بستگی دارد : ۱- سواستفاده انجیوهای خارجی و موسسات غیر دولتی ۲- وجود مشاوران خارجی با حقوق بسیار گزاف که معاش برخی از آنها مطابق اظهارات مقامات دولتی سالانه به پنجصد هزار دلار می رسد و این دو پروسه خود سبب میگردد که بخش عظیم از کمک های مورد ادعا به خود کشورهای خارجی برگردد ۳- عدم ظرفیت دولت و فساد اداری این وضعیت اسفبار اقتصادی افغانستان زمانی مایه ناراحتی و نگرانی بیشتر می گردد که به این نکته توجه نماییم که مردم



افغانستان در آینده از ناحیه کمک های فعلی تا گلوگاه در میان قرض های سنگین فرو خواهد رفت . که حتی شاید نسل آینده هم قادر به پرداخت آنها نباشد.

صادرات : بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت اقتصاد صادرات افغانستان در سال جاری به حدود ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است.

واردات : واردات افغانستان در سال جاری (۱۳۸۴) حدود ۲/۲ میلیارد دلار تخمین شده است.

عواید خالص در سال ۱۳۸۴ از ناحیه تجارت : حدود ۶۳۷ میلیون افغانی بوده است.

درآمد ناشی از مواد مخدر در سال ۱۳۸۴ : ۲/۲ میلیارد دلار

دولت افغانستان حداقل ۶۰۰ میلیون دلار تاکنون مقروض می باشد که لیست برخی از آنها از این قرار است :

۲,۱۷,۲,۱۱,۸ گزارش وزارت اقتصاد درباره وضعیت اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۸۴

وزارت اقتصاد که مطابق به فرمان شماره (۴) مؤرخ ۱۳۸۳/۱۰/۳ و فرمان نمبر (۱۸) مؤرخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان با ادغام وزارت های بازسازی ، پلان سابقه و اداره احصائیه مرکزی تشکیل شده است بحیث مرجع اساسی هم آهنگی و انسجام دهنده فعالیتهای اقتصادی، بازسازی و انکشافی و تطبیق سیاست کوتاه مدت و طویل مدت افغانستان دارای یک سلسله وظایف مشخص میباشد که وظایف مذکور بصورت مختصر در ذیل ارائه میگردد : - طرح و ترتیب پالیسی و استراتیژی اقتصادی کشور. - هماهنگ ساختن و سازماندهی استراتیژی اقتصادی کشور با تمام وزارت خانه ها ، ادارات مستقل دولت و کشور های کمک کننده (دونه ها) . - تهیه و ترتیب بودجه انکشافی در چهارچوب کمیته بودجه (متشکل از وزارت های خارجه ، مالیه و اقتصاد) با تفکیک بخشها ، قدامت ها و اولویت ها و تعیین تخصیصیه های وزارت های بخشی وسایر ارگانهای دولتی . - مطالعات ابتدائی و تخنیکی تمام پروژه های کوتاه مدت ، متوسط المدت و طویل المدت و پیشبرد امور تدارکاتی آن به کمک بخش (اداره



خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان (ARDS) در این مورد در اخیر این گزارش توضیحات بیشتر ارائه خواهد گردید. - نظارت و مراقبت از پیشرفت کار پروژه ها در جریان تطبیق آن . - تجدید نظر به ثبت و راجستر موسسات غیر دولتی داخلی و خارجی (NGOs) و نظارت و بررسی دایمی فعالیتهای آنها . - تهیه و ترتیب گزارشات شش ماه و سالانه از چگونگی تطبیق برنامه های بازسازی و انکشافی و تحقق بودجه و فعالیت موسسات غیر دولتی به مجلس وزرا و بادايرشدن پارلمان برای شواری ملی . - اجرای سروی های نمونه ای، در بخشهای مختلفه اقتصاد ملی سرشماری نفوس و سایر سروی های احصائیوی . - بیشبرد امور مقدماتی برای تطبیق عملیه سرشماری کامل افغانستان در سال (۲۰۰۶) . - جمع آوری ، مطالعه و تحلیل اعداد و ارقام احصائیوی و طبع نشر آن منحيث مرجع قانونی احصائیه در افغانستان - تدقیق ، مطالعه و ریسرچ پیرامون موضوعات اقتصادی و ارائه پیشنهادات برای توسعه و بهبود اقتصاد کشور به مقامات ذیصلاح . - طرح و ایجاد استراتیژی ملی انکشاف افغانستان (ANDS) برای یک دوره طویل المدت که فعلاً زیر کار بوده و از طرف کمیته عالی آن متشکل از وزرای خارجه ، مالیه ، اقتصاد ، احیاء و انکشاف دهات و مشاور ارشد رئیس جمهور در امور اقتصادی در مشوره با سفرای کشور های دونه، مقامات ملل متحد در افغانستان، نماینده گان بانک جهانی و بانک انکشاف آسیائی و سایر موسسات و دونه ها. در اینجا باید یادآور گردیم که وزارت اقتصاد یک وزارت پالیسی ساز بوده و مانند وزارت مالیه و وزارت خارجه از خود کدام بودجه انکشافی و پروژه های قابل تطبیق ندارد علواً وزارت اقتصاد مسؤولیت جمع آوری و تهیه کمک های بین المللی و یا قرضه هائی را که دولت افغانستان از مجامع بین المللی دریافت میدارد نیز دارا نمی باشد. این مطلب درخور دقت است زیرا متاسفانه در اذهان عامه و در رسانه های خبری چنان فکر می شود که تمام کمک های جامعه بین المللی که در کنفرانس توکیو و کنفرانس برلین وعده داده شده بودند و مجموعاً ۱۲٫۷ میلیارد دلار امریکائی را برآورده مینمایند به وزارت بازسازی سابقه و یا وزارت اقتصاد امروز تعلق گرفته است. این مطلب به این شکل صحت ندارد مسؤولیت جمع آوری تعهدات مالی بین المللی در نزد وزارت مالیه و وزارت خارجه میباشد که اولی به حیث مسؤول تنظیم امور مالی کشور و



دومی به حیث مسؤول روابط بین المللی افغانستان اجرای وظیفه مینماید. وزارت اقتصاد تنها دارای بودجه عادی است که غرض تادیه معاشات مامورین ، خریداری ها و بیشبرد امور وزارت از آن استفاده مینماید و گزارش مصرفی آنرا به وزارت مالیه ارائه میکند که البته با دایر شدن پارلمان افغانستان صورت حساب این بودجه عادی در دسترس آن نیز قرار داده خواهد شد. ۲- کارکردهای وزارت اقتصاد در بخش های مختلف اقتصادی کشور: طوریکه قبلاً تذکار داده شد وزارت اقتصاد در طرح و بیشبرد سیاست اقتصادی افغانستان در بخشهای مختلفه با وزارت های محترم بخشی در تماس بوده و کوشش مینماید تا هم آهنگی عمومی را در بین تمام این ارگان ها بوجود بیاورد. در ذیل سعی بعمل میامد تا این فعالیتهای هم آهنگ کننده بصورت خیلی مؤجز و مختصر ارائه گردند زیرا در روزهای آینده سایر وزارت های بخشی و ادارات مستقل دولتی در باره فعالیتهای خود گزارشات مفصلی ارائه خواهند نمود که ذکر همه جزئیات آن در این گزارش تکرار موضوع خواهد بود. (ضمیمه دارد) اول: دربخش موسسات غیردولتی (انجیوها): از آغاز فعالیت موسسات غیر دولتی بشکل راجستر شده در افغانستان که از سال ۱۳۷۴ شروع گردیده تا اوایل سال جاری ۱۳۸۴ و ایجاد وزارت اقتصاد جمعاً به تعداد (۲۳۵۵) مؤسسه غیردولتی داخلی و خارجی و انترنشنل ثبت و راجستر گردیده است. از هنگام فعالیت ریاست انجیوها در چهارچوب تشکیل وزارت اقتصاد اجراءات ذیل صورت گرفته است که مختصراً توضیح میگردد: ۱- بالاثراً هدایت مقام محترم وزارت مسوده قانون جدید انجیوها که از مدت بیش از دوسال طی مراحل نشده بود از جانب کمیسیون مؤظف تکمیل و آماده تصویب مجلس عالی وزراً گردیده بعداز بررسی و بحث روی قانون و مذاکره و مشوره با عده از نماینده گان سیاسی و نماینده خاص سمرمنشی ملل متحد درکابل توسط وزیراقتصاد بعداز فیصله و تصویب مجلس عالی وزراً و توشیح محترم رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۵ جوزای ۱۳۸۴ قانون متذکره نافذ و در جریده رسمی به شماره (۸۵۷) نشر گردیده است. این قانون توسط فرمان شماره ۲۸ مورخ ۸۴/۳/۲۵ به داخل هفت فصل و چهل و هشت ماده تصویب و توشیح گردیده است. ۲- آغاز کارثبت مجدد موسسات مطابق به فقره ۱ ماده ۴۷ قانون جدید عملاً در منصفه اجرا قرار دارد کمیسیون تخنیکی و



همکار به منظور بررسی و ارزیابی مقدماتی اسناد ثبت راجستر تشکیل گردیده ، همچنان ترکیب کمیسیون عالی ارزیابی از وزارت های ذیربط که در قانون تذکر رفته تشکیل یافته و جلسات شان منظم تحت ریاست محترم وزارت اقتصاد ادامه دارد. امسال از آغاز کار کمیسیون عالی ارزیابی از جمله ۳۳۳ موسسه خارجی و انترنشنل تاحال بتعداد ۱۲۹ موسسه و از جمله (۲۰۲۲) موسسه داخلی ثبت شده قبلی به تعداد ۳۹۶ موسسه مراجع و فورمه های ثبت مجدد را دریافت که از جمله ۱۵۵ موسسه آن اجازه فعالیت و ثبت مجدد را از کمیسیون عالی بدست آورده و یک تعداد از این موسسات در پروسه طی مراحل ثبت مجدد قرار دارند. لازم به تذکر است که در سال ۱۳۸۴ به تعداد ۱۰۵ موسسه غیر دولتی داخلی جدید و تعداد ۲۵ موسسه غیر دولتی خارجی و انترنشنل جدید فورمه های مجوز ثبت و راجستر را دریافت نموده اند که از جمله به تعداد ۲۳ موسسه غیر دولتی خارجی و انترنشنل و تعداد ۵۶ انجوی جدید جدیداً از جانب کمیسیون عالی ارزیابی اجازه فعالیت را بدست آورده اند. هدف اساسی از ثبت مجدد انجیوها عمدتاً تفکیک انجیوها از شرکت های خصوصی و تجارتي و همچنان ارزیابی فعالیت انجیوهای فعال و خدمت گذار به مردم بوده ضمناً امکانات بهتر تطبیق قانون جدید انجیوها جهت تنظیم فعالیت آنان خوبتر مساعد میسازد البته بعداز بسررسیدن مدت معینه در قانون ثبت مجدد انجیوها ، لست آنعده انجیوهای غیر فعال و آن های که فعالیت آنها به نفع مردم نمیباشد بعداز ارزیابی دقیق به اطلاع مردم رسانیده و منحل میگردند. هکذا به تعداد ۴۰۰ نسخه از قانون جدید انجیوها به طور فوتوکاپی تهیه و آماده گردیده و عندالموقع بدسترس موسسات غیر دولتی قرار داده میشود علاوه بر خاطر جلوگیری از ضیاع وقت مراجعین در جهت تهیه فورمه جات معیاری اساسنامه نمونه و طرزالعمل همکاری لازم صورت گرفته و بدسترس موسسات غیر دولتی که نیاز به آن داشته باشند گذاشته میشود. ۳- جمع آوری گزارشهای فعالیت موسسات و نظارت و بررسی پروژوی و کارکردهای عملی پروژه توسط کارمندان مؤظف از جمله فعالیتهای این اداره است. که در طی سال جاری در بخش انجیوهای خارجی حدود ۱۵۵ موسسه خارجی و انترنشنل گزارشهای فعالیت شان را توام قرارداد پروژه ها ، پروپوزل و موافقت نامه ها به ریاست انجیوها ارسال داشته اند که به



تناسب سال قبل که فقد ۷۸ موسسه گزارش داشت فعلاً حدود ۱۰۰ موسسه دیگر نیز گزارش و گزارش فعالیت شان را به این اداره سپرده اند که مسلماً نتیجه زحمتکشی منسوبین این اداره میباشد به همین ترتیب در بخش انجیوهای داخلی به تعداد (۷۵۰) انجوی داخلی گزارش کار شان را ارائه داشته اند که به مقایسه سال قبل که فقد ۴۱۲ موسسه گزارش داشت حدود ۳۳۸ موسسه گزارش فعالیت و گزارش کار خویش را ارائه داشته اند. باآنهم مساعی این اداره در ارتباط جلب توجه موسسات به ارائه گزارش فعالیت شان ادامه دارد. در سال جاری به تعداد (۲۶) هئیت های نظارتی به اساس هدایات مقامات ذیصلاح و مقام محترم وزارت به موسسات غیر دولتی در مرکز ولایات کشور سفر نموده که بعداز انجام سفر نظارت گزارش و نتایج کارشان را عندالموقع به مقام محترم وزارت ارائه داشته اند به تعداد ۲۰ تن از مامورین ریاست انجیوها جهت ارتقای ظرفیت کاری و اصول تجارب عملی به ورکشاپ ها ، سیمینار ها و کورسهای کمپیوتر و لسان انگلیسی و کورسهای مسلکی قصیرالمدت معرفی شده اند . مزید برآن ریاست انجیوها اسناد یکتعداد وستایل دفتری و کمپیوتر و پرنتز میز و چوکی ، الماری ، وسایط تیز رفتار کمک شده به آمریت اقتصاد ولایات پروان ، تخار و ریاست ولایت کندز و شعبات مرکز ریاست انجیوها را طی مراحل و جهت قید و جمع به ریاست تهیه و تدارکات ارسال نموده است . توجه موسسه خارجی (برک بنگله دیش) به فعال شدن سیستم انترنت در شعبات مرکزی وزارت اقتصاد جلت گردیده که کار آن آغاز گردیده است. در سال جاری بعداز بیش از ۲۳۲۹ قطعه مکاتب به موسسات غیر دولتی از بابت معافیت های گمرکی ، طی مراحل اسناد ترافیکی و اخذ نمبر پلیت موقت و همچنان معرفی موسسات غیردولتی داخلی و خارجی ، وزارت ها و ادارات بخشی از جانب این ریاست اجراً و به مراجع ذیربط ارسال گردیده است. در پهلوی اجراءات فوق ریاست انجیوها در دو ورکشاپ ارتقای ظرفیت و آگاهی حقوقی و نحوه نظارت و ترتیب گزارشهای فعالیت انجیوها را که به کمک مالی و تخنیکی موسسه INCL در مرکز وزارت برای کارمندان سازماندهی گردیده است که درآن جمعاً ۱۵۰ نفر اشتراک نموده بودند. دوم: در بخش احصائیه : - دریک سال گذشته دراین بخش فعالیتها ذیل صورت گرفته است: - جمع آوری معلومات و ارقام احصائیوی در



باره موضوعات اقتصادی ، اجتماعی ، کلتوری و غیره در کشور. - ارائه معلومات احصائیوی در بخشهای مختلفه اقتصادی کشور به مراجع ذیربط داخلی و بین المللی . - ترتیب جداول و گرافها و چارت ها برای سالنامه احصائیوی در بخش های مختلفه اقتصادی ومحاسبات ملی سال جاری. - نشر سالنامه احصائیه تجارت سال ۱۳۸۳ به لسان های دری وانگلیسی و دیگر نشرات در بخش های گزیده های احصائیوی ، فعالیت تصدیها و موسسات صنعتی و قیم مواد مصرفی به سطح کشور با ارقام مربوط به تولدات ، وفیات و مسایل مربوط به مهاجرین و عودت کننده گان . - ارائه معلومات احصائیوی پیرامون تعداد کارکنان دولت به تفکیک رتبه ، درجه و جنس در مرکز ولایات کشور و معلومات در موارد مختلف صحتی، تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی . - ارائه معلومات دموگرافیک به ادارات دولتی و غیر دولتی و موسسات بین المللی . - تهیه و ترتیب نقشه های (۱ بر ۵۰۰۰۰) و تثبیت سرحدات ولایات ، و لسوالی هاباهمه مشخصات آنها بروی نقشه های معین . - ارائه چهارچوب احصائیوی به منظور استفاده برای سروی های نمونوی در مسایل آسیب پذیری، سروی سطح زنده گی و سائیر سرویها به کمک متخصصین بانک آسیائی ، جامعه اروپا و متخصصین انکشاف دهات و زراعت . - تثبیت کمپ های کوچیها «براساس سروی مقدماتی تعداد کوچیها» بروی نقشه های (۱ بر ۲۵۰۰۰۰) در تمام ولایات کشور . - طبع ۵۰۰ جلد سالنامه احصائیوی و توزیع آن به ادارات دولتی و موسسات خارجی . - تدویر کورسهای آموزشی در بخش کمپیوتر و انگلیسی جهت ارتقای ظرفیت کاری کارمندان و توسعه پروسه اصلاحات اداری. ناگفته نماند که معینیت احصائیوی وزارت اقتصاد در دوره قبل از انتخابات پارلمانی نیز برای تخمین و تعیین نزدیک به حقیقت نفوس مجموعی افغانستان معلومات سودمندی در اختیار کمیسیون مستقل انتخابات و کابینه افغانستان قرارداد. از آنجائیکه آخرین نفوس شماری در افغانستان و آنهم به شکل ناقص در سال ۱۳۵۸ صورت گرفته بود و از آن وقت تاحال در اثر جنگها و مهاجرت ها و بیجاشدن آنها در تعداد و ترکیب نفوس افغانستان تغییرات فاحشی رخ داده بود بنابراین معینیت احصائیوی وزارت اقتصاد در مقابل این وظیفه خطیر قرار گرفت که برای ۲۴۹ کرسی پارلمان افغانستان باید یک تخمین جدید نفوس کشور را مطابق برنورم ها و سستندرد



های شناخته شده بین المللی ارائه میداشت . معینیت احصائیوی وزارت اقتصاد برای انجام این وظیفه و تخمین نفوس از سه وسیله استفاده نمود که عبارتند از : الف- نتایج سرشماری سال ۱۳۵۸ هجری شمسی . ب- لست های خانه وار که معینیت اقتصادی از تمام ولسوالی ها و قریه های افغانستان تهیه نموده . ج- فیصدی رشد طبیعی نفوس در طی سالهای جنگ در کشور های همسایه و منطقه . وزارت اقتصاد اوسط این سه معطا را محاسبه نموده و از روی آن نفوس تخمینی کشور به تقریباً ۲۵ میلیون نفر تثبیت و به تناسب تعداد نفوس در هر ولایت سهم ولایتهای مذکور را در کرسی های ولسی جرگه تعیین نمود که بعداز ارائه به مجلس وزرا و تصویب آن اولین انتخابات پارلمان افغانستان به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۳۸۴ موفقانه و در فضای تفاهم همه گانی صورت گرفت . هم چنین طی دوره حکومت منتخب بادر نظر داشت معلومات وزارت های بخشی فعالیت های ذیل در عرصه های مختلف صورت گرفته است . سوم : در بخش وزارت ها و ادارات بخشی در بخش زراعت: - مبلغ (۶۱۸,۱۴) میلیون افغانی از مدرک فروش گندم فارمهای تحقیقاتی ، کودکیمیای و ادویه ضدافات نباتی وزراعتی بدست آمده . - در سال ۱۳۸۴ جمعاً ۵۹,۸ میلیون دلار را در ۳۳ پروژه در نظر داشته که از جمله ۴ پروژه به مصرف ۹,۲ میلیون دلار از منابع داخلی و متباقی از منابع خارجی تمویل میگردد. این پروژه ها شامل انکشاف ماسترپلان زراعتی، مطالعات در جهت انکشاف احصائیه های زراعتی تحکیم سواحل دریای آمو و گسترش و توسعه فارم های تحقیقاتی و زراعتی میباشد. که همین اکنون کار اکثر از پروژه ها جریان داشته و به فیصدی های معین پیش میرود. فعالیتهای وزارت احیا و انکشاف دهات : - وزارت احیا و انکشاف دهات طی سال های اخیر از طریق سرمایهگذاری در پروژه های عام المنفعه با استفاده از کمک کشورهای تمویل کننده و ملل متحد یک سلسله برنامه ها به شمول برنامه انکشاف ملی که عمدتاً بخش معیشت و مصونیت اجتماعی را حمایت می نماید رویدست گرفته که این برنامه ها به منظور رشد و توسعه محلات و روستا ها بوده تا در نتیجه مردم پروژه ها و برنامه های انکشاف اقتصادی و اجتماعی محلات شانرا بادر نظر داشت نیازمندی ها اقدامات ها و اولویت ها ترتیب و بعداز منظوری دولت به منصفه اجرا و از تطبیق آن کنترول و نظارت جدی نمایند. هدف کلی برنامه همبستگی



ملی عمدتاً کاهش فقر در دهات ، توانمند ساختن مردمان روستائی و خود کفا شدن فامیل ها از لحاظ اقتصادی و همچنان ایجاد زیربنای اقتصادی و اجتماعی به خاطر آماده ساختن قرأ و قصبات کشور بسوی بازسازی و انکشاف و همچنان تصمیم گیری خود مردم در سرنوشت اقتصادی بوده و بناً دولت مردمی و دموکراسی حقیقی یعنی بلند بردن آگاهی مردم و سهمین شدن شان در اداره اقتصادی و برنامه های اجتماعی میباشد. برنامه همبستگی ملی از مدت ۲ سال به این طرف آغاز گردیده امروز حدود ده هزار قریه را برآورده نموده و در ۱۷۶ ولسوالی پروژه های همبستگی ملی یا به بهره برداری سپرده شده و یاتحت اجرا میباشد و کمک های تخنیکی و مالی را برای هرشورای انتخابی انکشافی فراهم میسازد. همچنان ارتباطات میان شورا های انکشافی قریه جات و سایر نهادهای دولتی و غیر دولتی را تسهیل مینماید تا مردم از سایر برنامه های انکشافی و بازسازی نیز بهره مندگردند. وزارت احیاء و انکشاف دهات پروژه های خدماتی خویشرا از طریق برنامه های ملی راه سازی روستائی با خدماتی مالی و قرضه های کوچک برای فقرأ ، تهیه آب آشامیدنی و حفظ الصحه محیطی ، رشد و توسعه منطقوی نظارت از آسیب پذیری و ابتکارات پاسخ اضطراری بشری به پیشبرده که در برنامه های فوق الذکر میتوان از وجوه مالی تعهد شده در سال ۱۳۸۴ ذیلاً نام برد. ۱- برنامه همبستگی ملی مبلغ ۱۷۴,۱ میلیون دلار امریکائی از منابع اداره انکشاف بین المللی کانادا اداره انکشاف بین المللی انگلستان ، دنمارک ، کمیسیون اروپا ، بانک جهانی ، ناروی و اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا. ۲- برنامه ملی راه سازی روستائی مبلغ ۷۸,۱ میلیون دلار از منابع کمیسیون اروپا ، بانک جهانی، اداره انکشاف بین المللی انگلستان و جاپان. ۳- برنامه قرضه های کوچک مبلغ ۲۴ میلیون دلار از منابع اداره انکشاف بین المللی کانادا ، گروپ مشورتی ارزیابی برنامه های اداره انکشافی بین المللی سویدن، اداره انکشاف بین المللی انگلستان، اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا و نویپ . ۴- برنامه ملی تهیه آب آشامیدنی و حفظ الصحه محیطی مبلغ ۱۳,۸ میلیون دلار از منابع صندوق وجهی بازسازی افغانستان، کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین، یونسف ، نماینده گی سویس برای همکاری های انکشافی، اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا. ۵- برنامه



ملی رشد و توسعه منطقوی مبلغ ۱۵ میلیون دلار از منابع اداره انکشاف بین المللی کانادا و بلجیم . ۶- سیستم ملی نظارت از آسیب پذیری مبلغ ۱,۵ میلیون دلار از منبع کمیسیون اروپا. ۷- ابتکارات پاسخ اضطراری بشری مبلغ ۱,۵ میلیون دلار از منابع اداره انکشافی بین المللی کانادا، اداره انکشاف بین المللی انگلستان ، ادارات ملل متحد، اداره انکشاف بین المللی امریکا و کمیسیون اروپا که جمعاً مبلغ ۳۰۳,۳ میلیون دلار را برآوردهمینماید به مصرف میرسد. همچنان جهت تکمیل برنامه ها به مبلغ ۱۵۵,۳ میلیون دلار دیگر نیز نیازمندی وجود دارد. قابل تذکر است که طی سه سال گذشته ۱۳۸۱-۱۳۸۳ به تعداد ۵۰۱۰ پروژه مبلغ (۹۲۷۹۹۹۰۹) دلار امریکائی تحت پوشش برنامه همبستگی ملی قرار گرفته بود که با مصرف مبلغ (۵۲۰۵۲۰۲۳) دلار امریکائی پروژه ها به پیش برده شده است. برنامه همبستگی ملی از طریق وزارت محترم احیا و انکشاف دهات که یک ارگان دولتی میباشد به همکاری ۲۱ موسسه در ۳۳ ولایت شامل ۱۶۴ ولسوالی تطبیق می گردد که ۸,۳ میلیون نفر از آن مستفید می شود. قابل یادآوری می باشد که برنامه همبستگی ملی نسبت به برنامه دولتی بودنش یک برنامه بسیار خوب و مؤثر است در صورتیکه به شکل درست مدیریت شود و گروپهای از کارمندان مسلکی و با تجربه که اهلیت و شایستگی کار را داشته باشد در زمینه مؤظف نموده تا از کارهای تخنیکی روی دست گرفته شده نظارت و کنترل جدی نمایند. به همین ترتیب از شورا های قریه جات و مردم توقع است تا در زمینه طرح و تطبیق پروژه ها با نهایت دلسوزی برخورد نموده از سرمایه گذاری در پروژه های غیر ضروری خود داری نمایند. چنانچه اخیراً هئیات عالی رتبه تحت ریاست اینجانب از بعضی پروژه های همبستگی ملی بازدید نموده که یکتعداد آن از لحاظ کیفیت و استفاده مؤثر از آن مانند مکاتب خوب بوده اما یکتعداد دیگر آن منجمله حوض آب آشامیدنی از شرایط صحی برخوردار نبوده نه تنها صحی نبود بلکه خود ذخیره آب منبع امراض برای مردم بوده است که امید داریم در قسمت انتخاب پروژه و مصارف و نتایج پروژه ها بیشتر دقت صورت گیرد و حین تصمیم گیری از جانب شورای های انتخابی محل، قریه ها و سایر ارگان های ذیربط را هم آهنگ کار ها سهیم ساخته و از تجارب فنی و مسلکی آن ها استفاده نمایند. این مسله که امروز حدود ۲۶۰۰



قریه از آب آشامیدنی، ۲۱۰۰ قریه از راه های مواصلاتی و حدود ۵۹۱ مکتب در قریه ها ساخته شده ده ها و صدها پروژه دیگر از قبیل انرژی، برق و کلینیک ها ساخته گردید مایه خوشی ما و مردم است. اما ناگفته نماند که این پول های مصرف شده همه آن کمک بلاعوض نبوده بلکه یک مقدار زیاد آن بشکل قرضه بوده که دولت افغانستان با وجود شرایط سهل قرضه مکلف به پرداخت آن خواهد بود. روی این امر لازم است در قسمت مصارف پروژه و تصامیم روی پروژه از جانب شورا همه جانبه غور و بررسی انجام شود از استخدام بیش از حد و غیر ضروری افراد بنام های مشاور و متخصص که در بعضی مواد پروژه ها بسیار شکل عادی را دارد و از طرف خود مردم ساخته شده میتواند، خودداری شود زیرا تمرکز دادن زیاد مامورین در یک پروژه عادی مصارف و قیمت پروژه ها بلند برده و از کیفیت کار می کاهد. به هر صورت برنامه همبستگی ملی با وجود دشواری ها که دارد یکی از برنامه های عمده انکشاف ملی در سطح کشور بوده که انتظار برده میشود با رفع نواقص و کمبودی و کاهش مصارف آن الی سه سال آینده تمام قریه ها و نقاط دور کشور را برآورده نماید و این برنامه خواهد توانست علاوه از زمینه کاریابی در قسمت کاهش فقر و بهبود اقتصاد خانواده های روستائی یک گام مثبت و مؤثر را بسوی انکشاف و توسعه اقتصادی رهنمائی نماید. ضمناً آرزو مند شورای های محترم مردمی در محل و قریه در انتخاب مسئولین خود افراد دلسور و خبیر را انتخاب نماید از پروژه های برنامه همبستگی ملی نظارت دایمی نمایند و به آن پروژه ها رای بدهند و تصمیم اتخاذ نمایند که در بهبود و بلند بردن سطح زندگی خانواده ها مؤثر واقع شوند.

در عرصه انرژی و آب : - تقاضای کمک به مبلغ (۱۵) میلیون دلار از کمک کشور چین صورت گرفته . - در سال جاری جمعاً ۲۸ پروژه شامل پلان بوده که تمویل پروژه ها ۱۸۲ میلیون دلار در نظر گرفته شده که منابع تمویل آن تماماً موجود است. از جمله ۲۸ پروژه ، پروژه های بزرگ عبارت از: تمدید لین برق از پلخمیری الی کابل به مصرف ۱۰۰ میلیون دلار. تمدید لین برق از حیرتان الی پلخمیری توسط بانک آسیائی به مصرف ۴۰ میلیون دلار. ساخته گاز توربین شهر شبرغان به مصرف ۱۰۵ میلیون دلار از جانب USAID روی دست بوده که کار آن همین اکنون جریان دارد. علاوه وزارت انرژی و آب طی ده سال آینده ۶۶ پروژه را به مصرف



۴,۴ میلیارد دلار روی دست دارد که حدود ۶۹۵ میلیون دلار آن همین اکنون تعهد شده که با تحقق این پروژه ها ضرورت مجموعی کشور به انرژی که تا فعلاً حدود ۶ فیصد میباشد به ۵۰ فیصد ارتقا یافته و ضایعات برق از ۳۵ فیصد به ۲۰ فیصد کاهش میابد. ضمناً ظرفیت تولید برق از ۲۴۰ میگاووات به ۹۴۰ میگاووات که ضرورت ۲,۵ میلیون اتباع کشور را برآوردهمینماید مرفوع میگردد. در عرصه تجارت : در سال ۱۳۸۴ صادرات مجموعی افغانستان بالغ به ۵۰۰ میلیون دلار تخمین گردیده ولی در مقابل حجم واردات اشیا و اموال مورد ضرورت به مبلغ ۲,۲ میلیارد دلار از کشورهای مختلف تخمین میگردد. که بدین بیلانس تجارت افغانستان یک کسر فاحش بالغ بر ۱,۷ میلیارد دلار را نشان میدهد شاید یک بخش این واردات در جمله صادرات مجدد re-export داخل باشد اما در شرایط فعلی تشخیص بین صادرات قانونی و واردات به غرض re-export به کشور های همسایه مشکل به نظر میخورد. عواید خالص تصدی های مربوط به وزارت تجارت بالغ به ۶۳۷ میلیون افغانی میگردد که به خزانه دولت تادیه شده است و تعداد جوازهای تجارتی و سرمایه گذاری خصوصی در سال ۱۳۸۴ تاکنون که از طرف دفتر حمایه سرمایه گذاری در افغانستان AISA که در همین سال صادر گردیده بالغ به ۱۱۵۶ پروژه میباشد . در عرصه فواید عامه : در این بخش فعالیتهای ذیل صورت گرفته احیا و بازسازی جاده کابل- سروب به طول مجموعی ۶۶,۷ کیلومتر با قیمت مجموعی ۲۵,۹ ملیون یورو که از کمکهای اتحادیه اروپا و عقد قرارداد با کمپنی چینی . کاراین پروژه در ماه جون ۲۰۰۴ شروع و تاریخ ختم آن ماه دسمبر ۲۰۰۶ می باشد. کار این پروژه تا حال ۸۱ فیصد تکمیل گردیده است . - جاده سروب - جلال آباد به قیمت ۲۶,۵ ملیون (یورو) از طریق اتحادیه اروپا تمویل گردیده قرارداد آن بایک کمپنی چینی صورت گرفته است. کاراین پروژه در ماه دسمبر ۲۰۰۳ آغاز و در جولای سال ۲۰۰۶ تکمیل میگردد. فیصدی پیشرفت کار فعلاً بالغ بر ۴۴ فیصد میباشد. بازسازی جاده جلال آباد تورخم به طول ۷۸ کیلومتری به قیمت ۱۶,۷ ملیون دلار امریکائی با کمپنی FW کشور پاکستان قرار داده شده است کاراین پروژه در ماه اگست ۲۰۰۳ شروع و تا جولای (۲۰۰۶) کار آن تکمیل میگردد . - بازسازی جاده هرات ارملک به طول ۶۰ کیلومتر به قیمت مجموعی



۲۳ میلیون دلار امریکائی از طریق کمک بلاعوض ایران با شرکت آباد پارس کشور ایران قرار داد شده است . این پروژه در ماه عقرب ۸۳ آغاز و در ماه سنبله سال ۸۵ ختم میشود که تا حال ۳۷ فیصد کار آن پیشرفت نموده است. - پروژه بازسازی جاده قندهار - گرشک که قیمت آن ۲۳۸ میلیون ین جاپانی بوده و از طرف موسسه جایکای کشور جاپان ساخته میگردد. آغاز پروژه نوامبر ۲۰۰۴ و در ماه جولای ۲۰۰۶ خاتمه میابد. - پروژه جاده قندهار - سپین بولدک به طول مجموعی ۱۰۳ کیلومتر به قیمت مجموعی ۲۴,۲ میلیون دلار امریکائی و عقد قرارداد آن با یک کمپنی هندی کار این پروژه در ماه جنوری ۲۰۰۴ شروع شده که باید در ماه فبروری ۲۰۰۵ خاتمه میافت تا حال ۹۵ فیصد کار آن پیشرفت نموده است و عنقریب افتتاح میشود. - پروژه جاده پلخمیری - بلخ - نایب آباد - حیرتان به طول مجموعی ۲۲۴ کیلومتر به ارزش ۲۸,۷ میلیون دلار امریکائی بایک کمپنی SWC کوریائی عقد قرار داد شده این جاده در ماه جولای ۲۰۰۶ تکمیل میشود. - پروژه بازسازی جاده بلخ - اندخوی به طول ۱۸۲ کیلومتر به ارزش مجموعی ۳۶,۲ میلیون دلار امریکائی این پروژه در ماه اپریل ۲۰۰۶ تکمیل میشود. - احیا و بازسازی جاده کابل - اولنگ بطول مجموعی ۱۰۰ کیلو متر به ارزش ۳۱,۲ میلیون دلار امریکائی که با پول بانک جهانی از طرف یک کمپنی ترکی تکمیل گردیده است . - بازسازی پروژه جاده اولنگ - دوشی از طریق تونل سالنگ به طول ۷۵ کیلومتر و قیمت ۲۹,۲ میلیون دلار امریکائی از طرف بانک جهانی تمویل گردیده و کار این جاده نیز خاتمه یافته است . بازسازی جاده پلخمیری - شیرخان بندر به طول مجموعی ۱۶۸,۲ کیلومتر و قیمت ۲۹,۹ میلیون دلار امریکائی از طریق بانک جهانی و کار آن الی کندز تکمیل و بطرف شیرخان بندر ادامه دارد. - قیرریزی جاده سرخکان مهترلام در ولایت لغمان به طول ۲۱ کیلومتر به قیمت مجموعی ۱,۵ میلیون دلار امریکائی از بودجه انکشافی دولت این پروژه در سال ۱۳۸۳ شروع شده و تکمیل گردیده است. - قیرریزی جاده های داخل شهر میمنه به طول ۱۰ کیلومتر و قیمت ۱,۸ میلیون دلار امریکائی . عنقریب تکمیل میگردد. - قرارداد پروژه ساخته جاده میدان شهر - بامیان به طول ۱۴۰ کیلومتر و ارزش ۳۶ میلیون یورو با شرکت سونی عقد گردیده و کار آن جریان دارد. در عرصه مخابرات : در این عرصه در یک سال گذشته کارهای ذیل



صورت گرفته است. - تکمیل پروژه تامین ارتباطات مخابراتی (تيلفون های دیجیتلي) در ولايات کشور به ارزش مجموعی (۷۱) میلیون دلار امریکائی. - اعطا دو جواز جدید برای موبایل (GSM) و صدور جواز خدمات انترنت که از مدارک مبلغ ۸۱ میلیون دلار عاید به دولت افغانستان تهیه گردیده است. در عرصه تعلیم ، تربیه ، تحصیلات عالی و امور فرهنگی : - پروژه تهیه اجناس و لوازم طبی برای پوهنتون طبی کابل به ارزش ۵۰۰۰۰ دلار. - کار ساختهاحاطه پوهنتون طبی کابل به ارزش ۶ میلیون دلار در حدود ۴۰ فیصد پیش رفته است . - پروژه مساعدت به متخصصین وزارت تحصیلات عالی به قیمت مجموعی ۱۰۲ میلیون دلار در جریان سال جاری کارهای ساختهوبازسازی مکاتب ذیل که مجموعاً ۲۳ پروژه میباشد صورت گرفته است. مکتب ابراهیم ولایت کندوز ، لیسه ابن سینا ، سراجہ علی ولایت ننگرهار، لیسه رحمان بابا ، پروژه نسوان ، ذکور ننگرهار ، پروژه دهرازی ولایت بلخ ، سورداک ننگرهار ، نسوان چهلستون ، سلطان بابا علی شیر ولایت بلخ ، طعام خانه لیسه نایبایان کابل ، دره ژوندون سمنگان ، پروژه دلنحکمی ولایت سمنگان ، پروژه شهر نو ولایت بدخشان پروژه های دابرجین ارنجی ده علیا قاضیان ولایت بلخ و پروژه لایابہ ولایت بدخشان . پروژه های مکتب لرتک ، سمل پریان ولایت خوست ، پروژه مکتب پای منار شهر کابل ، پروژه های مکتب اولنگ ، شیوا ولایت پروان و پروژه نسوان غازه. قیمت مجموعی این پروژه ها ۱۵,۳ میلیون دلار امریکائی میباشد. - دراین ساحه در پروژه های کوچک مانند ارتقای ظرفیت رادیو تلویزیون، بهبود امور آژانس باختر و اصلاح و بلند بردن ظرفیت بعضی مطابع در مجموع (۶۱۰۰۰) دلار سرمایه گذاری صورت گرفته است . - ساختهکمپلکس ورزشی به ارزش (۶) میلیون دلار رویدست میباشد . در عرصه صحت عامه : درسال ۱۳۸۴ در مربوطات صحت عامه به تعداد ۷۲ پروژه انکشافی شامل هشت باب شفاخانه ۳۴ باب مرکز صحتی اساسی و ۳۴ باب مرکز صحتی جامع به قیمت مجموعی ۲۳۱,۳ میلیون دلار از کمک کشور های دوست تحت کار بوده که بودجه اصلی انکشافی ۳۱,۳ میلیون و بودجه خارجی ۲۰۰ میلیون دلار میباشد . کار پروژه در حدود ۱۸ فیصد پیشرفت نموده است. قابل یاد آوری است که کار ساختمان ۲۶۸ باب مرکز صحتی اساسی تحت جریان قرار داشته و به تعداد ۲۵۰ باب مرکز صحتی تحت ترمیم میباشد. درسال



۱۳۸۳ بودجه انکشافی حاوی مبلغ ۲۸۹,۴ ملیون دلار شامل ۱۰۷ باب مرکز صحتی تحت ساختهو ۱۳۸ باب مرکز صحتی تحت بازسازی و ترمیم مدنظر گرفته شده بود . در عرصه دفاع و امنیت : مصارف مجموعی ۱۸ پروژه وزارت دفاع ملی در سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۷۰۴,۴۴ ملیون دلار پیش بینی گردیده بود که از آن جمله ۴۴,۵ ملیون دلار به مصرف رسیده است. - در مربوطات وزارت داخله طی سالهای ۱۳۸۳ و ۸۴ به تعداد ۱۵ پروژه شامل بودجه انکشافی بوده که از جمله کار تخنیکی ۱۳ پروژه تکمیل و کاربالای دوپروژه باقی مانده جریان دارد. مصارف آن در سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۹۳,۲۵ ملیون دلار سنجش گردیده بود که از آن جمله مبلغ ۳,۴ ملیون دلار به مصرف رسیده است. - در چهارچوب برنامه ثبات ملی کارساخته ۶۸ باب پوسته امنیتی به قیمت ۱۵۵,۸ ملیون افغانی در مسیر شاهراه های کابل هرات و کابل تورخم آغاز گردیده است . - دربرنامه تحکیم ثبات ملی که در چهارچوب وزارت داخله پیش برده میشود ساخته تعمیر ولسوالی های ولایات در نظر بوده که در ظرف سه سال آینده این برنامه در سرتاسرکشور تکمیل خواهد شد. - که مصارف مجموعی آن ۱,۳۲ میلیارد افغانی تخمین میگردد. - درعرصه امنیت ملی در سال ۱۳۸۴ به ارزش (۳,۹۱) ملیون دلار نیازمندی تثبیت گردیده است . دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان (ARDS): طوریکه در بالا اشاره شد دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان به حیث یک ارگان مربوط به بانک جهانی در تحت نظارت و اداره وزارت اقتصاد در دو بخش مشتمل بر مطالعات تخنیکی تمام پروژه های وزارت خانه های بخشی و تهیه وسایل و تدارکات این پروژه ها فعال میباشد. بودجه افغانستان جهت تمویل تمام فعالیت های انکشافی و قسمت اعظم معاشات (بودجه عادی) به کمک های خارجی متکی میباشد. بیشتر از هشتاد در صد وجوه تمویلی جوامع تمویل کننده در چهار سال اخیر مستقیماً از طریق جوامع ذکر شده و باقی مانده ۲۰ در صد آن از طریق دولت بمصرف رسیده است. وجوهی که از طریق دولت بمصرف میرسد به صندوق امانت انکشافی افغانستان انتقال می یابد که تحت مدیریت بانک جهانی قرار دارد. برای سال ۱۳۸۴ ، بیشتر از یک هزار پروژه پلان گردیده که نقش دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان عبارت از انجام مطالعات قبلی ، مطالعات امکانات عملی و ترتیب اسناد پروژه ها



میباشد و یا به عباره دیگر وعده های جوامع کمک کننده را به تعهدات رسمی و تعهدات آنرا الی پرداخت پول از نظر تخنیکی پیگیری مینماید. باآنکه کمکهای بین المللی در عرصه خدمات بشری در سالهای گذشته ادامه داشته است، بنابر اقتضای شرایط و خواست مردم کشور، از یک ونیم سال بدین سو پروژه های زیربنائی نیز روی دست گرفته شده است که دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان در عرصه اخیرالذکر مؤظف به انجام امور تخنیکی پروژه های متذکره نیز بوده است. دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان برای نیل به مامول فوق مشاورین را به کار گماشته است تا در وزارت های مختلف جهت انجام امور تخنیکی پروژه ها توظیف گردد و بدین ترتیب زمینه تحقق پروژه ها از طریق اكمال امورات تخنیکی مساعد گردد. از آنجائیکه وجوه تمویلی از طریق مراجع بین المللی کمک کننده فراهم میگردد، که بانک جهانی مدیریت صندوق وجهی آنرا بدوش دارد، بناً لازم می افتد تا تمام موضوعات تخنیکی پروژه ها طی مراحل و در مرحله بعدی تدارکات آن طبق معیارات بین المللی پروسه های رقابتی داوطلبی با در نظر داشت وصول بانک جهانی صورت گیرد. دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان جهت تحقق مرحله اخیرالذکر نیز مساعی جدی نموده که تدارکات پروژه های متذکره را در عرصه های سه گانه خدمات، اجناس و امور ساختمانی انجام داده است. قابل یادآوری است که خوشبختانه قانون جدید تدارکات که طبق معیارات بین المللی ترتیب گردیده بود، توسط مقام ریاست دولت جمهوری اسلامی افغانستان توشیح و نافذ گردید. در رابطه به پروسه تدارکات خدمات، دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان برای تدارکات عمده و مهم کشور، با ۸۵ شرکت بین المللی با مصرف ۱۸۳ میلیون دلار امریکائی عقد قرارداد نموده است تا خدمات مشورتی آنها برای اكمال امور تخنیکی پروژه که رکن اصلی منظوری پروژه هارا تشکیل مینماید. علاوه، آن اداره برای انجام امور تخنیکی پروژه های کوچک با مشاورین انفرادی عقد قرارداد کوتاه مدت (دوهفته الی شش ماه) نموده که در مجموع ۵۷ مشاور برای وزارت های مختلفه با مصرف ۵،۵ میلیون دلار امریکائی توظیف گردیده است. قابل یادآوری میدانیم که حتی المقدور سعی بعمل آمده تا در امتیازات و معاشات مشاورین فوق کاهش بعمل آید که در نتیجه معاشات آنها به اندازه ثلث کاهش



یافته است. علاوهً تلاش نموده ایم تا مشاورین کشورهای نزدیک منطقه با معاشات کمتر استخدام گردند که در زمینه با کشورهای هندوستان، سریلانکا و بنگله دیش الی الحال مذاکرات ادامه دارد. مشاورین فوق الذکر مسؤل اکمال امور پروژه بوده که طبق اصول جدی اداری بازسازی انکشافی افغانستان مکلف به انجام امور محوله و ارائه گزارشات متداوم به آن دفتر میباشند. توظیف مشاورین به اساس تعداد وزارت های محترم نبوده، بلکه به اساس پروژه های فوق الذکر صورت میگیرد. هریک از مشاورین به تاسی از لایحه وظایف خود مکلف به فراهم نمودن آموزش مسلکی به حداقل یک نفر کارمند همتای افغانی خود میباشند. تا بعد از اختتام دوره ماموریت مشاورین، ارتقای ظرفیت های کاری افغانستان تأمین شده باشد. از جمله خدمات تخنیکی مشورتی که برای وزارت های مختلفه تدارک گردیده است، میتوان از مثال های ذیل یادآور شد: در وزارت انرژی و آب ، مطالعه امکانات عملی شدن پروژه گمبیری، کوکچه، باغدره ، فراه رود، کیله گی، کجکی، تمديد لین انتقالی برق از شمال به کابل و امثالهم، در وزارت ترانسپورت ، مطالعه امکانات عملی شدن پروژه های خطوط پرواز میدان های هوایی کشور، تجهیز و نصب وسایل رهنمائی طیارات احداث ۱۰ میدان هوایی در نقاط دور دست و روستائی کشور مدرنیزه و اعیار ساختن میدان هوایی بین المللی کابل با معیارات بین المللی قابل ذکراند. در وزارت فوائد عامه، ساختن سترگ حلقوی در خور یادآوریست. در وزارت معادن و صنایع ، مس عینک، فابریکه های سمنت غوری نمبر اول و دوم ، سمنت جبل السراج و هرات قابل ذکر اند. همچنان دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان در ترتیب مستر پلان های وزارت های محترم اقدام نموده که منجمله مستر پلان وزارت زراعت یک هفته قبل به اکمال رسید. برعلاوه ، با وزارت زراعت در ترتیب و ایجاد دیتابیس احصائیه زراعتی کمک صورت گرفته است. علاوهً دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان در تدارک اجناس و امور ساختمانی نیز مشغول کار میباشد. که از موارد ذیل به تفکیک وزارت های مربوط به گونه مثال تذکار صورت میگیرد. تدارک اجناس و امور ساختمانی بالترتیب به مصرف ۴۰ میلیون و ۲۷۳ میلیون دلار امریکائی صورت گرفته است. که اجناس با عقد ۱۳۶ قرارداد و امور ساختمانی به عقد ۲۲ قرار داد از زمان روی کار آمدن حکومت جدید تا حال به پایه



اکمال رسانیده شده اند: در وزارت صحت عامه ، تهیه ادویه و تجهیزات طبی شفاخانه ها دروزارت معارف، تهیه کتب درسی و تهیه میز و چوکی صنوف مکاتب تدارک اجناس و مواد مورد نیاز سفارت خانه های مربوط وزارت امور خارجه کشور نیز توسط دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان روی دست گرفته شده است. دروزارت انرژی و آب ، بازسازی بند برق نغلو، با عقد قرارداد آغاز یافته که الی شش ماه بعدی، خاتمه خواهد یافت بلاخره مجدداً عرض میگردد که از انجائیکه حساب وجوه تمویلی تحت مدیریت بانک جهانی قرار دارد، اصول اظهار نامه عدم اعتراض بانک جهانی برای تمام پروژه ها لازم میباشد. که باید امور تخنیکی و امور تهیه و تدارک آن طبق معیارات آن بانک صورت گیرد. دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان چنانچه فوقاً توضیح گردید، در هردو مرحله امور تخنیکی و تدارکات با ادارات محترم دولتی همکاری مینماید تا اینکه ظرفیت ادارات اخیرالذکر به حدکافی ارتقا یابد و نیازی به همکاری دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان وجود نباشد. در زمینه اخیر، از وزارت احیاء و انکشاف دهات نامبرده میتوانیم که امور تدارکاتی خود را بدون نیاز و مساعدت دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان انجام میدهد. البته راجع به صورت مصارف تمام پروژه های که ازطرف دفتر خدمات بازسازی وانکشافی افغانستان تهیه و مطالعه گردیده و آماده ساخته شده اند وزارت های مربوط بخشی به نوبه خود معلومات مکمل ارائه خواهند فرمود. با وجود پیشرفت های که در بازسازی عرصه های مختلف صورت گرفته خلاهای نیز موجود است . که مهم ترین آنها قرار ذیل اند : - قسمت اعظم کمک های کشور های کمک دهنده مستقیماً توسط سازمانها و موسسات بین المللی استفاده شده ، بدون آنکه دولت افغانستان از جزئیات آن آگاهی دقیق داشته باشد. دولت افغانستان در حدود ۲۲ فیصد کمک ها را مستقیماً استفاده نموده است. وهم به اولویت های تثبیت شده در زمینه وقع گذاشته نمی شود . از جانب دیگر مصارف اداری ، معاشات ، کرایه های منازل ، سفریه ها وسایر مصارف این سازمانها و موسسات بین المللی که از کمک های افغانستان تمویل میشود بسیار زیاد بوده که موثریت کمک ها را تقلیل میدهد. - نبود یک استراتیژی و پالیسی اقتصادی معقول که روابط و تاثیرات عرصه های مختلف را در نظر داشته و اولویت های اقتصاد ملی را دقیقاً



تثبیت نماید نیز یکی از نواقص مهم بازسازی میباشد. درین پالیسی باید امکانات رشد و انکشاف اقتصاد ملی و بخش های مختلف طور دقیق در نظر گرفته شود. گرچه فعلاً در طرح پالیسی اقتصاد ملی کار در جریان است اما هنوز کار آن تکمیل نشده است . - عدم موجودیت همکاری های لازم بین وزارت ها و ادارات مختلف کشور به انسجام فعالیت های عرصه های مختلف اصلاً اهمیت داده نشده است ، در حالیکه انسجام فعالیت های مختلف در تسریع پروسه رشد و انکشاف دارای اهمیت زیاد است. برای رفع این نقیصه کابینه افغانستان تاسیس کمیته های انکشافی ولایتی در چهارچوب تشکیلات فعلی وزارت اقتصاد تصویب نمود که وظیفه عمده آن ایجاد هم آهنگی و انسجام بین ولایت ها نماینده گی های وزارت خانه ها در ولایت ، انجوها ، موسسات بین المللی و PRT ها میباشد تا از تداخلات و تکرارات کاری جلوگیری بعمل آید. - وظایف بعضی ادارات طور دقیق تعریف نشده است تداخل وظیفوی بین بعضی ادارات هنوز هم موجود است . - اصلاحات اداری طور شاید و باید فعالیت نمی نماید. در تقرر پرسونل در اکثر ادارات دولتی هنوز هم روابط نظر به ضوابط حاکم است . - پروژه های بزرگ اقتصادی مانند ساخته بند و انهار واحداث پروژه های تولید برق که در رشد و انکشاف اقتصادی کشور اهمیت حیاتی دارد، در نظر گرفته نشده است . - در پهلوی پروژه های کوچک که در برنامه های مختلف منجمله در برنامه همیستگی ملی بسطح قرأ در نظر گرفته شده ، باید پروژه های بزرگ نیز در نظر گرفته شود. افغانستان دارای دشت های وسیع بوده و هم آب های فراوان در افغانستان موجود است بدون آنکه از آن استفاده شود . احداث بند و انهار و تحت زرع قراردادن این دشت ها اساس رشد و انکشاف اقتصادی افغانستان است . در افغانستان که بیشتر از (۸۵) فیصد مردم در زراعت اشتغال دارند ، در نتیجه احداث بند و انهار و توسعه ساحه زراعتی تولیدات غیر خالص ملی ، عاید سرانه و سطح استخدام ازدیاد نموده که در نتیجه آن سطح زنده گی مردم ارتقا نموده و صادرات ما افزایش می یابد . این موضوع در کاهش فقر نیز اهمیت زیاد دارد. به همین ترتیب نبود انرژی کافی یکی از نواقص بزرگ دیگر است ، که از یکطرف مانع سرمایه گذاری های خصوصی در کشور گردیده و از جانب دیگر مانع ارتقا رقاهیت سطح زنده گی مردم گردیده است . ظرفیت تولیدی فابریکات



کنونی تولید برق بسیار ناچیز بوده و از جانب دیگر این فابریکات عمدتاً فرسایش شده است . مصرف انرژی بسطح بین المللی یکی از محرک ها و شاخص های مهم پیشرفت و انکشاف اقتصادی است . با مشوره با کشور های کمک دهنده و سازمانها و موسسات بین المللی باید دولت افغانستان در زمینه توجه جدی نماید، در غیر آن انکشاف اقتصادی کشور به مشکلات زیادی روبرو خواهد بود.

شماره	نوع پروژه	مقدار به ملیون دلار آمریکایی	نوع پرداخت
۱	پروژه اضطراری احیای مجدد ساختارهای زیربنایی	۳۳	کمک مالی بلاعوض
۲	احیای مجدد سیستم های آبرسانی در ۱۱ شهرهای کشور	۶۵	وسایل و لوازم ضروری رسیده به کابل
۳	پروژه اضطراری قادر ساختن مردم در کارهای عامه	۴۲	کمک مالی بلاعوض
۴	پروژه اضطراری همبستگی ملی	۱۲۳	کمک مالی بلاعوض



(NSP)

۵	از صندوق وجوه بازسازی افغانستان	۷۲,۲	کمک مالی بلاعوض
۶	از صندوق وجهی انکشاف اجتماعی جاپان	۱۱	کمک مالی بلاعوض
۷	برنامه اضطراری کاریابی ملی برای بهبود راهپدر روستاها	۳۹,۲	قرضه
۸	برنامه اضطراری کاریابی ملی برای بهبود راهها در روستاها	۱۶,۶	کمک مالی بلاعوض از طریق ARTF
۹	پروژه های اضطراری اداره عامه پروژه اضطراری بازسازی	۴۵,۴	کمک مالی بلاعوض
۱۰	وانکشاف تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی و معارف	۱۵	کمک مالی بلاعوض
۱۱	برنامه بهبود کیفیت تعلیم و تربیه	۳۵	کمک بلاعوض



در کشور

۱۲	برنامه تقویت تحصیلات عالی	۴۰	کمک مالی بلاعوض
۱۳	پروژه اضطراری بازسازی ترانسپورت و هوانوردی	۱۰۸	قرضه بدون مفاد
۱۴	پروژه اضطراری بازسازی ترانسپورت و هوانوردی	۴۵	کمک بلاعوض
۱۵	پروژه اضطراری بازسازی و انکشاف بخش صحت	۵۹,۶	کمک بلا عوض
۱۶	پروژه اضطراری مخابرات	۲۲	قرضه بدون مفاد
۱۷	پروژه اضطراری مدرنیزه سازی گمرکات و سهولت های تجاری	۳۱	به طور قرضه
۱۸	پروژه اضطراری بازسازی آبیاری	۴۰	قرضه بدون مفاد
۱۹	سهولت تضمین سرمایه گذاری	۵	قرضه بدون مفاد

در افغانستان



۲۰	پروژه بازسازی شهر کابل	۲۵	کمک بلا عوض
۲۱	پروژه اضطراری احیای مجدد برق	۱۰۵	بطور قرضه بدون مفاد
۲۲	برنامه کمک و حمایت جهت تقویه ظرفیتهای	۲۰	کمک بلا عوض
۲۳	پروژه حمایت قرضه های کوچک بخاطر کاهش فقر	۸۰	قرضه بدون مفاد
		۴۱.۴	



سیاست های اقتصادی نادرست دولت ۲،۱۷،۲،۱۲،۱

یکی از سیاست های اقتصادی دولت بالا بردن تعرفه های گمرکی از اول حمل سال ۱۳۸۳ بود که دولت با این سیاست خود دو پلان را می خواست به پیش ببرد: اول افزایش سرمایه گذاری در کشور و دوم بهبود بخشیدن بیلانس تجارت یعنی کمتر کردن واردات و بیشتر کردن صادرات اما نه تنها این اهداف برآورده نشد بلکه این سیاست به ضرر کشور نیز تمام شد. چون به هر اندازه که تعرفه های گمرکی بالا رود تجار مبلغ اضافه شده را بالای قیمت کالا وضع می کنند و در این میان متضررین اصلی مستهلکین می باشند. و همچنین این سیاست موجب ضربه زدن به سکتور صنعت نیز شد. مثلاً در ابتدا مواد اولیه مورد نیاز مردم مانند آرد، روغن، برنج و غیره از تعرفه های گمرکی معاف بودند اما در سال ۱۳۸۳ برای این مواد ۷٪ تعرفه وضع شد و بعداً به ۵٪ و بالاخره به ۱٪ کاهش یافت که این نشانگر سیاست اشتباه دولت می باشد. و همچنین از عواقب منفی این سیاست می توان به کاهش ۴۰ تا ۵۰٪ حجم تجارت اشاره نمود. همچنین یکی دیگر از سیاست های اقتصادی نادرست دولت اینست که بالای مواد خام و مواد ضروری کشور تعرفه وضع می کند و همچنین به ورود بیش از اندازه کالاهای غیر ضروری راه را باز کرده است.



ورود کالاها به صورت قاچاق

اغلب اقلام وارداتی کشور به صورت قاچاق وارد کشور میشود که تأثیرات منفی بر روی تجارت کشور می گذارد. ورود کالاها به صورت قاچاق در ابتدا به ضرر خود دولت است زیرا تکس ها و مالیاتهایی که از این درک باید عاید کشور شود نمی شود و در قدم دوم تجاری که بصورت قانونی اموال را وارد می کنند متضرر می شوند چون قیمت تمام شد کالاهای مشابه ای که بصورت قانونی و غیرقانونی وارد می شوند یکسان نمی باشد و تاجری که کالا را بصورت قانونی وارد می کند مجبور است آنرا گرانتر در بازار عرضه کند و در نتیجه کالاهایش به آسانی بفروش نمی رسند. همچنین چون کالاهای قاچاق کنترل نمی شود باعث می گردد کالاهای بی کیفیت وارد کشور شود که این خود به ضرر مستهلکین است.

۲،۱۷،۲،۱۲،۲ اعمال سیاست دمپینگ از طرف کشورهای خارجی

سیاست دمپینگ که از طرف برخی از کشورها اعمال می شود یک سیاست منفی بوده و بالای تولیدات داخلی کشور تأثیر منفی می گذارد. دمپینگ یعنی بفروش رساندن کالاها پایین تر از قیمت تمام شد به منظور از بین برداشتن رقبا در مارکت. (مثال باتری

زوری هرات)



۲,۱۷,۲,۱۲,۳ اخذ تکسهای اضافی و غیر قانونی در مسیر شاهراه ها

در کشور به وضوح دیده می شود که وقتی کالاها وارد کشور می شوند در مسیر شاهراه ها پولهای زیادی به عناوین مختلف از تجار گرفته می شود و حتی در داخل شهرها نیز مأمورین امنیتی و ترافیک ها مقداری پول را بنام ته جایی شاروالی می گیرند و این باعث بالا رفتن قیمت تمام شد کالاها برای تجار می شود که خود به ضرر مستهلکین است و باعث گرانی می شود.

۲,۱۷,۲,۱۲,۴ عدم موجودیت تجهیزات خدماتی در بنادر

در بنادر کشور تجهیزات خدماتی کافی مانند کرن و غیره وجود ندارد و این باعث می شود که کالاهای وارداتی برای مدت زیادی در بازارچه ها معطل بمانند.



۲،۱۷،۲،۱۲،۵ مشکلات امنیت داخلی

در کشور ما به دلیل نبودن امنیت کافی به خصوص در شاهراه ها، تجار در امور تجارتی خود با هراس روبرو هستند و بعضی مواقع با مشکلاتی همچون حریق کردن لاری ها، باج گرفتن و حتی خطر مرگ روبرو می شوند که این خود باعث کاهش تجارت تجار در کشور می شود.

۲،۱۷،۲،۱۲،۶ مشکلات ترانزیتی بخصوص در بندر کراچی

به دلیل محاط بودن افغانستان به خشکه تجار مجبور می شوند از بنادر بحری کشورهای دیگر استفاده کنند و از آنجاییکه نزدیکترین بندر بحری به افغانستان بندر کراچی است تجار برای ترانزیت زودتر کالاهای خود مجبور به استفاده از این بندر می شوند و دولت پاکستان از این ضرورت افغانستان به شکل تهدید سیاسی - اقتصادی استفاده می نماید. (مثلاً دزدی کردن کالاهای افغان، مانع شدن از ورود اجناس خارجی که خود پاکستان مانند آنرا تولید می کند، اجازه ندادن ترانزیت بین هند و افغانستان، مشکل تراشی برای کالاهای وارداتی و نگه داشتن کالاها که ممکن است باعث فاسد شدن آنها شود و) . بعد از بندر کراچی نزديکترین بندر به افغانستان بندر عباس ایران است که مشکلات منحصر به خود را دارد از جمله مشکل زیادتیر بودن فاصله با بعضی حوزه های تجارتی (با شرق آسیا) و در تحریم اقتصادی قرار داشتن کشور ایران...



۲،۱۷،۲،۱۲،۷ فساد اداری در دفاتر

فساد اداری وجود داشته در ادارات دولتی افغانستان بخصوص در گمرکات یکی از مشکلات اساسی برای واردات است به این شکل که مأمورین دولتی کشور سسله مراتب اسناد تاجر را به درازا می‌اندازند تا پولی را به عنوان رشوت از آنها بگیرند و همچنین بعضی از تعرفه به قیمت اصلی آن گرفته نمی‌شود مثلاً از ۱۰۰۰۰ افغانی تعرفه گمرکی ۵۰۰۰ افغانی را مأمور گمرکی وضع کرده و ۳۰۰۰ افغانی را بعنوان رشوت برای خود میگیرد.

۲،۱۷،۲،۱۳ مشکلات صادرات

۲،۱۷،۲،۱۳،۱ مشکلات ترانزیتی

افغانستان کشوری است محاط به خشکه. و این یک مشکل اصلی فراروی صادرات کشور است و این باعث یک وابستگی به دو کشور همسایه یعنی ایران و مخصوصاً پاکستان می‌شود. و هزینه ترانسپورت اقلام صادراتی ما را به خارج نیز بالا می‌برد.



۲،۱۷،۲،۱۳،۲ عدم وجود امکانات برای پروسس و بسته بندی در داخل کشور

این مشکل سبب می شود که مواد صادراتی به شکل مواد خام به خارج کشور صادر شود و در آنجا بعد از یک بسته بندی ساده قیمت آن به چند برابر افزایش می یابد پس چرا در داخل کشور این ارزش افزوده را برای اقلام صادراتی خود ایجاد نشود. و همچنین این باعث می شود که کالاهای افغانستان به نام کشورهای دیگر همانند پاکستان و ایران به خارج صادر شود و یا افغانستان مجبور شود همان کالاهای خود را با قیمت چند برابر و با بسته بندی کشورهای دیگر دوباره وارد نماید. و اگر این کشور بتواند مقدار صادراتی کنونی خود را (تقریباً ۵۰۰۰۰۰۰۰) را درست سورت بندی و بسته بندی و بازاریابی نماید حدوداً ۴ و نیم میلیارد دلار خواهد شد و ارزش افزوده آن بالا خواهد رفت.

۲،۱۷،۲،۱۳،۳ مشکلات تولیدات داخلی و کشت مواد مخدر

یکی از عمده ترین مشکلات که در سر راه صادرات افغانستان وجود دارد، نداشتن تولید داخلی قوی و همچنین کشت مواد مخدر در کشور است. طبق آمار و ارقام بدست آمده اگر زارعین بجای کشت مواد مخدر، انار، زعفران و یا دیگر محصولات مشروع را



کشت نمایند در بازارهای جهانی به قیمت بیشتری از مواد مخدر فروخته خواهد شد و عاید بیشتر نصیب کشور خواهد گشت. زیرا که مواد مخدر مانند تریاک به مساحت زمین بیشتری نسبت به محصولات ذکر شده دارد و اگر نسبت به زمین بسنجیم بسا که عاید محصولات دیگر از تریاک بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر به دلیل اینکه مواد مخدر از طریق قاچاق صادر می شود نفع اعظم آنرا زارع و دولت و مردم نبرده بلکه مافیای مواد مخدر می برند و در بیلاس تجارت ما درج نمی شود.

نبود امکانات جمع آوری و نگهداری محصولات در داخل کشور

در حوزه تولید (زراعت) مشکل عمده محصولات افغانی نبود امکانات نگهداری محصولات است. در بعضی مواقع اگر محصولات زراعتی مدت اندکی نگهداری شود در بازار جهانی به قیمت چند برابر فروخته خواهد شد ولی متأسفانه در داخل افغانستان امکانات نگهداری و ذخیره محصولات وجود ندارد همچنین در زمینه جمع آوری محصولات دولت امکانات قوی در دست نداشته تا این کار را به نحو احسن انجام دهد. (مثلا در نگهداری انار)



۲،۱۷،۲،۱۳،۴ عدم وجود سیستم مارکتینگ جهانی مناسب

اغلب کالاهای صادراتی افغانستان بنام خود افغانستان در بازارهای جهانی معرفی نشده اند و این به دلیل عدم وجود سیستم

مارکتینگ مناسب در سطح جهانی می باشد.

۲،۱۷،۲،۱۳،۵ مشکلات امنیت داخلی

این مشکل همانندی که در قسمت واردات تذکر داده شد یکی از مشکلات اساسی فراروی صادرات کشور نیز می باشد چون در

داخل کشور امنیت صحیح برای انتقال اقلام صادراتی تا بنادر کشور وجود ندارد. این اقلام یا مورد دستبرد قرار گرفته و یا حریق

می شوند.



۲،۱۷،۲،۱۳،۶ مشکلات شاهراه و ترانسپورت داخلی

شاهراه های کشور هنوز به صورت استاندارد آن ساخته نشده است و اقلام صادراتی که امکان فاسد شدن آن در مدت زمان می شود و باید زودتر به مقصد رسانیده شود در داخل کشور به خاطر همین مشکلات ترانسپورتی معطل میشود. و همچنین هزینه حمل و نقل داخلی آن نیز گران تمام میشود.

۲،۱۷،۲،۱۳،۷ درک نادرست از سیستم اقتصادی بازار

هنوز ملت و دولت ما یک تحلیل صحیح از سیستم اقتصاد بازار آزاد ندارند و همچنین نباید ما در افغانستان واژه بازار و آزاد را با هم مختلط کنیم چون دولت باید تأثیرات مستقیم خود را بالای تجارت و سایر عرصه های اقتصادی کشور داشته باشد. و به همین دلیل دولت از مسئولیت خود شانه خالی کرده و بالای تجارت و عملکرد آنها نظارت مستقیم ندارد و تجار از این امر سوء استفاده کرده و در قسمت صادرات هر آنچه را که می خواهند و به سودشان است انجام می دهند.



تسهیلات ۲،۱۷،۲،۱۴

۲،۱۷،۲،۱۴،۱ معاف شدن اقلام صادراتی از تکسهای گمرکی

در اخیر کشور افغانستان تمام تکسهای وارد شده بر روی اقلام صادراتی را جهت تشویق صادرات و تجار برداشته است و این می تواند موجب افزایش صادرات کشور شود.

۲،۱۷،۲،۱۴،۲ نگرستن تعرفه از کالاهای صادراتی افغانستان از طرف بعضی از کشورها

اخیراً بعضی از کشورهای جهان مانند ایالات متحده آمریکا و هندوستان کالاهای صادر شده افغانی را از گرفتن تعرفه گمرکی معاف کردند و این می تواند برای تجار و صادرات کشور مفید و مشوق باشد. گر چه صادرات افغانستان به آمریکا بسیار اندک می باشد و این کار آمریکا بیشتر جنبه سیاسی دارد.



۲،۱۷،۲،۱۴،۳ عضویت اتحادیه بارچلانی افغانستان با کنوانسیون های مختلف جهانی

اخیراً افغانستان به عضویت کنوانسیون های جهانی مثل فیاتا و تیر در آمده است و این به گفته بعضی از تحلیل گران اقتصادی می تواند به فایده صادرات و واردت کشور باشد. البته به دلیل اینکه همه ممالک دنیا به دنبال منافع خود می باشند با هیچ یک از ممالک (بجز بعضی ممالک همسایه) مشکل ترانزیتی نخواهد داشت.

۲،۱۷،۲،۱۴،۴ عضویت افغانستان در سازمانهای تجاری جهانی

اخیراً افغانستان عضو ایکو، سار، سازمان تجارت جهانی شده است. گر چه بر وضعیت اقتصادی و صادرات و واردات افغانستان به دلیل تفاهم و همکاری های چندجانبه بین کشورها مزیت هایی را در بر دارد ولی عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی به چاه انداختن اقتصاد افغانستان است زیرا که افغانستان اقتصاد خوب و صادرات زیادی به این کشورها ندارد و فقط مجبور به واردات اقلام صادراتی این کشورها می شود.



۲،۱۷،۲،۱۴،۵ دائر کردن سمینارها جهت بالا بردن سطح دانش اقتصادی تجار

در افغانستان تجارت به شکل سنتی رواج دارد. اخیراً به همکاری اینجوهاى خارجى و بعضى از مؤسسات خصوصى انكشاف تجارت مثل بى ام دى سى برای تجار سمینارهای تخصصی درباره علوم اقتصادی دائر گردیده که این خود می تواند در رایج کردن تجارت مسکلی و به روز مؤثر است.

۲،۱۷،۲،۱۴،۶ وجود نظام اقتصادی موافق با ارتباطات بین المللی (نظام بازار)

خوشبختانه در قانون اساسی افغانستان یک سیستم اقتصادی موفق و کارآ و مفید برای افغانستان انتخاب شده است که مسمی به نظام بازار است ولی متأسفانه تعریف اشتباهی از این نظام شده است و رسانه ها بنام بازار آزاد یاد می شود در صورتی که این دو نظام کاملاً از یکدیگر مجزا هستند.



۲،۱۷،۲،۱۴،۷ حمایت از تولیدات داخلی

در مواقعی که یک تولید توانایی آنرا دارد که از لحاظ کمی و کیفی با محصولات خارجی رقابت کند و همچنان می تواند تا بازار افغانستان را اشباع سازد دولت از آن حمایت جدی می کند. می توان شرکت های نوشابه سازی و آب معدنی را بعنوان یک مثال برجسته بیان کرد (۴۰٪ مالیات بالای واردات اقلام مشابه اعمال شد.)

۲،۱۷،۲،۱۵ راه حل ها

۲،۱۷،۲،۱۵،۱ توجه بیشتر به ارزش افزوده اقلام صادراتی در داخل کشور

یکی از راه های مفید جهت افزایش صادرات و بالا بردن سطح کیفیت آنها به اندازه استانداردهای بین المللی افزایش ارزش افزوده کالاها از طریق انجام عملیات بیشتر بر روی آنها می باشد که با یک سرمایه گذاری مناسب می تواند این امر به وقوع بپیوندد. برای مثال اکثر کالاهای خود را به صورت مواد خام به کشورهای دیگر صادر می شود و در کشورهای دیگر بعد از یک بسته بندی ساده به قیمت بسیار زیادتری به افغانستان فروخته می شود مانند فرش افغانستان. و اگر بتوان در داخل افغانستان آنها را سورت بندی و بسته بندی نهایی نمود می توان عاید بیشتری را از این رهگذر در کشور بدست آورد که در رشد صادرات کشور مفید می باشد.



۲،۱۷،۲،۱۵،۲ توجه بیشتر مقامات امنیتی

در همه بخشها کشور افغانستان وقتی امنیت وجود نداشته باشد حتی یک کار بوجود نخواهد آمد پس به منظور گسترش صادرات و بهینه سازی واردات کشور الزاماً وجود امنیت حتمی است و در اینجا مقامات امنیتی باید توجه بیشتری را مبذول نمایند و تلاش بیشتری کنند تا مشکلات امنیتی فراروی تجار افغانستان را از بین ببرند. که چگونگی بوجود آمدن امنیت در کشور خود بحث بسیار مفصلی است و دارای جنبه های سیاسی زیادی نیز می باشد.

۲،۱۷،۲،۱۵،۳ بازاریابی مؤثر و مناسب برای کالاهای صادراتی کشور در سطح جهانی

بعضی از کالاهای تولیدی داخل کشور بصورت دقیق به متقاضیان آنها نمی رسد و بدین ترتیب ممکن است از ارزش آنها کاسته شود برای حل این معطله باید تیمهایی بوجود آیند که برای تولیدات افغانستان در خارج از کشور براساس معلومات دقیق و مؤثق متقاضی پیدا نمایند بتوان از طریق آنها تقاضا را برای کالای مورد نظر دانست و براساس آن میزان تولیدات کشور را تنظیم نمود که این امر هم از بخش خصوصی و هم از بخش عمومی (دولت) می تواند صورت پذیرد.



۲،۱۷،۲،۱۵،۴ تقویت زیر بنای اقتصادی کشور

این امر فقط توسط بخش عمومی یعنی دولت امکان پذیر می باشد. دولت باید ابتدا زیربنای کشور را از قبیل ترانسپورت، خدمات آب و برق و غیره را تقویه نماید و در کنار آن به تقویه بخش زراعت و صنعت بپردازد. اگر در کشور راه مناسبی برای ترانسپورت موجود نباشد نمی توان کالاها را به آسانی تبادل نمود و مصارف نیز سنگین می شود. همچنین برای مثال دولت می تواند در بخش زراعت سرمایه گذاری نماید و سپس زراعت نیازهای بخش صنعت را رفع می کند و بدین ترتیب تولید خالص ملی کشور بالا رفته و می توان از اقلام تولید شده در بخشهای زراعت و صنعت برای صادرات نیز استفاده نمود.

۲،۱۷،۲،۱۵،۵ احداث شاهراه های برای ترانسپورت سهلتر داخلی

شاهراه های حلقوی شاهراه هایی هستند که کالاها از یک طرف از مبدأ به مقصد رسانیده می شود و از طرف دیگر از مقصد به مبدأ. همانطور که در قسمت قبلی هم اشاره شد ترانسپورت نقش بسیار مهمی در کاهش مصارف و انتقال کالاها دارد پس می توان با ایجاد شاهراه های حلقوی علاوه بر کاهش مصارف به بهبود ترانسپورت داخلی کمک نموده تا کالاهای صادراتی و وارداتی زودتر به مقاصد خود برسند.



۲،۱۷،۲،۱۵،۶ ایجاد سیستم کنترل کننده کیفیت کالاها و خدمات

متأسفانه در گمرکات کشور سیستم کنترل کیفیت صحیحی وجود ندارد و کالاهای بسیار زیادی با کیفیت بسیار پایین و یا کالاهای فاسد شده و بدردنخور وارد میشوند که این می تواند تجار را متضرر سازد. برای جلوگیری از این معضله باید سیستم کنترل کیفیت درستی وجود داشته باشد تا فقط کالاهای مرغوب وارد شود.

۲،۱۷،۲،۱۵،۷ سیاستگذاری صحیح و منطقی در مورد تعرفه ها و مالیات های گمرکی

دولت می تواند برای بهبود وضع بیلانس تجارت (مثبت تر کردن آن) و بهبود وضع اقتصادی جامعه از سیاستهای خود استفاده نماید. البته اگر این سیاستها منطقی نباشد و بوسیله افراد متخصص اخذ نشود ممکن است نتیجه برعکس بدهد. بعنوان مثال دولت می تواند بالای کالاهای تجملی و لوکس و کالاهای غیر ضروری وارداتی تعرفه زیادتری وضع نماید تا از ورود بیش از اندازه آنها جلوگیری شود و برعکس بالای کالاهای ضروری و کالاهایی که جز احتیاجات اولیه مردم هستند مانند مواد غذایی تعرفه کمتری وضع نماید تا در مردم بتوانند در آسایش زندگی کنند. زیرا که تعرفه های گمرکی مستقیماً بالای قیمت عرضه کالاها تأثیر می گذارد و اگر کالاهای لوکس گران تر شوند آنچنان مهم نمی باشد که کالاهای ضروری گران شوند.



۲،۱۷،۲،۱۵،۸ سهمیه بندی صادرات و واردات کشور

در راه حل قبلی اگر میزان این تعرفه ها با توجه به میزان تولیدات داخلی و میزان سرمایه گذاری در کشور افزایش و یا کاهش پیدا نکند و صرف ضروری و غیرضروری بودن آنها در نظر گرفته شود، به ضرر تولیدات داخلی و وضع اقتصادی جامعه خواهد بود. بعنوان مثال اگر کالاهایی زیاد وارد شود که در داخل کشور نیز تولید میشود این به ضرر تولیدکنندگان داخلی است و باید این نوع کالاها سهمیه بندی شوند یعنی فقط تا یک حد معینی وارد شوند یعنی مقداری که میزان تقاضایی را که تولیدات داخلی نمی توانند پوشش دهند وارد شود و بیشتر و یا کمتر بودن آن ممکن است به اقتصاد جامعه لطمه بزند و یا همچنین نباید کالاهایی را که مورد ضرورت جامعه است و در داخل کشور تولید میشود بدون دلیل صادر شود و صادرات کشور هم باید سهمیه بندی شود زیرا که باز هم این امر موجب تورم در جامعه خواهد شد.

۲،۱۷،۲،۱۵،۹ تطبیق سیستم اداری درست و قانونی

امروزه سیستم اداری افغانستان مخصوصاً در بخش گمرکات بسیار فاسد است و این حقیقت تلخی است که باید گفته شود. در بعضی از موارد قوانین این سیستم کاملاً اشتباه است و باید از ریشه اصلاح و یا عوض شود و در بسیاری از موارد هم قوانین به صورت درست تطبیق نمی شوند. دولت باید پستهای مربوطه را به کسانی بسپارد که امین وی هستند و خیانت در امانت انجام ندهند و کارهای خود را به صورت صحیح و درست انجام دهند و همچنین یک مروری بر قانون اداری خود داشته باشد و نقصهای آن را رفع نمایند.



۲،۱۷،۲،۱۶ احکام مقدماتی مقررات صادرات و واردات افغانستان

احکام مقدماتی مقررات واردات و صادرات ماده ۱: ارزش گمرکی i. مسئولین گمرکی محصول اموال را به اساس مجموع قیمت خرید، کرایه و بیمه (CIF) نظر به تعریف سازمان تجارت جهانی (WTO) به قیمت گمرکی، اخذ می دارند. ii. در صورت عدم موجودیت یا مشکوک بودن بیجک، گمرکات قیمت اموال را ارزیابی نموده و یا ارائه مدارک بدیل تجارتي را مجاز قرار می دهند تا بدین وسیله ارزش اظهار شده مورد تأیید قرار گیرد. iii. جهت تعیین ارزش اموال هیچ نوع حق الزحمه از طرف مقامات گمرکی به منظور تحصیل محصولات گمرکی، اخذ نمیگردد. iv. وارد کنندگان الی ۱۸ ماه آینده از تاریخی که از طرف وزیر مالیه تعیین گردیده می تواند از سیستم بیجک پروفورمه موجود که توسط اتاقهای تجار صادر می گردد، برای تعیین ارزش اموال خویش استفاده نمایند. ادارات گمرکی حق الزحمه یا جریمه را از وارد کنندگان در صورت عدم موجودیت بیجک پروفورمه اخذ نمی نمایند.

۲،۵ فیصد حق العمل توسط اتاقهای تجارت بهای بیجک پروفورمه، و ۱۰ فیصد به منظور نداشتن بیجک پروفورمه توسط گمرکات تحصیل نمی گردد. v. اتاقهای تجارت مکلف به تعیین ارزش اموال با استفاده از نرخ تبادله رسمی به منظور طی مراحل گمرکی طوری که در فقره دوم این ماده تصریح گردیده می باشد. vi. ارزیابی گمرکی اموال مبنی بر قیمت اموال به اضافه حق بیمه و مصارف حمل (CFI) تعیین می گردد. vii. ریاست عمومی گمرکات وزارت مالیه دولت انتقالی اسلامی افغانستان صلاحیت تام ارزیابی نرخ گمرکی اموال وارداتی و صادراتی را در خلال ۱۸ ماه بعد از تاریخ تعیین شده توسط وزارت مالیه به دست خواهند آورد.

viii. ادارات گمرکی می توانند ارزیابی گمرکی را که محاسبه آن به اساس (CFI) و با استفاده از نرخ رسمی تبادله افغانی طوریکه در فقره ۲ تصحیح گردیده تعیین نمایند. ماده ۲: نرخ تبادله اسعار i. ارزش گمرکی اموال که تابع محصول گمرکی می باشد، به اساس نرخ تبادله اسعار که از جانب افغانستان بانک به دفاتر گمرکی سپرده می شود تعیین می گردد. ii. نرخها به اساس قیمت تبادله افغانی در بازار آزاد در آخرین روز رسمی هر ماه تعیین می گردد. iii. نرخها از روز ششم ماه متعاقب می گردد و الی روز



ششم ماه متعاقب ادامه می یابد. ماده ۳: جواز وارداتی ماده ۴: اسناد تصفیه گمرکی i. اسناد تصفیه گمرکی افغانستان اظهارنامه گمرکی که به نام اسناد تصفیه گمرکی افغانستان (ACCD) مسمی می باشد، عبارت از اسناد واحد اداری بوده که جهت تصفیه اموال در گمرکات به کار می رود. اسناد تصفیه گمرکی افغانستان در صورتی لازم است، که ارزش اموال از ۵۰۰ دلار متجاوز (قیمت اموال به اضافه حق بیمه و مصارف حمل / CIF)، یا ارزش اموال کمتر از قیمت فوق گردد و تصفیه با معافیت را متعاقب اهداف قانونی تقاضا نماید. این فورم را می توانید از دفاتر گمرکات به قیمت ۲۰ افغانی فی فورم که مشتمل بر ۵ ورق می باشد، به دست آورید. ii. طرز العمل ساده شده اظهارنامه برای مسافری در خصوص مسافری که به افغانستان همراه یا بدون لوازم سفرشان می آیند و ارزش اموال آنها کمتر از ۵۰۰ دلار باشد، باید طرز العمل ساده شده اظهارنامه مسافری را استفاده نمایند. ماده ۵: آسان ساختن سیستم تعارفاتی برای مسافران در خصوص مسافران که به افغانستان می آیند، باید نرخ ثابت محصولات گمرکی بر اموال که جهت استفاده شخصی وارد شده و اندازه آن از معافیت محصولاتی تجاوز می نماید، و نیز بر اموال که جهت استفاده تجارتي وارد می گردند، وضع گردد. ماده ۶: تصفیه اموال از طریق گمرکات i. فقط کمیسیونکاران گمرکی که دارنده جواز از جانب وزارت مالیه می باشند، صلاحیت تصفیه اموال وارداتی و صادراتی را در گمرک دارند. ii. این قواعد و طرز العمل از تاریخ ۲۷ جدی ۱۳۸۲ در دفاتر گمرکات در کابل، افغانستان نافذ و طی سال ۱۳۸۳ به صورت مرحله وار در سایر ولایات تطبیق خواهد گردید. iii. اشخاص دارنده جواز کمیسیونکاری گمرک می توانند به یکی از اشکال ذیل فعالیت نمایند: کمیسیونکار عمومی که برای مشتریان به نام خود ایشان خدمات تصفیه اموال وارداتی و صادراتی را در گمرکات فراهم می سازد و جهت انجام چنین خدمات فیس اخذ می نماید، یا کمیسیونکار خصوصی که خدمات تصفیه گمرکی اموال را صرف برای خود انجام دهد. i. افراد عادی می توانند تصفیه گمرکی اموالشان را بدون استفاده از کمیسیونکار خود انجام دهند. در صورتی که اموالشان به منظور شخصی وارد شده تجارتي نباشد همچنان ارزش اموال مذکور نباید بیش از قیمت تعیین شده وزارت مالیه برای اموال وارداتی و صادراتی باشد. چنین اموال



می توانند در جمله توريد غير رسمي به حساب بيايند. ۷- هر گاه در يك گمرک کميسيونکار موجود نباشد، افراد عادي می توانند که تصفيه گمرکی اموالشان را خود انجام دهند. به شرطی که اموال به محموله وارد شده و ارزش آن بیشتر از قيمت تعيين شده وزارت ماليه برای اموال وارداتی و صادراتی نباشد. چنین اموال نیز می توانند در جمله توريد غير رسمي به حساب بيايند. ماده ۷:

تعزیرات i. توريد وسائل مخابراتی تابع دساتير و مقررات وزارت مخابرات می باشد. ii. توريد ادويه جات تابع دساتير و مقررات وزارت صحت عامه می باشد. iii. توريد غذا و مواد خوراکی تابع دساتير و مقررات وزارت صحت عامه می باشد. iv. توريد اسلحه، مهمات و وسائل نظامی تابع دساتير و مقررات وزارت دفاع می باشد. v. صدور محصولات زراعتی تابع مقررات و دساتير وزارت زراعت می باشد. vi. صدور معادن و صنايع خفیفه تابع مقررات و دساتير وزارت معادن و صنايع می باشد. vii. صدور پوستين حيوانات گوشتخوار تابع مقررات و دساتير وزارت تجارت می باشد. ماده ۸: ممانعت ها ورود اموال ذیل در افغانستان ممنوع می باشد:

* نوشابه های الکولیک * خوک زنده * گوشت و مواد خوراکی خوک * چربی خوک * تخم پنبه * مواد مخدره ماده ۹:

معافیت اموال وارد شده در بعضی موارد ذیل از محصول گمرکی معاف گردیده می توانند:

* ذریعه اسناد معتبر حقوقی مانند:

فرمان ریاست جمهوری، قوانین، مقررات و موافقتنامه های دولتی. * موافقتنامه ها یا میثاقهای بین المللی تصویب شده. * ارائه درخواست، مبنی بر معافیت اموال از محصولات گمرکی در مواردیکه قانون تصریح نموده باشد. * ترتیب فورم خاص منظور شده جهت درخواست معافیت از گمرک مربوطه. i. معافیت اعطا شده ذریعه قانون گمرکات الف- اقلام مساعدتی که توسط موسسات خیریه بین المللی و همچنان اقلامی که جهت تمویل پروژه های دولتی از طریق اعطای قروض وارد می گردد. ب- ماشین آلات زراعتی، واطر پمپها، نسل گیری حیوانات وحشرات دارای نسل خالص، کود، تولیدات و ترنری وارد شده در افغانستان بعد از منظوری مقامات ذی صلاح. ج- وسایل و مواد دفتری برای نمایندگی های سیاسی افغانستان، نمایندگان ممالک خارجی و ادارات بین المللی بعد از منظوری مقامات ذی صلاح. د- اموال کارمندان خارجی که در افغانستان مطابق با شرایط قرارداد خویش کار می نمایند. ه-



تولیدات صادره کارخانه های دولتی و- کتب مجلات و اخبار ز- اموال وارد شده توسط اشخاص رسمی و اعضای نمایندگی های آنها.

ح- دارایی شخصی که توسط نمایندگان افغان یا کارمندان بین الملل افغان و اعضای فامیل آنها در خارج استفاده می شود. ط- در مورد اموال مسافری ماده ۵ این طرازنامه قابل تطبیق است. ی- نمونه های تجارتي و تحایف تبلیغاتی ک- بسته های پوستی مطابق به هدیای قانون مربوطه ل- بر علاوه معافیت اقلامیکه در فوق ذکر شد در صورت پیشنهاد وزارت مالیه و منظوری مجلس عالی وزرا ، اقلام مورد نظر دیگری نیز می تواند شامل معافیت گردد. ii. پیشنهاد فورمه درخواستی فورمه درخواستی متشکل از ۵ ورق بوده و از دفتر اعطای معافیت گمرکی در کابل یا در هر یک از گمرکات محلی خریداری شده می تواند. قیمت فورمه درخواستی ۵۰ افغانی می باشد . درخواست کنندگان اجازه دارند تا فورمه ها را خریداری نموده و ذخیره فورمه داشته باشند. iii. خانه پوری فورمه درخواستی اگر برای اموالیکه تحت کنترلی گمرکی قرار دارند ، در تعرفه گمرکی طرز العمل برای معافیت آن موجود نبوده ، درخواست کننده و نماینده آن فورمه درخواستی را ترغیب نموده و ضمیمه آن یک کپی : ۱. اسناد قانونی که از درخواستی حمایت نماید ۲. صورتحسابها یا هر اسناد تجارتي حمل و نقل که برای شناسایی و ارزش اموال لازم باشد رهنمودها جهت خانه پوری نمودن فورمه در عقب آن نوشته شده است. شخص صلاحیت دار به نمایندگی درخواست کننده باید درخواست را بعد از تکمیل آن امضا نماید. iv. تقدیم نمودن درخواست درخواستی باید ب وزارتخانه های مربوطه یا تضمین کننده که مسئول منظوری معافیت به اساس احکام و مقررات قانونی در کشور می باشد ، تسلیم گردد. در صورت منظوری ، وزارت تضمین کننده باید درخواست را در (ستون ۲۳) مهر و امضا نماید . بعدا درخواستی باید به رئیس اعطای معافیت از محصولات گمرکی به نمایندگی وزارت مالیه جهت منظوری تقدیم گردد. (مهر و امضا ستون ۲۴) . درخواستی منظور شده و اظهارنامه گمرکات باید بعدا به دفتر گمرکات در محل ورود ارائه گردد. v. لیست اقلام که مسافر اجازه ورود ان را بدون پرداخت محصول گمرکی دارد ارزش اموال خریداری شده در خارج اضافه تر از (۲۰۰۰) افغانی نباشد. مقدار تولیدات تنباکو از ۱ کیلو گرم اضافه نباشد. لباسهای استفاده شده



شخصی : • پوشاک باب • کمره عکاسی • سوند ریکاردر • رادیو • وسایل سپورتی • وسایل اقامت - این امتیازات تنها برای مسافرانی که سنشان ۱۸ سال یا اضافه تر باشد ، داده شده است. - مسافران که به طور تکرار رفت و آمد می نمایند از این امتیازات برخوردار نمی گردند. - این امتیازات برای عمده طیارات قابل تطبیق نمی باشد. فهرست مطالب : - موقعیت جغرافیایی و انسانی و حکومت - وضعیت جاده ها و فرودگاهها - اوضاع اقتصادی - قانون گمرکی و تجارتی - ثبت شرکت در افغانستان - وضعیت پرداخت مالیات - وضعیت بانک و بیمه - تشکل های صنفی و بخش خصوصی - آمار و شاخص های اقتصادی - واردات و صادرات - برخی از اطلاعات مربوط به قیمت کالا و خدمات - آمار حجم تجاری دو کشور - بازارچه های مرزی - وضعیت پولی - اطلاعات مربوط به انرژی ، ذخایر ، صنعت ، کشاورزی - قانون جدید سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی - موسسه حمایت از سرمایه گذاری و شرایط ثبت شرکت - شرایط و فرم ثبت شرکت تجاری در افغانستان - کشورهای امتیاز دهنده از جهت تعرفه های ترجیحی - فعالیت بخش خصوصی ایران در افغانستان - فرم مربوط به مالیات دهندگان - معرفی دفتر خدمات بازسازی و توسعه افغانستان - اطلاعات مربوط به سایت اینترنتی سازمان ملل متحد - سایت بانک جهانی و نحوه ثبت در آن جهت بهره برداری از اطلاعات - مشارکت کشورها و موسسات بین المللی در بازسازی افغانستان - مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی افغانستان - فهرست یادداشت تفاهم ها و توافقنامه های منعقد شده بین ایران و افغانستان - اسامی معاونین و وزیران هیئت دولت جمهوری اسلامی افغانستان - گزارش عمومی شهر کابل - مرکز افغانستان موقعیت جغرافیایی و انسانی : - افغانستان با بیش از ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت در جنوب آسیا قرار داشته و جزء کشورهای خاور میانه محسوب می گردد. این کشور محصور در خشکی و از سمت شمال با کشورهای ترکمنستان (۷۴۴) ، ازبکستان (۱۳۷) ، تاجیکستان (۱۲۰۶) ، از مشرق با چین (۷۶) ، از جنوب با پاکستان (۲۴۳۰) و از طرف غرب با جمهوری اسلامی ایران به طول (۹۴۵) کیلومتر هم مرز است. از نظر تقسیمات کشوری به ۳۲ استان یا ولایت تقسیم می شود و ۳۵۴ شهر و ۳۱۴۴۰ روستا دارد . کابل ، قندهار ، هرات ، بلخ ، غزنی ، ننگرهار و قندوز از



مهمترین ولایات به شمار می آیند. پایتخت این کشور شهر کابل با جمعیتی بیش از ۲/۸ میلیون نفر است. - از سال ۱۳۸۵ به بعد هیچ گونه سرشماری در افغانستان انجام نشده و کشته شدن حدود یک و نیم میلیون نفر و بی خانمان شدن هشت میلیون نفر ، تخمین آمار جمعیت را با مشکل مواجه ساخته است ، بر اساس اطلاعات و ارقام موجود جمعیت فعلی افغانستان به بیش از ۲۲ میلیون نفر برآورد می گردد که نزدیک به ۵۱ درصد آنها را مردان تشکیل می دهند. حدود ۸۰ درصد مردم در روستاها و ۲۰ درصد در شهرها سکنی دارند . اقوام پشتون ، تاجیک ، هزاره و ازبک مهمترین قومیتها محسوب می شوند. - روز ملی : ۱۹ آگوست ۱۹۱۹ - نوع حکومت : جمهوری اسلامی ، رئیس جمهور : آقای احمد کرازی - سال مالی : اول فروردین هر سال خورشیدی - عمده ترین جاده ها : کابل - قندهار - اسپین بولدک ۶۲۱ کیلومتر جاده کابل - تورخم ۳۳۲ کیلومتر ، قندهار - هرات ۶۷۸ کیلومتر ، هرات - اسلام قلعه ۱۲۴ کیلومتر ، کابل - مزار شریف ۶۲۱ کیلومتر (جاده کابل به قندهار آسفالت گردیده و جاده هرات به اسلام قلعه نیز توسط ایران ساخته و آسفالت شده است). - افغانستان به دریای آزاد راه نداشته و فاقد بندر کشتیرانی است ، در این کشور راه آهن نیز کشیده نشده است ، دارای ۴۶ فرودگاه است که ۱۰ فرودگاه دارای باند آسفالت بوده و فرودگاه کابل دارای پروازهای بین المللی و شهرهای هرات ، قندهار و مزار شریف دارای سرویسهای هوایی می باشد ، دو شرکت افغانی آریانا و کام ایر پروازهای داخلی و خارجی انجام می دهند. اوضاع اقتصادی سیاست اقتصادی دولت افغانستان موقعیت جغرافیایی افغانستان ، محاط بودن در خشکی و قرار گرفتن این کشور در مسیر جاده ابریشم ، به صورت سنتی موجب گرایش این کشور به تجارت گردیده است. همچنین موانع موجود در افغانستان عدم وجود امکانات زیربنایی ، عقب افتادگیهای ناشی از جنگهای چندین ساله ، اقتصاد این کشور در بخشهای کشاورزی ، دامداری و صنعت نه تنها رشدی نداشته بلکه بسیار عقب مانده است. مزیت کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن به بسیاری از نقاط که درآمد قابل ملاحظه ای را در بر داشته است این کشور را از دیگر زمینه های کسب درآمد غافل نموده است. فشارهای جامعه بین المللی به دولت افغانستان مبنی بر چپم پوشی از منافع سرشار کشت ، ترانزیت و قاچاق تریاک ،



شرایط کوهستانی منطقه که اجاره کشت و زرع مکانیزه را در حد وسیع نمی دهد و همچنین مشکل دسترسی فوری به تکنولوژی و ایجاد صنایع مادر و ... باعث شده است تا استفاده از مزیت تجارت و محوریت آن در افغانستان در سرلوحه برنامه های دولت قرار گیرد. انجام امور ساختاری و زیربنایی مانند تصویب قانون بانکداری، سرمایه گذاری، تعدیل تعرفه های واردات کالا، حفظ ارزش پول جدید کشور بازرنگری و تغییر مقررات تجاری و گمرکی و علاوه بر آنها توافقات دو یا چند جانبه با کشورهای ایران، پاکستان، هند، تاجیکستان، ازبکستان و ... زمینه ساز اجرایی شدن سیاست های فعلی این کشور در جهت مرکزیت تجارت منطقه است. مقامات این کشور با استفاده از مزیت های منطقه محور سیاست های خود را تجارت و ترانزیت قرار داده و با هدف بستر سازی به منظور جلب سرمایه گذاری خارجی کوشش می نماید تا امتیازاتی را جهت سرمایه گذاران خارجی ایجاد کرده و خواستار آن هستند که در آینده نزدیک با استفاده از این گونه سرمایه گذاری ها کارخانجات صنعتی در افغانستان ایجاد و تولیدات آنها را به نام کالاهای افغانی به دیگر کشورها صادر نمایند و در این رابطه به منظور فراهم نمودن تسهیلات بیشتر از کمک کشورهای فعال در بازسازی افغانستان استفاده نموده و تمام یا بخشی از تعرفه های صادرات کالاهای افغانی به برخی از کشورها را به صفر رسانیده و یا کاهش قابل توجه داده اند. انتقال و ترانزیت کالاهای کشورهای آسیای میانه از طریق افغانستان به عنوان پل ارتباطی به آب های گرم که از جمله نیاز اساسی کشورهای آسیای میانه بوده و همچنین صادرات مجدد کالا از جمله سیاست های مقامات افغانی بوده که در این راستا بنادر عباس و چابهار ایران و گوادر پاکستان گزینه های مورد توجه آنها بوده و درصد کسب امتیازات بیشتری هستند که از سوی دو کشور همسایه در نظر گرفته می شود و طبیعتاً گرایش آنها به سمتی خواهد بود که امتیاز بیشتری کسب نمایند. قانون گمرکی و تجارتی قانون گمرک افغانستان با اقتباس از مقررات گمرکی ایران در حال تغییر می باشد. وزیر وقت مالیه افغانستان در نامه ای به تاریخ ۸۲/۳/۱۹ عنوان معاون گمرکات و عواید، تعدیل تعرفه های گمرکی را اعلام و تاریخ اول فروردین ۸۳ را جهت تطبیق و اجرا تعیین نموده است. این تغییرات به شرح ذیل می باشد: ۱. عوارض گمرکی مصالح ساختمانی، البسه،



کفش ، مواد غذایی و دارو ۲/۵ درصد ۲. مواردی که در گذشته بر اساس وزن برای آنها تعرفه تعیین گردیده است در حال حاضر شامل گروه ۲/۵ درصدی می گردد. ۳. کالاهایی که در تعرفه های قبل بر اساس بیجک از ۱ الی ۱۵ محاسبه می شد در تعرفه جدید شامل ۲/۵ درصد می گردد. ۴. مجموعه عوارض تعرفه های قبلی در تعرفه های جدید به ترتیب ذیل تغییر یافته است : الف - از ۱ تا ۱۵ درصد به ۲/۵ درصد ب- از ۱۶ تا ۶۰ درصد به ۵ درصد ج- از ۶۱ تا ۱۰۰ درصد به ۱۰ درصد د- از ۱۰۱ تا ۱۵۰ درصد به ۱۶ درصد - آخرین اطلاعات و تغییرات که از وزارت مالیه افغانستان دریافت شده است : ۱. تعرفه گمرکی مطابق سیستم هماهنگ (HS) تنظیم گردیده است. ۲. کالاهای صادراتی طبق فرمان ریاست دولت تا پایان سال ۱۳۸۳ از عوارض گمرکی معاف می باشند. ۳. عوارض گمرکی (محصول) کالا بر اساس قیمت (CIF) و نرخ تبدیل ارز در افغانستان بانک محاسبه می شود. ۴. مالیات کارهای وارداتی از قرار ۵ درصد می باشد. ۵. محصول (عوارض) کالاهای وارداتی سرمایه ای (4 Capital Goods) درصد و لوازم تجملی ۱۶ درصد است. ۶. محصول گازوئیل و بنزین ۸ درصد محاسبه می گردد. ۷. برای واردات کالا ثبت سفارش وجود ندارد. ۸. ترخیص کالا در گمرک توسط کمیسیونکار گمرکی که از طرف وزارت مالیه مجوز کسب نموده باشد صورت می گیرد و این پروسه فعلا در گمرک کابل اعمال و سپس در سایر گمرکات رعایت خواهد شد. ۹. طی مراحل گمرکی به نسبت گذشته آسانتر و مدت زمان کمتر نیاز دارد - کالاهایی که واردات آنها به افغانستان ممنوع و یا طبق بخشنامه یا فرمان خاص فعلا ممنوع و یا محدود گردیده است :

۱. خوک زنده ، روغن و چربی خوک ، گوشت و مواد غذایی از خوک ، نوشابه های الکلی، مواد مخدرو پنبه دانه ۲. با توجه به تعرفه های ترجیحی هند (مغز بادام و پسته) فعلا ممنوع شده است. ۳. بر اساس نامه شماره ۲۸ مورخ ۸۳/۳/۳ فرماندهی امنیت کابل واردات سیلندرهای پر شده از گاز به علت خطرات مالی و جانی ممنوع است. ۴. بر اساس نامه شماره ۷۳۸ مورخ ۸۳/۵/۱۸ وزارت برق (وزارت انرژی و آب) واردات لامپهای پر مصرف تنکستن ممنوع است ۵. بر طبق نامه ۱۰۰۶ مورخ ۸۳/۵/۱۸ وزارت معادن مصالح ساختمانی که در کشور تولید می گردد از قبیل گچ ، ماسه درشت مربوط به زیرسازی آسفالت ،سنگ ساختمان و نمک



سنگ ممنوع شده است. ۶. بر طبق نامه شماره ۴۴۸۸ مورخ ۸۲/۲/۲۸ شورای علمای ستره محکمه ورود پوسترها و عکسهای برهنه ، وسایل قمار و مشروبات الکلی ممنوع است. ۷. بر اساس نامه شماره ۱۹۱۵ مورخ ۸۳/۱/۸ ریاست عمومی اتاقهای تجارت و صنایع افغانستان کالاهایی که واردات آنها برای این کشور ضرورت چندانی ندارد از قبیل ناخن و مژه مصنوعی ، تیل ، بادکنک ، ماشینهای لوکس ، تفنگ شکاری و .. ممنوع گردیده است. ۸. طبق نامه شماره ۱۹۱۵ مورخ ۸۳/۲/۳۰ وزارت صحت عامه (بهداشت و درمان) ۱۲ قلم از شیرینی های مضر برای اطفال ممنوع شده است. ۹. براساس نامه شماره ۱۰۵ مورخ ۸۳/۱/۹ وزارت زراعت و مالداری واردات مرغ زنده مریض و گوشتهای غیر بهداشتی ممنوع گردیده است. ۱۰. با توجه به مگاتبه سازمان محیط زیست نیز واردات برخی از داروهای حشره کش که با تولید گاز سمی موجب آلودگی محیط زیست می گردند با محدودیتهایی مواجه است (به جز بند یک که در کتاب تعرفه های گمرکی افغانستان بر ممنوعیت آنها تاکید شده است محدودیت سایر موارد به استناد مکاتبات وزارتخانه ها ، مقطعی بوده و ممکن است مجدداً با تغییراتی مواجه گردد.) - قانون جدید سرمایه گذاری داخلی و خارجی که در سال گذشته تصویب گردیده مجدداً در حال بازنگری است . در قانون فعلی امتیازات ویژه ای برای سرمایه گذاران خارجی در نظر گرفته شده که موجب اعتراض برخی از تجار و سرمایه گذاران داخلی شده است به این دلیل که آنها از چنین امتیازاتی برخوردار نیستند. - موسسه حمایت از سرمایه گذاری افغانستان (آیسا) مسئول ارائه خدمات به سرمایه گذاران داخلی و خارجی را به عهده دارد . این موسسه دولتی که به شکل یک موسسه خصوصی اداره می شود و با حمایت و کمک مالی کشور آلمان ایجاد شده ، جهت تسهیل سرمایه گذاران خدمات ویژه ای را ارائه می کند . بنا بر اعلام موسسه مذکور از تاریخ ۸۲/۹/۱ لغایت ۸۳/۱۰/۳۰ تعداد ۲۶۳۱ شرکت سرمایه گذار داخلی و خارجی با سرمایه ابتدایی ۱۲۳۰۰۳۸۶۴۵ دلار به ثبت رسیده است که از این تعداد ۱۲۰۹ شرکت با سرمایه ۵۱۰۷۴۳۵۴۴ دلار در بخش ساختمان و ۹۱۱ شرکت با سرمایه ۲۷۵۲۰۱۲۲۱ دلار در بخش صنعت و ۱۰۶ شرکت با سرمایه ۶۲۹۹۱۶۹۰ دلار در بخش کشاورزی و ۴۰۵ شرکت با سرمایه ۳۸۱۱۰۲۱۹۰ دلار نیز در زمینه خدمات به فعالیت اشتغال



دارند، بنا به ظاهر این موسسه ۳۴ کشور در افغانستان سرمایه گذاری نموده اند و جمهوری اسلامی ایران با توجه به تعداد شرکت فعال (۳۰ شرکت ایرانی و چهار شرکت ایرانی-افغانی) و میزان سرمایه ابتدایی ثبت شده در بین ۵ کشور ردیف اول (ایران- چین - ترکیه - آمریکا - پاکستان) قرار دارد در بین سرمایه گذاران خارجی موسسه آغاخان ، هایت هتل و استاندارد چارتر بانک و آراین بانک بالاترین میزان سرمایه گذاری را داشته اند. لازم به توضیح است که تعدادی از شرکتهای بالاخص ایرانی که به صور مختلف در افغانستان سرمایه گذاری و فعالیت می نمایند در موسسه فوق اشاره ثبت نشده و همچنین برخی کشورهای خارجی و ایرانی که به منظور انجام سرمایه گذاری با طرفهای افغانی به تفاهم رسیده و بعضا ارقام سرمایه مورد نظر آنها نیز در جراید درج و یا از زبان مسئولین بیان گردیده است به علت عدم شروع فعالیت در محاسبات این موسسه نیامده است از جمله اینگونه سرمایه گذاریها ایجاد کارخانه کوکاکولا توسط آمریکا و پروژه راه اندازی کارخانه سیمان توسط شرکت هایدلبرگ آلمان می باشد. علاوه بر شرکتهای افرادی که در زمینه سرمایه گذاری در اداره آيسا به ثبت رسیده اند وزارت تجارت این کشور نیز برای ان دسته از تجار و شرکتهای داخلی و خارجی که فعالیت تجاری را پیشه خود نموده اند جوازنامه تجارتی صادر می نماید که می توان آن را با کارت بازرگانی در کشور خود مقایسه نمود، تاجر خارجی که علاقمند به کار در افغانستان باشند می توانند با مراجعه به اداره صدور جوازنامه تجاری در وزارت تجارت مراجعه و با ارائه مدارک لازم از جمله گواهی سوء پیشینه ، نامه بانک ایرانی دال بر اعتبار صاحب حساب ، (مهمور به مهر اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه) و اعلام سرمایه اولیه حداقل یکصد هزار دلار ، درخواست جوازنامه تجاری نمایند . هزینه های مربوط به اخذ مجوز که تاکنون توسط متقاضیان ایرانی با سرمایه یکصد هزار دلار پرداخت شده است به این شرح می باشد : ۱. واریز ۱۴۰۰ دلار به حساب وزارت تجارت (یک در صد حق الثبت، ۴۰۰ دلار قیمت جواز) ۲. واریز ۵۰۰۰۰ افغانی (حدود ۱۰۰۰ دلار) به حساب مستوفیت کابل ۳. واریز ۱۸۵۰ افغانی به حساب وزارت تجارت (حق الامتیاز ۱۰۰۰، فتوکپی ۲۰۰، حق المهر ۲۵۰، پروفورم ۴۰۰) ۴. پرداخت ۱۰۰ دلار به محکمه تجاری ۵. انتشار در روزنامه رسمی ۷۰۰ افغانی بر اساس



اعلام وزارت تجارت این کشور بالغ بر ۱۰۰۰۰ جوازنامه تجاری تاکنون صادر گردیده است. قوانین و مقررات تجارت افغانستان تحت عنوان اصولنامه تجارت مربوط به سال ۱۳۳۴ خورشیدی است و تصویب قانون جدید و یا تغییرات اساسی در قانون قدیم در برنامه کار دولت قرار دارد. - ماده نهم قانون مالیات بر عایدات در افغانستان، بر دریافت مالیات از شرکتها و افرادی که در این کشور فعال بوده و در آمد کسب می نمایند صراحت دارد، ماده (۷۲ و ۷۳) این قانون، تابع مالیات معاملات انتفاعی بوده و نظر به نوع فعالیت (۱۰، ۵، ۲) درصد و حکم ماده (سوم) قانون متذکره تابع (۲۰) درصد مالیات بر عایدات قرار می گیرد. طبق ماده ۴۱ قانون مالیات بر عایدات تمام شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مکلف به ارائه بیان فعالیت سالیانه خود در موعد مقرر که در ماده ۹۳ تصریح گردیده است می باشند. جهت اطلاعات بیشتر می توان به وب سایت (www.mof.gov.af) مراجعه نمود. قانون بانکداری جدید نیز در سال گذشته تصویب و تاکنون ۱۱ بانک خارجی و خصوصی (سرمایه گذار افغانی) مجوز فعالیت گرفته و تعدادی از آنها فعالیت بانکی را نیز شروع نموده اند. (اسامی بانکها شامل: بانک استاندارد چارتر، بانک آغاخان، نشنال بانک پاکستان، حبیب بانک پاکستان، پنجاب نشنال بانک هند و ۴ بانک با سرمایه گذاری داخلی) و بانک ایرانی آراین که مشارکت بانکهای صادرات و ملی ایران با سرمایه ده میلیون دلار در افغانستان به ثبت رسیده است کار خود را از تاریخ ۸۳/۹/۳۰ در کابل آغاز نموده است. علیرغم تصویب قانون جدید بانکی هنوز فعالیت بانکها کامل نبوده و کماکان گشایش اعتبار به نفع خریدار و بالعکس انجام نمی پذیرد. بانک آراین نیز این اقدام را در دستور کار آینده خود قرار داده است، (صدور حواله در اغلب بانکها انجام می گیرد). بیمه افغانستان: بیمه ملی افغانستان به عنوان تنها شرکت بیمه دولتی در حال حاضر فعالیت دارد و البته فعالیت آن فقط در بخش بیمه ثالث می باشد. بیمه ملی افغانستان به منظور تجدید ساختار و گسترش فعالیت در زمینه های تجاری از بیمه مرکزی ایران و همچنین سایر شرکتهای بیمه کشورمان درخواست مساعدت نموده است لیکن به دلیل عدم تصویب قانون مشخصی در رابطه با بیمه این کشور، نحوه همکاری و یا مشارکت از سوی طرف افغانی تعیین نگردیده است. تشکلهای صنفی و بخش خصوصی اتاقهای تجارت و صنایع



افغانستان در کابل و مراکز استانها فعال می باشند و به عنوان نماینده بخش خصوصی مطرح هستند ولی رئیس اتاق مرکزی توسط وزیر تجارت انتخاب می شود. اخیرا انتخابات اتاقهای تجارت در کابل و برخی شهرها برگزار و رئیس هیئت مدیره اتاق توسط اعضا انتخاب شده اند. اتاق تجارت بین المللی افغانستان نیز در تاریخ ۳۱ ژانویه سال میلادی جاری گشایش یافت. این اتاق که با اهداف وسیعی از جمله زیر چتر قرار دادن اتحادیه های مختلف در افغانستان، آموزش، کمک به سرمایه گذاران کوچک و ایجاد روابط مناسب با کشورهای کمک کننده به افغانستان و ... کار خود را آغاز نموده است از کمک اداره توسعه بین المللی آمریکا (USAID) برای مدت یک سال بهره مند خواهد بود. (قانون اتاقهای تجارت و صنایع افغانستان مربوط به سال ۱۳۶۶ و در زمان جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده که فعلا نافذ و قرار است با قوانین جدید تطبیق داده شود). اتحادیه های صنفی نیز در افغانستان وجود دارند که بعضا فعال و برخی نیز فعالیت چندانی ندارند که از جمله آنها شورای مرکزی اتحادیه پیشه وران، اتحادیه صنعتکاران، اتحادیه قالی بافان، اتحادیه ترانسپورت و ... است. آمار و شاخص های اقتصادی افغانستان - بودجه جاری سال ۸۳: ۶۰۸ میلیون دلار در حدود ۵۱ درصد در آمد داخلی و نابقی از محل کمکهای کشورها - بودجه بازسازی: ۴/۴ میلیارد در سال ۸۳ بر اساس تعهدات اجلاس برلین (۸/۲ میلیارد دلار برای سه سال تا سال ۸۵) - تولید ناخالص داخلی: ۴ میلیارد دلار بدون در آمد کشت خشکاش - در آمد سرانه: ۲۰۰ دلار - واردات سال ۸۱: ۲/۴۵۲ میلیارد دلار - صادرات سال ۸۱: ۱۰۰ میلیون دلار - واردات سال ۸۲: ۲/۱۰۱ میلیارد دلار - صادرات سال ۸۲: ۱۴۴ میلیون دلار - واردات از کشورهای خارجی: پاکستان (۱۸۱ میلیون) ژاپن (۲۹۹ میلیون دلار) هند (۱۲۲ میلیون دلار) چین (۳۸۲ میلیون دلار) آلمان (۸۴ میلیون دلار) ترکمنستان (۱۴ میلیون دلار) کنیا (۵۵ میلیون دلار) و کره جنوبی (۲۲ میلیون دلار) - صادرات به کشورهای خارجی: پاکستان (۹۹ میلیون دلار) هند (۱۱ میلیون دلار) آلمان (۲ میلیون دلار) روسیه (۸ میلیون دلار) انگلستان (۳ میلیون دلار) - ترکیب کالاهای صادراتی: خشکبار ۷۵٪، فرش ۱۴٪، میوه ۶٪ و سایر کالاها ۲۰٪ ترکیب کالاهای وارداتی: ماشین آلات و تجهیزات (۴۷۸ میلیون دلار) نفت و فرآورده های



نفتی (۴۱ میلیون دلار) آهن آلات (۸۵ میلیون دلار) مواد شیمیایی (۲۲۰ میلیون دلار) مصالح ساختمانی (۴۵ میلیون دلار)

کاغذ (۳۰۸ میلیون دلار) منسوجات (۱۸ میلیون دلار) مواد غذایی (۳۰۸ میلیون دلار) سیگار و نوشابه های غیر الکلی (۳۶ میلیون دلار) پوشاک و کفش (۳۴۰ میلیون دلار) لوازم خانگی ، دارو ، لوازم آرایش و ادویه جات (۵۲۵ میلیون دلار) (منبع آمار رسمی مرکز افغانستان) - ذخایر گاز : ۴۹ میلیارد مکعب - نیروی کار : ۱۰ میلیون نفر - دستمزد کارگر ساده : ۴ تا ۵ میلیون دلار - دستمزد کارگر متخصص : ۱۰ تا ۱۴ دلار - سیمان هر کیسه : ۴ تا ۵ دلار - میلگرد هر تن : ۶۵۰ دلار - برزین هر لیتر : ۲۵ افغانی - گازوئیل هر لیتر : ۲۴ افغانی - نفت هر لیتر : ۲۰ افغانی - سیم کارت تلفن همراه (افغان بیسیم) ۷۵ دلار - سیم کارت تلفن همراه (روشن) : ۵۰ دلار - نان هر عدد : ۸ افغانی - آب معدنی ۱/۵ لیتری هر عدد : ۲۵ افغانی - گوشت گوسفند (ران) هر کیلو ۱۹۰ تا ۲۰۰ افغانی - گوشت گوساله هر کیلو ۱۵۰ افغانی - برنج مرغوب پاکستانی هر کیلو ۲۸ افغانی - روغن مایع مرغوب هر لیتر ۲۱۴ افغانی - مرغ منجمد برزیلی هر کیلو ۱۳۰ افغانی - (هر افغانی حدود ۱۸ تومان) آمارهای حجم تجاری دو جانبه (ایران و افغانستان) - آمار صادرات کالا در سال ۸۲ افغانستان ۲۳۹/۷ میلیون دلار. ترانزیت کالا در سال ۸۲ به افغانستان ۳۵۴۹ میلیون دلار - آمار صادرات کالا در سال ۸۱ به افغانستان ۱۳۵/۳ میلیون دلار - واردات در سال ۸۲ از افغانستان ۱/۱ میلیون دلار - واردات در سال ۸۱ از افغانستان ۲۴۰ هزار دلار (ماخذ : وزارت اقتصاد و دارایی) - میزان واردات کالا و ترانزیت از ایران در سال ۸۲ به یک میلیارد دلار رسیده است. (به نقل از وزیر تجارت افغانستان) بازارچه های مرزی - صادرات و واردات بازارچه های مرزی با افغانستان به شرح ذیل است : - صادرات سال ۸۱ : ۳۱۱۴۴۹۱۹ دلار (واردات آماری اعلام نشده) - صادرات سال ۸۲ : ۷۹۷۸۷۷۹۵ دلار - واردات : ۱۰۴۴۱۴۲ دلار - عمده کالاهای صادره از بازارچه های مرزی به افغانستان شامل : مصنوعات فلزی و ابزار آلات صنعتی حدود ۲۸ درصد ، مواد غذایی حدود ۲۱ درصد ، انواع فرش و موکت و منسوجات حدود ۱۳ درصد ، مصالح ساختمانی حدود ۱۱ درصد ، مصنوعات پلاستیکی حدود ۸ درصد ، لوازم خانگی و صنعتی حدود ۶ درصد ، انواع لوله حدود ۴/۹ درصد ، انواع شوینده ها



حدود ۴ درصد، آهن آلات حدود ۲ درصد - عمده کالاهای وارده به ایران از بازارچه های مرزی شامل تولیدات کشاورزی افغانستان بوده که دوباره پس از فراوری در ایران به سایر کشورها صادر شده است. نظر طرف افغانی در ارتباط با عملکرد بازارچه های مرزی منفی بوده و در جلسات و مذاکرات از روند مبادلات در بازارچه ها انتقاد کرده و فعالیت آنها را مخل روند تجارت دانسته و معتقد هستند که اغلب کالاهای فاقد کیفیت و استاندارد از این طریق به افغانستان وارد می گردد و همچنین بازارچه ها را پوششی برای قاچاق کالا محسوب می نمایند، لذا تاکنون نظر مثبتی در ایجاد بازارچه مقابل ارائه نداده اند. وضعیت پول کشور افغانستان در سال ۸۱ پول جدید این کشور با نام قبلی آن یعنی افغانی توسط کشور آلمان به چاپ رسید، پول جدید با حذف سه صفر به صورت اسکناس ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ افغانی در دسترس مردم قرار گرفت و در یک پروسه زمانی خاص انواع مختلف پولهای قدیمی تعویض و از درجه اعتبار خارج گردید، پول جدید از ثبات نسبتا خوبی برخوردار بوده و بانک مرکزی این کشور تلاش می نماید تا با فروش دلار به صورت قطعی به آن تثبیت بیشتر ببخشد. نرخ خرید چند نوع ارز در مقابل افغانی واحد پول کشور افغانستان در تاریخ ۸۳/۱۱/۲۶ یک دلار آمریکا ۴۹/۶۵ افغانی یک یورو ۶۳/۸۰ افغانی یک پوند انگلیس ۹۲/۵۰ افغانی یک درهم امارات ۱۳/۴۵ افغانی یک هزار تومان ایران ۵۶/۳۰ افغانی یک هزار روپیه پاکستان ۸۳۸ افغانی یک ریال سعودی ۱۳/۲۰ افغانی اقتصاد انرژی در افغانستان تولید و مصرف در افغانستان بسیار محدود است منابع عمده انرژی عبارتند از نفت، گاز، برق و آب و چوب. از این میان رایج ترین ماده انرژی را همچنان انواع چوب است و برای مصارف مختلف از آن استفاده می شود به خصوص در روستاها چوب مهمترین منبع انرژی است. اهمیت افغانستان از نقطه نظر انرژی وابسته به موقعیت جغرافیایی آن است که به عنوان مسیر ترانزیت بالقوه برای صادرات نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی به کشورهای غربی ارتباط برقرار می کند. نفت ذخایر نفت افغانستان ابتدا حدود ۱۰۰ میلیون بشکه تخمین زده شد ولی تحقیقات بعدی مقدار آن را به مراتب بیشتر اعلام کرده است (حدود ۸۰۰ بشکه) کشورهای همسایه برای استخراج نفت افغانستان زمینه هایی فراهم کرده بودند ولی صدور نفت به مرحله



اجرا در نیامد طرح یک پالایشگاه نفت نیز با ظرفیت بیش از پنجاه هزار بشکه در روز در شمال افغانستان در نظر گرفته شده بود که آن هم اجرا نشد. افغانستان مقدار بسیار کمی نفت خامدر میدان نفتی آنگوت تولید می کند که ایم میدان نفتی در استان سرپل واقع شده است. این مقدار نفت که در کارخانه ای در شبرغان تصفیه می شود به عنوان سوخت در کوره های حرارتی مرکزی شبرغان قرار دارد و طی اواسط سال ۲۰۰۱ مورد بازسازی و تعمیر قرار گرفته است مرکز ذخیره و توزیع نفت خام افغانستان در منطقه جلال آباد بین بزرگراه کابل و پیشاور پاکستان قرار دارد. گاز یکی از مهمترین مواد معدنی قابل استخراج در افغانستان گاز طبیعی است در حال حاضر مهمترین ذخیره انرژی کشور گاز می باشد بخش اعظم معادن گاز طبیعی شناخته شد و در سرحدات شمالی افغانستان در مزارشریف، اطراف شبرغان و سرپل قرار گرفته است ذخایر گاز طبیعی افغانستان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد مکعب تخمین زده شده که بعضی از منابع میزان ذخایر آن را تا حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد کرده اند. صادرات گاز در اواخر دهه ۶۰ میلادی ذخیره عظیم گاز طبیعی در شبرغان کشف شد و صادرات آن با احداث خط لوله ای به طول ۱۸۰ کیلومتر در ۱۹۶۷ از طریق جمهوری ازبکستان آغاز شد. از آن زمان تا ۱۹۹۰ سالانه بین ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی استخراج و به جمهوریهای شوروی سابق صادر شده است در اوایل سال ۱۹۹۰ توافقنامه هایی با کشورهای مجارستان، چک، اسلواکی، و چندین کشور اروپای غربی در جهت گسترش تاسیسات گازی مورد بحث قرار گرفت ولی به علت مشکلات داخلی این گفتگوها پیشرفت زیادی در برنداشت. میادین گاز باتیمناکجورقدوق خواجه گوگردت از عمده ترین میادین گاز افغانستان می باشند که همگی در محدوده ۲۰ مایلی شبرغان می باشند که احیای چاههای آسیب دیده در میادین خواجه گوگردت آغاز شده است که موجب افزایش تولید گاز طبیعی خواهد بود. تولید گاز تولید گاز طبیعی افغانستان در اواسط دهه ۱۹۷۰ به ۲۷۵ میلیون فوت مکعب در روز رسیده است در همین زمان میدان گازی جورقدوق مورد بهره برداری قرار گرفت و انتظار می رفت که بازدهی گاز طبیعی این کشور تا اوایل دهه ۱۹۸۰ به میزان ۲۸۵ میلیون فوت مکعب در روز تقویت شود. با توجه به مشکلات موجود کل تولید



این کشور به ۲۹۰ میلیون فوت مکعب رسیده است. خطوط لوله : خطوط لوله در افغانستان بسیار محدود می باشد به نحوی که یک خط لوله از شبرغان به مزارشریف جهت استفاده در نیروگاههای کوچک و کارخانه های کودسازی کشیده شده است و چندین کیلومتر خط لوله در نزدیکی مناطق گازی که گاز را با دیگر مشتقات به نزدیکی روستاهای شبرغان توزیع می نماید. برق حدود ۶۵٪ برق کشور از طریق انرژی هیدرولیک به دست می آید و تنها قسمتی از آن در کارخانه های برق تولید می شود. روسها چندین سد را بر رودخانه کندوز در شمال افغانستان در نظر گرفته بودن که در صورت عملی شدن این طرح قسمت مهمی از نیازهای الکتریسیته افغانستان را تامین می کرد انرژی تولیدی این سدها به شبکه جنوبی برق جمهوری های شوروی سابق می پیوست . اما این طرحها به دلایل اقتصادی ، سیاسی عملا اجرا نشد طبق تخمین سازمان ملل در پایان سال ۱۹۸۲ ظرفیت برق تولید شده ۳۹۴ میلیون واتو در سال ۱۹۷۵ در حدود ۳۲۵ میلیون وات بود. بنابر این رشد تولید بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۷۵ حدود ۱۴٪ بوده است. در سال ۱۹۸۷ ظرفیت برق تولید و مصرف شده ۴۸۰ میلیون وات بوده که سرانه آن برای هر نفر ۱۴۰ کیلو وات ساعت بود. بعد از شروع جنگ درگیریهای داخلی خشکسالی های موجود شبکه برق افغانستان به شدت آسیب دید به نحوی که تولید برق توسط سدهای هیدرولیک افغانستان به سبب خشکسالی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ به شدت کاهش پیدا کرد و منجر به خاموشی در کابل و شهرهای دیگر شد. میزان برق در سال ۱۹۹۹، ۴۸۰ میلیون کیلو وات بوده که از این مقدار ۴۲۰ میلیون کیلو وات در داخل تولید شده و حدود ۶۰ میلیون کیلو وات واردات برق از ترکمنستان را داشته است. برق در افغانستان به صورت فسیلی ۳۴٪ هیدرولیک ۶۵٪ و ۱٪ منابع دیگر تولید می گردد. منابع تولید برق منابع تولید برق در افغانستان با توجه به محدودیت تولید عبارتند از : ۱- سد کجکی که در استان هلمند (نزدیک قندهار) واقع شده است که هم اکنون ۳۳ مگا وات برق تولید می کند و در آینده نزدیک با نصب توربین سوم به ۴۹٫۵ مگاوات خواهد رسید. ۲- سد ماهی پر که در حال حاضر ۶۶ مگاوات برق تولید می کند. ۳- سد داهالا که در استان قندهار قرار دارد و در سال ۱۱/۲۰۰۱ مگا وات تولید برق داشته است. ۴- نیروگاه مزارشریف : که این نیروگاه در



نزدیکی مزارشریف واقع است و از نوع گازی می باشد و با ظرفیت ۳۵ مگاوات در حال تولید برق می باشد. ۵- سد براشناکوت : که فعلا در دست تعمیر است و قابلیت تولید ۱۱/۵ مگاوات برق را دارد. واردات برق : خطوط انتقال نیروی برق از ترکمنستان برای شهرهای شمال غربی افغانستان در حال نصب می باشد و افغانستان قرار است در قبال حق عبور ترانزیت لوله نفت ترکمنستان از این کشور هزینه های آن را پرداخت نماید. معادن معادن افغانستان از لحاظ منابع معدنی کشوری غنی به شمار می رود لیکن اکثر این منابع معدنی بکر و دست نخورده باقی مانده است ولی با توجه به ۲۳ سال جنگ بی ثباتی در این کشور وضعیت استخراج مواد معدنی به حالت تعویق در آمده است . محققین بر این باورند که صادرات مواد معدنی افغانستان میتوانند یکی از منابع اصلی درآمد ارزی این کشور باشد.



بحث درباره مدیریت از دیرباز مورد توجه بوده است؛ زیرا از روزی که بشر پا به عرصه خاک نهاد و با خانواده و قوم و قبیله

زندگی اجتماعی را آغاز نمود، اندیشه مدیریت و سرپرستی همان مجموعه کوچک را در ذهن خود پروراند.

در جهان امروز نیز که علوم، تکنولوژی و دانش پیشرفت نموده و سازمان های بزرگ صنعتی و تولیدی به وجود آمده است،

مهم ترین مسئله، چگونگی اداره مجموعه های عظیم انسانی است.

در این میان، بحران ها، بویژه بحران در مدیریت یک کشور یا سازمان رویدادهای ناگواری هستند که می توانند باعث افول سازمان

شوند. حوادث مختلفی که در دنیای مدرن امروز رخ می نماید، نشان دهنده این واقعیت خطیر است که، ما هیچ گاه نمی توانیم

آسوده باشیم. درمواقع بحرانی خودشیفتگی و رضایت مندی از خود نمی تواند مدیران را در تصمیم گیری اثربخش یاری کند، بلکه

تنها آن ها را آشفته خواهد ساخت. مدیرانی که در شناسایی بحران کوتاهی می کنند و هیچ برنامه ریزی برای آن ندارند، هنگام

بحران دچار گرفتاریهای شدیدی خواهند شد.

در این روزها کسانی که به افغانستان، مردم و وضعیت آن علاقه مند هستند، شاید از خود بپرسند: وضع مدیریت در افغانستان

چگونه است؟ پاسخ به این سؤال نیاز به تأمل زیادی ندارد: وضع در افغانستان بحرانی است. ولی یک سؤال غم انگیزتر دیگر خلق

می شود که ممکن است کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد: آیا افغانستان در بحران فرو می رود، یا در حال گذر از بحران است؟



به چه دلیل یا دلایلی افغانستان، در تلاش برای نجات از یک بحران، پیوسته به بحران دیگر می لغزد؟ اساساً حال که دولتی نسبتاً مستقل زمام امور را بدست گرفته، چرا وضع افغانستان همچنان نابسامان است ؟

پاسخ اولیه به این سوالها این است که، بحران افغانستان محصول بحران در مدیریت و ناکارآمدی مدیران است. از این رو افغانستان همچنان در بحران باقی خواهد ماند تا زمانی که مدیریتی بر اساس یافته های علوم مدیریت، بر ادارات و سازمان های آن حاکم گردد. پاسخ دیگری که به این سؤالات می توان داد، این است که، تا زمانی که زمامداران از مدیریت و کاربرد آن در جامعه خصوصاً جامعه ای که بیش از سی سال کانون بحران های مختلف بوده است ، تصویر روشنی نداشته باشند ، وارد هیچ گونه فعالیتی نمی توانند بشوند، خاصه برای رفع بحران، آن هم بحران مدیریت.

مفاهیم واژه ها

مدیریت: درباره مدیریت، تعریفی که مورد قبول عام باشد، در دست نیست. صاحب نظران و مؤلفان مدیریت با هدف ها و سوگیری های مختلف، تعاریف گوناگون ارائه کرده اند، اما در نهایت از مجموع آن ها می توان مدیریت را چنین تعریف کرد:

مدیریت، فرایند به کار گیری مؤثر و کار آمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد.

بحران: «بحران» که معادل لاتین آن، واژه «krisis» و معادل انگلیسی آن، واژه «Crisis» میباشد، در زبان ساده، به «زمان خطر» یا «نگرانی» اطلاق میگردد. در حقیقت، وضعیت یا دوره های است که در آن، اشیا، نامطمئن، سخت و دردآور هستند.



۲،۱۷،۲،۱۷،۱ دلایل بحران مدیریت در افغانستان

بحران مدیریت در افغانستان ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد و بتوان آن را با رویکرد های مختلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، اما با توجه به وضعیت کنونی و شرایط حال افغانستان، می توان دلیل های عمده آن را در موارد زیر جستجو کرد:

۱- ناکارآمدی ساختار مدیریتی

مقصود از ساختار سازمانی، راه یا شیوه ای است که فعالیت های سازمانی به صورت رسمی، تقسیم، گروه بندی و هماهنگ می شود.

بر اساس گزارش ها، از چندین میلیارد دلاری که جامعه جهانی از سال ۲۰۰۱ به این سو برای بازسازی و نوسازی در افغانستان کمک کرده است، بخش عمده آن در زمینه ظرفیت سازی و ایجاد ساختار دولت، هزینه و مصرف شده است.

با همه تلاش ها و ادعاهای سازمان ملل و دولت افغانستان، پروسه ظرفیت سازی و ساختار مندی این دولت، دستاورد درخشانی نداشته است. نا پیوستگی و ناکارکردی، عمده ترین ویژگی ساختاری این دولت پس از طی سه مرحله دولت سازی در چند سال گذشته شمرده می شود.

در یک ارزیابی اولیه از عملکرد چند سال گذشته دولت، می توان به این نتیجه رسید که، همت و هزینه بهسازی ساختارها و نوسازی ظرفیت های دولت موفقیت اندکی را نشان می دهد. کابینه هنوز هم یک مجموعه کارآمد و دینامیک نبوده و از نظر ترکیب و کارورزی، نظام مندی و پیوستگی ارگانیک، استقلال نهادی و مؤثریت سیستم عملی، تفاوت کیفی چندانی با کابینه های پیشین ندارد. در سیستم حکومتی، علاوه بر روابط ناروشن وزرا با رئیس جمهور، وزارتخانه ها نیز عمدتاً بازتابی از هویت و سنخیت



قومی، حزبی و جناحی وزیر مربوطه می باشند. سنتی بودن سیستم های بروکراتیک، فقدان نظم و نظارت، عدم تأمین مالی کارمندان دولتی، عدم استفاده از نیروهای جوان و تحصیلکرده در مدیریت ها، نبود برنامه های کاری مشخص و آیین نامه های اجرایی مدون داخلی در ادارات، زمینه فساد گسترده و بهانه ناکارآمدی فزاینده را در ساختارهای اجرایی فراهم کرده است. نا کارروزی وزرا و مدیران، منشأ اصلی فساد و گسستگی در ادارات می باشد. برخلاف ادعا و وعده های رئیس جمهور مبنی بر تشکیل کابینه کارآ و متخصص، استخدام گروه های زیادی از مشاوران خارجی در وزارتخانه ها و ادارات، نشان دهنده ضعف و ناکارآمدی در کل سیستم دولت می باشد.

پیشانی در مدیریت، بی دقتی در آموزش و گزینش، ناتوانی در تامین معیشت پرسنل پلیس و ارتش ملی، از اهمیت فوق العاده آن ها کاسته است. ضعف، سوء مدیریت و تداخل وظیفه، بارها این دو نیرو را رو در روی هم قرار داده و ده ها نفر در درگیری های خونی و متقابل بین آنها، تلف شده است.

ناتوانی و سهل انگاری در مدیریت و چگونگی آموزش و گزینش پلیس، فساد گسترده ای را در ساختار این نهاد غالب ساخته است. برخی آگاهان و ناظران معتقدند، نابسامانی در کادرسازی پولیس، لایه های مختلف این نیرو را تبدیل به منبع ناامنی، قاچاق و خلافکاری نموده است.

۲- ناکارآمدی قانون گذاران

یکی از دلایل عمده بحران مدیریت را می توان در عدم قانون شفاف و کارآمد در پروسه مدیریت ادارات و سازمان های دولتی جستجو کرد.



تکاپوی گسترده و چانه زنی های پیچیده در روند گزینش هیات رهبری شورای ملی، از همان ابتدا روشن ساخت که این مجلس، نه بعنوان یک مسند قانون گذاری و حقوقی، بلکه به مثابه یک سنگر سیاسی در ذهنیت ارباب سیاست و در تعامل رهبران قومی تعریف می شود..

در واقع سبب ناکارآمدی شورای ملی را می توان در دو معضل عمده دانست:

الف) نا هماهنگی و نا شکیبایی درونی در بافت فکری و ساخت سیاسی گروه های داخلی شورا، توانایی و تاثیر تصمیمات جمعی آن را در مورد مسایل مهم ملی، دچار چندگانگی و چند زبانی ساخته است. به همین دلیل است که این نهاد در بدیهی ترین مشترکات و امور مالی با تعلل، تاخیر و متزلزل رفتار می کند.

گوناهگونی ایدئولوژیک، پیشینه خصومت های سیاسی _ نظامی، تعلقات پر رنگ قومی و ناتوانی های علمی _ تجربی بسیاری از نمایندگان، از جمله دلایل و عواملی است که تصمیمات داخلی این شورا را عقیم و ناکارآمد نموده است.

ب) مشکل اساسی دیگر مجلس شورا در ارتباط با قوه مجریه تبلور پیدا میکند. هم رئیس قوه مجریه و هم اکثریت نمایندگان مجلس، نسبت این دو قوا را در عرض هم می دانند؛ درحالی که از نظر ماهیت حقوقی و کاری، رابطه دو قوه مجریه و مقننه یک رابطه ارگانیک، حقوقی و طولی است که بر مبنای جایگاه قانونی و وظایف نهادی خود، هدف ملی را دنبال می کنند. فقدان یک تعریف مشخص و اساسی از رابطه این دو نهاد، از همان ابتدا، تعامل این دو قوا را با تنش، تقابل، چانه زنی و بده بستان های سیاسی بنیان نهاده است. سنت امتیاز گیری و امتیاز دهی، رایج ترین شکل رابطه این دو قوا شناخته می شود که عوامل بسیاری دارد.



۳- فساد و فرسایش ادارات

بدون شک فساد، در هر نوعی باعث نابسامانی‌های زیادی گشته، خصوصاً اگر در دستگاه اداری یک کشور رواج پیدا کند، که در صورت عدم پیشگیری به موقع، تبدیل به یک ویروس مزمن، گسترش یابنده و غیرقابل کنترل می‌گردد. این بیماری در بستر یک ناهنجاری اجتماعی و نا پایداری سیاسی به وجود می‌آید و در هیأت نهاده‌های ذیل جلوه گر می‌شود:

رشوه ستانی، رابطه خویشاوندی، فراموش شدن ارزشهای اخلاقی، کم کاری، تقلب و جعل، وقت گذرانی، بد رفتاری با مراجعین، ریا کاری و دروغ‌گویی، اختلاس و پنهان کاری، سوء استفاده از اموال دولتی و سوء مدیریت و... که در نهایت باعث به وجود آمدن بحران‌های اقتصادی، اخلاقی، کم کاری و... می‌گردد.

پدیده فساد در دستگاه‌های دولتی افغانستان اکنون به یک هنجار پذیرفته شده در فرهنگ اداری و روش بروکراتیک تبدیل گردیده و به صورت یک نگرانی و معضل جدی داخلی و نگرانی بین‌المللی درآمده است. برخی از آگاهان معتقدند که شیوع فراگیر فساد در تمامی سطوح و لایه‌های دولتی، این دواوری را در میان مردم تقویت نموده که مدیریت رژیم طالبان را منزله تر از منش و روش مدیران کنونی مدعی دموکراسی بدانند.

گسترش فساد ذهنی و رفتاری در یک سازمان زمینه فلج شدن و فرسایش سلسله مراتب و سطوح مختلف آن سازمان را فراهم آورده و در نهایت کلیت آن سیستم را به یک چرخه باطل فساد- فرسودگی دچار می‌گرداند؛ چیزی که اکنون با کمال تأسف در فرایند اداری دولت افغانستان مشاهده می‌کنیم.



۴- ناکارآمدی سیاست اقتصادی

یکی دیگر از دلایل بحران مدیریت، ضعف و ناکارآمدی در مدیریت کلان اقتصادی به صورت بحران های ذیل در زندگی اجتماعی، فرهنگی و موقعیت اقتصادی کشور تجلی و تشدید یافته است، که سبب بوجود آمدن نابسامانی های فراوانی گردیده است:

۱- گسترش فقر و اعتیاد

کم توجهی به بهبود اقتصاد عمومی، بیکاری، بهداشت، مسکن و آموزش سبب شده که با توجه به افزایش حجم جمعیت، گسترش بی رویه شهرنشینی و فراوانی نیازهای اولیه، پدیده فقر و اعتیاد به صورت یک معضل فراگیر، عمیق و نگران کننده رخ نماید. از طرفی بازگشت میلیون ها آواره از خارج و هجوم فزاینده جمعیت به شهرها، معضل مهمی در امر مسکن به وجود آورده است. هزاران خانواده بی سر پناه و محروم از برق و خدمات بهداشتی و رفاهی در حاشیه شهرها، تاثیرات نامطلوبی را در روابط اجتماعی و نابسامانی های فرهنگی و اخلاقی برجای گذاشته است.

۲- ناکامی در جذب سرمایه گذاران

فقدان یک برنامه کارآمد، نبود قوانین مشخص و نوین گمرکی، تجاری و مالیاتی، کمبود برق، عدم دسترسی سرمایه گذاران به زمین، مراحل طولانی ثبت و گرفتن مجوز و وجود فساد و رشوه در ادارات و وزارتخانه ها از جمله عوامل پر شماری است که انگیزه، زمینه و امکانات سرمایه گذاری در افغانستان را دچار مشکل نموده است.

در زمینه تجارت نیز، علیرغم امکانات و فرصت های پیش آمده، دستاورد قابل ملاحظه ای مشاهده نمی شود. با وجود آنکه کشورهای اروپایی و آمریکا، ورود کالاهای صادره از افغانستان را از پرداخت مالیات گمرکی معاف نموده اند و با توجه به پتانسیل



های داخلی و معروفیت جهانی برخی از کالاهای افغانی مانند پوست قره قل، میوه خشک و قالین دستباف، ولی با این همه تا هنوز از جانب مقامات مربوطه در وزارت تجارت، کار مهم و شایسته ای در این خصوص صورت نگرفته است.

۳- مواد مخدر و فراموشی ظرفیت های کشاورزی

با وجود تشکیل یک وزارت عریض و طویل به نام وزارت مبارزه با مواد مخدر، کشت تریاک هنوز هم قلم اول تولید زراعی افغانستان به شمار می رود. طبق بررسی اداره مبارزه با جرایم مواد مخدر سازمان ملل و وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان، دو میلیون از شهروندان افغان که نزدیک به ۹٪ از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، مشغول کشت غیرقانونی مواد مخدر هستند.

آلودگی اقتصاد افغانستان به مواد مخدر، درآمد و شغل کاذبی را در میان کشاورزان ایجاد کرده که حاصل آن تقویت تروریسم و طالبان و جولانگری بیشتر مافیای جهانی در این کشور می باشد.

۵- بحران بیسوادی عامل بحران مدیریت

طبق آخرین گزارش سازمان یونسف، بیش از ۸ میلیون تن در افغانستان بیسواد می باشند. در سه دهه اخیر، علاوه بر یک نسل کهن، دو نسل دیگر نیز بر بی سوادان کشور افزوده شده است؛ نسل میان سالی که در کوره جنگ و آتش پرورش یافته، و نسل نو جوانی که در سایه شوم وحشت و خشونت زاده شده است.

بدون شک بیسوادی علت بسیاری از بحران های فرهنگی-اجتماعی خصوصاً بحران مدیریت در جامعه افغانستان گردیده است. این پدیده به مثابه یک بستر فرهنگی، منشاء ناهنجاری های اجتماعی و باز ماندگی های سیاسی بی شماری می گردد. خشونت و



ناشکيبایی در تعامل اجتماعی، گرایش به افراطی‌گری و عقاید جادویی، گسترش خویشتن‌خواهی‌های راز آلود قومی، ناتوانی در درک پدیده‌های عینی و سیاسی، از جمله داده‌های بی‌سوادى در حوزه زندگى اجتماعى است.

متأسفانه مدیران و دولت‌مردان افغانستان هنوز هم در نیافته‌اند که پدیده بی‌سوادى به عنوان یک بحران اجتماعى و معنوى مطرح است و مى‌باید با این بحران به صورت یک مساله ملی برخورد شود. از این رو این دولت، کوچکترین اقدام عملی و فرهنگی در مبارزه با بی‌سوادى انجام نداده و حتى ضرورت، اهمیت و چگونگی مبارزه و مقابله با این پدیده را به درستی سنجش نکرده و تشخیص نداده است.

۶- چرخه ناکارآمدی مدیران و بحران اعتماد

نگرانی‌ها و ناامنی‌های به وجود آمده در شرایط فعلی، عمدتاً ریشه در عملکرد داخلی مدیران دارد. ناکارآمدی مدیران در زمینه‌های مختلف بهانه‌هایی بوده‌اند که شیشه امید و اعتماد مردم افغانستان را نسبت به روند دولت‌سازی و پروسه پیوستگی ملی، غبار آلود ساخته است. با ادامه این روند، نباید انتظار داشت که این مردم در ادامه حمایت و جدیت خود در برابر دولت و تحولاتی که در سطح رهبری سیاسی اتفاق خواهد افتاد، حساسیت و دلبستگی نشان دهند. بدون شک، دولت و رهبری کنونی افغانستان در مرحله حساسی قرار گرفته که خطر بحران اعتماد و از دست دادن مشروعیت ملی و سلب اعتماد و حمایت بین‌المللی، آن را تهدید می‌کند و این، برای مردم خسته و جنگ‌زده افغانستان، به معنی از دست دادن بزرگترین فرصتی خواهد بود که تکرارش، به قربانی شدن چند نسل دیگر نیز نیاز خواهد داشت.



۷- مؤسسه‌های بین‌المللی

وجود مؤسسات بین‌المللی و خارجی موازی با دولت افغانستان نیز خود به گونه‌ای نقش اداره افغانستان را کمرنگ ساخته است و سبب بوجود آمدن بحران مدیریت گردیده است. در حالی که هم مؤسسات خارجی، اجراکننده‌ی پروژه‌ها هستند و هم خود اداره‌ی افغانستان، مرجع پاسخگو در این حالت گم می‌شود. همچنین مؤسسات خارجی با جذب کادر متخصص و حرفه‌یی باعث ناکارآمدی باقی ماندن نظام دولتی شده‌اند.

نتیجه گیری

مشکلات و معضلات یک دولت را، خصوصاً یک دولت نو پا و نو بنیاد را می‌توان از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار داد، با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد، عمده مشکلات دولت و به تبع آن ملت رنج دیده و ستم کشیده افغانستان، از نبود مدیریت کارآمد و ثمر بخش باشد، همان گونه که مشاهده می‌شود تعدادی از افرادی که در کابینه فعلی حضور دارند، فاقد علم و توانایی مدیریتی هستند. در افغانستان یک مدیر باید به تمام جوانب افکار و روابط اجتماعی آگاه باشد، چرا که در حقیقت زمینه‌ی بروکراسی، مفاسد اداری و رشوه‌ستانی و بسیاری از معضلات دیگر اجتماعی را سوء مدیریت ها به وجود می‌آورد. چنان چه اگر مدیر توانمندی اداره یک نهاد را داشته باشد و از عهده مسئولیتش برآید به خوبی قادر خواهد بود که مفاسد و معضلات اداری را مهار نماید. و در پی آن ملت نیز از ثمره مدیریت کارآمد بهره مند گردد.



۲،۱۸ توریسم افغانستان

صنعت توریسم افغانستان اگرچه هنوز در مراحل اولیه گام برمی دارد، اما تلاشها برای ارتقای توریسم افغانستان محسوس تر شده است.

«دره سالنگ» در هشتاد کیلومتری شمال کابل از قدیمی ترین مقاصد گردشگری در افغانستان هنوز هم از شاخص ترین نقاط برای رشد این صنعت محسوب می شود و طی هفت سال گذشته نیز پذیرای توریست های داخلی و خارجی این کشور بوده است.

با این همه فقدان تسهیلات و زیر ساخت های مدرن گردشگری نظیر کمپ های اسکی، صندلی های بالابر، پارک های ملی و به ویژه هتل های مناسب برای اقامت گردشگران مهم ترین مانع رشد توریسم در افغانستان محسوب می شود.

برگزاری نمایشگاه تجارت و توسعه جهان گردی در کابل نیز از دیگر برنامه ها و فعالیت های دولت افغانستان در راستای رشد و توسعه توریسم این کشور در سال جاری بوده است.

کارشناسان داخلی در افغانستان بر این باور اند که توجه دولت و سرمایه گذاری در بخش توسعه و صنعت گردشگری نقش مهمی در بهبود رشد اقتصادی افغانستان خواهد داشت.

طبق گزارش منابع داخلی در افغانستان در حال حاضر ۴۰۰ شرکت سیاحتی و ۱۰۰ مهمان خانه در سراسر کشور ثبت شده است.



کشور افغانستان مهد تمدن های کهنی است که قدمت برخی آثار و فرهنگ باستانی آن به دوران زرتشت و تمدن های یونانی و دوران اسکندر مقدونی بازمی گردد.

قلعه بزرگ بلخ، تخت رستم در استان سمنگان و شهر غلغله در بامیان و مناره جم و بسیاری دیگر از بقایای باستانی از جمله آثار به جامانده از عصر باستان است.

استان های بامیان، بلخ، هرات، قندهار، غور، بیشترین جاذبه های گردشگری این کشور را در خود جای داده اند.

۲،۱۸،۱ جاذبه های جهانگردی ولایت بامیان

بامیان، برغم هجوم بیگانگان و رواج خشونت در این کشور، جذابیت های طبیعی فراوانی برای جلب جهانگردان خارجی در بر دارد. تصاویر خیره کننده و چشمگیر طبیعی، انعکاس مناظر دست نخورده کوهستانی و سربه فلک کشیده در دریاچه های زلال، دره های عمیق و سرشار از منابع طبیعی که در دل خود گنج های باستانی را پنهان کرده اند با مردمانی بی نظیر در مهمان نوازی، همه و همه برای پذیرایی از جهانگردان لحظه شماری می کنند.

اگرچه سرزمین کهن افغانستان چند صباحی است که دستخوش یورش های بیگانگان شده است اما مردم سرزمین بامیان با توجه به مواهب طبیعی و اکوتوریسم این منطقه تلاش های نوینی را آغاز کرده اند. بامیان یکی از ولایات امن کشورمان است که بسیاری



از ساکنان این منطقه از نژاد هزاره هستند.

در سال دو هزار و یک میلادی زمانی که شورشیان طالبان دو مجسمه باستانی بودا به ارتفاع پنجاه و سه متر مربوط به قرن ششم

میلادی را که در سینه کوههای مرکز این ولایت جای گرفته بود منفجر کردند، بامیان به یکی از مهمترین عناوین خبری جهان

تبدیل شد.

مجسمه بزرگتر بودا چنان محکم و استوار بود که نابودی آن سه هفته طول کشید.

امیر فولادی، مدیر برنامه اکوتوریسم بامیان که با حمایت دولت نیوزیلند و بنیاد آقاخان اداره می شود گفت خبر نابودی مجسمه ها

بدترین خبری بود که شنیدم.

وی افزود، تراژدی نابودی آثار باستانی بامیان نه تنها برای ساکنان بامیان بلکه برای جهانیان یک خبر غم انگیز فرهنگی تلقی می

شود.

در سال دو هزار و سه میلادی، بقایای دیرینه شناسی و مناظر طبیعی و دره های زیبای بامیان در سایت میراث جهانی یونسکو ثبت

شد.



بقایای مجسمه های ویران شده بودا، نقاشی های کنده شده بر دیواره غارها، کوههای هندوکش بخشی از جذابیت های اکوتوریسم

این منطقه از کشـورمان محسـوب می شـود.

افزون بر این ، مناظر بکر طبیعی و کهن بامیان جهانگردان را تشویق می کند تا با دوچرخه کوهها و سواحل دریاچه ها و بویژه

مناطق دیدنی بند امیر را در نوردند و از آسمان آبی و آرامش و سکوت و مهمان نوازی میهمانداران بامیانی لذت ببرند. براساس این

گزارش، پیش از حمله شوروی به افغانستان در سال هزار و نهصد و هفتاد و نه میلادی ، سالانه شصت و چهار هزار جهانگرد

خارجی از این ولایت بازدید می کردند که شمار آنها در سال دو هزار و چهار به چهار هزار نفر کاهش یافت.

با وقوع حوادث امنیتی در کشور و وخیم شدن اوضاع، سال گذشته میلادی تنها هشتصد جهانگرد وارد این ولایت شدند. این درحالی

است که شمار بازدیدکنندگان داخلی از نهصد و پنجاه نفر در سال دو هزار و هشت میلادی به یک هزار و پنجصد نفر در سال دو هزار

و نه میلادی افزایش یافته است.

به گزارش خبرگزاری آلمان، برخی از مقامات جهانگردی این کشور، ضمن بازدید و اقامت در بامیان با اظهار تاسف از شرایط

موجود، در توصیف جاذبه های جهانگردی این ولایت گفتند برغم نابودی مجسمه های بودا ، بامیان هنوز با تکیه بر جذابیت های

طبیعی و دست نخورده ، در صورت بازگشت امنیت، می تواند آینده ی بسیار خوبی برای ساکنان منطقه و افغانستان به ارمغان

بیاورد.



۲،۱۸،۲/اماکن تاریخی بلخ

در بلخ در حدود ۵۸ اثر تاریخی موجود است که متاسفانه اکثر آن در حال فروپاشی می باشند. که هر کدام در سطح بین المللی دارای شهرت خاصی می باشند. تعدادی از این بناها به شرح زیر می باشد.

۲،۱۸،۳/مسجد نه گنبد (حج پیاده)





مسجد نه گنبد یا حج پیاده که در قریه ((ده رازی)) مربوط ولسوالی بلخ موقعیت دارد در نخست معبد بودایان بود و بعد از فتح اسلام از سوی فاتحین عرب این معبد به مسجد مسلمانان تبدیل گردید. وضعیت کنونی این مسجد از لحاظ ایستادگی ستون ها و سقف نهایت در خطر بوده و ممکن آفات طبیعی بتواند با گذشت محدود زمان کلاً این مسجد را تخریب کند. این اولین مسجد اسلام در سطح منطقه می باشد که نخست مربوط خاندان برمکی ها بود و بعد از اینکه اسلام در خراسان دین مردم قباصل شول شد گنبد های این مسجد کاملاً از بین رفته و تنها ستون های ریخته و شکسته آن باقی مانده است.

۲،۱۸،۴ آتشکده ء نوبهار بلخ

آتشکده ء نوبهار و نواسنگارامه دو ابدۀ از جمله پنجاه و هشت ابدۀ در بلخ بشمار میروند که در ۴۰۰ متری دیوارهای بلخ قرار داشته و فعلاً تمام قسمت های این دوابدۀ از بین رفته و به توده خاک تبدیل شده اند. دقیقاً این دو محل آتشکده های زردشتیان و محل عبادت بودایی ها بود که در زمان کنشکا، پادشاه کوشانی ها در قرن اول میلادی بنیاد یافت به بود. نوبهار یا نوبهارا که در شاهنامه فردوسی از آن زیاد یاد گردیده نه تنها در سرزمین کنونی ما از شهرت خوب برخوردار است بلکه



در کشورهای چون ایران، چین، هند و نپال نیز مردم با نام این آتشکده ها آشنا هستند. آتشکده نو بهار بلخ هر روز در حال تخریب شدن است و از آن چیزی باقی نمانده، مردم قسمت های زیاد آن را به زمین زراعتی تبدیل کرده اند و حتی خشت های آن را سرقت کرده اند.

۲,۱۸,۵ بالا حصار بلخ

بالا حصار بلخ محل دیگری از داشته های تاریخی شمال بحساب می‌رود که در شمال شرقی بلخ موقعیت دارد. در مورد ارزشمندی این احصار گفته می شود که به یک روایت اسکندر مقدونی در قرن سوم پیش از میلاد در بلخ این حصار را بنا نهاد و گروهی از مردم این قلعه را قلعه هندوان مینامیدند. بالا حصار بلخ محل بود که یک زمان از فراز برج های بلند آن پرچم های ام البلاد در هوا اهتزاز داشت، ولی حالا این قلعه به یک تپه خاکی مبدل شده که هیچ فکر نمیکنی یک وقت بالا حصار بوده است. جالب اینجاست که امروز مردم در اطراف بالا حصار بلخ دست به ساختن خود سرانه خانه زده و صدها نمره زمین به شکل نقشه، اما بصورت غیر قانونی در اختیار آنها قرار داده شده است.

۲,۱۸,۶ منار جنبان زادیان

منار جنبان زادیان قدیمی ترین منار در افغانستان قلمداد میشود که در چهل کیلومتری شرق بلخ موقعیت دارد.



این منار در زمان سلجوقی ها توسط محمد بن علی به خاطر حفاظت و راهنمایی کاروان ها ی که از طرف شب به سوی دریای آمو در حرکت بودند بنا شده بود و از طرف شب در بالای این منار مشعل یا آتش افروخته میشد . در حال حاضر قسمت های بالایی این منار کلاً تخریب شده و اگر توجه جدی روی قسمت های پایینی این منار صورت نگیرد یقیناً که ساحات دیگر منار نیز بزودی و سادگی از بین خواهد رفت . در آغاز فتوحات اسلام در بلخ مسلمانان از قسمت بالایی این منار بخاطر بلند شدن صدای اذان محمدی استفاده میکردند.

۲,۱۸,۷ مسجد خواجه پارسا

مسجد خواجه پارسا در وسط شهر بلخ قرار داشته و در سال ۸۶۵ قمری بنا شده است . فعلاً پنجاه درصد از تزیینات روی کار این مسجد تخریب شده و مردم بیشترین قسمت های کاشی کاری روی کار این مسجد را سر رقت نموده اند . در صورتیکه از سوی مقامات حکومت توجه فوری در حصره ترمیم حصص باقی مانده این مسجد صورت نگیرد بزودی نقاط دیگر این مسجد نیز از میان می رود . همین حالا داشته های محوطه مسجد همراه با سر دروازه مسجد که شامل چندین حجره و طاقچه میگردد بطور قابل ملاحظه تخریب شده است .



در تهداب این مسجد زیرزمینی های بزرگ وجود دارد که عبور و مرور وسایط سنگین موتوری برای آن لرزه ایجاد نموده و ساختمان مسجد را به خطر حتمی مواجه ساخته است؛ چرا که از کنار این مسجد جاده گذشته و روزانه ده ها موتر روی این جاده رفت و آمد دارد.

۲,۱۸,۸ مدرسه سبجان قلی خان

مدرسه سبجان قلی خان در نزدیکی مسجد پارسا یعنی در صد متری آن قرار دارد. این ابده در قرن هجدهم زمانیکه حاکم بلخ سبجان قلی خان بود اعمار گردید. معماری که در این ابده بکار رفته مربوط دوره تیموری بوده و در اوایل دارای یکصد و پنجاه حجره بود؛ در حالیکه امروز اندک از این حجره ها ثابت باقی مانده است. در شروع بناء مدرسه سبجان قلی خان سالانه حدود یکهزار طالب آموزش دینی میدید و از شهرت بلند در منطقه برخوردار بود. فعلا این ابده جز مخروبه بیش نیست و کلا با خاک و گل یکجا است همینگونه تشخیص داده نمیشود که یک زمان اینجا اعمارت بوده باشد.

۲,۱۸,۹ زیارت خواجه اکاشا

خواجه اکاشا زیارتی است که در ۲ کیلو متری شرق ولسوالی بلخ واقع شده و اطراف آن را درختان پر از برگ پوشش داده است. معمولاً خانواده هایی که در نزدیکی این زیارت قرار دارند روزها ی رخصتی تابستان را زیر سایه این درختان سپری میکنند و امروز



بیشتر این زیارت به میله جای و محل خوش گذرانی و ساعت تیری خانواده ها تبدیل شده است. در کنار این زیارت مسجد از گذشته ها به میراث مانده بود که نام را ((مسجد امام باباجی)) میخوانند. زیارت اکاشا از اثر زلزله ای که در سال ۱۳۵۲ در بلخ اتفاق افتاد زیاد صدمه دید و دو گنبد و بنای الحاقی آن از هم فرو ریخت. امروز از آن داشته ها هیچ چیزی باقی نیست و نود درصد مردم بلخ حکومت را مقصرتخریب و ویرانی این آبادات خواندند. بی توجهی در قسمت آبادات تاریخی بلخ کدام حرف نویست ، البته دولت ها ی پیشین در افغانستان نیز کمترین توجه را نسبت به این آبادات نداشتند. از جمع چهل آبدی ای که نزد حکومت ثبت و راجستر است فقط پنج آن را در سال ۱۳۸۵ قسماً مورد ترمیم قرار دهند که روضه حضرت علی کرم الله وجهه ، زیارت خواجه کاشا ، رواق نقارخانه ، برج عیاران و مسجد تخته پل شامل این ترمیم کاری قرار داشت . در حالیکه ترمیم چهل ساختمان تاریخی در بلخ ایجاب ملیون ها دلار را میکند؛ اما ریاست اطلاعات و فرهنگ بلخ در ترمیم پنج آبدی فقط شش ملیون افغانی به مصرف رسانید که این پول قطعاً نمیتواند پاسخگوی نیازمندی این اداره باشد . هرگاه در بودجه انکشافی سالانه دولت تخصیص قابل ملاحظه برای ترمیم آبادات تاریخی در نظر گرفته شود هیچگاه ساختمان های تاریخی این چندین ویدان نمیشوند . با این حال تا زمانیکه در سیاست فرهنگی دولت تغییرات وارد نشود و این تغییرات متضمن کلی ترمیم و حفظ آثار باستانی کشور نباشد ممکن نیست که یک ریاست فرهنگی محلی در نبود امکانات مالی بتواند مسوولیت حفظ چهل آبدی را در یک محل مشخص بگیرد.



۱۰، ۱۸، ۲/ ارگ هرات



قلعه اختیار الدین را ارگ بالاحصار هم نامیده میشود که در معنی قلعه ای کوچک در میان قلعه ای بزرگ است که محل زندگی حاکم یا پادشاه میباشد قلعه در قسمت شمالی شهر بین محل قطبیچاق و محله بردارانیهها بر روی پشته ای بلند واقع شده. قلعه اختیار الدین حدود (۵۰۰۰) متر مربع مساحت دارد و بلندترین نقطه آن ۲۰ متر میباشد. در حال حاضر دارای ۱۳ برج میباشد این بنا از خشت خام ساخته شده است این بنا در قرن هفتم توسط اختیار الدین مرمت شد و پس از خرابی های زمان مغولان مجدداً توسط ملک فخر الدین کُرت تعمیر شد قلعه اختیار الدین بدلیل مرکزیت حکومتی و نظامی همیشه مورد تخریب و صدمات نیروهای مهاجم بوده است پس از حمله (۷۸۳ هـ.ق) و تصرف شهر هرات توسط وی صدماتی بر آن وارد شد و تا زمان حکومت شاهرخ در هرات به همان شکل باقی ماند و در سال (۸۱۸ هـ.ق) (۱۴۱۶ م) توسط شاهرخ پسر تیمور مجدداً مرمت شد.

برج های قلعه اختیار الدین در زمان تیموریان (شاهرخ) دارای تزیینات کاشیکاری شد و بقایای حاضر کاشیکاری نشانگر آن است که کتیبه ای عظیم به خط ثلث بر روی بدنه قلعه کار شده بوده و همچنین روی دوبرج در حال حاضر این تزیینات به چشم میخورد



در پایین برج کتیبه ای به خط کوفی سفید کار شده و در قسمت بالا در میان گره های ترنجی شکل با خطوط کوفی بنائی روبرو

هستیم بناً به نظر بعضی منابع در دوره تیموریه داخل قلعه اتاقي وجود داشته که اتاق زرنگار نامیده میشود و تمامی دیوار ها و سقف

ها نقاشی و تزئین شده بودند که متأسفانه امروزه وجود ندارد

همچنین آرگ هرات مشهور به قلعه اختیارالدین، بنایی تاریخی در شهر هرات بجای مانده از روزگار اسکندر مقدونی. در سال (۳۳۰

هـ. ق.) نیز خوانده می شود.

بنابر روایتی عامیانه اسکندر پس از تصرف شهر آرتاکوآنا (هرات امروزی)، در آنجا این دژ را برای نظامیان خود ساخت که بقایای

آن هنوز باقی است. هدف از ساختن این دژ، حفظ نظامیان از شورش احتمالی مردم شهر در برابر سلطه مقدونی ها بود.

قبل از اینکه اسکندر از هندوکش عبور کند، از بلخ به طرف هرات لشکر کشیده و مدت دو سال در این شهر و اطراف آن اقامت

گزید. هاردولد لمپ نویسنده آمریکایی می گوید: هنگامی که اسکندر به طرف جنوب می رفت به منطقه ای رسید که شهری بنام

هرات در آنجا وجود داشت و یکی از شهرهای موسوم به اسکندریه را در این منطقه بنا کرد و سربازان ناتوان و سوداگران را در آنجا

ساکن کرد و دیواری اطراف این شهر بنا کرد که به صورت موقت وسیله دفاع شهر باشد.

این بنای عظیم هم اکنون در وسط شهر هرات موجود است. در اواخر دوره محمد ظاهرشاه و دوران سردار داودخان بودجه ای برای

بازسازی آن اختصاص دادند که در پایان دوره داودخان دوباره احیا و بازسازی شد. برج و باروهای بزرگ این قلعه از دور دست ها قابل



دیدن است. این قلعه در زمان داوود خان (۱۹۷۵ میلادی) توسط یونسکو شروع به مرمت آن گردید که متأسفانه به دلیل رویکار آمدن رژیم کمونیستی نیمه کار ماند. قلعه اختیار الدین در سالهای اخیر به عنوان محل موزه شهر هرات استفاده میشده و به تازگی با تخلیه قلعه اختیار الدین از تجهیزات نظامی و تبدیل آن به موزیم اقدام شده است.

۲،۱۸،۱۱ باغ بابر شاه

این باغ را بابرشاه در پهلوی باغهای دیگر کابل در زمان حیات خود احداث نموده و نظر به علاقه ای که بابر به این باغ داشت وصیت نمود تا جسد وی را در همین باغ بدون اینکه بالای مرقدش گنبد و عمارتی ساخته‌نمایند، دفن کنند. این باغ بعداً از طرف اولاده بابر ترمیم و مرمت گردیده و مخصوصاً شاه جهان پول زیادی را در ترمیم آن به مصرف رسانید و یک مسجد مرمرین ساخت. قصر ملکه یادگار امیر عبدالرحمن خان در آن بساطه است. در گوشه جنوب شرق باغ بابر یک قصر بسیار عالی قسم دو منزله موقعیت دارد. ساختمان آن طوری میباشد که در طرف جنوب در منزل اول یک تعداد تحویلخانه و در منزل دوم اتاقهای خواب، حمام، آشپزخانه، بطرف غرب آن سالون های نشیمن، اتاق نان و شاه نشین ها بوده بطرف شمال آن نیز در منزل اول اتاقهایی برای رفت و آمد مستخدمین و تحویلخانه ها و در منزل دوم آن یکتعداد اتاقها اندرونی و بیرونی میباشد ساخته شده و در پیشروی تمام اتاقهای طرف ذکر شده دارای یک برنده سرپوشیده میباشد. طرف شرق قصر مذکور با یک دیوار کوتاه مسدود بوده تا تمام منظره باغ دیده شود. دروازه ورودی قصر که در گوشه شمال غرب قرار دارد، دروازه مذکور به یک دهلیز بزرگ ارتباط داشته و در نزدیکی دروازه مذکور یک اتاق بزرگ محافظین میباشد. بالای دهلیز مذکور نیز دو اتاقی بوده که آن هم برای محافظین شاید بوده باشد. در



طرف شرق باغ در حصه وسطی آن یک حوض آب بازی بسیار بزرگ موقعیت دارد. در طرف جنوب حوض مذکور مقبره بابر شاه و مقبره رقیه بیگم قرار دارد. بطرف غرب مقبره، مسجد عالی سنگ مرمری سفید بنا نهاده شده است. همچنان بفاصله تقریباً بیست متری طرف غرب مسجد همان رستوران می باشد. در سمت شمال رستوران مذکور تقریباً بفاصله بیست متری آن یک حوض آب بازی دیگر که جدیداً ساخته شده می باشد. در ساختمان مسجد هنر سنگ تراشی بسیار عالی بکار رفته و در رستوران هنر نقاشی و ساختمان قصر هنر معماری بسیار عالی بکار رفته است. مسجد مذکور کاملاً از سنگ مرمر سفید، خشت پخته، سمنت، ریگ، چونه و آهن گادر ساخته شده. رستوران از مواد خشت، پخته، ریگ، چونه، سمنت، سنگ گزک، چوب و آهن ساخته گردیده است. در قصر مواد خشت پخته، خشت خام، سنگ، ریگ، چونه، گل، چوب و آهن بکار برده شده است. در باغ، مسجد و رستوران بصورت عمومی فعلاً خوب است ولی ساختمان قصر به حالت بسیار خراب چون اکثر اتاقهای آن از بین رفته است اگر توجه نشود ممکن است از بین برود.

بابر به تاریخ دوشنبه ۵ ماه جمادی الاول سال ۹۲۷ هجری قمری در چهار باغ زر افشان هند کنار جمن (رام باغ) درگذشت و در همان جا مدفون گردید. جسد بابر تا سال (۹۴۷) هـ ق که همایون در هند پادشاه بود در همان باغ مدفون بود. چون در رجب همین سال همایون از شیر شاه شکست خورد و به ایران پناهنده شد بی بی کبار که یوسفزایی زن بابر (بقولی گلبدن بیگم) بقایای بدن او را به کابل انتقال داد و در قسمت علیای باغ که بنام او شهرت دارد مدفون ساخت.

کابل از عصر بابر تا اواخر سلطه شهنشاهان مغول از حیث بداعت منظر و باغ های زیبا خود در بین مورخین این دوره شهرت به سزایی دارد. این مورخین باغ ها و منازل آنها را ستوده اند. خود بابر در ترک خود نیز به وصف آن پرداخته است. شاهان مغولی



(گورگانی هند) در ایجاد ابدات و عمرانات قشنگ و زیبا درهند شهرت فراوان دارند دو شاهکار های زیادی را در هند از خود بیادگار

مانده اند ولی درافغانستان چون خود شهر یاران سکونت نداشتند و به این صفحات گاهی سفر میکردند بنابر آن درافغانستان آثار

جزئی مثل مسجد باغ بابر و چهل زینه قندهار چیزی از آنها به نظر نیاید و اگر آبادی های دیگری هم موجود بوده کاملاً از بین رفته

اند. گفته میشود شاهان گورگانی هند به تقلید از باغ های کابل باغ سازی در هند رواج داده اند چه قبل از آن مردم هند به باغ

سازی آشنایی نداشتند

بابر به مجرد ورود به کابل شیفته محیط طبیعی این شهر می شود. دشتی سرسبز محصور در بین تپه ها که رودی پرآب در آن

جاری است. آب و هوای خوش آن را مناسب ایجاد سلسله باغ هایی، نظیر باغ های افسانه ای سمرقند می یابد. شاخه عمده ای از

این رود به منظور آبیاری باغ سلطنتی و سلسله باغ های وابسته ای که فرمان به ساختن آنها در بخش شمالی کابل می دهد

برگردانده می شود. وقایع نگاران و مسافرانی که تا اوایل قرن گذشته از کابل دیدار کرده اند از باغات میوه ای بسیار گسترده تر از

ساختمان ها سخن رانده اند. تشخیص اینکه کدام یک اثر بابر بوده اند دشوار است. حداقل پنج باغ هفتاد و هفت سال پس از

مرگش مورد بازدید نوه او، جهانگیر قرار می گیرند. جهانگیر، امپراطور مغول، یک بار در سال ۱۶۰۷ از کابل دیدار می کند و در

خاطرات خود از توقف اردوگاه سلطنتی در باغ شهر آرا یاد می کند. در کوشکی به همین نام که یکی از خاله هایش در وسط باغ بنا

کرده است بیتوته می کند. در همان روز از چهار باغ دیگر دیدار می کند. مهتاب باغ، ساخته شده به امر مادر بزرگ پدری او

(همسر بابر)، ارته باغ و باغ دیگری ساخته شده توسط مادر بزرگ خودش (دختر بابر) و سرانجام چهارباغ، بزرگترین باغ کابل (باغ

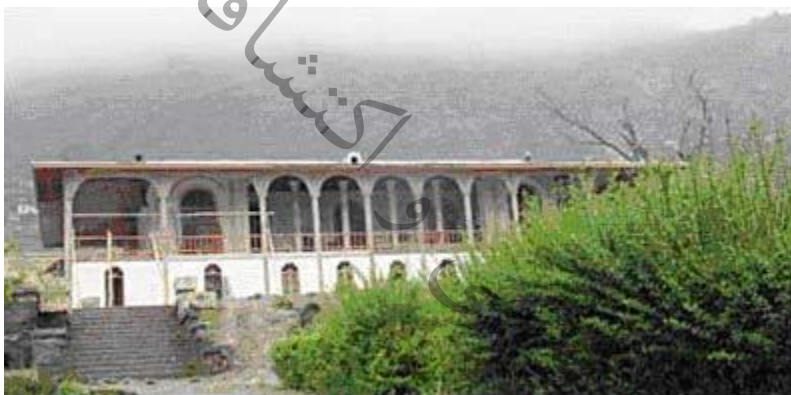
بابر شاه). چنان که می بینیم، نقش مهمی در ایجاد باغ ها ایفا کرده اند. هم بانی آنها بوده و هم بر اجرای آنها نظارت دقیق داشته

اند. نزد هیئت نخبگان عصر تیموری، که برای اصل و نسب اهمیت بسیار قایل بودند. شاهدخت های برخوردار از اصالت مضاعف،

یعنی متعلق به هر دو تبار چنگیز و تیمور، نقش تعیین کننده ای در شکوفایی هنرها ایفا نموده اند.همسر بابر نیز یکی از این



شاهدخت های برخوردار از اصالت مضاعف است. او در طی سفرش به هرات با وی آشنا می شود. مورخان شکوفایی هنرها، آیین ها، ادب و معماری در سده پانزدهم هرات، بلخ، بخارا و خراسان را یک رنسانس می دانند که اتفاقاً هم زمان با رنسانس اروپاست. دو باغ دیگر در بابر نامه ذکر شده اند که بعداً بیرون کابل ساخته شدند. اولی که در کتاب او بیش تر از آن سخن می رود، باغ وفاست که مشرف به رود سرخرود نزدیک جلال آباد ساخته شده است. این باغ به زودی از میان رفت و به هر حال در حد اطلاع نگارنده ذکری از آن، در آثار هیچ یک از وقایع نگاران یا سیاحان غربی نشده است. در برابر نزدیک استالیف، در نیملا یک باغ متروکه منسوب به بابر وجود دارد، که ردیف های چنارهای کهن آن بقایای یک باغ تشریفاتی نشان دارند.





۲،۱۹ بناهای تاریخی افغانستان

۲،۱۹،۱ ولایت بدخشان

از اماکن تاریخی بدخشان می‌توان از ویرانه‌های بهارک (که در حاشیه شهر تاریخی بهارستان و لان شی آباد شده‌است)، اشکاشم و توپخانه زیباک و مقبره ناصر خسرو نام برد.



مقبره ناصر خسرو



۲،۱۹،۲ ولایت بادغیس

در ولایت بادغیس قلعه نو در سمت راست دره ای به پهنای هشتصد متر قرار گرفته که قلعه بزرگی (در دهستان قلعه نو) محیط قلعه بین حدود ۳۶۵ تا ۴۵۷ متر، با دو دروازه در شمال و جنوب، دارد و با خندقی محصور شده است. درون این قلعه، ارگ، و در بیرون آن، بازار کوچکی دیده می شود که در سابق سی دکان داشته، و در حوالی قلعه هشتصدخانه پراکنده دیده می شد. در این قلعه، بر بالای تپه بزرگی به نام قلعه کوه نریمان، زیارتگاهی است به نام امامزاده اصغر. همچنین زیارتگاههای خواجه عبدال در کوهستان لامان و خواجه ابوالقاسم در ده خارسنستان قرار دارد.

۲،۱۹،۳ ولایت فراه

نقاط دیدنی ولایت فراه نیز به شرح زیر است:

شهر کهنه فراه، شهر اسفندیار، کافرقلعه، بارندک، قلعه پنج جفت گاو، قلعه چارماس، قلعه هفت سوراخ برنگک، قلعه مساو، مزار سید محمد، مزار شاه مبارک، مزار ابونصر فراهی، مزار شهدای کنسک، مزار سلطان امیر



شهر کهنه فراه و قلعه فریدون

۲,۱۹,۴ ولایت فاریاب

از محل های شهر فاریاب می توان به چارسماور اشاره کرد. و از بزرگان آن می توان ظهیرالدین فاریابی شاعر و غلام محمد میمنگی نقاش را نام برد.



۲،۱۹،۵ ولایت قندهار

در شهر قندهار مقبره های اشخاص برجسته و نامدار افغان مانند مقبره أحمد شاه ابدالی پادشاه نامدار افغانستان، میرویس هوتکی و همچنان آرامگاه های رجال معروف کشور است. از مناطق دیدنی قندهار می توان به چهل زینه، جاده عیدگاه و فرودگاه قندهار، تپه مندیگک، و آرامگاه بابا صاحب اشاره کرد. چهل زینه قندهار در زمان همایون شاه آباد گردیده است و کتاره های آن در زمان امان الله خان ساخته شده و اکنون در وضع بدی قرار دارد.



آرامگاه بابا صاحب در قندهار



۲,۱۹,۶ ولایت غزنی

از مکانهای دیدنی شهر غزنین می توان به مکانهای زیر اشاره کرد.

ارگ غزنین، مناره های غزنین، قصر سلطان مسعود غزنوی، مقبره سبکتگین، بنیان گذار دودمان غزنوی، مقبره سلطان محمود غزنوی، مقبره سنانی غزنوی، تپه ساردار

مکانهای دیدنی دوره غزنوی:

باغ پیروزی: باغی که محل نشاط و شراب و هم چنین انجام تشریفات رسمی زمان غزنویان، خصوصاً سلطان مسعود غزنوی بوده است. مقبره سلطان محمود نیز بر طبق وصیت خودش در آن باغ است.

باغ صدهزار یا باغ صدهزاره،

باغ محمودی: باغی که در زمان سلاطین غزنوی محل نشاط و شراب آنان بوده است.

باغ هزاردرخت: باغی ساخته سلطان محمود.



مناره های غزنی



۲،۱۹،۷ ولایت ننگرهار

از آثار مهم شهر جلال آباد در ولایت ننگرهار، سراج العمارت، نشستگاه امیر حبیب الله و امان الله شاه، بود که در سال ۱۹۲۹ میلادی نابود شد. باغ های آن ولی هنوز برپا هستند و فضایی دلپذیر دارند. آرامگاه هر دو فرمانروای نامبرده در درون باغی در روبروی سراج العمارت قرار دارد.





سراج العمارت در ولایت ننگرهار



۲،۱۹،۸ ولایت سمنگان

از اماکن دیدنی ولایت سمنگان به تخت رستم و قصر جهان نما و بازار سرپوشیده حلم می توان اشاره کرد. تخت رستم و غارهای آن مربوط به دوره بودایی است و غارهای آن امروزه تقریباً ۱۵ درصد ویران شده است. خود تخت نیز نیاز به بازسازی دارد.

قصر جهان نما از سازه های تاریخی ولایت سمنگان است. این بنا که در ولسوالی خلم قرار گرفته مربوط به دوره عبدالرحمن خان است. امروزه تقریباً ۴۰ درصد از آن ویران شده است.



۲,۱۹,۹ ولایت کابل

• آرامگاه تیمورشاه

• مسجد عیدگاه

• بوستان سرای، آرامگاه امیر عبدالرحمن خان

• باغ بابر

• باغ لطیف

• زیارت شیخ سعدالدین احمد انصاری

• آرامگاه سید جمال الدین اسدآبادی

• مسجد چوبفروشی

• آرامگاه نادرشاه شهید

• مسجد شریف علیا

• مسجد ملا محمود

• مسجد گذری

• مسجد سه دکان چنداول



• دیوارهای سرکوه شیردروازه و آسمائی

• بالا حصار کابل

• قصر دارالامان

• کاخ کوتی باغچه و برج های درون ارگ

• آرامگاه و مسجد حاجی صاحب پایمنار

• قصر چهلستون

• منار علم و جهل

• منار عبدالوکیل خان

۲,۱۹,۱۰ ولایت لوگر

آرامگاه ملک سبز علی صاحب ساختمانی تاریخی است در ولایت لوگر. این ساختمان به صورت گنبدی از خشت پخته بنا شده و در حدود پنج کیلومتری شمال شرق ولایت لوگر قرار دارد. حدود چهار درصد از این بنا در اثر جنگهای داخلی کشورمان ویران شده است.



گل دره لوگر:

چشم اندازی آراسته دارد که بیشتر آنها صومعه هایی هستند که در کنار استوپه هایی بنا شده اند. در استوپه مراسم مذهبی به جا آورده می شود. صومعه معروف استوپه در گادره لوگر در جنوب شرقی کابل قرار دارد.

۲،۱۹،۱۱ ولایت لغمان

از آثار تاریخی ولایت لغمان زیارت مهترلام بابا و قلعه سراج است. قلعه سراج نام دژی تاریخی است در جنوب استان لغمان افغانستان مربوط به دوره امیر حبیب الله. این دژ امروزه تقریباً ۴۰٪ تخریب گردیده است. ب گردید
اصل گنبد زیارت مهترلام بابا بسیار قدیمی بوده اما در زمان حبیب الله خان یک بار ترمیم گردیده ولی امروزه تقریباً ویران شده است.



۲،۱۹،۱۲ ولایت پروان

استوپاهای دوره بودایی توپ دره و قصر جبل السراج از آثار باستانی ولایت پروان می باشند
منارچکری: این منار طی دو هزار سال کاروانهایی را راهنمایی می کرد که از شمال و جنوب وادی گابل عبور می کردند.
منار چکری در عصر کوشانیان ساخته شده و استوانه ای با ۲۰ متر ارتفاع بود. در این بنا از صنعت سنگ تراشی گلداز استفاده شده
بود . منارچکری در اثر اصابت راکت در مارچ ۱۹۹۸ فرو ریخت.

۲،۱۹،۱۳ ولایت جوزجان

زیارت بابا حاتم جوز جان: این مرقد احتمالاً مربوط به قرن دوازدهم است که در غرب مزارشریف واقع شده است و در ساخت آن از
سبک غزنوی و تزئینات گچبری استفاده شده است.



۲،۱۹،۱۴ ولایت پکتیا

بالا حصار گردیز: از آثار ولایت پکتیا است. این اثر تاریخی در یک کیلومتری شرق ولایت در بالای تپه ای قرار داشته و تقریباً ۳۰ درصد آن تخریب شده است.



© 1970 Ruth and Franklin Harold -



موقعیت جغرافیایی بند امیر:

عنوان « تنها پارک ملی افغانستان » بیانگر اهمیت و استراتژی جغرافیایی منطقه بند امیر می‌باشد. بند امیر در ۷۵ کیلومتری شمال غرب ولایت بامیان و در ۳۴ کیلومتری و لسوالی یکاولنگ قرار دارد. ناحیه پارک ملی بند امیر ۷۵۰۰ هکتار زمین را شامل می‌شود. ارتفاع ناحیه مذکور از سطح دریا ۲۹۰۹ متر است. که در طول جغرافیایی ۶۷-۱۱-۲۲ شرقی و عرضی جغرافیایی ۳۴-۴۹-۱۹ شمالی و در میان سلسله جبال هندوکش و بابا قرار دارد. آب کوه‌های مرتفع و برفگیر اطراف به این دریاچه ها نفوذ می‌کند، و با محلول آهک و کلسیم کاربونت مخلوط گشته از دهانه خروجی جریان ســفید رنــگ در مــی آییــد. جداره‌های اطراف که اکثراً از سنگ‌های رسوبی تشکیل یافته است بطور طبیعی ساختمان‌های بسیار زیبا و دیدنی را به وجود آورده. که شکل کنونی این جداره ها جذابیت منظره مذکور را دو چندان کرده است. در مرکز پارک ملی بند امیر شش سد کوچک و بزرگ وجود دارد به نام‌های: بند ذوالفقار بند پودینه، بند پنیر، بند هیبت، بند قنبر، و بند غلامان که به طور طبیعی در امتداد هم قرار دارد. آب هر یک از این سدهای طبیعی به پایین دره خود سرازیر می‌شود که در نتیجه چندین آبشار بسیار زیبا به وجود آورده است. در داخل محدوده پارک ملی بیش از بیست قریه وجود دارد. در قسمت مرکزی پارک ملی و در منتهی الیه بند آثار یک بنای تاریخی وجود دارد که قدمت آن به حدود صد سال می‌رسد معروف و مشهور به « مزار بند امیر » می‌باشد، در کنار بقعه مذکور



آرامگاه چند تن از بزرگان واجداد سادات بند امیر قرار دارد، از آن جمله آرامگاه سید علی حسن حاجی و شاه سید شاه که هر دو از

اجداد سادات قریبه جارب کشان هستند، قرار دارد.

مردم بومی که از اقصی نقاط کشور به منظور تفریح و زیارت به این جا می آیند، این زیارتگاه را مقدس شمرده و بعنوان قدمگاه

مولا علی (علیه السلام) از خاک اطراف آن برای تبرک برداشته و از در دیوار آن طلب حاجت می کنند، هرچند که تابلوی حک شده

سر در آن گویای حقیقت دیگری است، در تابلوی سر در این بنا که از جنس گچ پخته و به صورت برجسته مکتوب گردیده است،

جمله «مسجد شریف امیر» به خوبی پیداست. اما عوام الناس به این تابلوی توجه چندانی نداشته و احکام مسجد را کمتر رعایت

می کنند.

در سال های قبل از جنگ، توریست (توریزم) بعنوان یک منبع درآمد اقتصادی برای مردم منطقه محسوب می شد. جهان گردان

و سیاحان که ابتدا برای دیدن دو مجسمه بزرگ شهر بامیان می آمدند و سپس جهت گردش تفریح به بند امیر می آمدند.

با آغاز جهاد مردم مسلمان افغانستان علیه ارتش سرخ شوروی، بساط توریسم از این ناحیه بطور کلی برچیده شد و این وضع در

دوران جنگ های داخلی احزاب و هم چنین در دوران حکومت طالبان ادامه داشت.

پس از سقوط رژیم طالبان و روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی به ریاست آقای حامد کرزی، بند امیر سال به سال جمعیت

افزونی به خود جذب نموده و رونق بیش تر پیدا کرد.

به دلیل استراتژی جغرافیای بندامیر و اشتیاق سرمایه داران خارج از منطقه به سرمایه گذاری در بند امیر و پلانهای متعددی که

دولت در این ناحیه در نظر دارد، مردم بندامیر در سال ۱۳۸۵ گرد هم آمده و یک شورای را تحت عنوان «شورای هماهنگی

بندامیر» تأسیس و آن را در وزارت عدلیه افغانستان ثبت کردند.

افرادى که به بندامیر مراجعه می کنند شامل سه دسته اند:



۱. جهانگردان و سیاحان که بیشتر به منظور کارهای تحقیقاتی در زمینه های آب، سنگ، ماهی ها، پرندگان و... به اینجا مراجعه

می کنند.

۲. افراد بومی که اکثراً از شهرها و به منظور سپری کردن ایام تعطیل و تفریح و تفرج به این جا مراجعه می کنند.

۳. افراد بومی که اکثراً از قریه جات به این جا مراجعه می کنند که هدفی جز زیارت قدمگاه مولا علی (علیه السلام) و گرفتن

حاجت ندارند.

طبق آمار به دست آمده بیشترین مراجعه کننده را دسته سوم تشکیل می دهند. حضور پرتعداد دسته سوم باعث شده است تا در

بندامیر یک خلأ بزرگ فرهنگی و دینی احساس شود، این ضرورت توسط علما و طلاب دینی به خوبی احساس شده و برای پر

کردن این خلأ بود که طرح مسجد جامع و مدرسه امیرالمومنین (علیه السلام) و در کنار آن یک کمیسیون فرهنگی پی ریزی شد.

در بُعد مادی در بند امیر بسیاری از خدمات و لو در حد ابتدایی آن وجود دارد، که در فصل گرما در راستای رفاه حال مسافران و

توریست ها مشغول فعالیت است.

این خدمات شامل ۱۱ باب هتل ابتدایی، ۲۰ باب دکان (مغازه) بنجاره (خواربار فروشی)، ۲ مرکز خدمات عکاسی و فیلم برداری، ۲

مرکز تعمیرات انواع موتورها (ماشین) و دیگر عراده جات، ۱۱ دستگاه انواع قایق های موتوری، پارویی و پدالی، ۱۲ باب مسافرخانه

ابتدایی، حدود ۱۰۰ باب خیمه کرایه ای در اندازه های مختلف، ۲۲ باب سرویس تشناب (دستشویی) ابتدایی، زمین فوتبال، زمین

والیبال، انواع تابلوهای راهنمایی برای وسایط نقلیه و تابلوهای اخطاری و راهنمایی برای مسافران؛ میوه جات از قبیل خربزه،

تربوز (هندوانه)، سیب، انگور، زردآلو، بادرنگ (خیار)، توت، کشته (برگه) در اختیار مسافران قرار دارد.

اما با کمال تأسف در بُعد فرهنگی و دینی مردم هیچ گونه کاری عملی تا کنون صورت نگرفته است. در اطراف بندها تنها چیزی که

به عنوان شعائر دینی و اسلامی توجه انسان را به خود جلب می کند وجود یک تابلوی سبز رنگ بسیار کوچک است که این جمله



بر روی آن نوشته شده است: «مسجد و قدمگاه حضرت علی علیه السلام» و چند تابلوی سیاه رنگ که بر روی یکی از آنها «زیارت امین الله» نوشته شده، در داخل بنای مذکور بر روی دیوار نصب شده است که ۰/۹۵ مردم سواد خواندن آن را نیز ندارند.





بت بزرگ بامیان که بزرگ ترین تندیس در جهان ثبت گردیده بود ۵۳ متر ارتفاع داشت و صلصال نام داشت. بت کوچک که به نام شمال یاد میگردد ۳۵ متر ارتفاع داشت. بت های کوچکتر دیگری نیز در دل کوه در اطراف آنها تراشیده شده بودند که همچنان از عهد کوشانیان بزرگ مانده بودند.

افغانستان، بنابر موقعیت حساس و مهم ژئوپولیتیک و قرار داشتن در مسیر راه معروف ابریشم، همواره شاهد لشکر کشی ها و تاخت و تاز ها بوده و در عین حال از فرهنگ های پر بار آریایی، یونانی، کوشانی و بودایی بهره گرفته است. در عصر آشوکا، که در میانه سده سوم ترسای در هند حکم می راند، بودیسم وارد افغانستان شد. به قرار روایات، در آن زمان بود که یک مکتب هنری به نام گندهارا ایجاد گردید. کانون گندهارا در اطراف جلال آباد امروزی قرار داشت. سپس کانیشکا بود که در سده دوم پس از میلاد، پس از گرایش اش به سوی بودیسم، افغانستان را به محل آفرینش و گسترش فرهنگ بودایی تبدیل ساخت. او، از گرونده گان و پشتیبانان نستوه بودیسم بود. در دوران حکمروایی کانیشکا (۱۲۰ - ۱۶۰ م)، گندهارا یک مکتب هنری تندیس سازی و ادب بودایی بود.

سرزمین افغانستان از اولین سرزمین های بود که در آن بودا به حیث مظهر آرامش، زیبایی، مهربانی در فرم بشر اما کامل و بدون کوچک ترین عیب تراشیده شد. بوداییان بر حسب چهار حقیقت شریف بودیسم که از این قرار اند: عشق و محبت (متا)، ترحم و شفقت (کارونا)، خیر خواهی (مدیتا)، و شکیبایی (اپیکسا) از بودا الهام میگرفتند.

طالب ها، تندیس های بودا را مظهر بی دینی می پنداشتند. آنها کوشیدند تا از عقب طرح نابودی بت ها، تشنج مذهبی و رویارویی



بسیار دیگر رادیوستان را دام‌زن زنند.

طالبان با درک نادرست از این فکر تاریخی که سلطان محمود غزنوی بت شکن بود، خواستند پیام غلط به مسلمین بدهند که آنها نیز بت شکنان و مسلمانان با دیانت اند. بر همین پندار آنها تضعیقات را بر هموطنان هندو و سکھ ما روا داشتند و آخرین یهودی را مجبور به ترک وطن کرده و در آخرین کنشست کابل را بستند. سلطان محمود غزنوی بت شکنی را، اول، هم به غرض توسعه دین اسلام و هم زراندوزی و چپاول گنج های هند به راه انداخت، در همان حالی که وی به فتوحاتش برای فی سبیل الله ادامه میداد، هیچگاه عزم بر این نکرد تا بت های بامیان را ویران سازد. سلطان محمود، که در دربارش دوهزار شاعر و سخنور حضور داشتند، عاقلتر از آن بود تا به بت های بامیان که سده ها در جایگاه شان خاموشانه نظاره گر «کمدی های انسانی» بوده اند، آسیب برسانند. او میدانست که هم عظمت کوشانیان به صفحه تاریخ پیوسته و هم زائران و مردم باورمند به دین بودا به مکان های دور کوچیده اند. الگوی دیگر طالبان، امیر عبدالرحمن بود که بت ها را به توپ بست، اما گلوله های وی یارای فروریزی بت ها را از دل کوه نداشت. به همین خاطر برای «امر ثواب» به سرکوب هزاره ها و تبدیل کافرستان به نورستان مبادرت ورزید.

چرا تندیس های بامیان را شکستند؟

طالبان تندیس های بامیان را شکستند، زیرا آنها فاقد هویت ملی بودند. طلبه ها بچه های دهاتی بودند که در سالهای جنگ در اردوگاه ها مهاجرین در حالتی بی وطنی و بعد زیر تأثیر مدرسه های مذهبی «دیوبندی» و با هویت مذهبی پاکستانی پرورش یافتند. برای آنها نابودی سمبول های ملی هیچ مفهوم نداشت. آنها از فرماندهندگان شان عمدتاً (آی.اس.آی) یک چیز را آموختند، که باید همه جا علیه بی دین ها به پا خاست و نشانه های را که دین را سست می سازد از بین برد. برین باور تندیس ها و تمام آثار بودایی موجود در موزه کابل ضربه دید و مجسمه های هرات کار استاد مشعل را نیز شکستند.



البیور روای فرانسوی نظر دارد که طالبان با بت های بامیان دشمنی داشتند. او نوشت که یکی از وجوه مشترک طالبان و القاعده، کینه توزی و عداوت هردو علیه بت های بامیان تا مرز نابودی آنها بود. البته البیور روا از این بیان به موضوع دیگر نیز نظر دارد و آن تسلط وهابیت بر اندیشه طالبان است! به هررو بت های بامیان قربانی تعصب افراطی مذهبی طالبان شدند.

تندیس های بامیان چاره کسائی بودند؟

در آثار پژوهشی جغرافی و تاریخی متقدمین چه غربی و چه شرقی این تندیس ها بنام (سرخ بت) و (خنگ) بت یاد گردیده است.

ما میدانیم که حضرت بودا، چنان که نهرو در کتاب کشف هند می نویسد: (سیدهارتا) نام داشت . محمد تقی بهار در کتاب "بهار، و ادب فارسی" نام بودا را (سدهان نا) و لقب او (سکيامونی) به معنی "علم نفس خویش" و لقب دیگرش را (بدا) می نامد. و صحیح اسم بودا را (بوداسب) شمارد. به نظر می رسد که آنچه که نهرو می نامد درستتر باشد (سیدهارتا) نام وی بوده و در سایر کتب نیز به همین نام یاد گردیده است. شادروان بهار شاید به خاطر کلمه {سید}، کلمه (سدهان نا) ساخته است. لقب سیدهارتا، یعنی بودا چنانکه در لغت نامهء دهخدا آمده است به معنی { بیدار، آگاه، زرنک، خردمند } می باشد دهخدا نیز نام بودا را "سیدارتمه گوتمه" ییاد می کند که نام خانوادگی او سکيامونی بوده است. بنابراین، بودا که لقب سیدهارتا بوده ، در تاریخ به اسم خاص او تبدیل یافته است. چنانکه میدانیم اسم خاص تغییر ناپذیر است. نمی شود که احمد را محمود گفت و محمود را احمد نامید. بودا در تمام تواریخ بنام بودا یاد گردیده است. غیر ممکن به نظر نمی آید که اگر تندیس ها بودا می بود ، آن را (خنگ بت) و یا (سرخ بت) بنامند. در این صورت خنگ بت و سرخ بت شخصیت جدا از بودا در بامیان بوده است.



همچنان این دو شخصیت را تمام لغت نامه ها و آثار جغرافیایی و تاریخی بنام خنگ بت و سرخ بت یاد می دارند. یاقوت حموی در

معجم البلدان و قتی بامیان را معرفی می دارد می نویسد:

« بامیان شهر و خوره ای در کوهستان میان بلخ و هرات و غزنه است. دژی استوار و شهری کوچک در سرزمینی پهناور که از بلخ

ده مرحله و از غزنه هشت مرحله دور است. خانه ای بلند بر ستونهای سر به آسمان کشیده و نقاشی شده در آنجا هست. که در آن

از هرگونه پرنده نمونه ای در آنجا برای بازدید بیکاران نهاده اند. دو بت بزرگ و بلند نیز در آنجا در تنه کوه کنده شده، یکی از آنها

را سرخ بُد و دیگری راخینگ بُد خوانند، گویند در همه جهان بی همتا است.»

به هر روی با صراحت در تمام آثار و اشعار متقدمین این دو تندیس بنام خنگ بت و سرخ بت یاد گردیده و به یقین که اینها

مجسمه های بودا نبوده اند.

دلیل دیگری که تندیس های بامیان بودا نیستند اینست که: بودا مرد بود (نرینه) در حالیکه سرخ بت زن بوده (مادینه). و همسر

بودا که "یاشودا" (yasodha) نام داشت بودا نبود، بلکه پس از آنکه سیدهارتا به مقام بودایی میرسد ترک خانه و خانواده می

کند. هیچگاهی همسر بودا در کنار وی دیده نشده است. در این صورت سرخ بت جز سرخ بت کسی دیگر نمی تواند باشد.

جالب این است شاهروان احمد علی کهزاد در کتاب "آثار عتیقه بامیان" که دکتر فریار کهزاد فرزند ایشان آن را به نشر سپرده

است. چنین بیان می کند که چون بت اول نامتناسب ساخته شده بود، پس در پی ساختن بت دومی شدند.

شاید نظر کهزاد در باره بی تناسبی بت اول و متناسب بودن بت دوم درست و بجا باشد. اما مسئله این است که یکی از این تندیس

ها نرینه و دیگری مادینه ساخته شده اند. من فکر نمی کنم اشتباه بدین بزرگی را پیکر تراشان که شاید صد ها سال روی آن کار

کرده باشند، مرتکب گردند. که یکجا بودا را مرد و بعد آن را زن و یا برعکس بسازند. اشتباه میتواند در شکل به وجود آید اما در



ماهیت غیر ممکن بنظر رسمی رسد.

چیزی دیگری که کهزاد مرحوم تاکید بر آن دارد . بودایی بودن کوشانیان و ساختن این بت ها در زمان کوشانیان می باشد. در حالیکه چنانکه خود در کتاب تاریخ افغانستان می نویسید در زمان کوشانی ها ادیان معین و مشخصی وجود داشته و تمام ادیان

قابیل قبیل و احترام بوده است.

با ملاحظه تاریخ این واقعیت مسلم می گردد که که بخش غربی خراسان که بنام باختر یاد می گردید مردم باورمند، نخست به

آیین میتراپی و پس از ظهور پیغام آور خدا (پیغمبر) حضرت زرتشت به آیین زرتشتی گرائیدند. و قسمت شرق خراسان که هر

بخش از آن بنام های مختلف مانند کابلستان ، کاپیسا، بامیکان و گندهارا و غیره یاد می گردیده ، مردمان معتقد به آیین های دوره

بودایی بودند و بیشتر آیین شیوایی داشتند که همان آیین میتراپی می باشد.

شادروان غلام محمد غبار درهمین مورد با وضوح تمام می نویسد که: « در دوره کوشانی های بزرگ از قرن اول تا سوم میلادی،

تعدد عقیده و مذهب مثل سابق محترم، و طریقه های زرتشتی، بودایی و برهمنی، به طور یکسان تحت حمایت دولت قرار داشت.

کانیشکا در مسکوکات خود تقریباً تمام ارباب انواع مشهور مملکت را نمایش میداد.

اشارات تاریخی مبین آن است که در روزگار کوشانی ها همهء مردم به آیین بودایی معتقد نشده بودند. تغییر دین ظرف دو سه قرن

در جامعه نمی تواند صورت بگیرد. از سوی دیگر دین بودایی حتی در سرزمین هند نتوانست که بیشتر از هشت یا نه قرنی دوام

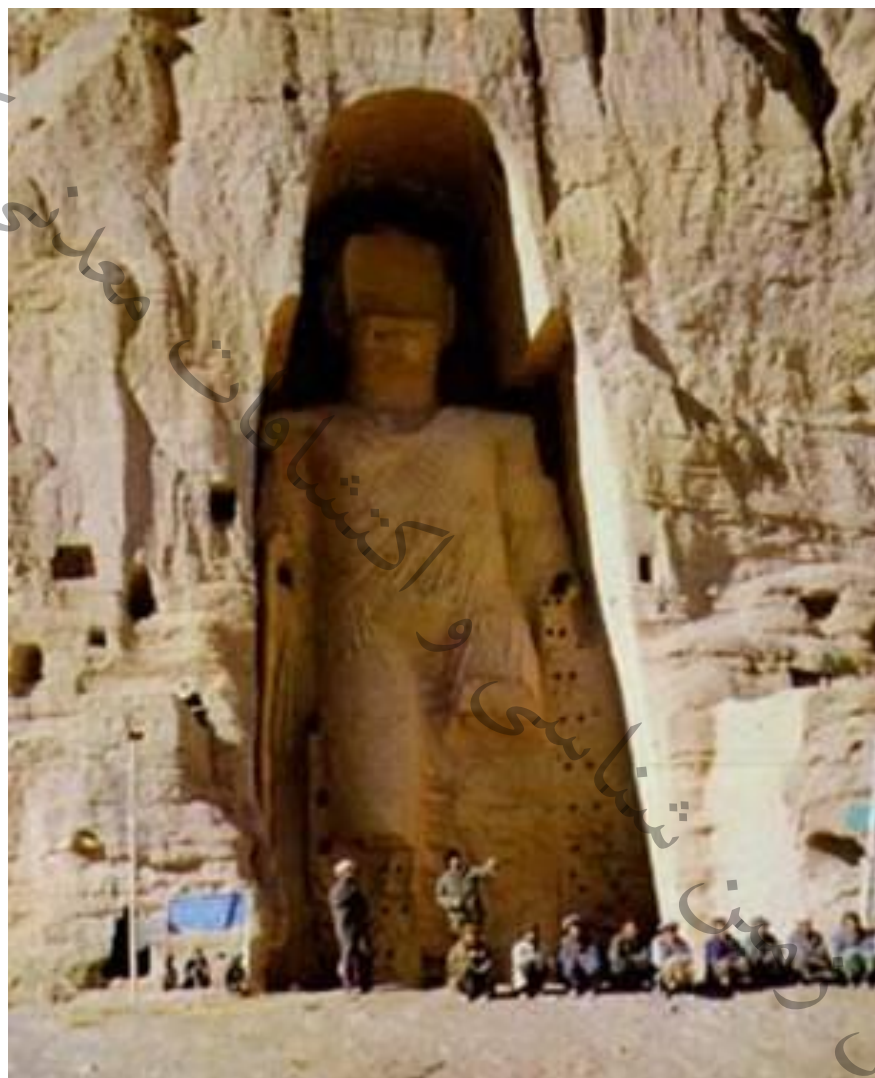
بیاورد؛ در حالیکه ساختمان پیکره های بامیان حداقل دربردارنده چند صد سال عمر می باشد.

و نیز گفته می شود که بامیان مرکز دین بودایی بوده است، بازهم از لحاظ منطق تاریخ درست به نظر نمی آید. زیراشاهان کوشانی

از لحاظ مذهبی پیرو آیین خاصی نبودند از اینرو دیده می شود که آیین خاصی را نیز به صورت مذهب رسمی قلمرو خود ترویج

نکرده اند و پیروان مذاهب و آیین های مختلف، آزادانه به فعالیت های مذهبی خود مشغول بودند چنانکه تصاویر سکه های بدست

A large-scale explosion or bombing of a city, with massive smoke and debris rising from the ground. The image shows a massive plume of smoke and dust billowing upwards from a point of impact, obscuring much of the sky. In the foreground, the skeletal remains of buildings are visible, and a large, dark, irregular shape suggests a massive crater or pile of rubble. The overall scene conveys the immense scale and destructive power of the event.







قلعه بست ولایت هلمند یکی از آثار تاریخی کشور بشمار می رود و قدمت آن به دوره پیش از اسلام بر می گردد. براساس گفته نویسنده کتاب حدود العالم : " بست شهری است بزرگ، با باره ای محکم، ناحیه ای بسیار وسیع و جای بازرگانان است مردمانی هستند جنگی، دلاور. از او میوه ها خیزد و به جایها برند و کرباس و صابون خیزد." مردم شهر بست مقارن ظهور اسلام اهل فرهنگ و ادب بوده اند. این شهر در جوار لشکرگاه مرکز ولایت هلمند و در محل تلاقی دو رود هیرمند و ارغنداب قرار گرفته است.

لشکرگاه و بست دو بخش از یک شهرند. یکی مقر نظامی و اداری و دیگری کانون تجاری و محل رفت و آمد اهالی بوده است. از شهرهای زیبا و تاریخی افغانستان است.

گاهی دارای پیشرفته ترین مرکز اداری و از آبادترین و ثروتمندترین شهرها به شمار می رفته است. در حمله ی اعراب بر اثر جنگهای پیاپی ویران شد. اما در عصر غزنویان به اوج عظمت و اقتدار رسید. در قهر و غضب علاءالدین جهانسوز سوخت. سپس مرمت کاری شد و باز سوخت و باز اشغال گردید و بالاخره تیمور با تخریب بندها و نهرها زندگانی را در آن دیار خاموش گردانید.

لهذا این شهر دارای ارزش تاریخی بسیاری برای افغانستان می باشد اما متأسفانه در این اواخر این قلعه باستانی بخاطر عدم توجه روبه ویرانی نهاده است و زمین های اطراف آن نیز که در مالکیت دولت است، ازسوی شماری از افراد غصب شده است.

به گفته یک بزرگ قومی یک جسد مومیایی شده یک زن در زمان طالبان از قلعه بست بیرون آورده شد و به پاکستان انتقال گردید.

قلعه بست قبل ازین سیاحان زیادی را به خود جلب مینمود اما در حال حاضر سبب نبود امنیت، سیاحان ازین محل بازدید نمی کنند.



شماری از بزرگان و باشنده گان این منطقه می گویند، که زمین های اطراف این قلعه تاریخی از سوی زورمندان غصب شده است. به باور آنان دولت نیز تاکنون برای نوسازی و یا جلوگیری از تخریب بیشتر این قلعه هیچ اقدامی انجام نداده است. در ولایت هلمند قلعه های زیادی از قبیل ساروان قلعه، موسی قلعه، قلعه نو، قلعه فتح و قلعه میوند وجود دارند، اما قلعه بست از اهمیت و شهرت بیشتری برخوردار است قلعه بست در ده کیلومتری شهر لشکرگاه جای دارد و در حال حاضر تنها بخشی از آن باقی مانده است و مابقی قلعه های اطراف آن ویران شده است.





مکانهای تاریخی هرات

۲,۱۹,۱۸

هرات شهری باستانی است و بناهای تاریخی بسیاری دارد. اسکندر مقدونی، ارگ هرات را که به قلعه اختیار الدین هرات مشهور است، ساخته است و بنای عظیم آن اکنون یکی از کهن ترین و زیبا ترین اماکن هرات است. فارسها، ترکها، مغولها و ازبکها برای تسخیر این قلعه جنگیده اند. در اواخر دوره محمد ظاهر شاه و دوران سردار داود خان، بودجه ای برای بازسازی آن اختصاص دادند که در پایان دوره داودخان دوباره احیا و بازسازی شد. برج و باروهای بزرگ این قلعه از دوردستها دیده می شود.



مسجد جامع بزرگ شهر هرات نیز که به پنجمین مسجد جامع بزرگ جهان شهرت دارد یکی از شگفتی‌های این مرز و بوم است. ساختمان این مسجد به این دلیل که پیش از اسلام نیز عبادتگاه آریایی‌های یکتاپرست بوده، بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد و مساحت آن به ۴۶ هزار و ۷۶۰ متر مربع می‌رسد. این بنای زیبا و شگفت انگیز که چند هزار سال قدمت دارد در سال ۲۹ هجری بعد از گرایش مردم هرات به دین اسلام، از حالت ساختمان معبدی بزرگ به مسجد مسلمانان تبدیل گردید.



گذشته از ارگ هرات و مسجد جامع، گازرگاه شریف (آرامگاه پیر هرات)، شاهرخ میرزا، مناره‌ها، مسجد گوهرشاد بیگم و چشت شریف از جمله بناهای تاریخی هرات است. علاوه بر این مقبره‌ها و آرامگاه‌های مولانا، جامی، امام فخر رازی، شهزاده قاسم، شهزاده



عبدالله، سلطان آغا، خواجه غلطان ولی، ملا واعظ کاشفی، ملا ناسفنج وسید عبدالله مختار، قدمت فرهنگی این شهر را به رخ هر

بازدید کنند هدهای می کشد.

حوضها و آب انبارهای تاریخی شهر هرات نیز از مظاهر مهم معماری و تمدن این شهر به حساب می آمده اند. از نظر فن معماری و

ارزشهای تاریخی، آب انبارهای هرات، به مهم ترین بناهای تاریخی این شهر، همچون مساجد و مزارات آن پهلوی می زند.

از دیگر آثار تاریخی هرات پل مالان است که یکی از بناهای تاریخی هرات و از پلهای زیبا و تاریخی افغانستان میباشد که بر روی

رودخانه هریرود در منطقه مالان ساخته شده است. این پل در سال ۵۰۵ هجری قمری (برابر با ۱۱۱۰ میلادی) و در زمان سلطان

سنجر سلجوقی به همین شکلی که اکنون هست، با اندک تفاوت، ساخته شد.



در سال ۱۹۷۸ میلادی به دنبال حفاری های باستان شناسی که در هرات جریان داشت، چهار کنیسه بنام ملا آشور، غول، یوآ و

چهارمی بدون نام، کشف شد که همه آنها در قسمت های قدیمی شهر باردورانی و مهندوها قرار داشتند. بعدها کنیسه ملا آشور

تبدیل به مکتب و کنیسه غول به عنوان مسجد حضرت بلال نام گرفت، ولی کنیسه یوآ هنوز با مشخصات اصلی اش باقی مانده

است. هرات بزرگ ترین جامعه یهودی افغانستان را دارا بوده است و یهودیان محلی در چهارچوب فرهنگی با یهودیان ایران در

ارتباط بوده اند. یهودیان افغانستان که بیشتر در هرات، کابل، بلخ و بعضا در غزنی می زیسته اند، پیشینه طولانی در این کشور دارند.



رفت و آمد یهودیان در هرات بیشتر در شهر قدیم هرات و در محدوده بازار عراق و محله مُهمندها بوده و اکثریت آنان به فعالیت‌های تجاری اشتغال داشتند. مهاجرت یهودیان هرات به دیگر کشورها، با تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی و همزمان با آغاز جنگ اعراب و اسرائیل و تشدید مخالفت‌ها با یهودیان شروع شد که با کودتای ثور سال ۱۳۵۷ و جنگ‌های داخلی، آخرین بازماندگان یهودی از هرات خراج گردیدن. برخی از آثار تاریخی این شهر به دستور مقامات طالبان ویران شد. برخی دیگر در اثر جنگ‌های بیست سال اخیر و بی توجهی لطمه دیده‌اند.

در سال ۲۰۰۸ شهر قدیم هرات برنده جایزه میراث فرهنگی آسیا-اقیانوسیه در سازمان علمی فرهنگی آموزشی (یونسکو) سازمان ملل شد.

۲،۱۹،۱۹ مشاهیر هرات

این شهر آرامگاه‌های بزرگان اولیا و علما را در خود جای داده از این جمله می‌توان آرامگاه خواجه عبدالله انصاری معروف به «پیر هرات»، بزرگترین شاعر صوفی هرات، جامی، امام فخر رازی و خواجه محمد ابوالولید را نام برد. آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در روستای گازرگاه در شمال شهر هرات است که به فرمان شاهرخ تیموری ساخته شد.



آرامگاه ملکه گوهرشاد بیگم در نواحی مرکزی شهر هرات



آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در شمال شهر هرات



مسجد جامع خرقه مبارکه در پاحصار هرات

هرات در برخی منابع داخلی به خاک اولیاء الله معروف است. این سرزمین تاریخی، همواره کانون علم و فرهنگ بوده، علماء و فضالای بزرگ را در دامان خویش پرورانیده است. در فهرست زیر نام تعدادی از آنها که در هرات بدنیا آمده یا زیسته اند آمده است:

• خواجه عبدالله انصاری مشهور به پیر هرات، عارف و شاعر سده پنجم هجری

• مولانا عبدالرحمن جامی، شاعر سده نهم هجری

• امام فخر رازی، شاعر سده ششم هجری

• کمال الدین بهزاد، نقاش و مینیاتورست عصر تیموریان

• امیر علیشیرنوازی، دانشمند و شاعر عصر تیموریان

• میرعلی هروی، خوشنویس عصر تیموریان



• مولانا حسین واعظ کاشفی، واعظ عصر تیموریان

• میرخواند، مورخ عصر تیموریان

• ساتی برزن، والی هریوا، در عصر داریوش سوم، آخرین شاهنشاه هخامنشی

• خواجه محمد ابوالولید، واعظ سده سوم هجری

• خواجه علی موفق بغدادی، شاعر سده سوم هجری

• فوشنجی هروی، عارف سده چهارم هجری

• شهزاده عبدالله

• سلطان آغا

• خواجه غلطان ولی

• ملا ناسفنج

• سید عبدالله مختار

• ابوعبدالله هروی، از مشایخ تصوف

• سیفی هروی، مورخ سده هشتم هجری و مؤلف تاریخ‌نامه هرات

• استاد محمدعلی عطارهروی، خوشنویس معاصر

• صابر هروی، نویسنده و پژوهشگر

• محمد کریم هروی، دوتار نواز

• استاد مشعل، مینیاتورپست



• سیدای کرخی، شاعر

• نادیا انجمن، شاعر

اماکن تاریخی کابل

۲،۱۹،۲۰ مقبره تیمورشاه

این مقبره در سمت غرب لیسه عایشه درانی و در جنوب رودخانه کابل قرار دارد. به روایت تاریخ و اهالی منطقه مقبره تیمو شاه پسر اول احمد شاه بابا نواده زمان خان ولد دولت خان از احفاد اسد الله خان میباشد. اسد الله خان اولاده زیرک بابا سرطایفه مشهور ابدالی سره بین کندهاریست. زمانشاه مقبره تیمور شاه را از مقبره احمد شاه بابا بزرگتر بنا کرد و در مدت ده سال سلطنت وی تا همین اندازه وبشکل کنونی تکمیل گردید. گرچه سند آغاز و انجام سرپرستی ومعماری ومهندسی ومبلغ هزینه شده در آن تابه حال معلوم نگشته، اما سالها کار تعمیر آن بطول انجامیده است.



۲،۱۹،۲۱ لیسۀ عایشه درانی

در غرب لیسۀ عایشه درانی و جنوب رودخانه کابل گنبد رفیع و بزرگ مقبره تیمو شاه میباشد که اطراف این گنبد اطافهای کوچک وجود دارد. بنای تعمیر گنبد از خشت پخته و چونۀ براساس بناهای بخارایی ساخت استادان قندهاری تکمیل شده است، محل اصل مرقد را در اول عمیق تر از سطح زمین حفر و جسد شریف تیمور شاه که بعد از تعمیر گنبد در حصۀ تحتانی واقع شده است، گذاشتند و بعداً در صحن فوقانی اندرون گنبد مانند آرامگاه احمد شاه بابا قبر نما ساختند و اینکه محوطه فعلیه اطراف آرامگاه محل نشیمن گاه روز با رعام تیمور شاه و از دو طرف شمال و غرب محدود به دریای کابل و موسوم بیاغ شاه بود است در سال ۱۳۶۵ صرفاً "یک تعمیر و بازسازی اندکی در این مقبره انجام گرفته است.



مسجد شریف عید گاه بین باغ علیمردان وچمن حضوری ۲،۱۹،۲۲

مسجد عید گاه در سال ۱۳۱۱ هـ ق بنا نهاده شده و کار تعمیر آن در سال ۱۳۱۵ هـ ق پایان یافت. در دیوار مسجد کتیبه سنگی وجود دارد که در آن تمام خصوصیات درج است. درین مسجد علاوه بر ادای نماز اجتماعات مجلس های رسمی نیز برگزار میشود مثلاً جنگ با انگلیس جهت استرداد استقلال افغانستان از منبر سنگی همین مسجد اعلان شد. و دیگر جلسه های قومی و رفع مناقشات عمومی در همین مسجد صورت میگرفت. شرق باغ علیمردان و شمال غرب چمن حضوری این مسجد در چمن حضوری مقابل جوی مستان واقع در طرف جنوب پل محمود خان محدوده وسیع را اشغال نموده عمارت مسجد با ساختمانی کشیده شمالاً جنوباً بداخل هفتاد و شش گنبد خورد و یک گنبد بزرگ و یک سلسله رواقها و کمانها ساخته شده و دارای منار هاو محراب های منقش و یک محراب بزرگ مرکزی و دو محراب خورد پائینی بوده و ده مناره های خورد و بزرگ دارد. طاق گنبد بزرگ میانی آهنبوش بوده و مابقی گنبد های مذکور کاهگلی میباشد و نمای مسجد با سنگ مرمر سفید پوشیده شده است. مسجد مذکور تقریباً یکمتر بلند تر از صحن حویلی ساخته شده، قبلاً پیرامون مسجد مذکور با دیوار خشتی محدود شده بود که به سمت شرق سه دروازه ورودی بزرگ با کمانهای گچ بری شده و تزئین شده که دارای اصالت تاریخی بوده که متأسفانه بعد از کودتای ثور ۱۳۵۷ از بین رفت و گل و بته و درخت آن خراب شد و صحن حویلی با قیر و بتن پوشیده شده است.



۲,۱۹,۲۳ بوستان سرای مقبره امیر عبد الرحمن خان

بوستان سرای از جمله ساختمان های دوره امیر عبد الرحمن خان بوده که در سال ۱۸۲۲ م بواسطه معماران کندهاری ساخته گردیده است. در اول چوپ پوش ومقر پذیرایی مهمانان خاص وشخصی امیر صاحب بود. امیر مهمانان را درهمین جا بحضور پذیرفته وملاقات مینمود. او به این عمارت علاقه خاص داشته وازهمین سبب وقتی که امیر عبد الرحمن خان فوت مینماید پسرش امیر حبیب الله جسد پدرش را درین عمارت که دلخواهش بود دفن نمود



۲،۱۹،۲۴ کتیبه های باستانی

۲،۱۹،۲۴،۱ کتیبه سرخ کوتل

بهنگامی که در سال ۱۹۵۷م سنگ نوشته‌ی معروف به «کتیبه‌ی سرخ کوتل» کشف گردید، به دلیل ناآشنا بودن زبان آن، دانشمندان با اشاره «زبان دیگر» از آن نام می بردند. معنای این اشاره آن بود که این زبان نیز در کنار زبان های ایرانی شرقی، یک زبان دیگر از همان خانواده است. از همین روست که موقعیت این زبان را هم از نظر جغرافیائی و هم از نظر زبان شناسی - در میان زبان های پشتو و پامیری (چون یدغو و مونجانی) از یک طرف، و زبان های سغدی، پارتی و خوارزمی از سوی دیگر تعیین کردند.

در آن زمان هرگز تصور نمی کردند که این کتیبه نماینده ی زبانی از هر لحاظ بزرگ خواهد بود؛ زیرا در آن سالها و تا سال های آخر قرن بیستم، باور غالب آن بود که پیشینه ی زبان «فارسی دری» به زبان ایرانی میانه‌ی غربی بنام پهلوی ساسانی یا فارسی میانه (پارسیک) می پیوندد. گوئی تا همین اکنون به سخنان ابن مقفع توجه جدی نشده است و إلاً اولاً نباید زبان کتیبه ی سرخ کوتل را ناآشنا می خواندند؛ ثانیاً نمی بایست از ریشه ی دوم (در واقع ریشه ی اصلی) زبان «فارسی دری» غافل می ماندند. پس از کتیبه‌ی سرخ کوتل، طی پنجاه سال اخیر، اسناد زیادی به زبان نام نهاد باختری بدست آمده است، که تعداد آنها را به یکصد و سی پارچه تخمین زده اند، اما مهمترین آنان کتیبه های رباطک و یکاولنگ است. زیرا، اینان علاوه برارزش زبان شناسی حاوی نکات مهم تاریخی نیز هستند.



کتیبه‌ی رباطک در سال ۱۹۹۳م از موضعی بنام رباطک - واقع در غرب سرخ کوتل، در وسط راه پلخمري و ایبک - کشف گردید. این کتیبه بیانگر رویداد های نخستین سال پادشاهی کنیشکا (۱۲۷م) است. در این کتیبه بعد از توصیف های متعارف از کنیشکا می نویسد: «کنیشکا این فرمان را به زبان یونانی، سپس به زبان «آریاو» (آرینی) صادر کرد.» این جمله ضمن اینکه خبر از آغاز دوره‌ی جاگزینی زبان ملی بجای زبان یونانی می دهد، نام زبان ملی را نیز تذکر می دهد: «آریاو یا آری». بعضی از دانشمندان زبان شناس این تذکر را یک کلی گوئی به معنای ذکر نام خانواده‌ی زبان های هند و ایرانی می دانند؛ اما به نظر بنده این تذکر علاوه بر آن معنا خبر از نام زبان بکار رفته در همین کتیبه، کتیبه ها و اسناد بعدی دوره‌ی کوشانی نیز دارد: سپس نام شهر هائی که مفاد این کتیبه به آن جاها فرستاده شده است، تحریر گردیده؛ این شهرها در قلمرو شمال و شمال غرب هند موقعیت دارند. با توجه به همین موقعیت، وسعت گسترش زبان مذکور را در آن دوره می توان تصور کرد، چنانکه مرحوم علامه عبدالحی حبیبی زبان بکار رفته در کتیبه‌ی اول (کتیبه‌ی سرخ کوتل) را «با تمام معانی زبان یک ایزوگلاس (Isogloss) فرهنگی» (یا زبان بین الاقوامی) می خواند.

نکته‌ی تاریخی مهم در کتیبه ی رباطک - برای اولین بار - کشف توالی نسبی شاهان کوشانی به ترتیب ذیل است: کجولا کدفیژس (جـدـکنیشـکا)، و یـمـا تـکـتـو (پـدـر کلانـش)، و یـمـا کـدـفیـژس (پـدـرش) و کنیشکا. هر چند در حال حاضر از روی کتیبه ها و دیگر اسناد بدست آمده در مورد وسعت قلمرو تداول زبان باختری کلیاتی را در دست داریم، ولی در عین حال می دانیم که مسلماً "زبان به زبان باختری، سلف زبان های ایرانی متداول در سرزمین هند، ترکستان



شرقی و آسیای میانه نیز هست. بی گمان زمینه های شکل زبان اردو - در بستر زبان های هندی با مایه گیری از زبان باختری - در پیش از اسلام فراهم شده است.

۲,۱۹,۲۴,۳ کتیبه یکاولنگ

کتیبه ی یکاولنگ در سال ۱۹۹۶ میلادی از «تنگ سفیدک» - واقع در سی کیلومتری غرب نیک، مرکز یکاولنگ - بدست آمده است. سال نگارش این کتیبه را سیمزویلیمز ۴۹۲ کوشانی = ۷۲۴ میلادی، و غلام جیلانی داوری ۶۲۹ میلادی می دانند. کتیبه ۱۳ سطر است و محتوای آن چنین است: در این سال پادشاه گزن = غزن (گازان) الخیس پسر خراس، این استوپه را همچون یک آبدی مذهبی در دشت «زمگان» (راغ زمگان) برپا داشت... در آن زمان پادشاهی ترک و پادشاهی عرب (تاجیک) بود، پیشکش های شایسته ی مین مورد قبول افتاد... نام این استوپه «زینالاکا» است. هیون تسنگ زایر معروف چینی که در سال ۶۳۰م وارد «فان - ین - نا» (بامیان) شده، آنجا را دارای پادشاه مستقل یافته است. وی سلطنت بامیان را دارای طول ۶۰۰ میل (شرقاً - غرباً) دانسته که بی تردید یکاولنگ و محل ساخته استوپه ی زینالاکا را در بر می گرفته است. هیون تسنگ پادشاه آن وقت بامیان را بودائی و پیرو آئین صغیر می داند. کذا وی در آن سال، هزار راهب را متمکن در مغاره های بامیان می یابد؛ درینصورت اگر قول داوری مبنی بر نقرکتیبه در سال ۶۲۹ میلادی را صحیح بدانیم، یک سال بعد از ساخته معبد (۶۳۰م)، یکاولنگ تابع غزنی نبوده و کشور مستقل بوده است. پس الخیس شاه غزنی نبوده، بلکه شاه محل دیگری بوده است.



کتیبه سرخ کوتل

سازمان زمین



تاریخ گازرگاه با نام شیخ اسماعیل که کنیه آن شیخ عمو است شروع میشود زیرا شیخ عمو بود که گازر گاه را که از اعتبار افتاده در کنار راه بمركز پر جلال دنیای صوفیان و عارفان مبدل نمود با دفن آن در روی تپه زنجیر گاه در سال ۴۴۱ هجری قمری این منطقه شهرت زیادی به خود کسب نمود در زمان شیخ عمو یک تعداد پیشتازان عرفان و تصوف قد علم نمودند که بسیاری از آنها مانند خواجه عبدالله غوربنج، شیخ ابو نصر خباز، شیخ ابوالحسن سوهان در کنار قبر وی بعدها دفن گردیدند این عرفان و متصوفین کسانی بودند که برای گازرگاه نامی کمائی نمودند و از نزدشان خواجه عبدالله انصاری پیر هرات بهره های فراوانی برده است خواجه عبدالله انصاری احترام خاصی به شیخ عمو داشت واز محضر آن استفاده های زیاد نموده است تا بتدریج شخصیت برجسته در شمال شرق خراسان گردید از دوران خواجه عبدالله انصاری (رح) آثاری از چند بنا باقیمانده است که از جمله آنها بنایی است در بخش غربی سراسیمی زنجیر گاه یک فضای کوچک زیر زمینی میباشد که به یک نقب میدان دار میرسد که نوع چله خانه میتوان به آن گفت خواجه عبدالله انصاری در ۲۲ ذی الحجه سال ۴۸۱ هجری قمری مطابق ۸ مارچ ۱۰۸۹ وفات نمود است محل فعلی دفن خواجه عبدالله انصاری قبلاً جنگلی بوده که خواجه عبدالله انصاری در فصل بهار در آنجا بسر میبرد و از فضای سبز آن استفاده مینموده است. همین فصل بهار فوت نموده ودر آنجا دفن گردیده است. باید گفت که در زمان دفن خواجه عبدالله انصاری هیچگونه آثار و نشانی از قبور دیگر یا ساختمانی در نزدیک مدفن پیر هرات وجود نداشته است .

گازرگاه در قرن ۱۱ میلادی بگونه یک شهر مقدس ظاهر گردید ودر اواخر قرن ۱۲ میلادی وزیر غوری ها (عز الدین عمر مرغنی)مدرسه ای را در گازرگاه بنیاد گذاشت که از مدرسه موصوف اثری اکنون بچشم نمیخورد ممکن است طاقچه تعبیه شده در روی



دیوار شمالی متعلق به بخش از مدرسه غوری باشد. در سال ۶۰۷ مطابق ۱۲۱۲ آخرین شاه غوری (سلطان محمد) کشته شد و برای وی مدفنی چون شهدا در گازرگاه بنا گردید که مقبره آن اکنون معلوم نیست از زمان ساختن مدرسه غوری ها تا زمان ظهور شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰) هجری قمری اوایل قرن ۱۳ میلادی انکشاف قابل ملاحظه در بنای گازرگاه بمشاهده نمی رسد. شاهرخ در ماه محرم سال ۸۲۹ هجری قمری مطابق ۱۴۵ میلادی هدایت ساخته ساختمانی صادر نموده که بنای بود در جوار مدفن خواجه عبدالله انصاری (رح) در گازرگاه که کار این ساختمان یکسال بعد از هدایت آن تکمیل گردید. طرح ودیزاین این بنا طوریت که در پیشگاه جناح شرقی ایوان بلند ساخته شده که پر شکوه و منزلت آرامگاه افزوده است هم ردیف این ایوان سوفه های دیگر به نظر میخورد که بالای آنها نیز خانه های وجود داشته که اتاق های بلند و پائین آن ایوان را نمادار میسازد. در بخش شمالی جنوبی نیز ایوان های رفیع در وسط ساخته شده و اتاق های دیده میشود در قسمت غربی که بنام (باب سعادت) مشهور است و مدخل میباشد ایوان مرتفع وجود دارد که بر منزلت آرامگاه می افزاید. در وسط راهرو (کفش کن) به طرف شمال و جنوب آن دو سالون برای ادای نماز با ظرافت خاصی جلب توجه مینماید و در بخش بیرونی مزار ایوانی رفیع و یک بالا خانه موقعیت دارد تمام ساختمان از سنگ و خشت آباد گردیده و کاشی های به رنگ طلایی و آبی در تزئینات آن به کار رفته است و انواع بختوط معقلی، کوفی، ثلث با مهارت و استادی تمام در آن جلو گیری مینماید. شاهرخ آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (رح) را با استفاده از موقوفات آن آباد نمود و خودش هر پنجشنبه به زیارت خواجه انصاری (رح) میرفت و این سبب شده بود که زائرین زیادی به گازرگاه روی بیاورند. بنای ساخته شده شاهرخ در گازرگاه در سال ۸۲۹ هجری مطابق ۱۴۲۵ میلادی بکلی مطابق وضع حاضر آن است. که کمتر تغییری در آن در طول زمان به وجود آمده است بنای آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (رح) به توسط گروهی از معماران شیرازی بنا شده است. در سال ۸۴۵ هجری مطابق ۱۴۱۴ میلادی خواجه علی بن خواجه فخر الدین خانقاه به نزدیک آرامگاه پیر هرات آباد نمود که در همان سال خودش نیز در آنجا دفن



گردید که امروز اثری از آن باقی نمانده است. ابوالقاسم بابر در سال ۸۵۶ هجری قمری مطابق ۱۴۵۲ میلادی لوح زیبای را برای مقبره خواجه عبدالله انصاری (رح) ساخته و نصب کرده است که این اثر به برجسته هنوز هم به خوبی حفظ شده است نکته برجسته این لوح عبارت از خطوطی عربی است که نام لقب شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری (رح) را معرفی نموده و تاریخ سنگ را مشخص میسازد در سال ۸۸۹ هجری قمری مطابق ۱۴۸۴ میلادی خانه زرنگار به شکل گنبدی در جوار آرامگاه ساخته شد در سال ۹۰۶ هجری قمری مطابق ۱۴۹۹ میلادی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا امیر علی شیر نوائی به ترمیم گازرگاه اقدام نمود وی در همین سال منبر خطابه ای را بنا نمود و نخستین خطیب موذن گازرگاه رامقرر نمود. وی وقف های زیادی به گازرگاه روا داشت ایجاد باغ های اطراف گازرگاه کار امیر علی شیر نوائی است امیر شجاع الدین محمد سخاوتمندانه برای ساخته گازرگاه سعی نمود و خواجه افضل الدین محمد کرمانی مدرسه ای را در جوار گازرگاه آباد کرد که خودش نیز بعد از وفات در سال ۹۱۰ هجری قمری مطابق ۱۵۰۵ میلادی در آنجا دفن گردید.

در نزدیک مزار ابهاماتی موجود است که بنیانگذار ساخته خانه زرنگار چی کسی بوده است در سال های زمامداری تیموریان توجه خاصی به گازرگاه نموده اند که در زمان دیگر چنان توجهی بعمل نیامده است شهزادگان تیموری مبالغ هنگفتی را برای ساخته ابنیه جداگانه بصورت الحاقیه در اطراف بنای اصلی به مصرف رسانیده اند . ساخته بنای آرامگاه پیر هرات خواجه عبدالله انصاری (رح) توسط شاهرخ کسوت پیر هرات را بیشتر مورد توجه قرار داد. مزار گازرگاه را میتوان با قبرستان (شاه زند) در سمر قند مقایسه نمود که جایگاه ویژه ای برای دفن امیران تیموری و زنان شان است. حوض آب گوشه شمال غربی آرامگاه را شاهرخ آباد نموده و یکی از زنان خانواده تیموری آن را اندود و ترمیم کرده است زن موصوف بنام مهد علیا یعنی ملکه وقت میباشد که اصل بناء متعلق به شاهرخ است به روایت مورخین گازرگاه مسیر پر تردد سیاحت بین آسیای میانه و باختر بوده و یکی از منزلگاه سیاحین در گذشت



امروز نیز از این که آرامگاه پیر هرات خواجه عبدالله انصاری (رح) در گازرگاه میباشد نه تنها مردمان کشور افغانستان و کشورهای اسلامی بلکه سیاحین زیادی از این مجموعه بناهای تاریخی دید و باز دید بعمل میاورند که به گازرگاه شهرت جهانی بخشیده است.





۲،۱۹،۲۶ منار جام: کهن سال ترین برج آجری در جهان

کارشناسان عرصه باستان شناسی در یونسکو منار جام را یکی از سازه های خارق العاده معماری و کهنسال ترین برج آجری باقیمانده در جهان میدانند. غیر از این گفته شده است که منار جام سنت معماری کهن و سبک هنری قدیم در منطقه را در آخرین حـد کمـال و زیبـایی آن بهمـراه دارد .

منار جام یکی از تماشایی ترین ابنیه های تاریخی افغانستان است و گفته می شود که پس از قطب منار در دهلی بلند ترین منـار آجری جـهـان اسـت .

باستان شناسان عقیده دارند که قطب منار به الهام از منار جام در اوایل سده سیزده هم ساخته شده است که درازای آن هفتاد و سه متر براندازه گیری شده است .

در ارتباط به درازای منار جام چه در مطبوعات کشور و چه در اسناد مربوط به سازمان ملل متحد عدد واحدی ذکر نشده است . چنانکه درازای آن را گاهی ۶۳ و گاهی هم ۶۵ مترنوشته اند غیر از این در بعضی اسناد دیگر درازای آن ۶۳ متر قید شده است .

قطر قاعده منار هشت متر می باشد که به بلندای تقریباً دو متر از سطح زمین دروازه کوچک ورودی به داخل منار دیده میشود .

منار جام در میان سلسله کوه های ولایت غور در خم دره یی در ساحل جنوب هریود برپا شده است . این منطقه از سطح دریا یکهـزار و نهصد و هشتاد متر بلند می باشد .

بر اساس تخمین ها، دهکده جام در شصت و دو کیلو متری شمال شرق ولسوالی شهرک قرار دارد . در اسناد یونسکو گفته شده



است که این منار به سال ۱۱۹۴ میلادی در دوران سلطنت سلطان غیاث الدین غوری ۱۱۶۳-۱۲۰۲ ساخته شده است و اما تا هنوز معلوم نیست که تکمیل منار چند سال را در بر گرفته است .

در شماره ششم کتیبه نشریه انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان - (سپک) آمده است که سازنده منار معماری بوده است به نام علی که نام او در دو جای در منار دیده می شود و به همین گونه در پای منار نیز نام شاه غیاث الدین به چشم می خورد . در میان بعضی از آموزش دیده گان ولایت غور چنین باور هایی وجود دارد که سلطان غیاث الدین ، علی را جهت ساختن چنین یادگاری از سمرقند فرستاده بود .

ساکنان محل باور دارند که آجر های به کار رفته در منار در دهکده ((شیرجه)) تهیه می شده است . و باز هم به روایت مردم علی دست کم هفت سال مشتاقانه کار کرد تا چنین یادگار بزرگی را در آن دره ای که امروز خاموش و آرام به نظر می آید بر افراشت.

در شماره ششم کتیبه همچنان در ارتباط به ساختمان درونی و نمای بیرونی منار جام چنین تصویری ارایه شده است : از پای تا سر منار، زینه پیچا پیچی در دو کناره داخلی آن بالا رفته و به دالان بالایی می رسد نمای بیرونی منار با خشت های برجسته فیروزه ای درخشان بر زمینه گلابی و نوار نوشته سوره نوزدهم قرآن مجید آراسته شده است . در گزارش کتیبه آمده است که پژوهشگران در این ارتباط که آیا منار جام بخشی از کدام مسجد و یا نمادی از پیروزی غوری ها بوده است هنوز به تحقیقات خویش ادامه می دهند . این در حالیست که هنوز در اطراف منار نشانه ای از هیچ مسجد و مدرسه مذهبی کشف نشده است.

ظاهراً گمان می رود که ابنیه ای به این شکوه و بزرگی میبایستی در شهر بزرگی بنا میشد نه در یک چنین دره تنگی . این پرسشی است که از سال ها بدین سو ذهن کارشناسان عرصه باستان شناسی را به خود مشغول ساخته است . منار جام سده های درازی به گونه یک زیبایی فراموش شده در خم دره ای خاموش ایستاده است.

شاید بتوان گفت که از کشف آن بیش از پنجاه سال نمیگذرد. چنان که باستان شناسان روز هجدهم ۱۹۵۷ میلادی را به نام روز



کشف منار جام تلقی می کنند. در همین روز گروهی از باستان شناسان غربی به رهنمایی باستان شناس افغانستان احمد علی کهزاد به خم دره در دهکده جام رسیدند که ناگهان با آن تجسم زیبایی روبه رو شدند. تماشای منار، باستان شناس فرانسوی را ((Marieq Marieq Andre)) چنان شگفت زده ساخت که برای یک لحظه احساس کرد با برجی جادویی روبه رو شده است .

باستان شناسان بر این باور اند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست ؛ بلکه این منار میتواند کلیدی باشد در جهت گشودن راز های دوره غوریان در افغانستان .

خطر هایی که منار جام را تهدید می کند میتوان به دو دسته تقسیم بندی کرد . نخست خطر های طبیعی دو دیگر خطر های که در یکی دو دهه اخیر ساکنان محل و گروه های تفنگدار به وجود آورده اند .

با گذشت سالیان رودخانه هریرود تدریجاً ساحل جنوبی خود را تخریب کرده و بستر خود را به سوی منار گسترش داده است . چنان که همه ساله در فصل بارندگی با افزایش سیلابها و بالا رفتن سطح آب رودخانه خطر طبیعی چندین برابر می شود .

بر اساس نخستین آزمایشهایی که در سال ۱۹۷۱ میلادی به وسیله کارشناسان صورت گرفته است منار جام به اندازه دو درجه به سمت شمال روبه سوی هریرود میل پیدا کرده است .

زاویه میل دو درجه برای یک چنین برج بلند و آن هم در وضعیتی که تخریب هریرود کماکان ادامه دارد واقعاً میتواند خطر بسیار بسیار جدی به شمار آید .

این در حالیست که به گفته بعضی از ساکنان ولایت غور ظرف بیست و اند سال گذشته این منار هر از گاهی آماج شلیک گلوله های تفنگدار قرار داشته است .



روایاتی وجود دارد که بعضاً گروه های تفنگدار به گونهء تفنن و نشانه زنی قسمت های از برج را آماج گلوله های خود قرار می داده

اند.





مسجد جامع هرات ۲،۱۹،۲۶،۱

مسجد جامع هرات را سلطان غیاث الدین غوری در سال ۵۹۷ ق. طرح ریزی نمود اما موفق به تکمیل آن نشد. جسد وی در سال ۱۲۰۲ میلادی در زیر گنبد در عقب ایوان شمالی مسجد مدفون گردیده است. اصل بنای آن متعلق به قبل از اسلام و معروف است که معبد بزرگ آریائی و خانه مزدا بوده و پس از فتح مسلمین و نفوذ اسلام این معبد باستانی مرکز مسلمانان شده و به مسجد جامع معروف گردید. تنها بخش کوچکی از مسجد عهد غوریان در درب ورودی جنوبی باقی مانده است. تزیینات دوره غوری بعدها زیر کار تزیین دوره تیموریان که مسجد را به ذوق و سلیقه خود تزیین نمودند مخفی ماند که بعدها در سال ۱۹۶۴ کارشناسان آن را بازسازی نمودند. اما در اثر مرور زمان بخش زیادی از کار تیموریان نیز از میان رفت که در نوسازی هایی که در سال ۱۳۲۲ شمسی روی مسجد انجام گرفت بخشی از آن بازسازی شد. در عهد تیموریان پایتخت در هرات واقع گردیده بود. تیموریان با جلب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شعرا به دربار خود، رهبری نهضت فرهنگی را بدست گرفتند. این دوره که از دوره های پردرخشش تاریخ هرات می باشد. شاهرخ و همسرش گوهرشاد از پیشتازان دوره اول عصر تیموری به شمار می روند. حکومت سلطان حسین بایقرا از سال ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ میلادی اوج دوره طلایی تیموریان به شمار می رود.



کشور





۲،۱۹،۲۶،۲ مجتمع مصلاي هرات

متجمع مصلاي هرات که توسط ملکه گوهرشاد در اواخر قرن پانزدهم ميلادی طرح ريزی و تحت نظارت وی ساخته شد، زمانی بزرگ‌ترین افتخار هرات به شمار می رفت. در مجاورت مصلا مدرسه سلطان حسين بايقرا قرار داشت. این مصلي در سال ۱۸۸۵ ميلادی عمداً توسط ارتش بریتانیا ویران گردید تا فضای بیشتری برای هنگ توپخانه که برای نبرد با روسها آمادگی می شدند ایجاد گردد! در دوره اشغال شوروی ، افغانستان دوباره شدیداً آسیب دید و فقط پنج مناره آن باقی مانده است که دوتای آن بر اثر اصابت راکت آسیب دیده‌اند. پس از آن که حفاظ درختهای آنازبین رفت . باد تزیینات کاشی کاری آن را



نیز از بین برد. همچنان مقبره گوهرشاد با گنبد کاشیکاری شده آبی رنگ دنداندار آن، شدیداً آسیب دیده است اما بخش داخلی

آن در حال ت بهت ری ق رار دارد.

دو مسجد جد بانام گوهرشاد و جد بانام گوهرشاد:

مسجد گوهرشاد مشهد مسجدی در جنوب بارگاه امام رضا در شهر مشهد که در سال ۸۲۱ ه.ق به دستور ملکه گوهرشاد بیگم

همسر شاه رخ تیموری بنام شاه ده است.

مسجد گوهرشاد هرات مسجدی در شهر هرات که به دستور ملکه گوهرشاد بیگم همسر شاه رخ تیموری بنا شده است و مدفن ملکه

نیز می باشد.



مصلای هرات، اثری دیدنی بجا مانده از دوران تیموریان در هرات



آرامگاه ملکه گوهرشاد بیگم در نواحی مرکزی شهر هرات



موزه ملی افغانستان یکی از غنی ترین موزه ها در سطح منطقه بشمار میرفت که این کانون بزرگ فرهنگی توانست درطول ادوار مختلف هزاران اثر باستانی را حفظ و آنرا بصورت قسمی به نمایش بگذارد. در سالهای اولیه تاسیس این موزه که در آن دوران "عجایب خانه" نام داشت، فقط بعضی از آثار تاریخی مثل قرآن های خطی، صنایع دستی، آثار برجای مانده از جنگ های دوران استقلال و بعضی کتاب های کمیاب در آن نگهداری می شد. اما این کانون با عظمت در سال ۱۹۱۹ م در تعمیر باغ بالا گشایش یافت و آثاریکه جمع آوری شده بود مشتمل بود بر مجموعه های تاریخی - اسلحه باب - البسه زر دوزی خامکدوزی - علم های جهاد - نسخ خطی و غیره . در سال ۱۹۲۵ - م این مجموعه به قصر کوتی باغچه (ارگ) انتقال یافت ، قصر کوتی باغچه به سبب کمی جا جوابگوی نیازمندی های موزه نبوده لذا بار دیگر در سال ۱۹۳۱ میلادی این مجموعه به ساختمان واقع در دارالامان منتقل گردید . در اولین قانون اساسی افغانستان که در زمان امان الله خان به تصویب رسید، یک ماده مفصل درارتباط با حفريات و حفظ آثار تاریخی و تشکلهای محلی برای نگهداری آثار تاریخی این کشور اختصاص داده شد. به موجب این قانون، مقرر شد که شعبه "حفريات و موزه" زیر نظر وزارت معارف (آموزش و پرورش) فعالیت کند. از مهم ترین کارهای این شعبه، کشف و حراست از آثار تاریخی و انتقال آنها به موزه ملی بوده است. از آنجایی که دولت افغانستان امکانات و نیروی انسانی لازم را برای کشف آثار باستانی در اختیار نداشت و از آنجائیکه حفريات غیر قانونی در نواحی باستانی کشور انجام میگرفت قاچاقچیان دزدانه آثار گرانبهای باستانی را بخارج کشور انتقال می دادند که این



عملیات تا سال ۱۹۱۹ م (ختم جنگ جهانی اول) ادامه داشت . با انعقاد قرار دادی بین دولتین افغانستان و فرانسه کاوشهای قانونی مطابق با قرار داد صورت گرفت که در نتیجه بر تعداد گنجینه های فرهنگی و تاریخی موزه ملی افغانستان افزوده شد. این قرار داد به فرانسوی ها حق می داد که از دو اثر کشف شده مشابه یکی از آنها را به فرانسه انتقال دهند. احمدعلی کهزاد مورخ و باستان شناس افغان یکی از کسانی بود که در کنار کاوشگران خارجی به جستجوی آثار تاریخی می پرداخت که کشف بسیاری از آثار تاریخی افغانستان به تلاش های او بازمیگردد.

در این دوران، بعضی از آثار تاریخی موزه ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید و پس از جنگ دوم جهانی چندین تیم باستانشناسی از ایتالیاییها، بریتانیاییها، ژاپنیها، هندیها و شورویها به کاوش پرداختند.

موزه ملی از بدو تأسیس تا سال ۱۹۹۲ - م یکصد هزار قلم آثار باستانی کشور را حفظ و حراست مینمود که این مجموعه ها شامل آثاری از حوزه های و ادوار مختلف بوده است. از جمله میتوان از حوزه های سرخ کوتل - ای خانم - بگرام - کاپیسا - هده - مندیگک - طلا تپه شبرغان شورتوخی - فندقستان - بامیان - حوزه باختر - شترک - پایتاوه - دلبر جین تپه تپه فلول - تپه خزانه - تپه مرنجان - هزار سم سمندگان و ده ها حوزه دیگر را نام برد. که این مجموعه ها متعلق به ادوار مختلف، قبل از تاریخ و

قرن بیستم تا قرن هفتم رادیو کربن میگردند.

برجسته کاری های مرمرین بودایی، عاج های هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزه های رومی، مسکوکات دوره های مختلف، مجسمه های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزه ملی را تشکیل می دادند.

آثار تاریخی از دوران صدر اسلام نیز بخش دیگری از موزه را شکل می داد که از مهم ترین این آثار می توان به قرآن کوفی به خط عثمان بن عفان خلیفه سوم اسلامی، آیاتی از قرآن به خط امام حسن و نیز به قرآن خط کوفی که در سال ۱۳۳۴ از "شهر غلغله" کشف شده به موزه ملی افغانستان منتقل شد.



آثار خطی شاعران بزرگ زبان فارسی دری نیز در موزه کابل نگهداری می شد؛ هفت اورنگ عبدالرحمان جامی، هفت پیکر نظامی گنجوی، هشت بهشت و لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی، که همه این آثار در سال ۸۹۹ هجری کتابت و تذهیب شده بودند بخشی از آثار ادبی موزه را تشکیل می دادند.

بوستان سعدی به خط میرعماد خطاط معروف عصر تیموری، دیوان میرزا عبدالقادر بیدل که از طرف امیر بخارا به پادشاه افغانستان، امیر حبیب الله اهدا شده بود، دیوان حافظ به خط میر محمد محسن که برای سلطان حسین بایقرا نوشته شده بود و چند اثر مهم دیگر نیز از جمله آثار بخش ادبی و هنری موزه بود.

از مهم ترین آثار هنری دیگر موزه ملی افغانستان نیز می توان به آثار مینیاتوری از استاد کمال الدین بهزاد اشاره کرد. با توجه به کثرت آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزه بوجود آمد که موزه هرات با بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی بیشترین آثار را در خود جای داده بود.

با ورود نیروهای مجاهدین به شهر کابل و با گسترش جنگ در داخل پایتخت، از ساختمان موزه ملی نیز به عنوان سنگر نبرد استفاده شد. طی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵ موزه ملی تقریباً هفتاد درصد آثار ناب و منحصر به فرد خویش را در طول این مدت زمان از دست داد. موزه ملی نه تنها آثار باستانی خویش را از دست داد بلکه تمامی آثابه، تجهیزات، مفروشات، ویتترین های نمایشی، موجود در ارشیو، آلبوم ها، کارت ها و تعداد زیادی کتب در نتیجه آتش سوزی اتفاقا فوقانی موزه ملی در ماه می سال ۱۹۹۳ م که بر اثر اصابت راکت ها و خمپاره ها انجام پذیرفت از دست رفت.

دشمنان فرهنگ به آنهمه ویرانی ها و غارتگری ها بسنده نکردند. چنانچه در دوره سیاه طالبان به این کانون فرهنگی ضربه دیگری وارد آمد که از جمله شکستن تعداد بیش از دو هزار مجسمه پورتره های دوره اسلامی و قبل از اسلام وغیره بود که به شکل بیرحمانه ای تخریب شدند.



عمر خان مسعودی از مسئولان موزه کابل تنها کسی بود که با تلاش شخصی خود در دوران جنگ های داخلی و زمان طالبان بیش از بیست هزار اثر موزه را به مکان های امن منتقل کرد تا از بین نرود. وی در سال ۱۳۸۴ خورشیدی جایزه جهانی "شاهزاده کلاوس" هلند را به خاطر نجات آثار موزه افغانستان دریافت کرد. وی نهمین دریافت کننده جایزه شاهزاده کلاوس در جهان است. دارایی دست نخورده در زیرزمین ارگ و در روز ۲۵ اگست ۲۰۰۳، هنگامی که کارمندان حکومت افغانستان در پنهانگاه پشت دروازه بزرگ پولادین آنجا به ساختمان بتنی برخوردند، آشکار گردید. آنها در آغاز گمان برده بودند که نهانخانه هفت قفلی ارگ تنها در برگیرنده خشتهای طلا یا دارایی بانکی ملی کشور است. پرس و جو نشان داد که از هفت تن کلیدبان تنها یکی در شهر کابل مانده و دیگران یا آواره کشورهای دوردست شده اند، یا زنده نیستند. ولی گزارش دیده شدن زرباره های طلا تپه پس از آنکه کارشناسی از آلمان توانست قفلهای بی کلید را بشکند، به رسانه ها داده شد. حامد کرزی و اشرف غنی که پس از سیزده سال آنسوی دروازه گام گذاشتند و با شگفتی دریافتند که افزون بر خشتهای طلا های گنجینه تماشایی طلا تپه نیز در کنار آن به چشم میخورد، نخستین دیدار کنندگان این گنجینه بودند. در سالهای اخیر با حمایت یونسکو و با تلاش وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، تعداد زیادی از آثار غارت شده این کشور، از کشورهای اروپایی بازگردانده شده است و هنوز هم بسیاری از این آثار در موزه های کشورهای اروپایی نگهداری می شود. اخیراً نیز، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان اعلام کرد که دور تازه ای از کاوش آثار تاریخی را در نقاط مختلف کشور آغاز کرده است.

طبق مدارک و اسناد رسمی افغانستان در سال ۱۳۵۰ ه. ش دارای ۶ موزه معروف بوده که عبارتند از :

۱. موزه کابل با ۶۰۳۳ قطعه آثار نمایشی

۲. موزه قندهار با ۷۰۷ قطعه آثار نمایشی



۳. موزه مزار شریف با ۷۳۵ قطعه آثار نمایشی

۴. موزه هرات با ۴۴۲ قطعه آثار نمایشی

۵. موزه غزنی با ۴۰۰۰ قطعه آثار نمایشی

۶. موزه میمنه با ۳۰۰۰ قطعه آثار نمایشی

به احتمال قوی بسیاری از این آثار گرانبها و میراث فرهنگی و ملی کشور و مردم افغانستان در دوران جنگهای بیست و سه ساله به غارت رفته یا نابود شده اند. چنانچه مجسمه های بودا در بامیان به تاریخ ۲۱ حوت ۱۳۷۹ توسط گروه طالبان با خاک یکسان شد. ملت افغانستان از میراث بزرگ فرهنگی و باستانی خود محروم شد.

۲,۱۹,۲۸ دره پنجشیر

یکی از دره های بسیار زیبا و قشنگ هندوکش که ورودی آن در فاصله ۸۰ کیلومتری شمال شهر کابل واقع شده است، این دره سرسبز و خوش آب و هوای پنجشیر است که محاسن طبیعی آن سر زبانها است. دره پنجشیر در دامنه های جنوبی هندوکش از (دربند) تا (پریان) یا از (گلبهار) تا کوتل (انجمن) را فراگرفته و جاده آن از شمال شرق به جنوب غرب امتداد دارد. پنجشیر از نقطه نظر ارتباطات یکی از مهمترین راه های کاروان رو قدیم بین بخش های شمالی، شرقی و جنوبی هندوکش بوده و



می باشد. با وجود اینکه جاده فرعی بین کابل و باختر و تخارستان (بین کابل و مزار شریف و قطغن و بدخشان) غیر قابل استفاده شده است معذالک دره پنجشیر از نقطه نظر رفت و آمد رملی حیوانات و حمل و نقل نمک و میوه جات و غله جات و تردد کاروان های کوچک مقام خود را از دست نداده است و مسافرت میان دره جرم بدخشان و کابل کمافی السابق از این راه عملی می باشد زیرا با وجودیکه جاده از خان آباد تا مرکز بدخشان و از آنجا تا بهارک (دهن دره واخان و جرم و زردیو) رفته بانهم تردد موتر در آن ناحیه زیاد نیست زیرا کثرت خرابی پلهای رودخانه کوچکه همچنان مشکل ساز است. همانطوریکه دره پنجشیر در دامنه های جنوب هندوکش کشیده شده است، موازی با آن در شمال سلسله کوه مذکور دره سرسبز (اندراب) پدید آمده است که نسبت به پنجشیر به مراتب عریضتر است و یک سلسله دره های تنگ و فرعی که در زیبایی های طبیعی و لطافت آب و هوای مطبوع بمانند می باشد از دهن گلبهار تا گردنه خاواک این دو دره بزرگ را در دو پهلوی هندوکش بهم وصل کرده است. به عبارت دیگر از جمله ۲۱ گردنه هندوکش که بین گردنه (انجمن) و (دندان شکن) افتاده ۸-۹ کوتل تنها از بخشهای بالا و میانی و پایینی دره پنجشیر راه دارد و به این ترتیب چندین دروازه هندوکش به دره پنجشیر باز می شود و منتهالیه پنجشیر سفلی را که بسیار بجا و (در بند) و (دالان سنگ) میگویند، میتوان دالان و مدخل مرکزی هندوکش خواند. این گردنه از بالا تا پایان دره به قرار زیر است:

- ۱- گردنه انجمن: از آخر دره پنجشیر، از (پریان) بهبخش علیای دره انجمن و از آنجا به دره جرم بدخشان راه رفته است.
- ۲- خاواک: از حوالی نزدیک سرچشمه رودخانه پنجشیر به طرف شمال دره ی جدا شده که منتهی به گردنه معروف خاواک میشود. آبیکه از اینجا به سمت شمال غربی جاری میشود بنام اندراب یاد شده و به اندراب میرود.
- ۳- طول یا طول: از دره فرعی دیگر، از محل (سراب) به اندراب میرود.
- ۴- زریه: از انتهای دهکده (سفید چهر) دره فرعی است که به دره طول منتهی میگردد.



۵- از پنجشیر سفلی، از علاقه (امرز) که ودد انگلیسی آنرا (مرز) یاد کرده، از دره های فرعی به طرف اندراب راه یافته و گردنه هائی

هم دارد که عموماً بـ طرف دارد و راه آن تنگ و دشوار میباشد.

۶- شپتال: از مدخل دره، از حوالی گلبهار راهی به (کشن آباد) ۲۱ میلی خنجان منتهی میشود.

۷- بازارک: از دره و گردنه بازارک به خنجان و اندراب راه یافته است.

رودخانه پنجشیر و آب های فرعی دیگر که از دره های راست و چپ بدان میریزد موضوعی است که مطالعه آن از نقطه نظر

جغرافیه و منابع آب اهمیت زیاد دارد. سرچشمه رودخانه پنجشیر نقطه ایست در گردنه انجمن که آنرا (ناوک) گویند و ۱۹ چشمه

دیگر به آن یکجا میریزد بدین ترتیب رودخانه پنجشیر که با چشمه های آن از آب های ۲۰ دره مختلف تشکیل شده در گلبهار با

رودخانه (شتل) یکی میشود و آب های مشترک آنها با آب های سالنگ و غوربند در مقابل برج عبدالله بگرام بهم وصل میشوند و

همه در سه روبروی رودخانه کابل میریزند.

در سلسله جبال هندوکش و رشته ها و شاخه های فرعی آن یکده دریاچه ها و یا به اصطلاح عوام حوض هائی موجود است که

تعیین موقعیت آنها از نقطه نظر جغرافیایی و زمین شناسی و منابع آب و نیروی آب و داستان های فلکلور محلی اهمیت زیاد دارد

ولی اکثر آنها را جز اهالی محلی دامن دره ها کس دیگری ندیده است. معروفترین آنها دریاچه های سرقول پامیر دریاچه ویکتوریا

و دریاچه شـهـ یوا در شـغـان است.

حوض (لالان) یا دریاچه شاه دریاوار حوض دیگری است که در فراز کوه در انتها الیه دره هزاره قرار دارد. آب آن طرف عبدالله

خیل و به طرف پنجشیر میآید. از طرف نجرو هم به این دریاچه میریزد. در نقطه ئی موسوم به (سژاب) به ۹ کیلومتری کوتل خاواک

حوضی است که آب گرم دارد ولی به حساب دریاچه های کوهی به شمار نمی آید. دریاچه های فراز کوه ها در دوره هائی که آئین

بودائی در افغانستان رواج داشت در افسانه ها و داستانها دخالت زیاد داشت و یکی از این دریاچه ها که موقعیت آنرا زائر چینی



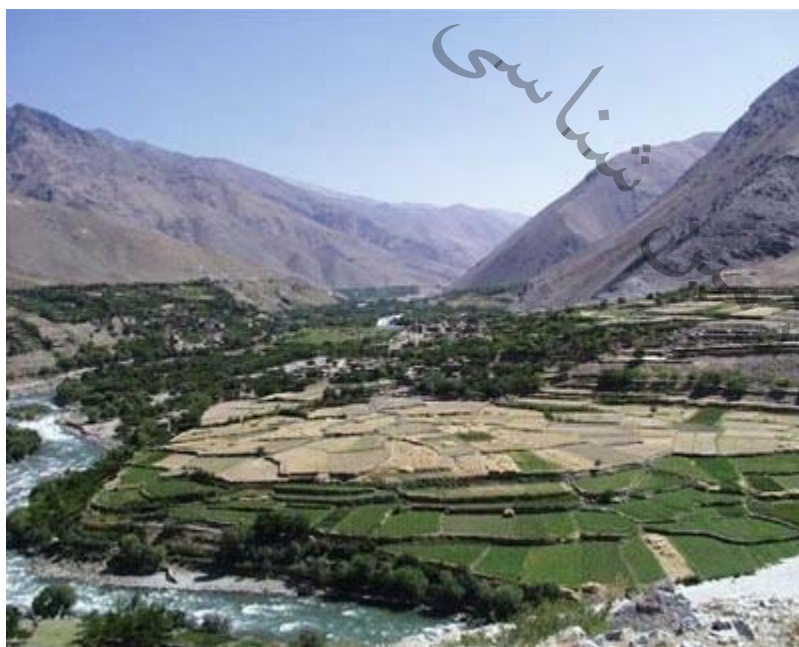
هیوان تسنگ در زاویه شمال غربی بگرام در بالای کوه ها عنوان کرده بود است که شاه ماران آبی در آن زندگانی داشت و در اثر آبادی معبدی که در پای کوه وجود داشته او و کنیشکا کوشانی جنگهایی رخ داده است . داستان مذکور از رساله بگرام و در جلد دوم تاریخ افغانستان گرفته شده است. از نقطه نظر نام میان (دریاچه شاه بار) و دریاچه ای که (شاه ماران آبی) در آن زندگانی داشت، قرابت وجود دارد. تنها سمت آنرا اگر از بگرام در نظر بگیریم به جای (شمال غرب) از سمت شمال شرق می آید. دره پنجشیر از دربند تا پریان از نقطه نظر تقسیمات اداری دارای حکومت درجه سوم است که مرکز آن (رخه) میباشد و از دارای دو بخش است که مرکز یکی آن در دهکده (زنی) و مرکز دیگری در (اره) میباشد. آبادی های دره پنجشیر مشتمل بر دهکده هایی است که بیشتر در دامنه های دو طرف کوه و در اراضی مرتفع دو طرف سواحل رودخانه قرار دارند و عموماً اطراف آنها را باغچه های توت و تاکستان های کوچک فراگرفته و جویبارهایی که از دره های فرعی جدا شده نزدیک و جوار خانه ها میگذرد. بعضی از دهکده ها در کمرهای کوه، فراز غندی ها و تپه های مشرف به اطراف دره احداث شده اند که مانند دهکده (چاروا) که از دهات امرز است و جزء تقسیمات (زنی) میباشد و دیوارهای بلند و دریاچه های کوچک و سفید آن در میان لکه های سبز درختان جلوه خاص _____ می دارد.

دره پنجشیر از نقطه نظر تعداد دهکده ها و تمرکز جمعیت یکی از بهترین جاهای ولایات بزرگ است. اهالی پنجشیر بیشتر سفید چهره و موهای خرمایی و چشمان آبی دارند. بزبان فارسی تکلم میکنند و از نقطه نظر علایم ظاهری چهره و بدن با اقوام سایر دره های _____ مالی _____ ش _____ رخ دارند.

خانه و منازل ایشان عموماً از سنگ های مالون و گل ساخته شده و در مواردی که به خشت نیاز میباشد، خشت های بزرگ خام استعمال میکنند. ورودی های اطاق های آنها عموماً کوچک و چهارچوب دروازه ها اکثراً منبت کاری میباشد. اطراف چهارچوب کلکین ها را عموماً سفید میکنند و در بسیاری موارد در طرفین ورودی های منازل دو سکو یا صفه دیده میشود.



پنجشیر آب و هوای نهایت گوارا و دلخواه دارد. در تابستان سرد و در زمستان چون باد ندارد گرم است. نظر به اختلاف ارتفاع پنجشیر علیا سردتر است. اهالی جزء چند ماه زمستان بقیه ماه های سال را در هوای آزاد، در زیر درخت های باغچه های اطراف دهکده ها و یا بالاتر در قله های کوه ها در ییلاق های تابستانی خود میگذرانند و مانند خوشه های انگور که بیک تناسب معین سایه و آفتاب بکار می گیرند، همانطور در سایه و روشنی زیر برگ های درختان زندگی میکنند. پنجشیری ها مردمان با نشاط و بشاش اند. در آواز خواندن و ترنم و قرسک و اتن و رقص میل وافر دارند. بهترین آلت موسیقی آنها دایره است. شعرا در میان ایشان زیاد است و در ساختن غزل های عامیانه عشقی ماهر اند. به تنهایی و دسته جمعی میخوانند و اشعاری در مدح زیبایی های طبیعی دره و حسن و جمال و فضایل اخلاقی خویش ساخته اند و میخوانند و از دربند تا پریان یعنی از اول تا آخر دره پنجشیر همسایه و همسایه را میسرتایند. پنجشیری ها در زمانه های قدیم حتماً از نقطه نظر لباس البسه های شاخص و مخصوص داشته اند که در اثر رفت و آمد زیاد بکابل و تماس با اهالی همجوار مخصوصاً کوهستانی ها و کوهپایه ها از میان رفته است. تنها لباس مخصوص آنها (برزو) است که پارچه آن عموماً از موی بز بدست بدست خود آنها بافته میشود.





پل مالان یکی از بناهای تاریخی هرات و از پل‌های زیبا و تاریخی افغانستان است که بر روی رودخانه هریرود در منطقه مالان ساخته

شده است.

این پل در مسیر جاده قدیمی هرات - قندهار واقع شده و در گذشته های دور، کاروان هایی که از هرات به مقصد سیستان، قندهار

و هند سفر می کردند، از این پل عبور می کردند.

پل مالان، در شکوفایی اقتصاد و درآمد مردم هرات نقش مهمی داشته و از همین رو در طول تاریخ، بارها بازسازی شده است.

این پل در سال ۵۰۵ هجری قمری (برابر با ۱۱۱۰ میلادی) و در زمان سلطان سنجر سلجوقی به همین شکلی که اکنون هست، با

اندک تفاد، ساخته شد.

ولی از روی داستان هایی که در مورد پل مالان حکایت می کنند و بنا به اهمیت تجاری و موقعیت جغرافیایی هرات، گمان می رود

که تاریخ ساخت این پل خیلی نزدیک به تاریخ ساخت شهر هرات باشد. در برخی از این حکایات ها، تاریخ ساخت پل مالان تا پیش

از ظهور اسلام نیز ذکر شده است.

برخی حکایات هایی که در مورد ساخت پل تاریخی مالان وجود دارد، شنیدنی است. بر اساس یکی از این حکایات، پیش از ظهور

اسلام، دو خواهر مومن زرتشتی مذهب، به نامهای بی بی حور و بی بی نور که مرغداری داشته اند، از تخم مرغ برای ساخت پل

مالان استفاده کردند. این روایت می گوید آن دو، در زمان ساخت پل مالان، در ملات و مصالح ساختمانی آن، تخم مرغ اضافه

کردند تا زمانیکه پل مالان ساخته می شد آنها با استفاده از تخم مرغ در ملات یا همان مواد ساختمانی آن زمان، برای مقاوم



ساختن پل در مقابل طغیان آب، مقام شوم شود.

مالان روستای کوچکی است که در کنار هریود قرار دارد. به گفته برخی مورخان، پیش از اسلام در این روستا آتشکده ای بوده که اهالی شهر هرات در این آتشکده عبادت می کردند. در زمانی که بر روی رودخانه هریود پلی وجود نداشت، مردم به سختی از آب

عبور می کردند و خود را به آتشکده می رساندند. این روایت می گوید یک موبد آتشکده مالان به نام برزو - که فرزند نداشت و از بی فرزندی همواره رنج می برد - روزی دست به دامان اهورامزدا شد و گفت اگر مرا فرزندی باشد، به شکرانه آن، بر روی هریود

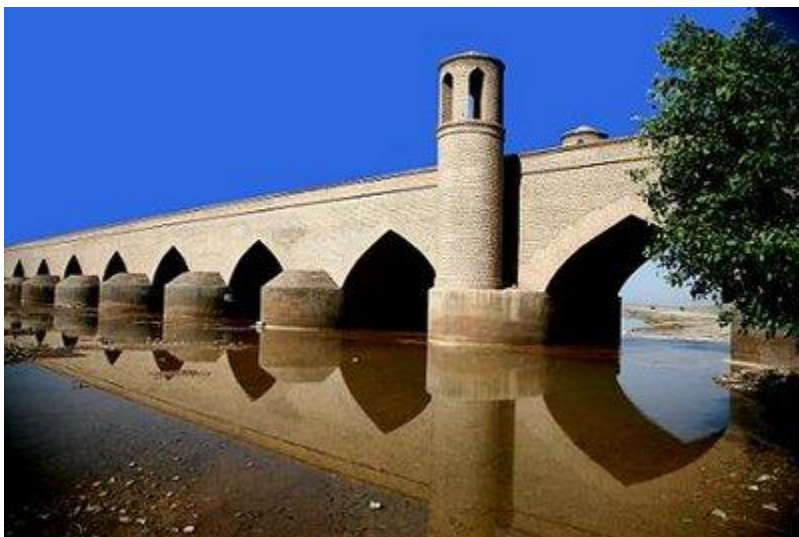
پلی خواهم ساخت که مردم بتوانند به آسانی از آب عبور کنند و به آتشکده بیایند، خداوند فرزندی به برزو ارزانی کرد و برزو نام او را فریدون گذاشت و سپس به وعده خود عمل کرد و این پل را ساخت.

پل مالان در حال حاضر دارای ۲۲ دهنه یا طاق است. اما الکساندر همیلتون جهانگرد انگلیسی در اواخر قرن نوزدهم میلادی زمانی که از هرات دیدن می کرد در مورد پل مالان نوشته است که این پل، دارای ۱۷ دهنه است. این جهانگرد همچنین نوشته که در آن

زمان آب رودخانه هریود تغییر مسیر داده و از داخل پسته‌زار کنار پل می گذشته و راه را مسدود کرده بود. گزارشی که الکساندر همیلتون در مورد هرات نوشته، در سال ۱۹۰۴ میلادی در بریتانیا به چاپ رسیده است

در سالهای جنگ در افغانستان، قسمتی از پل تاریخی مالان از بین رفته بود ولی در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ توسط موسسه داکار

مجدداً بازسازی شد.





شهرهای تاریخی بامیان ۲،۱۹،۳۰

شهر غلغله ۲،۱۹،۳۰،۱

شهر غلغله شهری که یک زمان شهرت بسزایی آن شرق و غرب را به خود متوجه گردانیده بود و در برابر نیرومند ترین و خشمگین ترین متهاجمین مقاومت و مجادلت همی کرد مخرو به های شهر غلغله در گردو نواحی بالا حصار در میان مزارع و کشت زارها به طـرف دهکـده سـید آبـاد کـم و بیش باقی مانده است .

شهر غلغله طوری که تاریخ حکایت می کند به گمان غالب بعد از به میان آمدن سلطنت شنسبانیه غوری به دست سلطان علاءالدین جهان سوز و در زمان سلطنت نخستین امیر شنسبانی ملک فخر الدین برادر افخم جهان سوز به میان آمده است .

باشندگان این شهر در بین قرن شش و اوایل قرن هفت هجری در سموچ و آبادی های مستحکمی که اباره ها برجهایی که از خشت خام و پخته و سنگ ساخته شده بود زندگانی می کردند بعد از این که علاءالدین محمد خوارزم شاه بین سال های ۶۰۷ و ۶۱۱ هجری اردوی غوری و غزنوی را در هم شکست پسرش جلالالدین در شهر غلغله مرکزی قایم کرد و برای مدتی با شهرت جلال تام حکم روایی نمود شکوه و قدرت آن رقیبان اش را بران داشت تا بر شکست و کوبیدن او از هیچ گونه تدابیر واقدامی دریغ نکنند

زمان قدرت این حکم روای فاتح بود که هجوم وحشت ناک چنگیز از صفحات شمال بر جنوب هندوکش سرایت کرد .

چنگیز از راه دره شکاری وارد این سرزمین شده در شهر ضحاک که آثار خرابه های آن را در هفده کیلومتری قبل از بامیان در نقطه نقاط آب های بامیان و کالود در نقاط مرتفع کوه سرخ قرار دارد. و جنگ میان مهاجمین چنگیز و امپراتور شهر در گرفت

درین زدو خورد موتی جن پسر جفته نواسه چنگیز به قتل رسید از دیدن این منظره خشم چنگیز به جوش آمده سوگند یاد کرد



که آن قدر قتل و قتل درین شهر بنماید که حتی برای انسان و حیوان امان زندگانی ندهد شهر غلغله بعد از مقاومت بسیار شدید در سال ۶۱۸ ه ق مطابق ۱۳۲۲ مسیحی به خاک یکسان شده فاتح مغل آن طوری که تصمیم گرفته بود شهر را آتش زد و مردم در میان شعله های آتش جان دادند و گروهی که از شعله های بی رحم آتش نجات یافتند از دم تیغ خلاصی نیافتند و بالاخره حصار آزادگان و کانون علم و فضل پادشاهان علم دوتس ادب پرور شنسب های غوری خوارزمشاهی را شهر مغضوب لقب دادند . به طرف جنوب شرق خرابه های بالا حصار شهر غلغله در داخل دهکده سید آباد بدنه قلعه مستطیل شکل با دیوارهای بلند موجود است که در نزد اهالی به قلعه دختر معروف می باشد داستانهای محلی این قلعه را مربوط به دختر جلالالدین منکبرنی پادشاه خوارزمشاهی می دانند چنگیز حصار محکم شهر غلغله را گرفت نمی توانست و مدتی لشکر مغلی در اطراف حصار سر گردان ماندند و حیران بودند که به چه ترتیب و وسیله حصار را بکشایند و به مجادله جهت اشغال بپردازند تا این که بالاخره این دختر ناز پرور خیانت کرده و نامه برای مهاجمین نوشت و نامه را با پیکان تیر در صف مهاجمین انداخت و به آن ها فهماند که فتح این قلعه مشکل است تازمانی که سر چشمه آبی را که در داخل حصار می آید و مدافعین شهر از آن استفاده و رفع تشنگی می کند بسته نشود فتح نصیب مهاجمین مغلی نخواهد بود لذا سر چشمه ای را که در دره کالو است با نمد تخته سنگ های نمک مدود شود و سپاه مغل به این دستور سر چشمه آب را بستند و بدین ترتیب راه فتح قلعه را یافتند و آن را گشودند و اما در مقابل دختر ناعاقبت اندیش نیز فعل زود ثمره این همکاری خود را با اردوی دشمن چشید و توسط سپاه مغل به وضع فلاکت باری کشته شد.



شهر ضحاک ۲،۱۹،۳۰،۲

نام محلیست که به فاصله ۱۷ کیلو متری شرق که بین ۶۷ درجه ۵۸ دقیقه ۱۳ ثانیه طول البلد شرقی و ۳۴ درجه ۲۹ دقیقه و ۳۴ ثانیه عرض البلد شمالی واقع است در نقطه اتصال آب های بامیان یا آب دره گالوروی پوزه های بلند و سرخ کوه برچ ها دیوارها و بقایا قلعه به نظر می خورد که یکی از مستحکم ترین قلعه های جنگی بوده قسمتی از برج هایی که رخ به طرف دره گالوا است به نام شهر تریم ————— ان ه ————— م شهرت دارد . در دوره شنسبانی های غوری در این جا حصار مستحکمی ساخته شده بود که مقاوت آن در مقابل چنگیز خاطره فراموش ناشدنی به یادگار مانده است چنان چه موتی جن نواسه چنگیز در سال ۶۲۸ ه ۱۲۲۲ م در همین جا کشته شد .

شهر سر خشک ۲،۱۹،۳۰،۳

به فاصله ۴ کیلو متر دورتر از دره شکاری در سواحل چپ آب های بامیان بر فراز پوزه بسیار بلند کوه دیوارهای یک حصار خرابه که شکل قلعه را دارد قرار دارد واقع واز نظر استحکام و موقعیت سوق الجیشی اهمیت بسزایی داشت این حصار مانند شهر غلغله و ضحاک آبادی های به شکل سموچ و عماراتی از خشت خام نیز از خود به یادگار مانده است .
کوه ی ————— کوه تیغه ————— کوه را به ————— م وصل کرده است .
۱- خرابه های اصل شهر که مسجد و بعضی عمارات آن هنوز باقی مانده است .



۲- ارگ یا بالاحصار که بر فراز خصص سلنی دره و اراضی هم جوار واقع است .

دورادور شهر و حصار دیوارهای ضخیم و برج های مدور دیده می شود که همه از گل و سنگ ساخته شده این حصار هم در اثر

هجوم مغل در نیمه اول قرن هفت هجری ویران شده است .



منظره بودا از بالای شهر باستانی غلغه. (۲۰۰۶)



تخت رستم، که در ایبک مرکز ولایت سمنگان قرار دارد، یادگاری است قریب به ۲۵۰۰ سال پیش که اینک تنهای تنها در اسارت حوضچه هایی که در آن زمان حفرشده بوده است در اطراف این تخت زیبا، تا از نفوذ دشمنان در امان باشد، قرار دارد. اینک حوضچه اطراف آن خشک، تخت آن مسکوت و جاده آن مخروبه باقی مانده است و همچنان شگفت زده از این همه بی توجهی مسئولان دولتی و دولتمردان سر شرمندگی خود را در برابر جهانیان به زیر انداخته و آرام با آفتاب سوزان منطقه همنشین است.

ایبک مرکز یک ولایت است، ولایتی که می تواند بسیاری از نیازهای زراعتی این کشور را تامین کند، اما مردمان آن به گفته خود والی از آشامیدن آبی که شایسته انسان باشند محروم هستند، از مرکز شهر آن رودخانه ای مواج در حال عبور است، اما آب آن همواره با خود گل به همراه دارد و آلوده است، حتا اطرافیان همین رودخانه برای رسیدن به آب آشامیدنی حد اقل باید چهل تا پنجاه متر زمین را حفر کنند و با دله از دل زمین جرعه جرعه آب بکشند و آن را بنوشند. زمینهای شان خشک، زارعان در انتظار آب، اما رودخانه از میان آنها نیشخند زده و عبور می کند و توان بهره گیری از این همه آب برای مردم نیست! تخت رستم، با اینکه بر فراز کوهی قرار دارد که همه آن کوه قابل کشت و درخت کاری می باشد، اما بازهم تشنه ایستاده است تا قدمت و کهنگی خویش را اگر کسی به دیدارش آمد و احوالش را پرسید بگوید که این زمین و این مکان دارای پیشینه فرهنگی و مدنیته کهن می باشد که یا از دواران بودائی ها باقی مانده است و یا اینکه از دوران زردشت، اما حقیقت هرچه که باشد این است که او اینک حتا یک لوحه هم در اطراف خود ندارد که ۲۵۰۰ سال پیش اینجا کی بوده است، و رستم پهلوان در آنجا چه می کرده



است و برآستی احکام خود را از فراز همین تخت سنگی صادر می کرده است؟ بر فراز این تخت سنگی نشانی از یک تندیس هم باقیست، اما این تندیس متعلق به چه کسی بوده است؟ زردشت یا بودا؟ آن را کسی لا اقل دقیق نبود که برای من بگوید. پائین تر از این کوه کوهی دیگر است که از دور چند سوراخی بیش از آن دیده نمی شود، اما گفته می شود که در آن زمان اینجا بازاری بوده است بسیار زیبا و دیدنی. ناگزیر علاقه مند می شوم که از آنجا هم دیداری داشته باشم، به کوه نزدیک می شوم، از یکی از این سوراخها داخل کوه می شوم، داخل کوه را کنده کاری کرده اند، داخل کوه نشان از یک معماری کهن دارد، احساس می کنم که این معماری را در گذشته در جایی دیده باشم، شاید در بامیان در کناره های تندیس بزرگ بودا! دل کوه را حفر کرده اند و دهلیزی کلان در آن ساخته اند، و در کنار آن یک اتاقی کلان که شاید تالاری بوده است برای اجتماعات آنها و در کنار آن دهلیزی دیگری دارد که باز هم طولانی تر می باشد و در پیچه های به سوی بیرون هم دارد، و در جانب کوه مغاره های حفر شده اند که بعضیها می گویند اینجا مغازه هایشان بوده است در آنزمان، اما بیشتر به همان معابد بامیان شباهت دارد که عابدان بودایی می آمده اند در دل آن کوهها برای عبادت خدایشان ساعتها و ماهها آنجا راز و نیاز داشته اند. در دل این کوه به علاوه یک دهلیز و یک تالار یک مکان دیگری هم ساخته است که نسبتا بسیار کلان، زیبا، و سقف آن را به شکل گنبدی حفر کرده اند، که همه آنها دیدنی است.





تنگه خیبر یا گردنه خیبر دره و گذرگاهی معروف در رشته کوه هندوکش است که در مرز میان افغانستان و پاکستان قرار دارد. این گردنه که قرن‌ها راه داد و ستد و هجوم از آسیای مرکزی بوده اینک حلقه عمده ارتباطی بین پیشاور پاکستان و کابل افغانستان می‌باشد. این گردنه ارتفاعش از ۱۰۷۰ متر تجاوز نمی‌کند. گردنه خیبر یکی از راه‌های عمده هجوم به هند بوده است. ظاهراً اسکندر مقدونی قسمتی از سپاهیان خود را که تحت فرماندهی هفایستیون و پردیکاس بود از این راه عبور داد و خود راه ساحل شمالی رود کابل را پیش گرفت. سلطان محمود غزنوی، تیمور لنگ و بابر در لشکرکشی به هند و نادرشاه افشار در لشکرکشی از این راه گذشتند. گذشته از دشواریهای طبیعی عبور از خیبر به سبب قبائل سرسخت اطراف نیز دشوار بود. از جمله این قبائل قبیله آفریدی است که مردمی گردنکش و آشوب‌طلب بودند و در مقابل هرگونه نفوذ خارجی مقاومت می‌کردند. انگلیسها اول بار در ۱۸۳۹ م. در اولین جنگ افغانستان و بریتانیا از خیبر گذشتند و دشواریهای بسیار دیدند در دومین جنگ افغانستان و بریتانیا بموجب پیمان گندمک ۱۸۷۹ م. خیبر تحت نظارت بریتانیا قرار داده شد. در ۱۸۹۷ م. آفریدیها گردنه را گرفتند و بریتانیایی‌ها را بیرون راندند و چندی آنرا در تصرف داشتند. سرانجام بریتانیا حفظ و حراست جاده را در مقابل اجرت به آفریدیها سپرد ولی خود ناچار مأمورین گشتی داشت.



۲،۱۹،۳۲،۱ تپه مندیگک

این تپه را می توان با حوزه تمدنی ارغنداب ارتباط داد که در شمال این منطقه و در ۵۰ کیلو متری شهر فعلی قندهار واقع است و به صورت دقیق تر در دره موازی مجرای ارغنداب با فاصله ۲۰ میلی جاده قندهار -گرشک و اگر از طرف ولسوالی (فرمانداری) خاکریز برگردیم حدود هشت کیلومتر به طرف ارغنداب در سمت راست جاده قرار گرفته است. امروزه اراضی زراعتی در این محدوده کمتر است اما احتمالاً در ازمنه گذشته این ناحیه توسط شعبه هایی از رود ارغنداب سیراب می شده و آبادی هایی در آن وجود داشته است. طی تحقیقاتی که در سال ۱۹۵۱ میلادی در شمال شهر قندهار در ناحیه مندیگک صورت گرفت، نشان می دهد که مردم افغانستان از سه هزار سال قبل از میلاد، خانه هایی از خشت می ساختند، به زراعت و دامداری می پرداختند و از اسلحه، زیور آلات



مسی و ظروف سفالین دارای اشکال هندسی استفاده می کرده اند. این در حالی است که بسیاری از کشورها در آن زمان از این قبیل امکانات بهره ای نداشتند و روابط اجتماعی آنها به صورت نامتمرکز بوده است.

در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) موسیو کزال، باستان شناس و متخصص قبل تاریخ فرانسوی، با انجام یازده مرحله حفریاتی پانزده طبقه آبادی دوره های مختلف را یکی پس از دیگری کشف کرد. ۳۱ متر ارتفاع تپه مذکور از تراکم آبادی هایی پانزده گانه ای صورت گرفته است که در طی سه هزار سال قبل از میلاد بر روی هم آباد شده است. تحقیقات انجام شده باستان شناسان روی آثار بدست آمده حکایت از آثار عصـر مفرغ (برنز) می کنند.

آقای شاه نعمت الله کاظمی که از تحصیلکردگان قندهار بوده و روزگاری به حیث معاون پروژه هیلمند ایفای وظیفه می کرد، می گوید که شاهد کاوش های گروه فرانسوی در مندی گک بوده و ظروف و سفال ها و ابزارهای مکشوفه در این تپه، مشابه به آثار کشف شده در حیدر آباد و سند پاکستان می باشد. وی همچنین موفق شده است در طی ماموریت های خویش در منطقه، آثار شبیه به مندی گک را بالاتر از مسیر زیارت شاه مقصود قندهار در نواحی نزدیک رودخانه هیلمند کشف کند و بدین ترتیب می توان حدس زد در طول این مسیر، رفت و آمد هایی جریان داشته و قافله ها و کاروانهایی عبور و مرور کرده اند و نیز به احتمال زیاد مسیر مهاجرت دسته های آریایی به طرف غرب و ایران امروزی از همین ناحیه صورت گرفته است.



۲,۲۰ حمل و نقل در افغانستان

۲,۲۰,۱ جاده ها

وضعیت راههای ارتباطی زمینی در افغانستان بسیار نامناسب است از ۲۱۰۰۰ کیلومتر جاده ای که در افغانستان ساخته شده است ۲۸۰۰ کیلومتر آن (۱۳/۳٪) آسفالت شده و مابقی راهها خاکی بوده و از زیرسازی ضعیفی برخوردارند. کشور افغانستان شبکه چندان گسترده‌ای از راهها ندارد. بطور مختصر راهها و تونل‌های اصلی این کشور عبارتند از:

۲,۲۰,۱,۱ تونل سالنگ

با طول ۲۶۷۶ متر بصورت فنی ساخته شده عرض آن بطور عموم به هفت متر بالغ میگردد. عرض بتن و یا قیر آن به شش متر و ارتفاع تونل به هفت متر میرسد. کار نقشه‌برداری راه پل خمی، مزار شریف و شبرغان که ۳۶۰ کیلومتر طول دارد به کمک روسیه انجام یافته‌است. این راه نسبت به راه پیشین ۴۰ کیلومتر کوتاه تر است.

۲,۲۰,۱,۲ راه پلخمی و شبرغان

این راه نیز شاهراه بزرگ کشور بوده شهرهای عمده مانند، پل خمی، ایبک، خلم، مزار شریف، بلخ، آقچه و شبرغان را به هم وصل

م. نمای



کار نقشه‌برداری این راه در سال (۱۳۴۲ ش) آغاز و در سال (۱۳۵۱) تکمیل گردیده طول این راه ۳۶۰ کیلومتر بوده و عرض آن ده متر است. با احداث این راه اولاً ۴۰ کیلومتر راه کوتاه تر گردیده و از طرف دیگر مشکلاتی که از ناحیه کوتل رباطک و تنگی تاشقرغان موجود بود از بین رفت.

۲,۲۰,۲ شاهراه غربی کشور

۲,۲۰,۲,۱ راه کابل به قندهار

این راه یکی از راه‌های درجه اول ترانزیتی افغانستان بوده استان‌های مهم کشور را با هم ارتباط می‌دهد. با پایان ساخت این راه ارتباط میان قندهار و سپین بولدک را از یک طرف و نقاط عمده کشور چون غزنی، مقر، قلات را از طرف دیگر تأمین کرده‌است. کار نقشه‌برداری این راه در سال ۱۳۳۶ خورشیدی آغاز و در سال ۱۳۴۵ کار ساخت آن خاتمه یافت. طول این راه ۴۸۳ کیلومتر بوده در طول سال قابل استفاده است زیرا در خط و سیر آن شاهراه نقاط مرتفع واقع نشده و دارای کوتل نیست این راه توسط ایالات متحده امریکا و متخصصین آن تکمیل گردیده‌است. راه بین قندهار و سپین بولدک که ۱۰۱ کیلومتر طول دارد از جمله راه‌های اساسی بوده عمده‌ترین راه ترانزیتی را بین قندهار و کویته تشکیل داده‌است.



۲,۲۰,۲,۲ راه قندهار، هرات و تورغندی

این شاهراه یکی از مدرن ترین شاهراه افغانستان شمردن شده تقریباً تماماً از بتن ساخته شده است. طول این راه یعنی از قندهار تا تورغندی (قره تیپه) ۶۷۴ کیلومتر بوده، دوازده متر عرض دارد که بخش بتنی آن به هفت متر میرسد. مقاومت این راه زیاد بوده و در ایام تابستان نسبت گرم هم تخریب نمیگردد.

۲,۲۰,۲,۳ راه اسلام قلعه به هرات

بعد از آنکه راه کابل، قندهار و هرات تکمیل گردید، اتصال راه هرات و اسلام قلعه (نقطه مرزی با ایران) یک امر ضروری پنداشته شده راه عمده ترانزیتی بین هرات و مشهد را تشکیل می دهد. کار ساخت این راه در سال ۱۳۲۳ آغاز شده و در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. این شاهراه در تمام سال فعال بوده یک شاهراه عمده بشمار می آید.



۲,۲۰,۳ راهها

افغانستان به لحاظ ارتباطی و وضعیت جاده ها و بزرگراه ها نسبت به گذشته رشد نموده است. به طور کلی ۴۵ فرودگاه در این کشور وجود دارد که بیشتر آن پس از سقوط طالبان به ضرورت عملیات نظامی ساخته شدند. نام هواپیمای بین المللی افغانستان آریانا است. سه فرودگاه بین المللی کابل و قندهار و بگرام از مهمترین میدان های هوایی (فرودگاه) این کشور است. افغانستان به دلیل عدم دسترسی به آب های آزاد فاقد بندر و کشتیرانی است و تنها رودخانه مرزی آمودریا از این قاعده مستثنا است که آن هم به سبب عدم توجه کافی هیچ بهره ای برای این کشور ندارد. در افغانستان راه آهن وجود ندارد. در کشور افغانستان بنا بر آمار سال ۲۰۰۴ حدود ۳۵ هزار کیلومتر جاده وجود دارد که تنها ۹ هزار کیلومتر آن سنگ فرش و آسفالت شده است. ۱۲۰۰ کیلومتر تنها مسیر رودخانه ای و آبی این کشور است که در محدوده آمودریا با سه کشور تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان واقع است. از بنادر نزدیک به این رودخانه می توان به شیرخان بندر و خیر آباد اشاره کرد. نزدیک ترین شهر مهم به این رودخانه مزار شریف است.



۲,۲۰,۴ بنادر و کشتیرانی

افغانستان راهی به دریاها و آزاد ندارد و بالطبع فاقد بندر و کشتیرانی است. تنها رود قابل کشتیرانی رودخانه مرزی آمودریا است که می تواند پذیرای کشتیهای کوچک تا ظرفیت ۵۰۰ تن باشد. در سواحل آمو دریا شبه بندرهایی احداث شده است که مهمترین آنها خیر آباد و شیرخان است.

۲,۲۰,۵ راه آهن

افغانستان جز معدود کشورهایی است که هیچ گونه توسعه ای را در زمینه راه آهن شاهد نبوده است. تنها دو تک راه آهن وجود دارد. یک مسیر ۱۰ کیلومتری از کوشک در مرز ترکمنستان به تورغندی در افغانستان و یک تکه مسیر ۱۵ کیلومتری از ترمز در مرز ازبکستان تا خیر آباد در افغانستان که توسط نیروهای شوروی احداث شده بودند. البته در سالهای گذشته (سال ۱۳۰۷ هجری شمسی) دولت وقت می خواست بنای یک خط آهن را در افغانستان بگذارد و با شرکت های راه آهن آلمان و فرانسه قراردادهایی در این زمینه امضا کرد، اما به دلایلی ساخت آن متوقف شد. بقایای این خط آهن تا چندی پیش در دارالامان کابل وجود داشت، ولی اکنون آثاری از آن باقی نمانده است. در حال حاضر نخستین خط راه آهن افغانستان در حال ساخت است. طول این خط آهن در ایران و افغانستان از سنگان تا مسلخ یا



گمرک هرات در حدود ۱۳۰ کیلومتر است که ۷۰ کیلومتر آن در ایران و ۶۰ کیلومتر آن در افغانستان قرار دارد. این خط آهن از کمک های بلا عوض ایران ساخته می شود و هزینه آن در حدود ۷۵ میلیون دلار تخمین زده شده است که در طی مسیر راه خود سه ایستگاه در مناطق مختلف خواهد داشت. کار ساخت این خط آهن توسط شرکت پارس که یک شرکت ایرانی است انجام می شود. این خط آهن افغانستان را به کشور چین که یکی از بزرگترین صادرکنندگان در سطح بین الملل می باشد و همچنین آسیای میانه را به بندرعباس، بندر چابهار، بندر کراچی، بندر بمبی و سایر بنادر بین المللی که بین جنوب و شمال آسیا موثر هستند وصل می کند.

۲,۲۰,۶ فرودگاه

اولین هواپیمای را مردم کابل در هنگام جنگ استقلال در آسمان شهر کابل دیدند که چند بمب روی این شهر ریخت. بعد از کسب استقلال کشور (۱۲۹۸ شمسی) چند هواپیمای از اتحاد شوروی سابق و آلمان خریداری و اولین فرودگاه افغانستان به نام خواجه رواش در کابل ساخته شد .

اولین شرکت هواپیمایی افغانستان بنام آریانا افغان در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی آغاز به کار کرد. و هم اکنون بزرگترین شرکت هواپیمایی افغانستان می باشد. هواپیمایی آریانا در سال ۱۳۶۶ شمسی ۱۲ فروند هواپیمای در اختیار داشت که عمدتاً مسیرهای کابل به تهران، بیروت، آنکارا، فرانکفورت، لندن، مسکو، لاهور، دهلی نو، جدّه، رم، پاریس، آمستردام و ... توسط این شرکت انجام می شد.

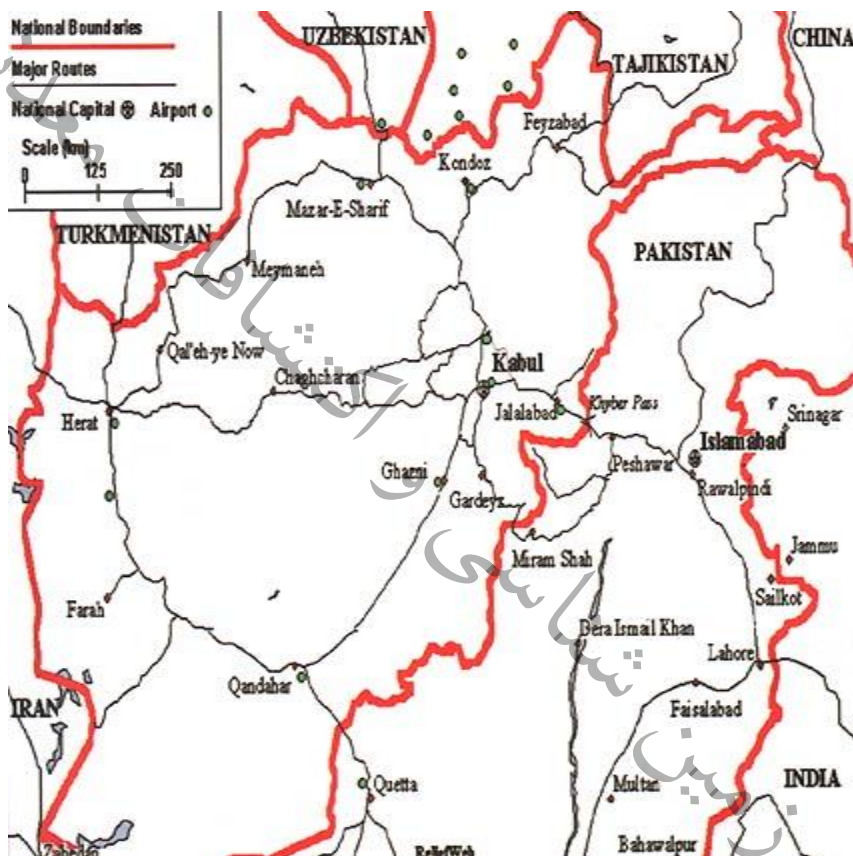


لذا پروازهای داخلی افغانستان به شرکت هواپیمایی باختر افغان که در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی تاسیس شده بود، واگذار شد. افغانستان در مجموع دارای ۴۷ فرودگاه است که از این تعداد تنها دو فرودگاه کابل و قندهار بین المللی هستند. از فرودگاههای موجود ۱۰ فرودگاه باند آسفالت دارند و از این تعداد نیز ۳ فرودگاه باندی بلندتر از ۳۰۰۰ متر دارند. مابقی فرودگاهها دارای باند خاکی هستند و از اهمیت زیادی برخوردار نیستند. افغانستان تا سال ۱۳۵۴ شمسی با ۲۵ کشور قرار داد ارتباطات هوایی امضا کرده بود و یکی از اعضای سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) است. براین اساس چون افغانستان با توجه به موقعیت جغرافیایی خود (قلب آسیا) مسیر بسیاری از کشورها را کوتاهتر می سازد، جهت حق العبور هر پرواز هواپیماهای خارجی مبلغ ۴۰۰ دلار دریافت می نماید.



۲,۲۰,۶,۱ نقشه راه های هوایی افغانستان

کشور



نقشه راه های هوایی افغانستان

سازمان



۲،۲۰،۷ ارتباطات

رشد و توسعه نظام ارتباطی افغانستان به دلیل کوهستانی بودن این کشور بسیار کند صورت می‌گیرد که مستلزم توسعه کیفی در زمینه مخابرات است. در افغانستان بیش از ۵۰ هزار نفر صاحب تلفن هستند و جالب تر آن که ۱۲ برابر آن در این کشور صاحب تلفن همراه هستند. در این کشور بیش از ۳۰ هزار نفر کاربر اینترنت هستند. وضعیت دسترسی به وسایل ارتباطی در افغانستان تقریباً مشابه با سایر بخشها و بسیار محدود است. تعداد کل خطوط تلفن در حال بهره برداری در افغانستان بالغ بر ۳۳ هزار خط است که از این تعداد ۱۷ هزار خط دیجیتال و مابقی آنالوگ هستند. این تعداد خط تلفن در ۷۵ شهر دایر است و بیشترین سهم به کابل متعلق است. دسترسی به تلفن همراه نیز از طریق دو شرکت خصوصی روشن و افغان وایرس ممکن گردیده است. تاکنون حدود ۱۵۰۰۰ سیم کارت از طریق این شرکتها به متقاضیان واگذار شده و رشد این بخش بسیار بیشتر از خط تلفن ثابت است. ضعف در زیر ساختهای مخابراتی مرتبط با شبکه تلفن ثابت و کمبود عرضه سبب بالا رفتن قیمت خط تلفن گردیده و مردم بیشتر به تلفن همراه روی می‌آورند که دارای مزیت قیمت است. ضریب مالکیتی تلفن ثابت بسیار ضعیف است به طوریکه برای هر ۱۰ نفر ۱٪ تلفن ثابت وجود دارد. ارتباط مابین شهرها نیز از طریق ۵ عدد VSAT نصب شده در کابل، هرات، مزار شریف، قندهار و جلال آباد ممکن شده و امکان تبادل صوتی و اطلاعات از این طریق مهیا گردیده است. افغانستان دارای ۱۲۳ ایستگاه رادیویی FM و ۲۱ ایستگاه رادیویی AM بوده و ۱ ایستگاه برج کوتاه مشغول فعالیت دارد. برنامه های پخش شده بیشتر به زبان پشتو، دری، اردو و انگلیسی هستند تعداد ایستگاههای تلویزیونی نیز حداقل ۱۰ ایستگاه است که ۱ ایستگاه در کابل و ۹ ایستگاه دیگر در میان ۳۲ استان واقع شده اند. تخمینی که در مورد گیرنده های رادیویی و تلویزیونی موجود



در افغانستان صورت گرفته بیانگر وجود ۱۶۷ هزار دستگاه تلویزیون است که این تعداد به سرعت در حال تغییر است.

در سال ۲۰۰۴ تعداد مراکز ارائه دهنده خدمات اینترنت در افغانستان به ۷ عدد رسید اما از آمار کاربران در این سال اطلاعی در

دست نیست. رقم تخمینی در مورد کاربران اینترنت در سال ۲۰۰۲ نمایانگر وجود ۱۰۰۰ نفر کاربر در افغانستان بود که مطمئناً با

روند فعلی گسترش مراکز خدمات رسانی اینترنت این رقم افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۳ "af" به عنوان دامنه (domain)

افغانستان ثبت شد و سایتهای افغانی از آن تاریخ می توانند از این کد استفاده کنند.

۲,۲۰,۸۱ رابطه با همسایه ها

۲,۲۰,۸۱,۱ رابطه با ایران

به سبب ارتباطات ریشه دار فرهنگی، ایران نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان دارد علاوه بر این که ایران یکی از بزرگترین

طرف های تجاری افغانستان است. بعد از سقوط حکومت طالبان و روی کار آمدن نظام سیاسی جدید در افغانستان روابط تجاری

افغانستان و ایران افزایش چشمگیری داشت البته این روابط تا کنون بیشتر صادرات ایران به افغانستان میباشد. ایران و افغانستان در

ضمینه مبارزه با مواد مخدر و بازسازی شبکه حمل و نقل افغانستان همکاری دارند.



افغانستان و ایران در سالهای اخیر که مشکل کمبود باران وجود دارد بر سر تقسیم آب رودخانه هیرمند در منطقه سیستان اختلاف نظر دارند. اگرچه هردو بر توافقنامه امضا شده توسط امیر عباس هویدا و محمد موسی شفیق (صدراعظم های وقت هر دو کشور) در مورد تقسیم حق آب هیرمند تاکید دارند.

۲,۲۰,۸,۲ رابطه با پاکستان

افغانستان از دیرباز با پاکستان بر سر خط دیورند مشکل مرزی دارد.

۲,۲۰,۸,۳ روابط فرامنطقه ای

حکومت فعلی افغانستان جز با اسرائیل با تمام کشورهای دنیا دارای روابط نسبتاً خوبی دارد. دولت افغانستان اعلام داشته که در صورت تشکیل کشور کاملاً مستقل فلسطین روابط کامل خود را با اسرائیل برقرار خواهد کرد.



۲,۲۰,۹ عضویت در سازمانهای بین المللی :

جمهوری اسلامی افغانستان علاوه بر سازمان ملل متحد (UN) در بانک توسعه آسیا (ADB)، طرح کلمبو (CP)، سازمان همکاریهای اقتصادی (ECO)، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه (ESCAP)، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، گروه (G-77)، آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA)، بانک بین المللی ترمیم و توسعه (IBRD)، سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، جامعه بین المللی توسعه (IDA)، بانک توسعه اسلامی (IDB)، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، سازمان بین المللی کار (ILO)، صندوق بین المللی پول (IMF)، سازمان بین المللی ارتباطات دورماهورهای (INTELSAT)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM)، اتحادیه بین المللی ارتباطات دور (ITU)، جنبش عدم تعهد (NAM)، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، سازمان منع سلاحهای شیمیایی (OPCW)، کمیسیون تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)، سازمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) عضویت دارد.



۲،۲۰،۱۰ رسانه ها در افغانستان

۲،۲۰،۱۰،۱ تاریخچه رادیو

اساس کار رادیو کابل در عهد امان الله خان گذشته شد. ولی فعالیتهای رسمی آن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی که ریاست مطبوعات به وجود آمد، شروع شد. نام خبرگزاری افغانستان آژانس باختر بود.

۲،۲۰،۱۰،۲ تاریخچه تلویزیون

تلویزیون افغانستان در زمان ریاست جمهوری داود خان تاسیس شد، اما فعالیت امتحانی آن در سال ۱۳۷۵ شروع شد و افتتاح رسمی آن در بیست و هشت مرداد ۵۷ به مناسبت سالروز استقلال افغانستان صورت گرفت. و هر روز فقط یک ساعت برنامه داشت. در سال ۱۳۵۸ برنامه روزانه آن ۴ ساعت و ۴۵ دقیقه شد و در سال ۱۳۶۰، ۵ ساعت و ۴۵ دقیقه و بعدها چند فرستنده دیگر در ولایات نیریز تا سراسر گریس گردید. در ۶ مهر ۱۳۷۵ وقتی طالبان کابل را تصرف کردند و بر پایتخت مسلط شدند، تلویزیون را تعطیل نمودند. سرانجام پس از ۵ سال تمام توقف، انتشار برنامه تلویزیونی پس از سقوط طالبان در اواخر ماه ابان (روز شنبه ۸۰/۸/۲۶) دوباره آغاز به فعالیت نمود. در حال حاضر چهارده شبکه تلویزیونی، بیش از هفتاد ایستگاه رادیویی و چهار صد نشریه چاپی در افغانستان فعالیت دارند.



۲,۲۰,۱۰,۳ رسانه‌های صوتی و تصویری در افغانستان

۲,۲۰,۱۰,۳,۱ خبرگزاری‌ها

آژانس خبری باخترا

آژانس خبری پژواک

خبرگزاری اسلامی افغان

خبرگزاری صدای افغان

۲,۲۰,۱۰,۳,۲ رادیو و تلویزیون افغانستان

رادیو تلویزیون ملی افغانستان

رادیو تلویزیون آریانا

تلویزیون طلوع



تلویزیون افغان

رادیو صبح بخیر افغانستان

رادیو سلام وطندار

رادیو آرمان اف ام

رادیو تلویزیون نورین

تلویزیون خراسان (امریکا)

تلویزیون آریانا افغانستان

تلویزیون لمر

تلویزیون شمشاد

تلویزیون تمدن

تلویزیون آینه

رادیو کاپیسا اف ام

تلویزیون سبا

رادیو نوا



روزنامه‌ها ۲,۲۰,۱۰,۳,۳

روزنامه آرمان ملی

روزنامه اراده

روزنامه اصلاح

روزنامه افغانستان

روزنامه انیس

روزنامه پیمان

روزنامه چراغ

روزنامه راه نجات

روزنامه ویسا

روزنامه هشت صبح

کشور
و اختصافات معدنی
شناسی و
زمین
سازمان



هفته‌نامه‌ها ۲,۲۰,۱۰,۳,۴

هفته‌نامه اقتدار ملی

هفته‌نامه امید (امریکا)

هفته‌نامه پیام مجاهد

ماهنامه مشعل (هلند)

۲,۲۰,۱۰,۴ رسانه‌های چاپی در افغانستان و

در دههٔ دموکراسی (۱۹۶۴-۱۹۷۳ م) که قانون اساسی سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ خورشیدی) آزادی بیان و مطبوعات را به رسمیت شناخت، بلافاصله شماری از جراید و هفته‌نامه‌های شخصی و غیردولتی به وجود آمدند. بزودی تعداد این نشریه‌ها به سی نشریهٔ آزاد ملی رسید که از سوی دولت جراید شخصی و از سوی مردم جراید ملی خوانده می‌شدند. چون در یکی از مواد قانون اساسی آزادی بیان و انتشارات مجاز و سانسور قبل از نشر ممنوع شده بود. ارباب جراید ملی نوشته‌های‌شان را به ریاست انتشارات جهت "تایید" نمی‌سپردند. پس دولت دست به ترفند دیگری زد. دولت با ایجاد یک پست جدید در ریاست مطبوعات دولتی (یگانه چاپخانه بزرگ کابل که مال دولت بود) به عنوان مدیریت مسوول مطبوعات دولتی اعمال



سانسور را بر جریان ملایمی از این طریق به عمل می‌آورد به محض این که دوران دراز و سیاه خفقان که نفس‌ها را در سینه مردم و بویژه اهل قلم حبس کرده بود شکست، موجی از گفتار و نوشتار و سخن در قالب رسانه‌های چاپی پدیدار شد و این یک امر طبیعی می‌نمود. اما باید تصریح کرد که تمام کسانی که به تأسیس رسانه‌های چاپی در افغانستان مبادرت ورزیدند، انگیزه‌های متفاوتی و از جمله بعضاً انگیزه ژورنالیستی داشتند و از این لحاظ می‌توان رسانه‌های چاپی افغانستان را به گونه زیر دسته‌بندی کرد:

رسانه‌های تنظیمی و حزبی

این رسانه‌ها شامل رسانه‌های چاپی متعلق به تنظیم‌های جهادی، گروه‌های چپ مائوئیستی و ملحقات مرتبط با احزاب خلق و پرچم در افغانستان می‌شوند. این جریان‌ها که در گذشته با یکدیگر دشمن و در حال نزاع می‌باشند، با استفاده از فضای مساعد جدید، به سنگرهای کاغذی روی آورده و از این طریق، به ادامه وجود و حضور سیاسی خود در میدان رقابت سیاسی کشور اصرار ورزیدند.

رسانه‌های NGO (سازمان‌های غیر دولتی):

این رسانه‌های چاپی که به کمک مالی مؤسسات، این NGO ها و سفارتخانه‌های خارجی راه‌اندازی شده‌اند، مضامین سطحی و سبک داشته و مطابق پسند و رضایت خاطر کمک دهندگان، به مسایل زنان و جوانان، ورزش و تبلیغ کالاهای لوکس خارجی و



انواع و اقسام لوازم آرایش زنانه و امثال آن می‌پردازند و متأسفانه اکثراً فاقد معیارهای روزنامه‌نگاری از حیث زبان، پرداخت و ارزش‌های روزنامه‌نگاری هستند.

رسانه‌های چاپی چای چای دولتی:

رسانه‌های چاپی دولتی اهتمام اصلی‌شان نشر اخبار و گزارش‌های مقامات حکومتی و تبصره و تحلیل و تفسیرهای خبری و بزرگنمایی در مورد کارکردهای مثبت حکومت و نهادهای دولتی افغانستان بوده است.

رسانه‌های آزاد یا خصوصی:

این رسانه‌ها، طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که البته بسیار مشکل است آن‌ها را در قالب نشریات آزاد و مستقل و غیروابسته تعریف کرد.

این رسانه‌ها توسط برخی از نهادهای جامعه مدنی، گروه‌های روشنفکری، روزنامه‌نگاران جوان و اشخاص و افراد علاقمند به کار روزنامه‌نگاری، تأسیس شده‌اند. در یک ارزیابی کلی، شماری از این نشریات در پنج سال گذشته، تنها نقطه مثبتی که داشته‌اند، نشر منظم و پیوسته بوده است، اما چنانکه باید، رشد کمی و کیفی نداشته‌اند.

امروز بیش از پانصد رسانه چاپی ثبت شده در وزارت اطلاعات و فرهنگ، شاید کمتر از پنجاه رسانه چاپی در سراسر کشور فعال باشند و کمتر از ده رسانه چاپی بتوانند حضور خود را اثبات کنند. البته همین شمار اندک هم در پایتخت متمرکزاند. برخی از این نشریات، روزنامه یا هفته‌نامه، فقط مقاله‌نامه بوده‌اند، هشت صفحه - هشت مقاله - مقاله‌ها هم اکثراً گنگ و کلی و سردرگم. رسانه‌های چاپی افغانستان کمتر توانسته‌اند خوانندگان ثابت و علاقمند پیدا کنند، و این به آن خاطر است که گردانندگان این



رسانه‌ها، نتوانسته‌اند ذوق و پسند خوانندگان و نوع علاقمندی آن‌ها به مسایل را درک و کار خود را بر این اساس بگذارند. شمار
 قلیل مشترکین و مشتریان رسانه‌های چاپی به همین دلیل می باشد.

۲،۲۰،۱۱ مراکز فرهنگی و ادبی

وزارت اطلاعات و فرهنگ از بدو تاسیس خویش متولی رسمی فرهنگی هنری کشور افغانستان بوده است. اما در کنار این نهاد
 دولتی، از دیر باز انجمن ها و نهادهای فرهنگی و غیر دولتی هم حضور داشته و هر یک در حوزه کار خویش فعالیت می کرده اند.
 انجمن های ادبی کابل و هرات را که در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی تاسیس شدند باید نخستین مراکز فرهنگی غیر دولتی دانست
 که در رشد ادب و فرهنگ تاثیری به سزا داشته اند. اما اوج فعالیتهای غیر دولتی را باید در دهه شصت به بعد سراغ گرفت و به ویژه
 با تاسیس اتحادیه هنرمندان و انجمن نویسندگان افغانستان در کابل، مقارن با این احوال، یک سلسله مراکز فرهنگی و هنری
 وابسته و غیر وابسته به احزاب نیز در میان مهاجرین خارج از کشور پای گرفت که از میان می توان به مرکز تعاون افغانستان
 ،موسسه عرفان، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، بنیاد فرهنگی امین، مرکز فعالیتهای سیاسی و فرهنگی تبیان، اتحادیه
 فرهنگیان افغانستان و مرکز اطلاع رسانی افغانستان (و دهها بنیاد، کانون و مراکز فرهنگی و ادبی دیگر در داخل و خارج) اشاره کرد
 که بیشترین این ها هنوز هم فعال اند و بعضی نیز بعد از تحولات اخیر دفاتر خود را به داخل افغانستان منتقل کرده اند.



۲،۲۰،۱۲ کتابخانه ها ،سالنهای سینما و دیگر مراکز فرهنگی

افغانستان دارای تعدادی کتابخانه عمومی است که مرکزیت آن در کابل قرار دارد و در بعضی ولایات نیز دارای شعباتی است. کتابخانه عمومی کابل کتابخانه ای است نسبتاً غنی با کتابهای مرجع و نسخ خطی فراوان که خوشبختانه کمتر دچار عوارض ناشی از جنگ شده است. در کنار این کتابخانه می توان از کتابخانه دانشگاه کابل نام برد که منبعی منحصر به فرد از کتابهای نفیس بوده و متأسفانه در جریان جنگهای داخلی دچار آسیبهای فراوان شده است.

سینماهای افغانستان بیشتر در شهر کابل قرار داشته و از مراکز مهم تفریحی مردم به شمار می رفته اند . تولیدات سینمایی این کشور کم بوده و از تعداد اندکی فیلم سینمایی تجاوز نمی کند که آن هم در جریان جنگها دچار رکود شده است . در افغانستان بیشترین علاقه مردمی عمومی به فیلمهای سینمایی تولید هند و ایران را می توان نام برد. بعضی از سالنهای سینمای کابل در جریان جنگ تخریب شده و یا از کار افتاده اند، ولی در سینماهای سالم ،نمایش فیلم با استقبال عمومی قابل توجهی جریان دارد.



کتابخانه عمومی هرات ۲،۲۰،۱۲،۱

این کتابخانه در سال ۱۳۱۰ خورشیدی توسط اداره مطبوعات شهر هرات با نام کتابخانه هرات پایه گذاری شد. در سال ۱۳۴۵ خورشیدی سیستم مدیریتی آن تغییر یافت و از آن تاریخ به بعد با نام کتابخانه عمومی هرات فعالیت دارد.

از سال ۱۳۸۳ بدینسو به تعداد ۱۰۰۰۰۰ جلد کتب به زبانهای فارسی، پشتو، انگلیسی، ایتالیایی و جاپانی از ادارات دولتی و موسسات خارجی دریافت نموده است، حدود ده هزار جلد کتب به سال ۱۳۸۶ در مرز اسلام قلعه از جانب هیأت بازرسی کتب ریاست اطلاعات و فرهنگ ضبط و بعد از بررسی، کتب مجاز به کتابخانه عمومی انتقال پیدا کرده است. و اکنون این کتابخانه بزرگترین و مدرنترین کتابخانه در سطح افغانستان است که بیش از ۴۰ هزار جلد کتاب در بخشهای مختلف موجود دارد.

ساختمان جدید کتابخانه عمومی هرات در سال ۱۳۸۳ با مساحت ۱۲۰۰ متر مربع در دو طبقه ساخته شده است.

سیستم کاری کتابخانه ۲،۲۰،۱۲،۱،۱

پرسنل این کتابخانه در بخشهای مختلف این مرکز علمی مشغول فعالیت می باشند. سیستم کار این کتابخانه به روش LC بوده و تاکنون بیش از ۱۰ هزار جلد کتب به این روش ثبت گردیده است. این کتابخانه شامل بخشهای زیر است:

- بخش توزیع



• بخش امانت (فعالاً غیر فعال است)

• بخش افغانستان شناسی

• بخش مرجع

• بخش نشریات

• بخش جذب و افزایش منابع

• بخش اهدا کتاب

• بخش نشریات

• بخش اینترنت

• بخش فنی

این کتابخانه علاوه بر خدمات کتاب در بخش اطلاع رسانی به همکاری دفتر معلومات عمومی بانک جهانی خدمات اینترنت و چاپ موضوعات تحقیق شده بصورت رایگان را به مراجعین خویش ارائه می دهد.

روزانه از خدمات این مرکز علمی اطلاع رسانی در حدود هزار تن از اقشار مختلف جامعه استفاده می نمایند که بیشترین مراجعین این کتابخانه را دانشجویان دانشگاه می باشند و ۳۵ درصد مراجعین را دختران تشکیل می دهند.

ساعت کاری این مرکز علمی تحقیقاتی همه روزه به استثنای روزهای تعطیل از ساعت ۸ صبح الی ۵:۳۰ عصر بدون وقفه می باشد.

اگر چه یک کتابخانه در شهر مانند هرات که میزان مطالعه در آن نسبت به دیگر ولایات افغانستان بالا است، بسیار کم است ولی با

آن هم این کتابخانه جوابگوی مشکلات مطالعه علاقمندان می باشد.



۲،۲۰،۱۲،۲ کتابخانه دیجیتال افغانستان

کتابخانه دیجیتال افغانستان نام پروژه‌ای است که هدف آن بازیابی و ارائه آثار مکتوب چاپی‌ای که طی شصت سال اول آغاز چاپ در افغانستان تولید شده‌اند، است. این پروژه، توسط موسسه کتابخانه‌های دانشگاه نیویورک راه‌اندازی شده است.

۲،۲۰،۱۲،۲،۱ اهداف

میراث چاپی افغانستان به دلایل مختلفی از جمله چندین دهه جنگ، در حال از بین رفتن است و کتاب‌هایی که بخشی از این میراث هستند تنها در مجموعه‌های شخصی یافت می‌شوند. هدف این پروژه جمع‌آوری، نمایه‌سازی، دیجیتال‌سازی، و ارائه آثار چاپ‌شده در افغانستان در فاصله سال‌های ۱۸۷۱ و ۱۹۳۰ (میلادی) است.

پیش‌بینی می‌شود که این پروژه علاوه بر کتب، مجموعه‌های دنباله‌دار، اسناد، جزوه‌ها، و دفترچه‌های راهنما را نیز در بر گیرد.



۲،۲۰،۱۲،۲،۲ مراحل

طی فاز اول این پروژه، که در سال ۲۰۰۵ انجام شد، آثاری از مجموعه‌هایی شخصی و کتابخانه دانشگاه نیویورک و همچنین کتابخانه بریتانیا جمع‌آوری شد. در فاز دوم، که در سال ۲۰۰۶ انجام گرفت، کارکنان مرکز ملی اسناد افغانستان در کابل برای جمع‌آوری و دیجیتال‌سازی منابع موجود در افغانستان، آموزش دیدند. تا ژوئیه ۲۰۰۸، تعداد ۳۴۸ مورد کتاب در این کتابخانه در دسترس قرار گرفته است. محتویات دیجیتال‌شده این وب‌گاه، در دامنه عمومی منتشر شده‌اند.

۲،۲۱ محیط زیست

محیط زیست چیست؟

امروزه واژه محیط زیست (Environment) وارد زبان‌ها شده. معنی دقیق این واژه چیست؟ محیط زیست یکی از واژه‌های بسیار پیچیده و کمتر شناخته شده در افغانستان است.



در لاتین محیط زیست (Environment) به معنای تمام اجسامی می باشد که اطراف ما را احاطه نموده است . اما معنای امروز این واژه آنگونه که در کتاب های بوم شناسی (اکو لوژی) آمده است ، عبارت از یک پدیده پیچیده و درهم تنیده بوده که شامل محیط های اجتماعی ، بیولوژیکی و فیزیکی میباشد . محیط زیست به تکه های شبیه برش کیک تقسیم شده که برش زیرین را خاک (Lithosphere) ، برش میانه را زیست کره (Biosphere) و برش بالایی را جو کره (Atmosphere) و آن قسمت از خاک کره که توسط آب و یخ پوشیده شده به نام آب کره (Hydrosphere) یاد می کنند . این برشها زنجیرهای پیچیده را با هم مرتبط میسازد که هرگونه دستکاری غیر معقول چه در ساختار و چه در ترکیب آن ها، تمام زنجیره ای بهم پیوسته محیط زیست را پاره خواهد کرد که در بعضی موارد قابل ترمیم نیست ، یا ترمیم آن به ده ها سال ضرورت دارد. به عنوان مثال ، انواع حیوانات و نباتاتی که منقرض می شوند ، دیگر هرگز پدیدار نخواهند گشت (مانند دایناسور ها) ده سال برای رشد جنگل ، پنجاه سال برای تجدید حیات مراتع در مناطق خشک و در حدود یک هزار سال برای جاگزین خاک فرسایش شده زمان لازم است .

محیط زیست مطالعه کنش ها و واکنش های موجودات زنده است . این شامل بر هم کنش های انسان و محیط فیزیکی و نیز بر هم کنش های خود محیط های فیزیکی مختلف است . محیط زیست فقط مطالعه اثر های محیط بر موجودات زنده نیست . بلکه مطالعه بر هم کنش های تمام انواع نیز هست . نوع انسان نوعی است میان بسیاری انواع دیگر ، با این تفاوت که توانایی اعمال تاثیر بر تکامل انواع دیگر را یافته است . انسان نه فقط بر تعداد انواع دیگر تاثیر میگذارد و شرایط زیستگاه آن ها را تغییر میدهد ، بلکه میتواند از طریق تکنولوژی زیستی (Biotechnology) انواع جدید بیافریند (مثلاً انواع تغیر ژنتیک یافته) . این اعمال دو گانهء زیست شناسی و بوم شناسی یک نوع بر تکامل تمام زیست کره (بایوسفر) در تاریخ زمین بی سابقه است . در بعض موارد ، واژه اکو سیستم مترادف است با محیط زیست.



۲,۲۱,۱ اجزای محیط

۲,۲۱,۲ زیستکره

قشر نازک حیاتی کرهء زمین را بایوسفری می نامند. تمام انواع زنده، درختان، حشرات، پرنده گان، ماهیان، گل سنگ، جلبک ها(الگی ها)، قارچ ها، ویروس ها، باکتری ها و انسان ها، زیستکرهء زمین را میسازند بایوسفر بسیار مهم است زیرا خاک را حفاظت می کند، اقلیم را تنظیم میکند، ترکیب ضیایی (فوتوسنتز) را امکان پذیر میسازد و به این ترتیب اکسیژن مورد نیاز ما را تامین میکند. بایوسفر مادهء اصلی برای غذا، لباس، دارو و مسکن ما را فراهم میکند.

تمامی حیوانات در نبرد برای حفظ بقای خود باید منبع غذایی ثابتی داشته باشند و اگر آنها با خوردن دیگر حیوانات دیگر زندگی کنند بقای آن نوع حیوان طی مراحل پیچیده ای دقیقاً تنظیم خواهد شد. بدون صید صیاد نمی تواند باقی بماند. اگر شکار از روی زمین محو شود، شکارچی نیز از بین خواهد رفت، آنجا که انسان همه را شکار میکند قضیه پیچیده تر می شود. اما یک چیز روشن است، هرگاه انسانها در روش خود با محیط زیست تجدید نظر کنند، روزی خواهد رسید که هم خودش و هم لقمه ها از بین خواهد رفت.



محیط زیست ارتباط مستقیم با انکشاف اجتماعی و اقتصادی دارد . یکی از آن انقراض نسل حیوانات وحشی و دیگری آن کاهش

تنوع زیستی می باشد .

اصطلاح حیات وحش (Wildlife) هم به حیوانات و هم به نباتات وحشی اطلاق میگردد. امروزه حیات وحش با دو خطر بزرگ

روبه رومی باشد. نابودی زیستگاه (Habitat) و شکار نامحدود. زیستگاه معنای خانه را دارد و قتیکه خانه یک حیوان تخریب

میگردد ، حیوان یا محکوم به مرگ میگردد یا مهاجر میشود . وظیفه یی را که یک حیوان در اجتماع حیوانی اجرا میکند به نام

نیچ (Niche) یاد میگردد. از جمله دلایلی دیگر، تغییرات در پوشش نباتی و خشک شدن آبهای ایستاده در نتیجه خشکسالی های

۱۹۹۹-۲۰۰۱ است که به عنوان نمونه میتوان از ایستگاه پرندگان مهاجر (مخصوصاً کلنگ سفید ، قاز حسینی) نام برد .

۲,۲۱,۲,۱,۱ تنوع زیستی

تنوع گونه های که در افغانستان یافت می شود در زمره قلمرو های است که اطلاعات مربوط به آن چندان زیاد نیست . تا هنوز

در افغانستان ۱۲۳ نوع پستاندار ۴۶۰ نوع پرند و ۳۷۰۰ نوع نباتات و عابویی (Vascular Plant) ۸۰۰ نوع اندمیک شناخته

شده است. شمار زیادی از گونه های ناشناخته هنوز در ارتفاعات هندو کش و دره های بلند کوهستانات مرکزی وجود دارد .

شناسایی حیوانات و نباتات وحشی به نوبه خود ستون فقرات تمامی فعالیت هایی را تشکیل میدهد که در حوزه های بایوسفر بوم

سازگان و بوم شناسی به انجام میرسد .



در افغانستان شماری زیادی از نباتات و حیوانات وحشی اجداد نباتات مزروعی و حیوانات اهلی میباشند. این حیوانات و نباتات مواد خام ژنتیکی برای اصلاح نسلهای اهلی اند. اجداد وحشی نباتات مزرعه ای عبارت اند از: پسته، ناک، زرد آلو، آلو، آلبالو، بادام، گندم و برنج. اجداد وحشی حیوانات اهلی عبارت اند از گوسفند مارکو پولو، گوسفند یورال، بز کوهی و غر گاؤ. در افغانستان تنوع زیستی به شدت کاهش می یابد.

در گذشته دهقانان حبوبات گو ناگونی را متناسب با تفاوت های بومی، خاک و اقلیم کشت میکردند. اکنون جای برنج لغمانی و بغلانی را برنج های پاکستانی گرفته و در آینده نزدیک ناک چینایی جایگزین ناک اندرابی خواهد شد تخم های اصلاح شده که از خارج وارد میگردد، زراعت افغانستان را به سوی (Monoculture) تک زراعتی کشانده و نباتات تغیر ژنتیکی یافته از یکسو جای گندم های محلی را میگیرد و از سوی دیگر عادت غذایی مردم را تغیر میدهد.

۲،۲۱،۲،۲ جوکره

جوکره شامل آب و هوای کره زمین است که در بالای کره خاکی (Lithosphere) موقعیت دارد. تغیرات جوی شامل مجموعه ای از تغیرات آب و هوای متوسط گرمایی زمین. بارندگی و تغیر در الگوی وزش باد است بیشتر این تغیرات بخاطر افزایش گاز دی اکسید کربن (CO_2) در اثر فعالیت های روز مره انسان و ایجاد پدیده های گل خانه یی به وجود آمده اند. این تغیرات ادامهء حیات حیوانات و نباتات را به خطر انداخته است. گرم شدن دنیا (Global Warming) چالش بزرگی است که مرز نمی شناسد و همهء دنیا را چه فقیر و چه غنی متاثر خواهد ساخت. ده سال گذشته جز گرم ترین سالهای کره زمین بوده اند و سال ۲۰۰۵) ۱۳۸۴ خورشیدی) را به عنوان گرمترین سال تاریخ نام برده است. گیاهان زنده دی اکسید کربن را جذب و اکسیژن را آزاد میکنند.



اگر تمام جنگل ها از سطح زمین ناپدید گردند مقدار (O_2) افزایش میابد. جنگل ها نقش اصلی را در موازنهء اتموسفر و اقلیم های زمین دارد . جنگل زدایی بازتابهای جدی در فرایند تبخیر و میزان سازندگی دارد. وقتیکه جنگل ها نابود شود. تعادل اتموسفر بهم میخورد و این موضوع تاثیر منفی بر اقلیم دارد از این جهت است که جنگلهای جهان را ((ریه های کره زمین)) نامیده اند.

۲,۲۱,۲,۳ آب کره

آب کره آن قسمت از زمین است که توسط آب و یخ پوشیده نشده باشد. آب کره به تغییرات آب و هوا حساس است. هر دگرگونی در چرخه آب (Water Cycle) تاثیر مستقیم بر پیشرفت اقتصاد و بر روی محیط زیست دارد .

۲,۲۱,۲,۴ خاک کره

این کره شامل طبقات خاک سنگ ها و کوه ها می باشد . خاک جایی است که نباتات در آن نشو و نما میکنند . طبقهء فوقانی خاک (Topsoil) دارای مواد مغزی بوده و حاصلخیزی زمین را تعیین می کند . خاک در اثر تجزیهء سنگ ها به وجود می آید . حیوانات از نباتات تغذیه می کنند . انسان ها در بالای خاک خانه می سازند.



۲،۲۱،۳ آگاهی محیط زیست

امروز افغانستان با بحران شدید زیست محیطی رو به رو است . مهم ترین بخش این بحران همانا مساله بیابان زایی (Desertification) جنگل زدایی (Deforestation) فشار بیش از حد در مراتع و فرسایش شدید خاک (افزایش طوفان های شدید گرد و خاک) آلودگی شهر ها و انکشاف شهر ها بدون انجام مطالعات و ارزیابی دقیق زیست محیطی نظیر کانالزاسیون می باشد . اما با بهره گیری از بنیان های قوی علمی و تحقیقاتی و استفاده از تکنولوژی نوین زیست محیطی میتوان رشد اقتصادی را با حفظ محیط زیست همگام کرد.

۲،۲۱،۴ وضعیت محیط زیست افغانستان

در پی نگرانی هایی فزاینده نسبت به وضعیت آب و هوای کشور و عدم بارندگی مطلق در فصل زمستان از سوی مردم، وزارت زراعت کشور در این رابطه به اظهار نظر پرداخته است. وزارت زراعت کشور احتمال بروز خشک سالی را در سال جاری رد نموده گفته است بر اساس پیش بینی منابع معتبر هواشناسی، احتمال ریزش برف و باران در ماههای آینده وجود دارد. اما با آن هم وزیر زراعت نگرانی خود را نسبت به وضعیت جوی و خشک سالی کشور یادآوری نموده گفت اگر این بارندگی ها در وقت مناسب صورت نگیرد، تاثیرات مثبت آن برکشت و کار، کم خواهد بود. قبل از همه باید یادآورد شد که وضعیت نگران کننده کنونی کشور در عرصه زراعت و آب و هوا و خشک سالی های متناوب به مسئله کلی و جهانی محیط زیست و گرم شدن کره زمین ارتباط دارد.



چنانچه اداره محیط زیست کشور نیز پیش از این هشدار داده بود که این کشور در معرض خطر تغییرات آب و هوایی ناشی از گرمایش زمین قرار گرفته است. کارشناسان گفته اند که تولید گازهای گلخانه ای به میزان کنونی می تواند میزان گرمی کره زمین را ظرف ۱۰ تا ۱۲ سال آینده تا یک و نیم درجه سانتیگراد بالا ببرد. آب شدن یخ های قطب شمال و جنوب، بالا آمدن سطح آب دریاها و شیوع بیماریهای گوناگون و از میان رفتن نسل های برخی از گیاهان و حیوانات از پیامد های عمده گرمایش زمین دانسته می شود. به همین جهت حفاظت از محیط زیست یکی از

موضوعاتی است که در صورت عدم در نظر داشت آن و یا بی تفاوتی نسبت به آن، اثرات زیان باری بر زندگی و سلامت جامعه برجای خواهد گذاشت. امروزه بسیاری از کشورهای جهان اعم از پیشرفته، در حال رشد و عقب مانده همه به گونه یی با چالش های ناشی از تخریب محیط زیست رو برو می باشند. اما در افغانستان با توجه به مشکلات فراوانی که این کشور در زمینه های مختلف با آن روبرو می باشد مسئله تخریب محیط زیست و خصوصا خشک سالی های پیایی و آلودگی هوا بیش از پیش نگران کننده می باشد. به همین جهت مقامات مسئولین و ذیربط باید اهتمام لازم و مسئولیت پذیری خاصی را در این زمینه از خود نشان دهند، در غیر این صورت نه تنها مردم از فضای سالم برای زیست محروم خواهند شد، بلکه آسیب های بسیار جدی و غیرقابل جبران به سلامت جسمی و روحی مردم وارد خواهد شد. برای مقابله با چنین نگرانی هایی، خوش بختانه در سطح جهانی راهکارها و تصمیماتی اتخاذ گردیده است. در سال ۱۹۹۷ میلادی نزدیک به صد و چهل کشور جهان پیمانی را بنام "پیمان کیوتو" به منظور کاهش تولید گازهای گلخانه یی به امضا رسانیده اند. هرچند برخی از کشورها از جمله ایالات متحده بعنوان بزرگترین تولید کننده گازهای گلخانه ای در جهان از آن پیمان خارج می باشد، اما دیگر کشورهای امضا کننده این پیمان بر این باوراند که افزایش گرمای زمین مهم ترین و بزرگ ترین مشکل زیست محیطی و بوجود آمدن خشک سالی های پیایی در جهان می باشد و



اگر اقدامات لازم برای مقابله و پیش گیری از آن روی دست گرفته نشود ممکن است برای سالیان متمادی این وضعیت نگران کننده و تهدید آمیز ادامه یابد. در رابطه با وضعیت محیط زیستی و آسیب های که از بابت گرم شدن زمین و برخورد نادرست با طبیعت و دیگر عوامل مخرب وجود دارد می توان افزود که افغانستان بعنوان جزئی از نظام خانوادگی کشورهای جهان شديداً به رعایت محیط زیست و توجه به عوامل نگهدارنده محیط زیست و مقابله و پیشگیری از عوامل تخریب کننده محیط زیستی ضرورت دارد. ولی متأسفانه طی سال های بحرانی و نبود حکومت ها و نهادهای مسئول زمینه ای برای توجه و پرداختن به چنین مسایلی وجود نداشته است. به معنی دیگر عدم توجه به محیط زیست را می توان در یک ارزیابی نسبتاً بدینگونه مورد توجه قرار داد. قبل از همه باید گفت متأسفانه طی سالهای جنگ و بحران، افغانستان از داشتن یک حکومت مرکزی و نهاد مسئولی که در رابطه با محیط زیست توجه نشان دهد محروم بوده است. فقدان چنین حکومتی نوعی خلاء قانونی و عدم نظارت بر امور محیط زیست را سبب شده است. خاطیان محیط زیست با استفاده از خلاء قانونی و نظارتی و عدم مجازات آنان در زیان رساندن به محیط زیست نهایت سوء استفاده را نمودند. مسئله دیگر بروز جنگ ها و درگیری های دوام دار موجب نابودی محیط زیست گردیده است. جنگ های دوامدار و بی رحمانه که نه به انسانها رحم نشان داده شد و نه به طبیعت، در نهایت سبب گردید که فرایند تخریب محیط شدت یابد. بسیاری از جنگل ها و درخت ها و محیط های سبز از بین برود. کشت و زراعت رو به سقوط باشد. مجموعه چنین رویداد هایی سبب گردید که محیط زیست به شدت آسیب ببیند. مورد دیگر تخریب مراتع و جنگلها در اثر استفاده نادرست می باشد. این موضوع هم در زمان جنگ ها و هم پس از آن صورت گرفته است. تخریب مزارع، مراتع و جنگلها از دیر زمان وجود داشته است. اما در زمان بحران و نبود حکومت مرکزی و در زمان کنونی بخاطر عدم اعمال قانون و عدم برخورد مسئولانه روند تخریب مراتع و جنگلها هم چنان ادامه یافته است. شکار بی رویه حیوانات و پرندگان، که در مواردی نسل بسیاری از حیوانات رو به انقراض نهاده است، هم در تخریب محیط زیست نقش عمده دارد. بطور نمونه اداره محیط زیست کشور چندی قبل اعلام داشت که نزدیک به ۶۰



درصد جنگلهای کشور نابود گردیده اند و این روند هم متأسفانه به شدت ادامه دارد. قطع جنگلها و نابودی مراتع تاثیر بسیار شدیدی بر وضع جوی و بارندگی های کشور داشته است. بوجود آمدن چنین شرایطی موجب شده است که اکوسیستم طبیعی کشور کاملاً دگرگون گردیده و سیستم آن مختل گردیده است. نکته ای دیگر در رابطه با محیط زیست کشور خشک سالی های پیاپی می باشد. هرچند این موضوع تا اندازه به تخریب محیط زیست کشور ارتباط می گیرد، اما وضعیت تخریب محیط زیست جهانی و افزایش گازهای گلخانه ای و آلوده شدن هوای کره زمین در اثر دود های برخاسته از کارخانه های صنعتی نیز در خشک سالی های بسیاری از کشورها از جمله افغانستان بی اثر نبوده است. خشک سالی های دوامدار علاوه بر اینکه بر اقتصاد کشور زیان سنگینی را وارد ساخت، محیط زیست کشور را نیز بخاطر نابودی مراتع و کشت زارها از داشتن هوای پاک و فعال بودن اکوسیستم طبیعت محروم ساخت. در ادامه می توان به رجوع و هجوم مردم از روستاها و اطراف به مرکز شهرها بخصوص کابل اشاره داشت. این مردم که بخاطر خشک سالی همه کار و امور زندگی شان تعطیل گردیده بود برای ارتزاق و تامین معیشت مجبور به مهاجرت گردیدند. اگر برخی سعی نمودند به کشورهای خارج مهاجرت نمایند عده ای کثیری از آنان به شهرها روی آوردند. بنا بر این تراکم جمعیت در شهرهای کشور، بویژه در کابل سبب گردید که آلودگی محیط زیست چند برابر افزایش یابد. زیرا که تراکم جمعیت که با فرهنگ شهرنشینی آشنایی نداشته و شهرهای کشور نیز مستعد پذیرش این تراکم جمعیت را ندارد. در اینجا می توان به اظهارات اداره محیط زیست درباره علل و عوامل آلودگی محیط زیست اشاره داشت که می افزاید: طی سال های اخیر افغانستان به زباله دان ماشین های کهنه جهان بدل شده است. موتور های استهلاک شده و تیل های وارداتی بی کیفیت، نبود کانالزاسیون در شهرها، جاده های خاکی، افزایش بیش از اندازه جمعیت در شهرها و فقر تنگدستی مردم مشکلات محیط زیستی کشور را چند برابر ساخته است. بطور مثال و نمونه عینی گفته می شود ۳۰ درصد هوای شهر کابل را گازهای زیان آور شامل گرد و غبار و مواد مضر انسانی تشکیل می دهد. نکته ای دیگر که در رابطه با افزایش تخریب محیط زیست ارتباط دارد نقش و عملکرد حکومت و



نهادهای ذیربط می باشد. متأسفانه در طول چند سال گذشته دولت نتوانست در راستای حفظ و نگهداری محیط زیست برنامه و کار در خور توجه از خود نشان دهد. بطور مثال بر اساس گزارش رسانه‌ها، هنوز هم در ولایات همجوار با همسایگان قاجاق و قطع بی رویه درختان جنگل‌ها هم چنان ادامه دارد. بنا به اظهارات یکی از مقامات اداره محیط زیست عدم همکاری نهاد های مسئول دولتی و نهادهای ذیربط در زمینه ی حفظ محیط زیست سبب گردیده است که روند تخریب محیط زیست و آلودگی آن شدت یابد. بر علاوه عدم توجه به ضرورت‌ها و نیازمندی‌های تکنیکی و برنامه‌ای حفظ محیط زیست سبب شده است که هیچ طرح و برنامه‌ای تاکنون به اجرا در نیاید. البته در این راستا موضوع عدم آگاهی نیز قابل توجه می باشد. عدم پایبندی به مسئولیت‌ها و شناخت نقش و وظایف شهروندی از سوی مردم باعث تسریع روند تخریب محیط زیست شده و به خصوص در شهرهای کلان و پر جمعیت کشور، خطرات ناشی از زباله‌ها و کثافات به طور جدی سلامت شهروندان را به مخاطره انداخته است. اگر همه مردم این اصل را بدانند که نگهداری محیط زیست مانند نگهداری جنگلات، نباتات و حیوانات وحشی در واقع نگهداری ملکیت خود آنان است مشکلات عدیده‌ای که در رابطه با محیط زیست وجود دارد، یا بوجود نمی‌آید و یا قابل پیشگیری و حل خواهد بود. بنابر این توجه به مسئله محیط زیست و نگهداری از آن که امروزه بسرعت و وسعت در حال نابودی است، یک عزم جدی و ملی را می‌طلبد. بدون شک حکومت و نهادهای ذیربط در این راستا مسئولیت مستقیم و درجه اول را دارند، علاوه بر آنها مستلزم تلاش همگانی فرد فرد شهروندان کشور نیز می باشد.



۲,۲۱,۵ مشکلات زیست محیطی افغانستان

قطع درختان جنگلی توسط قاچاقچیان و انتقال چوب این درختان به کشورهای همسایه و عمدتاً پاکستان باعث نابودی بیش از ۷۰ درصد جنگل‌های این کشور تا سال ۲۰۰۹ شد.

شاید مهم‌ترین مشکل زیست محیطی افغانستان خطر نابودی جانورانی مانند پلنگ برفی، بزهای کوهی، سمور، غزال‌های وحشی، قوچ و... باشد. این حیوانات بیشتر برای استفاده از پوست‌شان کشته می‌شوند.

از شاخص‌ترین محدودیت‌های زیست محیطی این کشور می‌توان به محدودیت در دسترسی به منابع آب (مصرف کشاورزی و آشامیدنی)، چرای بیش از حد دام، آلودگی هوا و آب، عدم دسترسی به آب‌های آزاد و... اشاره کرد. تقریباً در افغانستان سامانه دفع زباله به روش مدرن وجود ندارد.

۲,۲۱,۶ گونه‌های جانوری افغانستان

در جنگل‌های شرق افغانستان (نورستان، پکتیا، ننگرهار) حیواناتی از قبیل شیر، پلنگ، میمون، سنجاب، شغال، خرس، گرگ، خرگوش، انواع آهو و غیره.. زندگی می‌کنند. در افغانستان پراکندگی پلنگ، بز کوهی و آهو تقریباً یکسان است.



پلنگ جز در مزارع و دشتها، در تمام نقاط افغانستان (بخصوص در دره ی هاجر ولایت بامیان) هر جا که طعمه های مناسب مانند بز کوهی، گراز، قوچ، آهو و غیره وجود داشته باشد زندگی می کند. ببر در سالهای گذشته در نیزارهای کرانه ی آمو دریا و شمال غرب افغانستان (مرغاب) زندگی می کرد که به سبب کاهش طعمه ها ی اصلی این جانور یعنی آهو، گورخر و... و شکار بی رویه ی آن، نسل آن منقرض شده است. پلنگها و سیاه گوشهایی که در ارتفاعات مرکزی افغانستان می زیستند، پشک کوهی و دشتی، روباه سرخ، روباه دشتی، شاه روباه، راسو، سمور، دله خفک و غیره که در نقاط مختلف افغانستان زندگی می کنند، در سالهای اخیر به سبب تجارت فزاینده ی پوست، به صورت بی رویه شکار شده اند. شکار بی رویه ی آنها به وسیله تله، تفنگ، تور و ... باعث کاهش تعداد این حیوانات شده است. از طرفی، افزایش سریع جمعیت جوندگان و موشهای صحرایی، کشاورزی در استپ های افغانستان را با مشکلات جدی روبرو ساخته است.

گسترش کشاورزی، کاهش شمار جانوران شکارچی، به ویژه گربه وحشی و روباه و اوضاع جوی مناسب با زندگی جانوران جونده از جمله دلایل این افزایش به شمار می روند.

انواع خزندگان مانند مارها که در کشور ۲۷ نوع آن و سوسمارها که ۲۳ نوع آن شناسایی شده است، در همه نقاط دیده می شوند. انواع ماهی ها از قبیل قزل آلا (خال ماهی)، کپور (شیر ماهی)، مار ماهی و ... در آبگیرها، تالابها و رودهای افغانستان مانند آمو دریا، هیرمند و دریاچه های هامون، بندامیر و ... به وفور یافت می شوند. این ماهی ها در سالهای اخیر به شکل بی رحمانه ای و با استفاده از مواد منفجره صید شده اند. ادامه این وضع، باعث بهم خوردن تعادل موجود در محیط زیست می گردد.



به طور کلی حیواناتی که در افغانستان زندگی می کنند، عبارتند از: شیر، پلنگ، سیاه گوش، خرس سیاه و قهوه ای، گربه ی وحشی، گرگ، روباه، شغال، کفتار، گراز، خوک، میمون، سنجاب، خارپشت، سنگ پشت، سمور، راسو، خرگوش، دله خفک، انواع بز کوهی، قوچ، گوزن، آهو و ...

در افغانستان ۴۵۰ نوع پرنده شناخته شده است که تقریباً نیمی از آنها در ناحیه استپی زندگی میکنند. برخی از پرندگان هرگز محل زندگی خود را ترک نمی کنند. اما بعضی دیگر اقدام به مهاجرت های دور و دراز چند هزار کیلومتری می کنند. تنوع اقلیمی و آب و هوایی، پستی و بلندی ها، منابع سرشار، آب های سطحی و پوشش گیاهی مناسب و فراوان، زمینه های زیست انواع وحش و پرندگان بومی، مهاجر و همچنین انواع آبزیان را در افغانستان فراهم کرده است. یکی از زیستگاه های مهم پرندگان در افغانستان دریاچه ی مرداب و تالاب ناور در ولایت غزنی است که بسیاری از پرندگان آبی در آن زندگی و رفت و آمد می کنند. ذرنای سفید سبیریایی که از پرندگان کمیاب است، در راه بازگشت از هند به محل زاد و ولد خود در رودخانه آب (روسیه)، در دریاچه ی مرداب غزنی توقف می کند. انواع بسیاری از پرندگان از جمله اردک وحشی، غاز، پرستو، جل، بودنه، کبک، تیهو، شاهین، باشه و ... همچنین در حدود ۲۰ هزار فلامینگو (غاز حسینی) در کرانه ها و تپه های اطراف این دو ناحیه تخم گذاری می کنند.

دشت ناور (۳۲۰۰ متر) مرتفع ترین محل زاد و ولد فلامینگو در جهان است. دریاچه مرداب غزنی در فصل بهار و تابستان، محل زندگی و پذیرای بسیاری از پرندگان است که در فصل پاییز و زمستان به سوی نواحی گرم هندوستان، حوزه رودخانه سند، ایران و آفریقا مهاجرت می کنند.



دریاچه هارون صابری و پوزک، درامتداد مرز افغانستان و ایران ، زیستگاه وسیع و مهم برای بسیاری از پرندگانی است که همه ساله زمستان را در آنجا سپری می کنند. در حدود ۱۹۰ گونه پرنده در دریاچه ی هامون و مناطق اطراف آن دیده می شود و در سال ۱۳۵۶ شمسی ، بیش از هفتصد هزار پرنده ی آبی و مهاجر در این دریاچه وجود داشته است. پرندگانی مانند دراج، توغدری، بقره قره، جل، اگن، تیهو، عقاب، سنقر، کرکس و ... در حوالی دریاچه فراوان است. همچنین پرندگان مهاجری که از سیر دریا یا آسیای میانه به طرف هندوستان مهاجرت می کنند، مدتی را در دریاچه ی بند امیر می گذرانند.

در کوههای بابا بیش از ۱۵۰ نوع پرنده وجود دارد. تنگه ی سالنگ در پاییز و بهار معبر عمده ای است برای زیادی از لک لکهای سفید و سیاه، سارها، و گونه های بی شماری از پرندگان دیگر ، که از زیستگاه های زمستانی خود به مناطق شمالی مهاجرت می کنند.

جنگلهای شرق کشور (نورستان، پکتیا و ...) آشیانه ی بسیاری از پرندگان هیمالیایی می باشد. انواع پرنده هایی چون قرقاول، طوطی، مینا، بلبل، کبک، سی سی، هدهد، باز، باشه ، زاغ، جغد ، کبک زری و ... در این جنگلهای زندگی می کنند. همچنین تالابهای کشور ، زیستگاه های مهمی برای تعداد بی شماری از گونه های مختلف پرندگان بوده و محل امن و مناسبی (بویژه در فصل زمستان) برای آنان به شمار می رود. این پرندگان با حضور خود در منطقه، علاوه بر منافع اقتصادی، باعث تنوع چشم اندازهای طبیعی می گردند. پرندگان تاثیر زیادی نیز بر سایر حشرات و جوندگان موزی و زیانکار داشته و به بهبود بهداشت محیط کمک می کنند. در سالهای اخیر نابودی نی و پوشش گیاهی درون دریاچه ها، سیل، شکار بی رویه و جمع آوری تخم پرندگان، زیستگاه ها و زندگی آنان را تهدید می کند.



تالاب اشکمش در ولایت تخار، تالاب غور در ولایت فراه، تالاب غوری در ولایت بغلان، تالاب بغلان در ولایت بغلان، تالاب نور در ولایت غزنی، تالاب محمد در ولایت قندهار، دریاچه ی بند امیر در ولایت بامیان و بسیاری از نقاط دیگر مانند کوههای شمال شرقی و غربی و جنگلهای بدخشان از زیستگاههای مهم پرندگان مختلف به شمار می آیند.

کبک ، تیهو، بونده، لک لک، فاخته، قمری، بلبل، سی سی، کلنگ، سیاه سینه، کبوتر ، زاغ، شاهین، کرکس، غاز، شاهین، عقاب ، جل، باز، هدهد، نیله زاغ، باشه، سائره، قره سینه، مرغابی، موسیچه، کل مرغ، مینا، طوطی، جغد و... از پرندگانی هستند که در افغانستان زندگی می کنند.

۲,۲۱,۷ پوشش گیاهی افغانستان

در جاهای مختلف افغانستان پوششهای گیاهی متنوعی می توان دید. عوامل آب و هوایی و جنس خاک در پراکندگی رویشهای گیاهی کشور نقش به سزایی دارند.

- در شمال افغانستان درخت های تبریزی و بید ، درختچه های گز و انواع نی در بستر دره ها و در کناره رودها (به خصوص سواحل جنوبی آمودریا) چمن زارهای پوشیده از علف ، بوتهای کوچک درمنه و درختهای پراکنده ی پسته می رویند .
- در مناطق کوهستانی افغانستان از قبیل هندوکش ، کوه بابا ، سفید کوه ، فیروز کوه و ... در ارتفاع بیش از ۴۰۰۰ متری یخچال



های دائمی وجود دارد و عموماً گیاهی وجود ندارد. ولی در داخل دره ها و کوه پایه ها ، عموماً درختان چنار به صورت پراکنده

فراوان است . تنها در مناطق مرکزی افغانستان ، در سال ۱۳۷۸ شمسی در حدود بیست میلیون درخت چنار وجود داشته است که از

چوب آن برای ساخت مساکن و غیره استفاده می شود . دامنه ی این کوه ها دارای مراتع غنی هستند که در فصل گرم سال چراگاه

میلیون ها دام می باشد .

- در شرق و جنوب شرقی افغانستان متنوع ترین پوشش گیاهی دیده می شود. در جنگلهای این ناحیه درختان سوزنی برگ مانند

درخت لمنز، نشتر، سرپ، جلغوزه، ارچه و غیره و درختان پهن برگ مانند بلوط، زیتون و ... دیده می شود. در افغانستان میلیونها

درخت زیتون خودرو در ولایات پکتیا، ننگرهار، لغمان و کنرها وجود دارد، که به ویژه در نورستان یک ناحیه نسبتاً وسیع در حدود

۲۰۰۰ هکتار از اراضی را اشغال کرده است. علاوه بر آن کوه های منطقه نورستان، پوشیده از درختان بلوط ، صنوبر، سرو آزاد،

عرعر، چار مغر و ... می باشد .

- در شمال و شمال غربی کشور جنگلهای پسته به صورت انبوه وجود دارند. جنگلهای پراکنده و بوته ای، بنا بر شرایط آب و هوایی

به صورت پراکنده در دامنه ی کوهستان ها و دشتهای، در نقاط مختلف کشور می رویند.

در جنوب و جنوب غربی کشور که دارای آب و هوای گرم و خشک است، مقدار بارندگی در طول سال خیلی کم بوده و از ۱۰۰

میلی متر فراتر نمی رود. همچنین در بیابانهای این ناحیه مانند دشت مارگو، ریگستان و دشت بکوا و جنوب گرشک ، ولایت

نیمروز، جنوب فراه گیاهانی می رویند که در برابر خشکی و گرمای هوا، جنس نامساعد خاک و شوری ناشی از تبخیر آب مقاومتند.

از جمله ی این گیاهان، درمنه، بوته های تاغ و سیف، درختچه ی گز و بوته های خاردار را می توان نام برد.



۲,۲۱,۸ جنگلات طبیعی افغانستان

البته تمامی کوههای افغانستان جنگلدار است به استثنای کوههای غربی که عاری از جنگل می باشند. جنگلهای افغانستان عموماً به دو دسته تقسیم می شوند، میوه دار و غیر میوه دار. در نواحی بدخشان، قطنن کناره های آمودریا، جنگلات انبوهی وجود دارد. مثلاً در کوههای قره باغر، نهرین، دوشی و کیله گی، غوری، تاله و برفک، نیک پی، عنبرکوه، خان آباد، دره اشکمش، کوه ممئی، تالقان، کشم، درایم، چاه آب، حصص جرم علاوه بر دیگر اشجار پسته و بزغنج نیز وجود دارد. علاوه بر آن در نواحی بادغیس پسته زاری وجود دارد که کمتر از پسته زار خان آباد نیست.

کوههای پنج شیر، نجراب، تکاب، نورستان، کنرها، سفید کوه، جاجی، چمکنی، منگل، مچلغو، طوطی خیل، جدران، ارگون، تنی، درگی، زمبر، لندر، گربزو و... نیز دارای هر نوع درخت میوه دار از قبیل جلغوزه، امروک، بادام، جوز، انگور، سیب و غیره می باشد و جنگلاتی که در کوههای کنر و نورستان وجود دارد عمرشان به ۴۰۰ سال می رسد.

۲,۲۱,۹ نواحی جنگلی افغانستان

۱- علاقه کنر ۱۸۰۰۰ هکتار برابر ۱۸۰ کیلومتر مربع

۲- علاقه جنوب بار گندی ۱۲۰۰۰ هکتار مساوی ۱۲۰ کیلومتر مربع



۳- علاقه شمال بار گندی ۱۱۰۰۰ هکتار مساوی ۱۱۰ کیلومتر مربع

۴- علاقه گرمسالك ۳۹۰۰۰ هكتار مساوی ۳۹۰ کیلومتر مربع

۵- علاقه پارون ۴۹۰۰۰ هكتار مساوی ۴۹۰ کیلومتر مربع

۶- علاقه کامدیش ۱۸۰۰۰ هكتار مساوی ۱۸۰ کیلومتر مربع

۷- علاقه پاشگل ۱۴۰۰۰ هكتار مساوی ۱۴۰ کیلومتر مربع

۸- علاقه بریکوت ۱۰۰۰۰ هكتار مساوی ۱۰۰ کیلومتر مربع

۹- علاقه اسمار ۲۳۰۰۰ هكتار مساوی ۲۳۰ کیلومتر مربع

مجموع: ۱۹۴۰۰۰ هكتار مساوی ۱۹۴۰ کیلومتر مربع

۲,۲۱,۱۰ جنگل داری و تاثیر آن بر محیط زیست

وجود پارک و فضای سبز در داخل محیط زیست به لطافت هوای محیط زیست کمک میکند و بخصوص محیط زیست کابل که در

دامنه های کوی پغمان قرار گرفته، آلوده گی های هوا دران خطراتی بسیار آورده است. در اغلب محیط های زیست بزرگ اروپا و امریکا

وجود جنگل کمک بزرگی به ساکنین نموده با علم به آنکه میزان و مقدار برف و بارن در این نقاط فراوان است ولی هرگز از اهمیت

ایجاد جنگل کاری کوتاهی نشده است.

۲,۲۱,۱۱ آلوده کننده های هوا



پنج نوع از مواد به عنوان آلوده کننده های عمده ی هوا شناخته شده اند که باعث بوجود آمدن بیش از ۹۰ درصد عوامل آلودگی هوا می شوند. این پنج مورد عبارتند از:

۱. منوکسیدکربن
۲. اکسیدهای نیتروژن
۳. هیدروکربن ها
۴. اکسیدهای سولفور
۵. ذرات معلق

ذرات معلق:

به طور کلی به ذرات جامد و کوچک و قطرات مایع، ذرات معلق می گویند که در حال حاضر به شدت در آلودگی ها و مسائل و مشکلات مربوط به آن ها سهیم می باشد. تقریباً تنها راه ورود ذرات معلق آلوده کننده به بدن انسان، مجاری تنفسی می باشد. انتشار مواد آلوده کننده صنعتی مشکلاتی زیست محیط را چون بیماری های تنفسی، سمی شدن رودخانه ها و برکه ها و نابودی جنگل ها و محصولات کشاورزی ایجاد می کند. بنا براین ایجاد جنگل مصنوعی برای محیط های زیست کابل کاملاً ضروری به نظر میرسد. خشکی هوای داخل محیط های زیست وعدم وجود پوشش گیاهی در روحیه مردم شهر نشین اثر میگذارد. ساختمانهای چندین طبقه واسمان خراش های که امروز ساخته میشود عوامل متعددی را دران دخالت بدهند ودر اصل محیط زیست سازی جنگلکاری را درنظر بگیرند. نظارت بر اصول محیط زیست سازی باید طوری عملی گردد که سطحی را به منظور پارک در داخل



محیط های زیست تامین کنند در ساختن آسمانخراش های بزرگ حتی امکان از قطع درخت در داخل محیط زیست جلوگیری به عمل می آید . در اکثر کشورهای پیشرفته جهان برای پارک و درختکاری داخل محیط زیست اهمیت زیاد قابل ملاحظه می باشد چنانچه محیط زیست داری محیط زیست زورنج درسویس وقتی به دلایلی که برای مردم زیاد قانع کننده نبود به قطع چند درخت اقدام نمود مطبوعات محیط زیست مقالاتی در مورد این چند درخت به رشته تحریر درآوردند. و از سازمان محیط زیست دلایل قانع کننده ای برای عمل خواستند .

۲،۲۱،۱۲ نقش جنگلکاری در جلب سیاحان

اصولاً زیبایی طبیعت یکی از مواهب بی نظیر به شمار میآید مردم در ساعات فراغت به اغوش طبیعت پناه میبرند، جنگل مصنوعی جایگاهی برای استراحت مردم و سیاحان می باشد. اغلب کشورهای که جلب سیاحان را با اهمیت تلقی میکنند، در اینجا جنگل کاری برای جلب جهانگردان در داخل جنگل میتوان امکانات زندگی موقت بوجود آورد. اسایشگاه های متعدد و کاخ جوانان و محصلان میتواند در محیط های زیست که اطراف جنگل باشد احداث گردد. همیشه در داخل گردشگاه های جنگلی امکان ایجاد تفریگاه برای مردم به وجود می آورند. بالاخره میتوان مناطقی از جنگل را به اداره جنگلها و منابع طبیعی واگذار کرد.



۲،۲۱،۱۳ نقش جنگلکاری در خیابانها و اثر آن در تصفیه هوای آلوده محیط زیست

در محیط زیستهای بزرگ وجود جنگلها و پارک ها عامل اصلی تصفیه هوای محیط زیست به حساب می آید. زیرا دود تیل و گازهای وجود کارخانه جات هوای محیط زیست را آلوده میکند، اکسیژن را کم کرده و به مقدار گاز کاربنیک اضافه مینماید در صورتیکه وجود درختان باعث میشود که گاز کاربنیک را جذب نموده و اکسیژن را دفع نماید. این عامل به درجه حرارت و میزان رطوبت و فشار اتمسفر بستگی دارد. زیرا برای بعضی درختان راش عمل جذب کلرو فیل در هوای ابری نیز صورت میگیرد. به همین دلیل این درختان بنام درختان سایه پسند به حساب می آید در صورتیکه در روشنائی عمل جذب را انجام دهد و به نام درخت. روشنی پسند یاد میشود. به تجربه ثابت شده است، در جاهاییکه چراغهای قوی در شب روشن میگردد، درختان که در نزدیک چراغها قرار دارند برگهای خود را دیرتر از سایر درختان از دست میدهند. بر علاوه درختان موجود میتوانند هوای مناطق را از آلودگی غنی نمایند که باعث کشتن میکروبها خواهد شد به همین دلیل اسایشگاه های محصلین و استادان را نزدیک نقاط پر درخت احداث میکنند مثال عمده ان لیلیه دانشگاه کابل و بلاکهای دانشگاه تعلیم و تربیت و دانشگاه ولایت ننگرهار میباشد. همچنین در نقاط باطلاحی بعضی از گونه های درختی میتوانند با جذب فراوان آب محیط زیست را سالم نمایند. چنانچه اکالیپتوس برای خشک کردن باطلاح ها و مناطق مرطوب و مبارزه بادی اکسید کربن برگ درختان نقش اساسی را بازی میکنند.



۲،۲۱،۱۴ تأثیر درخت کاری ردیفی در خیابانها و محیط زیست

باعلم به این که درختکاری در خیابانها در بعضی اوقات عامل تصادف برای موتورهای که در خیابانها با درخت اصابت مینمایند به حساب می آید ولی در مناطق پر جمعیت و همچنین در مقابل مدارس که اجتماع دانش آموزان از آنجا عبور میکنند حفاظتی برای جان عابرین محسوب میشود. اگر درختان را کمی از لب جاده دور تر و در کنار پیاده رو ها غرس نماییم خطری متوجه راننده نخواهد شد فقط در خیابانهای عمومی خارج از محیط زیست در سرپیچ از درختکاری خودداری مینمایند تا دید راننده گان بهتر بتواند وسایط نقلیه مقابل را مشاهده نمایند و همچنین درختکاری در خیابانهای عمومی در شب های تاریک و شب های برفی خط عبوری را به مانشان میدهد و برای راننده گان کمکی خواهد بود. مثال عمده آن سالنگها میباشد. اگر اطراف خیابانها را با درختان مزین نمایم تاثیرات زیادی دارد، بخاطریکه خیابانها را برف پوشانیده باشد رانندگان توسط همین درختان خیابان را پیدا کرده و از راه منحرف نمیگردند.

۲،۲۱،۱۵ شرایط درخت کاری ردیفی در خیابانهای خارج از محیط زیست

درختان که در این موارد کاشته میشوند نباید زیاد از حد ریشه های پراکنده داشته باشند و اغلب شرایطی که در درخت کاری داخل محیط های زیست مراعات شده در این موارد نیز باید در نظر گرفته شود. از وجود درختانی از قبیل صنوبر، زبان گشنکک میتوان استفاده نمود. در مناطق استپی از وجود چنار استفاده میشود در صورتی که جاده از داخل جنگل عبور نماید نرمی برای کاشت درخت احساس نمیشود. وجود این خیابانها به عنوان آتش بر میتواند مثمر باشد انتخاب نوع درخت به آب و هوای محل و شرایط اکولوژیکی



هر ناحیه فقیر خواهد بود. درختانی که درختان اسب دیده باشند و یا شاخه های آنها شکسته باشد فوراً آنها را جاساخت محل زخم رانمود. این درمان برای درختانی که در داخل محیط زیست میباشند زیاد تر الزامی است درواقع حمایت از این درختان بسیار لازم به نظر میرسد. دیر زیستی درختان اصولاً متفاوت میباشد دیر زیستی یک درخت را نباید با عمر آن اشتباه کرد. ظهور پوسیده گی در درخت پا یا دیر زیستی است. درختان گاه گاهی در کهن سالگی احتیاج به حمایت دارند. و در درختان که پوسیده گی حاصل نموده اند گاه داخل آنها را با سیمان یا مواد دیگری پر میکنند شاید بتوان تا ثیر حد امکان آنها را سرپا نگاه داشت. از کشت درختان که میوه زیاد میدهد در این موارد جلوگیری میکنند زیرا برای اخذ میوه گاهی اطفال با انداختن سنگ مبادرت میکنند و عابریان از آن اسب میکنند.

۲،۲۱،۱۶ اهمیت و تأثیر جنگل کاری و فضای سبز به عنوان تفریحگاه برای انسانها

جنگل و پارک و فضای سبز در داخل و اطراف محیط های زیست به مردم خسته از زندگی ماشینی و سر و صدای محیط این امکان را می دهد که بتوانند ایام فراغت را در این مکان به استراحت و تفریح بپردازند و بچه ها از آپارتمان بیرون آیند و جهت تقویت فکر و بدن خود در محیطی آرام و با هوایی سالم به بازی بپردازند. طبیعت همواره با زیبایی های خود نظر انسان را به خود جلب می نماید و گیاهان یکی از عوامل مهم زیبایی طبیعت بشمار می روند. هر انسان از مشاهده طبیعت سرسبز جنگلها و مراتع لذت می برد و با دیدن گل های زیبای طبیعی با رنگ های دل فریب که از دل خاک سر بر آورده است به عظمت و رحمت خالق



سبحان پی میبرد و شکر نعمتهای بیکرانیش را بجا می آورد. بسیاری معتقدند که جنگل در سبک موسیقی و نقاشی افراد تاثیر خاصی دارد و بسیاری از هنرمندان و اهل ادب از مناظر زیبای طبیعت در ایجاد اثر خود الهام میگیرند.

۲،۲۱،۱۷ اهمیت و تأثیر جنگل کاری در جلوگیری از سروصدای محیط

یکی از آثار نامطلوب صنعت ایجاد سرو صدا در مناطق مسکونی است که در اثر تراکم جمعیت، وسایط نقلیه موتوری، کارخانه ها و وسایل و ماشین آلات ساختمانی و ساختمان سازی تولید می شود. اگر اقدامات لازم در جهت کمتر نمودن سرو صدا در محیط های زیست صنعتی بزرگ و نزدیک میدان ها انجام نگیرد، می تواند ناراحتی های عصبی و روحی ببار آورد. علاوه بر اقدامات فنی لازم برای جلوگیری از سرو صدای محیط، جنگل کاری و ایجاد فضای سبز در داخل محیط زیست ها و اطراف مناطق صنعتی و فرودگاهها به میزان قابل ملاحظه ای از سرو صدا می کاهد. در جنگل کاری باید توجه داشت که پهن برگان چون در تیرما خزان میگردند برای این منظور زیاد مناسب نیستند ولی از طرفی دیگر چون سوزنی برگان بیشتر در معرض خطر آتش سوزی می باشند و در نتیجه مناطق مسکونی و تاسیسات صنعتی هم تهدید می شوند بهتر است که جنگل های سوزنی برگ و پهن برگ به صورت مخلوط با هم کاشته شوند. ایجاد فضای سبز مانع نفوذ صدا از قسمت زیرین (محوطه ساقه درخت) می شود.



۲،۲۱،۱۸

نقش و تأثیر جنگل ها و چراگاه ها در مبارزه با آلودگی هوای محیط زیست

آلودگی هوا چه در مناطق محیط زیستی بوسیله وسایل دود زا و کارخانجات و سایر منابع آلوده کننده و چه در مناطق بیابانی در اثر حرکت و جابجائی ماسه ها و گرد و غبار بوسیله باد وجود دارد. مواد سمی موجود در هوای محیط های زیست فقط از لوله اگزوز ماشینها و یا دودکش کارخانه های داخل محیط زیست خارج نمی شود بلکه بادهایی که از اطراف می وزند سبب می گردند که گرد و غبار و گازهای کارخانه های اطراف را هم وارد محیط زیست نمایند و به غلظت مواد سمی هوای مناطق مسکونی بیافزایند. درختان در جلوگیری و کاهش آلودگی هوا که در بالا ذکر شد نقش اساسی دارند. بطور مثال یک درخت صد ساله راش با ۲،۵ تن وزن (وزن چوب خشک) در طول عمر خود ۱۲،۵ میلیون متر مکعب گاز کاربنیک هوا را جذب کرده است تا بتواند این مقدار چوب را تولید کند. همچنین درختان حامل ذرات ریز را جمع می کنند و می توانند در هر هکتار جنگل تا ۶۸ تن گرد و غبار را هر بار در خود رسوب دهند این موضوع برای مناطق بیابانی و محیط های زیست که مورد تهاجم ریگ های روان قرار می گیرند. بسیار حائز اهمیت است چون با ایجاد کمربند سبز می توان از ورود گرد و غبار بداخل محیط زیست جلوگیری کرد. همگام، با شانه کردن گرد و غبار هوا، جنگل مقدار زیادی از باکتریها و میکروبهایی معلق در هوا را در لای شاخ و برگ خود رسوب می دهد. مقدار باکتریهای موجود در هوای جنگل به مراتب کمتر از مناطق غیر جنگلی است.

طبق بررسیهای دانشمندان روسیه درختان کاج، گردو، پسته، آبیس سیبری، بلوط، فندق، اوکالیپتوس، ارس، افرا، بید، زبان گنجشک و داغداغان از خود موادی در هوا پخش می کنند که باعث از بین رفتن بسیاری از باکتریها و قارچ های تک سلولی و برخی از حشرات مضر می شود این ماده را توکین (Tukin) در سال ۱۹۵۶ فیتونسید نامیده است. به طور مثال اگر پشه و یا



مگس را زیر سرپوشی قرار دهیم که در آن برگهای خرد شده اکالیپتوس و با زبان گنجشک وجود داشته باشد حشره فوق پس از مدتی می میرد. برای مبارزه با بیماری سل افراد مبتلا را در روسیه برای استراحت به مناطقی که جنگل های کاج وجود دارد می فرستند. با توجه به آنچه ذکر شد متوجه می شویم که اهمیت جنگل فقط در تصفیه هوا از گرد و غبار نیست، بلکه در ضد عفونی هوا هم نقش موثری دارد و این مسئله ایجاد فضای سبز در اطراف و داخل محیط های زیست و اطراف بیمارستان ها، مدارس و اماکن عمومی را بخوبی گویا می سازد. چراگاه نیز در مناطق بیابانی همچون پوششی روی خاکها و ماسه ها را گرفته و اجازه حرکت به آنها نمی دهند.

۲،۲۱،۱۹ ارزشهای زیست محیطی جنگلی و محیط های زیست

جنگلها با انجام عمل فتوسنتزیکی از منابع مهم تولید اکسیژن مورد نیاز جانوران و انسان به شمار می آیند. به طوری که هر هکتار جنگل قادر به تولید اکسیژن مورد نیاز دست کم ده نفر در طول سال خواهد بود. به دلیل تنوع ساختار افقی و عمودی درختان جنگلی ، به ویژه وجود درختانی با سرشت متفاوت و طبقات ارتفاعی مختلف ، جنگلها در مطلوبیت بهره مندی از اثرات فیزیکی، شیمیایی و حرارتی پرتو خورشید برای انسان ها تاثیر به سزایی دارند، ضمن این که وضعیت تابش نور خورشید در فضای جنگلی



نقش موثری در آرامش روحی انسانها دارد. جنگلها موجب تعدیل آب و هوای محیط می شوند ، در ساعات روز به این دلیل که شاخ و برگ درختان مانند حفاظتی در برابر پرتو نورانی خورشید قرار می گیرند ، دمای هوای جنگل کمتر از دمای فضای غیر جنگلی است و در طول شب نیز به این دلیل که تغییر و انعکاس حرارتی دما در محیط و خاک جنگلی کمتر است ، هوای محیط جنگلی خنک تر از فضای باز است .در جنگل ترکیبی از آوای دلنواز پرندگان ، جریان آب دره ها و رودخانه ها و به هم خوردن برگها و شاخه ها به روح و روان آدمی آرامش می بخشد.از آنجا یک محیط جنگلی فاقد انواع صداهای گوشخراش و مخرب است ، محیطی امن و آرامش بخش برای استراحت انسانهای خسته از فعالیت در مراکز صنعتی و محیط زیستی درایام فراغت است. شاخ و برگ درختان جنگلی گرد و غبار هوا را که توسط باد جابه جا می شوند ، جذب میکنند و آلودگی هوا را کاهش می دهند. سرب معلق در هوا حاصل فعالیت واحدهای صنعتی و وسایل نقلیه موتوری و یکی از مواد زهری و خطرناک برای انسان است که از طریق تنفس جذب می شود و عوارض و پیامدهای ناگواری بر صحت انسان دارد. یکی از اثرات مفید جنگلها جذب مقدار زیادی از دوده سرب معلق درهوا است که از عوامل حفظ تندرستی انسان به شمار می آید .سیمای ظاهری درختان چشم انداز آرامش بخش و مطلوبی برای انسان به شمار می آید. درختان ودرختچه ها به دلیل دارا بودن رنگهای مختلف چشم اندازی طبیعی و دیدنی در برابر دیدگان آدمی قرار می دهند. به ویژه رنگ سبز برگ درختان که از نظر روانشناسی از جمله رنگهای آرامش بخش است،جنگل همچنین در زیبا سازی محیط زندگی جوامع بشری جایگاه ویژه ای دارد. مقاومت جنگل در مقابل ویرانگری های باد و طوفان ، نشانه و نمای از دوستی طبیعت و بشر است . درختان جنگلی در کاهش سرعت باد و طوفان نقش بسزایی دارند وموجب کاهش اثرات تخریبی این عوامل می شوند . پوشش گیاهی درختان به دلیل حفاظت از خاک ، قدرت نگهداری وجذب باران وكاهش سرعت سقوط برف و باران بر زمین نقش انکار ناپذیری در جلوگیری از جاری شدن سیلاب و کاهش اثرات مخرب آن دارد. با توجه به این که کاهش درجه حرارت هوا سهمی در افزایش رطوبت نسبی هوا دارد، درختان جنگلی با جذب نزولات و ذخیره کردن آن



در سفره های آب های زیر زمینی و تبخیر آن در ایام خشک ، موجب افزایش رطوبت نسبی هوا در فضای جنگل می شوند. افزون بر این که شاخ و برگ درختان با جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید و کاهش اثرات تخریبی پرتوهای خورشیدی ، مانع تبخیر سطحی رطوبت خاک می شوند. درختان با جذب ، نگهداری و افزایش زمان ذوب برفها بر روی شاخ و برگ خود از تجمع آنها جلوگیری کرده و مانع حرکت توده های عظیم برف به شکل طوفان می شوند. از آنجا که تولیدی دی اکسید کاربن ناشی از سوخته های فسیلی انعکاس پرتوهای خورشیدی را از زمین ناممکن می سازد ، در نتیجه میانگین گرمای زمین افزایش یافته و پدیده موسوم به گلخانه ای ایجاد می شود که اختلال در محیط زیست انسانی را به دنبال دارد. بنابراین حفاظت و توسعه جنگلها موجب جذب و رسوب دی اکسید کاربن و مانع افزایش گرمای زمین و بروز پدیده گلخانه ای خواهد شد. جنگلها بعنوان محیط زیست طبیعی ، جای بسیاری از حیوانات وحشی و پرندگان هستند و نقش موثر آنان در بهسازی محیط زیست انکار ناپذیر است. با توجه به رشد فزاینده جمعیت انسانی و توسعه بی حد و حصر تکنولوژی و قرار گرفتن در عصر صنعتی که جوامع بشری از یک طرف با محدودیت منابع جنگلی و از سوی دیگر با آلودگی محیط زیست دست به گریبان هستند، نقش و جایگاه جنگلها به دلیل برخورداری از ارزش های فراوان و متنوع در جلوگیری از آلودگی ها اجتناب ناپذیر است. همان طور که می دانیم لایه اوزن به مثابه سپری دفاعی در تقابل با اثرات تخریبی پرتو فرار بنفش دارای اهمیت ویژه است . جنگلها با تثبیت لایه اوزن موجب کاهش آثار زیانبار پرتوهای فرار بنفش و بیماریهای ناشی از آن خواهند شد. کنترل آفات و امراض گیاهی و جلوگیری از هجوم گونه های مهاجم به محصولات کشاورزی، پدید آمدن ارزشهای زیبایی شناختی و هنری ، تولید انواع فراوردهای غیر چوبی ، امکان فعالیتهای جمعی مانند پرورش انواع آبزیان، زنبورداری ، تولید قارچ ، فراهم ساختن زمینه های گردشگری و بسیاری از فواید ارزشمند دیگر دست آوردهای گرانبهائی هستند که به همین حضور و حفاظت جنگلها در اختیار بشر قرار گرفته اند.



۲،۲۱،۲۰ نقش و تأثیر جنگل کاری در کاهش گرمای محیط زیست

بطوری کلی گرما در سرزمین های خشک و سوزان مثل افغانستان شدید است هوای خشک در نحوه زندگی موجودات اثر فراوان دارد خشکی و گرما در روحیه مردم تأثیر مینماید ساکنین مناطقی گرم و خشک آرامش روحی ندارند فقر طبیعی و گاه قهر طبیعت در این مناطق فراوان است. وجود جنگل های مصنوعی در تعدیل آب و هوا اثرات مفید خواهد داشت. در بعضی از نقاط جهان با ایجاد جنگل مصنوعی در سطحی وسیع تغییرات دامن داری در آن سامان بوجود آورده اند، کاشت کاج دریای در غرب فرانسه و اکالیپتوس در شمال آفریقا و جنگل کاری وسیع در زلاند جدید شاهدهی برای این مسله خواهد بود. وجود پوشش نباتی باعث کاهش در گرمای محیط زیست میشود. نبودن جنگل اغلب نقاط افغانستان و تخریب پوشش نباتی در چند قرن اخیر در این سرزمین باعث گردیده که تعادل حرارتی محیط زیست مختل گردد. عدم وجود نبات و رستنی ساکنین آن منطقه را وادار میکند تا از سرزمین کوچ نمایند بنابراین میتوان گفت جنگل باعث کاهش گرمای محیط زیست میدهد

۲،۲۱،۲۱ تأثیر جنگل ها و چراگاه ها در مبارزه با فرسایش و حفظ و تولید خاک

عمل فرسایش بیشتر بوسیله آب و باد صورت می گیرد. بادهای مداوم در اثر ایجاد اختلالاتی در زندگی گیاه و تبخیر رطوبت زمین که منجر به خشکی بیش از حد خاک می گردند، سبب می شوند که تجدید حیات نباتات متوقف و یا به کندی صورت گیرد و با کم شدن پوشش گیاهی عمل فرسایش آغاز شود. اگر انسان هم با بهره برداری بی رویه از بین رفتن گیاهان را ناخواسته تسریع



نماید آنگاه مراکز مهم زراعتی و صنعتی و مسکونی در معرض تهدید قرار می گیرند. جنگل به کمک شاخ و برگ درختان، از سرعت باد می کاهد و با ریشه گیاهان، خاک را حفظ می کند و مانع ایجاد فرسایش می شود. بعلت آرام بودن هوای داخل جنگل تبخیر بسیار کم بوده و خطر خشک شدن خاک که از شرایط مهم آغاز فرسایش است از بین می رود. بارانهایکه در مناطق فاقد گیاه در روی زمین به صورت هرز آبهای سیل مانند جاری می شوند و چون مقاومتی در برابر خود نمی بینند ذرات خوردوبزرگ خاک را حمل می کنند و بتدریج در مسیر خود و یا در پشت سدها و دریاچه ها رسوب می دهند، گاهی سبب طغیان رودخانه ها می گردند و خسارات جانبی و مالی زیادی بار می آورند. در مناطقی که پوشش گیاهی وجود دارد، هنگام بارندگی قطرات باران به علت انرژی که در مسیر خود و همچنین تاثیر قوه جاذبه زمین کسب می کنند و می توانند موجب متلاشی شدن ذرات خاک و جابجایی آن شوند در اثر برخورد به شاخ و برگ گیاهان به ذرات بسیار خورد تبدیل گشته و به آهستگی روی خاک می رسند. از طرفی بقایای نباتی کف جنگل و مراتع همچون اسفنجی آب حاصل از بارندگی را در خود جذب نموده و به آهستگی روی خاک رها می کند و بدینوسیله خطر شستشوی خاک از بین رفته و خاک حفظ می شود. در مورد نقش پوشش سطح خاک در کاهش ضربه قطرات باران آزمایشی توسط یکی از متخصصین مربوطه در دو قطعه زمین انجام گرفته است. در این آزمایش ابتدا علفهای موجود زمین با دست کنده شده و سپس زمین به دو قطعه مساوی تقسیم شده است. روی یکی از قطعات دو لایه تور سیمی خورد بافت قرار داده شد قطرات باران در اثر برخورد با آن شکسته شده و به صورت قطرات بسیار خوردی درآمد شکسته شدن قطرات عیناً توسط شاخه و برگ پوشش گیاهی هم صورت می گیرد خاک از دست رفته از این دو قطعه پوشیده شده با تور سیمی و قطعه لوچ در طول ۱۰ سال اندازه گیری شد. نتایج بدست آمده از ۱۰ سال آزمایش نشان داد که خاک از بین رفته از قطعه لوچ بیش از ۱۰۰ برابر خاک فرسایش یافته از قطعه پوشش دار می باشد. گذشته از این فرسایش خاک در منطقه جنگلی با فرسایش خاک در مناطق دیگر تفاوت دارد اگرچه هر دو بلایی است که بر خاک وارد می شود ولی خاکهای مناطق جنگلی بسیار حاصلخیزتر از مناطق دیگر است با



فرسایش خاک مواد حاصلخیزی که طی سالیان متمادی در خاک ذخیره شده اند از دست می رود. در تحقیقات انجام شده در یکی از ایالت های آمریکا ثابت شده است که پس از بریدن درختان یک جنگل، جریان آب حاصل از بارندگی در عرض دو سال در هر هکتار ۹۵ کیلوگرم ازت نیتراتی و ۸۹ کیلوگرم کلسیم را از بین برده است در حالیکه در یک جنگل دست نخورده میزان ازت نه تنها از بین نرفته بلکه در هر هکتار ۲ کیلوگرم نیز به میزان آن افزوده شده است. این مقدار ازت از باران دریافت شده است. همچنین کلسیم از بین رفته بسیار کم بوده و مقدار آن ۷ کیلوگرم در هکتار بوده است.

۲،۲۱،۲۲ درختکار ردیفی در خیابانها و جاده های عمومی محیط

در جاده های عمومی که قیر نیست وجود درختان کنار خیابانها مانع تابش افتاب در خیابانها شده و در روزهای بارانی از خشک شدن خیابانها جلوگیری میکند، این عمل در اثر سایه درختان صورت میگیرد. بعضی اوقات حتی در خیابانهایی که قیر شده است وجود ریشه درختان باعث میگرد که فرورفتگی و برآمدگی های در سطح خیابان ایجاد گردد. ولی در زمستان این درختان از ضربات باران به روی خاک و زمین جلوگیری میکند و پناهی برای عابرین به حساب می آید و در تیرماه که درختان خزان میشوند برگهای فراوانی در سطح خیابان میریزند که باید بوسیله شهرداری جمع اوری شود لهدامستلزم مخارجی خواهد بود. ولی در خیابانهایی که خاک لغزیده میباشد وجود درخت از حرکت خاک جلوگیری مینماید. و همچنین بادشکن مناسبی خواهد بود. بطوری کلی اگر درختان ردیفی در خیابانهای عمومی به فواصل منظمی از خیابان در پیاده رو کاشته شوند فواید متعددی خواهد داشت.



۲,۲۱,۲۳ تأثیر جنگل کاری در تعدیل حرارت محیط زیست

رستنی ها و بخصوص جنگل نیز در حرارت محیط زیست اثر محسوسی دارند و دمای روز افزون فصلی زمین را تحت تاثیر و نفوذ خود قرار میدهند و باعث اعتدال آن میشوند؛ از شدت حرارت تابستان و از برودت زمستان می کاهند و اختلاف دما را نسبت به محیط زیست عاری از نبات و بدون درخت در حدود چند درجه تقلیل میدهند.

۲,۲۱,۲۴ نتیجه گیری

از محتوی اثرات جنگل کاری در شهرها چنین نتیجه گیری میشود که افغانستان یک کشور کوهستانی است، در احداث و پرورش جنگل کاری در مناطق خشک و شهرها نقش ارزنده دارد. جنگل موجودی است که به لطافت هوای شهرها کمک میکند. جنگل کاری است که توجه و جلب سیاحان را بخود جلب نموده و امکانات زندگی مؤقت را برای آنها تعیین میکند که در شهرهای بزرگ عامل اصلی تصفیه هوا، جنگلات بوده که این عامل به درجه حرارت، میزان و فشار اتمسفر بستگی دارد. یکی از زیبایی های طبیعت وابسته به جنگلات میباشد. وجود جنگلات و جنگل کاری در مناطق خشک و شهرهای افغانستان از تخریب و فرسایش خاک، حوادث بی مورد، ظهور سیلابها، بارانهای تند و غیره جلوگیری میکند. جنگلات موجب تعدیل آب و هوای محیط میباشد. با ایجاد کمربند سبز



میتوان از ورود گرد و غبار بداخل شهر جلوگیری کرد. و همچنان محیط جنگلی فاقد انواع صداها و گوشخراش و مخرب است، محیط امن و آرامش بخش برای استراحت انسانهای خسته از فعالیت در مراکز صنعتی و شهری در ایام فراغت است.

کتاب
تناسبات معدنی

۲،۲۱،۲۵ پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده افغانستان

۲،۲۱،۲۵،۱ مرداب غزنی

تناسبات

میت

مرداب غزنی عبارت از یک جهیل کم عمق بوده که در مناطق مرکزی افغانستان موقعیت دارد. مرداب غزنی از طرف شمال به دیلی و مربوط شهرستان کتواز، بطرف جنوب آن شهرستان ناوه به سمت شرق آن قریه ملک دین و نواحی شهرستان کتواز و شهرستان ناوه بوده و بطرف غرب به قریه جات غزگی، کرودین، نانگه، منصور، گاره و قلعه کهنه که برخی آن مربوط شهرستان ناوه و برخی مربوط شهرستان مقر بوده ملحق میباشد. این جهیل از نظر داشتن پرندگان مهاجر آبی شهرت جهانی دارد، قازحسینی بزرگ *Phoenicopterus rubber roseus*، قازحسینی کوچک *minor Phoenicopterus* و صدها



پرنده مهاجر آبی دیگر در جهیل مرداب و دشت ناور که تعداد آنها به اساس تازه ترین آمار به ده ها هزار میرسد مهاجرت مینماید . جهیل مرداب با داشتن یک محیط زیست مناسب اهمیت بین المللی ممتازی را کسب نموده است . عده زیادی پرندگان مهاجر آبی از مناطق قزاقستان ، سایبریا ، هندو پاکستان همراه با پرندگان مهاجر ساحلی به جهیل های مرداب و دشت ناور مهاجرت فصلی نموده و یک مدتی را در آنجا بسر میبرند . در حدود ۱ تا ۲ درصد جمعیت قاز حسینی بزرگ دنیا در دو جهیل مرداب و دشت ناور غزنی مهاجرت نموده و هر دو جهیل فوق الذکر برای تخم گذاری و آشیانه (Nesting ground & Breeding) آنها مساعد بوده و این پرندگان به تخم گذاری و تولید نسل میپردازند . مشاهدات و تجارب اخیر نشان میدهد که مرداب غزنی محیط زیست مناسب و ضروری برای کلنگ سایبریائی یا قطان (Grus leucogeranus) را که از جمله پرنده های آبی خیلی نادر در جهان بوده و در معرض خطر انقراض (Endangered) قرار گرفته تشکیل میدهد . شرایط اکولوژیکی مرداب غزنی برای محیط زیست اکثر پرندگان مهاجر آبی بخصوص کلنگ سایبریائی مساعد است . ازینرو بادر نظر گرفتن اهمیت علمی اکولوژیکی ، اقتصادی و ذخایر بیولوژیکی آب ایستاه و دشت ناور غزنی در سال ۱۹۷۷ پناه گاه های قاز حسینی و پرندگان مهاجر آبی (National Flaming Waterfowl Sancturries &) اعلام گردید .

درین قسمت لازم میدانیم تاچند اصطلاح را که مورد بحث میباشد تعریف نمائیم :

پارک ملی (National park):

شکل پیشرفته و عالیترا مناطق حفاظت شده بوده و حاوی اهمیت ملی که نماینده میراث طبیعی کشور بوده و بعد از تأسیس سرحدات جز اینکه توسعه یابد تغییر نمیکند و از لحاظ داشتن نباتات ، حیوانات ، آثار تاریخی و زیبائی های طبیعی دارای اهمیت ملی و بین المللی میباشد .

پناه گاه وحوش (Wildlife Refuges) :



عبارت از منطقه معین جغرافیائی است که به منظور نگهداری ، حفظ و حمایت کامل حیوانات ، نباتات و محیط زیست ایشان تثبیت میگردد.

پناه گاه ساحاتی را در بر میگیرد که حیوانات فعالیت های تغذیه ای، تولید نسل ، تخم گذاری ، استراحت و حرکات نمایشی را بصورت آزاد در آن انجام میدهند .

مناطق ممنوعه (Wildlife Sancturries) :

منطقه وسیع جغرافیائی بوده که به منظور حفظ و حمایت حیوانات و پرندگان که هر گونه عملیات تخریبی در منطقه ممنوع است.. سالانه هزاران نفر از سیاحان خارجی از منابع طبیعی مرداب بازدید بعمل آورده اند که ازین ناحیه عواید سرشاری جهت تقویه بنیه اقتصادی کشور بدست آمده است.

۲,۲۱,۲۵,۱,۱ موقعیت مرداب غزنی

در قسمت جنوب شرقی افغانستان موقعیت دارد ، در فاصله ۲۵۰ کیلومتری جنوب غرب کابل و در فاصله ۱۲۵ کیلومتری جنوب شهر غزنی قرار دارد .

مرداب غزنی در ارتفاع ۲۱۰۰ متری دامنه های جنوبی کوه بابا و کوه پغمان قرار داشته ، منطقه مجموعه ۱۳۰۰۰ هکتار و عرض ۱۶ کیلومتر میباشد . اطراف جهیل توسط گل (حد) احاطه شده است ، عرض جهیل از هفت کیلومتر در شرق گرفته و تا به کمتر از نیم کیلومتر عرض در غرب میرسد .



آبی که به جهیل مرداب میریزد دارای منبع دایمی آب نبوده از رودخانه هایی بنام های گردیز ، غزنی ونهارا به آن میریزد . جهیل مرداب غزنی متشکل از دو جزیره کوچک میباشد که جزیره کوچکتر آن ۵۰ متر طول ، ۱۰ متر عرض و ۵۰۰ متر مربع مساحت دارد ، اما جزیره بزرگتر آن ۸۰ متر طول ۲۰ متر عرض و دارای ۱۶۰۰ متر مربع مساحت میباشد .

۲,۲۱,۲۵,۱,۲ اقلیم مرداب غزنی

آب وهوای مرداب غزنی مانند اکثر مناطق افغانستان خشک بوده تابستان آن گرم وزمستان اش سرد میباشد که قسمت اعظم بارندگی در زمستان به شکل برف میبارد . اواسط بارندگی سالانه به ۲۱۶,۴ میلی متر میرسد که ۹۲٪ آن بشکل برف در زمستان میبارد .

حجم آب جهیل در فصل های مختلف از هم متفاوت بوده طوریکه در بهار ۲۷۰ میلیون متر مکعب حجم داشته ودر خزان به ۱۴۰ میلیون مکعب تقلیل میابد که یک متر عمق آب کم میگردد .

درین اواخر خطریکه منابع طبیعی وحیاتی مرداب را تهدید میکند بنای بند برق سرده غزنی است که بمنظور آبیاری زمین های زراعتی وتولید انرژی برق بنا شده که در اثر گردانیدن آب به کاسه بند سطح آب جهیل کم میگردد .

یگانه فاکتور اساسی که بالا آمدن و دوباره برگشتن قاز حسینی ودیگر پرندگان مهاجر آبی تأثیر دارد حجم آب است .



۲،۲۱،۲۵،۱،۳ محیط حیاتی مرداب غزنی

۱. جامعه نباتی (**Flora**): رستنی های مرداب غزنی از نوع (Moderate Semi-desert type) میباشد. بصورت

عموم پنج جامعه مشخص نباتی در پنج ناحیه مشخص ذیل تشخیص گردیده است که در هر ناحیه آن نباتات بخصوص رشد کرده است.

a. زون آب های کم عمق (**water zone The shallow**): این ناحیه قسمت های ساحلی، حاشیه ها

و جوانب جھیل را که عمق کم دارد در بر میگیرد. نباتات مشخص این جامعه را نباتات متحرک (Plankton) بخصوص الگاو (Pond weed (Ruppia maritime تشکیل میدهد.

b. زون گلی (**Mudflat zone**): این ناحیه دارای گل و مد بوده واز نموی نباتات جلوگیری مینماید و یگانه بنائیکه در اینجا بصورت کالونی یافت میگردد گل گوشواره (*Taraxacum monochlamydeum*) میباشد.

c. زون متحوله (**zone Transition**): عبارت از یک جامعه متحوله و انتقالی است که در بین دو جامعه کاملاً

خشک و آبی قرار دارد. نباتات این جامعه را انواع علفهای خورده (*beludshistanica Psyllotachys*) که همراه با انواع (*Ranunculus*) بسر میبرند تشکیل میدهد. در قسمت های حفاظت شده آن (*Asperugo procumbens*)، بعضی انواع

Papavera، *Eremopyrum orientala*، *Verinica spp*، *Valerianella cymdicar* و بسیاری از

انواع فامیل های *Papillionaceae* بصورت پراکنده یافت میگردد.



d. مجموعه گراسه‌های قد پست : این مجموعه نمایندگی از جامعه بته های بادام کوهی *Amygdalus* مینماید . بادام کوهی

همراه بابت‌ه های خار دار و گراسه‌های که بصورت پراکنده واقع گردیده که در حدود ۱۵-۲۵٪ پوشش نباتی را تشکیل میدهد .

گراس ها و بته های *Shrubs* که نباتات بارز این مجموعه را تشکیل میدهند عبارتند از :

انواع بادام کوهی *Amygdalus spp* ، خار آهو *Cousinia spp* ، گز (*Laxa, Tamarix*) ، ترخ

(*Artemisia*) و گراسه‌های :

(*Boissieraso .Bromus danthoniae*) ، (*Boissieraso uarro .Bromus danthoniae*) ،

(*uarrosa*) میباشد .

e. **Marshland zone** : این جامع اطراف جهیل را در قسمت هایکه زاء اب بیشتر باشد در برمیگیرد و نباتات

مشخص آنرا انواع *Carex* تشکیل میدهد .

۲,۲۱,۲۵,۱,۴ پرندگان مرداب غزنی

پرندگان در ذهن همه انسانها مظهر آزادی ، رهائی ورستن بوده است . در فرهنگ عمومی بیشتر اقوام به معجزات و کرامات فراوانی

که به پرندگان نسبت داده شده بر میخوریم . در اساطیر مصر و چین باستان " درنا " عمری بس طولانی و توانائی های فراوانی دارد .



یونانی ها و رومیان برای ققنوس یا مرغ آتش کرامات بزرگ قائل بوده اند . در ایران فروهر " نیروی اهورائی " در نقوش برجسته خدائی بالدار است .

در افسانه ها بنام " هما " فراوان بر میخوریم ونیز نام سیمرغ را به عنوان " مشکل گشا " و پیش بینی که واجد همه خصوصیات پیروان طریقت و نشانه حق مطلق است زیاد می‌شنویم.

در شاهنامه فردوسی می‌خوانیم که چون رستم در نبرد با افراسیاب در مانده میشود ، به توصیه زال برای چاره جوئی به سیمرغ روی می‌آورد . همچنین تاریخ نشان میدهد که طی قرون متوالی ، پادشاهان و سرداران بزرگ به نشانه نمایاندن قدرت خود پر مرغان گوناگون را زینت بخش کلاه شان میکردند .

پناه گاه جهیل مرداب غزنی از نقطه نظر داشتن منابع طبیعی پرندگان مهاجر آبی بسیار غنی بوده و در آسیا و حتی جهان اهمیت دارد . موجودیت کالونی های بزرگ محل تخمگذاری و جوجه کشی (نسل گیری) برای قاز حسینی بزرگ یا فلامینگو . P rubber roseus به اهمیت و زیبائی طبیعی فوق العاده بی مانند مرداب می افزاید .

بابر شاه مغلی (۱۴۸۳-۱۵۳۰) در کتاب خاطراتش از سفری که به وادی اندس نموده بود در اثنای برگشت به طرف کابل از جهیل مرداب غزنی بازدید نموده و از موجودیت قاز حسینی در آنجا یاد آوری نموده بود تعداد قازهای حسینی را غیر قابل شمارش ثبت نموده است .

قاز حسینی بزرگ (Flamingo) یک پرندۀ مهاجر آبی بوده که بصورت طبیعی در بهار در اواخر مارچ (حمل) و اوایل اپریل (ثور) به جهیل مرداب رسیده و برگشتن دوباره آنها را در اواخر سپتمبر (میزان) و اوایل اکتبر (عقرب) صورت میگیرد .

بصورت عموم این آمدن و برگشتن دوباره آنها مربوط به سطح آب جهیل و اقلیم میباشد اما بصورت خاص علت و یا فاکتور خاصیکه بالا آمدن مدت ماندن و دوباره برگشتن آنها تأثیر داشته باشد دانسته نشده است . اکوتایپ قاز حسینی بزرگ در اوایل بهار اکثراً از



هند و پاکستان و جهیل سیستان بطرف مرداب و دشت ناور غزنی می آیند و در اثنای بازگشت اگر حجم کافی آب و اقلیم ملایم در سیستان مساعد باشد به جهیل سیستان و در غیر آن دوباره به طرف هند و پاکستان مهاجرت مینمایند .

اکوتایپ قاز حسینی بزرگ منطقه انتشار جغرافیائی وسیع داشته بصورت عموم در قاره افریقا ، کشور های جنوب اروپا و تقریباً در تمامی ممالک غرب آسیا یافت میشود ولی در باره مسیر مهاجرت قاز حسینی معلومات کمتر در دست است .

نتایج مقدماتی که از برنامه های نشانی پاهای پرندگان (Ringling) در سال ۱۹۷۰ در ایران بدست آمده نشان میدهد که یک جمعیت بزرگ از قاز های حسینی همراه با خیل های پرندگان دیگر دیده شده بود .

قرار Koning , Rooth در سال ۱۹۷۵ قاز های حسینی افغانستان را در جهیل سیستان وی در پاکستان بسر میبرند . براساس Madel (1970) و Klockenhoff در سپتمبر ۱۹۶۴ یک جمعیت از قاز های حسینی در فضای کابل دیده شده بود که از طریق برنامه های نشانی پاهای پرنده ها به سوی بین المللی میتوانیم تعداد قاز های را بدانیم . قاز حسینی بزرگ دارای یکنوع منقار بخصوصی که از طریق آن آب را فیلتر نموده و غذای شان را که الجی ها ، مد حیوانات کوچک آبی و غیره تشکیل میدهد میگیرند .

پروفسور اختر در سال ۱۹۷۴ چاغور یک قاز حسینی بزرگ را جهت معلوم کردن عادت غذائی قاز حسینی در مرداب و دشت ناور تسلیخ کرده و از آن ملی (گل) بعضی دانه های ریگ ، سه دانه قانغوزک آبی ده دانه آبازک و بیست و سه دانه لاروای (Chironomus) را بدست آورد .

بیولوژی نسل گیری قاز حسینی خوب دانسته نشده بصورت عموم تخم گذاری قاز حسینی بزرگ بالای ساختمان هایی که از گل و مد بشکل گنبد مانند ساخته میشود (آشیانه) صورت میگیرد . بصورت عموم فصل تخم گذاری و جوجه کشی در قاز حسینی بزرگ



نامنظم میباشد . طبیعتاً یک تخم توسط جنس ماده در آشیانه گذاشته ولی مراحل جوجه کشی آنرا هردو جنس نروماده پیش میبرند .

برای اینکه قاز حسینی بزرگ بتواند جمعیت خود را بصورت طبیعی تعویض نماید باید حد اقل ۲۵ سال عمر نماید به خاطر یک تخم گذاری آنها بسیار کم بوده و خیلی ها باارزش است که خوشبختانه قاز حسینی بزرگ برخلاف سایر پرندگان تحت شرایط طبیعی تا ۴۴ سال عمر می کندو

اختر از جمله اولین اشخاصی است که در سال ۱۹۷۴ محل تخمگذاری و نسل گیری قاز حسینی بزرگ را در جهیل مرداب غزنی مشاهده نموده است که شرایط این وقت با شرایط زمانیکه بابر از جهیل مرداب غزنی بازدید نموده بود بکلی فرق نموده است طوریکه در آن زمان " تخم گذاری در سواحل جهیل صورت میگرفت " ولی در حال حاضر محل تخمگذاری قاز حسینی بزرگ در جهیل مرداب فقط به یک جزیره ایکه آنهم در بین جهیل موقعیت دارد محدود شده است که این هم از جمله خطر هاست که منابع طبیعی مرداب را تهدید میکند که اگر همین یک جزیره هم از بین برود محل آشیانه سازی و تخمگذاری قاز حسینی در جهیل مرداب از بین خواهد رفت ، قاز دیگر در آنجا مهاجرت ننموده و به خطر انقراض مواجه خواهد شد و خطر محدود شدن محل آشیانه سازی و تخمگذاری قازهای حسینی ناشی از مداخلات انسانها بخصوص شکار بدون تشخیص ، جمع آوری تخم های آنها توسط مردمان محل ، گردانیدن منبع آب جهیل وساخت بند ها به منظور تولید انرژی برق و آبیاری زمینهای زراعتی ، رها کردن وچرانیدن حیوانات اهلی در گرد ونواحی جهیل ، رها شدن پرند ه های شکاری در بین آنها وغیره در اینجا میباشد .

علاوه بر قاز حسینی یکعده دیگر از پرندگان مهاجر آبی مرداب غزنی را بحیث محل آشیانه سازی و تخمگذاری مورد استفاده قرار میدهد . مرداب غزنی از نقطه نظر منابع طبیعی پرندگان مهاجر آبی وساحلی خیلی غنی میباشد اما چند پرند ه عمده آنر بعنوان نمونه ذیلاً ذکر مینمائیم :



• قاز حسینی کوچک (*Phoenicopterus minor*)

• قطان کلنگ سایبریائی (*Grus leucogeranus*)

• اوست (*Recurvirostra avosetta*)

• چوب پا (*Himantopus*)

• کاکائی صورتی (*Larus genei*)

• پرستوی دریائی نول کلفت (*nilotica Gelochelidon*)

• تنجه (*Tadorna tadorna*)

• سلیم شنی (*Charadrius leschenaultia*)

آن جمعیت از پرندگان که به افغانستان مهاجرت مینمایند انتشار جغرافیائی شان در قزاقستان ، سایبریا ، هندو پاکستان محدود شده است . اکثر از این پرندگان مهاجر مراحل پر اندازی شانرا در ساحل جهیل های جنوب غرب سایبریا وقزاقستان سپری مینمایند . بعداً جمعیت بزرگی ازین پرندگان مهاجر آبی با نزدیک شدن زمستان از طریق افغانستان گذشته وزمستان را در جهیل هایکه آب سند (*Indus*) به آن میریزد به سر میبرند . در جمله ممالک خشک مثل افغانستان هیچ ویا کمتر کشوری را میتوانیم پیداکنیم که دارای جهیل های مثل مرداب ودشت ناور غزنی وجبه زار های سیستان برای نسل گیری واستراحت مرغان آبی مهاجر مساعد باشد .



براساس (G-Niethammer.1971) در سال ۱۹۶۶ ده هزار قطعه از مرغابی ها در مرداب غزنی دیده شده است . قرار

(Nogge,1974) در سال ۱۹۷۰ پانزده هزار قطعه مرغابی ها گزارش داده شده است . در اکتوبر ۱۹۷۶ پانزده هزار مرغابی ها

و در دسمبر ۱۹۷۶ هشت هزار قطعه مرغابی ها توسط پرسونل پروژه حفاظت منابع طبیعی حیات وحش در جهیل مرداب غزنی

دیده شده است . گزارشات متعدد فوق پرند ه های ذیل را نیز در بر داشته است :

• تنجه (Tadorna tadorna)

• اردک سرخانی (Anthya ferina)

• نول پهن (Anas clypeata)

• فیلوش (Anas acuta)

• کله سبز (Anas platyrhynchos)

• اردک ارده ئی (Anas strepera)

• خوتکا (Anas crecca) .

تقریباً ۵۰ نوع از گز لنگ ها و پرند ه های ساحلی این ساحه رابحث یک محیط زیست متحول ه در اثنای مهاجرت بکار میبرند

و بسیاری از انواع آنها باجمعیت های بسیار زیاد دیده شده است.

پناه گاه مرداب غزنی باکمی اصلاح ومنجمنت درست یک پناه گاه مهاجرتی بسیار با اهمیت را برای کلنگ سایبریائی که از جمله

سومین کلنگ های نادر دنیا س تشکیل میدهد . کلنگ سایبریائی دارای دوجمعیت جداگانه میباشد جمعیت شرقی آن در

Yaktia شرق اتحاد شوروی که تعداد آنها به ۳۰۰ قطعه میرسد در حالیکه جمعیت غربی آن که متشکل از ۶۰ قطعه میباشد در



مناطق تندرایی شمال اتحاد شوروی آشیانه سازی و تخم گذاری نموده و در اثنای زمستان از طریق افغانستان به پناه گاه Ghana

در Bharatpur هند مهاجرت مینماید . کلنگ سایبریائی سه بار در جهیل مرداب غزنی دیده شده است .

در بهار (Koning ,1970) به تعداد ۷۴ دانه از این کلنگ ها را مشاهده کرده است ، Nogge در زمستان ۱۹۷۰ سه دانه آنرا و

Petoez دو دانه ازین پرنده ها را در بهار ۱۹۷۴ مشاهده نموده است .

غذای کلنگ سایبریائی را رایزوم نباتات سلام علیک (Sedges) که در جبه زار ها نمو مینماید تشکیل میدهد . درسالهای اخیر

قسمت های جنوب شرق جبه زار های جهیل مرداب که دارای (Sedges) های با نموی بسیار تازه و آبدار بودند و غذای کلنگ

سایبریائی را تشکیل میداد . در اثر برگردانیدن منبع آب جهیل با احداث بند به منظور آبیاری زمین های زراعتی و تولید انرژی برق

بسیار کم گردیده وتأثیر سوء بالای محیط زیست کلنگ سایبریائی وارد کرده است .

۲,۲۱,۲۵,۱,۵ حیوانات

پستانداران کوچک به پیمانه وسیع در اطراف ونواحی جهیل مرداب غزنی یافت میشود ، آهوی دشتی (Capra subguturosa)

، سنجاب ها (Citellus) (Meriones libycus) jirds.falvus ، تعداد متعدد روباه سرخ (Vulpes vulpes) ،

خارپشتک (Hemiechinus auritus megalotis) بسیار زیاد دیده شده است .

خطرات ومشكلاتی که منابع طبیعی جهیل مرداب را تهدید میکند :

۱. شکستادن تخم ها هنگام چرش حیوانات .



۲. جمع آوری تخم و برهم زدن آشیانه این پرندگان توسط مردم محل .

۳. شکار بی رحمانه وبدون تشخیص .

۴. گردانیدن منبع آب جهیل به منظور تولید انرژی برقی وآبیاری زمین های زراعتی .

۵. مشکل رسوبی شدن Sedimentation ونمکی شدن Siltation.

سفارشات

با طرح قوانین محافظوی میتوانیم از ثروت های طبیعی محافظت نمائیم که شامل اعلان قانونی این ساحه بحیث پناه گاه پرندگان مهاجر آبی میباشد که عملی شدن آن امکان حفاظت بهره برداری وبهتر را از این قسم منابع طبیعی در آینده زیاد میسازد که این کار توسط اعلام تاریخی ۱۹۷۷ صورت گرفته است :

- حفاظت مناطق مذکور توسط مؤلف نمودن مامورین ومستخدمین پروژه حفاظت منابع طبیعی حیات وحشی بطور دائمی.
- قطع تصرفات زمین های مزروعی مردم درمناطق حفاظت شده .
- منع وجلوگیری از چرانیدن حیوانات اهلی .
- منع شکار ، جمع آوری تخم ها ، حيله گردی ودیگر مزاحمت ها در محل آشیانه وتخم گذاری پرندگان .
- تفهیم مردم به اهمیت علمی ، اقتصادی وتفریحی منطقه .



- جمع آوری معلومات در مورد اداره بهتر منطقه .
- شروع یک سلسله تحقیقات علمی ، بیولوژیکی ، هایدرولوژیکی و اکولوژیکی در مورد مناطق متذکره و منابع طبیعی آن .
 - شروع تحقیقات و مطالعات علمی بالای اکولوژی کلنگ سایبریائی ، محیط زیست و عادت غذائی آن .
 - شروع تحقیقات علمی بالای فازحسینی ، محیط زیست ، نسل گیری و عادت غذائی آن .
 - شروع مطالعات علمی در مورد دیگر پرندگان مهاجر آبی و ساحلی .
 - شروع برنامه نشانی پاهای (Ringing) پرندگان .
 - شروع تحقیقات باستان شناسی در مورد ارتباطات اکولوژیکی جمعیت های فعلی و سابقه فاز حسینی و مرغان آبی .

- جلوگیری از آلودگی محیط مخصوصاً از آفت کش ها .
- تعیین و تثبیت حدود اربعه محدوده متذکره و در صورت امکان خارج نمودن و اتر پمپ های شخصی تا شعاع دوکیلومتری .
- ایجاد پیاده رو های معین در اطراف منطقه حفاظت شده جهت واریسی از امور مربوطه و جلوگیری از فرسایش خاک .
- ایجاد جزایر مصنوعی و غرس نهال برای بود و باش پرندگان ساحلی .
- ساخت برج های دیدبانی جهت بازدید و مراقبت پرندگان .
- ساخت تعمیرات جهت استفاده مامورین و محافظین .

۲,۲۱,۲۵,۲ منابع طبیعی شهرستان چاه آب



چاه آب یکی از شهرستان های ولایت تخار بوده که ۷۶۵ کیلومتر مربع مساحت منابع طبیعی شهرستان چاه آب داشته و دارای محصولات و منابع طبیعی فراوان از قبیل جنگلات ، چراگاه ها ، نباتات طبی ، باغ های وسیع انگور ، منطقه کشت وسیع ولی للمی ، دریا ها و چشمه های آب و همچنان معادن مختلف مانند طلا واقع قریه نورابه ، نمک واقع قریه شور و لاجورد واقع قریه سمتی میباشد دارا است . کوه های سربفلک آن مناظر زیبای را به این منطقه بخشیده و مردم در روز های تعطیل و جشن ها درین محلات به سیاحت می پردازند . انواع مختلف پرندگان و حیوانات وحشی که دارای ارزش محیطی ، اقتصادی ، ملی و بین المللی دارند درین محل بخصوص در جنگلات آن یافت میشود . رشد دامداری درین شهرستان در حد اوسط قرار داشته و قسمت زیادی از مردم بخصوص دهات ازین منبع امرار معیشت مینمایند . تولیدات مهم آن عبارت از : پسته ، بادام ، زیره ، اینگ بدبوی ، شیرین بویه ، انگور ، خربزه ، تربوز ، تولید غله جات ، پوست حیوانات اهلی و وحشی ، صنایع دستی و غیره میباشد .

چراگاه ها :

طوریکه قبلاً گفته شد اکثر ساحات این شهرستان را کوه های بلند و سرسبز تشکیل داده که این کوه ها منطقه وسیع برای چراگاه های بهاری و تابستانی جهت چرش حیوانات ورمه های گوسفند ، بز ، و گله های گاو واسب میباشد . نباتات پوششی این منطقه را اکثراً نباتات خوشخوار علفی از قبیل جودر وحشی ، کبل ها ، غمی ، زبان گنجشک ، زبان بره و همچنان خار روسی ، سوزن خارک ، تلخه و غیره تشکیل میدهد .

در اثر خشک سالی های اخیر و چرای مفرط ساحات وسیع آن کم علف گردیده و حیوانات به مشکلات زیادی مواجه گردیده اند که در مواقع مختلف جهت چرش به ولایت بدخشان انتقال داده میشوند.

جنگلها :



کوه ها و تپه های این شهرستان در قسمت شمالی شهرستان مذکور و قسمت های شهرستان شهر بزرگ بدخشان تحت پوشش جنگلها پسته ، بادام تلخ ، شولش (ارغوان) ، چنار ، زرنگ ، انگور کوهی ، گز ، نی ، قمیش ، چنشک ، لخ ، وسایر بته های جنگلی قرار دارد و جنگلات مذکور مثمر و غیر مثمر بوده و سالانه ۳۰٪ مصارف خانواده های اهالی مذکور از راه جمع آوری محصولات پسته و زیره تهیه میشود . در سال هایکه جنگلات مذکور پناهگاه مردم بی دفاع را تشکیل میداد در اثر بمباردمان وحشیانه روس ها یک قسمت آن تخریب شده و از بین رفته است

اما در اثر کوشش مردم و حکومت در سال ۱۳۸۶ برنامه پسته شانی به شکل بذر افشانی توسط موسسه آغاخان احیا و تجدید گردید که تا هنوز ادامه دارد و ۵۰ جریب زمین این منطقه را دوباره احیا کردند که تقریباً ۸۰٪ نتیجه داده است .

۲،۲۲ پتانسیل نفت و گاز افغانستان

۲،۲۲،۱ مقدمه

نفت و گاز از زمانهای بسیار قدیم از طریق تراوش های سطحی شناخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. اکتشاف نفت یک دانش بسیار قدیمی و کاربردی است که با جمع آوری قیر (Asphalt) از تراوش طبیعی سطحی (Natural seepages) آغاز و در حال حاضر با استفاده از پیشرفته ترین تکنولوژی ادامه دارد. در گذشته نفت تنها برای مقاصد پزشکی، گرمایی و همچنین مصارف عایق کاری استفاده می شد اما اکنون از مشتقات نفت استفاده های زیادی می شود. قدیمی ترین تئوری اکتشاف نفت، تئوری تاقدیس (Anticline theory) بود که بوسیله هانت (Hunt) در سال ۱۸۶۱ معرفی شد. کاربرد این تئوری برای یافتن نفت در قله تاقدیس ها ابزار موافقی بود. پس از پیدا شدن نفت در سال ۱۸۸۰ در رسوبات دریایی پنسلوانیا که ارتباطی با ساختمان های



تافدیس (Anticlinal structure) نداشت و شکل گیری نفتگیرها صرفاً ناشی از تغییر رخساره رسوبات بود مشخص شد که ذخایر

نفتی می توانند در حوضه های غیر چین خورده هم وجود داشته باشند در نتیجه مفهوم نفتگیرهای چینه ای (Stratigraphic

traps) با این کشف فراگیر شد. بعد از اواسط دهه ۱۹۲۰ با روی کار آمدن روش های جدید مغناطیس

سنجی (Magnetometry)، ثقل سنجی (Gravimetry) و مطالعات لرزه ای، (Seismic surveys) اکتشافات نفت راه تازه ای

برای پی بردن به آنومالی ها (Anomalys) و ساختارهای زیر سطحی (Subsurface structure) غیر قابل مشاهده از سطح

پیدا نمود. این تکنولوژی ها به تشخیص موقعیت پی سنگ (Basement) و آنومالی های دیاپیری (Diapiric anomalys) کمک

می کنند و به طور کلی یک شمای عمومی از ساختارهای زیر سطحی را آشکار می سازد. بعدها توسعه مدل رخساره ای و تفسیر

جزئیات محیط های رسوبی قدیمی (Paleoenvironments) کمک موثری در تشخیص شکل هندسی مخازن (Reservoir

geometry) کردند و پیش بینی قابل اعتمادی از کیفیت مخازن از نظر تخلخل و تراوایی ارائه دادند.

در دهه ۱۹۷۰ پیشرفت در کسب و پردازش (Acquisition and processing) اطلاعات لرزه ای و نیز استفاده از

کامپیوترهای سریع برای این منظور توانست نیمرخ های لرزه بسیار دقیق را فراهم آورد و لذا امروزه این مقاطع سیمای عمومی

درون زمین را به خوبی مشخص می کند.

سوخت های فسیلی می تواند به صورت فازهای مختلف از جمله فاز گازی نظیر گاز طبیعی (Natural gas)، فاز مایع نظیر

نفت خام (crud oil) و فاز جامد، نظیر قیر (Asphalt)، در خلل و فرج و شکستگی های سنگ تجمع یابد. مواد هیدروکربوری

در زیر زمین در سنگ هایی انباشته می شود که توانایی نگهداری و انتقال سیالات را داشته باشند. این سنگ ها



مخزن (Reservoir) نامیده می شوند. تجمع مواد هیدروکربوری به صورت اقتصادی در سنگ مخزن منوط به وجود عوامل متعددی است. بطور کلی وجود پنج عامل کلیدی زیر برای تجمع اقتصادی نفت و گاز لازم و ضروری است:

۱. سنگ منشأ بالغ (Mature source rock) که تولید هیدروکربن کرده باشد.
 ۲. سنگ مخزن مناسب (Reservoir Rock) که بتواند هیدروکربن را در داخل خود جای دهد.
 ۳. مهاجرت هیدروکربن بین سنگ منشأ و سنگ مخزن عملی باشد.
 ۴. (Cap rock) وجود یک سنگ ناتراواکه از خروج نفت و گاز از داخل سنگ مخزن جلوگیری کند.
 ۵. (oil Trap) تشکیل تله نفتیکه در آن نفت و گاز به صورت اقتصادی متمرکز گردد و قابل استحصال باشد.
- نخستین عملیات حفاری جهت اکتشاف نفت و گاز در افغانستان در سال ۱۹۵۶ انجام شده است بطوری که در سال ۱۹۵۹ منجر به اکتشاف میدان نفتی انگوت گردید. در فاصله سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ پنجاه حلقه چاه اکتشافی دیگر نیز در این حوضه حفر گردید که باعث اکتشاف ۳ میدان گازی بزرگ یتیم تاق (۱۹۶۰) خواجه گوگردک (۱۹۶۱) و خواجه برهان (۱۹۶۴) شد. اگر چه اطلاعات دقیق کشفیات این دوران در دست نیست اما ظاهراً از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۱ دست کم دو میدان نفتی کوچک ، یک میدان گازی بزرگ (جرقدوق) و دو میدان گازی دیگر کشف شده است که عمدتاً در بخش شمالغربی کشور می باشد.

بررسی های زمین شناسی نشان داده است که سه منطقه اصلی در کشور وجود دارد که سنگهای رسوبی از ضخامت زیادی برخوردارند و برای اکتشاف نفت و گاز دارای اهمیت می باشد . این مناطق شامل: حوضه شمال ، حوضه جنوب غرب – حوضه آبریز



رودخانه هلمند و منطقه کنواز در جنوب شرق است که موقعیت آنرا در شکل (۱) مشاهده می کنید. در این مقاله حوضه شمال کشور مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است و سعی شده است چشم انداز آینده نفت و گاز در این حوضه مشخص گردد.



شکل ۱

۲،۲۲،۲ زمین شناسی و ژئومورفولوژی شمال

این حوضه از شرق به کوههای پامیر، از جنوب به هندوکش و از جنوب غرب به کوههای پاراپامیر محصور بوده و از دو حوضه بزرگ قراقوم و جنوب تاجیکستان تشکیل شده است. این حوضه از نظر ژئومورفولوژی (Geomorphology) به دو منطقه کوهستانی و دشتهای هموار تقسیم می شود. بخش کوهستانی دارای ارتفاعاتی بیش از دو هزار متر می باشد که در بعضی از مناطق توسط عوامل بیرونی مورد تخریب و فرسایش قرار گرفته و منجر به تشکیل مخروط افکنه هایی در پای ارتفاعات شده است. ارتفاع این حوضه به سمت آمودریا تدریجا کاهش می یابد بطوریکه توپوگرافی (Topography) سواحل آمودریا پست و بسیار ملایم می باشد. این مناطق توسط رسوبات دریایی و بادی پوشیده شده است. بررسیها نشان داده است که مهمترین میادین نفت و گاز کشور در این حوضه قرار دارد (بروکفیلد و حشمت ۲۰۰۱).



حوضه شمال قسمتی از حوضه عظیم نفت و گاز آمودریا می باشد که از نظر میزان ذخیره در بین ۱۵۲ حوضه نفتی و گازی کشف شده جهان در رده پانزدهم قرار دارد. این حوضه ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و در چهار کشور افغانستان، ایران، ترکمنستان و ازبکستان گسترش دارد. (گرگور ۲۰۰۴)

اگر چه نفت و گاز این حوضه عظیم در نفتگیرهای متنوع ساختمانی (Structural traps)، چینه ای (Stratigraphic traps) پالئو ژئومورفیک و همچنین در گسلهای مسدود شده (Sealed fault) قرار دارد اما تله های ساختمانی نوع تاکدیدی از فراوانی بیشتری برخوردار اند و مواد هیدروکربوری این حوضه در این گونه تله ها تجمع یافته است.

۲،۲۲،۳ سنگ منشأ و مهاجرت

بر اساس اطلاعات ژئوشیمیایی مواد آلی موجود در سنگ منشأ، حوضه شمال عمدتاً از کروژن نوع ۳ تشکیل شده است. این نوع کروژن باعث تولید گاز خشک (Dry gas) و ذغال سنگ می شود. به طوری که در حوضه شمال باعث تولید منابع عظیمی از گاز خشک شده است.

سه گروه از رسوبات حوضه شمال که برای تشکیل سنگ منشأ مناسب هستند شامل موارد زیر است.

رسوبات ژوراسیک: این رسوبات در تمام منطقه شمال در محدوده گرمایی پنجره تولید گاز (Gas generation window) قرار دارد.



رسوبات کرتاسه: در قسمت‌های عمیق حوضه افغان - تاجیک در محدوده گرمایی پنجره تولید گاز قرار دارد ولی در بعضی مناطق

کم عمق در تولید نفت نیز قرار می گیرد

رسوبات پالئوژن: این رسوبات در محدوده دمایی تولید نفت (Oil generation window) قرار دارند

نکته دیگر در پلتفرم رسوبی شمال این است که ضخامت رسوبات از شمال شرق به جنوب غرب حوضه افزایش می یابد. بنابراین

انتظار می رود حجم بیشتری از رسوبات این منطقه در پنجره زمین گرمایی تولید گاز (Gas generation geothermal

window) قرار گیرد که این امر باعث افزایش تولید هیدروکربن از سنگ منشأ می گردد.

۲,۲۲,۴ سنگ مخزن، پوش سنگ و تله های نفتی

کربناته‌های ژوراسیک بالا (Upper Jurassic carbonates) و ماسه سنگهای کرتاسه زیرین (Lower Cretaceous

Sandstone) مهمترین تله های شمال کشور محسوب می شوند و تقریباً همه تله ها از نوع تاقدیسی (Anticlinal

traps) است.

در شکل (۳) رویدادهای کلی سیستم نفتی آمودریا را مشاهده می کنید . که در این شکل سن بر حسب میلیون سال در ردیف

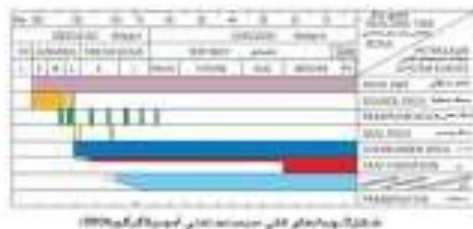
افقی بالا نشان داده شده است . و رویدادهای کلی سیستم درستون سمت راست جدول نوشته شده و در جلو آن نمایش داده شده

است . همانطور که در شکل می بینید مادر این حوضه از ژوراسیک به بعد واحدهای سنگی داریم. که رسوبات با سن ژوراسیک



تشکیل سنگ منشا داده اند. سنگ مخزن نیز از ژوراسیک میانی تا پالئوسن به چشم می خورد. سنگ پوشش (Seal rock)

مناسب در ژوراسیک بالائی و کرتاسه تحتانی مشاهده می شود (شکل ۳).



کربناته‌های کرتاسه بالایی (Upper Cretaceous carbonates) و اشکوب دانین (Danian stage) نیز نفت گیرهای

اصلی در لبه غربی واحد قلعه نو و حوضه تاجیک هستند و توسط شیل‌های پالئوسن (Paleocene shales) پوشیده می شود.

تخلخل (porosity) این کربناته‌ها در محدوده ۱۶ تا ۱۸ درصد می باشد. در شکل ۴ موقعیت گنبد هائی مشاهده می شود که دارای

پتانسیل مخزنی مناسب برای نفت گاز می باشد (شکل ۴).

۲,۲۲,۵ برآورد ذخایر نفت و گاز افغانستان با کمک ناسا

وزیر معادن افغانستان می گوید نتایج بررسی های تازه نشان می دهد که منابع زیر زمینی نفت در شمال افغانستان، دوازده تا

پانزده برابر و منابع گاز، پنج تا شش برابر بیشتر از برآوردهای قبلی است.



به گزارش نفت تایمز به نقل از بی بی سی، نتایج این بررسی ها که به کمک زمین شناسان آمریکایی انجام یافته، نشان می دهد که میزان دیگر ذخایر زیرزمینی از جمله معادن ذغال سنگ، حدود بیست برابر بیشتر از مقداری است که پیش از این تخمین زده می شد.

ابراهیم عادل وزیر معادن افغانستان در یک گفتگوی اختصاصی به بی بی سی گفت که در آینده نزدیک به کمک کارشناسان آمریکایی، برنامه نمونه برداری از منابع تازه کشف شده، عمدتاً در مناطقی که از امنیت خوبی برخوردار هستند، آغاز می شود. افغانستان از نظر معادن و ذخایر زیر زمینی، کشور نسبتاً غنی محسوب می شود، اما بیشتر این ذخایر بنا بر مشکلات داخلی افغانستان از جمله جنگ و اقتصاد ضعیف، دست نخورده باقی مانده است.

وزارت معادن افغانستان می گوید این کشور هنوز تنها در مورد پنج درصد از مواد معدنی و ده درصد از منابع نفت و گاز خود آگاهی دارد و تلاش های تازه به کمک زمین شناسان آمریکایی نیز به همین دلیل انجام می شود که دولت افغانستان دقیقاً بداند چه ذخایری در کجای آن قرار دارد.

سیصد هزار کیلومتر پرواز

وزیر معادن افغانستان می گوید قرارداد بررسی معادن زیرزمینی افغانستان، در سال ۱۳۸۴ با بخش زمین شناسی اداره فضایی



آمریکا - ناسا - امضا شد که براساس این قرارداد، کارشناسان ناسا، تحقیقات ژئوفیزیکی هوایی در جغرافیای افغانستان انجام

دادند.

هوایمهای ناسا سیصد هزار کیلومتر در فضای افغانستان پرواز کردند که این بررسی، به جز ولایات بدخشان و نورستان به دلیل

کوهستانی بودن آنها و ولایت ارزگان به دلایل امنیتی، همه بخش های افغانستان را شامل می شود .

بررسی معادن زیر زمینی افغانستان، قرار است در سه بخش جداگانه با هزینه سی و چهار میلیون دلار انجام شود.

وزیر معادن افغانستان گفت که این بررسی ها نشان داد که منطقه کتواز - در شرق افغانستان - و هرات، در غرب، دارای منابع زیر

زمینی نفت است و هلمند، در جنوب، منابع زیرزمینی نفت و گاز دارد.

اگرچه وزیر معادن افغانستان می گوید که در گذشته نیز گزارش هایی مبنی بر وجود این ذخایر در ولایات یاد شده وجود داشت،

اما به گفته او، نتایج بررسی زمین شناسان اداره فضایی آمریکا این گزارشها را صد درصد تایید کرد؛ موضوعی که به گفته آقای

عادل می تواند در جلب توجه شرکت های بزرگ استخراج معدن، مفید واقع شود.

پیشینی های اولیه نشان میدهند که در سه حوزه نفت خیز شمال کشور بیش از یک میلیارد مترمکعب گاز/بیش از ده میلیون تن

نفت وجود دارد و در صورت سرمایه گذاری در این سه حوزه دولت افغانستان قادر خواهد بود که پس از شش سال که کارهای

مقدماتی و ساخت پالایشگاه ها به پایان برسد، همه ساله در حدود یک میلیارد دلار درآمد بدست آورد و در بخش بودجه داخلی به

خود کفایی برسد.



با توجه به اینکه مناطق شمال افغانستان در هشت سال گذشته از امنیت برخوردار بوده است سرمایه گذاری به روی منابع نفت و گاز آن ظاهراً نخستین گزینه برای بدست آوردن منابع درآمد در درازمدت برای دولت است و میتواند نقطه اتکای مناسبی برای اقتصاد افغانستان باشد.

نخستین عملیات حفاری جهت اکتشاف نفت و گاز در افغانستان در سال ۱۹۵۶ میلادی انجام شده است بطوری که در سال ۱۹۵۹ منجر به اکتشاف میدان نفتی انگوت گردید. در فاصله سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶ پنجاه حلقه چاه اکتشافی دیگر نیز در این حوضه حفر گردید که باعث اکتشاف ۳ میدان گازی بزرگ یتیم تاق (۱۹۶۰)، خواجه گوگردک (۱۹۶۱) و خواجه برهان (۱۹۶۴) شد. اگر چه اطلاعات دقیق کشفیات این دوران در دست نیست اما ظاهراً از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۱ دست کم دو میدان نفتی کوچک، یک میدان گازی بزرگ (جرقدوق) و دو میدان گازی دیگر کشف شده است که عمدتاً در بخش شمالغربی کشور می باشد.

بررسی های زمین شناسی نشان داده است که سه منطقه اصلی در کشور وجود دارد که سنگهای رسوبی از ضخامت زیادی برخوردارند و برای اکتشاف نفت و گاز دارای اهمیت می باشد. این مناطق شامل: حوضه شمال، حوضه جنوب غرب - حوضه آبریز رودخانه هلمند و منطقه کتواز در جنوب شرق است.

حوضه شمال قسمتی از حوضه عظیم نفت و گاز آمودریا می باشد که از نظر میزان ذخیره در بین یکصد و پنجاه و دو حوضه نفتی و گازی کشف شده جهان در رده پانزدهم قرار دارد. این حوضه ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و در چهار کشور افغانستان، ایران، ترکمنستان و ازبکستان گسترش دارد.

اما میدان های نفتی و گازی در شمال افغانستان که تثبیت هستند و میتوانند برای بهره برداری به شرکت های بین المللی سپرده شوند قرارذیل هستند.



۲,۲۲,۶ میدان های نفتی وگازی

۲,۲۲,۶,۱ میدان انگوت

این منطقه در شش کیلومتری شهر سر پل در قسمت فوقانی یک چین خوردگی با ارتفاع ۱۰۰۲ متر واقع شده است و در این حوضه تا کنون ۱۴ چاه اکتشافی حفر گردیده است که به عنوان مثال چاه شماره ۸ در عمق ۱۰۸۰ متری به نفت رسیده و مقدار استخراج آن ۷۰ تن در روز تثبیت گردیده است.

ذخیره کلی این میدان در حدود ۴ میلیون تن ارزیابی شده است.

۲,۲۲,۶,۲ میدان آق دریا

این میدان در چهار کیلومتری شرق شهر سر پل در ولایت جوزجان و هشت کیلومتری میدان انگوت واقع شده است و اولین چاه اکتشافی در ۲۱ ماه می سال ۱۹۷۴ در آن حفر گردید و ذخیره کلی این میدان در حدود ۲ میلیون تن برآورد شده است.

۲,۲۲,۶,۳ میدان گازی خواجه برهان

این منطقه در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شبرغان واقع گردیده است و ذخیره کلی این میدان در حدود ۴ تا ۵ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده است.



۲,۲۲,۶,۴ میدان گازی یتیم تاق

میدان گازی یتیم تاق یکی از بزرگترین میدانهای گازی منطقه شبرغان است و مجموع ذخیره آن در حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد متر مکعب می باشد. در جریان حفاری چاه شماره ۴ این میدان به دلیل عدم رعایت استانداردهای حفاری و عدم تعیین دقیق فشار داخلی مخزن، کلیه تأسیسات حفاری در اثر انفجار چاه منهدم گردید. این حادثه باعث آزاد شدن گاز و آتش سوزی گردید که قریب به یکسال ادامه داشت تا بالاخره باروشهای مختلف از جمله تزریق مواد و گذاشتن سرپوش فلزی آتش سوزی چاه مهار گردید.

۲,۲۲,۶,۵ میدان گازی خواجه گوگردی

این میدان در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر شبرغان قرار دارد و ذخیره کلی این میدان در حدود ۴۶/۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده و بهره برداری از آن از ۲۱ اکتبر ۱۹۶۷ آغاز شده است. در سال ۱۹۷۳ بیست و هشت حلقه چاه جهت استخراج و بهره برداری گاز در این میدان حفر گردید و تا سال ۱۹۷۵ به ۳۲ حلقه افزایش یافت. بخشی از گاز تولیدی این منطقه از طریق خط لوله به شوروی سابق صادر می شد و بخشی دیگر از آن به کارخانه کود و برق مزار شریف منتقل می گردید. ذخیره گاز ترش خواجه گوگردی در حدود ۱۸/۴ میلیارد متر مکعب و گاز شیرین آن در حدود ۳۷ تا ۳۸ میلیارد متر مکعب ارزیابی شده است.



۲,۲۲,۶,۶ میدان گازی جرقدوق

این میدان در حوضه گازی شبرغان واقع شده است و ذخیره گاز آن ۴۱ میلیارد متر مکعب تخمین شده است.

علاوه بر میدان های ذکر شده ، مناطق نفت و گاز خیز دیگری نیز در این ناحیه شناسائی شده اند که میتوان به حوضه دشت لیلی، حوضه آقچه، حوضه محمد جان خان دگر، حوضه بلخ، حوضه غورماچ، حوضه علی آباد، حوضه بازار کلی، حوضه کلفت و حوضه جنگل کلان اشاره نمود.

بنا براین بر اساس مطالعات انجام شده میتوان مجموع ذخایر نفت و گاز شمال کشور را اعم از ذخایر کشف شده و کشف نشده که قابل استحصال می باشند را به صورت زیر تعیین نمود .

مجموع ذخایر کشف شده نفت ۸۰ میلیون بشکه

مجموع ذخایر نفت قابل استحصال ۳۰۰ میلیون بشکه به همراه ۱۴۵ میلیون بشکه نفت سنگین

مجموع ذخایر کشف شده گاز در حدود ۵۵ تریلیون فوت مکعب

مجموع ذخایر قابل استحصال گاز در حدود ۶/۹ تریلیون فوت مکعب

با توجه به اینکه در جوار مرزهای شمالی و شمال غربی افغانستان در کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و ایران وجود میدان های نفت و گاز به اثبات رسیده و یا در حال بهره برداری می باشد. لذا احتمال وجود ادامه این میدان ها در افغانستان نیز وجود دارد.



بنابراین دولت می تواند با سرمایه گذاری و اکتشاف این میادین به استخراج آنها بپردازد و یا آنها را به شرکت های بین المللی با شرایط خوب قرار داد .

۲,۲۲,۷ میزان ذخیره نفت گاز و کشور

در مجموع پنج نوع اثر نفتی و گازی در حوضه پلاتفرم شمال کشور شناخته شده است که روی هم رفته حاوی بیش از ۹۵ درصد هیدروکربنهای این منطقه می باشد و به قرار زیر است:

۱. منطقه چین خوردگی ژوراسیک بالایی (upper jurassic) با مساحت ۱۱/۶ میلیون آکر (یک آکر=۴۰۴۷ مترمربع)

۲. منطقه چین خورده نئوکومین با مساحت ۳/۴۴ میلیون آکر

۳. مخازن چین خورده نئوکومین با مساحت ۹/۱۰ میلیون آکر

۴. مخازن پالئوژن چین خورده با مساحت ۸/۱۳ میلیون آکر

۵. کمربند چین خورده با مساحت ۲/۴۵ میلیون آکر

بر اساس مطالعات انجام شده میتوان مجموع ذخایر نفت و گاز شمال را اعم از کشف شده و کشف نشده که قابل استحصال می باشند را به صورت زیر تعیین نمود .



مجموع ذخایر کشف شده نفت: ۸۰ میلیون بشکه، مجموع ذخایر نفت قابل استحصال ۳۰۰ میلیون بشکه، به همراه ۱۴۵ میلیون بشکه

نفت سنگین

و مجموع ذخایر کشف شده گاز: حدود ۵ تریلیون فوت مکعب (TFC) و مجموع ذخایر قابل استحصال در حدود ۶/۹ تریلیون فوت

مکعب (TFC)

با توجه به اینکه در جوار مرزهای شمالی و شمال غربی افغانستان در کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و ایران وجود میادین نفت و گاز به اثبات رسیده و یا در حال بهره برداری می باشد. لذا احتمال وجود ادامه این میادین در افغانستان نیز وجود دارد. بنابراین دولت می تواند با سرمایه گذاری و اکتشاف این میادین به استخراج آنها بپردازد. در این راه استفاده از امکانات پیشرفته لرزه نگاری ارتباطات کامپیوتری و ماهواره ای کمک بسیار خوبی می باشد.

۲,۲۲,۸ کشف ذخایر نفت و گاز در شمال افغانستان

وزیر معادن و صنایع افغانستان گفت که کشف این ذخایر نتیجه یک و نیم سال تحقیق مشترک کارشناسان افغان و آمریکایی است مقامات در افغانستان از کشف ذخایر بزرگ نفت و گاز در شمال این کشور خبر داده اند.



مسئولان وزارت معادن و صنایع افغانستان و یک شرکت تحقیقات زمین شناسی آمریکا اعلام کرده اند که مقدار این مواد به ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز و بیش از یک و نیم میلیارد بشکه نفت می رسد که در حوزه های آمو و مرز میان افغانستان و تاجیکستان قرار دارد.

وزیر معادن و صنایع افغانستان گفت که کشف این ذخایر نتیجه یک و نیم سال تحقیق مشترک کارشناسان افغان و آمریکایی است. او گفت تحقیقات مشابه به منظور یافتن ذخایر جدید نفت در سایر ولایات از جمله هرات، فراه، جوزجان و بدخشان نیز آغاز شده است.

مقامات وزارت معادن و صنایع افغانستان می گویند کشف این ذخایر سبب تشویق سرمایه گذاران خارجی و داخلی در این زمینه شده و تاکنون بیش از دو صد شرکت برای کار روی این پروژه به وزارت معادن و صنایع افغانستان درخواست داده اند. گفته می شود ذخایر تازه کشف شده، کاملاً دست ناخورده است.

۲,۲۲,۹ ذخایری بیش از پیشبینی

بر اساس گزارش مرکز تحقیقات زمین شناسی آمریکا، علاوه بر حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و ۱,۵ میلیارد بشکه نفت که در ارزیابی جدید به آن اشاره شده، گاز مایعی به میزان متوسط ۵۶۲ میلیون بشکه باید در این منطقه وجود داشته باشد.



براساس این برآوردهای جدید، ذخایر انرژی افغانستان حدود ۱۸ برابر چیزی است که قبلاً پیش بینی می شد.

این در حالی است که افغانستان در حال حاضر اغلب انرژی خود از جمله برق را از خارج وارد می کند.

بدین ترتیب احتمال دارد که کشف جدید شرکتهای استخراج نفت و گاز را به سوی افغانستان بکشاند.

بیشتر منابع بالقوه نفت افغانستان و کلیه منابع شناخته شده نفت و گاز طبیعی این کشور در شمال و بین دو حوزه آمو دریا در

غرب و حوزه افغانستان- تاجیکستان در شرق قرار گرفته است.

اغلب نفت خام کشف نشده در حوزه دوم در مرز این دو کشور و اغلب گاز طبیعی در حوزه آمودریا قرار گرفته است.

۲,۲۲,۹,۱ سصد هزار بشکه در روز

اما وجود چنین ذخایری می تواند چه اهمیتی از نظر تأمین منابع انرژی برای افغانستان داشته باشد در مقایسه با ذخایر منابع نفت

و گاز در جهان چه جایگاهی می توان برای آن قایل شد.

دکتر منوچهر تکین، مرکز مطالعات جهانی انرژی در لندن در این باره می گوید: "اگر نتایج این تحقیقات تأیید و عملاً اقدام به

استخراج این منابع شود، افغانستان می تواند تولید نفتی به میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز داشته باشد، که در این

صورت در مقایسه با حدود متوسط ۸۵ میلیون بشکه نفت در جهان رقم قابل توجهی نیست، اما میتواند بخش مهمی از نیازهای

داخلی این کشور را تأمین کند."



مرکز تحقیقات زمین شناسی آمریکا که با وزارت صنایع و معادن افغانستان این تحقیقات مشترک را انجام داده معتقد است که ارزیابیها بر اساس یک مطالعه همه جانبه و با توجه به بررسیهای گذشته در مورد ابعاد منابع نفت و گاز در افغانستان انجام شده است.

به گفته این مرکز، منطقه ای به وسعت ۸۶ هزار کیلومتر مربع شامل این تحقیقات بوده است افغانستان از نظر معادن و ذخایر زیرزمینی، کشوری نسبتاً غنی محسوب می شود که ذخایر آن عمدتاً دست نخورده باقی مانده است.

بخشی از گاز طبیعی موجود در این کشور، در ده های گذشته، به شوروی سابق صادر می شد

۲,۲۲,۱۰ تثبیت ذخایر بزرگ نفتی در حوزه افغانستان - تاجیکستان

منابع آگاه از کشف و تثبیت ذخایر عظیم نفتی در حوزه یادشده خبر داده می گوید: این ذخایر نفتی، بزرگترین ذخایر کشور محسوب می شود که تا به حال کشف و تثبیت شده است.

وزیر معادن و صنایع هفته گذشته در نشستی در مرکز رسانه های حکومت، موجودیت ذخایر بزرگ نفتی را در حوزه افغان - تاجیک تأیید نموده ولی معلومات بیشتر در مورد این ذخایر ارایه نکرد .

در سال های گذشته، مقامات وزارت معادن بارها یکی از راه های توسعه و رشد سریع اقتصاد کشور را استخراج و بهره برداری از منابع فلزی تثبیت شده کشور اعلام نموده، گفته بودند که روند واگذاری معادن به صورت متناوب و سریع ادامه می یابد . اما طی چند سال، تنها معدن مس عینک ولایت لوگر قرارداد شده است.



کارشناسان مسایل اقتصادی دلایل مختلف را در روند طی واگذاری معادن و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این عرصه دخیل دانسته می‌گویند: بروز برخی مشکلات در نحوه قراردادهای و نگرانی مردم و برخی محافل از عدم انعقاد قراردادهای شفاف، واگذاری معادن بزرگ را با چالش‌های زیادی مواجه ساخته است.

به باور این کارشناسان هرچند واگذاری معادن بزرگ به دلیل مراحل ماند سرمایه زیاد و... به زمانی در حد چند سال نیاز دارد، اما تفحص و اکتشاف لازم از منابع فلزی افغانستان در ۹ سال گذشته صورت نگرفته و بهره‌برداری از این منابع پس از قرارداد معدن مس عینک لوگر، به جهت بروز مشکلات جدی، روند عادی خویش را از دست داده است.

این در حالی است که از سال ۲۰۰۵ تا اواخر سال ۲۰۰۹، اداره زمین شناسی آمریکا، مطالعات و اکتشافات خویش را از منابع فلزی کشور انجام داده که بر این اساس ارزش ذخایر فلزی کشور ۳ هزار میلیارد دلار برآورد شده است.

در حال حاضر بیش‌ترین علاقه‌مندی و استخراج از منابع فلزی کشور را شرکت‌های فراملیتی مانند شرکت‌های آمریکا، کانادا، بریتانیا، روسیه، چین و... داشته و برخی از این شرکت‌ها علاقه به فروش و بردن این منابع به صورت خام را دارند.

شرکت‌های یادشده به خاطر ویژگی‌های کاربردی گسترده فلزاتی چون آهن و مس در صنایع، علاقه فراوان به قراردادهایی دارند که بتوانند پس از استخراج منابع، صادرات خام داشته باشند.

شرکت‌های فراملیتی نظیر این قراردادهای را در منابع کشورهای نیجریه و امریکای لاتین داشته و ضرر محسوس آن متوجه کشورهای دارای این منابع می‌باشد. به عبارت دیگر و یا بهتر قراردادهایی که منجر به صادرات خام فلزات بدون پروسس در داخل کشور شود، یعنی غارت.



گفتنی است که مس و آهن در صنایع مختلف مانند صنایع ساختمانی، راه آهن، طیاره‌سازی، موتورسازی و... کاربرد گسترده‌ای دارد و مس به دلیل ویژگی‌های خاص خود، دوام زیاد و پایداری در ساخت خطوط نیروی برق با ولتاژ بسیار زیاد، کاربرد فراوان دارد.

۲،۲۳ زمین شناسی افغانستان

۲،۲۳،۱ مقدمه تاریخی زمین شناسی افغانستان

هرچند تاکنون مطالعات زمین شناسی جامعی در افغانستان صورت نگرفته است اما از لحاظ تاریخی افغانستان دارای شهرت زیادی در داشتن معادن و منابع غنی می باشد. از دوران باستان در بدخشان لاجورد، طلا و نمک و در قندهار و کابل و... مس و آهن استخراج می گردید. در قرون وسطی و در اوایل قرن ۲۰ نیز طلا در منطقه مقر، نقره و زمرد در پنجشیر، معادن متعدد آهن و سایر فلزات در نقاط مختلف و همچنین زغال سنگ، نفت و گاز و... در مناطق مختلف کشور کشف شده است. اولین بار زمین شناسان انگلیسی (گریس باخ و هایدن) در افغانستان مرکزی و شمالی مشاهداتی انجام دادند و بعد ها زمین شناسان فرانسوی، (فیورون و همکاران) در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۲۶ مناطقی در اطراف کابل را نقشه برداری زمین شناسی نمودند.

در دهه ۱۹۵۰ با تأسیس شرکت اکتشاف نفت و گاز مرحله مهمی از مطالعات زمین شناسی افغانستان آغاز شد. در ۱۹۵۸ زمین شناسان افغانی با همکاری کارشناسان روسی جستجو برای کشف نفت و گاز طبیعی را با موفقیت به پایان رساندند. در این مطالعات برای اولین بار ساختار زمین شناسی منطقه با تهیه نقشه های زمین شناسی همراه شد. در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ زمین شناسان فرانسوی (منزیه و لاپاران) حوالی کابل را نقشه برداری نمودند و از ۱۹۵۹ زمین شناسان



آلمان غربی به کمک عکسهای هوایی کار تهیه نقشه زمین شناسی تمام نیمه جنوبی کشور را (با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰) آغاز نمودند.

در ۱۹۶۳ ریاست "تفحص مواد مفیده جامد" تاسیس شد که در ۱۹۶۵ به ریاست "زمین شناسی و معادن" تغییر نام یافت در این ریاست با همکاری زمین شناسان روسی، اکتشاف، ارزیابی و تخمین ذخایر معدنی زغالسنگ، سنگ آهن، طلا و لاجورد آغاز گشت. در نتیجه همین تفصحات معادن بزرگی همچون "معدن آهن حاجیگک" در منطقه بامیان و حوزه بزرگ زغالسنگ از پلخمری در شمال تا نزدیکی هرات در غرب و مواد با ارزش دیگر همچون باریت، بریلیوم و... کشف گردید. از ۱۹۶۵ مطالعات زمین شناسی وسیع و مهمی در مورد اکتشاف مواد معدنی مهمی چون سرب، روی (جست) مس، طلا باریت، ابرک، سولفور، فسفریت ها، سینابر، زغالسنگ، آبهای معدنی، نمک طعام و مواد ساختمانی صورت گرفت. در ۱۹۷۳ ارزیابی جدیدی در مورد معدن بزرگ "ارگونیت" در حاشیه جنوب غربی کشور و معادن مهم باریت در شمال هرات مورد اکتشاف قرار گرفت. در ۱۹۷۴ در منطقه لوگر (جنوب کابل) کمر بند مس دار بزرگی (مس عینک) کشف شد. مهمترین مطالعات زمین شناسی افغانستان با تهیه نقشه زمین شناسی سراسر افغانستان در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰ و همچنین تهیه نقشه تکتونیکی کشور در دهه ۱۹۷۰ به انجام رسید.

از ۱۹۷۶ تا اوایل دهه ۸۰ گزارشات و مطالعات قبلی بصورت کتابها و مقالات متعددی منتشر شده، از جمله "تکتونیک افغانستان" اثر واسلاوین (۱۹۷۶)، زمین شناسی افغانستان اثر ولفارت و ویتکینت (۱۹۸۰) و "زمین شناسی و مواد معدنی افغانستان" که توسط یک تیم روسی و افغانی بدنبال تهیه نقشه سراسری زمین شناسی افغانستان تدوین و به زبان روسی و انگلیسی در مسکو به چاپ رسید (۱۹۸۰).



در دهه ۸۰ با تشدید جنگها در افغانستان مطالعات زمین شناسی عمده و سراسری متوقف شد و لی کارهای پراکنده و موردی مخصوصا روی معادن کشف شده و بزرگ نزدیک به مرکز کشور توسط متخصصین روسی دنبال گردید اما نتایج این مطالعات در دست نیست و احتمالا در روسیه بایگانی شده است. در دهه ۹۰ کار های زمین شناسی بکلی تعطیل شد و ساز مان زمین شناسی و معدن افغانستان در اثر جنگ آسیب جدی یافت. تنها در ۱۹۹۵ گری باورساکس (جوهر شناس آمریکایی) با همکاری بونیتا چمبرلن کتاب جالب "سنگهای قیمتی افغانستان" را منتشر نمودند که در واقع جدید ترین اثر قابل توجه در زمینه زمین شناسی و مواد معدنی این کشور می باشد.

در سال ۲۰۰۲، با آغاز دوران جدید در افغانستان به نظر می رسد که دوران مهمی برای مطالعات زمین شناسی افغانستان در راه باشد اما دشواریهای مربوط به جنگ طولانی افغانستان هنوز هم مانع بزرگی بر سر این راه می باشد.

۲،۲۳،۲ چشم انداز زمین شناسی افغانستان

زمین شناسی افغانستان از لحاظ ساختمانی بسیار پیچیده و در هم تنیده است و اساسا شامل توالیهایی از روند های باریک



سرزمین های شمالشرقی - جنوب غربی خرده های قاره ای به سن پالتوزویک تا ترشیری می باشد. این قطعات به سمت شمال حرکت نموده و بطور مایل با توده قاره ای آسیا در حال برخورد است.

آخرین قطعه ای که به این مجموعه در حال پیوستن است بلوک قاره ای بزرگ هندوستان است. برخورد مایل این قاره، سبب تغییراتی در روند های ساختمانی و یکسری گسل خوردگی (شکستگیها) و چین خوردگیها گردیده است. این مجموعه بلوکها و قطعات توسط زمین درز هایی که در طول آنها افیولیتها دیده می شوند، از همدیگر جدا شده اند. اینها در ظاهر تنها بقایای پوسته اقیانوسی زیر رانده شده اند که خود نشانگر فضاها های اقیانوسی با عرض (پهنای) نامشخص می باشند. از لحاظ تشکیلات زمین شناسی، در افغانستان سنگهایی به سن پرکامبرین تا کوارترنری و در نقاط مختلف جغرافیایی با سن و جنس متفاوت به چشم می خورد. بطور کلی در افغانستان سه منطقه اصلی شامل سنگهای رسوبی ضخیم موجود است:

(۱) حوضه _____ سه _____ مال (ش) _____ مال افغانستان _____ (تان)

(۲) جنوب _____ غرب _____ حوضه _____ رود خان _____ هلمند _____ (د)

(۳) منطقه کتواز (جنوب شرق)

توده های آذرین و دگرگونی، هر چند در سراسر کشور گسترش دارد اما بطور خاص در شرق و جنوب شرق کشور از وسعت بیشتری برخوردار است: بدخشان، نورستان، لغمان، پروان، پغمان، نواحی اطراف کابل و نوار هایی در مناطق مرکزی و جنوبی کشور.

از لحاظ سن، تشکیلات مربوط به پالتوزویک بالایی و مزوزوئیک در افغانستان از گسترش بیشتری برخوردار است. از مشخصات بارز زمین شناسی ساختاری افغانستان، وجود یکسری گسلها و شکستگیهای عمده است که مرز نواحی مختلف و



ایالت‌های زمین‌شناسی متفاوت را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این روند‌های عمده، وجود عناصر ساختاری پراکنده در سراسر کشور نیز وجود دارد.

۲،۲۳،۳ ساختمان زمین‌شناسی افغانستان

منطقه وسیعی در افغانستان بین صفحه اوراسیا در شمال و شبه قاره هند و عربستان در جنوب وجود دارد که شامل چندین حوضه جغرافیای دیرینه و حوضه‌های ساختمانی می‌باشد که بوسیله مجموعه بزرگی از سیستم‌های گسلی بر جای مانده از خطواره‌های بزرگ تکتونیکی جداشده‌اند. این حوضه‌ها از شمال به جنوب عبارتند از:

الف) حوضه ترکستان افغانستان - هندو کش که در شمال توسط حوضه تاجیک از حوضه توران - تیان شان جدا گردیده است.

ب) حوضه ترکمن - راه رود در مرکز و غرب افغانستان

پ) حوضه رشه - کوه‌های مرکزی در مرکز افغانستان

ت) حوضه بلوچ، که به باعث رو رانندگی بلوک هندوستان می‌گردد.

ج) گوه کابل، در محلی که واحد‌های نا برجا (انتقالی) به حوضه بلوچ مربوط می‌گردد و در حالیکه واحد‌های برجا به حوضه رشته کوه‌های مرکزی مربوط می‌شود.

چ) کوه‌های پغمان و نورستان که دارای شباهتها و قرابت‌های غیر مشخصی با حوضه‌های ترکستان - هندوکش و ترکمن - فراه رود می‌باشد.

این حوضه‌ها تحت تاثیر کوهزاییهای زیر قرار داشته اند :



کوهزاییها در افغانستان ۲،۲۳،۳،۱

پرکامبرین ۲،۲۳،۳،۱،۱

رخمونهای از دگرگونی، دگرشکلی و گرانیتهی شدن مربوط به پروتروزویک در افغانستان شناخته شده است، مخصوصا مناطقی در نورستان (چمیروف و میرزاد، ۱۹۷۲)، بدخشان (سلاوین، ۱۹۸۴ و دسیو ۱۹۸۰)، کوههای پغمان (بولن، ۱۹۷۲) و نواحی در گوه کابل (مینزیه، ۱۹۷۷)، همگی به رخداد های پرکامبرین نسبت داده شده اند. توزیع این رخمونها بیانگر این مطلب است که اغلب حوضه های جغرافیای دیرینه و حوضه های ساختمانی افغانستان در زیرمجموعه سنگهای پروتروزویک که احتمالا با سپر هندوستان، ایران مرکزی و عربستان مرتبط است، قرار می گیرد. (ولفارت ۱۹۶۷ و اشتوکلین ۱۹۷۴).

هرسینین ۲،۲۳،۳،۱،۲

چینههای خمیده رو به جنوب، دگرگونی فشار بالا (بطور محلی همراه با گلاکوفان) و قسمتی از گرانو دیوریت های موجود در هندو کش به ماقبل ویزین مربوط می شوند (بولن و بوی، ۱۹۷۷). این نشانه ها همگی مشخص کننده کوهزایی هرسینین می باشد. اما حوضه های جنوبی و مخصوصا حوضه های کوههای مرکزی تحت تاثیر این کوهزایی قرار نگرفته است (بلیز ۱۹۷۲ و همکاران ۱۹۷۷).



رسوبات پالئوزویک پیشین که در شیب قاره ای پی سنگ ترکستان افغانستان بر جای گذاشته شده است، توسط این کوهزایی تحت تاثیر قرار گرفته است. سنگهای بازیک و اولترابازیک در درون توالیهای رسوبی امروزه بصورت آمفیبولیت و سرپنتین دیده می شود. این سنگها احتمالا نشانگر بقایای پوسته اقیانوسی از میان رفته - اقیانوس هندو کش - می باشند. در جنوب این اقیانوس، کوههای پغمان و نورستان با سن پروتروزویک، پی سنگ دیگری را تشکیل داده است. طبق نظر بولن، بستر اقیانوس هندو کش به زیر پی سنگ ترکستان افغان فرو رانده شده است و در اثر برخورد بین پی سنگ ترکستان افغان و پی سنگ پغمان - نورستان، کمر بند هرسینین هندو کش حاصل شده است (بولن و بوی، ۱۹۷۶).

رشته کوههای پامیر شمالی، ولاشف و کراچنکو، ۱۹۷۹، قراقرم شمالی (گانسو، ۱۹۶۴) و کون - لون (چانگ و چینگ، ۱۹۷۳) از امتداد شرقی محتمل این کمر بند بوجود آمده است، در حالیکه کوههای بینالود (مجیدی ۱۹۷۸) در شمالشرقی ایران و بخشی از کمر بند های هرسینین اروپا، احتمالا امتداد های غربی آن می باشد.

در هندو کش غربی، مخصوصا در رشته کوه بندر بیان (فونستات و همکاران، ۱۹۷۹) و در قسمت بالای دره غوربند (بولن و بوی، ۱۹۸۰)، کمر بند هرسینین هندو کش، اثرات رخداد های تکتونیکی ویزن را نشان می دهد. این رخداد ها ممکن است حاصل تشکیل شدن کمر بند هرسینین تیان شان باشد که در خلال ویزن بالایی تا کربونیفر میانی از بسته شدن فضای اقیانوسی تیان شان و نیز از نتیجه برخورد بین پی سنگ ترکستان افغان و پی سنگ توران بوجود آمده است (بورتمن، ۱۹۷۵، کراچنکو ۱۹۷۹).

در نهایت، فضای اقیانوسی تیان شان احتمالا یک حوضه حاشیه ای از اقیانوس هندو کش تشکیل داده بوده است (بولن و بویکس، ۱۹۸۰).



۲،۲۳،۳،۱،۳ کیمرین پیشین

نشانه های مشخص رخداد های کیمرین پیشین در سه نقطه از افغانستان دیده می شود :

- الف) لبه شمالی هندوکش (بولن و همکاران، ۱۹۷۷) که دگر شکلیهای تر یاس بالایی و ژو راسیک زیرین بر روی رسوبات آتشفشانی - آواری نهشته شده در داخل یک ریفتم اثر گذاشته و سپس با یک بالا آمدگی دنبال گردیده است. این منطقه که " زون دو آب " نامیده می شود کمابیش بطور پیوسته در طول افغانستان ، از بدخشان تا مرز ایران ادامه دارد. این زون بطرف غرب در منطقه آق دربند در حوالی مشهد ظاهر می گردد و شاید بطرف شرق نیز تا پامیر و تبت کشیده شده است .
- ب) سن هندوکش از ۲۰۰ تا ۲۲۰ میلیون سال تخمین زده شده است (دسیو و همکاران ، ۱۹۶۴ ، بلیز و دیگران ، ۱۹۷۰). ستیغهای گرانو دیوریتی تشکیلات پالئوزویک پامیر ، بدخشان و هندوکش غربی را قطع می کند . این ستیغهای گرانو دیوریتی احتمالا در اثر فرورانش رو به شمال (متیو و همکاران ، ۱۹۷۹) یک پوسته اقیانوسی تریاسی مربوط به اقیانوس ترکمن - فراه رود حاصل شده اند. که در قسمت جنوبی حوضه ترکمن - فراه رود توسط بلیز و همکاران (۱۹۷۸) شناسایی شده اند. از این رو ریفتم (زمین درز) تریاسی شمال هندوکش بعنوان یک حوضه حاشیه ای اقیانوس تریاسی ترکمن - فراه رود در نظر گرفته می شود.
- پ) رشته کوههای مرکزی که در تریاس بالایی ظهور نموده اند، بدون دگر شکلی شناخته شده در یک وقفه چینه شناسی توسط بلیز و همکاران (۱۹۷۷) ، مشاهده شده است.



موارد مشخص کیمرین جدید توسط بلیز و همکاران (۱۹۷۸) از کوههای مرکزی و توسط بولن (۱۹۸۰) از کوههای ترکمن فراه رود

گزارش شده است:

- (۱) چینهای ژوراسیک بالایی یا کرتاسه زیرین در حوضه ترکمن فراه رود. این چینها رسوبات تریاس تا ژوراسیک و سریهای افیولیتی نهشته شده در طول حواشی شمالی و جنوبی اقیانوس ترکمن فراه رود را تحت تاثیر قرار داده است که حوضه ترکستان افغان - هندوکش و حوضه رشته کوههای مرکزی را از هم جدا نموده است. این چینها اساسا بطرف شمال خمیدگی دارد.
- (۲) دگرگونی فشار متوسط شامل گلاکوفان. این دگرگونی در بخش جنوبی حوضه ترکمن فراه رود وجود دارد و چینهای کیمرین جدید در آن دیده می شود که بطرف جنوب زیاد می شود.
- (۳) گرانیته شدن با سن تقریبی یکصد میلیون سال (مونتنات و همکاران، ۱۹۷۹) که در حوضه کوههای مرکزی (در حاشیه شمالی آن) گسترش یافته است.

این نموده ها یا مظاهر کوهزاییهای مختلف ممکن است بعنوان نتیجه فرورانش اقیانوس ترکمن رود به زیر حوضه کوههای مرکزی و برخورد حاصله مورد بررسی و توجه قرار گیرد. نشانه هایی از رخداد های کیمرین جدید نه تنها در حوضه ترکمن فراه رود دیده می شود، بلکه بسیار دور تر از آن، خصوصا در حوضه های ترکستان افغان - هندوکش و کوههای مرکزی نیز بدست آمده است. این نشانه ها و نمود ها کمر بند کیمرین جدید را مشخص می کند که اغلب افغانستان را در بر می گیرد. این کمر بند همچنین بدخل پامیر مرکزی (دسیو، ۱۹۷۷ و ولاشف، ۱۹۷۷) گسترش می یابد بطوریکه در تبت این کوهزاییها باعث تقسیم آن به تبت

شعبه

زنی

فونسن توسط رسوبات دگرشیب ال
ترکمن – فراه رود و قسمتها
بلیز و ۱۹۷۴، ۱۹۸۰)، تا رسوبات



علاوه بر این ، پالتوسن بالایی - میوسن حوضه "کتواز" نیز که بوسیله این پهنه روراندگی نگهداشته شده است ، نشان می دهد که گسلهای مورب همزمان با رسوبگذاری و کوتاه شدگی در خلال زمان کوتاهی در میوسن بوجود آمده است (مولنار و تاپونیه ۱۹۷۵ و کازاینو ۱۹۷۹) ، در نهایت، اغلب پدیده های مورفو لوژیکی آلپی سراسر کشور (منطقه) به سن میو - پلیوسن می باشد. این حرکات آلپ احتمالا از بسته شدن یک فضای اقیانوسی نتیجه شده است. (ماتیو ۱۹۷۸) که امروزه بوسیله افیولیت، ملانژهای افیولیتی و رسوبات پلاژیک پهنه راندگی کابل و خوست مشخص می گردد و نیز ممکن است از برخورد حاصل بین هندوستان و با اوراسیا بوجود آمده باشد.

■ این بسته شدگی مشخصا در موارد زیر نقشش داشته است :

- گسترش و تکامل حوضه های رسوبی - آتشفشانی کال آلکالن با سن ژوراسیک - کرتاسه در قند هار اورزگان و "کجو" که بعنوان حوضه های حاشیه ای تشکیل شده اند (بورده و همکاران ۱۹۷۹)

- تشکیل محور گرانودیوریتی در ارغنداب واقع در شمال قندهار با سن حدود یکصد میلیون سال (ویتکینت، ۱۹۷۳)، و سپس تشکیل محور گرانودیوریتی "سپین بولدک" در جنوب قندهار به سن پالتوسن (مونتنات و همکاران، ۱۹۷۹) یک فرورانش همخوان با این رخداد ها به زیر کوههای مرکزی روی داده است، در محل لبه جنوبی آن که احتمالا از ژوراسیک بالایی تا سنوزوئیک پیشین فعال بوده است. این برخورد حاصل شده، مسئول راندگی پهنه کابل و خوست می باشد که قبل از پایان یافتن پالتوسن روی داده است. برای پهنه خوست این راندگی از غرب به شرق اتفاق افتاده، یعنی از یک فضای اقیانوسی بلوچ واقع شده در بین بلوک کابل و پلات فرم هندوس-تان بوج-ود آم-ده است.



در پهنه کابل این راندگی توسط بعضی از محققین به وارد شدن از غرب قلمداد نموده اند ، با فرض نمودن فضای اقیانوسی کوچک کابل در بین بلوک کابل و کوههای مرکزی ، که یک حوضه گسترش یافته از اقیانوس بلوچ بوده است.

— سن تشکیل پوسته اقیانوسی که امروزه ناپدید شده است، هنوز نامشخص مانده است. وجود این نوع پوسته در زیر رسوبات پلاژیک بلوچ از تریاس میانی محتمل است، اما تاکنون بوسیله شواهد صحرایی به اثبات نرسیده است. با این وجود ، انطباق بین حوضه بلوچ و حوضه زاگرس (ریکو و همکاران، ۱۹۷۷) و نیز مابین حوضه بلوچ و سوچور ایندوس در “لاداخ” (باسـوله ۱۸۷۸) با این تفسیر در توافق است.

۲,۲۳,۴ ساختمان و ضخامت پوسته زمین در افغانستان

مطالعات ژئوفیزیکی دقیق و کاملی در مورد تعیین ضخامت پوسته و ساختار آن در افغانستان صورت گرفته ویا نتایج آن در دست نیست با این وجود د.گ. پ. گارشکف(به نقل اسلاوین-۱۹۸۴) با استفاده از امواج زلزله مربوط به کانونهای عمیق زلزله ضخامت پوسته در ناحیه بدخشان را ۵۱ کیلو متر و در نواحی مجاور مانند پامیر سطح ((موهو)) را تا اعماق ۷۵-۷۰ کیلومتر تعیین نموده است.



ضخامت لایه های رسوبی در افغانستان بشدت متغیر می باشد و از چند صد متر تا ۲۰ کیلومتر در نوسان می باشد. بعنوان مثال در نواحی از مسیر رودخانه کوکچه (غرب فیض آباد) ضخامت کلی جوانترین سنگهای رسوبی در حدود ۲۰ کیلومتر می باشد اما در نقاط دیگر مثل نورستان، بدخشان جنوبی و... سنگهای ماگمایی و دگرگونی در سطح زمین ظاهر می شوند. در پامیر ضخامت گرانیت به ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر و ضخامت بازالت به ۴۰ کیلومتر هم می رسد. ضخامت پوسته در جنوب غرب افغانستان در حدود ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر می باشد.

ساختمان منتل (پوش هسته یا گوشته زمین) در شمال شرق افغانستان بیش از حد پیچیده و مبهم بوده و در آن بیش از ده لایه متفاوت از لحاظ خواص ژئوفیزیکی بر اساس سرعت امواج لرزه ای شناسایی شده است.

در منتل بالای شمال شرق افغانستان در اعماق ۱۱۰ تا ۲۴۰ کیلومتری یک لایه با سرعت کم مشخص شده است و لایه های دیگری در اعماق ۲۴۰ تا ۲۸۰ کیلومتری شناسایی شده که فقط انتشار امواج عرضی از آنها گزارش شده است (سلاوین ۱۹۸۴).

۲,۲۳,۵ ساختمان پیچیده افغانستان

افغانستان از دید زمین شناسی ساختمان بسیار پیچیده ای دارد و متشکل از توالی های کم پهنا با تمایلی به سمت شمال شرق و قطعات قاره ای با سن پالئوزوئیک (قبل از ۵۷۰ میلیون سال پیش) تا ترشیری (۶۵ میلیون سال پیش) می باشد. قدیمی ترین سنگهای آن مربوط به آرکئن (قبل از ۲۵۰۰ میلیون سال پیش) هستند و بر روی آن ها سنگ هایی از دوران پروتروزوئیک (۱۰۰۰ میلیون سال پیش) و فانروزوئیک (۱۰۰۰-۵۷۰ میلیون سال قبل) تا دوران چهارم (عهد حاضر) را داریم. زمین شناسی افغانستان



در واقع یک کلکسیون زمین شناسی است، این منطقه وسیع در مزوزوئیک (۲۲۵-۶۵ میلیون سال قبل) شکل گرفته است. قبل از مزوزوئیک توده بزرگی که مجموعه های امروزه را ساخته، ابر قاره پانگه آ نامیده می شده است، این تنها خشکی، دریای استوایی تتیس را در برداشته است. اوایل مزوزوئیک پانگه آ شروع به شکستن به ۲ تکه عمده نموده است:

۱- لوراسیا در شمال دریای تتیس ۲- گندوانا در جنوب

در این زمان توده های خشکی کوچکتری از گندوانا مشتق شده و به سوی شمال در دریای تتیس حرکت کرده اند. ساختمان افغانستان نتیجه به هم پیوستگی و برخورد قطعات و میکرو پلیت های گندوانا به حاشیه آسیا (Tapponnier, 1981 et al) در امتداد زمین درز شرقی- غربی هرات- پنجشیر می باشد. زمین درز هرات- پنجشیر یک گسل امتداد لغز عمیق است، عمق این گسل را ۷۰۰ کیلومتر درون گوشته می دانند. در طی کرتاسه (قبل از ۶۵م.ق.) یکی از این توده ها که اکنون قسمتی از افغانستان مرکزی به حساب می آید، در جنوب گسل هریرود به لوراسیا متصل گردیده است. آخرین قطعه ای که به این مجموعه پیوسته بلوک قاره ای بزرگ هندوستان می باشد. برخورد مایل این قاره، سبب تغییراتی در روند های ساختمانی و یکسری گسل خوردگی (شکستگی ها) و چین خوردگی ها شده است. این مجموعه بلوک ها و قطعات توسط زمین درزهایی (Suture) که در طول آنها افیولیت ها دیده می شوند، از همدیگر جدا گردیده اند. افیولیتها در ظاهر تنها بقایای پوسته اقیانوسی زیر رانده شده اند که خود نشانگر فضاهای اقیانوسی با عرض (پهنای) نا مشخص هستند.

حرکات نو زمین ساختی (Neo tectonic) افغانستان توسط وقایع تصادمی آخر کرتاسه، حدود ۶۵ میلیون سال قبل بوجود آمده اند، که نتیجه آن رشته کوههای هندوکش می باشد. این رشته کوه از شمال شرقی ترین گوشه کشور در ایالت بدخشان (NE-SW) تا غربی ترین مرز کشور در ایالت هرات امتداد دارد و تقسیم کننده کل افغانستان به دو بخش تشکیلات ساختمانی شمالی و جنوبی می باشد (Saba and Avasia).



حرکات تکتونیکی جدید به وسیله فعالیت های لرزه ای و ژئوترمالی در سراسر کشور مشخص می گردند. خصوصیات دینامیکی ساختمانهای حاصله دلالت بر فشار در جهت شمالی_ جنوبی و کشش در امتداد شرقی_ غربی دارد، بعلاوه حرکات نئوتکتونیکی حرکات قائم را نیز نشان می دهند. مطالعات فعالیت های لرزه ای نشان دهنده یک کاهش از شرق به غرب با وقوع قوی ترین زمین لرزه ها در بدخشان (جایی که بیشترین ساختمانهای فعال را داریم) می باشد.

گرچه با اتصال نهایی بلوک هند به اوراسیا در ترشیری (شروع پالئوژن، حدود ۵۰ میلیون سال قبل) فرایندهای تصادم پایان پذیرفته است (Beck, et al.1995) اما اجزای ساختاری افغانستان هنوز تحت استرس های زیادی از جنوب توسط حرکت ممتد رو به شمال صفحه هند قرار دارد (Saba and Avasia ۱۹۹۵b).

۲،۲۳،۵،۱ بحث و نتیجه گیری

افغانستان زمین شناسی متنوع و پیچیده ای را در جهان هستی دارد و دارای قدیمی ترین سنگ ها تا جدید ترین سنگ ها می باشد. این کشور همچنین تاریخ تکتونیکی پیچیده و طولانی هم دارد که تا اندازه ای به موقعیت آن یعنی قرار گرفتن در انتهای غربی هیمالیا مرتبط می شود. این مبنای زمین شناسی متنوع باعث میراث کانایابی مهم و پر ارزش، در حدود ۱۴۰۰ کانی ثبت شده تاکنون می باشد. معادن تاریخی افغانستان بیشتر متمرکز روی سنگ های با ارزش می باشد، با وجود بعضی از قدیمی ترین معادن مشهور در جهان که بعضی از این معادن لاجورد برای فراعنه مصری تولید می کردند. افغانستان کشوری است کوهستانی و معدن خیز که سرمایه گذاری در بخش معدن می تواند باعث ایجاد کار برای مردم افغانستان و درآمد برای دولت گردد. ولی باید به نکات



فراوانی در این زمینه توجه نمود، از جمله این که استخراج بی رویه و بی مطالعه باعث از بین رفتن طبیعت بکر افغانستان می شود و دیگر این که هزینه های مصرفی در این بخش چه در قسمت کاوش های زمین شناسی و ژئوفیزیکی و چه در قسمت حفاری و استخراج بسیار بالاست، حال آنکه اگر ماده معدنی بدون تغلیظ و جداسازی صادر شود سود بسیار کمی از این بخش حاصل خواهد شد.

اگر بخش مطالعات زمین شناسی تقویت گردد و بتوان نقشه های پراکندگی ماده های معدنی و نقشه های زمین شناسی را فراهم آورد و پتانسیل های موجود را به درستی شناسایی نمود، می توان هزینه ها را تا حد زیادی کاهش داد و حتی با توجه به مطالعات زمین شناختی می توان کمک های زیادی برای تقویت بخش کشاورزی نمود، اهمیت این مسئله زمانی آشکار می گردد که توجه شود بیش از ۷۰ درصد مردم افغانستان در روستاها زندگی می کنند و از راه کشاورزی و دامپروری تامین می گردند.

۲,۲۳,۶ زمین شناسی و منابع معدنی افغانستان

۲,۲۳,۶,۱ مقدمه

یکی از مهمترین و اساسی ترین پایه های اقتصاد هر کشوری منابع معدنی و ذخایر تحت الارضی آن کشور است. بطوریکه اگر کشوری از منابع تحت الارضی مناسب و کافی برخوردار نباشد با قاطعیت می توان گفت آن کشور هرگز راه توسعه را نخواهد پیمود زیرا الفبای اقتصاد را در اختیار ندارد بنابراین نقش معادن و منابع در رشد اقتصادی هر کشوری انکار ناپذیر است. با توجه به پیشرفت روز افزون صنعت و تکنولوژی و احتیاج بیش از پیش بشر به معادن و مواد معدنی و همچنین علیرغم وجود شتاب بسیار



زیاد در اکتشاف و استخراج منابع طبیعی ما شاهد آن هستیم که ارزش اقتصادی این مواد به طور تصاعدی افزایش یافته است که نشانگر اهمیت روز افزون مواد معدنی است.

سرزمین افغانستان از نظر معادن و ذخایر تحت الارضی بسیار غنی و دست نخورده می باشد بطوریکه حتی از لحاظ تاریخی نیز افغانستان در داشتن معادن منحصر به فرد و منابع غنی، شهرت زیادی دارد. بعضی از این معادن دوره‌های مساحی (survey) و انکشافی را پشت سر گذاشته و آماده استخراج می‌باشد و بعضاً هم در حال استخراج می‌باشد ولی با قاطعیت می‌توان گفت تمامی معادن افغانستان بحالت بکر و دست نخورده باقی است که امید است در آینده به عنوان ابزار مهم اقتصادی در جهت اهداف ملت افغانستان بکار گرفته شود.

به طور کلی ذخایر معدنی افغانستان را می‌توان در چهار گروه مواد معدنی تقسیم بندی نموده و بررسی کرد که ذیلاً بدان پرداخته شده است.

۱- ذخایر معدنی فلزی («کانسارها فلزی»)

۲- ذخایر نفت و گاز

۳- ذخایر معدنی غیر فلزی

۴- ذخایر سنگهای قیمتی



۲,۲۳,۶,۲ ذخایر معدنی فلزی

ذخایر معدنی فلزی افغانستان عمدتاً در یک کمربند طویل از حوالی قندهار در جنوب به سمت شمال شرق تا مرز تاجیکستان در مجاورت با تولیتها و توده‌های نفوذی بزرگ و همچنین در کنار زونهای گسلی عمده گسترش دارد که مهمترین ذخایر معدنی افغانستان، آهن، سرب و روی، مس، کروم، طلا و نقره، جیوه، پلاتین، اورانیوم، آلومینیوم و غیره.... می باشد که به طور خلاصه به چند مورد پرداخته می شود.

۲,۲۳,۶,۲,۱ ذخایر آهن

سرزمین افغانستان با دارا بودن بزرگترین معادن آهن آسیا و با داشتن خلوص متوسط ۶۲ درصد، در جهان بی نظیر است. به عنوان مثال معدن حاجی کگ بامیان با دارا بودن ذخیره ۱/۸ میلیارد تن و عیار اولیه ۸۰ درصد و همچنین وجود سنگ آهک (calcite) در نزدیک معدن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که کانیهای اصلی این معدن مگنتیت (magnetite) و هماتیت (hematite) می باشد که به طور کلی آینده درخشانی برای این معدن پیش بینی می شود.

معدن حاجی علم قندهار نیز با دارا بودن حدود ۶ میلیون تن ذخیره و عیار آهن ۶۴ درصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سایر معادن آهن افغانستان در نوع خود بی نظیرند .



۲,۲۳,۶,۲,۲ ذخایر مس

معادن متعددی از مس در نقاط مختلف افغانستان کشف شده است ولی بزرگترین آن معدن مس عینک در نزدیکی لوگر می باشد. معدن مس عینک که به یقین بزرگترین معدن مس جهان است دارای ۱۱ میلیون تن ذخیره با عیار ۱۰ درصد مس تخمین زده شده است اما تمام معدن دارای ۲۴۰ میلیون تن ماده معدنی با عیار متوسط ۲۳ درصد مس میباشد که این معدن توسط وزارت معادن برای استخراج در برنامه قرار گرفته است.

۲,۲۳,۶,۲,۳ سرب و روی

مهمترین معدن سرب و روی افغانستان عبارتند از معدن سرب فرنجل غور نبد، معادن سرب و روی بی بی گوهر قندهار و سایر معادن که کلاً ذخیره ثبت شده معدن سرب و روی قابل استخراج ۶۹ هزار تن تخمین زده شده است.



۲,۲۳,۶,۲,۴ طلا

معادن طلای افغانستان به طور کلی در سه منطقه بدخشان، قندهار و غزنی شناسائی شده‌اند که بیش

(۳ million) طلا دارند.

۲,۲۳,۶,۲,۵ اورانیوم

افغانستان از لحاظ اورانیوم بسیار غنی است و بیشترین اورانیوم کشف شده در قندهار و هرات موجود می‌باشد.

نکته قابل توجه در قسمت عناصر فلزی، این است که با توجه فراوانی بسیار زیاد سنگ مس و آهن و همچنین با توجه به

خاصیت پاراژنزی (paragenesis) عناصر فلزی با هم می‌توان انتظار داشت که عناصر فلزی دیگری همچون مولیبدن، تنگستن،

نقره، طلا، سرب، روی، پلاتین، و غیره... دارای فراوانی باشند.

۲,۲۳,۶,۲,۶ ذخایر نفت و گاز

افغانستان کشوری است در مورد تمام ذخایر آن علی‌الخصوص ذخایر نفت و گاز تحقیقات کمی انجام شده است (به دو دلیل

۱- این تحقیقات بسیار هزینه‌برند. ۲- نبود فرصت‌های مناسب در جهت تحقیقات. که با توجه به تحقیقات کم بالطبع گزارشات کمی

نیز وجود دارد و بر این اساس موقعیت میدانهای نفتی و گازی افغانستان نامشخص باقی مانده است ولی بر اساس همین مطالعات



کمی که انجام شده است که بعضاً "محل‌هایی که دارای پتانسیل نفت و گاز می‌باشند مشخص شده است که در مواردی از

آن نفت و گاز استحصال می‌شوند و این محل‌ها عبارتند از:

۲,۲۳,۶,۲,۶,۱ حوضه های استحصال نفت و گاز

۲,۲۳,۶,۲,۶,۱,۱ حوضه شمال

به صورت یک زون (zone) از هرات (از همسایگی ایران) شروع شده و تا قسمت شمال شرق تا طالقان ادامه دارد که این حوضه بسیار وسیع و کاملاً تثبیت شده می‌باشد و از نکات جالب توجه در این حوضه این است که بعضی کشورهای همسایه از مخازن مشترک موجود در این حوضه در حال برداشت هستند و این در حالیست که افغانستان فقط نظاره گر است.

۲,۲۳,۶,۲,۶,۱,۲ حوضه جنوب و جنوب شرق

این دو حوضه نیز از جنوب افغانستان شروع شده و به سمت جنوب شرق افغانستان و در همسایگی پاکستان امتداد دارد.

حوضه جنوبی در منطقه سیستان و هلمند و همچنین حوضه جنوب شرقی در دامنه جنوب غربی کوه‌های سلیمان و در همسایگی پاکستان قرار دارد از نکات جالب توجه حوضه جنوب شرق این است که در آن طرف مرز و در کشور پاکستان منابعی کشف شده است و در حال استخراج است.



۲،۲۳،۶،۳ ذخایر غیر فلزی

در افغانستان تنوع معادن غیر فلزی زیاد بوده و به صورت پراکنده در همه جا مشاهده می‌شود. مهمترین معادن غیر فلزی که در صنعت اهمیت بسیار زیادی داشته و به طور عمده در افغانستان مشاهده گردیده‌اند عبارتند از: ذغال سنگ، سنگ آهک، سنگ گچ، گرافیت، گوگرد، معدن کوارتز، معدن نمک، سنگ تالک و غیره ... می‌باشد.

در اینجا فقط به اهمیت و موقعیت مکانی ذغال سنگ و سنگ آهک پرداخته و آنرا مشخص می‌کنیم و از پرداختن به سایر موارد خودداری می‌شود.

۲،۲۳،۶،۳،۱ ذغال سنگ

امروزه اهمیت ذغال سنگ بر همگان روشن است و در کارخانه‌ها و فابریکات مختلف کاربرد وسیعی دارد و به عنوان یک تأمین کننده انرژی از آن استفاده می‌شود. اولین بار ذغال سنگ در افغانستان در سال‌های ۱۹۰۱ - ۱۸۸۰ توسط زمین شناسان انگلیسی (هایدن و گرایس باخ) مورد مطالعه و بررسی قرا گرفته است که عمدتاً نواحی شمال و نواحی هندوکش در این مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی پتانسیل ذغال سنگ افغانستان در یک زون (zone) ذغال خیز در مناطق شمالی از منطقه پلخمیری



به سوی غور بند، بامیان، سمنگان و تا نزدیکی هرات ادامه دارد که مهمترین معادن زغال سنگ که در شرایط فعلی بعضاً فعال می باشند عبارتند از:

۱- معدن ایش پشته در ۲۳۰ کیلومتری شهر کابل

۲- معدن کرکر شمال شرق پلخمري

۳- معدن کرخ هرات

۴- معدن بنگي جنوب شرق خان آباد

۵- معدن دره صوف سمنگان

و همچنین معادن ذغال سنگ آخوک، فرخار، دودکش، دره کولون و غيره قابل ذکر است .



۲,۲۳,۶,۳,۲ سنگ آهک

سنگ آهک یا کلسیت سنگی است که ترکیب کربناته به مقدار زیاد داشته و در تهیه سیمان از آن استفاده می شود و مناطق مختلفی در کشور وجود دارد که دارای سنگ آهک مناسب تا بسیار مناسب می باشند و بعضاً در کنار آنها کارخانه تولید سیمان فعال می باشد که مهمترین معادن سنگ آهک عبارتند از:

۱- معدن میردرد میادارا

۲- معدن کوه روح

۳- معدن هزاره جات

۴- معدن دهانه غوری

۵- معدن شنوار و غیره...



۲,۲۳,۶,۴ کانیه‌ها و سنگهای قیمتی

افغانستان در زمینه سنگهای قیمتی از شهرت خاصی برخوردار است. کانیه‌ها و سنگهای قیمتی افغانستان از بهترین و مشهورترین نمونه‌های جهان است. امروزه افغانستان با داشتن جواهرات زیبایی همچون زمرد (Emerald)، یاقوت کبود (Blueruby)، تورمالین (Turmalin)، اسپودومن (Spudomene) و سنگهای قیمتی همچون لاجورد (Lazorit) و سنگهای بسیار زیبای دیگر بعنوان قطب تولید جواهرات، کانیه‌ها و سنگهای قیمتی در دنیا مطرح شده است.

عمدتاً کانیه‌ها و سنگهای قیمتی افغانستان در یک زون (zone) خاص واقع در شرق افغانستان تجمعات داشته و با زمرد پنجشیر، یاقوت جگدلک، لاجورد سر سنگ، لعل بدخشان و غیره ... به شهرت رسیده است که باید توسط دولت به شکل قانونی و به شیوه های علمی و مناسب استخراج گردد و از حیث و میل آن جلوگیری شود.

به طور کلی در مورد افغانستان تحقیقات زیادی انجام نشده است و به طور حتم بسیاری از معادن کشف نشده، و بکر باقی مانده است اما بر اساس همین اطلاعات اندک مشخص می‌شود که افغانستان از لحاظ منابع طبیعی و معادن سرشار و بسیار غنی است و در صورتی که در این زمینه سرمایه‌گذاری و تحقیقات اصولی صورت گیرد. اقتصاد افغانستان متحول خواهد شد و افغانستان را به سوی جامعه‌ای پیشرفته و صنعتی رهنمون خواهد شد که در این صورت این منابع نه تنها احتیاجات داخلی را برآورده می‌کند بلکه احتیاجات جامعه جهانی را نیز تا حدی نسبت به محصولات معدنی با تولیدات خود مرتفع می‌سازد و افغانستان را به عنوان یگانه کشور دنیا که از یک سو دارای معادن متنوع در منطقه‌ای محدود و از دیگر سو دارای حجم بالای ماده معدنی با عیار بالا می‌باشد به جهانیان معرفی می‌کند و جایگاه مناسبی را برای افغانستان در دنیا رقم می‌زند. بنابراین از سیاستمداران، سرمایه داران، و



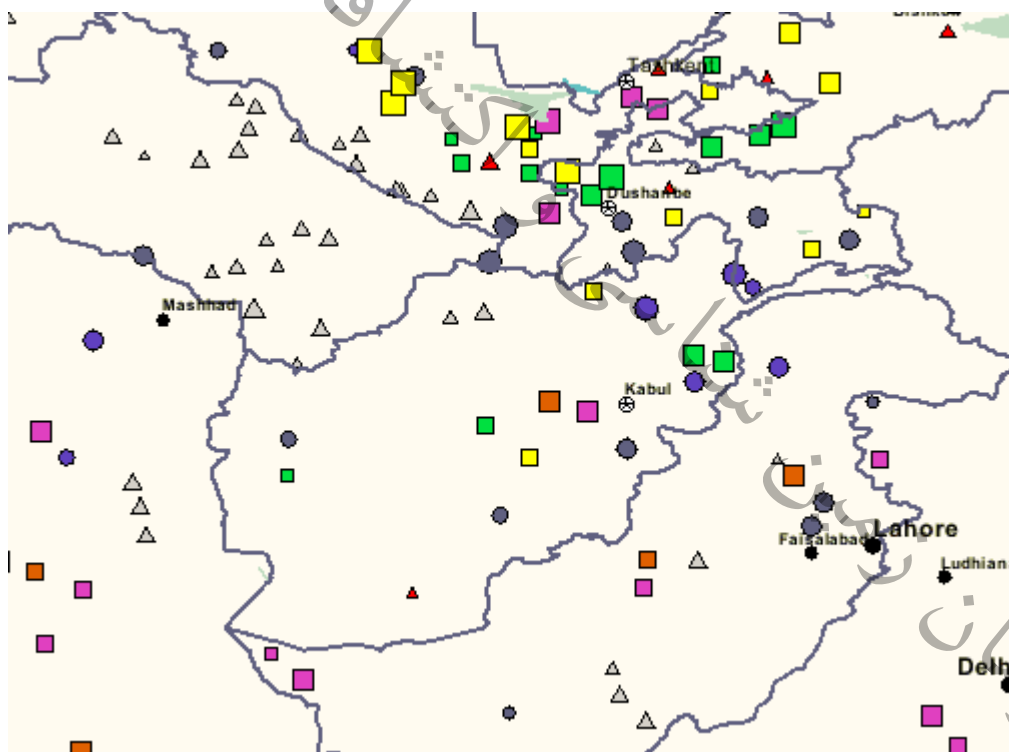
صاحبان ثروت و قدرت انتظار می‌رود که توجه خاصی به این بخش که رکن اقتصاد افغانستان است داشته باشند تا افغانستان جایگاه حقیقی خود را در دنیا به دست آورد.

کشور

معدنی

انفانت

نقشه پراکنش مواد معدنی افغانستان ۲,۲۳,۶,۵



نقشه پراکنش مواد معدنی افغانستان



۲,۲۳,۷ کیلانی در مورد معادن افغانستان

به لحاظ معدنی کشور افغانستان پتانسیل فعالیت های بسیاری را داشته و تاکنون اکتشافات زمین شناسی و معدنی به طور سیستماتیک و گسترده بر روی آن انجام نشده است. غالب فعالیت های زمین شناسی و معدنی صورت گرفته مربوط به سالهای ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ است که توسط روس ها انجام شده است. بر پایه همین اطلاعات، مهمترین معادن افغانستان عبارتند از معدن سنگ آهن حاجی گک و معدن کرومیت حصارک.

به طور کلی اولین اکتشافات زمین شناسی با هدف یافتن ذخایر هیدروکربوری با مشارکت روسیه در ۱۹۶۷ آغاز و منجر به یافتن ذخایر بزرگ گازی شد. در ۱۹۸۰ مقادیر زیادی گاز طبیعی به روسیه صادر می شد که پس از عقب نشینی روسیه در سال ۱۹۸۹ از افغانستان، این صادرات نیز قطع شد. ذخایر گازی کشف شده در شمال هندوکش قرار دارند.

به لحاظ معدنی، افغانستان تنها منبع سنگ لاجورد با عیار بسیار بالا در جهان است. ذخایر بزرگ مس و آهن نیز در این کشور وجود دارد. بسیاری از ذخایر شناسایی شده استخراج نشده اند.

در مجموع در کشور افغانستان ۲۸۶ کانی زایی فلزات پایه (سرب، روی، مس) ثبت شده است که اطلاعات مربوط به آنها متعلق به سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ می باشد و توسط روس ها انجام گرفته است. کمربند مس زایی افغانستان در استان لوگاری قرار داشته و ۶۰۰ کیلومتر امتداد دارد. این کمربند شامل ۳ کانسار معروف مس و ۳۵ کانی زایی دیگر است که مورد شناسایی قرار گرفته اند.



مهمترین کانسار مس که بیشترین کار اکتشافی نیز بر روی آن صورت گرفته، کانسار آینک با بیش از ۲۰۰۰ سال سابقه است. اکتشاف تفصیلی این کانسار توسط روس‌ها بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ انجام و در پی آن ۲۴۰ متر حفاری شد. عیار مس این کانسار ۲/۳٪ و ذخیره آن ۵ میلیون تن است که در سه زون جدا از هم تشکیل شده‌اند. مطالعات فنی اقتصادی انجام شده بر روی کانسار آینک حاکی از آن است که ۲۵ درصد این کانسار قابلیت استخراج روباز را داشته و ساخت یک کارخانه کوچک در کنار آن با صرفه است. دیگر کانسارهای مس افغانستان که کارهای اکتشافی محدودی بر روی آنها انجام شده عبارتند از کانسار داربند در شرق آینک و کانسار جوکار در شمال آینک که علیرغم نزدیک بودن به آینک تفاوت‌های بسیاری با آینک داشته و نیازمند اکتشاف دقیق‌تری هستند.

کانی زایی در مرکز و شرق افغانستان نیز به چشم می‌خورد. در استان‌های غزنی و زابل کانی زایی بزرگ مس با ذخیره ای معادل ۲۱ هزار تن و عیار متوسط ۱/۲۱٪ مس به همراه ذخیره ۵۱۰۰۰ انس طلا و عیار متوسط ۰/۹ گرم بر تن مشاهده می‌شود. کانی زایی در این منطقه هم از نوع اسکارنی و هم از نوع پورفیری است.

تاکنون ذخیره اقتصادی و قابل توجهی از سرب و روی در افغانستان دیده نشده است. کانسارهای دارای سرب و روی شناخته شده عبارتند از کانسار وابسته به گسلش نال بندان با ذخیره ۲ میلیون تن و عیار متوسط سرب و روی ۶/۶۴٪. دو کانسار عیار بالای دیگر از نوع اسکارنی نیز وجود دارد، یکی با نام دره نور با عیار ۲۲٪ روی و دیگری کانسار کلایی اسد (یا بی بی گهر) با عیار ۳۰/۴٪ روی در افغانستان تا کنون ۹۳ کانی زایی آهن شناسایی شده‌اند که بزرگ‌ترین کانسار اکسیدی آهن در شرق ناحیه مرکزی



افغانستان قرار دارد و اکتشاف آن در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ انجام شده است. در برخی کنسارهای اکسیده آهن، کنسارهای سولفیدی مس مانند کالکوپیریت نیز دیده می‌شود که نیازمند اکتشافات دقیق تری است و تاکنون انجام نشده.

همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، بهترین کنسار آهن شناخته شده، کنسار حاجی گک می باشد که به طور ناپیوسته در کمربندی به طول ۶۰۰ کیلومتر تشکیل شده است. طول خود کنسار در حدود ۳۲ کیلومتر، دارای ۱۶ زون جدا از هم، هر یک به طول ۵ کیلومتر، عرض ۳۸۰ متر و قطر ۵۵۰ متر است. در مجموع ۷ عدد از این زون ها به طور دقیق مطالعه شده اند. بر اساس اطلاعات موجود، ۸۰٪ کانی زایی در عمق ۱۰۰ تا ۱۳۰ متر است و شامل مگنتیت، پیریت و به طور جزئی کالکوپیریت با عیار ۶۱/۳٪ آهن است که بیش از ۲۰٪ از آن به صورت هماتیت رخ داده است. ذخیره کلی این کنسار ۱۷۰۰ میلیون تن است که ۸۵ میلیون تن از آن را می توان به طور روباز استخراج نمود.

بقیه ذخایر به اندازه کنسار حاجی گک شناسایی نشده‌اند. این ذخایر عبارتند از کنسار کاییش در ایالت بامیان با ۱۱۰ میلیون تن ذخیر و عیار متوسط ۴۸/۶٪ آهن، دو کنسار در ایالت بدخشان، به نامهای فورمراه و سیاخ، به صورت اسکارنی، با عیار ۶۷٪ آهن و کنسار زراک در استان باغلان، دارای سه زون هماتیتی و مگنتیتی، با عیار ۶۲/۵٪ آهن.



۲,۲۳,۷,۱ معدن کاری و فرآوری مواد معدنی در افغانستان

در پی کانی زایی کرومیت، اکتشاف در زون افیولیتی ائوسن کابل در استان لوگار به نتیجه رسید و ده زون نزدیک به سطح با 180 هزار تن کرومیت و عیار ۴۲/۲٪ کشف شد. ۱۵٪ از این کانسار دارای خواص متالورژیکی است.

از دیگر کانی های صنعتی که در افغانستان مورد مطالعه و اکتشاف قرار گرفته اند می توان به فلورین اشاره نمود که بر اساس مطالعات انجام شده در مجموع ۸/۸۰ میلیون تن ذخیره با عیار ۴۶/۷٪ در سنگ میزبان کربناته، از نوع هیدروترمال در استان اروزغان در مرکز افغانستان وجود دارد.

از دیگر کانی های صنعتی می توان به باریت اشاره نمود که معدنی از این کانی قبلا به صورت کوچک مقیاس کار می شده است. ذخیره این کانسار ۱/۵ میلیون تن با عیار ۸۰ تا ۹۸ درصد است.

سنگ های ساختمانی به صورت کوچک مقیاس در اطراف کابل کار می شوند.

کانی تالک در غوندای در استان ننگرهار، در حال حاضر به صورت کوچک مقیاس در حال استخراج است. در آچین استان ننگرهار نیز کانسار دیگری از تالک وجود دارد که هنوز مورد استخراج قرار نگرفته است. همچنین در آچین استان ننگرهار کانساری از منیزیت نیز وجود دارد.

کانی زایی سلسستین در کندوز، واقع در استان کندوز گزارش شده است.



مواد ساختمانی مانند شن و ماسه، آجر و سیمان نیز به طور محدود و جهت رفع نیاز داخلی در افغانستان تولید می‌شوند.

درباره کانی زایی قلع و تنگستن نیز گزارش هایی وجود دارد. کانی زایی تنگستن غالباً در غرب و جنوب شرقی افغانستان و بیشتر از نوع اسکارنی یا مرتبط با پگماتیت به چشم می‌خورد. کانی زایی قلع اغلب در رسوبات اسکارنی مسگران و استان هرات با عیار متوسط ۶٪ دیده می‌شود. کانی زایی تنگستن و مس در رسوبات اسکارنی کانسار فرح با عیار ۸۶/۱٪ گزارش شده است.

در رابطه با کانی زایی سینابر نیز مطالعاتی انجام گرفته است و سه منطقه کانی زایی شده برای سینابر مشخص شده اند، مانند مرکز و غرب افغانستان، کانسار خارنک، لیکن به طور کلی عیار جیوه کم است. کانی های همراه در این کانسار رآلگار و استینیت هستند.

دو منطقه مهم در افغانستان دارای اورانیوم در افغانستان گزارش شده اند که مهمترین آنها کانسار خانه شین است. این کانسار از کمپلکس آذرین کربناته به عرض ۴ کیلومتر در استان هلمند تشکیل شده است و دارای خاکهای نادر و اورانیوم زرد و براق می باشد. کانسار خانه شین در برداشت های هوابرد منطقه ای در استان فرح توسط آنومالی های رادیواکتیو شناسایی شد لیکن بررسی های صحرایی اندکی بر روی آن صورت گرفته است.

عناصر فلزی دیگری مانند مولیبدن، منگنز و آلومینیوم نیز در افغانستان گزارش شده اند که تا کنون فعالیت های اکتشافی دقیقی بر روی آنها انجام نشده است.

تاکنون حدود ۹۳ منطقه از فلزات گرانبها در افغانستان ثبت شده است. این فلزات غالباً طلا، همراه یا فاقد نقره می باشند و تنها یک کانسار غنی از نقره شناسایی شده است. هیچ نوع کانساری از پلاتین تا کنون کشف نشده ولی طبقات اوفیولیتی مانند کمر بند



اوفیولیتی کابل و خوست وجود دارند که پتانسیل بررسی های بیشتر را دارا می باشند. کلیه اطلاعاتی که اکنون در دست است، حاصل فعالیت هایی است که روس ها در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ انجام دادند و بر اساس فعالیت آنها دو منطقه شناسایی شد. در مرکز و شرق افغانستان، در استان های زابل و غزنی ذخایر اسکارنی، پورفیری و احتمالا اپی ترمال طلا شناسایی شدند و تاکنون بیش از ۵۰ محل شامل ذخایر بزرگ ثبت شده اند. کانسار اسکارنی زرکشان در اواخر ۱۹۶۰ با ۲۵۰ هزار انس ذخیره و عیار ۱۶ گرم بر تن توسط روس ها کشف شد.

در شمال شرقی افغانستان، در استان های بدخشان و تخار نیز پتانسیل کانی زایی طلا وجود دارد که تعدادی کانسار نیز در این استان ها کشف شد، مانند کانسار طلا و نقره و کادور. در بررسی های دهه ۱۹۶۰ کانی زایی با عیار نقره ۴۶/۷ گرم بر تن و کانی زایی طلا با عیار ۴/۱ گرم بر تن و با ذخیره ۳۰ هزار انس شناسایی شد.

بر اساس اطلاعات موجود، کانی زایی های نوع مس پورفیری نیز در این ناحیه از افغانستان وجود دارند. علاوه بر آن پتانسیل کانسارهای پلاسری نیز دور از انتظار نیست. در کانسار سمتی (Samti) که در همین ناحیه واقع شده است، دو افق طلا دار با عیار ۴۰ گرم بر متر مکعب شناسایی شده است.

در دیگر نقاط افغانستان، مانند غرب استان بادقیس کانی زایی های نوع اسکارنی نیز وجود دارد. یک گرانیات پورفیری، متعلق به میوسن از نوع پلی متالیک با عیار ۳/۶٪ مس و ۵ گرم بر تن طلا در این منطقه شناسایی شده است.

در رابطه با زمین شناسی جنوب افغانستان اطلاعات اندکی در دست است لیکن کانی زایی های نوع پورفیری در نزدیکی ایران و پاکستان به چشم می خورد.



در کشور افغانستان ۷۳ معدن، کانسار و کانی‌زایی از سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در افغانستان ثبت شده است. علاوه بر آن کانی‌هایی مانند آکوامارین، آمیتیست و توپاز نیز وجود دارند.

کشور افغانستان بزرگ‌ترین کشور تولید کننده سنگ لاجورد است که مهم‌ترین معدن آن در استان بدخشان با ۹ زون است. این معدن دارای عیارهای مختلفی از لازوریت در زون‌هایی به طول حداکثر ۲۵۰ متر و عمق ۱۲۵ متر است.

از دیگر سنگ‌های قیمتی می‌توان به زمرد اشاره نمود که تولید آن از کانسارهای دره پنجشیر در استان کاپیسا صورت می‌گیرد. ارزش این کانسار در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۱۲ میلیون دلار بود. شش معدن کوچک در زونی به ابعاد ۳*۱۶ کیلومتر نیز از این کانسار وجود دارند. ابعاد بلورها غالباً ۳*۱۵ میلیمتر است. به لحاظ کیفیت، زمردهای افغانستان مشابه زمردهای کلمبیا هستند.

در محدوده جگدالک در استان کابل کانساری از یاقوت شناسایی شده است. عیار یاقوت در این کانسار ۳/۱۵۷ گرم بر متر مکعب است. اسپینل نیز در استان بدخشان، در نزدیکی مرز تاجیکستان کشف شده است. بلورهای صورتی رنگ اسپینل با نام کانزیت و بلورهای تورمالین در پگماتیت‌های استان لغمان (Laghman) نیز در افغانستان وجود دارند. در این رابطه بیشترین بررسی بر روی کانسار کلوم انجام گرفته است. دایک اصلی این کانسار ۳ کیلومتر طول، ۲۰ متر عرض و ۵/۰ متر پهنا دارد و دارای تورمالین‌های با کیفیت جواهری است. در دایک دیگری به ابعاد ۵*۱۵۰ متر در حدود ۲۴٪ از این کانی وجود دارد. بهترین کریستال‌های تورمالین به ابعاد ۱/۸*۷/۵*۳۰ سانتیمتر یافت شده اند.

در همین رابطه تا کنون ۴۹ رکورد از کانی‌زایی فلزات کمیاب در افغانستان شناسایی شده است که تمامی کانی‌زایی‌های آن در سنگ‌های پگماتیتی رخ داده است.



کانی زایی بریل نیز در افغانستان گزارش شده است. بر این اساس، ۸ کانسار با کانی‌زایی بریلیوم در استان‌های لغمان و

ننگرهار شناسایی شده‌اند. بیشترین بررسی‌ها بر روی کانسار دره پچ با کریستال‌های بریل به طول ۴۰ سانتیمتر با ذخیره‌ای حدود ۱۲

هزار تن (۱۴۸۰ تن اکسید بریلیوم) انجام شده است. همچنین بلورهای بریل در کانسار دره نور نیز مشاهده شده‌اند.

در رابطه با کانی زایی لیتیوم، ۱۲ کانسار پگماتیته با کانی‌زایی لیتیوم در استان‌های لغمان و ننگرهر، بدخشان و اوروزگان شناسایی

شده‌اند. در استان ننگرهار ۴ پگماتیت با عیار متوسط ۱/۵٪ اکسید لیتیوم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. در تقاوکور در استان

اوروزگان ۵ دایک پگماتیته با عیاری بین ۱/۷٪ تا ۲/۸٪ اکسید لیتیوم وجود دارند.

از کانی زایی تانتالیوم و نیوبیوم نیز گزارش‌هایی در دست است. بر این اساس ۱۴ توده پگماتیت با کانی‌زایی تانتالیوم و نیوبیوم

شناسایی شده‌اند که ۱۱ توده آنها دارای بریلیوم و لیتیوم هستند. ۳ کانسار دیگر نیز در استان‌های پاروان و بدخشان قرار دارند.

بیشترین پتانسیل در نیلاو در استان لغمان است که دارای ۳ توده پگماتیت با طول و عرض حداکثر ۴ کیلومتر در ۴ متر می باشد.

از دیگر عناصر همراه و موجود در این کانسار می توان به بریلیوم، لیتیوم، تانتالیوم، نیوبیوم، سزیوم، روبیدیوم و قلع اشاره نمود

۲,۲۳,۸ اطلاعاتی در مورد معادن افغانستان

سرزمین افغانستان معادن بی شماری دارد که بعضی آنها کشف و دوره‌های مساحی و اکتشافی را پشت سر گذاشته و آماده

استخراج هستند و بعضی هم استخراج می شوند ، ولی باز هم با قاطعیت می توان گفت تمامی معادن افغانستان به حالت دست



نخورده باقی است. و همین کار باعث تحریک حس غارتگری متجاوزین شده که به این سرزمین تجاوز نظامی نمایند. بیشترین اطلاعات را در خصوص منابع معدنی افغانستان شوروی در اختیار دارد.

مهمترین ذخایر معدنی شناخته شده در افغانستان بـدین قـرار است:

گاز طبیعی، زغال سنگ، آهن، نفت، مس، اورانیوم، نمک، کروم، نیکل، طلا، سولفور، باریت، روی، قلع، فلوتور، طلق، منیزیم، میکا، سنگ لاجورد، یاقوت، آلومنیوم، سرب، پنبه نسوز، جیوه، بوکسیت، تنگستن، لیتیم، منگنز، سنگ مرمر، سنگ گچ، سنگ آهک و ...

از این میان عمدتاً گاز طبیعی، زغال سنگ و نمک، اورانیوم، کروم، مس، طلا و نقره استخراج شده است.

۲,۲۳,۸,۱ گاز طبیعی

معادن گاز طبیعی شناخته شده بیشتر در سرحدات شمالی افغانستان در مزار شریف، اطراف شبرغان و سرپل قرار دارد. ذخایر گاز

طبیعی افغانستان بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده است که پس از استخراج صادرات آن با احداث خط لوله ای به شوروی صورت می گرفته است.



۲,۲۳,۸,۲ ذخایر نفت

طبق نتیجه تحقیقات ۱۳۱۴ ذخایر نفت (پترول) در ولایت هرات، شبرغان، میمنه، قندوز، طالقان، سرپل و هلمند تثبیت گردیده است. طبق قراردادی بین روسیه و افغانستان ۵۵ حلقه چاه توسط روسیه حفر گردید و نفت آن به شوروی صادر گردید. ذخایر نفت افغانستان در ابتدا حدود ۱۰۰ میلیون بشکه و در تحقیقات بعدی مقدار آن بیش از این تخمین زده شده است. ذخایر نفت افغانستان مانند ایران و روسیه در میان طبقات سوم دوره های زمین شناسی قرار دارد.

۲,۲۳,۸,۳ معادن زغال سنگ

امروزه اهمیت ذغال به همگان روشن است گرچه تا حدود زیادی کارخانه ها و فابریکات گازی و نفتی شده ولی هنوز از اهمیت ذغال سنگ کاسته نشده است . در افغانستان زغال سنگ با کیفیت عالی وجود دارد. ذخایر اثبات شده آن حدود ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تن پیش بین ی شده است. معادن زغال سنگی در بغلان (معدن کرکر)، آش پشته، قندوز (بندگی) ، شرق هرات (کرخ) ، مزار شریف (صوف) شناسایی گردیده اند.

معادن زغال سنگ افغانستان در نقاط زیر موقعیت دارد:

زغال سنگ کوتل خاکی علاقه برفک



زغال سنگ آتش پشته

زغال سنگ فرح کرد غوربند و گاوپران سرخ پارسا

زغال سنگ نهرین

زغال سنگ جدران

زغال سنگ گرمک علاقه چهل دختران دره صوف

زغال سنگ گوله یدری علاقه کشنده مابین دره صوف و بلخاب

زغال سنگ سنجور علاقه کرخ هرات

زغال سنگ انزری، شهیدان در حدود لاغرجوی کوه دره کوت

زغال سنگ قریه کندلان چقماق مداخل ارزگان

زغال سنگکرمان و سرچنگل علاقه دایزنگی، ذغال سنگ پلخمری ...

از جمله معادن ذغال سنگ افغانستان که مورد استفاده و بهره وری قرار گرفته بود عبارت بودند از: در صوف، آتش پشته، سبزرک هرات، کرکر و دودکش پلخمری که فعلاً فقط کرکر و دودکش مورد استفاده قرار می گیرند.

زغال سنگ دره صوف که در ۲۰۰ کیلومتری شهر مزار شریف واقع است از لحاظ کیفیت و استخراج نسبت به مناطق دیگر مقام اول را دارد. قسمت اعظم زغال سنگ این معدن برای نیروگاه برق مصرف می شود در حالیکه گاز همان منطقه برای رفع نیازهای صنایع معمولی کشورهای شمالی، به کشورهای همسایه صادر شده است.

کارخانه های شهر بغلان، جبل السراج، گلبهار و پل خمری از زغال سنگ معدن کرکر استفاده می کنند.



۲,۲۳,۸,۴ معادن طلا

از گذشته های دور به طریقه کامل و ابتدایی زر شویی از رودخانه کوچه طلا به دست می آید. از این روش در مناطق مختلف از جمله در مناطق دروازه در بدخشان تا قلعه زال در قندوز و دره های راق و دادنگ چهل کان استفاده می شود. تحقیقات وجود معادن طلا در بدخشان، قندهار، زابل (زرکشان، انگوری، کریستو) را تثبیت می کند.

۲,۲۳,۸,۵ معادن نقره

مهمترین معادن نقره افغانستان (طلای سفید) در ارتفاعات بدخشان، منطقه پنجشیر، در سیم کوه هرات، خاکریز قندهار، غوربند و علاقه هزارجات و در رگه های معدن برب بی بی گوهر (قندهار) مشخص گردیده است.

۲,۲۳,۸,۶ معادن آهن

معادن آهن افغانستان هم از نگاه کمیت و هم کیفیت در آسیا سرآمد تمامی معادن به حساب می آید و در کل سنگ آهن افغانستان به طور درصدی ۶۲ آهن دارد که این در نوعیت خود درجهان کم نظیر است. که در این میان ذخایر آهن قندهار، میمنه، هرات، ارزگان، پکتیا و خصوصا بامیان شهرت زیادی دارند. در ۱۰۰ کیلومتری شمال قندهار منطقه خاکریز معدن بزرگ آهنی با



ظرفیت ۳ میلیون تن واقع شده است . همچنین معدن آهنی در ۹ کیلومتری شهر جبل السراج قرار دارد. یکی از بزرگترین معادن آهن آسیای مرکزی معدن آهن حاجی گک در ولایت بامیان و در ۱۴۰ کیلومتری شمال کابل است . ذخیره آهن این معدن را دو میلیارد تن با ۶۳ درصد خلوص تخمین زده اند. در چند کیلومتری این معدن یک ذخیره عظیم آهک (برای گداختن آهن) وجود دارد.

معادن آهن افغانستان بصورت فهرست وار به شرح زیر است :

معدن آهن دامنه کوه پغمان در بالای حصه کوتی

آهن کوه جبل السراج

آهن ده سبز کوه خاک لمبه

آهن کوتل خاواک پنجشیر

آهن قول منار

آهن کوه قلعه خواجه صاحب

آهن کوه شاخ برتنی

آهن لولنج غوربند

آهن ارغنداب

آهن دره میاداد

آهن کوه خورد کابل



آهن رخه پنجشیر

آهن کوه دشت لوگر

آهن کوه قمچین باف میدان

آهن دره پنجشیر

آهن کوه اله بله

آهن پاراندر بازارک پنجشیر

آهن کرم جدران

آهن کوه شاقول و شیرداغ

آهن سرخ کوتل هرات

آهن سیاه تپه و فراخلوم بهسود

آهن زرد شنوار

آهن کوه شاه مسعود قندهار

آهن کوه بچه کرخ هرات

آهن سیاه مشرقی

آهن گلستان فراه

آهن بهارک بدخشان

آهن حاجیگگ بامیان.



۲,۲۳,۸,۷ معادن مس

یکی از بزرگترین معادن مس جهان معدن آینک در افغانستان است که ذخیره آن را بین ۴ تا ۵ میلیون تن تخمین زده اند از دیگر

معادن مس کشور می توان به معادن زیر اشاره کرد:

معدن مس کوه چراغانی کهنه خمار ولایت میدان در ۶۰ کیلومتری کابل

معدن مس در کوتل خاواک پنجشیر

معدن مس فرنجل غوربند

معدن مس کوه کمری و کوه سیاه بین کوه سرخ مناری شیوه کی کابل

معدن مس لوگر در منطقه گلدره

معدن مس جیرعلی پنجشیر و تاواخ پنجشیر

معدن مس آسیا در موضع چهل ستون و کوه خیرآباد

معدن مس کوه واصل آباد، قرغ، تندی للندر

معدن مس گل دوه کوهدامن

معدن مس کوتل قلیچ علاقه کهمرد بامیان

معدن مس ارغنداب، توخی قندهار.



۲,۲۳,۸,۸ معادن سرب

سرب فرنجل غوربند

سرب مرگ بهسود

سرب کوه میان شان ارزگان

سرب مومن قول شیرداغ

کوه قند و کوه چهل انجورک علاقه کهمرد

نهرین و جرم در نواحی بدخشان و قطنغن

سرب دره صوف

سرب قلعه بی بی گوهر

سرب سیاه دره یک و لنگ

سرب علاقه میدان

سرب نواحی هرات

سرب تنگران بدخشان.



معادن سولفور ۲,۲۳,۸,۹

ذخایر بزرگ سولفور در ولایت بلخ، اشکاشم بدخشان و نزدیکی ولایت ننگرهار وجود دارد.

معادن اورانیوم ۲,۲۳,۸,۱۰

در بیابانهای جنوب غربی، در کوه میر داوود بین هرات و شیندند و در منطقه قندهار وجود دارد.

معادن گرانیت ۲,۲۳,۸,۱۱

ایمن معادن در نقاط زیر یافت می شود:

استالف، چهاریکار، کوه جوانمرد قصاب، شاه کابل خورد علاقه میدان، کوه سرخی غاره علاقه کوهدامن، کوه قره باغ - جدران، بهسود، ارزگان، نهرین، شنوار.



۲،۲۳،۸،۱۲ سنگهای قیمتی

مشهورترین سنگهای قیمتی افغانستان لاجورد، لعل، یاقوت، زمرد می باشد. که مهمترین و معروفترین آنها لاجورد بدخشان می باشد. معدن مهم لاجورد و لعل در منطقه سرسنگ در شرق رودخانه کوچه و در ۳۵ کیلومتری جنوب منطقه حضرت سعید می باشد که ذخایر لاجورد این منطقه ۲۰۰ تن تخمین زده شده است.

از این سنگ در ابعاد مختلف بین ۱۰۰ گرم تا ۵ کیلو در کیفیتهای مختلف موجود می باشد. این سنگ از معدن افغانستان می باشد. حدود ۵۰۰ کیلو تا ۱ تن موجود می باشد.

۲،۲۳،۸،۱۳ سنگهای ساختمانی

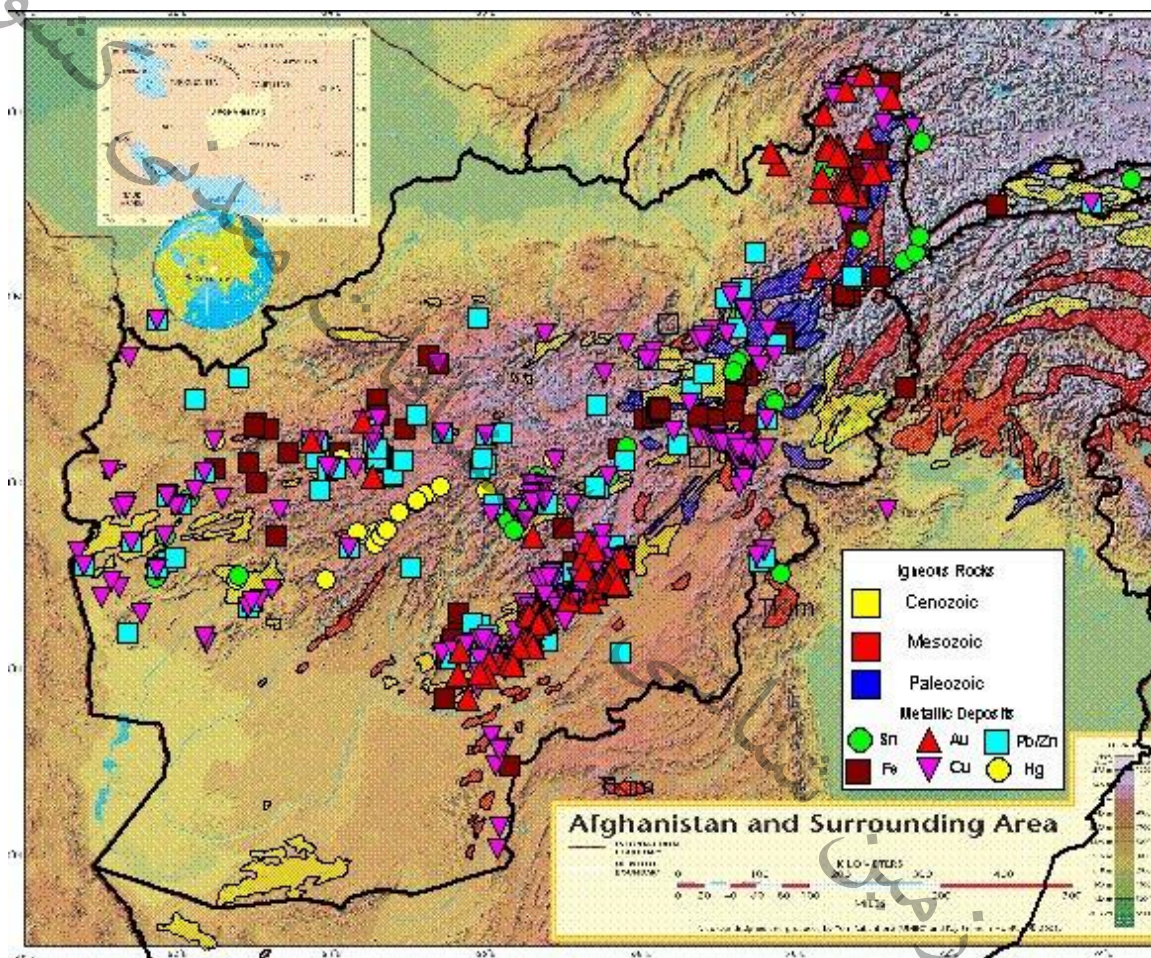
معادن سنگ مرمر در رنگهای مختلف در جاغوری ولایت غزنی، ریگستان ولایت قندهار، غوربند ولایت پروان، گلران ولایت هرات و کوه قورغ ولایت کابل به فراوانی پیدا می شود.



۲,۲۳,۸,۱۴ معدن نمک

نمک افغانستان از معادن طالقان در ولایت تخار، گلفکان تخار، اندخوی ولایت فاریاب، نمکسار هرات، معدن مغور در غزنی و معدن مزار شریف در بلخ استخراج می شود.

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور



نقشه مهمترین معادن و ذخایر فلزی افغانستان



۲,۲۳,۹ آشنایی با مهمترین معادن فلزی افغانستان

۲,۲۳,۹,۱ معدن بزرگ آهن حاجی گک

این معدن که بزرگترین معدن آهن در افغانستان و منطقه قلمداد شده است، در شمال غربی کابل و در شرق بامیان (34°N) واقع شده است و سنگ معدن آن بصورت لایه ای در درون سنگهایی به سن پروتروژوئیک قرار دارد و عمدتاً از هماتیت (Fe_2O_3) و مگنتیت (Fe_3O_4) تشکیل شده است.

این معدن از دیر باز مورد توجه کارشناسان خارجی قرار داشته و انگلیسیها، آلمانیها، فرانسویها و بالاخره روسها این منطقه را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده اند که مهمترین آن را روسها در اواخر دهه ی ۱۹۶۰، دهه ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه ی ۱۹۸۰ به انجام رسانده اند.

روسها در دهه ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مراحل اکتشافی را تکمیل نموده و پلانهای استخراجی را نیز طراحی نمودند ولی متأسفانه به دلایل نامعلومی این معدن به مرحله ی استخراج نرسیده است. در مورد عیار و ذخیره ی این معدن برآوردهای زیر انجام شده است:

• ذخیره ی احتمالی ۱/۸ میلیارد تنی و عیار اولیه ۸۰٪ آهن.



بر اساس تجزیه شیمیایی و مطالعات دقیق روسها (عبدالله، چمیریف و دیگران ۱۹۸۰) که طبق ان پلان استخراجی طراحی شده است:

• عیار متوسط در منطقه اصلی معدن: ۸۳/۶۲٪ Fe

• عیار منطقه غنی شده: ۸۹/۷۸٪ Fe

• ذخیره ی قطعی منطقه اصلی: ۹/۱۱۰ میلیون تن متریک

• ذخیره ی کل منطقه اصلی: ۲۰۷۰ میلیون تن متریک

علاوه بر آهن عیار عناصری چون منگنز (Mn)، نیکل (Ni)، کوبالت (Co) و نقره (Ag) نیز در این معدن به عنوان

محصول جنبی قابل توجه می باشد. درصد ناخالصیهای این معدن هم بصورت زیر می باشد:

• سولفور در سولفاتها (S) ۰,۰۴٪

• سولفور در سولفایدها (S) ۴,۶۹٪

• فسفر (p) ۰,۰۵٪



بدون تردید، معدن آهن آجیگک یکی از بزرگترین و غنی ترین معادن افغانستان و منطقه می باشد و از این رو در آینده

درخشانی در مورد استخراج آهن از هم اکنون قابل پیش بینی می باشد و کشورها و شرکتهای زیادی به این معدن اظهار تمایل نموده اند.

با توجه به وجود منابع قابل توجهی از زغالسنگ در منطقه (منطقه دوآب بامیان، دره صوف و پلخمیری) برای سوخت، امکان تاسیس نمودن کارخانه ذوب آهن در چند ده کیلومتری این معدن وجود دارد و در گذشته هم کشورهایی برای ساخت ذوب آهن در این منطقه اظهار تمایل نموده است.

۲,۲۳,۹,۲ معدن سرب فرنجل غوربند و

این معدن در ۱۳۳ کیلومتری شمال کابل در دره ی غور بند واقع شده است و دارای سابقه تاریخی استخراج می باشد. سنگ معدن آن هم گالن (Pbs) می باشد. عیار سرب ۹٪ و عیار روی (Zn) ۳٪ می باشد. مقدار ذخیره قطعی ۲۲۱ هزار تن سرب می باشد.

گالن که سنگ معدن اصلی می باشد در میان طبقات آهکی "سه خونگ" قرار دارد. این معدن به دو قسمت اصلی شرقی و غربی تقسیم می شود. بخش شرقی قدیمی بوده و از ۳۰۰ سال قبل از میلاد تا قرن ۱۴ میلادی (حدود ۱۷۰۰ سال) مورد استخراج قرار گرفته است ولی قسمت غربی معدن از یکصد سال پیش استخراج از آن شروع شده است.



گالن واسفالریت این معدن در اثر دگر گونی تماس شیتها یا سنگهای آهکی سرخ رنگ، بوجود آمده است. تونلها

وحفاریهای عریض و طویل قدیمی معدن به تعداد زیاد در بخش شرقی معدن مشاهده میشود. بخش غربی معدن در حدود یک کیلو

متری بخش شرقی قرار داشته و در سال ۱۸۵۰ میلادی (۱۲۲۹ شمسی) در دوران امیر شیر علی خان استخراج آن آغاز شده و تا

۱۹۱۹ فعال بوده است.

ذخایر کرومیت این معدن به همراه سرپنتین ها (شاه مقصود) که در واقع ساکونیت و پیروکینیت می باشند یافت می شود.

کرومیت ها به اشکال مختلف و لنز های طویل، قطعات پراکنده و دانه های ریز می باشد. مهمترین معادن کرومیت این منطقه

ذخایر شماره ۲، ۳ و ۵ می باشد.

در جریان عملیات اکتشافی این معادن ۹۷۵ متر در محل حفاری انجام شده که در ۴ مورد به رگه هایی از کرومیت بر

خورد نموده است و برای کارهای آزمایشگاهی بیش از صد نمونه برای تجزیه به آمریکا ارسال شده است. نسبت کروم به آهن ۳ به ۱

بوده است و درصد کروم در ذخایر مختلف از ۳۵ درصد تا ۹۵ درصد متغیر بوده و به طور متوسط ۴۸ درصد میباشد. میزان ذخیره

کروم این معادن در حدود ۱۸۰ هزار تن متریک - محاسبه شده است.

منطقه معدنی فرنجل در ولایت پروان شامل چندین معدن است:

۱- معدن باریت و سرب و روی: ذخیره ۲۰۹ هزار تن با عیار ۸۳/۷ درصد، به صورت هیدروترمالی یا رسوبی

۲- معدن منگنز، کوبالت و نیکل: عیار ۲۸-۳۸ درصد اکسید منگنز، ۳ درصد کوبالت، ۱ تا ۳ درصد نیکل، به صورت رسوبی



۳- معدن آزیست وتالاک : در این منطقه ۱۶ توده ی ریز دانه باریت دار وجود دارد که کانی سازی آن توسط شیرزون کنترل می گردد. در ۵۰۰ متری غرب معدن باریت فرنجل، معدن منگنز با ۱۲۰ متر طول، ۳ متر ضخامت با ۲۰ تا ۴۰ درصد پیرو لوسیت و ۵۰ تا ۷۰ درصد پیسیلو ملان و ۲ تا ۳ درصد اکسید آهن.

۲,۲۳,۹,۳ معدن سرب وروی بی بی گوهر قندهار

این معدن در کوه بی بی گوهر قندهار در منطقه خاکریز قندهار (به فاصله ۸۲ کیلو متری شمال قندهار) واقع شده است. از نوع هیدروترمالی می باشد و رگه اصلی دارای کانیهای سرب وروی به طول ۵۰ متر و عرض ۱۰ متر می باشد. این رگه که در کنتا کت سنگهای آذین (مونونیت) و سنگهای آهک بوجود آمده است، ممکن است از نوع پور فیبری یا اسکارن باشد. در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ این معدن توسط کارشناسان کمپانی "موریسن" مورد حفاری و نمونه برداری قرار گرفته است.

نمونه های حاصل از ۴۱۱ متر حفاری در آمریکا به صورت ذیل تجزیه شده اند:

عیار روی ۳۰/۴ درصد

عیار سرب ۷/۸ درصد

عیار کتمینوم ۰/۲ درصد

عیار نقره ۱۸۷ گرم در تن



عیار طلا ۰/۲ گرم در تن

ذخیره تثبیت شده معدن سرب وروی قابل استخراج حدود ۶۹ هزار تن تخمین زده شده است.

۲,۲۳,۹,۴ اندیسهای سرب و روی افغانستان

سرب وروی دره ی نور

دره ی کران (بدخشان)

منجان (بدخشان)

کتل کرمان (غور)

شهرک وغوران (غور)

سیب تلخ (هرات)

سیم کوه (هرات)

تور یاب (پنجشیر)



۲,۲۳,۹,۵ معدن چشت شریف

معدن چشت شریف در حدود ۱۸۰ کیلومتری شرق شهر هرات قرار دارد. بنابر معلومات ارایه شده از سوی ریاست معادن و صنایع هرات، با توجه به نتایج ارزیابی های انجام شده در سال ۱۳۵۵، وجود چهار نوع سنگ مرمر (سفید، نباتی، ابره و گرانیات) با کیفیت بالا در چشت شریف به طول نیم کیلومتر و عرض صد متر و ظرفیت نه و نیم میلیون متر مکعب به ثبت رسیده است. اما مطالعاتی که اخیراً در آن منطقه صورت گرفته است طول این معدن را بیشتر از بیست کیلومتر برآورد نموده است.

علیرغم استخراج غیرفنی و ضایعات زیاد، بازار داخلی سنگ مرمر چشت شریف در هرات و بعضی ولایات همجوار همچنان ارزشمند است تا جاییکه به گفته مسوولین ریاست معادن و صنایع، هم اکنون هر مترمربع این سنگ حدود ۲۴۰۰ افغانی بوده در حالی که نوع خارجی آن به کمتر از نصف این قیمت به فروش می رسد. هرات از لحاظ داشتن معادن مختلف از جمله طلا، شیشه، آهن، مس و... از جمله ولایات غنی کشور بحساب می آید.

۲,۲۳,۹,۶ معدن لاجورد کران و منجان

استخراج لاجورد و سنگ های قیمتی لاجورد از جمله احجار نیمه قیمتی است که از آن برای وسایل تزئینی مثل تزئین قصرها، اجناس قیمتی و نگین زیورآلات، استفاده می شود. به گفته مقامات وزارت معادن، با استخراج لاجورد معدن کران و منجان که از جمله بهترین لاجوردهای دنیاست، سالانه ملیون ها دلار عاید دولت افغانستان می شود. به



گفته سخنگوی وزارت معادن، بهترین معادن لاجوردی که جهان با آن آشنایی دارند، در آمریکایی جنوبی است ولی لاجورد افغانستان بالاتر از لاجورد امریکای جنوبی است. لاجورد افغانستان حتی در قسمت‌های تزئینی تابوت‌های فراغه مصر نیز دیده شده است. مقدار لاجورد معادن کران و منجان تا بحال مشخص نشده است ولی دولت می‌تواند با استخراج فنی لاجورد این معادن، سالیان متمادی درآمد گزافی نصیب کشور نماید و از قاجاق آن به پاکستان نیز جلوگیری نماید.

۲,۲۳,۹,۷ معدن مس عینک لوگر

معدن مس عینک در ۳۰ کیلومتری شمال کابل در ولایت لوگر قرار دارد که به گفته مسئولان وزارت معادن و صنایع افغانستان به دو بخش مرکزی و غربی تقسیم می‌شود و نزدیک به ۱۳ ملیون تن مس دارد که سالانه دوصد ملیون دلار به این کشور فایده می‌رساند. آقای عادل وزیر معادن و صنایع افغانستان می‌گوید معدن مس عینک لوگر از جمله معادن بزرگ مس جهان است که استخراج آن در غنای اقتصادی افغانستان بسیار موثر است. وی افزود: افزون بر این دو بخش در قسمت‌های جوخر و دربند در نزدیکی عینک نیز موجودیت مس تخمین شده است و در بخش مرکزی معدن عینک ۵ ملیون تن مس نزدیک به ۲۴۰ ملیون تن سنگ موجود استخراج می‌شود و همچنین از بخش‌های جوخر و دربند نیز در حدود ۲ ملیون تن مس می‌تواند استخراج شود. "ولی گمان می‌رود که این رقم به بیش از ۲۰ ملیون تن هم برسد



چرا که به گفته آقای عادل، مطالعاتی که در اطراف معدن مس عینک انجام شده نشان می‌دهد که در مناطق اطراف معدن مس عینک نیز مس وجود دارد.

۲,۲۳,۹,۸ اورانیم

نیروهای آمریکایی بهره‌برداری از معادن اورانیوم افغانستان را شدت بخشیده‌اند. براساس این گزارش نیروهای آمریکایی در اطراف فرودگاه کابل، هلمند و چند منطقه دیگر اورانیوم کشف کرده و فعالیت آنها برای کشف مناطق دیگر و استخراج آن ادامه دارد. گفته می‌شود اورانیوم افغانستان از مرغوبترین نوع اورانیوم جهان است.

۲,۲۳,۹,۹ ذغال سنگ دره صوف

به گفته انجینیر نظر محمد معاون تصدی ذغال سنگ دره صوف مقدار ذخایر ذغال سنگ دره صوف بیشتر از یکصد و پنجاه ملیون تن تخمین گردیده است. این معادن در منطقه دهنه تور شب پاشک دره صوف قرار داشته که یک کیلو گرم آن می‌تواند از هفت هزار و سیصد الی هشت هزار و دو یست کیلو کالری حرارت تولید کند. متخصصین شرکت کزنیز ست مینرال کشور قزاقستان معدن ذغال سنگ دره صوف را بخاطر تولید انرژی برق عالی و مساعد ارزیابی کرد.



در افغانستان تنوع معادن غیر فلزی زیاد بوده و به صورت پراکنده در همه جا مشاهده می‌شود. مهمترین مواد غیر فلزی که در صنعت اهمیت بسیار زیادی داشته و به طور عمده در افغانستان مشاهده گردیده‌اند عبارتند از : ذغال سنگ، سنگ آهک، سنگ گچ، گرافیت، گوگرد، معدن کوارتز، معدن نمک، سنگ تالک و غیره

الف ذغال سنگ (coal): امروزه اهمیت ذغال سنگ بر همگان روشن است و در کارخانه‌ها و کارخانجات مختلف کاربرد وسیعی دارد و به عنوان یک تأمین کننده انرژی از آن استفاده می‌شود. اولین بار ذغال سنگ در افغانستان در سال‌های 1880-1901 توسط زمین شناسان انگلیسی (هایدن و گرایس باخ) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که عمدتاً نواحی شمال و نواحی هندوکش در این مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی پتانسیل ذغال سنگ افغانستان در یک زون (zone) ذغال‌خیز در مناطق شمالی از منطقه پلخمیری به سوی غور بند، بامیان، سمنگان و تا نزدیکی هرات ادامه دارد که مهمترین معادن زغال سنگ که در شرایط فعلی بعضاً فعال می‌باشند عبارتند از :



۲,۲۳,۱۰,۱ مهمترین معادن زغال سنگ

1- معدن ایش پشته در ۲۳۰ کیلومتری شهر کابل

2- معدن کرکر شمال شرق پلخمري

3- معدن کرخ هرات

4- معدن بنگي جنوب شرق خان آباد

5- معدن دره صوف سمنگان

و همچنین معادن ذغال سنگ آخوک، فرخار، دودکش، دره کولون و غیره شایان ذکر است .

ب:سنگ آهک (calcite):سنگ آهک سنگی است که ترکیب کربنات به مقدار زیاد داشته و در تهیه سیمان از آن استفاده

می شود و مناطق مختلفی در کشور وجود دارد که دارای سنگ آهک مناسب و بسیار مناسب می باشند و بعضاً در کنار آنها کارخانه

تولید سیمان فعال می باشد که مهمترین معادن سنگ آهک عبارتند از

۲,۲۳,۱۰,۲ مهمترین معادن سنگ آهک

1- معدن میردره میادارا

2- معدن کوه روح



3- معدن هزاره جات

4- معدن دهانه غوری

5- معدن شنوار و غیره ...

۲,۲۳,۱۱ ذخایر کانیها و سنگهای قیمتی

افغانستان در زمینه سنگهای قیمتی از شهرت خاصی برخوردار است. کانیها و سنگهای قیمتی افغانستان از بهترین و مشهورترین نمونه های جهان است.

امروز افغانستان با داشتن جواهرات زیبایی همچون زمرد (Emerald)، یاقوت کبود (Blue ruby)

، تورمالین (Turmalin)، اسپودومن (Spudomene)

و سنگهای قیمتی همچون لاجورد (Lazorit) و سنگهای بسیار زیبای دیگر به عنوان قطب تولید جواهرات، کانیها و سنگهای قیمتی در دنیا مطرح شده است.

عمدتاً کانیها و سنگهای قیمتی افغانستان در یک زون (zone) خاص واقع در شرق افغانستان تجمع داشته و با زمرد پنجشیر،

یاقوت جگدک، لاجورد سر سنگ، لعل بدخشان و غیره ... به شهرت رسیده است که باید توسط دولت به شکل قانونی و به شیوه

های علمی و مناسب استخراج گردد.



۲,۲۳,۱۲ معادن، کانی ها، سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی افغانستان

امور استخراجی معادن در افغانستان از ازمئه قدیم آغاز گردیده است. چنانچه در منطقه مقر مربوط ولایت غزنی بقایای مغاره های بزرگ و صوف های طویل زیر زمینی در رابطه به استخراج طلا مشاهده میشود. طول این صوف ها در حدود یک صد متر میباشد.

حفریات قدیمه کوهی در منطقه زرکشان، انگور، پاراپامیز و بقایای استخراجی معدن سرب ساحه تولک، مس آهنک (مردم عوام آهن را آیین میگویند و بخش کوچک آن آهن را آیینک واز اینرو به مرور زمان آیینک به عینک تبدیل شده است واکنون میگویند مس عینک - ندایی) ف مس چهل کان بدخشان، شئیده هرات، لاجورد بدخشان که در قسمت علیای دریای کوچه قرار دارد. حفریات کوهی معاصر در مناطق معادن ذغال سنگ کرکر، آشپشته و دره صوف و سایر محلات دیده میشود. حفریات بزرگ کوهی نوع برهنه و معاصر در معدن نمک آب (تاقچه خانه) معدن بیرل دره پیچ و مناطق قدیمی معادن یاقوت جگدک به مشاهده میرسد.

بطور کل افغانستان درمناطق موجود و معاصر قلمرو خویش دارای (۴۲۵) نوع معادن خورد و بزرگ و ظواهر معدنی قابل مطالعه را در خود گنجانیده است.

معادن افغانستان بطور کل در سه تقسیم بندی تحت بررسی قرار میگیرد:

-بخش معادن فلزی 1 - M. Metals



بخش معادن یا منرالهای صنعتی و زینتی 2 - Industrials M.

بخش معادن یا منرالهای ساختمانی 3 - Building Materials

۲،۲۳،۱۲،۱ معادن مس

بطور کل معادن مس در افغانستان به اشکال ترسباتی، مگماتیکی و متامورفیکی یافت می‌گردد. معادن مس در کشور در ولایات لاهورگر، زابل، قندهار و هرات به مشاهده می‌رسد که ذخایر آن به ۶۸۵۰۰ میلیون تن متریک تخمین می‌گردد. در این معادن بر علاوه مس، مولبدن Mo، سرب Pb، روی Zn، طلا و Au نقره Ag مشاهده می‌شود. بعلاوه افغانستان دارای هشت منطقه مس دار غیر کشف شده در ساحات مختلف کشور بوده که ذخیره مجموعی آن به ۲۸،۵ میلیون تن متریک پیش‌بینی می‌گردد. در منطقه مس آهنک (عینک لاهورگر) ۱۲،۴ میلیون تن متریک بطور تثبیت شده و در حدود ۱۷ میلیون تن متریک بطور پیش‌بینی موجود می‌باشد، این معدن دارای ۷۷۰۰ تن متریک نقره Ag و دارای ۶۰۰ هزار تن متریک کبالت (Co) دارا می‌باشد.

۲،۲۳،۱۲،۲ معدن آهن

معادن آهن در افغانستان در ولایات بامیان، بغلان، بدخشان و قندهار به ملاحظه رسیده است.



معادن حاجی گگ ولایت بامیان دارای ذخیره ۲،۳ میلیارد تن متریکی میباشد که مواد معدنی ۶۲٪ تا ۶۹٪ را تشکیل میدهد و با مطالعات بیشتر و مدرنتر امکان پیدایش مقادیر بیشتر آهن در کشور میسر خواهد بود. معادن آهن حاجی گگ به مقیاس معادن جهان میباشد. معادن آهن بدخشان ذخیره ۱،۸ میلیارد تن متریکی بوده و درصد آهن در مواد معدنی به ۴۷ تا ۶۸٪ میرسد. معادن آهن قندهار در بین احجار مگماتیکی به مشاهده میرسد که تحقیقات بیشتر را ایجاب مینماید. معادن آهن در بعضی مناطق ولایات بدخشان، فراه و قندهار در بین احجار سکارن مگماتیکی به مشاهده میرسد که مهمترین آن معادن آهن فورمورا میباشد که دارای ذخیره تخمینی ۳۵ میلیون متریکی تن و دارای درصد ۴۸ تا ۶۸٪ میباشد. معادن ذخایر آهن ایکه در تشکلات احجار مگماتیکی به مشاهده میرسد در حدود ۱۷۸ میلیون تن متریکی میباشد، درصد آهن در مواد معدنی ۴۷ تا ۶۸٪ میباشد. ذخایر معادن آهن در کشور در اثر تحقیقات بیشتر رقم بزرگتر را نشان خواهد داد.

۲،۲۳،۱۲،۳ طلا

طلا در افغانستان در احجار مگماتیکی و ترسباتی به مشاهده میرسد. بعضا در ولایات بدخشان طلا در رگه های کوارتزی و سکارن ها نیز مشاهده شده است. در مناطق شرقی ولایت زابل و غرب ولایت غزنی رگه های طلا در احجار سکارن



نیز به مشاهده رسیده که ذخیره آن تقریباً ۱۷۸۰ کیلوگرم می باشد.

طلا رسوبی در ولایت تخار (سمتی) و غزنی بطور مجموعی ۹۱۸ کیلوگرم میباشد. معادن یاد شده متوسط و کوچک میباشد.

۲,۲۳,۱۲,۴ سرب

معادن متذکره در احجار مگماتیکی و ترسباتی به مشاهده میرسد، معادن متذکره در ترسبات احجار کربونیت به شکل رگه ها به

ملاحظه می رسد. این معادن در منطقه نعل بندان ولایت غور و معدن سپیره ولایت پکتیا و در یک ساختمان بزرگ در مناطق

افغانستان مرکب از قریب ۱۵۳۹۰۰ تن می رسد و ایجاب تحقیقات بیشتر را می طلبد.

ذخیره پیشبینی شده این معادن (سرب وجست) به ۱۵۳۹۰۰ تن متریک می رسد و ایجاب تحقیقات بیشتر را می طلبد.

در بین معادن متذکره سرب وجست عموماً در سنگهای مگماتیک و میتا مورفیک اسکارن

به مشاهده رسیده و در ولایت نورستان (دره نور) و قلعه اسد خان در ولایت

قندهار بطور جمعی دارای ذخیره ۹۰۰۰ تن متریک میباشد که بیشترین مقدار سرب وجست را دارا می باشد.

۲,۲۳,۱۲,۵ معدن قلع و تنگستن

معادن متذکره در سنگهای تورمالین Tourmaline در غرب کشور قرار دارند. معادن قلعی مطالعات بیشتر را طلب نموده و نتایج

خوبی را در پیش دارد.



۲,۲۳,۱۲,۶ معدن سیماب

این معادن در مناطق جنوب غربی کشور در اثر تبخیر چشمه های آب گرم شکل نموده است. ذخیره تقریبی کشف شده آن در

حدود ۳۲۰۰۰ تن متریک میباش

دو منطقه دیگر در منطقه افغانستان مرکزی و منطقه شرقی کشور تشکلات بالا منطقه سیماب دار Hg را نشان میدهد.

مناطق یاد شده در اثر تحقیقات بیشتر از وجود طلا و نقره بیشتر خبر می دهد.

۲,۲۳,۱۲,۷ معدن آلومینیوم

Bauxite Aluminium " AL"

بوکسایت ها منبع اصلی آلومینیوم میباشد که در بوجود آمدن سنگها بکار می رود.

در کشور افغانستان در شيله " او به تو " ولایت زابل و منطقه نالک ساحه تاله ولایت بغلان مشاهده شده است.

ذخیره معادن متذکره بطور جمعی مقدار ۴,۵ میلیون تن متریک بوده و درصد مواد معدنی به ۵۰ % میرسد.

معدن لیترايت ولایت بغلان حجم بزرگتر داشته با دریافت انرژی بیشتر برقی در کشور فرایند آلومینیوم در این دو منطقه میسر می باشد.



۲,۲۳,۱۲,۸ مواد معدنی صنعتی

اسبست Asbest

باریت Barit

بوریت Hrbo3

سلسایت Celestite

-کرومایت Chromite “Fecr2o4”

کاولین Kaolin

فلورایت Florite

گرافایت Graphite

گچ Gypsum

نمک طعام Halite

پوتاسیم Potash

سلفر Sulfur

تالک Talk

مگنیزیت می باشد Magnasite و.

بر علاوه دارای سنگهای قیمتی ونیمه قیمتی چون زمرد ، یاقوت ، Sapphire سیفافی



گارنت Garent کنسایت Kunzite تورمالین Tourmaline پیروdat Pirodat اسپینل Spinel

زفیر، پریدوت و منرالهای نادره چون برلیوم Berylluim

کوارتز، فلدسپار، میکا و نیز یورانیوم و توریم در معدن خان نشین ولایت هلمند می باشد.

سیستم تشکیل سنگهای مگماتیک و خصوصیات معدن خان نشین با سایر نقاط جهان بیانگر آنست که در عین شرایط، مینرالهایی چون بیرایت، فلورایت، نفلین و عناصر نادره چون نیوم، تانتالیم و یورانیوم U بوجود آمده است.

سایر مراکز آتشفشانی چون منطقه خان نشین ولایت هلمند دارای ذخایر تخمینی مقدار ۱،۴ میلیون تن متریک ذخایر نیوم با

اضافه فسفر و یورانیوم و توریم REE به مقدار ۳،۵ میلیون تن متریک میباشد. این منطقه تحقیقات و اکتشافات بیشتر را لازم دارد.

برعلاوه افغانستان دارای ذخایر بزرگ گاز (جنگل کلان) در ولایت جوزجان، ذغال سنگ بمقادیر بسیار زیاد و نفت در ولایت سر پل

را دارا میباشد که ایجاب سرمایه گذاری ها و تحقیقات بیشتر را می طلبد.

۲،۲۳،۱۳ بزرگترین ذخیره مس دنیا در افغانستان

معدن مس عینک در فاصله ۳۰ کیلومتری شهر کابل قرار دارد. این معدن بر اساس شواهد موجود باستانشناسی از قبیل سنگهای

معدنی ذوب شده، سنگهای مسدار و وسایل قدیمی ذوب مس تاریخ دیرینه دارد و استخراج آن احتمالاً به دوران قبل از اسلام مربوط

میکردد. در قسمت های مرکزی و غربی معدن مس عینک سیستم کامل حفريات قدیمی دیده میشوند.



معدن در سال ۱۹۷۳ مجدداً کشف گردید و در سال ۱۹۷۴ در آن امور اکتشافی آغاز گردیدند. این معدن در زون تکتونیکی کابل

قرار دارد. مساحت مجموعی منطقه مسدار کابل به ۸۰۰ کیلو متر مربع می رسد. در حال حاضر سه معدن مس - عینک ، دربند ،

جوهر و ۹۴ منطقه معدنی تثبیت گردیده اند. مینرال های مس در سنگ های اولیه رسوبی ، آتشفشانی و آذرین درونی وجود دارند.

سنگ های معدنی صنعتی مس در رسوبات ساحلی - دریایی مربوط به عمر ویند- کیمبری قرار دارند. این سنگ ها به ایپید وت -

امفیبولی - ت - تح - ول یافت - به آن - د.

معدن مس عینک در ولایت لوگر قرار دارد و از قسمت های مرکزی ، غربی ، جنوبی تشکیل گردیده است. طبقات مسدار در منطقه

۴۰ کیلو متر مربع به روی زمین برهنه گردیده اند. مس در طبقات رسوبی ، ولکانیکی - رسوبی میتامورفیکی عمر ویند- کیمبری

وجود دارند. درسنگهای آذرین درونی نیز کانی زایی مس مشاهده میشود. این احجار در منطقه وسیع توسط رسوبات جهیلی نیوژن

به ضخامت ۵۰۰ متر و رسوبات سیلابی - دریایی پوششانیده شده اند.

در قسمت مرکزی طبقات مسدار به طول ۲۰۰ متر به ضخامت ۶۰ تا ۲۰۰ متر دیده شده اند. ضخامت اعظم سنگ های معدنی ، که

توسط برمه تثبیت شده ، به ۶۰۰ متر میرسد.

سنگ های معدنی از سطح زمین تا عمق ۱۰-۲۰ متر اکساید شده است . مقدار متوسط مس در سنگ های اکساید شده به ۲,۱

درصد می رسد و بصورت کل از ۰,۱۷ به ۲.۸۵ - درصد تغییر می کند.

سنگهای معدنی مختلط با درجه اکساید شدن ۳۰ تا ۷۰ درصد تا اعماق ۸۰ - ۱۰۰ متر گسترش دارند. مقدار مس در آنها از ۰,۶۴

تا ۳,۹۲ درصد تغییر می کند و حد متوسط مقدار مس در آنها به ۲ درصد میرسد.

ذخایر اساسی مس در سنگ های اولیه سولفیدی قرار دارند. مقدار متوسط مس در آنها به ۲,۵ درصد میرسد.

قسمت غربی ادامه قسمت مرکزی محسوب میشود. طبقات مسدار در اینجا به طول دو کیلو متر تحقیق شده وضخامت آنها از ۴ تا



۹۴ متر تغییر می کند. مقدار متوسط مس درین معدن ۰,۶۲-۲,۰۵ درصد تثبیت گردیده است.

معدن مس جوهر در طبقات مشابه تریجی - کاربناتی و ولکانوژنی تحول یافته قرار دارد. کانی زایی مس به ضخامت ۳۰۰ متر به طول دو کیلو متر امتداد یافته و در آن ۲۲ جسم معدنی عدسیه مانند با ضخامت ۱,۵ تا ۳۲ متر و طول ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر تثبیت

گردیده اند. _____

مقدار مس در معدن مس جوهر از ۰,۳۳ تا ۲,۵۶ درصد تغییر میکند. ضخامت زون معدنی در مقطع عمودی برهنه شده به ۳۰۰ متر

می رسد. قسمت جنوبی در منطقه پاچی موقعیت دارد و به طول ۵۰۰ متر تحقیق شده است. مقدار مس درین معدن از ۰,۹ تا ۱,۶

درصد _____ تغییر میکند. _____

معدن مس دربند - در شرق معدن مس عینک قرار دارد. طول جسم معدنی درین معدن به ۷ کیلو متر میرسد و ضخامت آن از

۱۰۰ تا ۱۰۰۰ متر تغییر می کند. جسم معدنی بصورت موافق در طبقات کوارسیت مانند، مرمر های ابرک دار، طبقات سنگهای

ورقه یی بیوتیت-امفیبالیتی و امفیبالیت ها قرار دارد. طبقات معدنی در بخش شرقی به طول ۱۱۰۰ متر و ضخامت ۱۸-۱۲۰ متر

تعقیب گردیده اند. مقدار مس در آنها از ۰,۵۸ تا ۱,۵۵ درصد میرسد. در بخش مرکزی جسم معدنی در بین مرمر های ابرکی طول

بیش از دو کیلو متر امتداد یافته و مقدار مس در آن ۰,۵۵ تا ۱,۲۷ درصد می باشد.

بخش غربی جسم معدنی توسط رسوبات نیوژن پوشانیده شده، ولی به وسیله روش اکتشاف برقی به فاصله ۱۰۰-۱۳۰ متر تعقیب

گردیده است. ضخامت جسم معدن در بخش صنعتی آن از ۳ تا ۱۱۰ متر تغییر می کند. مقدار مس در آن از ۰,۶۶ تا ۲,۰۶ درصد می

باشد. _____

در پروسه تشکیل مینرال های مس دو مرحله - عمقی و سطحی - جدا میشوند. هر مرحله دارای قانونمندی های خاص تشکیل

مجموعه _____ مینرال های _____ خود می باشد. _____



از نظر منشاء، در حال حاضر در معدن مس عینک سه نوع معدن مس - سترایفورد (قسمت های مرکزی و غربی)، هایدرو ترمالی (در بند و برخی ظواهر دیگر معدنی) و هایدرو ترمالی - میتاسماتیکی (قسمت جنوبی پاچی) وجود دارند. در جنوب معدن مس عینک اوفیالیت ها - اولترا بازیت ها وجود دارند، که موجودیت قشر اوقیانوسی و زون ریفتی را درین منطقه ثابت میسازد.

تحقیقات معاصر در سلسله کوه های وسطی اوقیانوسی و زون ریفتی در اتلانتیک موجودیت اوفیالیت ها و دودکش های سیاه را ثابت ساخته، که از آنها محلول های هیدرو ترمالی خارج میگردند و مینرال های مختلف را تشکیل میدهند. معدن مس سیبای در اورال بهترین مثال این نوع معادن محسوب میشود. احجار منطقه در نتیجه متامورفیزم منطقه ای به فاسس ایپیدوت - امفیبولیت تحول یافته اند. ظهور اجسام مگماتیکی نیز در منطقه مشاهده میشود. در نتیجه این پروسه ها تقسیم مجدد مینرال های مس در منطقه وسیع صورت گرفته، که موجودیت مینرال های مس در کوه های چهلستون، قرغه و حتی در منطقه ماهی پر بیانگر این امر می باشد. این نقطه نیز باید هنگام محاسبه ذخایر سنگ های معدنی مس مدنظر گرفته شود. بی مورد نیست، که محققین اصطلاح منطقه مسدار کابل را بکار برده اند.

در نتیجه تحقیقات و امور اکتشافی انجام شده ذخایر مس ۱۳ میلیون تن تثبیت گردیده اند. ولی با در نظر داشتن خصوصیات انکشاف ژئولوژیکی - تکنیکی منطقه، گسترش مس در منطقه وسیع و مثال های معادن هم عمر ریفتی در جهان، ذخایر معدن را حداقل ۲۵ - ۳۰ میلیون تن میتوان پیشبینی کرد. با در نظر داشت تکنالوژی های استخراج، غنی سازی و ذوب سنگ های معدنی مس، ذخایر مس ازین رقم هم بالا خواهد رفت.

هنگام محاسبه ذخایر یاد شده ۱۳ میلیون تن کاندیشن صنعتی مس ۲،۵ درصد برگزیده شده بود. ولی در حال حاضر معادن دارای مقدار ۰،۵ درصد مس در سنگ های معدنی و حتی پائینتر از آن هم اقتصادی شمرده میشوند.



۲,۲۳,۱۳,۱ معدن بزرگ مس عینک (لوگر)

در سال ۱۹۹۸ در دوران طالبان یک کنسرسیوم چند ملیتی قصد سرمایه گذاری و استخراج مس عینک را داشتند. در شرایط فعلی نیز، پروژه "مس عینک" از مواردی است که وزارت معادن افغانستان آنرا برای سرمایه گذاری و استخراج به کشورها و شرکتهای ارائه داده است و برخی کشورها مثل ژاپن برای استخراج آن اظهار تمایل نموده اند. برای این معدن که ادعا شده بزرگترین معدن مس جهان است، ۱۱ میلیون تن ذخیره با عیار ۱۰ درصد مس تخمین زده شده است که در گذشته کارشناسان ذخیره ۱۰ میلیونی آن را قطعی تخمین نموده اند.

منطقه معدنی عینک با مشخصات E ۱۸-۶۹ و N ۵۸-۱۵-۳۴ منطقه کانی سازی شده به طور همساز با سنگ میزبان با طول بیش از ۲ هزار متر و عرض یک هزار متر و ۶۰ تا ۱۵۰ متر عمق (ضخامت با عمق حد اکثر ۶۰۰ متر). در این معدن بیش از ۱۲۰ هزار حفاری به صورت مغزه انجام گرفته است. از لحاظ زمین شناسی این معدن از نوع رسوبی-ولکانیکی یا "استراتنی باند" می باشد. منطقه معدنی عینک به سه منطقه مرکزی، جنوبی و غربی تقسیم می گردد.

عیار و ذخیره این سه منطقه به صورت زیر گزارش شده است :

۱. عینک مرکزی : ذخیره قطعی ۱۷۵ میلیون تن با عیار ۲/۵ درصد مس

i. (تعیین شده بر اساس حفاری در سال ۱۹۹۵)



۲. عینک جنوبی: ذخیره بیش از ۵۰ میلیون تن با عیار ۰/۹-۱/۶ درصد مس (۱۹۹۵).

۳. عینک غربی: ذخیره بیش از ۵۰ میلیون تن با عیار ۰/۶۲-۲/۰۵ درصد مس (۱۹۹۵)

وزارت معادن افغانستان می گوید استخراج معادن و ذخایر زیرزمینی، در پنج تا شش سال آینده، افغانستان را از ناحیه مصارف داخلی، از کمک های خارجی بی نیاز خواهد کرد.

دولت افغانستان به تازگی قرارداد استخراج معدن مس "عینک" در ولایت لوگر را با یک شرکت چینی امضا کرد که این معدن، یکی از بزرگترین معادن مس در سطح جهان است.

مقامات امیدوار هستند که پس از آغاز استخراج معدن مس عینک، سالانه بیش از چهارصد میلیون دلار از محل دریافت مالیات و استخراج این معدن، عاید دولت افغانستان شود.

وزارت معادن افغانستان می گوید این معدن به حدی ظرفیت بالایی دارد که برنامه استخراج آن، می تواند تا هفتاد سال ادامه یابد.



در عین حال، وزیر معادن افغانستان اعلام کرده که قرار است ظرف ماه های آینده، پروژه استخراج معدن آهن "حاجی گگ" نیز به یکی از شرکت های خارجی سپرده شود.

ابراهیم عادل می گوید آغاز پروژه استخراج این معدن، برای هزاران نفر زمینه کار فراهم خواهد کرد.

۲,۲۳,۱۴ معادن طلای افغانستان

بطور کلی معادن طلای افغانستان در منطقه بدخشان، منطقه قندهار و منطقه غزنی شناسایی شده اند:

۱- معدن طلای "راغ" بدخشان

۲- معدن طلای "سمنی" تخار

۳- معدن طلای "زر کشان" در مقر غزنی

۴- معدن طلای "کهنه سنگ" زابل

علاوه بر این در حوزه رود خانه کوکچه (بدخشان) مقدار زیادی طلا به صورت زر شویی استحصال می گردد.



وضعیت توپوگرافی و زمین شناسی معادن لاجورد

ولایت بدخشان در کوهستانهای بخش شمال شرقی افغانستان در طول تاریخ به دلیل ذخایر لاجوردش معروف شده است. روی این معادن به طور متناوب بیش از ۶۵۰۰ سال کار شده است. بدخشان منطقه ای بسیار زیبا، با کوهستانهای چشم نواز اما صعب العبور با ارتفاع بین ۱۸۳۰ متر تا ۵۱۸۰ متر از سطح دریا و با دره های تنگ و عمیق و رودخانه های خروشان است. به دلیل نبود گیاه در این دره ها و کوه ها، ساکنان کمی در این منطقه زندگی می کنند. کوه آبی که باجورد نامیده شده است، در امتداد ساحل شرقی رودخانه کوکچه قرار دارد. دره کوکچه یکی از دره های بسیار باریک، ژرف و صخره ای است که عبور از آن بسیار مخاطره آمیز است. کوکچه از محل تلاقی رودهای انجمن و مونجان سرچشمه می گیرد و به سمت شمال به آمودریا می ریزد. آمودریا خود مرز شمالی کشور افغانستان با تاجیکستان را تشکیل می دهد. لاجورد تنها سنگ قیمتی است که در داخل مرمر یافت می شود و ترکیب کانی شناسی آن شامل، لازوریت، کلسیت، پیریت و تا حد کمی دیوپسید، آمفیبول، فلدسپار، میکا و دیگر سیلیکات هاست. لاجورد به صورت رگه هایی در داخل مرمری به ضخامت ۴۰۰ متر و به رنگ سفید با رگه های خاکستری (این نوع مرمر را cipolin می گویند) یافت میشود و کاملاً با کلسیت و دولومیت همراهی می شود. کانی پیریت به مقدار فراوان به صورت ریزدانه با لاجورد اختلاط یافته است. رنگ آبی سیر لاجورد از وجود کانی لازوریت است. لاجورد به رنگ آبی کمرنگ را افغانیت (Afghanite) می نامند. رنگ لاجورد بر اساس مقدار مختلف ناخالصی ها، متغیر است. در برخی قسمت ها کانی لازوریت به صورت بلورهای بسیار زیبای رومبیک دودکاهدرن (۱۲ وجهی) یافت می شود. برخی زمین شناسان، ۹ منطقه استخراج سنگ لاجورد را نام برده اند که



مهمترین آنها معادن چیلیمک، شق دره، استورمبی و سرسنگ است و از ارتفاعی بین ۱۸۳۰ تا ۵۱۸۰ متر برخوردارند. از این چهار معدن امروزه تنها معدن سرسنگ مورد بهره برداری قرار می گیرد و لاجورد سرسنگ در بازارهای خرید و فروش سنگهای قیمتی مشهور است.

۲,۲۳,۱۵,۱ روشهای معدنکاری و ویژگی های لاجورد بدخشان

معدن سرسنگ و روستای کران در ساحل سمت راست رودخانه کوکچه در ۵۶ کیلومتری جنوب روستای جرم و در ارتفاع ۲۲۸۵ متری از سطح دریا قرار گرفته است. در روستای کران حدود ۳۰۰ معدنچی بدون خانواده هایشان در شیفت های کاری ده روزه در معدن مشغول به کارند. دره رود کوکچه در محل معدن حدود ۱۸۳ متر عرض دارد و ورودی تونل ها از سطح رودخانه حدود ۴۶۰ متر ارتفاع دارند. معادن منطقه شامل مجموعه ای از غارها با دیواره های بلند است که گاهی ارتفاع کف تا سقف این غارها به ۴۵ متر می رسد. روی دیواره غارها دوده ضخیمی پوشیده شده است که نشان دهنده استخراج به روش سنتی در سالیان بسیار دور است. معدنچیان در گذشته های دور با استفاده از آتش، سنگ را می گداختند سپس با آب آن را سرد و خنک می کردند. این عمل باعث ایجاد ترک و درز و شکاف عمیق در سنگها می شده سپس با چکش، لاجورد را از داخل سنگها جدا می کرده اند. امروزه روشهای استخراج متفاوت شده است و کاربرد دینامیت از زمان جنگ با شوروی در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. دینامیت بدون توجه به نکات ایمنی آن و حفظ سنگ لاجورد به صورت گسترده در این معادن به کار می رود. هیچ حفاظتی از تونل ها به وسیله الوار برای جلوگیری از ریزش سقف انجام نمی شود و همیشه خطر ریزش وجود دارد. لاجورد پس از استخراج به قطعات کوچک تبدیل شده



و توسط کارگران از کوره راههای شیب دار به اردوگاه حمل می شوند. قطعات سنگ فاقد لاجورد (باطله معدن) از ورودی غارها به بستر دره رودخانه تخلیه می شوند. حمل و نقل لاجورد استخراج شده با قاطر از اردوگاه به کشور پاکستان حدود ۹ روز طول می کشد. زمین شناسان شوروی سابق ۹ منطقه معدنی استخراج لاجورد با ۳۰۰-۲۰ متر طول و ۸-۱ متر ضخامت معرفی کرده اند. بزرگ ترین آنها در منطقه ۴۵۰ متر طول و ۱۲۵ متر ضخامت دارد. بهترین نوع لاجورد در محل معدن حدود ۱۰۰ دلار برای هر کیلوگرم توسط تجار و بازرگانان بدخشانی خرید و فروش میشود و قیمت آن تا رسیدن به بازارهای پشاور پاکستان شاید تا ۳ برابر افزایش یابد. لاجورد یکی از منابع مهم درآمد خارجی کشور افغانستان است. لاجورد بدخشان دارای کانی های کائولین، سودالیت، نوزان و لازوریت است. آی سیر لاجورد در نمونه های پررنگ و مرغوب آن، ناشی از وجود سولفور (S) در آن است. این مورد جالب و غیر معمول است که عنصری غیرفلزی باعث رنگ تند در سنگ می شود. آنالیزهای شیمیایی نشان میدهند، هرچه درصد سولفور در لاجورد بیشتر باشد، رنگ آب آن تندتر باشد، ارزش سنگ بیشتر خواهد بود. ۲۵ تا ۴۰ درصد کانی شناسی لاجورد شامل کانی لازوریت است. بیش از مقدار ۴۰ درصد حضور کانی لازوریت در لاجورد، رنگ آبی آن را تیره و کمتر از ۲۵ درصد رنگ آبی آن را کمرنگ می نماید. کانی کلسیت همیشه همراه لازوریت دیده می شود و بسته به میزان افزایش حضور آن در سنگ، از کیفیت لاجورد می کاهد. بیشتر نمونه های لاجورد بدخشان دارای نقاط درخشانی از کانی پیریت است که علاوه بر افزایش زیبایی و شکوه سنگ، به عنوان نشانه ای مبنی بر اصل بودن لاجورد، ارزش خود را نشان می دهد.

افغان ها سه نوع لاجورد را طبقه بندی می کنند:

- لاجورد نیلی که بهترین نوع رنگ و جنس است.

- لاجورد آسمانی که شامل لاجورد آبی کمرنگ است.



- لاجورد سبز که گاهی با فیروزه اشتباه می شود.

۲,۲۳,۱۵,۲ معادن سرشار بدخشان و استخراج غیر مسوولانه

بدخشان یکی از ولایات کوهستانی در شمالشرق افغانستان بوده که دارای ۴۷۴۳۰ کیلومتر مربع مساحت و نفوس آن حدود یک میلیون و سی صد هزار نفر تخمین زده می شود. این ولایت دور افتاده دارای ۲۸ شهرستان بوده که ساکنین بعضی از شهرستانهای دور دست مانند: درواز، شغنان و واخان باید فاصله ۱۰ تا ۱۵ روز راه را پیاده طی کنند تا به مرکز این ولایت برسند. بدخشان در قلب کوه های سر به فلک خود سرشار از معادن لاجورد، لعل، یاقوت، طلا، آهن، سرب، امونیا، گوگرد، مس و نمک می باشد که تنها لاجورد آن قابل بهره برداری و استخراج میباشد. اکثریت این معادن بخصوص لاجورد عمدتاً در قسمت هندوکش شرقی قرار دارد.

تحقیقات نشان میدهد که لاجورد از جمله قدیمی ترین سنگ های قیمتی در جهان بوده که انسانها آنرا استخراج کرده اند. آثار این سنگ گرانبها در اهرام مصر قدیم به کثرت دیده می شود و نشان میدهد که هیچ سنگی در آنزمان ارزش سنگ لاجورد را نداشته است. سابقه تاریخی این سنگ و استفاده از آن در نزد فراعنه مصر به سه هزار سال قبل از میلاد میرسد که لاجورد را بنام یاقوت کیود نیز یاد می کردند.



لاجورد بدخشان در منطقه سرسنگ شهرستان کران و منجان، در اطراف دریای کوکچه به فاصله ۱۳۰ کیلومتری جنوب فیض آباد، مرکز این ولایت واقع شده است. برعلاوه در سه نقطه دیگر از جمله چلمک، شق دره و استورمبی نیز معدن لاجورد وجود دارد اما لاجورد سرسنگ از شهرت خوبی در بازارهای جهانی برخوردار می باشد.

لاجورد در ارتفاعات ۳۵۰۰ متر از سطح بحر قرار دارد که سردی هوا سبب می شود تا حداقل مدت ۵ الی ۶ ماه کار استخراج در آن صورت گیرد. تونل های معدن به ارتفاع ۴۶۰ متر از سطح دریای کوکچه قرار دارد. لاجورد دارای رنگ های مرغوب و زیبا بوده که بنا به نوعیت و جنسیت ارزش آن نیز مشخص میگردد.

لاجورد را عمدتاً به سه طبقه تقسیم می کنند:

۱. لاجورد نیلی، بنفش یا آبی تیره

۲. لاجورد آسمانی یا آبی کم رنگ

۳. لاجورد سبز رنگ که بعضاً با فیروزه اشتباه میشود

رنگ تیره لاجورد نشان دهنده موجودیت سولفور در آن می باشد که هر قدر مقدار سولفور در ترکیب آن زیاد باشد، لاجورد رنگ آبی تیره را بخود می گیرد و ارزش آن نیز بیشتر می گردد.

یک کیلو لاجورد اعلا در محل معدن به قیمت صد دلار خرید و فروش می شود اما همین مقدار در بازارهای پاکستان از سه تا چهار تا بالاتر به فروش میرسد. کشور پاکستان با آنکه خود معدن لاجورد ندارد اما در دوران اشغال شوروی سابق، لاجورد افغانستان را به قیمت نازل خریداری کرده و بنام لاجورد پاکستانی به قیمت مناسب به خارج از آن کشور صادر می کرد.



لاجورد استخراج شده در گذشته، مستقیماً به شهر های پاکستان انتقال می یافت و در آنجا بفروش میرسید. در آن وقت وسیله انتقال بصورت عموم اسب و قاطر بود و در مدت ۹ شبانه روز از بدخشان تا پاکستان طی می گردید. متخصصین زمین شناسی شوروی سابق رگه های لاجورد را بطول ۲۰ تا ۳۰۰ متر و ضخامت آن را از ۱ تا ۸ متر بیان کرده اند. این رگه ها بعضاً تا عمق ۴۰۰ متر در بین سنگ های سفید و خاکستری مرمر امتداد یافته است.

طریقه استخراج: لاجورد در قدیم الایام باحرارت دادن سنگ های اطراف لاجورد در اثر افروختن آتش زیاد و سپس ریختن آب در محل گد اخته شده که سبب ترکش میگردد استخراج می گردید. به این ترتیب قطعات سنگ را جدا و لاجورد آنرا بدست می آوردند. سیاهی غلیظ در داخل غارها نمایانگر استخراج به شیوه بومی آن می باشد.

اما وزارت معادن و صنایع افغانستان تا قبل از وقوع جنگ ها به شکل فنی لاجورد را ازین معادن استخراج می کرد، که گاهی بطور محدود از مواد انفجاری نیز استفاده می شد.

لاجورد بدخشان در طی دونیم دهه اخیر بشکل بسیار بی رحمانه و غیر مسولانه استخراج گردیده و سود آنرا عده ی افراد زورمند نصیب شده اند. استخراج بشکل غیر فنی و با استفاده از دینامت صورت می گرفت. انفجاراتی که اکثراً باعث ایجاد ترک ها و فروریزی سقف تونل های داخل آن می گردید، تلفات انسانی را نیز سبب می شد. فرماندهانی که بر معدن لاجورد تسلط داشتند از ین معدن به مثابه دارایی شخصی غارت اعظمی را نموده و سرمایه های افسانه ای را اندوختند. استخراج معدن بر اساس فی واحد انفجار خرید و فروش می شد، بدین معنی که فرماندهان محل علاوه بر محصولی که از لاجورد استخراج شده بدست می آوردند، برای افراد مورد نظر اجازه یک یا چند انفجار را در معدن می دادند. صاحبان اوراق معمولاً خود قادر به انجام انفجار نبودند، لذا این



اوراق بهادر را به فروش می رساندند. افراد خاصی در محل وجود داشتند که کارشان خرید و فروش این اوراق بود که سپس این افراد بوسیله کارکنان خاص خود عمل انفجار را در داخل معدن انجام میدادند و لاجورد مورد نظر را بدست می آوردند .

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در افغانستان و تصویب قانون اساسی بتدریج دست زورمندانی که بشکل مستقیم معدن لاجورد را غارت می کردند کوتاه گردید ولی هنوز هم این افراد به اشکال مختلف و طریقه های گوناگون منافع خود را حفظ نموده اند که خواهی نخواهی اثرات منفی خود را روی استخراج معدن و بهره برداری از آن خواهد گذاشت.

۲،۲۳،۱۶ اطلاعات آماری تولیدات منابع معدنی افغانستان

افغانستان از لحاظ منابع معدنی کشوری غنی بشمار می رود لیکن اکثر این منابع معدنی بکر و دست نخورده باقی مانده است ولی با توجه به ۲۳ سال جنگ بی ثباتی در این کشور وضعیت استخراج مواد معدنی به حالت تعلیق در آمده است. محققین براین باورند که صادرات مواد معدنی افغانستان می تواند یکی از منابع اصلی درآمد ارزی این کشور باشد، از مهمترین ذخایر معدنی شناخته شده در افغانستان نمونه های زیر را می توان یاد کرد:

ذغال سنگ، آهن، مس، اورانیوم، نمک، کرم نیکل، طلا، سولفور، باریت روی، قلع، فلوور، میکا، سنگ لاجورد، آلومینیوم، سرب،



یاقوت پنبه نسوز، جیوه، بوکسیت، تنگستن لیتیوم منگنز، سنگ مرمر، سنگ گچ، سنگ آهن

۲,۲۳,۱۶,۱ ذغال سنگ

ذخایر اثبات شده ذغال سنگ در افغانستان بیش از ۱۰۰ میلیون تن تخمین زده شده است و ذخیره نهایی آن ۵۰۰ میلیون تن پیش بینی شده. از مهمترین معادن ذغال سنگ می توان به معادن، اشپشیه، آرکرو دودکش اشاره کرد. براساس آمار موجود میزان استخراج ذغال سنگ در فاصله سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۴ بیش از ۸۰۰۰۰۰ تن و در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲۰۰۰۰۰ تن بوده است که قسمت اعظم ذغال سنگ تولید شده برای سوخت مناطق صنعتی مورد استفاده قرار می گیرد

۲,۲۳,۱۶,۲ نمک

یکی دیگر از معادن استخراج شده افغانستان نمک است که میزان استخراج آن در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۹ حدود ۳۸۰۰۰ تن و در سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۰ بیش از ۲۶۰۰۰ تن گزارش شده است.



۲,۲۳,۱۶,۳ مس

ذخایر مس افغانستان غنی است ولی بصورت اقتصادی به کار نیفتاده است اما توده های معادن مس بین نقطه کجکی و مقر قرار دارد یکی از بزرگترین معادن مس، معدن آینک است که ذخیره آن بین ۴ تا ۵۵ میلیون تن تخمین زده اند براساس آخرین آمار میزان استخراج مس در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۵۰۰۰ تن بوده است.

۲,۲۳,۱۶,۴ آهن

پس از گاز طبیعی، مهمترین ذخیره معدنی افغانستان آهن است ذخایر آهن بسیار عظیم است ولی برآورد دقیقی وجود ندارد یکی از مهمترین معادن شناخته شده آهن، معدن حاجیگک است که کارشناسان کشور افغانستان ذخیره آن را بیش از ۲,۵ میلیارد تن تخمین زده اند، که ۶۲٪ درصد آن را خالص می دانند، ولی به اساس سروی سالهای ۱۹۶۷ فرانسوی ها و به تعقیب آن شوروی ها معدن آهن حاجی گک در اکثر نقاط دارای ۷۵٪ آهن است. و به اساس گزارش آن ها که ممکن همین حالا هم در آرشیو وزارت های پلان و خارجه افغانستان باشد. از دیگر معادن آهن افغانستان می توان به خاکریز قندهار با ۸ میلیون تن ذخیره آهن، پغمان با ۸۳ میلیون تن ذخیره آهن، جبل سراج با ۷,۸ میلیون تن آهن اشاره کرد.



۲,۲۳,۱۶,۵ دیگر معادن

سایر معادن افغانستان نیز کمابیش غنی است در نزدیکی ننگرهار یک ذخیره بزرگ سولفور قرار دارد. در بیابان های جنوب غربی افغانستان بین هرات و شیندند، و نیز در منطقه قندهار اورانیوم وجود دارد. در استان بدخشان دو معدن طلا وجود دارد که بعلت فقدان امکانات فنی اقدامی برای استخراج آن بعمل نیامده است.

۲,۲۳,۱۷ سرمایه گذاری در معادن راهی بسوی شکوفایی اقتصادی

افغانستان از نظر داشتن معادن و ذخایر ژیر زمینی از جایگاه برتری برخوردار است اما بنابر ادامه جنگ ها، نبود دولت های دلسوز و مردمی این ذخایر عظیم اقتصادی که منبع درآمد بزرگی برای اقتصاد کشور است دست نخورده باقی مانده است. گفته میشود که تا حال وجود یک هزار و ۴۴۰ معدن در افغانستان تثبیت شده که حدود ۴ هزار و ۵۰۰ منبع معدنی دیگر نیز در کشور به چشم می خورد که ارزش مجموعی این منابع حدود ۵۰۰ تریلیون دلار ارزیابی شده است. در زمان جنگ های داخلی که در هر گوشه افغانستان یک حکومت و یک دولت فرمانروایی میکرد، بسیاری از معادن که نشانی از تمدن باستانی و غنی بودن این کشور بود به یغما برده شد و یا هم به صورت غیر قانونی مورد استخراج قرار می گرفت.



با به وجود آمدن دولت کرزی بررسی هایی روی معادن و ذخایر طبیعی کشور صورت گرفت و کارهایی برای استخراج و سرمایه گذاری درین بخش نیز انجام یافت که گام مهمی در ایجاد زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی کشور به شمار میرود.

سال گذشته وزارت معادن افغانستان اعلام کرد که کار بررسی پنج معدن آهن حاجی گک، معدن گاز شبرغان، نفت سرپل و سمنت و ذغال سنگ ولایت هرات تکمیل شده و استخراج آن به زودی به مناقصه گذاشته خواهد شد.

به گفته وزیر معادن، درآمد سالانه استخراج این معادن برای افغانستان حدود دو میلیارد دلار بوده و دهها هزار نفر زمینه اشتغال ایجاد خواهد شد. با اینحال هنوز هم بعضی از معادن کشور بواسطه زورگویان و سلاح بدستان محلی مورد استخراج قرار گرفته به قیمت بسیار پایین به کشورهای همسایه مخصوصاً پاکستان قاچاق میگردد که دولت تا هنوز درین زمینه کاری از پیش نبرده است.

گفته میشود که سالانه حدود دویست و بیست تن لاجورد بدخشان ازسوی سلاح بدستان محلی استخراج و بدون آنکه به دولت نفعی برسد، به مالگه مندوی پشاور پاکستان قاچاق میشود و سپس بنام لاجورد پاکستانی به قیمت بسیار بالا در بازارهای جهانی به فروش میرسد.



۲,۲۳,۱۷,۱ نفت و گاز

افغانستان پنج حوزه نفت و گاز دارد که در برگیرنده حوزه های آمو دریا و افغان تاجیک در شمال، حوزه هرات در غرب، حوزه هلمند در جنوب و حوزه کتواز در شرق است که بقول وزیر معادن یشتراز ۲۰ شرکت بزرگ نفتی دنیا درخصوص سرمایه گذاری روی نفت و گاز افغانستان علاقه نشان داده اند.

بیشترین مقدار نفت و گاز نظر به گفته ی یک شرکت تحقیقات زمین شناسی ایالات متحده امریکا، در حوزه شمال افغانستان وجود دارد. آنان این مقدار مواد را ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز و بیش از یک و نیم میلیارد بشکه نفت میخوانند که چند برابر پیش بینی های سابق بوده است.

برآوردهای جدید ذخایر انرژی کشور حدود ۱۸ برابر چیزی است که قبلا پیش بینی می شد. افغانستان همین اکنون انرژی خود را از خارج وارد می کند، در صورتی که دولت بتواند به پروسه استخراج و پالایش نفت و گاز این حوزه توجه جدی کند و یا هم توجه سرمایه گذاران خارجی و داخلی را به این پروژه بزرگ اقتصادی جلب کنند اهمیت زیادی در راستای خودکفا شدن اقتصادی کشور خواهد داشت.

به اساس گفته های کارشناسان اگر کار استخراج این ذخایر آغاز شود، افغانستان می تواند تولید نفتی به میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز داشته باشد که در این صورت میتواند بخش مهمی از نیازهای داخلی این کشور را تأمین کند.



۲،۲۳،۱۷،۲ معدن آهن حاجیگک

این معدن که از بزرگترین ذخایر آهن در افغانستان به حساب می آید، دو میلیارد تن آهن دارد. معدن حاجی علم قندهار نیز با دارا بودن حدود ۶ میلیون تن ذخیره آهن از معادن مشهور افغانستان است. بهره برداری از معدن آهن حاجی گگ در سال جاری به ۷ شرکت خصوصی خارجی واگذار شد و به گفته محمد ابراهیم عادل وزیر صنایع و معادن کشور، کار تولید رسمی معدن حاجی گک تا ۵ سال آینده شروع خواهد شد و قبل از آن، شرکتها روی مرکزیت و ساختمان فابریکات و محل تولید آهن کار خواهند کرد. به نظر آقای عادل با راه اندازی این معدن در بخش آهن سالانه ۴۰۰ میلیون دلار عواید خواهیم داشت که در صورت بالا رفتن قیمت فولاد در بازارهای جهان، سالانه عواید از این بخش به یک میلیارد دلار خواهد رسید.

۲،۲۳،۱۷،۳ معدن مس عینک

مس عینک لوگر که ۱۱ میلیون تن تخمین زده شده سال گذشته به یک شرکت چینی به مدت سی سال واگذار شد. و هفته گذشته کار آن رسماً افتتاح گردید. شرکت MCC که مسوولیت سرمایه گذاری این پروژه را به عهده گرفته است وعده داده است که ۸،۲ میلیارد دلار در بخش استخراج و انکشاف معدن مس عینک، ۴ تا ۵ میلیارد دلار در بخش خط راه آهن حیرتان- کابل- تورخم و ۵۰۰ میلیون دلار دیگر در بخش تولید برق به میزان ۴۰۰ مگاوات نیز سرمایه گذاری خواهد کرد.



ارزش ذخایر این مرکز ۸۸ میلیارد دلار است و به ایجاد ۵۰۰۰ شغل منجر میشود و طبق برآوردهای وزیر صنایع و معادن، استخراج این معدن تا ۷۰ سال ادامه خواهد داشت.

پروژه مس عینک سالانه ۴۰۰ میلیون دلار به عواید کشور خواهد افزود که به باور آگاهان یکی از دستاوردهای بزرگ وزارت معادن کشور در طی سالهای اخیر است. به باور مقامات وزارت معادن، استخراج معادن و ذخایر زیرزمینی، در پنج تا شش سال آینده، افغانستان را از ناحیه مصارف داخلی از کمک های خارجی بی نیاز خواهد کرد.

افزون برینها، معادن دیگری مانند مرمر، لاجورد، زمرد و طلا نیز در افغانستان وجود دارند که از سوی دولت به برخی از شرکت ها واگذار شده است.

۲،۲۳،۱۸ نظام بهره برداری از زمین در افغانستان: بحثی در زمینه جامعه شناسی تاریخی

مردم ساکن در افغانستان کنونی یکی از قدیمی ترین مردمان آسیای مرکزی و جنوب غربی است که از چند هزار سال به این طرف در واحدهای مختلف سیاسی-جغرافیایی با هندی ها، ایرانی ها و باشندگان ماوراءالنهر و دیگران همزیستی داشته است.

قلمروئی که این اقوام و ملل در آن زیسته اند همواره تحت تأثیر حرکات تاریخی و دستخوش افت و خیزهای فراوان گردیده و قدرت سیاسی از دستی به دستی، از عشیره ای به عشیره ای و از قومی به قومی رسیده است. از همین جا نه یگانه بل مهم ترین عامل



تکوین و تأسیس دولت‌های این منطقه، عنصر اعمال زور و تهاجم بوده است. از جانب دیگر هرگز مجال ارادی و دموکراتیک فراهم نشده تا اقوام هم‌تبار و هم‌ریشه، واحدهای دلخواه جغرافیایی‌شان را برپا کنند.

همین که پای استعمار به این مناطق کشیده شد این ناهمگونی‌ها مضاعف گردید و ملل یاد شده در برابر مرزهای مصنوعی و نامنتطب با موازین حقوق بین‌المللی تن دردادند که عمدتاً دو ابرقدرت قرن نوزدهم (بریتانیا و روسیه) بعد از چانه‌زدن‌های فراوان و تعیین حوزه‌های نفوذ و در نظرگیری منافع حیاتی‌شان، آن‌ها را با عقد قراردادهای دوجانبه و چندین جانبه رسمیت داده بودند. بالطبع، خود آن قراردادهای نیز با توجه به پایه‌های بی اعتبارشان در مواردی فاقد اعتبار حقوقی اند.

بنابراین، غالب کشورهای منطقه از اجزای مورد نزاع و اختلاف یکدیگر تشکیل شده‌اند و همین که سایه سر قدرتمند داخلی و خارجی را دور دیده‌اند با ارائه قبالة‌های کهنه و نو به جان هم افتاده‌اند و بحران‌های منطقه‌ای را دامن زده‌اند. بحران‌های سیاسی، اختلافات مرزی، جنگ‌های منطقه‌ای در ذات و بافت تاریخ شکل این دولت‌ها نهفته است.

مطالعه وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی افغانستان وقتی میسر است که ما در رابطه با ملل منطقه، به خصوص ایرانی‌ها و مردم آسیای میانه، محیط تاریخی و تاریخ اجتماعی این سرزمین را بدانیم و در پی شناخت تاب‌ها و بازتاب‌های ناشی از کشاکش‌ها، دخالت‌ها، ترسالی‌ها، خشکسالی، قحطی‌ها، کوچ‌ها و هجرت‌های بزرگی برآییم که اسباب تشکیل مرزهای موجود این کشور را فراهم کرده‌اند.

گفتنی است که مراد نگارنده از این پیش درآمد فشرده، ارائه تصویری کلی از سرزمینی است که به هیچ روی نمی‌توان صورت بندی تکامل اجتماعی آن را جدا از جامعه‌شناسی تاریخی ملل مجاور به بررسی گرفت و تاریخت آن را به اثبات رسانید. بنابراین،



نخست به ریشه های موضوع می پردازیم و بعد از آن در گستره یک فلات پهناور شامل ایران، افغانستان و آسیای میانه نظام های زمینداری را در سده های میانه می سنجیم.

نکته دیگر اینکه در افغانستان نمی توان از نظام یکدست تولیدی سخن راند. چنان که در بالا اشاره کردیم نه تنها روند شکل گیری جغرافیای سیاسی کشورهای منطقه ما معروض با عوامل ناهنجار غیرطبیعی بوده است بلکه اجزای ساختاری جامعه افغانی نیز به شدت از چنان عوامل نابابی تأثیر پذیرفته اند و موجودیت جزایر پراکنده ای از اقوام، مذاهب، فرهنگ ها، زبان ها و شیوه های متفاوت تولیدی را می رسانند. ولی به عنوان یک قاعده کلی می توان اذعان کرد که زمین و آب، مهم ترین منابع تولیدات کشاورزی به شمار می روند و می توان ادعا کرد که هنوز جامعه ای زمین بسته است و زمین بستگی به درجات متفاوت بر روابط معیشتی اثر می گذارد. مهم ترین تناقض تاریخ کشور را دو بیکرانگی تشکیل می دهند یکی وفور دشت ها و اراضی بیابانی و نیمه بیابانی و دیگری کمی آب. این پراودکس، تاریخ اجتماعی و سیاسی را نیز دچار محدودیت کرده و بر اقلیم ذهن مردم تأثیری ژرف گذاشته است.

در منطقه هرکسوری به مقتضای اوضاع و احوالش به حل و رفع این تناقض اقدام کرده و تجاربی از گونه شورش ها، سرکوب ها و انقلابات اجتماعی را پشت سر گذاشته است. برای نمونه، در تاریخ معاصر ایران انقلاب مشروطه، اصلاحات ارضی محمدرضا شاه پهلوی و انقلاب سال ۱۳۵۷ هجری شمسی تا حدودی بازتاب های مناسباتی بوده اند که از همان سرچشمه ها آب می خورند و هنوز هم استقرار حاکمیت موجود در ایران را عسرت دهقانان کم زمین و بی زمین و محرومیت روستائیان آواره ای تهیه می کند که حاشیه نشین شهرها هستند. افغانستان نیز که دو رفورم ارضی ناکام را پشت سر گذاشته است چنان در غرقاب معضل زمین و آب و پیشرفت اجتماعی دست و پا می زند که بود و نبودش را به خاطر نیم نان و نیم نفس در گرو گذاشته است. کشورهای آسیای



میانۀ از سکوی جوامع فلاحی با پرشی بی هنگام و غیرطبیعی به سوی سوسیالیسم پریدند و دو شکل مالکیت دولتی و نیمه دولتی "کلخوز" "سلخوز" را تجربه کردند و بعد از انهدام دولت اتحاد شوروی، بار دیگر در پله های نخستین سده حاضر قرار گرفتند و شاید بزرگ ترین بازنده تاریخ صد سال اخیر همان ها باشند که از نو به اصلاح غلط خوانی های تاریخ شان نشسته اند.

بدین گونه طرح مسالۀ زمین و آب و حاکمیت های ناشی از آن از دیرباز با اصطلاحات و مقولاتی چون نظام ارباب رعیتی، نظام خان خانی، نظام ملوک الطوایفی و نظام فیودالی قالب شده است که شاید بحث انگیز ترین مضمون جامعۀ شناسی زمان در محدوده منطقه باشد.

اشکال مالکیت زمین در افغانستان از قدیم الایام تا پایان دهه ۷۰ عمدتاً از این قرار بوده است: اراضی دولتی، اراضی سلطانی، اراضی خصوصی، اراضی وقفی اراضی مشترک جماعات گله دار و روستایی. از لحاظ بهره برداری و تولید کشاورزی، املاک خصوصی در درجه اول اهمیت قرار دارد و در درجات دوم و سوم اراضی سلطانی و دولتی قرار می گیرند.

اراضی دولتی

هرچند آمار دقیقی از مساحت اراضی دولتی را در اختیار نداریم ولی تا پیش از کودتای ماه ثور (اردیبهشت ۱۳۵۷) حدود دو میلیون جریب، معادل چهارصد هزار هکتار زمین دولتی زرع می شد. بخشی از این زمین ها در مناطق "نگرهار" "ارغنداب" و



"وادی هیرمند" به شکل مزارع دولتی قابل استفاده بود و بخش دیگر به شکل اجاره و سهمیه کاری در اختیار دهقانان قرار می گرفت.

اراضی سلطانی (صوافی)

این طرز مالکیت از بدو سلطه امویان در کشورهای اسلامی تا ادوار بعدی رواج داشت و در زمان تمرکز قدرت در دست غزنویان بیشتر باب شد. سلطان محمود املاک ملاکان بزرگ سرزمین های مفتوحه را مصادره می کرد و بر املاک شخصی خود می افزود. این روش در دوره سلجوقیان نیز دنبال شد و در عهد مغول گسترش یافت. سلاطین و فاتحان بعدی تا نیمه قرن بیستم همواره خود را وارث املاک وسیع سلطانی می دانستند.

اراضی سلطانی معمولاً از بهترین زمین های آبی و حاصلخیز در حومه شهرها بود و بخش عمده آن را باغ های مثمر تشکیل می داد. بهره برداری از زمین های سلطانی معمولاً توسط ملاکان و کارگزاران دولت در مرکز و ولایات از طریق استعمار دهقانان وابسته به ملاکان بزرگ، براساس مزارعه یا کار مجانی، به شکل بیگاری صورت می گرفت.

شاه امان الله در دهه سوم قرن بیستم اراضی سلطانی را در عوض قیمت ناچیزی به دهقانان واگذار کرد ولی از آن جا که حق تقدم از آن کسانی بود که بهای آن را نقداً می پرداختند بخش بزرگ آن اراضی به ملاکان تعلق گرفت که قیمت آن را نقداً پرداخته بودند.



اراضی وقفی

د افغانستان اراضی وقفی خپلی کم است. براساس فقه اسلامی هرکس می تواند به موجب وصیتنامه ای هرچیز، به خصوص عقار (اموال غیرمنقول) خود را به نفع مؤسسات مذهبی یا خیریه (مساجد، مراقد اولیا، بیمارستان ها و مراکز متبرکه) وقف کند. نقش تاریخی موقوفات همواره این بوده که منبع درآمد روحانیون را فراهم کند. شاه امان الله اراضی موقوفه را در اختیار کشاورزان قرار داد ولی در حکومت های بعد از او، آن زمین ها کماکان منابع ارتزاق روحانیان را تشکیل می داد.

اراضی مشی ترک گله داران و جماعات روسستانی این اراضی، قلمرو کوچ صحرانوردان، چادرنشینان و گله داران روستائی است که نظر به گذشته بسیار محدود شده و منطقه آنها سی و هشت میلیون هکتار زمین قلمداد می شود. از نظر اسلامی تمام اراضی لامالک اعم از قابل کشت یا بایر، علفچر و کوهسار و تمام منابع آبها و کوه های داخل مملکت که افراد و اشخاص اسناد مالکیت آنرا نداشته باشند ملک دولت شناخته می شود و فقط رئیس دولت می تواند به کسی هبه کند و یا درعوض خدمات ملکی و نظامی افراد معین، به طور اقطاع تملیک، یا اقطاع الاستغلال از ملکیت دولت مفروض نماید. معهداً دامداران کوچی و روستائیان کشور سنتاً این حق را داشته اند که از املاک کوهپایه ها، دره ها، دشت ها و علفچرها در حومه شهرها برای تعلیف احشام خود استفاده کنند و تنها مالیات حواشی به دولت بپردازند.

در سال ۱۹۴۳ فرمانی به امضای محمد ظاهر شاه صادر شد که تمام کوه ها، چراگاه ها و منابع عمومی آب مطابق شریعت اسلامی ملکیت دولت و مربوط به شاه است و هیچکس حق مالکیت بر آنها را ندارد.



اراضی شخصی (خصوصی)

این شکل اراضی، عمده ترین بخش زمین های زراعتی را در کشور تامین می کند و درآمد عمده داخلی نیز از طریق بهره برداری از مالکیت های زراعی خصوصی که در افغانستان معروف به اراضی مالکی است تدارک می گردد. مجموع اراضی خصوصی بنابر آخرین آمار رسمی وزارت زراعت افغانستان ۴۵۰۰۰۰۰ هکتار است. اراضی مالکی خصوصی را به اعتبار کمیت و مساحت شان چنین تصنیف کرده اند: اراضی مالکان بزرگ، اراضی مالکان متوسط، اراضی مالکان کوچک (خرده پا) و اراضی دهقانی.

چنگ وونگی رواب ط ارباب رعیت

مالکان بزرگ در حالی که تعدادشان از ۳ تا ۴ درصد از مجموع خانوارهای زارع در افغانستان تجاوز نمی کرد بیش از ۷۰ درصد زمین های آبی را در تصرف داشتند. آنها زمین هایشان را به واسطه مباشران و ناظران محلی به طور مزارعه یعنی اجاره و سهم کاری، به دهقانان بی زمین و کم زمین می دادند.

شکل عمده مزارعه، سهم داشتن در محصول زمین بود و این نشانه ای از پسمانی اقتصادی و عدم شفافیت مناسبات پولی در کشور است. ولی در دهه های اخیر (دهه های ۶۰ و ۷۰) نظر به رشد بورژوازی اجاره زمین به آسانی پول رایج گردید.

اگر زمین، آب، تخم بذری، حیوانات کار و ابزار تولید از ارباب می بود و مالیات را ارباب می پرداخت، سهم دهقان در عوض نیروی کارش یک چهارم و گاهی یک پنجم بود و چهارپنجم محصول به مالک زمین تعلق می گرفت. هرگاه دهقان، صاحب ابزار کار و حیوانات و تخم بذری می بود، آن گاه ثلث یا نصف محصول زمین را زارع تصاحب می کرد، اما در صورت بهره گرفتن از مناصفه



محصول، مکلف بود تا مناصف مالیات ارضی را نیز بپردازد. در استان های غربی کشور "ثلث" و "مناصف کاری" مروج بود و دهقان مزارعه گر نظر به رواج محل ثلث یا نصف محصول را مستحق می شد.

کار بیگار همه جا بر عهده دهقان بود و سقط خواران، دکانداران زمیندار و زمینداران مرفه، هنگام احتیاج به کشاورزان پی بضاعت پول با سود بسیار بالا قرض می دادند که به در دسر هرچه بیشتر دهقانان می انجامید.

در بخش دامپروری یا دامداری، دامداران بزرگ که هریک اضافه از هزار گوسفند داشتند اموری چون شبانی، چیدن و رشتن پشم گوسفند، دوشیدن و تهیه لبنیات را بر خانواده های دهقانان و شبانان تحمیل می کردند.

خوش نشینان یا اهالی غیـر زارع

در روستاهای افغانستان افزون بر ملاکین و کشاورزان عده ای به نام «خوش نشین ها» بخش کوچکی از باشند های روستاها را تشکیل می دادند. اینها متشکل از آهنگران، نجاران، کوزه گران، بوریابافان و سرتراشان بودند. در ضمن حدود ۴۰ هزار کارگر ساختمانی، ۱۱۴ هزار روشنفکر و روحانی، ساکنان خوش نشین روستاها را تشکیل می دادند.

تا این جا شکل هایی از مناسبات ارضی و شیوه های بهره برداری از زمین در افغانستان را بیان کردیم که تفاوت چندانی با سیمای مالکیت ارضی در دو کشور ایران و پاکستان ندارند. اما در بخش هایی از جنوب و جنوب شرق افغانستان قبایلی وجود دارند که کماکان با مالکیت جمعی بر زمین و آب و مراتع و جنگل ها امرار معاش می کنند و یادآور «شیوه تولید آسیایی» هستند که در آثار مارکس، انگلس و دیگران بازتاب یافته است .



مناسبات فیودالی و رشد تفاوت های اجتماعی تا اوایل قرن بیستم اکثریت قبایل پشتون به طبقات آشتی ناپذیر جامعه فیودالی مبدل گردیدند و از اواسط قرن ۱۹ در میان آنها نطفه های سرمایه داری پدید آمد. مالکیت دولتی بر زمین جنبه حقوقی داشت و در عمل، با رشد پروسه فروپاشی مناسبات جامعه اولیه قبیله ای، اراضی زراعتی هرچه بیشتر مربوط به مالکین خصوصی گردید. در عین حال، امیران مطلق العنان افغانستان می توانستند اراضی هرکسی را که مایل بودند غصب کنند و به دیگری بدهند.

مالکیت دولتی بر تمام افغانستان نتیجه حاکمیت «کمون حاکم» و یا «خیل» (قبیله) بر کمون های دیگر بود. مالیات دولتی که از طریق مأمورین محل و سران «خیل ها» و قبایل جمع آوری می شد در واقعیت یا بهره فیودالی و یا «رنت فیودالی» تطبیق می کرد. به عبارت دیگر، رؤسای کمون های حاکم در عین حال رؤسای دولت نیز بودند و مالیات جنسی بر زمین که در آن زمان ۲۵ درصد ارزش کل محصول را تشکیل می داد درواقع بهره فیودالی یا مالیه به سود خزانه دولت پنداشته می شد.

زندگی و شایه تولید کشاورزی قبایلی نورستان نورستانی ها در دره های شمال شرقی سلسله کوه های هندوکش در مساحتی حدود ۹ هزار کیلومترمربع زندگی می کنند. نورستان پوشیده از جنگل های انبوه و دره های عمیق است و به همین سبب ارتباط وسیعی بین قبایل آن جا برقرار نیست و همین امر موجب شده که اتحادی در سطح یک «قومیت واحد» بین آنها پدید نیاید.

قبل از تصرف نورستان توسط نیروهای عبدالرحمن خان در اواخر قرن نوزدهم که منجر به ترویج آئین اسلام در آن سامان گردید مسلمانان گرد و نواح، آنها را به دو قبیله عمده، «کافران سفید» و «کافران سیاه» تقسیم می کردند و چنین تمایزی بر مبنای پوشاک شان صورت گرفته بود.



نورستانی ها مردمانی خوش اندام، زردمو و چشم آبی اند و همین قراین موجب شده که شماری از محققان نورستانی ها را از بقایای سپاه اسکندر مقدونی بدانند که از راه نورستان بر هند لشکر کشیده بود. جورج مورگنستیرن معتقد است که همه زبان های نورستان زبان های آریایی اند و یکی از شش زبان آنها دهمیلی (Dahmili) زبانی هندی و نه زبانی ایرانی بلکه اولین زبان آریایی است. تا زمان یورش لشکریان امیر عبدالرحمن خان در «کافرستان»، مالکیت کمون های زراعتی برقرار بود. بر بنای همین مالکیت اجتماعی کمون های زراعی بر عمده ترین وسیله تولید (زمین)، می توان ادعا کرد که دو بنای بالنسبه پیشرفته (قبیلوی-پدرسالاری) پی ریزی شد و قرن ها دوام آورد. دکتر رنجبر نتیجه می گیرد که پروسه گذار از جوامع بدون طبقات به طبقاتی، از طرق مختلفی صورت گرفته که نمی توان همه را با روندی یگانه قالب کرد و به بررسی گرفت.

شماری از جوامع بشری، از جمله اسلاوها در اروپا و قبایل پشتون در آسیا بدون عبور از مرحله بردگی، وارد فیودالیسم شده اند. بنا بر آن گذر از کمون اولیه به فیودالیسم، بدون گذر از فرماسیون بردگی، در برخی از نواحی جهان نباید شیوه تولید جداگانه ای تلقی شود. شناخت عمیق تر ما از نورستان، بدون شبیه، زوایای تاریک آن مرحله گذار یا حد فاصل از جوامع بی طبقات را به طبقاتی روشن می کند. پس اگر نورستان را آزمایشگاه مطالعات آنتروپولوژیک، اتنولوژیک و سیولوژیک آریانای باستان بدانیم بی مورد نخواهد بود.

نتیجه گیری

شایان ذکر است که نمادی از جامعه شناسان، نظام زمینداری حاکم برفغانستان را تحت تأثیر مشابهت های صوری و یا گرایش های ایدئولوژیک بافیودالیسم سده های میانه در اروپا یکی دانسته اند.



همچنین اکثر محققان اتحاد شوروی سابق به تبعیت از سیاست رسمی کوشیده اند تاریخ تکامل جوامع را در آئینه همان پنج دوره مارکسیستی تحول تاریخ ببینند و عده ای را ترغیب نمایند تا با استفاده از خلط مبحث مفاهیم به ظاهر مشابه در دو شکل نظام زمینداری را با هم اقتباس نمایند و به نتایج غلط برسند. آن عده که نظریات مارکس را در این باب مرجع قرار داده اند بی گمان، بی گذار به آب زده اند. چه مارکس و انگلس در آثار معتبری چون کاپیتال، گروندرسیه (نقد اقتصاد سیاسی)، آنتی دورینگ و غیره، فرماسیون «شیوه تولید آسیایی» را برای تبیین نظام زمینداری خاور زمین مرجع دانسته اند.

مارکس براین باور است که مناسبات اجتماعی هند، برغم تنوعی که در تصویر سیاسی این سرزمین از قدیمی ترین اعصار تا دهه اول قرن ۱۹ موجود بود، تغییر نکرده و کسانی را که نظام زمینداری هند را فیودالیسم می دانستند "حمار" گفته است و این موضع را در شرایطی اختیار کرده که در پژوهش هایش به وجود انواع مالکیت خصوصی بر زمین پی برده بود. او در ابراز این نظر از کتاب A. Aryan Village روستای آریایی نوشته J. B. Phear الهام گرفته که شرح مفصلش در کتاب دیگری به نام دفترهای مردم شناسی کارل مارکس تألیف شده است. همین طور در رابطه با ساخت اقتصادی-اجتماعی افغانستان، ایران و آسیای میانه نظر غالب دانشمندان این است که نظام مسلط زمینداری در فلات ایران با فیودالیسم نمی خواند. احمد اشرف دانشمند ایرانی در این باره معتقد است که سلسله مراتب فیودالی در میان نبود و دهقانان به جای این که به وسیله بزرگان با دستگاه حکومت مرکزی و شخص شاه در تماس باشند سر راست زیرفرمان وی بودند. بدین ترتیب وجود قراردادهای فیودالی روابط فیودالی و سلسله مراتب فیودالی در این دوره مورد تردید فراوان است.

موریس گودلیه دانشمند فرانسوی در این باب آورده است که اختلاف اساسی بین نظام زمیندار آسیایی و فیودالیسم غربی از این قرار است: در شیوه زمینداری شرقی علی العموم دولت همچون نماینده تمام اجتماعات، مالک زمین است و استثمار کشاورزان به



طور جمعی صورت می گیرد و وابستگی فرد به کارگزار دولتی غیر مستقیم بوده و از بستگی اجتماعی فرد به دولت عبور می کند که کارگزاران نماینده آن می باشند. برعکس در سیستم فیودالی، کشاورزان بطور انفرادی با ارباب که مالک زمین هایشان است مستقیماً بستگی دارند و سازمان اجتماعی کشاورزی نیز کمتر به صورت گروه همخوان دیده می شود.

پروفسور وارگا که از طرفداران جدی شیوه تولید آسیایی بود و آثار انتقادی زیادی در رد نظریه پنج پله ای تحول تاریخ نوشته است، در این باب چنین آورده است: منظور مارکس از عنوان شیوه تولید آسیایی بافت خاصی است که اساس آن را باید جداگانه در ساخته های دیگر (پادشاهی متمرکز، بیگاری، بهره مالکانه و غیره) پیگیری کرد. آنچه مارکس و انگلس را بیشتر به این عنوان ها جلب می کرد این بود که با این عنوان یک پروسه ظهور دولت و استثمار طبقاتی پس از جامعه اشتراکی اولیه نشان داده می شود. در حدی که مارکس و انگلس این پروسه را با تحقق کارهای بزرگ از جمله سد سازی، حفر نهرها و احداث شبکه های عظیم آبیاری مرتبط می کند، این پروسه مختص بعضی از جوامع آسیائی می شود و کلید استبداد شرقی را به دست می دهد.

اسناد و شواهد بالا می رسانند که سیستم بهره برداری از زمین در افغانستان با فئودالیسم تفاوت ماهیتی دارد، گرچه فئودالیسم در مغرب زمین از پتانسیل و ظرفیت کافی برای تحول به سرمایه داری برخوردار بود در صورتی که نظام زمینداری در افغانستان، نظامی کندپو و در مواردی سترون است و شباهت ظاهری یا همانندی های صوری با فئودالیسم اروپایی به هیچ صورت همگونی سرشتی آن دورا به اثبات نمی رساند.



۲,۲۴ چینه شناسی و دیرینه شناسی

با توجه به نقشه زمین شناسی عمومی تهیه شده توسط کار شناسان افغانی و روسی با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰، به روشنی ملاحظه می گردد در افغانستان رسوبات و سنگهای با سنین تمامی دورانها و دوره های زمین شناسی در سطح زمین برتردگی دارند:

۲,۲۴,۱ آرکئن و پروتروزویک

سنگهای این دورانها در نواحی شرقی افغانستان، شامل سنگهای دگر گونی مثل گنیس و... می باشند. علاوه براین از غرب کابل به امتداد سلسله کوه پاراپامیز نیز یک نوار با سن پر کامبرین وجود دارد. سنگهای ماگمایی همچون گرانیت با سن پروتروزویک نیز در این مناطق شناسایی شده اند.

۲,۲۴,۲ دوران پالئوزویک

رسوبات مربوط به دوران پالئوزویک در سلسله کوههای پاراپامیز و هندوکش گسترش زیادی داشته است و در شرق کشور کوههای "واخان" نیز کلا از رسوبات این دوران تشکیل شده است. بعلاوه رسوبات و سنگهای دوران پالئوزویک در بدخشان، بغلان، نواحی



اطراف کابل و به طرف غرب در امتداد رشته کوههای سفید کوه و سیاه کوه تا حوالی هرات در غرب توسعه یافته است یک نوار دیگر از این رسوبات به طرف جنوب غرب از حوالی کابل تا نزدیکی رود خانه هلمند ادامه یافته است .

۲,۲۴,۳ کامبرین

در بدخشان شامل سنگهای آهکی دولومیت ها و ماسه سنگهاست. در نواحی دیگر سنگهای کامبرین را به سختی می توان از سنگهای پری کامبرین جدا نمود.

۲,۲۴,۴ اردوئیسین

رسوبات اردوئیسین در بدخشان شناسایی شده که شامل ماسه سنگهایی با فسیل تری لوبیت ها بوده و همچنین در رود خانه لوگر رسوبات با فسیل براکیو پود های شاخص این دوره شناسایی شده است .

۲,۲۴,۵ سیلورین

در مناطق بدخشان، حوالی رودخانه لوگر و نواحی شرقی جلال آباد رسوبات این دوره گسترش زیادی داشته و شامل سنگهای آهکی و ماسه سنگ همراه با فسیلهای کرینوتید، ارتورسراس و براکیوپودها می باشد.



۲,۲۴,۶ دونین

همراه با رسوبات دوره سیلورین بوده و در حوالی کابل شامل سنگهای آهکی می باشد که با فسیلهای براکیو پودها، کرینوتیدها و مرجان ها همراه است. علاوه براین در شرق هرات در کوههای سفید کوه لایه های دونین همراه با مواد آتشفشانی به صورت بین لایه ای دیده می شود.

۲,۲۴,۷ کریونیفیر

این رسوبات در مناطق بدخشان، جنوب غرب کابل، حوضه رود خانه هلمند و همچنین در شرق هرات مشاهده می شود که شامل ماسه سنگ، اسلانههای گلی و سنگهای آهکی و رسی می باشد. در نواحی هرات و در بعضی مناطق دیگر در این رسوبات لایه های زغال دار کشف شده است.



۲,۲۴,۸ پرمین

رسوبات و سنگهای این دوره در اکثر مناطق افغانستان گسترش زیادی دارد. در حوالی کابل و حوضه رود لوگر، شامل سنگهای آهکی می باشد ولی در حوضه هریرود، علاوه بر سنگ آهک، شامل ماسه سنگها و کنگلومرا های سرخ، سبز، و خاکستری و سنگهای رسی می باشند. در این رسوبات میکروفسیلهای بزرگ از جمله فرامینفر ها و براکیوپود ها، مرجانها به فراوانی یافت می شوند. بطور کلی ضخامت رسوبات پالئوزویک در افغانستان در حدود ۱۰ هزار متر می باشد.

۲,۲۴,۹ دوران مزوزوئیک

سنگهای به سن مزوزوئیک، بیش از همه در شمال افغانستان گسترش یافته است، مخصوصا در قسمتهای شمالی کوههای هندوکش، ترکستان افغان، پاراپامیز و نیز در نواحی غربی کشور در حوضه فراه رود بخوبی مشاهده و مطالعه شده است.

۲,۲۴,۱۰ تریاس

در بدخشان (قطغن)، نواحی شمالی کوه بند ترکستان، منطقه کابل، شرق هرات، حوضه لوگر و... ترکیب این رسوبات بسیار متغیر و متفاوت می باشد، در بدخشان از لایه های ضخیم ماسه سنگی و سنگهای رسی و کنگلومرا تشکیل شده در حالیکه در نواحی کوه



بابا و نیز منطقه هرات رسوبات این دوره همراه با سنگهای آتشفشانی می باشد. در منطقه کابل و شمال قند هار نیز بطور کامل از کربناتهایی چون سنگ آهک و دولومیت تشکیل شده است.

۲,۲۴,۱۱ ژوراسیک

در شمال هندوکش، بغلان، شمال قندهار و جنوب کوههای پاراپامیز غربی گسترش زیادی داشته و در شمال از تناوب ماسه سنگهای همراه با عدسیها و طبقات زغالدار تشکیل شده است. علاوه بر این لایه های گچی، آنهیدریت و نمک طعام نیز به وفور یافت می شود.

۲,۲۴,۱۲ کرتاسه

رسوبات این دوره نیز در اکثر مناطق افغانستان گسترش فوق العاده زیادی دارد: در شمال کوه بند ترکستان، قسمت علیای رود مرغاب، سرپل و بند بابا در جنوب کشور نیز این رسوبات تقریباً در تمام منطقه " هزارجات"، فاصله بین دو رود هلمند و هریرود را پوشانده است. در ستون چینه تیپیک این دوره در قسمت پائین شامل کنگلومرا ها و ماسه سنگها و فلیش است که بعضاً سنگهای آتشفشانی نیز مشاهده می گردد. در قسمت بالایی این ستون بیشتر سنگ آهک و سنگهای رسی دیده می شود. در حوالی هرات بعضاً لایه های رنگارنگ گچ دار نیز به این مجموعه اضافه می گردد.



۲،۲۴،۱۳ دوران سنوزوئیک

بطور عمده رسوبات این دوران در نواحی پست منتهی الیه شمالی و جنوب غربی کشور، یعنی در دشتهای شمال، در حوالی شاهراه هرات- قندهار، دشت مارگو، ریگستان نیمروز، دشت اربو و... در جنوب شرقی کشور در شمال کوههای سلیمان نیز این رسوبات دیده می شود.

۲،۲۴،۱۴ پالئوژن

رسوبات این دوره در شمال افغانستان شامل "میر گل ها" سنگهای رسی، سنگهای آهکی می باشد که بعضا با سنگهای آتشفشانی مانند آندزیت، بازالت و توف همراه است که این وضعیت در نواحی مرکزی و غربی افغانستان نیز مشاهده می گردد. در نواحی جنوب شرقی و حوالی کوههای سلیمان، رسوبات این دوره با نام عمومی "فلیش" یاد می شوند که شامل تناوبی از ماسه سنگها و سنگهای رسی می باشند.

۲،۲۴،۱۵ نئوژن

رسوبات این دوره در شمال افغانستان از ضخامت بیشتری بر خور دار است و شامل کنگلومرا ها، ماسه سنگها و گل سنگها می باشند.



در نواحی غربی افغانستان سنگهای سرخ و سنگهای نفوذی آذرین دیده می شود. در حوالی کابل، بامیان و جلال آباد طبقات ضخیم و رنگی کنگلومرا ها، ماسه سنگها و سنگهای رسی که بعضا با لایه های گچی نیز همراهند، برونزد دارند.

۲،۲۴،۱۶ کوارترنری

رسوبات این دوران که شامل رسوبات عهد حاضر نیز می گردد، هرچند که در سیستم روسی با نام "آنتروپوجین" (بعلت ظهور انسان در این دوران) یاد می شود ولی نام "کوارتر نری" از شهرت بیشتری برخوردار است.

رسوبات این دوران بصورت یک پوشش نه چندان ضخیم نواحی فرورفته و مناطق بین کوهها را پر نموده است. در نواحی شمال در ساحل رود آمو، در جنوب شرق در مناطق بین گردیز و غزنی و قندهار و نیز در مجرای پایین هریرود از گسترش زیادی برخوردار است. علاوه بر این در بیابانهای غربی و جنوبی کشور رسوبات این دوران توسعه فراوانی دارد. جوانترین سنگهای آتشفشانی افغانستان نیز به این دوران تعلق دارد، مثل آتشفشان "خانشین" در نیمروز، کوه اربو و آتشفشانهای نواحی شرقی شهر غزنی در دشت ناوور.

جنس این رسوبات شامل کنگلومرا های نرم ، ماسه سنگ، رسوبات بادی و مخروطهای رود خانه ای می باشد. در کوههای هندوکش رسوبات یخچالی دوران چهارم نیز به چشم می خورد. در نواحی پست شمال کشور، رسوبات لسی بادی نیز از گسترش قابل توجهی برخوردار است.



۲,۲۴,۱۷ تالاب هامون از دیدگاه زمین شناسی و تکتونیک

دشت سیستان و قسمتهای شرقی آن در افغانستان تحت عنوان دلتای هیرمند در آخرین دوران زمین شناسی در اثر انباشته شدن رسوبات و آبرفتهای حاصل از آب های جاری به ویژه هیرمند پر شده و به شکل کنونی در آمده است . بنابراین هامون فرونشست تکتونیکی کم عمقی است که به صورت دشتی هموار میان گسل های اصلی هریرود در غرب و گسل چمن افغانستان در شرق قرار گرفته است و پایانه تجمع آبهای هندوکش و شاخه های سرچشمه گرفته از ایران می باشد. بررسی ها نشان می دهد که این دریاچه در دوره پلیوستوسن گسترش بیشتری داشته که دلیل عمده آن ذوب یخچال های رشته کوههای هندوکش بوده است.

۲,۲۴,۱۷,۱ رسوب گذاری

رودخانه هیرمند آخرین رسوبات خود را در دریاچه هامون بجا می گذارد و اراضی مناسبی را جهت کشاورزی، منابع طبیعی ، دامداری و حیات وحش ایجاد می نماید ؛ اما همین اراضی مستعد، در زمان خشکسالی بستر برداشت رسوبات ریزدانه شده و طوفان های شدید، گرد و غبار را بوجود می آورند.



۲,۲۴,۱۷,۲ نفوذ پذیری

منطقه هامون از تنوع زمین شناسی چندانی برخوردار نبوده، عموماً از رسوبات کواترنری تشکیل شده و بدلیل وجود عناصر ریز دانه رس و سیلت ، غیر قابل نفوذ می باشد.

۲,۲۴,۱۷,۳ فرسایش پذیری

همان طور که ذکر شد منطقه هامون یک عرصه دشتی هموار متشکل از رسوبات کواترنری است و تنها سازند سخت آن کوه خواجه می باشد که از روانه های بازالتی تشکیل شده است . با توجه به اینکه رسوبات کواترنری در سیستم تقسیم بندی فرسایش، جزء اراضی خیلی حساس محسوب می شوند، می توان گفت که تقریباً کل منطقه حساسیت زیادی به فرسایش دارد؛ اما بدلیل اینکه در شیب های بسیار اندک واقع شده اند آثار چندانی از فرسایش آبی بر روی آنها مشاهده نمی شود و تنها محدود به کناره آبراهه هاست. فرسایش در منطقه سیستان عمدتاً از نوع بادی است که مربوط به اقلیم منطقه می باشد .

۲,۲۴,۱۷,۴ ارتفاعات پستی و بلندی ها

کوه خواجه با ارتفاع تقریبی 609 متر از سطح دریا (حدود ۱۰۰ متر از سطح زمین) ، تنها عارضه طبیعی دشت سیستان است که در هنگام پر آبی به صورت جزیره کوچکی میان هامون هیرمند دیده می شود. پست ترین نقاط در بخش های جنوبی و شمالی هامون با ارتفاع ۴۶۷ متر از سطح دریا قرار دارند.



مهم ترین جریان سطحی تغذیه کننده دریاچه هامون ، رودخانه هیرمند به شمار می آید که از کوه های بابایغما در ۶۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه گرفته و حوزه آبخیز وسیعی به وسعت حدود ۳۵۰ هزار کیلومترمربع را شامل می شود . فراه رود، هاروت رود ، خاش رود، خوسپاس رود و بوداین یا خاره مهمترین رودخانه های بخش شمالی و شمال شرقی هستند که به هامون هیرمند وارد می شوند. رودخانه هیرمند با طی مسافتی حدود ۱۱۰۰ کیلومتر در مکانی به نام جریکه در مرز ایران و افغانستان به دو شاخه اصلی پریان و سیستان تقسیم می شود. رودخانه پریان مشترک که حدوداً ۲۰ کیلومتر بر روی مرز ایران و افغانستان جریان می یابد به همراه خاش رود، رودخانه گلمیر و انشعابات شمالی رودخانه هیرمند مهمترین منابع تأمین کننده آب هامون پوزک می باشد.

منابع اصلی تأمین کننده آب هامون صابری ، شعبات رودخانه هیرمند شامل پریان داخلی ، رودخانه ملکی ، رود نیاتک و سایر شاخه های فرعی شمال رودخانه هیرمند می باشد. علاوه بر آن ها فرزاده رود واقع در خاک افغانستان و سرزیر هامون پوزک ، در مواقع پربانی ، به آب های زیرزمینی ، به ایستگاه های پمپاژ و به رودخانه های جاری می شود.

سیستان رود شاخه دیگری است که در ابتدای آن مخازن چاه نیمه قرار گرفته است ؛ این رود حدود ۷۰ کیلومتر از عرض دشت سیستان را طی نموده و به هامون هیرمند می ریزد. بر روی این رودخانه سدهای انحرافی کهک، زهک و سیستان احداث شده اند که آب مورد نیاز اراضی کشاورزی را تأمین می نمایند. منبع دیگر تغذیه کننده آب این هامون علاوه بر سرریز صابری، رودخانه های فصلی حسین آباد، رود شور، رود ترش آب، رود حرمک و رود چاهک هستند که از بخش غربی هامون هیرمند به آن وارد می



شوند. مهمترین آنها رودخانه شور با دبی متوسط سالانه 120 میلیون متر مکعب و حسین آباد با دبی متوسط سالانه 49 میلیون

متر مکعب می باشد.

میزان ورود آب در بالا دست رودخانه هیرمند بسیار زیاد است اما پیش از رسیدن به ایران، به علت برداشت زیاد توسط افغانها، از آب آن به شدت کاسته می شود. رودخانه هیرمند دارای رژیم آبدهی برف و باران است؛ بنابراین در بهار بیشترین دبی را دارد و حدود 85٪ آبدهی آن مربوط به ماه های بهمن تا خرداد می باشد. متوسط حجم آب سالانه آن در ابتدای ورود به دشت در خاک افغانستان برابر با 12 میلیارد متر مکعب است که حدود 6 میلیارد آن به منطقه سیستان وارد می شود که البته این مقدار بسیار متغیر است مثلاً در سال آبی 70-69 آبدهی هیرمند 3/13 میلیارد متر مکعب بوده است.

در شرایط سیلابی که دریاچه هامون پر آب می گردد مازاد آب هامون هیرمند توسط رودخانه شيله در مرز جنوبی دریاچه زهکشی شده و نهایتاً به شورم زار گردد. رود زره واقع در افغانستان تخلیه می گردد. بدین ترتیب قسمتی از آب هامون از دسترس خارج می شود، اما این جریان، باعث افزایش کیفیت آب هامون ها می شود. لازم به ذکر است که منابع آب زیرزمینی دشت سیستان بسیار محدود بوده و برای تامین آب مورد نیاز انواع مصارف منطقه قابل توسعه و بهره برداری نمی باشد.

۲,۲۴,۱۷,۶ خشکسالی

دریاچه هامون دارای اکوسیستمی خاص و تقریباً منحصر به فرد است به نوعی که در تاریخ حیات خود تغییرات و دگرگونی های بسیار زیادی را شاهد بوده، برای مثال در بعضی سال ها به طور کامل خشک شده اما مجدداً تجدید حیات نموده است. در شرایط



عادی نیز شاهد ایام پر آب و فصول خشک هستیم: بنابراین سطح دریاچه به خاطر شرایط آب و هوایی ویژه دائما در حال تغییر است که این پدیده، تاثیر خود را بر روی حیات منطقه خواهد گذاشت.

۲،۲۵ لرزه زمینساخت افغانستان

افغانستان در حاشیه جنوبی صفحه اورازیا واقع شده است و محل برخورد صفحه عربی در بخش جنوبی و مرز ترافشارش با صفحه هند در بخش جنوبی است. در بخش جنوبی افغانستان با نرخ ۳۳ میلی متر در سال و حرکت رو به شمال صفحه هند با نرخ بیش از ۳۹ میلی متر در سال در بخش خاوری افغانستان است. حاصل این حرکات، فرورائش صفحات عربی و هند به زیر پلیت افغان و اورازیا است. برخورد صفحات هند و عربی به لبه جنوبی اورازیا بر اساس داده های زمین ساختی، ساختاری، ماگمایی و سن سنجی مربوط به افغانستان و باختر پاکستان، در طی پلیوسن رخ داده است. فرایند برخورد صفحات پوسته در شمال باختر هیمالیا شامل ۳ فاز اصلی است.



- مرحله اول برخورد شامل برخورد و تشکیل زمین درز arc Kohistan-Ladakh-East Nuristan در جنوب اورازیا بوده

است که در ۱۰۰ میلیون سال قبل رخ داده است؛

- دومین فاز برخوردی حدود ۵۰ میلیون سال قبل بین هند و اورازیا رخ داده است؛

- فاز سوم برخورد بین هند و افغانستان نیز در پلیوسن اتفاق افتاده است.

بلوک افغان، در طی ائوسن و میوسن در پاسخ به پیشروی هند به داخل صفحه اورازیا، به سمت جنوب حرکت کرده و همزمان

چرخش بلوک افغان در جهت عکس حرکت عقربه های ساعت در اثر کشش بین قاره های رخ داده و موجب ولکانیسم آکالان و

جابجایی های راست بر را در طول گسل هرات شده است.

همزمان با حرکت رو به شمال صفحه هند نسبت به بلوک افغان یک زمین درز ترافشارش چپ بر در مرز بین صفحات هند و افغان

با شواهدی از مقادیر بالای کوتاه شدگی به وجود آمده است. این مرز برخورد در جنوب و خاور افغانستان صدها کیلومتر پهنا دارد.

وجود گسل های فعال متعدد در جنوب افغانستان با نرخ لغزش بالا سبب رخداد زمین لرزه ها در بخش خاوری و جنوب خاوری

افغانستان در زمین درز ترافشارش پهنه خاور فوق شده است.

زمین لرزه های پوسته ای در مرز شمال خاوری و در داخل بلوک افغانستان متمرکز هستند که حاصل فروانش رو به شمال صفحه

هند هستند. در مقایسه زمین لرزه های پوسته ای در مرز ترافشارش بین هند و افغان کمتر و بخش های مرکزی و باختری

افغانستان فعالیت های لرزه ای کمتری را نشان می دهند. زمین لرزه های با منشأ گوشته در هندو کش واقع در شمال خاور

افغانستان و پامیر در مجاورت تاجیکستان به فراوانی رخ می دهند. این زون لرزه خیز در یک پهنه پرشیب با راستای شمال خاور-

جنوب باختر، طول 700 کیلومتر و ضخامت ۳۰ کیلومتر قرار دارد. این زون به اعماق تقریبی ۳۰۰ کیلومتر امتداد دارد.



کانون زمین لرزه ۲۰۰۹/۰۴/۱۷ در ایالت زمین ساختی زمین درز ترافشارشی خاور افغانستان واقع شده است. این ایالت زمین

ساختی در بخش های شمال خاوری شامل بخش هایی از ارتفاعات هندوکش و سرتاسر پامیراست.

زون ترافشارش خاور افغانستان در بخش های جنوب باختر، در رشته کوه هندوکش دارای شیب 50° - 90° به سمت شمال باختر و

عمق ۳۰۰-۱۰۰ کیلومتر است. در مقابل در بخش های شمال خاور و در ارتفاعات پامیر، شیب 60° - 50° به سمت جنوب خاور و با

عمق کمتر در حدود ۸۰-۲۰۰ کیلومتر می باشد.

سرتاسر این زون لرزه خیز متأثر از فروانش شمال باختری صفحه هند به زیر صفحه اورازیا است (Pegler&Das,

1998). در پهنه دگربرختی شرقی، کرنش پوسته بالایی به دو پهنه دگربرختی تفکیک می شود که شامل یک زون گسلی رانده

در سطح زمین و اعماق کم پوسته و یک کمربند از گسل های امتدادلغز چپ بر با راستای شمال- شمال خاور در لبه صفحه اورازیا

است.

رومرکز زمین لرزه ۲۰۰۹/۴/۱۷ با توجه به فاصله از گسل های فعال به ترتیب در مجاورت گسل های اصلی (Ko), Konar

(SP), Spinghar, Sorobi(SA), Paghman(PM), Gardez(GA)متعلق به پهنه لرزه زمین ساخت ترافشارش خاور

افغانستان واقع شده است.



۲,۲۵,۱ جمع بندی

با توجه به بررسی های لرزه خیزی و لرزه زمین ساخت منطقه افغانستان که بیانگر وقوع رویداد های بسیار مخرب در گذشته بوده است همراه با گسل های فعال ناحیه هندوکش، ضرورت نصب و راه اندازی شبکه ملی لرزه نگاری افغانستان برای مطالعات بنیادین زلزله شناسی و زلزله شناسی مهندسی امری اجتناب ناپذیر است.



۲,۲۵,۲ لرزه خیزی افغانستان

۲,۲۵,۲,۱ ضخامت پوسته

مطالعات ژئوفیزیکی دقیق و کاملی در مورد تعیین ضخامت پوسته و ساختار آن در افغانستان صورت نگرفته و یا نتایج آن در دست نیست. با این وجود گ. پ. گارشکف (به نقل سلوین، ۱۹۸۴) با استفاده از امواج لرزه ای مربوط به کانونهای عمیق زلزله، ضخامت پوسته در ناحیه بدخشان را ۵۱ کیلو متر و در نواحی مجاور مانند پامیر سطح "موهو" را تا اعماق ۷۰-۷۵ کیلومتر تعیین نموده است.

ضخامت لایه های رسوبی در افغانستان بشدت متغیر می باشد و از چند صد متر تا ۲۰ کیلومتر در نوسان می باشد. بعنوان مثال در نواحی از مسیر رودخانه کوکچه (غرب فیض آباد) ضخامت کلی جوانترین سنگهای رسوبی در حدود ۲۰ کیلومتر می باشد اما در نقاط دیگر مثل نورستان، بدخشان جنوبی و...، سنگهای ماگمایی و دگرگونی در سطح زمین ظاهر می شوند. در پامیر ضخامت گرانیت ها به ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر وضخامت بازالت به ۴۰ کیلومتر هم می رسد. ضخامت پوسته در جنوب غرب افغانستان در حدود ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر می باشد.

ساختمان منتل (پوش هسته یا گوشته زمین) در شمال شرق افغانستان بیش از حد پیچیده و مبهم بوده و در آن بیش از ده

لایه متفاوت از لحاظ خواص ژئوفیزیکی بر اساس سرعت امواج لرزه ای شناسایی شده است.



در منتل بالایی شمال شرق افغانستان در اعماق ۱۱۰ تا ۲۴۰ کیلو متری یک لایه با سرعت کم مشخص شده است و لایه های

دیگری در اعماق ۲۴۰ تا ۲۸۰ کیلومتری شناسایی شده که فقط انتشار امواج عرضی از آنها گزارش شده است (سلاوین ۱۹۸۴).

۲,۲۵,۲,۲ لرزه خیزی

افغانستان در مسیر کمربند لرزه خیز مدیترانه واقع شده است و از این رو دارای تاریخچه ای طولانی از ثبت زلزله ها می- باشد. در یک نگاه کلی به نقشه پراکندگی مراکز سطحی زلزله های یک قرن گذشته (قرن بیستم) در افغانستان، دو نکته مهم به چشم می خورد:

- ۱- به رغم قرار گرفتن در یکی از فعالترین مناطق جهان، زلزله های بسیار شدید در این کشور نادر بوده است.
- ۲- پراکندگی مراکز سطحی در کل کشور تابع نظم خاصی نبوده و تنها در شمال شرق کشور (ولایت- بدخشان) از تجمع و تمرکز خاصی برخوردار است.

منطقه شمال شرقی بدخشان فعالترین ناحیه کشور از لحاظ لرزه خیزی می باشد. در این منطقه در فاصله سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۴۴، ۱۰۶۳ زمین لرزه ثبت شده است. اکثر زلزله ها از نوع متوسط و دارای عمق ۶۰ تا ۳ کیلومتر می- باشد. بعد از این منطقه، نواحی پغمان، پنجشیر، تخار، منطقه کابل، بامیان، غزنی و قندهار به ترتیب دارای بیشترین لرزه خیزی بوده اند. از نظر تاریخی قویترین زلزله های افغانستان (بزرگتر از ۷ ریشتر) در بدخشان، کوههای پغمان، بامیان و



میمنه گزارش شده است. زمین لرزه های شدید نواحی اطراف مثل کویته پاکستان و یا تاجیکستان در افغانستان نیز خسارتهایی به بار می آورد و همچنین زمین لرزه های پغمان و نواحی شمالی در کابل بارها خسارت وارد کرده است. در منطقه کابل از ۱۸۸۹ تا ۱۹۴۴، ۱۷ زمین لرزه شدید به وقوع پیوسته است. در سال ۱۹۵۶ زلزله شدیدی (بیش از ۷ ریشتر) در بامیان رخ داد که در اثر آن شهر بامیان و قریه های اطراف آن به کلی ویران شده و ۳۰۰ نفر کشته شدند که در کابل هم اثراتی در بر داشت. اغلب مراکز سطحی زمین لرزه های افغانستان بر شکستگیهای بزرگ انطباق دارد. یکی از مناطق فعال در سالهای اخیر از لحاظ زلزله های نسبتاً شدید حوالی گسل فعال اندرآب در شمال افغانستان است که در سال ۲۰۰۰ میلادی زمین لرزه شدیدی همراه با خسارت و تلفات در آنجا به وقوع پیوست. در سوم مارچ سال ۲۰۰۲ زمین لرزه بزرگی با شدت ۷/۴ ریشتر در بدخشان (۷۷ کیلومتری جنوب فیض آباد در روستای ارغنچ) رخ داد که در اثر آن تلفات و خسارات شدیدی در بدخشان، سمنگان، تخار، کابل و حتی در پیشاور پاکستان بوقوع پیوست. ۳۳ نفر مستقیماً در اثر زلزله در افغانستان تلف شدند و ۱۰۸ نفر در اثر لغزش زمین و مدفون شدن روستای زو در ولایت سمنگان جان سپردند و باعث تلفات و خسارات زیادی در شهر کابل گردید. این زمین لرزه نیز در زون فعال بدخشان و در حاشیه شکستگی اصلی شمال شرقی-جنوب شرقی کشور به وقوع پیوست.



۲,۲۶ آتشفشانهای افغانستان

۲,۲۶,۱ لیست آتشفشان های کواترنری افغانستان

۲,۲۶,۱,۱ گروه دشت نوار

ارتفاع 3800 متر

موقعیت: افغانستان - استان غزنه

مختصات: $33^{\circ}57'E$ $67^{\circ}55'N$?

نوع: گنبد های گدازه

آخرین فعالیت: هولوسن؟

در ۱۳۳ کیلومتری جنوب غرب کابل آتشفشان های دشت نوار قرار دارد. میدان آتشفشانی دشت نوار یکی از ۱۵ گنبد گدازه ای

جنوب غرب کابل (افغانستان) است. که در امتداد حاشیه جنوبی دشت نوار قرار گرفته است. یک زمین لرزه ۶ ریشتری در ۱۴۰

کیلومتری شرق آتشفشان در ۶ اکتبر ۲۰۰۸ رخ داده است. و آخرین فعالیت آتشفشان حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش بوده است .



احتمالاً آتشفشان های دشت نوار سن پلیستوسن (لاپارنت و همکاران ۱۹۶۵) دارد و توسط بوردت (مجمع بین المللی آتشفشان

شناسی و شیمی درونی زمین، ۱۹۷۳) به عنوان آتشفشان های جدید فهرست شده اند.

۲،۲۶،۱،۲ آتشفشان وک

افغانستان - استان وردک

موقعیت جغرافیایی: ۳۴،۲۵ N 67.97E

ارتفاع قله: ۳۱۹۰ متر

این آتشفشان در ۱۱۵ کیلومتری جنوب غرب کابل قرار دارد.

18 آتشفشان با ترکیب داسیت و تراکیت در این میدان آتشفشانی قرار دارد که شامل گنبد های گدازه ای درونزاد بوده که

احتمالاً یک کالدرای قدیمی دارد. سن آتشفشان به طور دقیق شناخته نشده است ولی سن پلیستوسن را برای آن در نظر گرفته

شده است (لاپارنت و همکاران ۱۹۶۵) و توسط بوردت (مجمع بین المللی آتشفشان شناسی و شیمی درونی زمین، ۱۹۷۳) به عنوان

آتشفشان های جدید فهرست شده اند.

گروه وک در اثر ولکانیسم نقاط داغ به وجود آمده است که متضاد با ولکانیسم جزایر اقیانوسی شرقی تر خودش می باشد. زمین

لرزه ای به بزرگی ۶ ریشتر در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرق آتشفشان در ۶ اکتبر ۲۰۰۸ روی داد.

آخرین فعالیت این آتشفشان در ۱۰۰۰۰ سال پیش بوده است.



۲,۲۶,۲ ماگماتیسم و آتشفشان فعال

اغلب سازندهای پرکامبرین تا کواترنری در افغانستان شناخته شده اند که اغلب آنها رسوبات دریایی کربنات دار با مشخصه های قاره ای هستند. ساختارهای آتشفشان زیر دریایی کمتری نیز موجود می باشد. ولکانیسم قاره ای پالئوژن، نئوژن و کواترنری در مرکز و جنوب غرب افغانستان گسترش دارد که بیش از ۵۰ مخروط آتشفشانی خاموش دارند که منطقه آتشفشانی با دو کمر بند مشخص را در بیابان های ایمن منطقه تشکیل می دهند .

میدان های ژئوترمالی افغانستان اساساً همراه با فعالیت های ماگمایی و ساختارهای برخوردی می باشند .

ماگماتیسم درونی حدود ۸٪ از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است (Musazai 1994)، و شامل سنگ هایی با دامنه زمانی گسترده از پرکامبرین تا کواترنری می باشد. شاخص های ژئوترمال در سازندهای ماگمایی پالئوژن تا نئوژن دیده شده که نتیجه برخورد قطعه گندوانا و اوراسیا در ترشیری می باشد.

که عمدتاً به صورت ساختارهای خطی ماگمایی در شمال شرق، مرکز، جنوب غرب و غرب افغانستان وجود دارند. انرژی ژئوترمال ناشی از اتاق های ماگمایی در اعماق کم تا متوسط، (با تغییرات دوره ای)، می باشد. در نزدیک توده های گرانیتی جوان بدون رگه های آپلیتی و پگماتیتی، قرار دارند.



کمپلکسهای ولکانیک وساب ولکانیک دشت نوار در غرب شهر غزنه، ترکیب داسیت-آندزیتی داشته، ومخروطهایی به قطر ۵۰۰-

۱۰۰ متر دارد که گاهی حتی به بیش از ۱,۵ کیلومتر هم می رسد. کمپلکس کربناتیتی ساب ولکانیک کربناتیتی خان نشین در

سمت چپ رودخانه هلمند، با فعالیت ولکانیک کواترنری، قطری در حدود ۷ کیلومتر داشته وتوسط یک لایه کربناتیتی کم عمق

پوشیده شده است.

کمپلکس ولکانیک کربناتیتی مالک دکان در دشت ریگستان، در کوهستان چاگای، گوشه جنوبغربی افغانستان، قطری در

حدود ۳,۶ کیلومتر دارد وبالا لایه کربناتیتی با ضخامت ۸۰۰-۵۰۰ متر پوشیده میشود.

همه کمپلکسهای ولکانیک وساب ولکانیک افغانستان، شامل آنها که بالای رود فرهرود در استان فره هستند، سن نئوژن پسین

تا کواترنری دارند (Shareq) وهمکاران (۱۹۸۰).

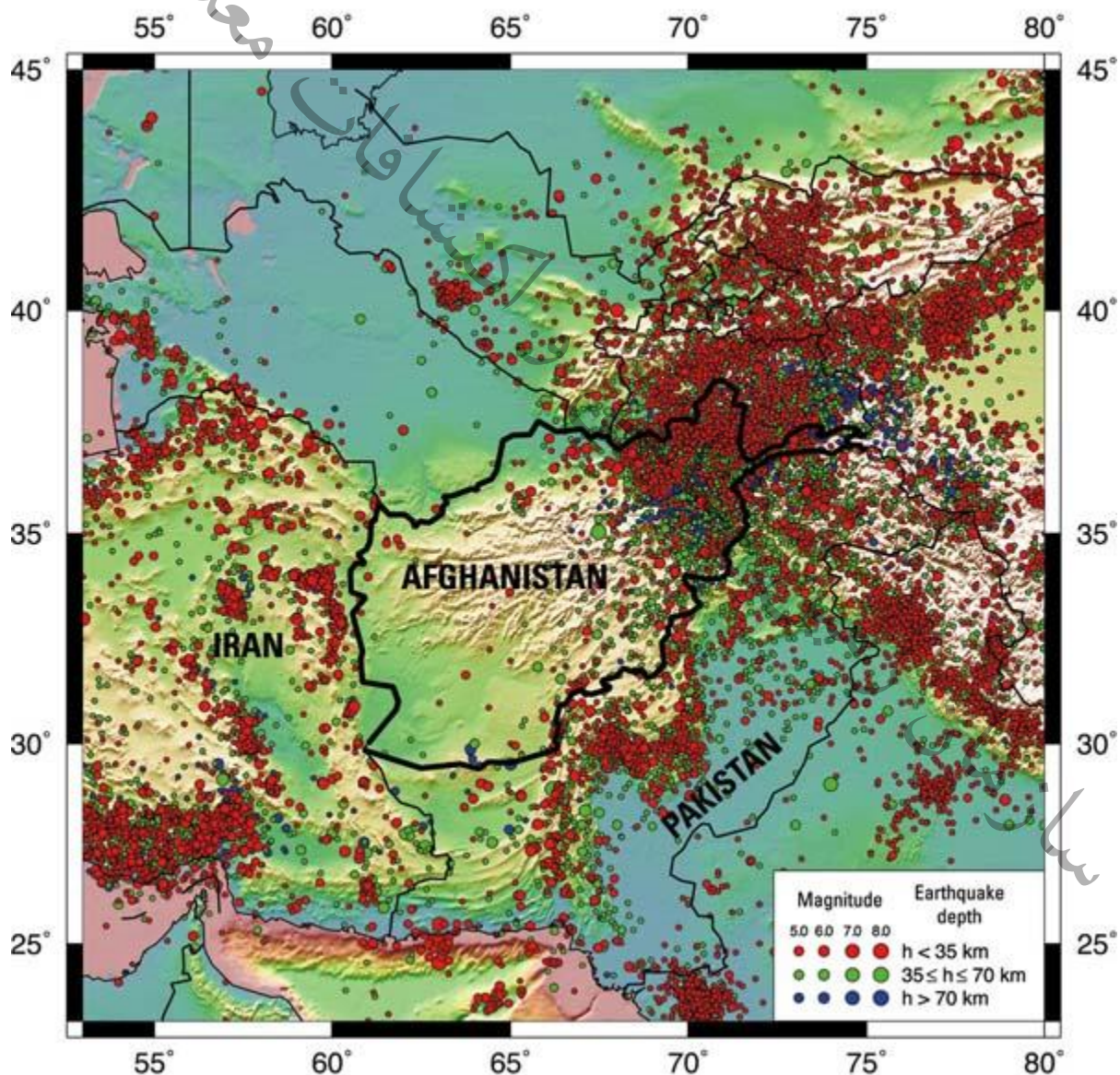


۲،۲۶،۳ نقشه لرزه زمین ساخت افغانستان

کشور

معدنی

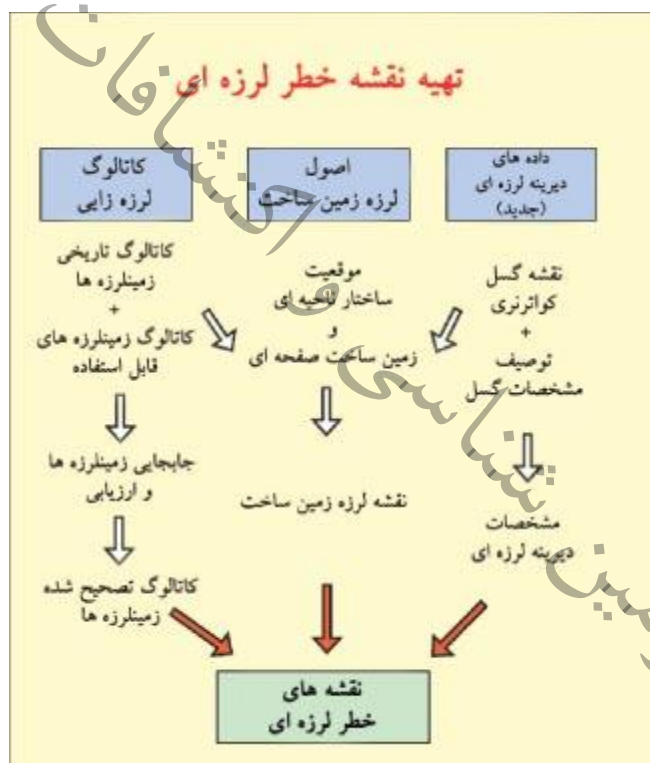
Seismicity of the Afghanistan Region





نقشه لرزه زمین ساخت، داده های مربوط به گسل های کواترنری را نشان می دهد که از طریق تجزیه و تحلیل خطر لرزه ای

گسل ها می توان نقشه های خطر را تهیه نمود.





یک نقشه لرزه زمین ساخت نمایشی از زمینلرزه ها، گسل های کواترنری، جهت یابی تنش، موقعیت زمین ساختی و دیگر اطلاعات مربوط _____ می باشد _____.

داده های لرزه زمین ساخت افغانستان، از کاتالوگ زمینلرزه های موجود، مطالعات دیرینه لرزه ای، نقشه ها و گزارش های زمین شناسی بدست می آید. این مسئله به واسطه مدل سازی از طریق گردش داده های موجود صورت می گیرد. نقشه لرزه زمین ساخت افغانستان، چارچوب ساختاری و زمین ساختی برای تفسیر پراکندگی زمینلرزه ها و گسل های با گسیختگی سطحی محسوب می گردد. نقشه لرزه زمین ساخت ابزاری به منظور تجزیه و تحلیل خطر بوده و همچنین مناسب برای دیگر دانشمندان علوم زمین است که در این زمینه پژوهش می کنند.

۲,۲۶,۴ مناطق لرزه زا و نقشه گسل های کواترنری افغانستان

مناطق لرزه زا ساختار هایی هستند که از نظر زمین شناسی فعال می باشند و باعث وقوع زمینلرزه ها می گردند. با مطالعه و بررسی این مناطق، بزرگی زمینلرزه های تاریخی مهم ($M > 6.5$) از نظر مقیاس زمانی و مکانی مشخص می شود. بسیاری از ساختار هایی که موجب بوجود آمدن زلزله های بزرگ شده اند دارای تظاهرات سطحی بوده و عموماً تشکیل گسلش یا چین خوردگی را داده اند. مطالعات تفصیلی این پدیده ها، اطلاعات جامعی را در موارد زیر فراهم می کند:



- برآورد بلند مدت سرعت حرکت

- میزان لغزش در خلال زمینلرزه های مجزا

- زمان وقوع حرکات پیشین

داده های زمینلرزه های قبل از تاریخ (دیرینه لرزه شناسی)، مکمل کاتالوگ های زلزله های تاریخی و دستگاهی می باشد. برای مثال گسل های دارای زمینلرزه هایی با بزرگی قابل توجه که زمان گزارش شده آنها صد ها تا هزاران سال است، ممکن است نسبت به موارد تاریخی با پیشینه کوتاه مدت، گسیختگی نداشته باشد. با بررسی پیشینه های لرزه ای با زمانی بیش از هزاران سال، تصویر کاملی از پتانسیل خطر ساختار های زمین شناسی در کشور افغانستان حاصل می شود.

۲,۲۶,۵ آموزش های فنی پیشنهادی

- هدف اصلی از فعالیت های USGS در کشور افغانستان، تعلیم پیشرفته کارشناسان این کشور در زمینه فرانگری لرزه ای و ارزیابی خطری می باشد . به عنوان مثال بخشی از این برنامه ها شامل موارد زیر می شود:
- آموزش متخصصان ژئوفیزیک و زمین شناسان افغان و تکنسین هایی به منظور نصب و نگهداری شبکه های لرزه ای
- بررسی های زمینی شناسایی گسل های فعال
- جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های لرزه شناسی



۲,۲۶,۶ فرانگری لرزه ای و دگرشکلی پیشنهادی در افغانستان

زمینلرزه ها و جنبش های پرخطر زمین که نتیجه مستقیم حرکات گسلی است، حاصل نیرو هایی می باشد که از اعماق درونی زمین منشا می گیرند. از طریق ارزیابی دقیق وضعیت خطر زمینلرزه ها، نوع و نرخ دگرشکلی در پوسته زمین تشخیص داده می شود. زمینلرزه ها، رهاسازی واکنشی است که حاصل ذخیره دگرشکلی های پیشرونده می باشد. شناسایی نواحی و میزان واکنش ذخیره شده، اولین مرحله در ارزیابی خطر لرزه ای محسوب می گردد.

افغانستان تقریباً دارای ۳۰۰۰ یخچال طبیعی است. بررسی های در حال انجام، تعداد، محل، اندازه (ناحیه، درازا و دیگر مشخصات مربوطه) و نیز وضعیت این یخچال ها را تعیین خواهد کرد. یخچال ها منبع اصلی آب در کشور افغانستان و تنظیم کننده میزان نفوذ آب در چرخه سالیانه و بلند مدت جریان رود ها می باشند. در زمان آب و هوای خشک، آفتابی و مواقع خشکسالی، ذوب شدن یخچال ها با سرعت بیشتری صورت گرفته و تا حدی کمبود بارش باران و آب حاصل از ذوب برف را جبران می کند. به هنگام سال های مرطوب نیز، به علت ابری بودن آسمان، ذوب یخچال ها کاهش می یابد. بنابراین نوساناتی در میزان آب رودخانه ها به وجود می آید که نتیجه آن بروز خسارت برای زمین های کشاورزی و دیگر کاربری های زمین می باشد. برخی یخچال ها به ویژه آنهایی که با واریزه ها پوشیده شده اند (بخسار های واریزه ای)، ذخیره ای بزرگ با مقادیر فراوانی از آب های ذوب شده



هستند. در زمان وقوع این حوادث، برخی از بلایای فاجعه بار طبیعی رخ می دهد. نتیجه آن طغیان دریاچه های یخچالی به صورت سیلاب ها است که می تواند خسارات سنگینی به مردم و ساختار های زیربنایی در بخش های پایین رودخانه وارد سازد. دریاچه های یخچالی بر روی و در مجاورت یخچال های افغانستان واقع شده اند که باید به نقشه در آیند و پتانسیل آنها در طغیان رودخانه ها با بهره صورت سیلاب ارزیابی گردد. تنوع داده های سنجش از دور با قدرت تفکیک زمانی/ مکانی به منظور ارزیابی این یخچال ها بکار گرفته می شود. این تنوع شامل تصاویر ASTER، لندست، عکسبرداری هوایی، Corona، Modis و AVHRR می شود. از تمامی این تصاویر به منظور ارزیابی تغییرات در وسعت یخچال ها و توده های برف باقیمانده مجاور آنها استفاده خواهد شد.

۲،۲۶،۷ ابزار های تحلیلی

ابزار های تحلیلی که در این زمینه می توان بکار گرفت شامل:

1. طبقه بندی رایانه ای برنامه ها در ارتباط با:

- پیچیدگی یخسار های واریزه ای و

- دریاچه های یخچالی دارای تمرکز بزرگی از رسوبات معلق

2. تجزیه و تحلیل شبکه Neural



۲,۲۶,۸ مراحل پیش بینی شده در آینده شامل:

- آموزش دانشمندان افغانستان در زمینه های یخسارشناسی و زمین شناسی یخسار
 - تهیه یک لیست رقومی جامع از یخسار ها در کشور افغانستان و نواحی زهکشی شده به سمت افغانستان
 - ارزیابی مخاطرات مرتبط با یخسار که ناشی از طغیان دریاچه های یخچالی به صورت سیلاب است و
 - ارزیابی منابع آبی حاصل از ذوب یخچال ها در افغانستان، به طور خاص برای توسعه نواحی شهری، کشاورزی و نیروگاه های
- مولد ب

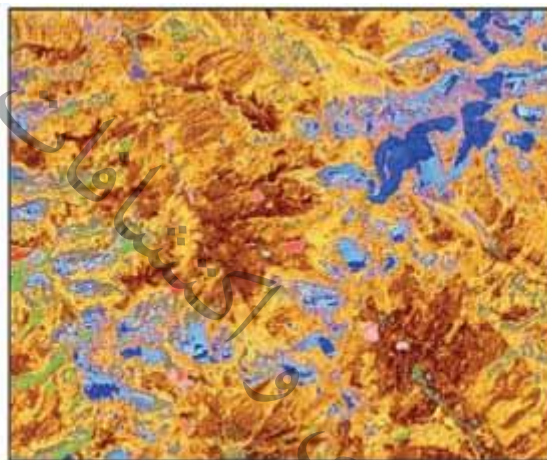
۲,۲۶,۹ وظایف ویژه

- به نقشه در آوردن برف و یخ (شامل یخسار های واریزه ای (و نیز به نقشه در آوردن آب های سطحی با بکارگیری تصاویر ماهواره های چند طیفی (ASTER) و لندست (ETM)
- تجزیه و تحلیل تغییرات یخچالی از طریق بکارگیری اخذ مکرر تصاویر ماهواره ای و مقایسه با منابع قدیمی تر داده های

مربوطه



- ارزیابی مخاطرات سیل مرتبط با یخسار
- آموزش و گسترش رشته ها از پایه (دانش آموزان افغان) تا رسیدن به مطالعات یخسارشناسی و آبشناسی یخسار
- مشارکت در مطالعات کاربردی گوناگون، شامل ارزیابی پتانسیل خسارات وارده به محصولات کشاورزی و نیروگاه های مولد برق و توسعه جوامع شهری ناشی از تاثیرات یخچالی.



۲،۲۷ انرژی ژئوترمال د به نقشه در آوردن یخسار های واریزه ای و آب های سطحی با یکارگیری تصاویر ماهواره های چند طیفی (ASTER و لندست ETM)

۲،۲۷،۱ کلیات و تاریخچه

مقدار قابل توجهی از انرژی گرمایی در داخل زمین در ماگماها و سنگهای گرم داغ محبوس شده است ، گاهی اوقات ، عمق آن یک یا دو مایل زیر سطح زمین می باشد. از یک سو، داخل زمین می تواند از بعنوان یک راکتور انرژی هسته ای طبیعی تصور شود ، زیرا گرما توسط تلاشی عناصر رادیواکتیو ایجاد می شود.



در شرایط عادی ، گرمای طبیعی زمین با افزایش هر مایل عمق افزوده می شود. جریان گرمایی که به سطح زمین حرکت می کند نشان دهنده مقدار بزرگی از انرژی حرارتی داخل زمین می باشد. این گرما به شکل لاوا ، بخار یا آب گرم به سطح زمین می آید. این گرما، انرژی ژئوترمال نامیده می شود که ژئو به معنی زمین و ترمال به معنی گرمایی باشد.

بعضی کشورها از این منبع برای سیستم های حرارتی مسکونی و ناحیه ای ، گرمای گلخانه ای برای رشد گیاهان ، میوه ها و گل ها استفاده می کنند. تصور می شود که انرژی ژئوترمال در هر جایی سرانجام استفاده شود ، این انرژی ارزان تر از نفت یا ذغال ، گاز طبیعی یا انرژی هسته ای می باشد.

برای انرژی محدود افغانستان امروزی ، ذخایر زیادی از این ذخایر تجدید پذیر برای استخراج در دسترس هستند. انرژی ژئوترمال گرمای درونی زمین است که توسط استخراج آب گرم طبیعی یا سنگهای زیرزمینی با تکنولوژی مناسب که هم اکنون وجود دارد، به مردم قابل دسترس می باشد.

ذخایر ژئوترمال حرارت بالا برای تولید برق مناسب هستند در نواحی تحت تاثیر ولکانیک یا فعالیتهای لرزه ای قرار دارند. افغانستان در چنین مناطقی واقع شده است ، جایی که ذخایر هیدروترمال می توانند سهم بالارزشی برای تولید انرژی تجدید پذیر و قابل اطمینان در ایمن کشور داشته باشند.

در افغانستان ، سیستم های ژئوترمال فعال معمولا در نواحی محوری اصلی هندوکش ، که در امتداد سیستم گسل هرات قرار دارد ، از هرات در بخش غربی این کشور تا کوری دور Wakhan در Pamirs Afghan ادامه دارد.

این ساختار نشان دهنده مرز فشاری صفحه اوراسیا و شکستگی های گندوانا است که در این مرز و در سرزمین افغانستان پیش از برخورد نهایی صفحه هند به آسیا ، به هم برخورد کرده اند .

سیستم های ژئوترمال افغانستان معمولا با شبکه های گسله و شکستگی همراه هستند ، فعالیتهای لرزه ای و ماگماتیسم جوان در



این مرکز ایجاد شده و با سیستم های گسله شاخه ای در ارتباط می باشند.

اکتشاف ذخایر هیدروترمال دما پایین تا متوسط در تمامی افغانستان گسترده شده است. پتانسیل چشمگیری برای استفاده مستقیم

از این ذخایر وجود دارد از جمله فراوری مواد غذایی ، خشک کردن میوه ها ، سرد سازی ، کشاورزی ، سرگرمی و گردشگری ، و

تعداد بی شماری صنایع محلی کوچک مقیاس ممکن دیگر .

استفاده مستقیم انرژی ژئوترمال در گرمایش مستقیم و فعالیتهای اقتصادی بسیار کم هزینه تر از استفاده از سوختهای قدیمی می

باشد. از نظر زیست محیطی، انرژی ژئوترمال بسیار پاکیزه تر است و در مقایسه با سوختهای فسیلی آلودگی هوایی کمتری ایجاد

می کند.

انرژی ژئوترمال یک انرژی باارزش ، پاک و منبع حرارت و انرژی قابل اطمینانی در افغانستان می باشد. از طریق این مطالعات ،

تلاشهایی برای ایجاد دسترسی و ارزیابی پتانسیل این ذخایر برای توسعه بخش انرژی افغانستان بعلاوه صنایع گردشگری و تهیه

مواد غذایی انجام شده است.

۲،۲۷،۲ دورنمای تاریخی

در سطح جهان ، انرژی ژئوترمال برای تولید برق و استفاده مستقیم پس از سال ۱۹۱۳ مورد استفاده اقتصادی قرار گرفت. در

جهان، میزان استفاده از انرژی ژئوترمال برای ۴۹ تتروات ساعت در سال برق و ۵۳ تتروات ساعت برای استفاده مستقیم می باشد.

برق با بخار ژئوترمال در ۲۱ کشور تولید می شود. از این کشورها ، پنج کشور ۱۰ تا ۲۲ درصد از برق شان را از انرژی ژئوترمال



بدست می آورند. به هر حال ، تاکنون، تنها بخش کوچکی از پتانسیل ژئوترمال در سطح جهان توسعه یافته است.

استفاده از ذخایر ژئوترمال در افغانستان احتمالاً با اسکان اولیه مردم در حومه تعداد زیادی از چشمه های آب گرم در دره های Hindu Kush صورت گرفت ، جایی که این چشمه ها بعنوان منبع حرارت، شستشو استفاده می شدندو آب معدنی آنها نیز

منبعی برای معالجه بود.

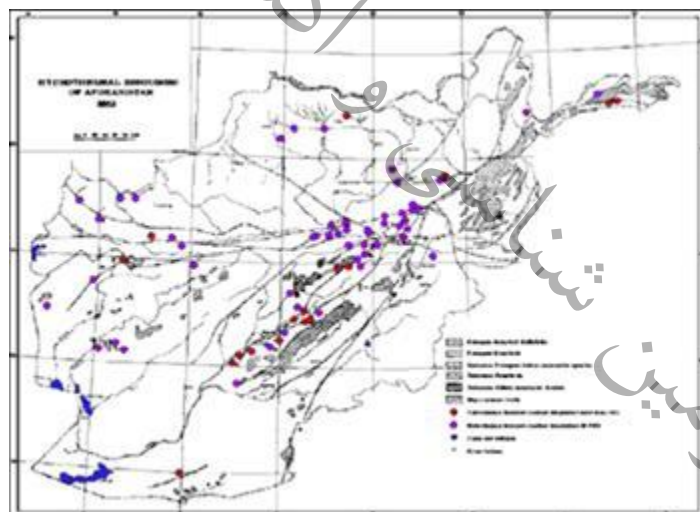
در این راه ، احتمالاً خیلی سالها پیش ، این مردم یاد گرفتند تا از خصوصیات شفابخشی آب گرم که بطور طبیعی از زمین بیرون می آمد استفاده کنند تا زندگی آسانتری برای خود ایجاد کنند. در طی آزمایشات ، آنها فهمیدند که مواد معدنی خوبی در چشمه های آنها برای درمان بیماریهایی مثل گرفتگی عضلات و بهبود جراحات ها ، از بین بردن بیماریهای پوستی و بهبود زخم ها وجود دارد.

به این دلیل تعداد زیادی از چشمه های آب گرم افغانستان بعنوان چشمه های شفابخش نامیده شدند ، که آن را مقدس می شمرند.

استفاده مدرن چشمه های آب گرم معدنی در افغانستان به دهه ۱۹۴۰ بر می گردد ، هنگامیکه تعدادی چشمه آب گرم در هرات (Obe) و (Aabe Garm) Balkh, Safed Koh و Orezgan برای اهداف درمانی توسعه یافتند. به هر حال ، کمی بعد از توسعه آنها، متروک شدند. در سال ۱۹۷۴ ، چشمه Obe در هرات برای استفاده شستشو و استحمام بازسازی شد. در همین زمان ، حمام های دیگری در چشمه های آب گرم در طول بزرگراه کابل- مزار شریف در شهرهای Pole-khumri و Hairatan ساخته شدند. بقیه چشمه های آب گرم افغانستان تاکنون توسعه نیافته اند ، اما مردم به استفاده از آنها به طریق سنتی ادامه می دهند. پتانسیل بهره برداری مدرن ذخایر ژئوترمال افغانستان مطالعه نشده است. در سال ۱۹۶۴ تلاشهایی توسط زمین شناسان شوروی با همکاری سازمان زمین شناسی افغانستان برای هدایت مطالعات سیستماتیک در باره آبهای گرم در این کشور و پتانسیل محتوای



مواد معدنی آنها برای استفاده بعنوان ابزارهای اکتشافی در جستجوی مواد معدنی انجام گرفت. در این راه، چشمه های آب گرم کربناته در دره های Kalu, Ghorband, Shina, Dara-e Soof و Istalef اکتشاف شدند. مطالعات اکتشافی آنها با پیمایش آبهای گرم و آبهای معدنی افغانستان در سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۰ به اوج خودش رسید. به هر حال، این کارها اکثراً بر روی محتوای مواد معدنی و شرایط زمین شناسی سیستم های آب های معدنی متمرکز گشت. هیچ تلاشی برای توصیف دینامیک سیستم های ژئوترمال هندوکش، یا دسترسی به ذخایر انرژی آنها انجام نگرفت. بنابراین، پتانسیل انرژی ژئوترمال وابسته به این چشمه ها در مجموع مورد چشم پوشی قرار گرفت و جزو فعالیتهای اکتشافی سازمان زمین شناسی افغانستان یا هر سازمان دیگری قرار نگرفتند.





۲،۲۷،۳ زمین شناسی

۲،۲۷،۳،۱ ساختار زمین شناسی

در زمین ، مقدار مشخصی گرما توسط اصطکاک و دیگر منابع ، در مرزهای ورقه های پوسته ایجاد می شود. ساختار افغانستان نتیجه رشد میکروپلیت های برخوردی گندوانا یا قطعات حاشیه اوراسیا در طول زمین درزهای با روند شرقی - غربی Herat-Panjshir می باشد ، که اینها گسل های امتداد لغز عمقی هستند که تا عمق ۷۰۰ کیلومتری به داخل گوشته فرورفته اند. این سیستم گسل ها و شکستگی های ساختاری اصلی در افغانستان تراوش آب به زونهای خیلی داغ در پوسته را برای تولید سیالات هیپروترمال ، را آسان می سازند.

ساختارهای مشابه در امتداد سیستم گسل Chaman-Moqor با روند شمال شرق - جنوب غرب ، سیستم گسل قوسی Sarobi-Altimore با روند شمال شرق - جنوب غرب و دیگر گسل های ثانویه در سرتاسر افغانستان بیشتر نواحی این کشور را می پوشانند ، جایی که چشمه های آب گرم در سطح زمین حضور می یابند ، ذخایر انرژی ژئوترمال با آنها همراه می باشد. حرکات نئوتکتونیک در افغانستان توسط حوادث برخوردی پس از پایان کرتاسه ، تقریباً ۶۵ میلیون سال پیش ، که در نتیجه بالآمدگی رشته کوههای هندوکش که از گوشه شمال شرقی این کشور در ایالت Badakhshan در جهت NE-SW-W تا



منتهی الیه مرز غربی این کشور در ایالت هرات ادامه دارد ، ایجاد شده ، تمام ساختار افغانستان را به سازندهای ساختمانی شمالی و

جنوبی تقسیم می‌کنند.

حرکات تکتونیکی اخیر توسط فعالیتهای لرزه ای و ژئوترمال در تمام این کشور نمایان شده است. خصوصیات دینامیکی در نتیجه

ساختارها نشان دهنده فشردگی شمالی- جنوبی و کشیده شدن در جهت شرقی- غربی می باشد.

فعالیت‌های لرزه ای در افغانستان کاهشی را از غرب به شرق همراه با فعالیت‌های لرزه ای قوی تر در شمال شرق استان

Badakhshan نشان می دهد ، جایی که بیشتر ساختارهای فعال کشور در آن واقع شده است.

هر چند فرایندهای برخوردی در افغانستان در آغاز پالئوسن (تقریباً ۵۰ میلیون سال پیش) ،طبق نظریه برخورد نهایی پلیت هند

به اوراسیا، پایان یافته است ، اما اجزای زمین ساختی افغانستان هنوز از جنوب تحت فشار هستند ، که توسط حرکات کوهزایی

پلیت هند به سمت شمال ، بالا آمده اند.این فرایندها لرزش اصطکاکی و انرژی گرمایی زیادی در پوسته این ناحیه ، بخصوص

در امتداد زمین درزه ها ، گسلها و زونهای شکسته شده ، ایجاد می کنند.

فعالیت‌های ژئوترمال به شدت با فعالیت‌های زمین در ارتباطند ، و بنابراین شدت فعالیت سیستم هیدروترمال درست هماهنگ با

شدت فعالیت این زمین فعال می باشد.

بعلت برخورد تعداد زیادی از میکروپلیت های حرکت کننده به سمت شمال به حاشیه های غربی پلیت اوراسیا، قوی ترین حرکات

نئوکومین همراه با فعالیت‌های ژئوترمال در جنوب محور اصلی هندوکش یا زمین درز Herat-Panjshir مشاهده می شود. بنابراین

بیشترین ظهور ژئوترمال در امتداد زمین درز Herat-Panjshir و سیستم گسله Chaman-Moqor در مرکز سرزمین فعال

افغانستان می باشد.



ظهور ژئوترمال در این مناطق معمولاً در سیستم های شکستگی گسل های فعال، درون گرابن یا حوضه های نیمه گرابنی و دره های گسل خورده خطی یا دره های عریض قسمت های ساختاری جنوب افغانستان مشخص می شود.

۲,۲۷,۳,۲ نواحی فعال از نظر ماگماتیسم و ولکانیسم

تقریباً همه سازندهای زمین شناسی، از سیستم های پرکامبرین تا کواترنری در ساختار زمین شناسی افغانستان شرکت دارند. معمولاً، این سازندها رسوبات دریایی با مشخصات کربن دار و قاره ای می باشند. مقدار کمتری از سازندهای ولکانیکی زیردریایی نیز وجود دارند. ولکانیسم قاره ای دوره های پالئوژن، نئوژن و کواترنری در افغانستان مرکزی و جنوب غربی ظهور یافته اند، جایی که بیش از ۵۰ مخروط آتشفشان غیرفعال از یک زون ولکانیک با دو کمربند مجزا، ناحیه وسیعی را در بیابانهای این نواحی اشغال کرده اند.

میدانهای ژئوترمال افغانستان بطور اساسی با فعالیت ماگماتیک و ساختارهای تکتونیکی برخوردی در ارتباط می باشند. علائم هیدروترمال تنها با سازندهای ماگماتیک پالئوژن - نئوژن همراه است که این سازندها در اثر فرایندهای تصادم قاره ای قطعات گندوانا و حاشیه پلیت اوراسیا در سرزمین افغانستان ایجاد شده اند. آنها معمولاً در شکل ساختارهای ماگمایی خطی در شمال، مرکز، جنوب غرب و غرب افغانستان توزیع شده اند. در این میدانهای ژئوترمال، منبع انرژی فعالیت ژئوترمال توسط مخازن ماگمایی کنترل می شود که این مخازن در اعماق کم و متوسط با زمان نفوذ

مشاهدات قابل توجه در این میدانهای نشان می دهد که بیشتر نشانه های حرارتی در افغانستان در کنتاکت های بسته با توده های گرانیتی جوانتر واقع اند که این سنگها فاقد تشکیلات رگه ای پگماتیته یا آپلیته هستند. بنابراین ، باوجود ظهور گسترده سازندهای ماگمایی در شرق افغانستان ، رخنمون سطحی، آبهای حرارتی در این ناحیه مشاهده نشده است. این نشان دهنده این است که نفوذپذیری در این سنگها توسط شکستگی ها کنترل می شود ، که این شکستگی ها قبلا توسط کانی های حاوی پگماتیت - آپلیت و کانی سازی های آلتراسیون هیدروترمال متوالی مسدود شده اند ، و باعث کاهش نفوذپذیری

811



مجموعه کربناتیتی ساب ولکانیک مخروطی در Khan-Nashin تا جناح چپ رودخانه Helmand ادامه دارد، که بیشترین فعالیت ولکانیک اخیر در افغانستان می باشد، این مجموعه دارای قطر ۷ کیلومتر با پوشش کربناتیتی بسیار کم عمق است. بهمین نحو، مجموعه ولکانیکی مخروطی کربناتیتی Malek-Dukan، در صحرای Rigestan در تپه های دامنه ای رشته کوههای Chagai-e، در گوشه جنوب غربی افغانستان واقع شده است، و دارای قطر پایه ۳،۶ کیلومتر با پوشش کربناتیتی با ضخامت ۵۰۰ تا ۸۰۰ متر می باشد. تمام مجموعه های ولکانیک - ساب ولکانیک افغانستان، شامل بالادست Farahrud در ایالت Farah، دارای سن جوانی هستند که از نئوژن پایانی تا کواترنری ادامه دارند. تعدادی از میدانهای اکتشاف شده هیدروترمال احتمالاً فاقد ذخایر آب زیرزمینی با حرارت متوسط هستند، اما سنگ گرم خشک نیز یک منبع انرژی ژئوترمال می باشد. طبق تعاریف، سنگ های گرم خشک، بطور طبیعی سنگهای پوسته ای گرم شده و ذوب نشده هستند، که در زیر سطح زمین در نواحی که گرادیان زمین گرمایی دو یا سه برابر بیشتر از حد نرمال هستند، وجود دارند. سنگهای گرم خشک به احتمال قوی در نواحی ولکانیکی و ماگمایی فعال در اعماق کم وجود دارند. دما در سنگهای گرم خشک در حدود ۱۷۷ درجه سانتیگراد در اعماق کمتر می باشد، در حالیکه در اعماق بیشتر، این گرما احتمالاً تا ۷۶۰ درجه سانتیگراد افزایش می یابد. پس از آنکه سنگها خشک شدند، هیچ انتقال انرژی گرمایی به سطح زمین صورت نمی گیرد. فرایند ساخت مصنوعی یک مخزن ژئوترمال درون سنگهای مدفون شده گرم سخت و گران می باشد، اما اگر موفق شود، پتانسیل قابل توجه و بزرگی خواهد داشت. تکتولوژی برای بهره برداری این ذخایر در کشورهای توسعه یافته موجود می باشد. با توجه فعالیتهای ولکانیک اخیر در بلوکهای ساختاری جنوب- جنوب غربی افغانستان، اکتشاف این نواحی ولکانیکی برای انرژی ژئوترمال بسیار امیدبخش می باشد.



دیگر اکتشافات مرتبط با کمپلکس های ماگمایی جوان افغانستان ، مخصوصا در اطراف سیستم های گسلی و شکستگی ها ، از نظر پتانسیل ذخیره انرژی ژئوترمال ، امید بخش و جالب توجه می باشند.

۲،۲۷،۳،۳ دینامیک فعالیتهای هیدروترمال در افغانستان

نسبت به ذخایر ژئوترمال ، انتقال انرژی درون پوسته زمین توسط جابجایی ماگما، انتقال سیالات ژئوترمال و شرایط حرارتی اتفاق می افتد.

انتقال گرما وابسته به انتقال ماگما و سیالات ژئوترمال یک فرایند نسبتا سریع است ، در بازه زمانی متغیر از روزها یا ماهها می باشد.

از سویی دیگر، انتقال دما در محیط های زمین شناسی فرایندی نسبتا آهسته است ، جایی که بازه زمانی هزاران سال برای توصیف این سیستم مورد نیاز است .

در این پروسه ، گرما از بخش های داخلی زمین به سمت مناطق سطح توسط فرایند هدایت یا رسانایی منتقل می شود ، که باعث می شود دما با افزایش عمق افزایش یابد بطوریکه به طور متوسط ۲۵ تا ۳۰ درجه به ازای هر کیلومتر عمق دما افزایش می یابد.

سیستم ژئوترمال سنگ گرم خشک با چنین هدایت گرمایی در ارتباط می باشد.

این آب که از باران یا برف تامین می شود به داخل زمین نفوذ می کند. این آبها به لایه های سنگی نفوذناپذیر می رسند. این آب



در امتداد خطوط با کمترین مقاومت منتشر می شوند تا به سیستم گسل و شکستگی های ساختارهای مجاور می رسند.

گرما از ماگمای بسیار داغ از طریق لایه های سنگی غیر قابل نفوذ به داخل مخازن حرکت می کند و آب گرم می شود. اگر آب گرم شده با تعدادی شکستگی به سمت بالا برخورد کند، چگالی آن کم و بسیار سبک می شود، و بنابراین به سمت سطح زمین بصورت آب داغ یا بخار حرکت می کند. این آب بالآمده سپس با آب سرد چگال تر تراوش شده به داخل مخزن جایگزین می شود. نهشته های آب گرم با وجود اینکه فراوان هستند، اما معمولاً موقعیت آنها در شکل چشمه های داغ یا چشمه های آب گرم تعریف می شوند.

اینها معمولاً در نواحی ولکانیکی یا زمین لرزه و در بعضی از نواحی رسوبی پنهان شده اند. بنابراین، دانش زمین شناسی و ساختار میدانهای ژئوترمال طرح اکتشافات مساعد را آسان می سازند.

دراغانستان، این طور تصور می شود که یکی از مهمترین فاکتورهای کنترل کننده در تشکیل سیستم های آب گرم فعالیتهای مداوم نئوتکتونیک است که ایجاد گذرگاهی در میان زونهای گسلی و شکستگی را در لیتوسفر در این نواحی را آسان می سازد. آنالیزهای ساختاری نشان می دهند که فعالیتهای هیدروترمال در افغانستان با گسلهای اصلی که این کشور را به دو بلوک ساختمانی کوچکتر تقسیم می کنند در ارتباط می باشد.

ذخایر فراوانی از آبهای گرم با ساختارهای واقع در نواحی پیوند سیستم های گسلی در ارتباط هستند، مثلاً مکانی در سیستم گسل عمقی Herat-Panjshir با سیستم های گسلی Moqor و Panjao قطع می شود. تعدادی از محل های تقاطع شبکه شکستگی را شکل می دهند که ناحیه وسیعی را در مرکز افغانستان احاطه می کند، کنترل کننده نفوذ پذیری ذخایر سیستم های ژئوترمال در این میدانها می باشد.

در امتداد همین شبکه ها است که سیالات ژئوترمال به سمت سطح زمین حرکت می کنند و مناظر ژئوترمال را در این کشور شکل



می دهند. فاکتور دوم در فعالیت هیدروترمال ماگماتیسیم جوان هندوکش است که انرژی حرارتی را برای ذخایر زیرزمینی

نفوذکننده در مجاورت مجموعه های نفوذی گرانیته در سرتاسر این کشور فراهم می کند. دینامیک تراوش ، مخصوصا ارتفاع

آبخیز ، نیز نقش تعیین کننده ای را بعنوان فعالیت هیدروترمال وابسته به میزان آب جوی که سیستم های هیدروترمال را تغذیه

می کند ، دارد.

در ارتفاع و عرض جغرافیایی بالا نزولات اتمسفری شامل ایزوتوپهای سبکتری از زمین های پست هستند. آنالیزهای ایزوتوپی نمونه

های آب از چشمه ها و چاهها اطلاعاتی را درباره منشأ تخلیه میدان ها ، سن آنها و فرایندهای ممکن اختلاط زیرزمینی بین آبهای

مختلف ، واکنش آب - سنگ و درباره فرایندهای جداسازی بخار آب ، را می دهند.

آنالیز ایزوتوپهای اکسیژن از پنج نمونه معرف آبهای گرم در افغانستان نشان دهنده مقدار $\delta O18$ بین ۱۰,۵- تا ۱۱,۷ می

باشد.

این موضوع دلالت بر این دارد که حجم اصلی آبهای گرم در افغانستان دارای منشأ جوی هستند، اکثرا از آبهای تغذیه کننده نسبت

به آبهای جوان بدست می آیند.

تمامی فاکتورهای فوق الذکر در تشکیل سیستم هیدروترمال افغانستان نقش دارد ، که در آن نیروهای فشار هیدرواستاتیک بالا

آبهای جوی سرد را به سمت پایین مخازن ماگمایی گرم حرکت می دهند که مشخص کننده ترکیب اصلی هیدروژئوترمال سیالات

حرارتی در ناحیه منشأ هستند.

آب گرم شده که از گازهای محلول بخصوص دی اکسید کربن غنی می باشد ، بسیار سبک تر از آب سردتر وارد شونده است ،

بنابراین حرکت به سمت بالا از طریق شکستگی ها و خلل و فرج در طبقات مختلف ، بسیاری از عناصر باقی مانده دیگر را در مسیر

حرکت به سطح به داخل محلول وارد می کند.



با توجه به ساختار ژئوتکتونیکی پیچیده و فرایندهای اندوژنیک در افغانستان ، تصور می شود بیشتر پتانسیل اکتشافی ذخایر

ژئوترمال با محل تقاطع سیستم های گسلی اصلی و ولکانیک های غیر فعال در ارتباط می باشد.

برخی بر این عقیده هستند که میدانهای ژئوترمال افغانستان غالبا سیستم های با درصد آب بالا هستند ، جایی که آب در دمای بالا

و تحت فشار هیدرواستاتیک تخلخل و شکستگی های سنگها را پر می کنند.

بنابراین ، گسل های اصلی و زونهای شکستگی ساختاری اولیه سازنده این سیستم های هیدروترمال را ایجاد می کنند ، که بر این

اساس میدانهای ژئوترمال زیر در این کشور برجسته می باشند: میدانهای ژئوترمال Helmand- ,Harirud-Badakhshan

Arghandab ,Farahrud و Baluchistan.

۲,۲۷,۳,۴ پتانسیل های ژئوترمال

۲,۲۷,۳,۴,۱ میدان ژئوترمال Hari rud-Badakhshan

این میدان ژئوترمال سازنده اصلی و محوری فعالیت ژئوترمال در این کشور است ، در سرتاسر طول زون ساختاری زمین درزی

مرکز افغانستان را تشکیل داده است.



این سیستم شامل ساختارهایی از جمله سیستم گسل عمقی Harirud، سیستم گسلی Gharghanow و سیستم گسل و شکستگی Badakhshan مرکزی می باشد. این سیستم سمت امتداد شرقی دارد، از هرات در غرب افغانستان شروع می شود، تا Pamirs، Ghorband، Panjshir، Badakhshan، Panjao و تا Pamirs در منتهی الیه گوشه شمالی این کشور ادامه دارد. از مشخصه های اصلی هیدروترمال در امتدادهای غربی این میدان چشمه های آب گرم سیلیسی نیتروژن دار در بخش Obe درایالت هرات، در ۱۲۰ کیلومتری شرق شهر هرات و ۸ کیلومتری شمال غربی شهرستان Obe و همچنین چشمه آب گرم Safed-Koh که دمای سطحی آن که در دسامبر ۲۰۰۴ اندازه گیری شده ۴۸ تا ۵۲ درجه سانتیگراد است، می باشد. در ناحیه Panjao-Bande Amir در مرکز افغانستان، چشمه های آب گرم دی اکسید کربن دار با نمک های کربنات-کلریت-کلسیم و سدیم دارای دمای سطحی ۲۴ تا ۳۵ درجه سانتیگراد و TDS 3 گرم بر لیتر هستند. PH در این آبها توسط میزان CO₂ (۴ گرم بر لیتر)، کنترل شده است، که میزان آن از ۶.۱ تا ۶.۵ متغیر می باشد. عناصر ژئوشیمیایی در این آبها شامل برلیوم، ژرمانیوم، باریوم، استرانسیوم، تیتانیوم، وانادیوم، آرسنیک، گالیوم، نیکل، کبالت، آهن و عناصر فرعی ربیدوم، سزیم، ماس، سرب و فسفر هستند.

چشمه های آب گرم در دره های Kalu و Ghorband بعلاوه چشمه های آب گرم Khwaja Qeech، Ghorghuri در مرکز افغانستان مثالهایی از بخش های مرکزی میدان ژئوترمال Harirud-Badakhshan می باشند. معمولاً، این آبها با ترکیبات کلریت-بی کربنات - سدیم یا کلریت-سدیم دارای تمرکز زیادی از عناصری مانند ژرمانیوم، برلیوم، بر، آهن، نقره، روی، سرب، باریوم، لیتیوم، روبیدوم، استرانسیوم و اسکانیوم می باشند.

کانی زایی زیادی در این آبهای گرم می تواند به میزان بالای CO₂ در محیط های هیدروژئوشیمیایی متامورفیک مرتبط باشد، که این محیط ها امکان آزاد سازی عناصر ژئوشیمیایی از سنگهای درونگیر احاطه کننده به محلول دارند. این چشمه ها، در دره



Kalu، که در ۲۰ کیلومتری شرق شهرستان Bamiyan، دارای پتانسیل امید بخشی برای جذب توریست و همچنین توسعه کارخانه برق ژئوترمال کوچک مقیاس با توانایی ۱۰ مگاوات در آینده ای نزدیک را دارند. در امتداد شرقی این میدان، در ناحیه Andarab-Panjshir و همچنین در Badakhshan و Pamirs، مقادیر کمتری هیدروترمال در سطح زمین رخمون یافته است. آنها معمولاً جزو چشمه های نیتروژن دار هستند، مثلاً چشمه های آب گرم Qala-e Saraab در Andarab و چشمه های آب گرم Bobe-Tangi و Sarghaliyan به ترتیب در نواحی Wakhan و Badakhshan قرار دارند. در مقایسه با چشمه های غربی، اینها دارای تمرکز کمتری از عناصر ژئوشیمیایی هستند. چشمه های Sarghaliyan و Bobe-Tangi نیز محتوی مقادیری از سولفید هیدروژن در محلول هایشان هستند.

۲،۲۷،۳،۴،۲ میدان ژئوترمال Helmand-Arghandab

با آبهای CO₂ و نیتروژن دار، فعالیتهای هیدروترمال در این میدان ژئوترمال با توده های گرانیتوئیدی Helmand-Arghandab در ارتباط می باشند، که از طریق امتدادهای جنوبی سیستم های گسله و شکستگی افغانستان مرکزی به محور ژئوترمال اصلی متصل شده اند. سیستم گسله عمقی Chaman-Moqor، و دیگر گروههای گسل های ثانویه، فاکتورهای ساختمانی اصلی در تشکیل این میدان ژئوترمال که بخش وسیعی از نواحی مانند Helmand، Moqor و Tirin-Azhdar در جنوب و مرکز افغانستان را تشکیل داده اند، هستند. Tirin-Azhdar دارای چشمه ای آب گرم با بالاترین تخلیه در این کشور می باشد. فعالیت هیدروترمال در اینجا



معمولا توسط چشمه های CO₂ و نیتروژن دار مشخص می شوند، که معمولا اسید سیلیسیک و مواد معدنی جامد بصورت اجزای ریز در این محل ها، می باشد.

نواحی اصلی فعالیت این میدان در نزدیکی سیستم گسلی Chaman-Moqor هستند، که با چشمه های آب گرم CO₂ دارا، غنی از عناصر آلکالین و عناصر کمیاب زمینی مشخص می شوند.

فعالیت ژئوترمال در مجاورت مجموعه گرانیتهایی Helmand-Arghandab در ناحیه Tirin-Aajar بسیار تپیک می باشد، به این دلیل که در امتداد جنوب شرقی سیستم گسله Helmand محتوای CO₂ کاهش و میزان نیتروژن و اسید نیتریک افزایش می یابد.

۲،۲۷،۳،۴،۳ میدان ژئوترمال Farahrud

این میدان در فرو رفتگی ساختاری Farahrud در جنوب غربی محور ژئوترمال اصلی در جنوب غربی افغانستان واقع شده است.

فعالیت ژئوترمال در تشکیل چشمه های هیدروترمال این میدان با سیستم گسله و شکستگی عمقی Pasaband مرتبط می باشد.

در امتداد جنوب غربی آن، به سیستم هیدروترمال نیتروژن دار میدان ژئوترمال Helmand-Arghandab متصل شده است.

آبهای حرارتی بی کربنات- کلسیم نیتروژن دار از نظر سیلیس غنی و تهی از دی اکسید کربن در این میدان ژئوترمال موجود می باشند.



۲,۲۷,۳,۴,۴ میدان ژئوترمال Baluchi stan

در منتهی الیه گوشه جنوب غربی افغانستان عوارض ولکانیکی Chagai-e در Baluchistan با مقادیر زیادی فعالیت هیدروترمال با طبیعت شور، غنی از دی اکسید کربن و کلسیم وجود دارد. دو نوع از آبهای شور که در این میدان تیپیک هستند شامل: آبهای فشرده شده غنی از کلریت- سدیم با PH ۶ تا ۶,۶، که مقادیر زیادی گاز از محلول را در سطح زمین آزاد می کنند، و در زیر نهشته های تراورتن و هالیت قرار گرفته اند؛ و آبهای گرم کلریدی با گاز محلول کم یا فاقد گاز محلول، دارای PH 8-7.8 می باشد. تصور می شود این فعالیتهای هیدروترمال با فرایندهای کربناتی پی پس از ولکانیک در این ناحیه در ارتباط هستند، که در نتیجه آن نهشته های مرمر یشمی زیبایی ایجاد شده است.

۲,۲۷,۳,۵ کاربردهای انرژی ژئوترمال

۲,۲۷,۳,۵,۱ انرژی ژئوترمال گزینه قابل پیشرفت و ماندنی

اخیرا، افغانستان بسیار وابسته به منابع انرژی خارجی می باشد، بیشتر انرژی مورد نیاز آن از ایران یا ترکمنستان به صورت برق،



گاز طبیعی و محصولات نفتی وارد می شود. مهمترین وجه اقتصادی استفاده از انرژی ژئوترمال رشد خانگی آن است. استفاده از انرژی های طبیعی و بومی وابستگی این کشور را به ذخایر انرژی خارجی کاهش می دهد. هر چند سوخته های فسیلی ذخایر ارز خارجی این کشور را کاهش می دهند و برای افغانستان بسیار پرهزینه هستند، مصرف آنها در حال رشد است و با توجه به نیازها در آینده ای نزدیک رشد آن ادامه خواهد یافت، در آینده فشار زیادی را بر کل اقتصاد وارد خواهند ساخت و محیطی شکننده در این کشور ایجاد خواهد نمود. از سویی دیگر، انرژی ژئوترمال پاک، قابل بازیافت و ذخیره انرژی دائمی و در دسترس برای افغانستان می باشد تا آن را در سرزمین خودش چه برای منبع گرما یا برای تولید انرژی برق، بهره برداری کند. اخیرا، بیش از ۶۰ کشور جهان از انرژی ژئوترمال بعنوان منبع تولید انرژی یا استفاده مستقیم استفاده می کنند.

ناحیه	انرژی برق		استفاده مستقیم	
	مگاوات	گیگاوات ساعت در سال	مگاوات	گیگاوات ساعت در سال
آفریقا	۵۳.۵	۳۹۶	۱۲۱	۴۹۲
آمریکا	۳۳۹۰	۲۳۳۴۲	۵۹۵۴	۷۲۶۶
آسیا	۳۰۹۵	۱۷۵۰۹	۵۱۵۰	۲۲۵۳۲
اروپا	۹۹۸	۵۷۴۵	۵۶۳۰	۱۹۰۹۰
اقیانوسیه	۴۳۷	۲۲۶۹	۳۱۸	۲۰۴۹
مجموع	۷۹۷۴	۴۹۲۶۱	۱۷۱۷۴	۵۱۴۲۸

انرژی ژئوترمال برخلاف انرژی خورشیدی، باد یا آب، براساس توانایی ذخیره ذاتی و ماندگار به شرایط آب و هوایی وابسته نمی باشد. سهم نسبتا بزرگ انرژی ژئوترمال بعنوان یک منبع برای تولید برق در مقایسه با انرژی خورشیدی و باد، نشان دهنده قابلیت اطمینان کارخانه های ژئوترمال است، که اکثرا دارای ظرفیت ۷۰ تا ۹۰ درصد هستند، مثلا، یک کارخانه برق ژئوترمال ۹۰



درصد موافق در دسترس و قابل اسـتفاده مـی باشـد.

از مجموع تولید برق ۲۸۲۶ تریلیون وات ساعت در سال ۱۹۹۸ از منابع انرژی قابل بازیافت در جهان، ۹۲ درصد توسط برق آبی، ۵،۵ درصد از توده های زیستی، ۱،۶ درصد از ژئوترمال و ۰،۶ درصد از باد تامین شد. و برق تولید شده توسط انرژی خورشیدی

تنها ۰،۰۵ درصد و توسط جزرومد ۰،۰۲ درصد بود.

	ظرفیت بهره برداری		تولید در سال	
	گیگاوات	درصد	تریلیون وات ساعت در سال	درصد
ژئوترمال	۸	۴۱،۷	۴۶	۶۹،۶
باد	۱۰	۵۲،۱	۱۸	۲۷،۲
خورشید	۰،۹	۴،۷	۱،۵	۲،۳
جزر و مد	۰،۳	۱،۵	۰،۶	۰،۹
مجموع	۱۹،۲	۱۰۰	۶۶،۱	۱۰۰

جدول مقایسه ای چهار منبع انرژی قابل بازیافت جدید، نشان می دهد که ۷۰ درصد از انرژی برق توسط انرژی ژئوترمال تولید

شده است، در حالیکه آن تنها ۴۲ درصد از کل ظرفیت ثابت را در اختیار دارد. در میان اینها انرژی باد ۲۷ درصد از برق را تولید

می کند، و در مجموع دارای ظرفیت ثابت ۵۲ درصد می باشد.



۲,۲۷,۳,۵,۲ انرژی ژئوترمال برای تولید برق

برق در سرتاسر افغانستان، بخصوص در نواحی روستایی دوردست در وضعیت بحرانی می باشد. ضروری است تا تلاشهایی بازسازی و توسعه اقتصادی در این کشور انجام شود.

بازسازی صنعت، کشاورزی و تولید مواد غذایی بدون تامین نگهداری برق ممکن نمی باشد. بعلاوه، افزایش قطع درختان جنگل و پسماندهای حیوانی تا حد زیادی محیط زیست این کشور را نابود می کند.

پتانسیل ذخایر انرژی ژئوترمال در افغانستان می تواند بخشی از نیازهای برق مورد نیاز را تهیه کند. تولید انرژی برق توسط انرژی ژئوترمال بسیار سودبخش می باشد و در سرتاسر جهان نسبت به کاربردهای دیگر ژئوترمال رشد بیشتری داشته است. برق در ۲۱ کشور از بخارات ژئوترمال تامین می شود، که آمریکا در سال ۱۹۹۹ با تولید ۲۲۲۸ مگاوات بزرگترین تولید راداشت. در فیلیپین، در حدود ۲۲ درصد برق با بخارات ژئوترمال تولید می شود.

دیگر کشورهایی که ۱۰ تا ۲۰ درصد برق شان را با انرژی ژئوترمال تامین می کنند شامل کاستاریکا، السالوادور، ایسلند و نیکاراگوئه می باشند. اخیراً تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته مانند ترکیه، کنیا، تایوان، شیلی و Tibet در چین نیز در حال توسعه دانهای ژئوترمال شان می باشند.

برای تولید برق از آب های گرم ژئوترمال، دو شرط لازم می باشد: تکنولوژی کافی و وجود آب حرارت بالا یا بخار. در حال حاضر، تکنولوژی موثر و پایدار در افغانستان برای تولید برق ارزان قیمت از طریق ذخایر ژئوترمال به آسانی در دسترس می باشد.

در ضمن، ساختار تکتونیکی افغانستان نشان دهنده حضور سیستم های چرخشی آب گرم بسیار در زیر زمین می باشد. اما تنها تحت شرایط معینی از عمق، دما و شیمی امکان دسترسی به این سیستم ها وجود دارد، شرایطی که باید اکتشافات آینده متقبل



شوند.

در برنامه ریزی برای یک کارخانه برق ژئوترمال ، به سوال های زیر پاسخ داده شد: چه مقدار بخار می تواند از میدان استخراج شود ، چه مدت بخار دوام دارد ، و حفاری باید کجا انجام گیرد؟ هنگامیکه چاههای آب گرم دما پایین باشند، یک سیستم چرخه

مضاعف باید تا سیستم های

این سیستم ها جایی که سیالات ژئوترمال تنها به سختی کانی زایی کرده اند ، استفاده می شود. بعلاوه ، هزینه این سیستم ها بیشتر از سیلیکون های بخار ساده و سیستم توربین می باشد. به هر حال آبهای حرارت پایین می توانند با قابلیت اقتصادی زیاد برای اهدافی غیر از تولید برق به کار رود.

۲,۲۷,۳,۵,۳ انرژی ژئوترمال برای استفاده مستقیم

تکنولوژی های ژئوترمال برای استفاده مستقیم معمولا از آب ژئوترمال داغ برای کاربردهای اقتصادی استفاده می کنند. افغانی ها خواص دارویی و درمانی چشمه های آب گرم ، مخصوصا انرژی درمانی آن برای پوست و ورم های روماتیسمی ، را می دانند. شستشوی دارویی و حمام های آب گرم بخش مهمی برای توسعه های مدرن تعدادی از چشمه های آب گرم شفا دهنده در این کشور است. این توسعه دارای پتانسیل برای بهبود استاندارد زندگی و رفاه مردم افغانستان می باشد ، و در ضمن هزاران شغل دائمی جدید ایجاد می نماید.

افغانستان نیاز به حفظ تعدادی از ذخایر ژئوترمال جدیدش در حالت طبیعی و استفاده از آنها تنها برای سرگرمی و صنعت



گردشگری دارد. بنابراین ، بیشتر ذخایر شناخته شده برای توسعه در دسترس می باشند. به هر حال ، ذخایر کم عمق مناسب برای پمپ های حرارتی در هر قسمت این کشور در دسترس می باشد.

کشور
اجتشافات معدنی

۳ منابع

ShraghAbdullah and others 1980. *Geology & mineral resources of Afghanistan*
Gemstones of Afghanistan by Bonita E. Chamberlains and G.W.Bawersox(1995).
[www. CIA.gov](http://www.CIA.gov)*www.cageo.com*www.Lcw2.gov*www.Lib.utexas/maps
Country's backgrounds and profiles at ed_u.com
<http://www.bgs.ac.uk/afghanminerals>)Afghanistan Geological Survey

February 2002, "Schindler, J. Stephen. *Geo times*, "Afghanistan, *Geology in a Troubled land*
 p14-18

Courtesy of Bill)*Journal of petroleum Geology: Petroleum Geology of Afghanistan, Part1 and*
Letter No. 117, October 1, 2001and Osten, Houston Geological society): Internet Geology News
No. 118, October 8, 2001



and I. A. Gusav, The logar Abdullah Shareq, v. N. Voinov, E. B. Nevretdinov, L. V. Kubatkin
filed (east Afghanistan), Tectonophysics, 62 ultrabasite massif and its reflection in the magnetic
δ-۱ (1980)

معمد، احمد، زمین شناسی عمومی، ۱۳۷۹، ویرایش ۴، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۴۷۷ صفحه.

افغانستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار، جلد اول، چاپ کابل

رضائیان، علی، اصول مدیریت، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ، ۱۳۸۴ ش، ص ۷

برگرفته از مقاله مدیریت بحران سازمانی، حمید رضا رضوانی، تدبیر شماره ۱۷۰ سال هفدهم تیر ۸۵

علاقه بند، علی، مدیریت عمومی، روان، چ دوم، ۱۳۸۳، تهران، ص ۷۷

سایت اینترنتی کابل پرس، ۲۸ ژوئن ۲۰۰۶

<http://www.nawaaye-afghanistan.net>

<http://www.nawaaye-afghanistan.net>.

<http://www.afghanistan.ru>.

<http://alavigeo.blogfa.com>.

<http://alavigeo.blogfa.com>.

<http://www.afghanpaper.com>..

<http://www.afghanpaper.com>.

<http://alavigeo.blogfa.com>.

<http://fikri6.blogfa.com>.

<http://www.nawaaye-afghanistan.net>.

اخبار فارکس <far@ifcmarkets.com <far@ifcmarkets.com

<http://www.aftab.ir>



ایرنا، گروه سیاسی رادیو دری، موضوع : سرنوشت بازسازی در افغانستان

<http://www.paymanemeli.com> /

ایرنا، گروه سیاسی رادیو دری، موضوع : سرنوشت بازسازی در افغانستان

کشور
سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی